

فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

۴۹

سال دوازدهم - شماره چهارم - پیاپی چهل و نهم - زمستان ۱۴۰۲

اعضاء هیئت تحریریه

دکتر غلامرضا جمشیدیها
دکتر محمدباقر خرمشاد
دکتر سیدمحمد حسینی
دکتر بهرام بیات
دکتر ابراهیم فیاض
دکتر حمید پارسانیا
دکتر سید سعید زاهد زاهدانی
دکتر حسین بستان (نجفی)
دکتر عبدالحسین کلانتری
دکتر غلامرضا تاجبخش

نشانی: میرداماد، مصدق (نفت) شمالی، بین کوچه چهارم و ششم، پلاک ۱۰.
کدپستی: ۱۵۹۱۸۱۶۹۱۱ تلفن: ۲۲۲۵۸۹۲۱ نمابر: ۲۲۲۵۸۹۲۱
وبسایت: <http://rahbordfarhangi.csr.i>
پست الکترونیک: rahmagiran@gmail.com
قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

این فصلنامه به استناد نامه شماره ۹۰/۲۵۵۹۵ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۴ هیئت نظارت بر مطبوعات منتشر می‌شود.

به استناد نامه شماره ۳۵۱۱/۱۸/۲ مورخ ۹۲/۰۳/۱۲ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی دارای مرتبه علمی - پژوهشی است.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

www.isc.gov.ir	پایگاه استادی علوم جهان
www.sid.ir	مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی
www.magiran.com	بانک اطلاعات نشریات کشور
www.csr.ir	پژوهشکده تحقیقات راهبردی
www.ensani.ir	پرتال جامع علوم انسانی
www.civilica.com	مرجع دانش
www.noomags.ir	پایگاه مجلات تخصصی نور

بسم الله الرحمن الرحیم



پژوهشکده تحقیقات راهبردی

صاحب امتیاز

پژوهشکده تحقیقات راهبردی
مجمع تشخیص مصلحت نظام

مدیر مسئول

دکتر محمدرضا مجیدی

سرمدیر

دکتر غلامرضا جمشیدیها

جانشین سرمدیر

دکتر ایمان عرفان منش

مدیر داخلی

دکتر مریم فخری

صفحه‌آرا

رضا عبداللهی بجندی

ویراستار

رضا دبیا

شاپا: ۷۰۸۱-۲۲۵۱

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۵X

تیراژ چاپی: ۱۵۰ نسخه

انتشارات

پژوهشکده تحقیقات راهبردی

• اهداف فصلنامه

۱. ایجاد زمینه برای انتشار مقالات علمی - پژوهشی در حوزه مسائل فرهنگی - اجتماعی کشور؛
۲. مساعدت به نظام سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری فرهنگی - اجتماعی کشور؛
۳. اشاعه و توسعه ادبیات مطالعات راهبردی و سیاست‌گذاری در میان محققان و پژوهشگران علوم اجتماعی؛
۴. ایجاد زمینه برای پیوند تحقیقات و مطالعات اجتماعی و فرهنگی با حوزه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری کشور؛
۵. ارتقای کیفیت راهبردها و سیاست کلان کشور در حوزه‌های فرهنگی - اجتماعی

• راهنمای تدوین مقاله و شرایط پذیرش آن در فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی به‌منظور ایجاد زمینه برای انتشار مقالات علمی - پژوهشی در حوزه مسائل اجتماعی و فرهنگی کشور، تازه‌های پژوهشی صاحب‌نظران این حوزه را منتشر می‌کند تا در دسترس علاقه‌مندان قرار گیرد.

مقالات ارسالی باید شرایط زیر را دارا باشند:

الف) شرایط علمی

۱. مقاله باید دارای اصالت و نوآوری (Original research)، تحلیلی و نتیجه‌کاوش‌های نویسنده یا نویسندگان باشد.
۲. در نگارش مقاله باید روش تحقیق علمی رعایت شود و از منابع معتبر و اصیل نیز استفاده شده باشد.
- توضیح: مقاله پس از دریافت، نخست در هیئت تحریریه بررسی و ارزیابی می‌شود و در صورت داشتن شرایط لازم، برای داوران ارسال می‌گردد. پس از وصول دیدگاه‌های داوران، نتایج و امتیازات کسب شده، در هیئت تحریریه مطرح می‌شود و در صورت کسب امتیازات کافی و پذیرش آن، در نوبت چاپ قرار می‌گیرد.

ب) شرایط نگارش

۱. مقاله باید از جهت نگارش، ساختاری محکم و استوار داشته باشد و اصول فصاحت و بلاغت در آن رعایت شود.
۲. عنوان مقاله باید کوتاه و گویا باشد.
۳. نام مؤلف یا مؤلفان همراه با درجه علمی، نشانی محل کار و نشانی اینترنتی (Email) ذکر شود (ذکر شماره تلفن مسئول مکاتبات نیز لازم است).
۴. چکیده فارسی حداکثر پانزده سطر (۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه) باشد.
۵. کلیدواژه فارسی حداکثر شش کلمه باشد.
۶. مقاله باید دارای مقدمه روشن و دقیق باشد چنانکه خواننده را برای ورود به مبحث اصلی آماده سازد.
۷. بیان پیشینه تحقیق از شرایط مقاله است.
۸. در متن اصلی مقاله باید موضوع به‌طور روشن تحلیل شود.
۹. مقاله باید دارای نتیجه‌گیری دقیق باشد.
۱۰. چکیده انگلیسی حداکثر پانزده سطر (۱۵۰ تا ۲۰۰) کلمه باشد.
۱۱. کلیدواژه انگلیسی حداکثر پنج کلمه باشد.
۱۲. نام نویسنده و درجه علمی و محل کار به لاتین ذکر شود.
۱۳. ارجاعات متن باید داخل پرانتز به ترتیب نام نویسنده، سال و صفحه ذکر شود؛ مثال: (زرین کوب، ۱۳۷۲، ص. ۲۵۴) (Giddens, 2009, p. 14).
۱۴. منابع و مأخذ پایانی باید به ترتیب زیر ذکر شود:

الف: کتاب: نام خانوادگی (شهرت)، نام (سال انتشار)، نام کتاب. نام مترجم یا مصحح، شهر محل نشر: نام ناشر.

ب: نشریه: نام خانوادگی (شهرت)، نام (سال انتشار)، عنوان مقاله، نام نشریه، دوره (شماره)، صفحات مقاله (۲۵-۴۵).

ج: مجموعه مقالات: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان مقاله، نام گردآورنده یا ویراستار، نام مجموعه مقالات، محل نشر: نام ناشر، شماره صفحات مقاله (۲۵-۴۵).

د: سایت‌های اینترنتی: نام خانوادگی، نام (آخرین تاریخ)، عنوان موضوع: نام و نشانی اینترنتی به صورت ایتالیک.

ه: لوح فشرده: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان، نام لوح فشرده، محل نشر، نام ناشر

۱۵. مقاله باید حداکثر ۲۵ صفحه و هر صفحه در ۳۳ سطر تنظیم شود.

۱۶. مقاله باید از طریق سایت فصلنامه ارسال شود.

۱۷. اسامی خاص و اصطلاحات لاتین و ترکیبات خارجی بلافاصله پس از فارسی آن داخل پرانتز در متن مقاله ذکر شود.

۱۸. مقالات مستخرج از پایان‌نامه باید تأیید استاد راهنما را همراه داشته باشد.

۱۹. مقالات ارسالی به‌هیچ‌وجه برگردانده نمی‌شود.

۲۰. مقاله نباید در هیچ مجله یا همایشی ارائه شده باشد.

یادآوری: مجله در پذیرش یا نپذیرفتن مقاله همچنین ویراستاری آن آزاد است.

دریافت مقاله از طریق سایت فصلنامه انجام می‌گیرد.

یادآوری: مشخصات تمامی نویسندگان در بخش مورد نظر در سایت ذکر شود.

راہبرد اجتماعی فرهنگی

سال دوازدہم - شماره چہارم - پیاپی چہل و نہم - زمستان ۱۴۰۲

فهرست مطالب

الزام‌های اجتماعی - فرهنگی تمدن‌سازی انقلاب اسلامی: تحلیل محتوای بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

مصطفی لطفی جلال‌آبادی و علی فرهادی / ۱۱۴۹

نقش شاخص‌های توسعه‌ای در تحولات و سیاست‌گذاری جمعیتی: با تأکید بر ایران

اصغر میرفردی / ۱۱۸۱

آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری در ایران؛ با تأکید بر امر اجتماعی

محمدتقی ضرغام افشار، سینا شیخی و کمیل قیدرلو / ۱۲۲۱

پیش‌بینی جمعیت و تحلیل پویا از تحولات ساختار جمعیتی در ایران: رویکرد سیستم‌های پویا

(سال ۱۳۵۵ الی ۱۴۵۵)

عمران قیصر، سیما اسکندری سبزی، علی سلمان‌پور زنوز و سیدیوسف حاجی اصغری / ۱۲۵۱

شناسایی الگوی ذهنی متخصصان نسبت به تأثیر عوامل قومی در فرایند نمانام ملی

سجاد کردانی، زهرا خرازی محمودوندی‌آذر و محمد سلطانی‌فر / ۱۲۸۳

مطالعه تطبیقی مقوله‌ها و موضوع‌های ترویج علم در فضای مجازی؛ مطالعه موردی تارنماهای

اینترنتی ایران، آمریکا و مالزی

مجید سلیمانی ساسانی / ۱۳۱۱

بررسی جامعه‌شناختی فرصت‌ها و محدودیت‌های تنوع قومیتی مؤثر بر احساس تعلق به اجتماع ملی

(مورد مطالعه کلانشهر اهواز)

بهرام سروستان، احمد آذین و سید ناصر حجازی / ۱۳۴۷

ارزش معنوی کار و کسب درآمد در فرهنگ قرآن با رویکرد فقهی اخلاقی - تربیتی

احسان خلیلی / ۱۳۸۹

سیاست‌های ژاپن در مواجهه با سالخوردگی جمعیت: درس‌هایی برای ایران

ناهید پوررستمی، رقیه رهبری‌فرد، موزان لرکلانتری و فاطمه ترابی / ۱۴۱۴

مطالعه کیفی مسئله هویت، تعارض هویتی و عوامل مؤثر بر آن در دختران نوجوان (متوسطه اول و دوم)

مریم سلگی و زینب شهبازی / ۱۴۵۱

ازدواج ناهم‌ساز؛ زمینه‌ها، پیامدها و راهکارها

اسماعیل جهانی دولت‌آباد، طاه‌ا عشایری و حسین حیدری / ۱۴۹۷

بررسی شاخص‌های اجتماعی و فردی موفقیت کارآفرینان حوزه صنایع فرهنگی و خلاق با تأکید بر

بند ۱ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی (شرکت‌های دانش‌بنیان)

پرستو کنی و مریم فخری / ۱۵۳۳

الزام‌های اجتماعی - فرهنگی تمدن‌سازی انقلاب

اسلامی: تحلیل محتوای بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

مصطفی لطفی جلال‌آبادی

استادیار مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت دانشگاه هوایی شهید ستاری، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
lotfi200988@yahoo.com

0000-0003-0344-2536

علی فرهانی

استادیار مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت دانشگاه هوایی شهید ستاری، تهران، ایران.
ali_farhadi92@yahoo.com

0000-0002-2136-7325

چکیده

بر اساس فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) دستیابی به تمدن اسلامی، فرایندی قابل شناسایی است که در آن تشکیل نظام اسلامی، دولت اسلامی و امت اسلامی، مقدمه دستیابی به تمدن نوین اسلامی است و فرهنگ نقش مهمی در ایجاد آن دارد. در این راستا، هدف از انجام پژوهش حاضر شناسایی الزام‌های اجتماعی - فرهنگی تمدن‌سازی انقلاب اسلامی می‌باشد. این پژوهش کاربردی و با روش کیفی انجام شده است. رهنمودها و تدابیر رهبر انقلاب اسلامی مرتبط با موضوع پژوهش وارد نرم‌افزار مکس. کیو. دی. ای. شد و به روش تحلیل مضمون تجزیه و تحلیل گردید. الزام‌های اجتماعی - فرهنگی شناسایی شده در هفت مقوله دسته‌بندی شدند: استفاده از مدیریت جهادی، توسعه سبک زندگی اسلامی، توسعه علمی، حفظ آرمان‌های انقلاب، دفع تهدیدها، عدالت‌محوری و مبارزه با فساد، پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی. توجه به موارد اشاره شده می‌تواند در سیاست‌ها و راهبردهای کلان مورد توجه مسئولان و تصمیم‌گیرندگان قرار گرفته و باعث توسعه و تمدن‌سازی انقلاب اسلامی شود.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ، سیدعلی خامنه‌ای، اجتماعی، تمدن‌سازی، انقلاب اسلامی.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵X-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

CC BY 4.0

doi 10.22034/SCS.2023.315916.1214

مقدمه و بیان مسئله

در عصر حاضر، تکوین تمدن نوین اسلامی یکی از اساسی‌ترین موضوع‌هایی است که ذهن بسیاری از اندیشمندان در داخل و خارج از کشور را به خود مشغول کرده است (فرمهینی، ۱۳۹۵). بررسی ادوار تاریخ در گذشته نشان می‌دهد که دین مبین اسلام از ظرفیت بالایی برای تمدن‌سازی برخوردار است. چنانچه در قرن چهارم و پنجم، تمدن اسلامی بسیاری از تمدن‌های قدرتمند آن زمان را در خود ذوب کرد؛ اما با گذشت زمان به دلیل مسائل داخلی و خارجی افول کرد. اسلام در گذشته نوعی فرهنگ متعالی را پایه‌ریزی کرد که با جان‌مایه‌های فطری و انسانی خود، در مدت کوتاهی توانست در سایه فرهنگ متعالی خود قله‌های ترقی، علم و دانش را فتح کرده، جهان‌شمول شود، ظرفیت‌های تمدنی اسلام که عامل اصلی شکوفایی و اوج‌گیری تمدن اسلامی بود تأکید بر علم‌آموزی، اهتمام به علوم عقلی، خودباوری و آزاداندیشی و اجتناب از تعصبات خشک، توان تحمل افکار مخالف، تولید و گسترش علم و کتابت بود (فولادی و حسینی، ۱۳۹۸). بررسی فعالیت‌ها و اقدام‌های دولت‌ها و حکومت‌ها در گسترش یک دین یا مذهب و یا ایجاد و گسترش فرهنگ و تمدن اهمیت زیادی دارد. از جمله حکومت‌های شیعی در طول تاریخ حکومت سربداران و مزیدیان بودند که نقش مهمی در شکوفایی تمدن اسلامی داشتند. پیروزی انقلاب ایران با هدف گسترش عدالت - نفی ظلم و ستم - حمایت از ستم‌دیدگان و مظلومان و نفی استکبار (صالح اصفهانی و دیگران، ۱۳۹۹) در سراسر جهان اسلام، یک افسون و جذبه اسلامی را در مردم ایجاد کرد. مردمی که از عظمت قدرت خود بی‌اطلاع بودند (قاسمی، ۱۳۹۷) باعث شد در ساختار و کارکرد نظام بین‌الملل، تغییر و تحولاتی اساسی ایجاد کنند؛ از جمله شکل‌گیری جنبش عدم تعهد، انقلاب‌های عربی و همچنین جبهه‌ای تحت عنوان جبهه مقاومت (محمودی رجا و دیگران، ۱۳۹۷). پیروزی انقلاب اسلامی سرآغاز فرایندی بود که با هدف بنای تمدن اسلامی اتفاق افتاد؛ البته این تمدن در سده‌های قبل در دوره صفویه، عثمانی‌ها و گورکانیان هند رونق گرفته بود (ذوعلم و پیرچراغ، ۱۳۹۹)؛ اما پیروزی انقلاب اسلامی فرصتی برای بروز و ظهور عینی حقایق تمدن اصیل اسلامی فارغ از آلودگی‌های دیکتاتوری و وابستگی بوده است. در همین راستا مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به کرات بر تکامل انقلاب اسلامی تا رسیدن به تمدن نوین اسلامی تأکید کرده‌اند: «ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله بعد تشکیل دولت

اسلامی است، مرحله بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله بعد تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است. ما امروز در مرحله دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم». براین اساس تمدن نوین اسلامی فرایندی پنج‌مرحله‌ای است که عبارت است از: الف) انقلاب اسلامی، ب) نظام اسلامی، پ) دولت اسلامی، ت) کشور اسلامی، ث) دنیای اسلامی. در بیانیه گام دوم نیز از خودسازی جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی نام برده شده است. «دهه‌های آینده دهه‌های شما است و شما که باید کارآزموده و پرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هر چه بیشتر به‌عنوان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) است نزدیک کنید و از تجربه‌ها درس گرفت» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷، ص. ۴). تمدن نوین اسلامی پیشرفت همه‌جانبه‌ای است که ضمن پاسخگویی به نیازهای طبیعی و مادی انسان‌ها، بعد معنوی و روحی آنان را به سمت کمال و سعادت راهنمایی می‌کند و حاکی از تغایر ماهوی با تمدن غربی است که در قامت اسلامیت ظهور یافته و بیانگر اختلاف در مبانی و غایات با تمدن غربی است (فولادی و حسینی، ۱۳۹۸).

با توجه به حاکمیت تمدن غربی، مدل تمدن اسلامی باید در خرد، عینیت یافته و پس از پختگی از طریق ارائه نمونه، بتواند به‌عنوان یک الگو در یک فرایند منطقی و طبیعی به گفتمان غالب تبدیل گردد. بدون تردید الزام‌های اجتماعی - فرهنگی، یک مؤلفه منحصربه‌فردی در تمدن اسلامی محسوب می‌گردد که این موضوع سبب تمایز با فرهنگ غرب شده است. این وجه تمایز دارای مؤلفه‌ها و شاخصه‌هایی است که توانایی مقابله با نظم و تمدن مسلط غربی را فراهم نموده است و ضرورت دارد که جهت رسیدن به دولت اسلامی و تمدن اسلامی ابعاد آن مشخص گردد. در متون علمی پیرامون انقلاب اسلامی، هر چند به مواردی از قبیل ریشه‌ها، علل و عوامل وقوع انقلاب، موانع و چالش‌های آن و نیز چشم‌انداز آتی انقلاب پرداخته شده است، لیکن در خصوص الزام‌های اجتماعی - فرهنگی جهت تمدن نوین اسلامی آن پژوهشی انجام نشده است؛ لذا ضروری است با توجه به تأکیدهای مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بر رسیدن به تمدن نوین اسلامی پژوهش‌های کاربردی در این خصوص انجام گیرد.

۱. اهداف و سؤال‌های پژوهش

با توجه به اینکه هدف از این پژوهش: شناسایی الزام‌های اجتماعی - فرهنگی تکامل

انقلاب اسلامی برای تمدن‌سازی از نظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) می‌باشد، سؤال‌های پژوهش به‌صورت زیر بیان می‌شود:

۱-۱. سؤال اصلی

الزام‌های اجتماعی - فرهنگی تکامل انقلاب اسلامی برای تمدن‌سازی از نظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) کدام است؟

۲-۱. سؤال‌های فرعی

۱- مؤلفه‌های تمدن اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) کدام است؟

۲- الزام‌های اجتماعی - فرهنگی تمدن‌سازی انقلاب اسلامی از نظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) کدام است؟

۳- اولویت الزام‌های اجتماعی - فرهنگی تمدن‌سازی انقلاب اسلامی از نظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) کدام است؟

۲. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های مختلفی در خصوص الزام‌های تمدن‌سازی انجام شده است. نتایج برخی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تمدن در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول (۱): خلاصه پیشینه تجربی پژوهش

ردیف	پژوهش	عوامل مؤثر بر تمدن
۱	جاویدی، ۱۴۰۱	کارآمدی دولت در زمینه مشروعیت الهی، مقبولیت مردمی نظام، اجرای قانون اسلام در جامعه و بر پایه ساختار، فرایند و نحوه تعامل و کنش دولت و کارگزاران در عرصه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، تقنینی و قضایی و نیز رعایت ویژگی‌های اخلاقی و مدیریتی مسئولان در برطرف کردن و یا مقابله با موانع درونی و بیرونی
۲	صدری‌فر و مولوی، ۱۴۰۰	خودباوری و عزتمندی در جامعه، تقویت اراده اجتماعی، آرمان‌گرایی و آرمان‌خواهی جامعه، استقامت، محیط امن، ارزشمند بودن کار و ارتباط معرفت با دیگر جوامع و ملل
۳	نجات‌بخش اصفهانی و قریشیان، ۱۴۰۰	فناوری
۴	ابراهیمی کوشالی و	الزام‌های تمدن‌سازی دانشگاه‌ها هستند که دارای کارکردهایی ازجمله

ردیف	پژوهش	عوامل مؤثر بر تمدن
	حیدری، ۱۴۰۰	ایجاد و پرورش قوه عاقله کشور، مراکز تربیت نیروی کارآمد و صالح، زمینه‌سازی رشد علمی مبتنی بر جنبش نرم‌افزاری و شکستن جزمیت‌های برخاسته از علوم غربی، بسترسازی برای نواندیشی علمی و تولید دانش جدید
۵	مختاری، ۱۳۹۹	وحدت اسلامی، اقتدار اسلامی، بصیرت اسلامی، استقلال و آزادی اسلامی
۶	عزتی و دیگران، ۱۳۹۹	بعد نرم‌افزاری (فرهنگ عمومی و سبک زندگی)، بعد سخت‌افزاری (تعالی علمی، تعالی اقتصادی، تعالی سیاسی و تعالی نظامی)
۷	درودی و دیگران، ۱۳۹۹	آنتی‌تزه‌های تمدن‌سازی انقلاب اسلامی در حوزه‌های علمیه عبارت‌اند از: تضعیف منزلت اجتماعی، استحاله ارزش‌ها و مبانی انقلاب اسلامی، ناکارآمدسازی حوزه‌های علمیه در مدیریت مسائل اجتماعی، تقویت جبهه‌ها و جریان‌های مخالف در حوزه‌های علمیه، ابهام‌افزایی، فقدان هوش راهبردی و گسترش و ترویج واپس‌گرایی در حوزه‌های علمیه
۸	پرورش، ۱۳۹۸	اربعمین ظرفیت‌های بزرگی ازجمله مذهبی، فرهنگی، سیاسی و... برای تمدن‌سازی دارد که مهم‌ترین آن همگرایی جوامع اسلامی می‌باشد چراکه پیاده‌روی اربعین مختص یک مذهب یا فرقه نمی‌باشد بلکه خیل عظیمی از مردم تحت لوای پرچم اسلام در آن حضور دارند
۹	فولادی و حسینی، ۱۳۹۸	تمدن نوین اسلامی بر دو بُعد اتقان و جامعیت استوار است. مؤلفه اتقان تمدن اسلامی، توحیدمحوری، فطرت‌محوری، قانون‌مداری، عقلانیت و دانش‌گستری و مؤلفه‌های جامعیت آن بر مؤلفه‌های نظام‌سازی و تربیت نیروی انسانی، عدالت‌خواهی، آزادی‌خواهی، استقلال‌طلبی، آرمان‌گرایی و امت‌سازی مبتنی است
۱۰	بهشتی، ۱۳۹۷	از نظر امام خمینی مؤلفه‌های تمدن اسلامی عبارت‌اند از: دانش، پیشرفت و رفاه، معنویت، امنیت، سیاست، امت اسلامی و وحدت اسلامی و اینکه تمدن اسلامی مبتنی بر منظومه فکری امام خمینی توحیدمحور است و اگر علم و فناوری و پیشرفت مادی با مدیریت عقل و وحی باشد، جامعه رو به تکامل و تعالی خواهد رفت و چنانچه با مدیریت حق و وحی نباشد، جامعه رو به انحطاط می‌رود
۱۱	خواجehسروی و دیگران، ۱۳۹۳	تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی
۱۲	روح‌الامینی، ۱۳۷۹، ج ۵	علوم، اعتقادات و هنرها، اخلاق، قوانین، آداب و رسوم، عادات و اعمال دیگری که به‌وسیله انسان در جامعه خود به‌دست می‌آید

مرور مطالعات پیشین انجام شده در ارتباط با عوامل مؤثر بر تمدن‌سازی عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، نظامی و فناوری در این زمینه تأثیرگذار هستند؛ لیکن عوامل فرهنگی و اجتماعی تأثیر بیشتری بر تمدن‌سازی دارد به‌صورتی که اکثر نظریه‌پردازان و محققان بر آن تأکید دارند. برای ساخت یک تمدن در شرایط گذار امروز، نیازمند دانش و فرهنگ در بستر نگاه واقع‌بینانه فلسفی هستیم (داودی و دیگران، ۱۴۰۱). فرهنگ در ایجاد تمدن از اهمیت بالایی برخوردار است، اگر فرهنگ از درون تکامل یابد، به نهادهای اجتماعی مانند شهرپذیری و تمدن تبدیل می‌شود (نجات‌بخش و قریشیان، ۱۴۰۰). از دیدگاه امام خمینی در رأس تمدن فرهنگ قرار دارد و فرهنگ بایستی با تمدن همسو باشد (ابراهیمی کوشالی و حیدری، ۱۴۰۰).

۳. ملاحظه‌های نظری

۳-۱. تعریف مفاهیم

۳-۱-۱. تمدن

تمدن ازجمله مفاهیمی است که برای آن معانی زیادی ذکر شده است، شهرنشینی، فرهنگ، ملیت، علم و فناوری ازجمله آن معانی می‌باشد؛ اما در تعریفی جامع‌تر برخی مانند ابن‌خلدون، تمدن را حالت اجتماعی انسانی بیان می‌کنند که تشکیل حکومت را لازمه رسیدن به آن می‌دانند (ابن‌خلدون، ۱۹۹۶م، صص. ۲۱۷-۲۱۸). واژه تمدن به معنای اقامت در شهر و خو گرفتن به اخلاق مردم به‌کاررفته است (مصطفوی، ۱۳۹۹، ج ۱). ویل دورانت تمدن را به این‌صورت تعریف می‌کند: «نظم اجتماعی است که از نوآوری در فرهنگ ایجاد می‌شود و چهار رکن آن عبارت است از: احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر» (دورانت، ۱۳۹۵). لازمه تمدن‌سازی تحقق چند پیش‌شرط ازجمله لزوم تشکیل حکومت و نظام، حاکمیت قوانین، سازمان‌دهی و نظم‌دهی به امور جامعه و رسیدن به بلوغ است (ذوعلم و پیرچراغ، ۱۳۹۹). با توجه به تعاریفی که بیان شد می‌توان گفت که تمدن دارای ویژگی‌هایی ازجمله: الف) دارای دو بُعد سخت مانند: ساختار، مصنوعات بش‌ساز و بعد نرم مانند: فرهنگ است؛ ب) گستره آن بیشتر از یک حکومت و حتی یک فرهنگ خاص است و بالطبع عمر طولانی‌تری از عمر حیات اجتماعی یک جامعه خاص برخوردار است؛ ج) نظام اجتماعی قانونمند است؛ د) تمدن‌ها دارای نظام‌هایی مانند: نظام‌های حقوقی، تربیتی، اقتصادی، سیاسی و

فرهنگی هستند (صدری فر و مولوی، ۱۴۰۰). البته در خصوص تمدن نظریه‌های متفاوت وجود دارد، بعضی از نظریه‌پردازان تمدن را بناهای عالیه، مدارس و... تعریف می‌کنند؛ لیکن تعدادی نیز انسان وارسته اخلاقی را دستاورد تمدن تعریف می‌کنند (درودی و دیگران، ۱۳۹۹).

۳-۱-۲. تمدن نوین اسلامی

با بررسی‌های انجام شده، تمدن‌ها معمولاً با توجه به منطقه جغرافیایی تعریف می‌شدند؛ مثلاً تمدن مصر در کنار رود نیل یا تمدن چین در کنار رود زره؛ ولی تمدن اسلام تنها تمدنی است که بر مبنای دین و در میان اقوام رومی، اعراب و ایران شکل گرفته است و شروع آن را می‌توان از زمان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) اسلام دانست و همه ویژگی‌های آن در چهارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اسلام است (ذوعلم و پیرچراغ، ۱۳۹۹) و سعی می‌کند انسان را به کمال مادی و معنوی هدایت کند. اندیشمندان سه تجربه تمدنی نبوی، تمدن غرب و تجربه جمهوری اسلامی ایران را مورد توجه قرار داده‌اند. جریان تمدنی اسلام را از عصر نبوی آغاز و آن را به تجربه تمدنی جمهوری اسلامی ایران متصل کرده‌اند. در تجربه تمدنی صدر اسلام به نقش نبی مکرم اسلام در تأسیس تمدن اسلامی، درخشش تمدنی اسلام و قرن سوم و چهارم هجری و نیز به نقش جانشینان پیامبر با تأکید ویژه بر نقل و فعل امامان معصوم (علیهم‌السلام) اشاره می‌شود (بهمنی، ۱۳۹۳). تمدن اسلامی دارای همه ویژگی‌های تمدن الهی در چهارچوب آموزه‌های قرآنی را دارا می‌باشد و متکی بر سنت پیامبر اکرم است و ویژگی‌های آن دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و... است (جان‌احمدی، ۱۴۰۰). در تمدن اسلامی اندوخته‌های مادی و معنوی انسان نمود فرهنگ هستند؛ یعنی با دگرگونی ژرف در اجزای تشکیل‌دهنده یک فرهنگ (نظام شناخت‌ها و باورها، ارزش‌ها و گرایش‌ها، رفتارها و کردارها) نمود مادی و معنوی آن (تمدن) تغییر اساسی خواهد کرد. تمدن نوین اسلامی بر خلاف تمدن غرب به سبب ابتناء بر آموزه‌های وحیانی در پی شناخت صحیح از انسان و جامعه از افراط و تفریط و جهل است و امکان دارد آرمان‌های بشری را محقق سازد (عزتی و دیگران، ۱۳۹۹). ارکان تمدن اسلامی عبارت‌اند از: الف) ارکان ارزشی: ایمان به اسلام و ارزش‌های توحیدی، ب) ارکان روشی: توأمانی عقل و نقل و نوگرایی، ج) ارکان رفتاری: مجاهدت و عدم‌وابستگی و عزتمندی (بهمنی، ۱۳۹۳). علم، آبادانی، رشد و توسعه فراگیر، معماری بی‌نظیر،

تشکیل امت اسلامی، جامعه پیشرفته و دولت‌سازی بخشی از اصول یک تمدن اسلامی است (نجات‌بخش اصفهانی و قریشیان، ۱۴۰۰).

با بررسی مطالب بیان شده می‌توان به این نتیجه رسید که در گذشته تمدن را علوم، اخلاقیات و به جنبه سخت آن توجه می‌گردید؛ لیکن در تمدن نوین اسلامی، علوم، معنویت و به جنبه نرم آن تأکید می‌شود. تمدن با فاصله گرفتن از علم و دانش و همچنین با نفرت و خشونت، با زور اسلحه و قوای نظامی شکل نمی‌گیرد. باورها و پیش‌فرض‌های جامعه تأثیر زیادی بر تمدن‌سازی دارد؛ به‌عنوان مثال در جامعه‌ای که اعتقاد به جبرگرایی وجود دارد تمدن اتفاق نخواهد افتاد.

۲-۳. مبانی نظری

۳-۲-۱. فرهنگ و تمدن در مکاتب مختلف

مکاتب مختلف نسبت به فرهنگ و تمدن نظریه‌های متفاوتی دارند. در دیدگاه مارکسیستی فرهنگ به‌عنوان نهادی است که از اقتصاد نشئت می‌گیرد و به‌عنوان ساختار برتر جامعه است که توسط طبقه حاکم ایجاد می‌شود (Ken'ichiro, 2000). به نقل از رجایی، (۱۳۹۶). در دیدگاه نئومارکسیستی که برآمده از مکتب فرانکفورت است، فرهنگ را به‌عنوان یکی از عوامل اصلی در کنترل اجتماعی و جلوگیری از دگرگونی اساسی شناخته می‌شود. براین اساس یکی از کارکردهای فرهنگ، تضمین تداوم سلطه اقتصادی و سیاسی سرمایه است (بشریه، ۱۳۹۵، ص. ۳۷). فرهنگ در دیدگاه ساختارگرایی - کارکردگرایی، یکی از نظام‌های اصلی است که از ادغام و اجتماعی شدن افراد در جامعه ایجاد می‌شود (رجایی، ۱۳۹۶). فرهنگ و تمدن در دیدگاه محافظه‌کارانه میان فرهنگ اصیل و فرهنگ توده‌ای تمایز قائل می‌شوند و علت پیدایش فرهنگ توده‌ای را وجود مردم‌سالاری بیان می‌کنند. مردم‌سالاری، ارزش‌ها و فرهنگ همه گروه‌ها و طبقات را هم‌سنگ می‌شمارد و درنهایت به یکسان‌سازی افکار و توقعات عموم منجر می‌شود (بشریه، ۱۳۹۵، ص. ۵۴). در دیدگاه پست‌مدرن همه روابط اجتماعی موجود در واقعیات اجتماعی انعکاس‌گفتمان همان عصر و زمان هستند و شیوه زندگی هر جامعه‌ای تحت تأثیر گفتمان آن دوره شکل می‌یابد که از دیدگاه پست‌مدرن‌ها، گفتمان همان فرهنگ هستند (رجایی، ۱۳۹۶). در دیدگاه اسلام دولت از جایگاه خاصی برخوردار است به‌صورتی که آزادی‌های فردی در کنار جامعه اهمیت می‌یابد و در حرکت جامعه اسلامی از رهبر تبعیت می‌کنند.

۳-۲-۲. فرهنگ و تمدن شیعه

اندیشمندان با بررسی ادوار گذشته به این نتیجه رسیده‌اند که فرهنگ نقش بسیار مهمی در ایجاد تمدن داشته است به‌صورتی که سیزده سال اول در زمان پیامبر به فرهنگ‌سازی و سپس ده‌ساله دوم آن به ساختن تمدن در مدینه النبی اختصاص یافته است. فرهنگ شیعه با توجه به ویژگی‌های آن نقش مهمی در ایجاد تمدن داشته است که برخی از آنها عبارت‌اند از: الف) حوزه‌های علمیه: که از ساختار وکالت و سپس نیابت و پس از آن مرجعیت برای سازماندهی جامعه شیعه و حفظ و بقای آن استفاده کرده است. ب) علوم و معارفی که توسط شیعه ایجاد گردید (درودی و دیگران، ۱۳۹۹). ج) دعا: موضوع تعلق خاطر انسان به نیایش به درگاه قدرت برتر است؛ چون در اوج برانگیختگی انسان شکل می‌گیرد در سازماندهی هیجان و شکفتن استعدادهای نهفته انسان نقش بی‌بدیل ایجاد می‌کند. علمای شیعه به‌خاطر شرایط خاص سعی می‌کردند از طریق دعا به انتقال فرهنگی بپردازند (همتی، ۱۴۰۰). د) عاشورا: به علت دارا بودن ویژگی‌های بنیادین فرهنگ و تمدن شیعه به همراه اوج خصوصیات انسانی از قبیل ایثار، شهادت، محبت، کمالات و فضایل دیگر، تأثیر زیادی در رشد فرهنگ و تمدن شیعه ایفا نموده است. عاشورا در راستای هدف بلند پیامبران الهی و مذهب تشیع برای رسیدن به حکومتی مبتنی بر اهداف آن اتفاق افتاده و به این ترتیب جامعه مربوط به این فرهنگ و تمدن را برای تبدیل از وضعیت هنجاری فرهنگ به عینیت تمدن در مسیر زمان همگرا نمود (حسینی، ۱۳۹۹).

۳-۲-۳. انقلاب اسلامی و تمدن‌سازی

انقلاب اسلامی در شرایطی به پیروزی رسید که تمام ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... در سیطره استکبار قرار داشت و پس از پیروزی این فرصت ایجاد شده است تا بتواند با تکیه بر مبانی و اصول علمی زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی شود (ابراهیمی‌کیا و بوذری‌نژاد، ۱۴۰۰). در انقلاب اسلامی بحث آزادی، مردم‌سالاری، عدالت، استقلال، حاکمیت اسلام، استکبارستیزی، نفی سلطه‌پذیری و وحدت جهان اسلام مطرح است؛ براین‌اساس می‌تواند در جهت تمدن‌سازی گام بردارد (ابراهیمی‌کیا و بوذری‌نژاد، ۱۴۰۰). انقلاب اسلامی برای تمدن‌سازی نیاز به فرهنگ خاص خود با توجه به مقتضیات اجتماعی دارد. اسلام به‌عنوان یک دین جامع و خاتم نمی‌تواند نسبت به شرایط اجتماعی و فرهنگی با تمام اهمیت و اثرگذاری آن

بی تفاوت باشد؛ چراکه به عنوان دین جامع و خاتم، مجموعه منسجم و مفصلی از تعلیم خود را برای سعادت بشر در قالب زندگی اجتماعی و هدفمند، ارائه نموده است. ویل دورانت در تاریخ تمدن می گوید: «تمدنی شگفت انگیزتر از تمدن اسلامی وجود ندارد. اگر اسلام طرفدار ثبات و جمود و یکنواختی بود، باید جامعه را در همان حد اول جامعه عرب نگاه بدارد. حال آنکه تمدن های وسیع و عجیب را در خودش جمع کرد و از مجموع آن ها تمدن عظیم تری را به وجود آورده است». دین اسلام ویژگی هایی از جمله گرایش به حق و عدالت، نیروی محرکه تمدنی، تربیت انسان، پرورش عقلانی با محوریت بصیرت، تزکیه نفس و رشد و پرورش اراده، پرورش روح عبودیت و حس نیایش وجود دارد. در جامعه اسلامی روح عبودیت در ابعاد و ارکان جامعه جریان دارد و افراد به بعد معنوی انجام کارها در کنار آنچه با تلاش و تفکر کسب می کنند، توجه می کنند. همچنین قرآن و ولایت نیز به عنوان دو رکن اساسی تمدن اسلامی از اهمیت زیادی برخوردار هستند؛ براین اساس از مهم ترین ویژگی های تمدن نوین اسلامی عوامل فرهنگی و اجتماعی آن است.

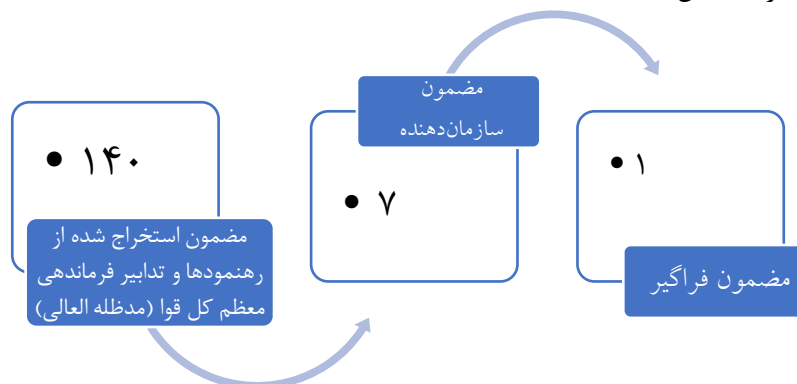
یکی از بنیادی ترین عوامل جهت دهنده رفتارهای انسانی در جوامع بشری ارزش ها، باورها و مسائل فرهنگی و اجتماعی جوامع هستند و هویت هر جامعه ای برآمده از فرهنگ آن جامعه است که باعث شکل گیری حیات اجتماعی آن می شود. همگرایی بر اساس نگرش اجتماعی - فرهنگی عامل تأثیرگذار در پیشرفت جوامع می باشد و مهم ترین عاملی که کشورهای اسلامی را به یک انسجام درونی و اجماع جهانی برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی خواهد رساند، تأکید بر اشتراک های اسلامی به خصوص در حوزه مسائل اجتماعی - فرهنگی است. از طرف دیگر در نظام اسلامی، ولی فقیه رهنمودها و تدابیر خود را براساس مبانی اسلام و شناخت اقتضائات بیان می کند (لطیفی و کمیلی فرد، ۱۳۹۷)؛ لذا رهنمودها و تدابیر رهبر انقلاب اسلامی از جامعیت و تناسب با فرهنگ و اقتضائات روز برخوردار است. دراین راستا رهنمودها و تدابیر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) از سال ۱۳۶۸ با استفاده از روش تحلیل مضمون و نرم افزار مکس کیو دی تجزیه و تحلیل شده است.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و با رویکرد کیفی، مبتنی بر تحلیل مضمون انجام شده است. تلاش محقق بر است تا با تحلیل های کیفی، به شناختی عمیق از موضوع دست یابد تا زمینه افزایش تعمیم پذیری نتایج به دست آید. براین اساس در

این مطالعه با مدنظر قراردادن اهداف و سؤال‌های پژوهش، از طرح اکتشافی^۱ استفاده شده است. اطلاعات موردنیاز به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری و سپس با روش تحلیل مضمون تحلیل گردید.

فرایند پژوهش به این نحو بوده که کلیه فرمایشات رهبری انقلاب اسلامی مرتبط با مسائل اجتماعی فرهنگی تمدن‌سازی از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای^۲ (مدظله‌العالی) سال ۱۳۶۷ تا سال ۱۴۰۱ که سال انجام پژوهش بوده است، استخراج و به نرم‌افزار مکس کیودا وارد و کدگذاری انجام گردید. ضمن کدگذاری، برخی از مضامین اصلی شناسایی شدند. سپس این مضامین در قالب مضامین سازمان‌دهنده و درنهایت مضامین فراگیر طبقه‌بندی شدند. لازم به ذکر است که یادداشت‌برداری و ثبت اندیشه‌ها و تفسیر داده‌ها در طول مراحل مختلف کدگذاری انجام می‌شود که به استخراج الگو کمک خواهد کرد که درنهایت ۴۰۰ مضمون شناسایی شدند که پس از اصلاح و ترکیب به ۱۴۰ مضمون تقلیل یافت که این تعداد مضمون در ۷ مضمون سازمان‌دهنده طبقه‌بندی شد که در شکل شماره ۱ نشان داده شده است.

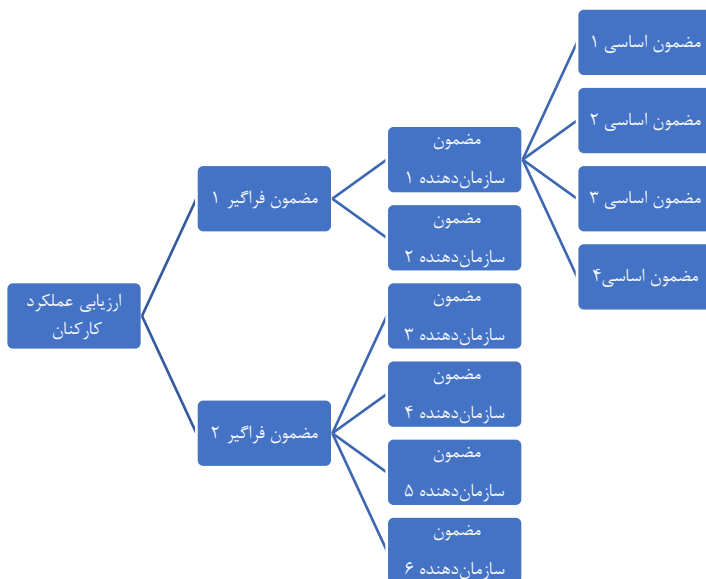


شکل (۱): نحوه استخراج مضامین

مضامین استخراج شده در روش ماتریس شماره ۲ نشان داده شده است. هر مضمون فراگیر متشکل از چند مضمون سازمان‌دهنده و هر مضمون سازمان‌دهنده متشکل از چندین مضمون اساسی می‌باشد. آنچه در این پژوهش در نظر گرفته شده مضامین فراگیر معادل ابعاد و مضامین سازمان‌دهنده معادل مؤلفه‌ها و مضامین

1. Exploratory Mixed Methods Design
2. KHAMENEI.IR

اساسی معادل شاخص‌ها در نظر گرفته شده است (Braun & Clarke; 2006, p.95).



شکل (۲): نحوه شکل‌گیری ارزیابی عملکرد کارکنان با استفاده از مضامین

برای بررسی روایی پژوهش طبق نظر کرسول که برای روایی تحقیقات کیفی پیشنهاد نموده است، گزارش تحقیق یا توصیف‌ها و مفاهیم خاص به شرکت‌کنندگان در پژوهش برگردانده شد تا مشخص نمایند که آیا درستی یافته‌های تحقیق را تأیید می‌نمایند؟ (کرسول، ۱۳۹۱، ص. ۳۲۵) و همچنین یکی از محققان به نام بادورا (۱۹۹۶) نیز برگرداندن مفاهیم شناسایی‌شده به افراد مشارکت‌کننده را یکی از راه‌های مناسب اعتبارسنجی معرفی نموده است (ضرغامی‌فر و آذر، ۱۳۹۲، ص. ۱۸۶)؛ از این‌رو در این پژوهش، روایی پژوهش از طریق تأیید چهار نفر از اعضاء و خبرگان که در زمینه تمدن‌سازی و رهنمودهای فرماندهی معظم کل قوا (مدظله‌العالی) دارای کتاب و مقاله بودند انجام گردید و نظرهای اصلاحی آنان اخذ و اصلاحات لازم بر مبنای آن انجام شد.

در خصوص پایایی پژوهش در مطالعات کیفی نیز کرسول توافق در همسانی بین کدگذارهای مختلف را مناسب می‌داند (کرسول، ۱۳۹۱، ص. ۳۲۴)؛ از این‌رو پایایی این پژوهش طبق نظر ایشان از روش توافق یا همخوانی بین کدگذاران انجام گردید. به همین منظور، یکی از متن‌های رهنمودها و تدابیر فرماندهی معظم کل قوا

(مدظله‌العالی) انجام گرفته در اختیار یکی از خبرگان حوزه مربوطه قرار داده شد و تحلیل محتوی و کدگذاری توسط این فرد انجام گرفت. پس از انجام این کار، همخوانی بین دو کدگذار محاسبه گردید. ضریب توافق به دست آمده از دو کدگذار در بخش وجود کد در سند مربوطه ۸۵ درصد و فراوانی کد در متن تحلیل شده ۸۲ درصد می باشد که حاکی از توافق و همخوانی بالا و نیز ضریب پایایی مناسب می باشد.

۵. یافته‌های پژوهش

برای شناسایی الزام‌های اجتماعی - فرهنگی تمدن‌سازی از رویکرد پژوهش کیفی استفاده شده است. تحلیل مضمون روشی است که به شناسایی، تحلیل و گزارش الگوها و تم‌های مستتر در اطلاعات که مرتبط با سؤال پژوهش هستند می پردازد و در چند سطح قابل اعمال است. الگوهای مختلفی برای تحلیل تم وجود دارد؛ با وجود تفاوت‌های ظاهری که در سه مرحله جمع‌آوری و توصیف، سازماندهی و تنظیم و در آخر تفسیر و بازنمایی الگوهای گوناگون وجود دارد، مراحل توصیف، تحلیل و تفسیر داده‌ها اساس این روش را تشکیل می دهد (Anderson, 2007). بر این مبنا فرایند پژوهش در ادامه تشریح شده است:

۵-۱. توصیف داده‌ها

داده‌های گردآوری شده در این پژوهش شامل تدابیر و رهنمودهای مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) از سال ۱۳۶۷ تا کنون در خصوص الزام‌های اجتماعی و فرهنگی انقلاب اسلامی است. نتیجه انجام این گام دستیابی به ۴۰۰ مضمون پایه بوده است که پس از اصلاح و ترکیب به ۱۴۰ مضمون تقلیل پیدا کرد. نتایج حاصل از این تحلیل در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول (۲): نمونه مضامین اساسی استخراج شده از رهنمودها و تدابیر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

مضمون اساسی	بیانات	تاریخ
بصیرت‌بخشی و آگاه‌سازی	انقلاب یک جریان است، همه جا همین‌جور است؛ یک جریان است، یک حادثه نیست؛ لکن این جریان در بسیاری از جاها در وسط راه متوقف می‌شود. به تاریخ انقلاب‌های گوناگون، انقلاب‌های بزرگ نگاه کنید؛ وسط راه متوقف می‌شوند. یک عده ای به یک پیروزی می‌رسند، دل‌خوش می‌کنند، مردم را فراموش می‌کنند، مردم ییو‌اش‌یو‌اش صحنه را رها می‌کنند؛ تمام می‌شود.... علاج دردهای این ملت و وسیله رسیدن به آرمان‌های این ملت، شعارهای انقلاب است؛ این‌ها باید حفظ شود.	۱۳۸۶/۱۱/۲۸
گسترش معنویت	مسئله سبک زندگی، مسئله حکمرانی اسلامی، مسئله مبارزه با طاغوت، مسئله استقرار توحید به معنای واقعی کلمه در جامعه و مسئله عدالت که جزو اساسی‌ترین مسائل است؛ بروید بگویند این‌ها را، معرفت مردم را بالا ببرید، گفتمان‌های انقلابی در مردم به وجود بیاورید و البته وجود دارد، تقویت کنید.	۱۳۹۸/۲/۱۸
دشمن شناسی	دشمن را بشناسیم؛ دشمنان جهانی که خودشان را به وسیله انواع و اقسام اقلام آرایشی رسانه‌ای و تبلیغاتی بزرگ می‌کنند و در مقابل چشم قرار می‌دهند، بشناسیم؛ آمریکا را بشناسیم. ... پس احتیاج داریم دشمن را بشناسیم. آن کسانی که امروز سعی می‌کنند از این هیولا یک چهره موجهی معرفی کنند، این‌ها دارند خیانت می‌کنند؛ این‌ها دارند جنایت می‌کنند. این کسانی که این حقیقت روشن را کتمان می‌کنند، این دشمنی خباثت‌آلود را در زیر پرده‌های توجیه می‌پوشانند، این‌ها دارند خیانت می‌کنند به این ملت. کشور ما و ملت ما احتیاج دارد دشمن را بشناسد، عمق دشمنی را بفهمد.	۱۳۹۴/۴/۶
عدالت	مسئله عدالت و تعمیم آن به همه میدان‌های قضاوت‌های سیاسی و اجتماعی، جزو افکار و نوآوری‌های جمهوری اسلامی در عرصه سیاسی دنیای امروز است که غرب را به چالش می‌کشد.	۱۳۸۵/۸/۱۷

مضمون اساسی	بیانات	تاریخ
عدم اتکا به نفت	ما برای نجات اقتصاد کشور، چشممان را، امیدمان را نبندیم به اینکه حالا کی بشود این تحریم برداشته بشود یا این شخص نباشد یا آن جمع نباشد یا این کشور چنین بکند، نه؛ این‌ها تأثیری ندارد، این تحریم هست. ... کار اساسی مصون‌سازی اقتصاد کشور از آسیب دیدن از تحریم است؛ کار اساسی این است. دور زدن تحریم یک تاکتیک است، مصون‌سازی کشور در مقابل تحریم، یک راهبرد است، باید این کار را کرد، باید کاری کرد که ما در مقابل تحریم آسیب‌پذیر نباشیم. الان این‌جور نیست، الان اقتصاد ما متکی به نفت است؛ حالا خوشبختانه با تحریم نفت، یک خرده کمتر شده، ترکیب تراز بازرگانی فرق کرده اما علی‌الاصول اقتصاد ما متکی به نفت است.	۱۳۹۸/۸/۲۸
اهمیت علم	اولین آیات قرآن، تجلیل از علم است: «اقرأ باسم ربك الذي خلق. خلق الإنسان من علق. اقرأ و ربك الأكرم. الذي علم بالقلم» (۱). ابتدا تعلیم را مطرح کرد. دانش، وسیله نجات و رستگاری انسان است که به زمان و مکانی خاص بستگی ندارد و مربوط به همه دوره‌های زندگی بشر است.	۱۳۸۲/۷/۲
خستگی ناپذیری	برای شکوفایی اقتصاد کشور، به‌کاری احتیاج داریم که هم مجاهدانه باشد، هم عالمانه باشد. با تنبلی، با بی‌حالی، کم‌انگیزی، مسئله اقتصاد کشور حل نخواهد شد. کار جهادی باید انجام بگیرد، مدیریت‌های جهادی باید بر مسائل اقتصادی کشور احاطه داشته باشند، تصمیم‌گیری کنند؛ کار جهادی. کار جهادی یعنی کاری که هم در آن تلاش هست، خستگی ناپذیری هست، هم اخلاص هست؛ [یعنی] ...؛ اقتصاد کشور قطعاً شکوفایی پیدا خواهد کرد.	۱۳۹۸/۱/۱

۵-۲. تحلیل داده‌ها

در این مرحله باید داده‌ها سازماندهی، تنظیم و مقوله‌بندی شوند. در این مرحله مضامین پایه استخراج شده در گام نخست بر اساس تشابه و ارتباط معنایی و محتوایی که با هم داشته‌اند ترکیب و تلفیق شده‌اند و دستاورد این مرحله تشکیل مضامین سازمان‌دهنده (۷ مضمون) بوده است. نتایج حاصل از این گام از تحلیل در

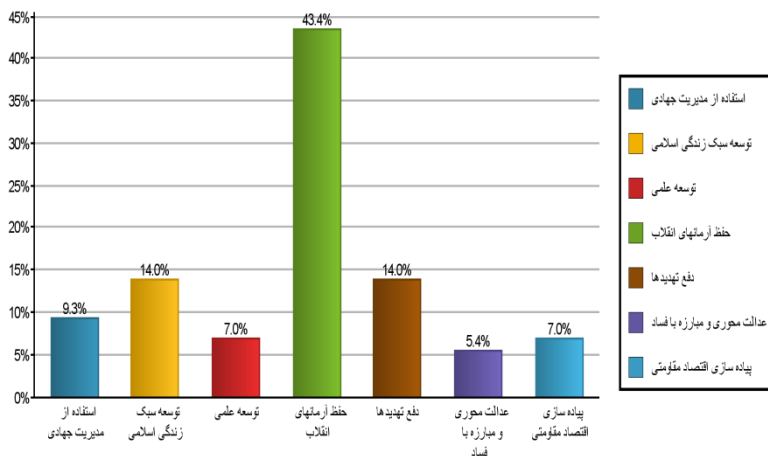
جدول ۳ ارائه شده است.

جدول (۳): الزام‌های فرهنگی - اجتماعی تمدن‌سازی انقلاب اسلامی

مضمون سازمان‌دهنده	مضامین اساسی
دفع تهدیدها	مرزبندی با دشمنان - رعایت مصلحت در روابط - مقابله با نفوذ دشمنان - خنثی کردن تبلیغات دشمنان - رعایت عزت بین‌المللی - دوری نیروهای مسلح از اقدام‌های حزبی و جناحی - تقویت و توسعه تبلیغات داخلی - تسلیم‌ناپذیری در مقابل دشمنان - تقویت بنیه دفاعی - یکپارچگی مردم و نیروهای مسلح
توسعه سبک زندگی اسلامی	اهتمام به کار جمعی - تفریح‌های سالم - رعایت پوشش اسلامی - ازدواج آسان و به موقع - استفاده از کالای داخلی، اهمیت قائل شده به خانواده - بهبود اخلاق - گسترش معنویت - امید و نگاه خوشبینانه به آینده - اسلامی کردن مدارس و دانشگاه‌ها
عدالت‌محوری و مبارزه با فساد	مبارزه با فساد سیاسی - مبارزه با فساد اخلاقی - مبارزه با فساد اقتصادی - پاکسازی ارگان‌ها و نهادها - رسیدگی سریع به پرونده جنایتکاران - پیاده‌سازی کامل عدالت
پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی	مردمی کردن اقتصاد - مولد و دانش‌بنیان کردن اقتصاد - کاهش هزینه‌های زائد - اصلاح سیستم بودجه‌ریزی - درونزایی اقتصاد - کاهش وابستگی به نفت - خصوصی‌سازی - اصلاح ضعف‌های مدیریتی - اصلاح عیوب ساختاری - مصرف به اندازه - توزیع عدالت‌محور - تولید انبوه و با کیفیت - استقلال اقتصادی
توسعه علمی	ایجاد انقلاب علمی - نوسازی مادی و معنوی - توسعه علوم انسانی - جهاد علمی - رسیدن به قله‌های دانش - اهمیت قائل شدن به پژوهش - تکمیل و اصلاح ساختارها - اصلاح دانشگاه‌ها
استفاده از مدیریت جهادی	همت بلند - هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب - همت، هوشیاری، ابتکار و سرعت عمل جوانان - مشارکت فعال مردمی - هوشیاری در انتخاب مدیران و مسئولان - خوداتکایی - روشنگری و بصیرت‌افزایی - درس گرفتن از تجارب - استفاده از ظرفیت‌های طبیعی و انسانی
حفظ آرمان‌های انقلاب	بصیرت بخشی و آگاه‌سازی - توسعه همه‌جانبه - پایبندی با مبانی و ارزش‌های اساسی انقلاب - حاکمیت ارزش‌های اسلامی - ایجاد اعتماد به نفس ملی - اتکاء به عزت ملی - حفظ ایران به‌عنوان ام‌القری جهان اسلام - حفظ وحدت و انسجام - مردم‌گرایی و اتکاء به مردم - پایبندی به استقلال و آزادی

جدول (۴): فراوانی الزام‌های فرهنگی اجتماعی

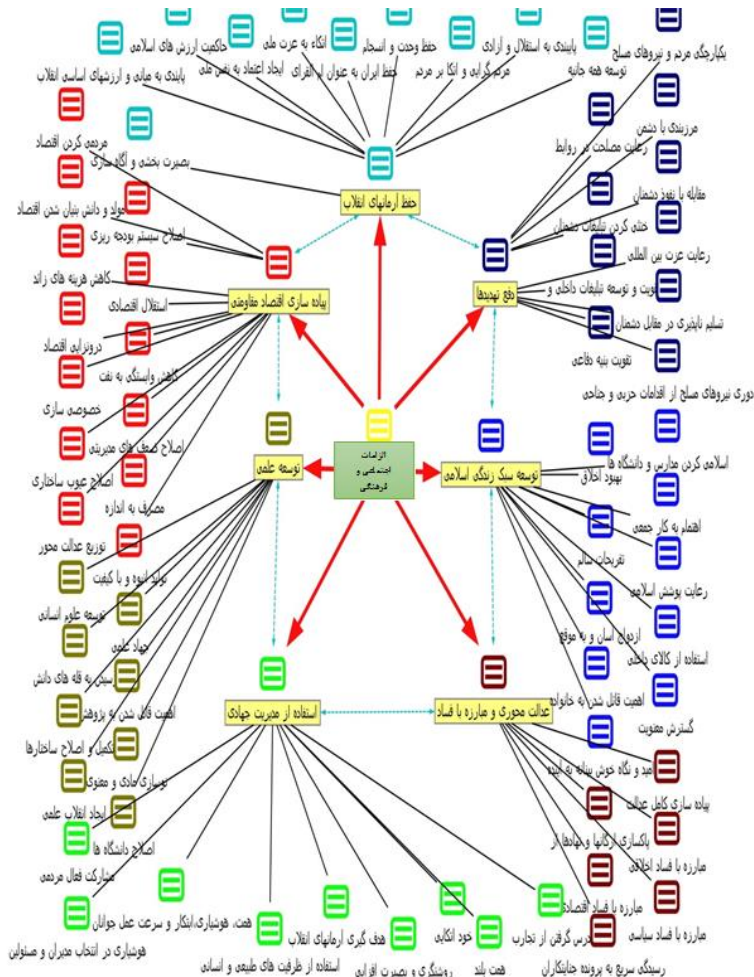
عناوین مقوله	درصد کدها	فراوانی کدها
استفاده از مدیریت جهادی	9.30	12
توسعه سبک زندگی اسلامی	13.95	18
توسعه علمی	6.98	9
حفظ آرمان‌های انقلاب	43.41	56
دفع تهدیدها	13.95	18
عدالت‌محوری و مبارزه با فساد	5.43	7
پیاپی‌سازی اقتصاد مقاومتی	6.98	9
جمع کل	100.00	129



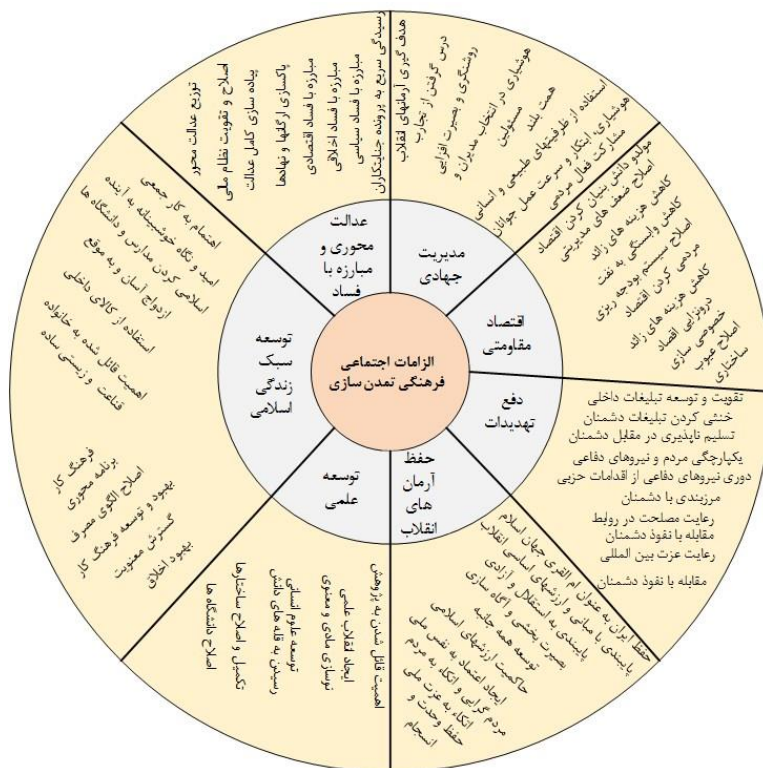
نمودار (۱): فراوانی مقوله‌های پژوهش

۳-۵. تفسیر داده‌ها

در این مرحله به تلفیق و یکپارچه‌سازی مقوله‌های سازمان‌دهنده استخراج شده در گام دوم پرداخته می‌شود و زمینه ارتباط بین آنها تشریح شود. در نتیجه این گام از الزام‌های اجتماعی فرهنگی تمدن‌سازی انقلاب اسلامی بوده است. نتایج حاصل از این مرحله از تحلیل در نمودار ۲ ارائه شده است.



نمودار (۲): خروجی نرم‌افزار مکس کیو دی الزام‌های اجتماعی - فرهنگی



نمودار (۳): الزام‌های اجتماعی فرهنگی تمدن‌سازی انقلاب اسلامی

نتیجه‌گیری

یکی از ضرورت‌های انقلاب اسلامی، تکوین آن برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی است. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در این خصوص می‌فرمایند: «امروز هدف هر مسلمان باید ایجاد تمدن نوین اسلامی باشد؛ ما امروز این را می‌خواهیم، ملت‌های اسلامی ظرفیت‌های عظیمی دارند که اگر از این ظرفیت‌ها استفاده شود امت اسلامی به اوج عزت خواهد رسید؛ ما باید به این بیندیشیم، به این فکر کنیم؛ ایجاد تمدن عظیم اسلامی، هدف نهایی ما است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از موکب‌داران عراقی، ۱۳۹۸/۰۶/۲۷).

در خصوص ویژگی‌های آن می‌فرمایند: «تمدن اسلامی می‌تواند نقطه رهایی از جهان‌بینی مادی و ظالمانه و اخلاق به لجن‌کشته‌ای که ارکان تمدن امروزی غربند، باشد» (بیانات مقام معظم رهبری در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی،

۱۳۹۲/۰۲/۰۹ و «انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است. زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی به این معنا است و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۳/۲۲)؛ همچنین می‌فرمایند: «تمدن اسلامی می‌تواند با شاخصه‌های ایمان و علم و اخلاق و مجاهدت مداوم، اندیشه پیشرفته و اخلاق والا را به امت اسلامی و به همه بشریت هدیه دهد» (بیانات مقام معظم رهبری در اجلاس بین‌المللی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۲/۹). معظم‌له تمدن اسلامی جدید را بر پایه چهار رکن: «دین، عقلانیت، علم و اخلاق» تعریف می‌کنند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۶/۲۶).

بر اساس فرمایشات رهبر انقلاب اسلامی اولویت الزام‌های اجتماعی فرهنگی تمدن‌سازی انقلاب اسلامی عبارت است از: الف) حفظ آرمان‌های انقلاب، ب) استفاده از مدیریت جهادی، ج) دفع تهدیدها، د) توسعه علمی، ه) عدالت‌محوری و مبارزه با فساد، ز) توسعه سبک زندگی اسلامی و ح) پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی مدنظر بوده که در مقاطعی در پیاده‌سازی و اجراء با فراز و فرودهای مواجه بوده است و در مقاطعی با به‌کارگیری آنها موفقیت‌های چشمگیری به‌عمل آمده و در مواقعی با غفلت و کوتاهی‌هایی و یا عدم به‌کارگیری صحیح آنها نقصان و مشکلاتی ایجاد شده است؛ به‌عنوان نمونه در اوایل انقلاب و جنگ تحمیلی، الزام‌ها مرتبط با سبک زندگی و مدیریت جهادی با استفاده و به‌کارگیری مناسب در پیشبرد اهداف انقلاب شگفتی‌آفریده است و در مواقعی نیز با غفلت و عدم پایبندی به الزام حفظ آرمان‌های انقلاب صدمه‌ها و لطمه‌هایی به کشور وارد شده است.

با بررسی تدابیر و رهنمودهای مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) مهم‌ترین عامل تمدن‌سازی انقلاب اسلامی حفظ آرمان‌ها و ارزش‌هایی است که باعث شکل‌گیری انقلاب گردید؛ چراکه بایستی در پی انتقال هوشمندانه انقلاب به نسل جدید و مسئولیت‌آفرینی برای جوانان و زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی گردد. رهبر انقلاب اسلامی می‌فرمایند: «اولین انقلابی که با مردم شروع کرد، با مردم ادامه داد، حرف خود را عوض نکرد، راه خود را تغییر نداد و اهداف خود را کم و زیاد نکرد، انقلاب اسلامی ایران است. این انقلاب به نام خدا و برای مردم و برای عدالت و استقلال و آزادی آغاز شد و این راه را همچنان ادامه داده است. هنوز شعارها همین‌هاست و به توفیق الهی این شعارها همچنان خواهد بود» (۱۳۸۳/۱۱/۱۹). در نتیجه، بصیرت‌بخشی و آگاه‌سازی

- توسعه همه‌جانبه - پابندی با مبانی و ارزش‌های اساسی انقلاب - حاکمیت ارزش‌های اسلامی - ایجاد اعتماد به نفس ملی - اتکاء به عزت ملی - حفظ ایران به‌عنوان ام‌القری جهان اسلام - حفظ وحدت و انسجام - مردم‌گرایی و اتکاء به مردم - پابندی به استقلال و آزادی بایستی مورد توجه قرار گیرد.

دومین الزام‌های اجتماعی - فرهنگی اثرگذار بر تمدن‌سازی نوین اسلامی، سبک زندگی است. اگر سبک زندگی افراد، مسیر درست و حقیقی خود را طی نکند، نتیجه‌ای جز نابودی و هدر رفتن استعدادها را به‌دنبال نخواهد داشت؛ ولی اگر انتخاب سبک زندگی به‌درستی صورت پذیرد، می‌تواند زمینه‌ای برای رشد و تعالی تمدن اسلامی باشد. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در این خصوص می‌فرماید: «اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم، این تمدن دارای دو بخش ابزاری و نیز حقیقی و اساسی خواهد بود که سبک زندگی بخش حقیقی آن را تشکیل می‌دهد» (۱۳۹۱/۷/۲۳)؛ در نتیجه بایستی اهتمام به کار جمعی - تفریحات سالم - رعایت پوشش اسلامی - ازدواج آسان و به موقع - استفاده از کالای داخلی - اهمیت قائل شده به خانواده - بهبود اخلاق - گسترش معنویت - امید و نگاه خوشبینانه به آینده - اسلامی کردن مدارس و دانشگاه‌ها مورد توجه قرار گیرد.

از الزام‌های اجتماعی - فرهنگی اثرگذار بر تمدن‌سازی نوین اسلامی، عدالت محوری و مبارزه با فساد می‌باشد. در این برهه حساس از انقلاب، رعایت عدالت و مبارزه جدی و قاطع با فساد از عوامل اساسی مؤثر بر استكمال انقلاب اسلامی می‌باشد که در فرمایشات مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز به آن توجه ویژه‌ای شده است. «این‌ها مسائل بسیار مهم و اساسی است و باید در این دوره، ما به حدّ مطلوب به این اهداف نائل شویم. در عرصه اجتماعی، توسعه باید با مردم گره بخورد؛ مردم باید محور توسعه باشند، عدالت و مساوات حتماً یکی از شاخص‌های اصلی است» (خامنه‌ای، ۱۳۶۸).

در سایه گسترش عدالت، آحاد جامعه از حقوق خویش برخوردارند و امور جامعه سامان می‌یابد. بر پایه آیه ۲۵ سوره حدید (لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ) در قلمرو حیات اجتماعی «عدالت اجتماعی» به‌عنوان هدف معین شده است. قرآن کریم، همه اصول و هدف‌های اسلامی، از آرمان‌های فردی تا هدف‌های اجتماعی را بر محور عدل استوار می‌داند. از طرف دیگر فساد یکی از مهم‌ترین آفت‌های هر جامعه‌ای است چراکه فساد اقتصادی، مالی و

اداری زمینه‌های زوال توسعه اقتصادی، توسعه انسانی و تضعیف سرمایه‌های اجتماعی را به همراه خواهد داشت. در نتیجه بایستی مبارزه با فساد سیاسی - مبارزه با فساد اخلاقی - مبارزه با فساد اقتصادی - پاکسازی ارگان‌ها و نهادها - رسیدگی سریع به پرونده جنایتکاران - پیاده‌سازی کامل عدالت مورد توجه قرار گیرد.

با توجه به اوضاع و احوال دنیا و فشارهای موجود علیه جمهوری اسلامی ایران، یکی از عوامل مهم و مؤثر در پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی و کاهش وابستگی به کشورهای بیگانه می‌باشد. در بیانیه گام دوم انقلاب تأکید زیادی بر اقتصاد شده است. «اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷). جهت پیاده‌سازی آن اقدام‌هایی مانند: مردمی کردن اقتصاد - مولد و دانش‌بنیان کردن اقتصاد - کاهش هزینه‌های زائد - اصلاح سیستم بودجه‌ریزی - درون‌زایی اقتصاد - کاهش وابستگی به نفت - خصوصی‌سازی - اصلاح ضعف‌های مدیریتی - اصلاح عیوب ساختاری - مصرف به اندازه - توزیع عدالت‌محور - تولید انبوه و با کیفیت - استقلال اقتصادی انجام گیرد.

رشد و شکوفایی تمدن‌ها به جز توسعه علمی امکان‌پذیر نیست و ریشه‌های تمدن اسلامی را نمی‌توان بدون نظام علمی که برخاسته از آموزه‌های اسلامی است شناخت و تحلیل کرد. بر طبق فرمایش گهربار حضرت علی (علیه‌السلام) «العلم سلطان» علم و دانش باعث پیروزی و موفقیت هر فرد و جامعه می‌باشد. تأکید قرآن کریم بر موضوع‌هایی مانند: علم، عالم، جستجوی علمی، تعقل و تفکر، نشان‌دهنده اهمیتی است که این کتاب الهی برای مبانی تولید علم قائل است. فلاسفه و حکما، ادراکات عقلی را علم و علم حقیقی را عبارت از آگاهی به حقایق اشیاء دانسته و تنها راه و منشأ مدرکات و علوم مفید را عقل تعریف کرده‌اند و معتقدند ادراک مطلق یا حصول اشیاء در نزد عقل، «علم» است که در قرآن مجید به عنوان نور و روشنایی معرفی شده است: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ؟ بگو آیا نابینا و بینا یکسانند؟ یا تاریکی‌ها و روشنایی برابرند» (رعد/ آیه ۱۶) و «وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحُرُورُ؛ و نابینا و بینا یکسان نیستند و نه تاریکی‌ها و روشنایی و نه سایه و گرمای آفتاب» (فاطر/ آیات ۱۹-۲۱). در این آیات، انسانی که علم ندارد به کور، تاریکی و انسان صاحب علم به بینا و روشنایی تشبیه شده است و در جایی دیگر، علم به عنوان

خیر زیاد، معرفی شده است: «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» [خدا] به هر کس که بخواهد حکمت می‌بخشد و به هر کس حکمت داده شود، به یقین خیری فراوان داده شده است». رهبر انقلاب اسلامی به کرات بر این مهم تأکید نموده‌اند: «ما راهی که به‌سوی مرزهای پیشرفته دانش در همه زمینه‌ها داریم مسلم بدانید که جز با روحیه استقلال، روحیه توکل... طی نخواهد شد» (۱۳۸۳/۴/۱). «علم باید در روند تعالی و خود، با روح‌های قوی، استوار و کارآمدی که جرأت پیشبرد علم را داشته باشد همراه شود» (۱۳۷۹/۱۲/۹). «هیچ ملتی بدون مجاهدت، بدون تلاش، بدون ابتکار، بدون نوآوری، بدون فتح مراحل گوناگون پیشرفت، به‌جایی نمی‌رسد» (۱۳۸۴/۴/۷). در نتیجه بایستی به ایجاد انقلاب علمی - نوسازی مادی و معنوی - توسعه علوم انسانی، جهاد علمی - رسیدن به قله‌های دانش - اهمیت قائل شدن به پژوهش - تکمیل و اصلاح ساختارها - اصلاح دانشگاه‌ها توجه نمود.

مدیریت جهادی به‌عنوان الگوی مدیریتی برآمده از بطن انقلاب اسلامی که مبتنی بر ارزش‌ها و آرمان‌های ایرانی - اسلامی از یک‌سو و از سوی دیگر در پیوند با علم و دانش روز می‌باشد همواره مدنظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بوده است و از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای نزد ایشان برخوردار است و بارها در سخنان و فرمایشات خود به مسئله مدیریت جهادی و در پیش گرفتن این الگوی مدیریتی از سوی مسئولان نظام تأکید کرده‌اند. «با حرکت عادی نمی‌شود پیش رفت... یک همت جهادی لازم است. تحرک جهادی و مدیریت جهادی برای این کارها لازم است. باید حرکتی که می‌شود، هم علمی‌باشد، هم پر قدرت باشد، هم با برنامه باشد و هم مجاهدانه باشد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۹۲/۱۲/۲۰). مدیریت بر مبنای الگوهای غربی یا سنتی نمی‌تواند ضامن موفقیت و تکامل انقلاب اسلامی و رسیدن به تمدن نوین اسلامی باشد، از این‌رو یکی دیگر از عوامل مؤثر در تمدن‌سازی، استفاده از مدیریت جهادی است. مدیریت جهادی هنر توانستن ارائه طرح و ایده جدیدی است که بایستی همت بلند - هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب - همت، هوشیاری، ابتکار و سرعت عمل جوانان - مشارکت فعال مردمی - هوشیاری در انتخاب مدیران و مسئولین - خوداتکایی - روشننگری و بصیرت‌افزایی - درس گرفتن از تجارب - استفاده از ظرفیت‌های طبیعی و انسانی مورد توجه قرار گیرد.

پیشنهادهای

الف) اهداف و آرمان‌های مقدس انقلاب اسلامی در سطح ملی و بین‌المللی با تولید آثار علمی، فرهنگی و هنری بازنشر و به گفتمان غالب ملت‌های ستمدیده تبدیل شده و یک مطالبه بین‌المللی شود.

ب) تجارب موفق و ناموفق جمهوری اسلامی ایران در سیر تکوین انقلاب اسلامی از طریق برگزاری همایش‌های بین‌المللی و تولید و انتشار آثار علمی در اختیار بشریت، علاقه‌مندان و جامعه علمی قرار داده شود.

پ) مستندسازی تجارب فعالان حوزه انقلاب اسلامی، بالاخص کسانی که هنوز در قید حیات هستند و مسئولیت دارند انجام و در اختیار جامعه علمی قرار گیرد.

ت) به‌منظور انتقال تجارب به نسل‌های آینده و زنده نگه‌داشتن اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی و ترغیب جوانان و آینده‌سازان، درسی تحت عنوان انقلاب اسلامی در متون درسی دانش‌آموزان پیش‌بینی و لحاظ گردد.

ث) به‌منظور تسهیل در استكمال انقلاب اسلامی، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به‌عنوان یک سند بالادستی تبیین و راهبردهای تحقق آن تدوین و عملیاتی شود. ج) حرکت عادی و معمولی کمکی به تمدن‌سازی نمی‌نماید؛ لذا بایستی با استفاده و پیاده‌سازی مدیریت جهادی یک حرکت جهشی و رو به جلو به‌منظور تحقق اهداف انقلاب اسلامی ایجاد گردد.

چ) یکی دیگر از الزام‌های تمدن‌سازی، بصیرت و هوشیاری جامعه می‌باشد؛ لذا بایستی سازمان‌های متولی تربیت و آموزش و فرهنگی مثل حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، آموزش و پرورش و صدا و سیما، وظیفه خود را به‌منظور گسترش بصیرت در جامعه به‌نحو مطلوب انجام دهند.

ح) یکی دیگر از عوامل تمدن‌سازی، توسعه علمی است؛ لذا پیشنهاد می‌شود رشد و توسعه علمی با سرعت بیشتری پیگیری گردد و از سرعت رشد علمی کشور کاسته نشود.

خ) یکی دیگر از الزام‌های تمدن‌سازی، عدالت‌محوری و مبارزه با فساد می‌باشد که با توجه به شرایط موجود کشور نیاز است که در این خصوص جدیت و قاطعیت بیشتری به‌کار برده شود و ساختار نهادهای نظارتی و قوه قضائیه از نظر روش‌ها، فرایندها، منابع انسانی و... تقویت شوند.

د) یکی دیگر از مسائلی که مانع تحقق انقلاب اسلامی در حوزه‌های اقتصادی شده،

تحریم‌های ظالمانه غرب و آمریکا می‌باشد، از این‌رو پیشنهاد می‌گردد که با پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی، وابستگی اقتصاد به بیرون از کشور کاهش و زمینه‌های اقتصادی استکمال انقلاب اسلامی فراهم گردد.

ز) یکی دیگر از عواملی که نقش کلیدی و حیاتی در استکمال انقلاب اسلامی برای تمدن‌سازی دارد، پیاده‌سازی سبک زندگی اسلامی است؛ لذا پیشنهاد می‌گردد سازمان‌های متولی تربیت و آموزش و فرهنگی مثل حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، آموزش و پرورش و صدا و سیما، وظیفه خود را در زمینه سبک زندگی اسلامی و نهادهای تمدن‌سازی آن در سطح جامعه به‌نحو مطلوب انجام دهند.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های بعدی عبارت است از: الف) یک مطالعه تطبیقی بین انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌ها تعریف و انجام شود. ب) با تعریف موضوع‌های جزئی، آسیب‌های انقلاب اسلامی احصاء گردد. ج) تجارب موفق انقلاب اسلامی در زمینه‌های مختلف به‌عنوان یک تحقیق مستقل پیشنهاد می‌شود. د) در یک مطالعه، ظرفیت‌های موجود در کشور برای تمدن‌سازی شناسایی گردد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

ابراهیمی کوشالی، حسین و حیدری، مهدی (۱۴۰۰). کارکردهای ممتاز دانشگاه در فرایند شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی بر اساس منظومه فکری آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی). / اندیشه مدیریت رهبردی، سال پانزدهم، (۱)، ۲۸-۱.

ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۹۹۶)، مقدمه. بیروت: دارالمکتبه

بشریه، حسین (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی سیاسی. تهران: نشر نی.

بهمنی، محمدرضا (۱۳۹۳). تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای. فصلنامه فلسفه و الهیات، سال نوزدهم، (۲)، ۷۷-۵۲.

پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به آدرس: <https://farsi.khamenei.ir>

پرورش، محسن (۱۳۹۸). بررسی ظرفیت‌های تمدن‌سازی در جهان اسلام با تکیه بر پیاده‌روی اربعین. نشریه علمی تمدن/اسلام و دین پژوهش، (۲)، ۴۷-۳۰.

جان‌احمدی، فاطمه (۱۴۰۰). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. تهران: دفتر نشر معارف.

جاویدی، رقیه (۱۴۰۱). الگو و نظریه کارآمدی دولت اسلامی با رویکرد تمدنی و تطبیق بر دلالت‌های عملی آن از دیدگاه امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) و مقام معظم رهبری. *فصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، (۱)، ۵۳-۹۶.

خواجه‌سروی، غلامرضا؛ فتحی، محمدجواد و اسفندیار، محمد (۱۳۹۳). مؤلفه‌های اصلی تمدن‌سازی انقلاب اسلامی. *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، سال سوم، (۱۱)، ۳۴-۱.

داودی کهکی، ریحانه؛ ذهبی، سیدعباس و عباسی، بابک (۱۴۰۱). راهبردهای ساخت تمدن سعادتمندانه بر مبنای آراء فارابی. *فصلنامه علمی راهبردهای اجتماعی فرهنگی*، در حال انتشار.

درودی، مجتبی و دیگران (۱۳۹۹). تحلیل و بررسی پیشران‌های آنتی‌تزی انقلاب اسلامی در حوزه‌های علمیه. *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، (۶۰)، ۱۱۳-۱۳۶.

دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۹۵). *درآمدی بر تاریخ تمدن*. تهران: بهنود.

ذوعلم، علی و پیرچراغ، محمدرضا (۱۳۹۹). بازآفرینی تمدن اسلامی در پرتو پایه‌های چهارگانه ایمان. *تمدن نوین اسلامی در آینه تقریب*، (۲)، ۵-۳۲.

رجایی، زهرا (۱۳۹۶). نسبت امنیت فرهنگی و تمدن اسلامی در جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه سیاست*، سال چهارم، (۱۵)، ۵۷-۸۷.

روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۹). *زمینه فرهنگ‌شناسی*. تهران: عطار.

صالح اصفهانی، اصغر؛ نظامی‌پور، قدیر؛ کاظمی قمی، حسن و فرجی، ایرج (۱۳۹۹). الگوی جبهه مقاومت از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی). *فصلنامه مطالعات دفاعی/استراتژیک*، سال هجدهم، (۸۲)، ۸۱-۹۹.

صدری‌فر، نبی‌اله و مولوی، محمد (۱۴۰۰). مقدمات و الزامات ایجاد تمدن نوین اسلامی. *فصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی/ایرانی*، سال نهم، (۲)، ۴۷-۶۷.

ضراغی‌فر، مژگان و آذر، عادل (۱۳۹۲). تحلیلی بر شیوه نگاشت‌شناختی در ساختاربندی داده‌های کیفی مطالعات سازمانی. *فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی*، سال سوم، بهار و تابستان، (۱ و ۲)، ۱۵۹-۱۸۵.

عزتی، امیرحسین؛ چهاردولی، عباس و ترابی، محسن (۱۳۹۹). مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی و الزامات شکل‌گیری و ثمرات آن مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی). *فصلنامه مدیریت اسلامی*، سال بیست و هشتم، (۱)، ۷۵-۹۶.

فرمهبینی، محسن (۱۳۹۵). الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی. *فصلنامه مطالعات ملی*، (۱۷)، ۷۸-۱۱۱.

فولادی، محمد و حسینی، فاطمه‌السادات (۱۳۹۸). تحلیلی بر ابعاد و مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی، از منظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی). فصلنامه معرفت فرهنگی/اجتماعی، سال یازدهم، شماره اول، ۴۷-۷۰.

قاسمی، بهزاد (۱۳۹۷). ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی. فصلنامه آفاق/امنیت، سال یازدهم، (۳۸)، ۴۵-۶۸.

کرسول، جان دبلیو (۱۳۹۱). طرح پژوهشی رویکردهای کیفی، کمی و ترکیبی. ترجمه علیرضا کیامنش و مریم دانای طوس، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه علامه طباطبایی.

محمودی رجا، سیدزکریا؛ باقری دولت‌آبادی، علی و راوش، بهنام (۱۳۹۷). بررسی محور مقاومت و آینده نظام سلطه با استفاده از نظریه نظام جهانی. فصلنامه مطالعات بیداری، سال هفتم، (۴۰)، ۷-۲۹.

مختاری، محمدحسین (۱۳۹۹). ارزیابی میدانی اهمیت شاخص‌های تحقق الگوی تمدن نوین اسلامی مبتنی بر اندیشه‌های امام خمینی در میان جامعه دانشگاهی. فصلنامه سیاست متعالیه، (۳۱)، ۲۸۱-۳۰۲.

مصطفوی، حسن (۱۳۹۹). //تحقیق فی کتاب القرآن کریم. تهران: وزارت ارشاد. نجات‌بخش اصفهانی، علی و قریشیان، سیدعلی (۱۴۰۰). اثرگذاری تمدن اسلامی بر استفاده از تکنولوژی و فناوری در عصر اطلاعات. نشریه علمی علم و تمدن در اسلام، سال سوم، (۱۰)، ۹۸-۱۱۹.

نعیم‌آبادی، حسن و پالیزپیشه، محسن (۱۳۹۸). جایگاه دیپلماسی عمومی در تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای. نشر علمی تمدن/اسلامی و دین‌پژوهی، سال اول، (۳)، ۳۲-۵۲.

همتی، عصمت (۱۴۰۰). تبیین دعا و مبانی نظری آن در نظام تربیتی اسلام با تکیه بر صحیفه سجاده. نشریه آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، سال هفتم، (۲)، ۱۲۷-۱۴۳.

- Anderson, R. (2007), *Thematic Content Analysis (TCA): Descriptive Presentation of Qualitative Data*, Institute of Transpersonal Psychology, Retrived from: <http://www.wellknowingconsulting.org/publications/pdfs/ThematicContentAnalysis.pdf>
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101.
- Mohammadi, Manouchehr (2009). Dealing with Civilizations or Dealing with the Dominance System (New Paradigm in International Relations). *Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies*, 5(11). (In Persian)
- Anwari, Hassan (2011). *Great culture of speech*. Tehran: Sokhan Publications.
- Bahmani, Mohammad Reza (2014). The new Islamic civilization in the thought of Ayatollah Khamenei the *Quarterly Journal of Philosophy and Theology*, 19(2).
- John Ahmadi, Fatima (2009). *History of Islamic Culture and Civilization*. Tehran: Maaref Publishing Office.
- Jahanbin, Farzad & Moeinipour, Massoud (2015). ISLAMIC REVOLUTION STUDIES. *A Quarterly Scientific Research Journal*, (11), Winter 2015, No 391.
- Javadi Amoli, Abdullah (1999). *Velayat-e-Faqih, Velayat Faqih and Justice*. Qom: Nashr Isra.
- Droudi M.; Abravesh R. & Motamed E. (2020). An Analysis and study of the Drivers of the Antitheses of the Islamic Journal of Islamic Revolution Studies, 60 consecutive 113-136.
- Dehkhoda, AliAkbar (1994). *Dehkhoda Dictionary*. Volume 4, Tehran, University of Tehran.
- Durant, William James (2012). *An Introduction to the History of Civilization*. Tehran: Behnoud Publications.
- Ruholami, Mahmoud (2000). *Cultural Studies*. Volume 5, Tehran, Attar.
- Zamani, Mostafa (2011). Principles of Engineering of the New Iranian Islamic Civilization. *Quarterly Journal of International Cultural Relations Studies*. First Year, Pre-Issue 3.
- shahgholian, Reza & Nazemi, Mahdi (2020). A Model for Achieving the Indicators of Culture in the Context of the Islamic Revolution. *Journal of Islamic Revolution Research*, 8(33), 184-203.
- Shafiee, Nozar & Moradi, Ahmad (2009). The Impact of the Thirty-three Days War on Iran's Regional Status. *International Political Research Quarterly of Shahreza Azad University*, Volume One, 64-41.
- Saleh Esfehiani, A.; Nezamipour, Gh.; Kazemi Qomi, H. & Farji, I. (2020). The Resistance Front Pattern From Imam Khamenei's Pont of View. *Quarterly Journal of Strategic Defense Studies*, Year 18, (82), 81-99.
- Ezzati, Amir Hassan; Chahardooli, Abbas & Torabi, Mohsen (2020). The Components of Modern Islamic Civilization, Requirements for Its Establishment, and Its Benefits in View of of the Supreme Leader.

- Islamic Management*, 28(1), 75-96.
- Ghasemi, Behzad (2018). Geopolitics of Resistance Axis and National Security of the Islamic Republic of Iran on the Basis of the Islamic Revolution Discourse. *Security Horizons*, 11(38) - Serial Number 38 Autumn 2020, 5-34.
- Gharayipour, Reza & Beik Mohammadlou, Hassan (2007). Strategic Leadership Process. *Tadbir Monthly*, Eighteenth Year, (185).
- Mohammadi, Manouchehr (2005). The Global Reflection of the Islamic Revolution. *Journal of Revolutionary Studies*, (2), 84-51.
- Zakaria Mahmoodi Raja, Sayed; Bagheri Dolat-Abadi, Ali & Ravesh, Behnam (2019). The Axis of Resistance and the Future of Domination System Using the World-Systems Theory. *Quarterly Journal of Awakening Studies*, 7(14), 7-28.
- Mokhtari, MohammadHussein (2021). A Field Assessment of the Significant Criteria in the Substantiation of the Model of New Islamic Civilization in the Academic Society Based on the Ideas of Imam Khomeini. *Transcendental Politics Quarterly*, 8(31) - Serial Number 31, February 2021, 281-302.
- Mustodard, Lutrop (1320). *Today with Muslims or the New World of Islam. Seyyed Ahmad Mahzab*, (1), Tehran: Book
- Mazloomi, Nader & Motevalli, Ali (2012). A Model To Implement Of Strategic Plans. *Management studies*, 21(67) - Serial Number 67, Spring 2012, 19-45.
- Naeem Abadi, Hassan & Paliz Pisheh, Mohsen (2019). The position of public diplomacy in the realization of the new Islamic civilization from the perspective of Ayatollah Khamenei. *Scientific journal of Islamic civilization in islam*, first year, third issue

References

- Ali Nejatbakhsh Esfahani, Seyed Ali Qurayshian, (2022). The Effect of Islamic Civilization in the Use of Technology in the Information Era, , 3(10), 98-119. magiran.com/p2397804 . (In Persian)
- Anuri, Hassan, (2010). the great word of speech. Tehran: Sokhon Publications. (In Persian)
- Bahmani, M. R. (2014). The Nature of Civilization and the Process of Civilization-Making in the Islamic Republic of Iran (Ayatollah Khamenei's View). *Naqd Va Nazar*, 19(74), 198-237. (In Persian)
- davoodikahaki, R., zahabi, S., & abbasi, B. (2023). Strategies for building a prosperous civilization based on Farabi's views. *Socio-Cultural Strategy*, 12(2), 745-770. doi: 10.22034/scs.2023.164115. (In Persian)
- Droudi M, Abravesh R, Motamed E. An Analysis and study of the Drivers of the Antitheses of the Islamic Revolution in Seminaries, *Hawziha-yi 'Ilmiyyah.. Scientific Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies* 2020; 17(60) :113-136. (In Persian)
- Durant, William James, (2015). An introduction to the history of

- civilization, Tehran, Behnoud. (In Persion)
- Ebrahimi Kooshali, H., & Heydari, M. (2021). Distinguished Functions of the University in the Formation of a New Islamic Civilization Based on Ayatollah Khamenei' Intellectual System. *Strategic Management Thought*, 15(1), 1-28. (In Persion)
- Ezzati, A. H., Chahardooli, A., & Torabi, M. (2020). The Components of Modern Islamic Civilization, Requirements for Its Establishment, and Its Benefits in View of of the Supreme Leader. *Scientific Journal of Islamic Management*, 28(1), 75-96. . (In Persion)
- Farmahini Farahani, M. (2016). The requirements of realization The New Islamic Civilization. *National Studies Journal*, 17(67), 83-101. (In Persion)
- ghasemi, B. (2018). Geopolitics of Resistance Axis and National Security of the Islamic Republic of Iran on the Basis of the Islamic Revolution Discourse. *Scientific Journal of Security Horizons*, 11(38), 5-34. (In Persion)
- Hemmati, E. (2022). Explanation of Prayer and theoretical foundations in Islamic educational system based on "Sahifah Sajjadiyyah". *Educational Doctrines in Quran and Hadith*, 7(2), 127-143. doi: 10.22034/iued.2022.541220.2139
- Jan Ahmadi, Fatemeh (2008). *History of Islamic Culture and Civilization*, Tehran, Maarif Publishing House. (In Persion)
- javidi, R. (2022). The model and theory of efficiency of the Islamic State with the civilized approach and application to its practical implications from the perspective of Imam Khomeini and Ayatollah Khamenei. *Scientific Journal of New Islamic Civilization Fundamental Studies*, 5(1), 53-96. doi: 10.22070/nic.2022.15510.1150. (In Persion)
- khajehsarvi, G., fathi, M. J., & Esfandiari, A. (2014). New Approach to the factors influencing of civilization making of Iranian Islamic Revolution (With an emphasis on thought of the Supreme Leader). *Islamic Revolution Research*, 3(4), 1-34. (In Persion)
- Mahmoodi Raja, S. Z., Bagheri Dolat-Abadi, A., & Ravesh, B. (2019). The Axis of Resistance and the Future of Domination System Using the World-Systems Theory. *Journal of Islamic Awakening Studies*, 7(14), 7-28. . (In Persion)
- Mohammad Fooladi, Fatemehsadat Hosseini (2021). The Dimensions and Indicators of the New Islamic-Iranian Civilization from the Perspective of the Supreme Leader, *Marifat*, 30(1), 59. magiran.com/p2273577 . (In Persion)
- Mokhtari, M. H. (2021). A Field Assessment of the Significant Criteria in the Substantiation of the Model of New Islamic Civilization in the Academic Society Based on the Ideas of Imam Khomeini. *Transcendent Policy*, 8(31), 281-302. doi: 10.22034/sm.2021.127897.1537. (In Persion)
- Mustafavi, Hassan (2019). *Research in the Holy Quran*, vol. 11, Tehran, Ministry of Guidance. (In Persion)

- Naeem Abadi, Hassan and Paliz Pisheh, Mohsen, (2018), the place of public diplomacy in the realization of modern Islamic civilization from the perspective of Ayatollah Khamenei, Islamic Civilization and Religious Studies Scientific Publication, 1st year, 3rd issue, 32-44. (In Persion)
- Parvesh, Mohsen, (2018), investigating the capacities of civilization in the Islamic world by relying on the Arbæen pilgrimage. (2020). . Scientific Journal Science and Civilization in Islam, 1(2), 30-47. (In Persion)
- Rajai ,Zahra (2017). The ratio of cultural security and Islamic civilization in the Islamic Republic of Iran, Policy Quarterly, (15), 57-87
- Rooh Al Amini, Mahmoud, (2000), Field of Cultural Studies, Volume 5, Tehran, Attar. (In Persion)
- sadrifar, N., & Molavi, M. (2021). Preliminaries and Requirements for the Creation of a New Islamic Civilization. Iranian Pattern of Progress, 9(2). (In Persion)
- Saleh Esfehane, A., Nezami puor, G., Kazemi Qomi, H., & Farji, I. (2020). The Resistance Front Pattern From Imam Khamenei's Pont of View. Strategic Defense Studies, 18(82), 81-98. . (In Persion)
- shahgholian, R., & nazemi, . (2020). A Model for Achieving the Indicators of Culture in the Context of the Islamic Revolution. Islamic Revolution Research, 9(2), 184-203. (In Persion)
- Zoulam, Ali, Pircheragh, Mohammad Reza, (2019), Re-creation of Islamic civilization in the light of the four foundations of faith, Modern Islamic civilization in the mirror of approximation, 1(2), 32-5. (In Persion)

نقش شاخص‌های توسعه‌ای در تحولات و سیاست‌گذاری جمعیتی: با تأکید بر ایران

اصغر میرفردی

دانشیار جامعه‌شناسی، بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

amirfardi@shirazu.ac.ir

0000-0002-1219-4485

چکیده

این مقاله با روش‌های اسنادی و کتابخانه‌ای، تحلیل ثانوی و با بهره‌گیری از منابع پیرامون تحولات تاریخی، جمعیتی و توسعه‌ای به تحلیل نقش شاخص‌های توسعه‌ای در تحولات و سیاست‌گذاری جمعیتی پرداخته است. پرسش اصلی مقاله این است که چه پیوندی بین تحولات جمعیتی و توسعه‌ای وجود دارد و چه سناریویی برای سیاست جمعیتی کشوری چون ایران می‌توان پیشنهاد کرد؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که شاخص‌های جمعیتی همراستا با تحولات توسعه‌ای دچار تحول شده است و کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته جهان - از جمله ایران - از شاخص‌های جمعیتی متفاوتی برخوردارند. کشورهای با رشد جمعیت بالا از شاخص‌های کامیابی و توسعه انسانی پایین‌تری نسبت به کشورهای توسعه‌یافته که رشد جمعیت کمتری دارند، برخوردارند. همراستا با گذار دوم جمعیتی، گونه‌ای از گذار فرهنگی در ارزش‌های خانوادگی و فرزندآوری در کشورهای کمتر توسعه‌یافته رخ داده است که بر رفتار فرزندآوری اثرگذار است. در پایان سناریوهای سیاست جمعیتی در پیوند با میزان رشد جمعیت و سطح توسعه کشورها ارائه شده است. روند دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی، ضرورت گونه‌ای از سیاست اقتضایی - تطبیقی جمعیتی را نشان می‌دهد. در این راستا، برای جامعه‌ای همچون ایران، سناریوی تثبیتی برای «توازن پویا» پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تحول جمعیتی، توسعه، سیاست جمعیتی، جهان، ایران.

شاپای الکترونیک: ۲۵۵۸-۶۵۵X / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

CC BY 4.0



10.22034/SCS.2023.393589.1428

مقدمه و بیان مسئله

جمعیت و تحولات اقتصادی و اجتماعی از موضوع‌های کهن زندگی بشر است که پیش از پدیدار شدن مفهوم توسعه در چهارچوب گفتارهای دیگری بیان می‌شدند. افلاطون در دوران باستان به تعادل بین اندازه جمعیت و دولت کامل پرداخته بود (بهنام، ۱۳۴۶). یکی از ویژگی‌های مدیریت جوامع در دوران معاصر، سیاست‌گذاری‌های راهبردی در حوزه‌های کلان برای زیست توسعه‌مدار و همراه با رفاه و آسایش عمومی است. چنین سیاست‌گذاری‌های راهبردی در زمینه‌های آموزشی، بهداشت و درمان، اشتغال، امور زیربنایی و بخش‌های اقتصادی انجام می‌شود (میرفردی، صادقی‌نیا و مرادی، ۱۳۹۸). مدیریت جمعیتی نیز از موضوع‌های مهم و راهبردی است که جوامع توسعه‌یافته، به‌سان یک محور بنیادی و پویا، در حوزه سیاست‌گذاری بدان می‌پردازند (Demeny, 2003). برداشت‌های گوناگونی از رشد جمعیت در بین اندیشمندان جمعیتی و توسعه‌ای وجود دارد؛ دیدگاه بدبینان، خوش‌بینان و بی‌طرف‌ها درباره نقش جمعیت در توسعه از مهمترین دیدگاه‌های این حوزه است (میرزایی، ۱۳۸۴؛ صادقی، ۱۳۹۱). هر رویکرد، برنامه و سیاست جمعیتی ویژه‌ای را پیشنهاد می‌کند. سیاست‌های کنترلی، تشویقی و مداخله نکردن در امر جمعیت مورد توجه رویکردهای یاد شده‌اند.

تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین میزان رشد جمعیت در کشورهای توسعه‌نیافته و توسعه‌یافته وجود دارد. در دهه آغازین قرن بیست‌ویکم، میانگین رشد سالانه جمعیت در کشورهای توسعه‌نیافته ۲/۱ درصد و در کشورهای توسعه‌یافته ۰/۶ درصد بود (سمیعی‌نسب و ترابی، ۱۳۸۹). تفاوت جمعیتی این کشورها تا اندازه زیادی به دگرگونی‌های توسعه‌ای، نوع سیاست‌های جمعیتی و همچنین باورهای مردم این دو دسته جوامع وابسته است.

جوامع توسعه‌یافته و در پی آن جوامع توسعه‌نیافته از دهه‌ها پیش در حال تجربه گذار سنی هستند (صادقی، ۱۳۹۱). یکی از دغدغه‌های جوامع کنونی، سالمندی جمعیت است. همراه با تحولات توسعه‌ای، دگرگونی در سبک زندگی و کاهش باروری نرخ سالمندی در جهان رو به افزایش است. داده‌های جهانی جمعیت به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته نشانگر روند پیر شدن جمعیت این دسته از کشورها است، روندی که در آینده گریبانگیر کشورهای توسعه‌نیافته نیز خواهد شد. توسعه در جهان به‌گونه‌ای همراستا با پیر شدن جمعیت جهان شده است (Lloyd-Sherlock, 2010).

در سال ۲۰۲۱ میانگین باروری برای هر زن در سن باروری در جهان ۲/۳ فرزند بود، در حالی که در سال ۱۹۵۰ این نرخ ۵ فرزند برای هر زن بود. پیش‌بینی می‌شود این نرخ در سال ۲۰۵۰ با روند کاهشی به ۲/۱ فرزند برای هر زن برسد (United Nations, 2022). با این روند، میانگین سنی در جهان نیز افزایش می‌یابد و مسئله سالمندی جمعیت، گسترده‌تر می‌شود.

جامعه ایران در چند دهه گذشته با دگرگونی‌های گسترده جمعیتی روبه‌رو بوده است. کاهش میزان باروری، افزایش میانگین سنی ازدواج و افزایش گسترده جمعیت شهری از جمله این دگرگونی‌ها هستند (ایران محبوب و میرفردی، ۱۳۸۲؛ مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). با وجود مطالعات گوناگون در حوزه‌های جمعیت و توسعه (میرزایی و عسکری ندوشن، ۱۳۸۵؛ محمودی و مشفق، ۱۳۸۸؛ صادقی، ۱۳۸۸؛ مشفق و میرزایی، ۱۳۸۹؛ میرزایی، ۱۳۸۹)، وضعیت تعامل یا همجواری تحولات توسعه‌ای و جمعیتی هنوز به عنوان یک مسئله اجتماعی نیاز به تحلیل علمی دارد. باوجوداین مطالعات، شناخت علمی کافی از پیوند شاخص‌های توسعه و تحولات جمعیتی به‌ویژه درباره جامعه ایران وجود ندارد. پیوند بین سیاست‌گذاری جمعیتی و شرایط توسعه‌ای در جوامع با شاخص‌های متفاوت جمعیتی و توسعه‌ای روشن نیست. در این زمینه ضرورت دارد، جمعیت، تحولات آن و سیاست‌گذاری مناسب برای مدیریت جمعیت از زوایای گوناگون تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ارزیابی شود. دراین‌راستا، این مقاله بر آن است تا به این مسئله بپردازد که پیوند تحولات جمعیتی و شاخص‌های توسعه چگونه است؟ سیاست جمعیتی مناسب برای وضعیت‌های گوناگون توسعه‌ای و جمعیتی چیست؟ بررسی سیاست جمعیتی متناسب با شرایط توسعه‌ای و جمعیتی، به دلیل دگرگونی در شرایط توسعه‌ای و جمعیتی جهان و به‌ویژه کشورهای جهان سوم و همچنین اختلاف دیدگاه درباره جمعیت و اولویت‌های سیاست جمعیتی ضرورت دارد. جمعیت با پیشینه و تحولات تاریخی، زمینه‌های فرهنگی، نهادهای اجتماعی، ساختارهای سیاسی، ویژگی‌های اقلیمی و مزیت‌ها و تنگناهای اقتصادی یک جامعه پیوند دارد و شناخت واقع‌بینانه تحولات و سیاست‌گذاری آن بدون توجه به زمینه‌های گوناگون یادشده، دست‌یافتنی نیست. در این مقاله، چگونگی پیوند تحولات جمعیتی و شاخص‌های توسعه‌ای همچون توسعه انسانی و شاخص کامیابی کشورهای گوناگون تحلیل می‌شوند.

هدف و پرسش‌های پژوهش

بررسی پیوند تحولات جمعیتی و توسعه‌ای جهان و ایران و ارائه سیاست جمعیتی متناسب با شاخص‌های جمعیتی و توسعه‌ای از اهداف این مقاله است. بر پایه ادبیات تجربی و نظری پژوهش، این مقاله، در پی پاسخ به این پرسش‌ها است: ۱- جمعیت جهان و ایران در سده‌های گذشته چه تحولاتی را تجربه نموده است؟ ۲- شاخص‌های توسعه انسانی و کامیابی کشورها با توجه به شاخص‌های جمعیتی چه تفاوتی دارند؟ ۳- چه سیاست جمعیتی متناسب با شاخص‌های جمعیتی و توسعه‌ای به‌ویژه برای ایران می‌توان پیشنهاد داد؟

۱. پیشینه پژوهش

رابینسون و سرینیواسان^۱ (۱۹۹۷) نشان داده‌اند که تعامل بین رشد اقتصادی، پویایی جمعیت و استفاده از منابع امری پیچیده است و نتیجه مشترک درون‌زای کل فرایند تکامل و توسعه سیستم اقتصادی و اجتماعی است. شولتز^۲ (۲۰۰۷)، با استناد به یافته‌های اقتصاددانان نشان داد «اثرات متقابل» باروری بر رفاه خانواده به‌طور قابل ملاحظه‌ای کمتر از برآوردهای انجام شده است. صادقی (۱۳۹۲) در بررسی دیدگاه جمعیتی ابن‌خلدون، نشان داد که ابن‌خلدون با معرفی ابعاد و مؤلفه‌های رشد جمعیت و گذار جمعیتی در بستر توسعه، بر تعامل پویا بین جمعیت و توسعه تأکید داشته است. همچنین، از دیدگاه ابن‌خلدون تأثیر مثبت یا منفی رشد جمعیت بر توسعه و رفاه، به ساختار و کیفیت جمعیت و نیز شرایط ساختاری جامعه بستگی دارد.

خانی و نصرالهی (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای مروری نشان دادند که رشد جمعیت در کشورهای توسعه‌نیافته نوآوری را افزایش می‌دهد. منصوریان و همکاران (۱۳۹۴) نشان دادند که زمینه‌های اقتصادی بیشترین تأثیر را بر رشد جمعیت شهر تهران داشته است و مجموعه عوامل فرهنگی و اجتماعی، زیرساختی و امکانات شهری و جغرافیایی در جایگاه‌های بعدی هستند. بنت و زیدی^۳ (۲۰۱۶) نشان دادند که از نظر شاخص‌های بهداشتی، امید به زندگی و آموزش بین زنان مناطق کمتر توسعه‌یافته با درآمد پایین با زنان مناطق توسعه‌یافته و با درآمد بالا تفاوت معناداری وجود دارد و کیفیت زندگی مناطق کمتر توسعه‌یافته و با درآمد پایین، پایین‌تر از مناطق توسعه

1. Robinson & Srinivasan

2. Schultz

3. Bennett & Zaidi

یافته است. ژه، یانگ و ژانگ^۱ (۲۰۱۸) نشان دادند خانواده‌های مسن‌تر چینی که تعداد کمتری فرزند دارند، بیشتر پس‌انداز می‌کنند. مطالعه کریمی و واعظزاده (۱۳۹۹) در شهر کرمانشاه نشان داد که محلات محروم در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، فراغتی، ذائقه و مدیریت بدن، با وجود تفاوت‌های اندک، به‌طور نسبی از گونه‌ای همانندی برخوردارند که ویژگی اصلی آن فقر و محرومیت است. مطالعه چن^۲ (۲۰۲۱) در ویتنام درباره سوء تغذیه و سیاست‌های جمعیتی نشان داد که نقض سیاست دو فرزند و ویتنام (یعنی داشتن بیش از دو فرزند) ممکن است باعث کاهش قد و وزن کودکان ۵ ساله ویتنامی شود. تقی‌نژاد، غمامی و عزیزی (۱۳۹۹) در بررسی حقوقی قانون افزایش جمعیت، نشان دادند که قانون‌گذار باید با اصلاح مقررات تأمین اجتماعی، مالیاتی، اعطای تسهیلات و کمک‌های اقتصادی و اجتماعی «منطقه‌گرایی» موجبات افزایش جمعیت را با ملاحظه توزیع موزون و متناسب فراهم آورد. جنادله و رهنما (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای روند تحولات در جوامع اروپایی و ایران را مرور نموده و نشان دادند که تحولات جدید در حوزه جمعیت و فرزندآوری، نوعی تطبیق با شرایط ساختاری است.

در مطالعات پیشین نتایج گوناگونی از پیوند بین جمعیت و توسعه گزارش شده است. در برخی از مطالعات به نقش جمعیت فعال و جوان در پیشبرد اهداف توسعه‌ای پرداخته شده است. در مجموع، مطالعات پیشین به‌گونه‌ای به پیوند جمعیت و توسعه پرداخته‌اند. باوجوداین، کمتر به سیاست‌های جمعیتی در پیوند با کنش دو سویه این متغیرها پرداخته شده است. مقایسه کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته در زمینه پیوند یا همجواری شاخص‌های جمعیتی و توسعه‌ای کمتر توجه شده است.

۲. ملاحظه‌های نظری

۲-۱. تعریف مفاهیم

شاخص توسعه انسانی: شاخص توسعه انسانی از دهه ۱۹۹۰ میلادی با تلاش سن^۳ و همکاران توسط دفتر توسعه سازمان ملل برای کشورهای جهان ارزیابی شد. در این شاخص، زیرشاخص‌هایی همچون آموزش، درآمد سرانه و امید زندگی ارزیابی و محاسبه می‌شوند (میرفردی، ۱۳۸۵).

1. Ge, Yang, & Zhang

2. Chen

3. Sen

شاخص کامیابی: کامیابی شاخصی کیفی در میزان رفاه و توسعه یک کشور است، با بررسی بیش از ۹۸ عامل در قالب ۱۲ زیر شاخص ایمنی و امنیت، آزادی شخصی، حکمرانی، سرمایه اجتماعی، محیط سرمایه‌گذاری، شرایط کسب و کار، دسترسی به بازار و امور زیربنایی، کیفیت اقتصادی، شرایط زندگی، بهداشت و سلامت، آموزش و محیط طبیعی بر آن است تا سیمایی از میزان و عمق رفاه و توسعه را در هر جامعه ارائه کند.

سیاست‌گذاری جمعیتی: سیاست‌گذاری جمعیتی به معنای هر گونه روشی است که دولت‌ها برای تغییر در کمیت و ترکیب جمعیت به کار می‌بندند، خواه با تغییر در میزان ولادت و یا تغییر در سیاست مهاجرتی باشد (Ined, 2023).

۲-۲. مبانی نظری

۲-۲-۱. حوزه جمعیت

در حوزه جمعیت از سده‌های پیشین دو رویکرد خوشبینانه و بدبینانه درباره افزایش جمعیت وجود داشته است. بدبینان که سرآمد آنها رابرت مالتوس^۱ (۱۸۰۳) بود، رشد جمعیت را به دلیل کمبود مواد غذایی، زیانبار می‌دانستند و با توصیه‌های اخلاقی باورمندان خود را به داشتن فرزند کمتر و یا حتی نداشتن فرزند سفارش و یا وادار می‌کردند. خوش‌بینان با باور به گنجایش طبیعی زمین برای تولید خوراک و همچنین گنجایش سرمایه‌های انسانی برای تولید دانش و فناوری؛ افزایش جمعیت را نه تنها تهدید نمی‌دانند بلکه آن را فرصتی برای شکوفایی اقتصادی جامعه می‌پندارند (سرای، ۱۳۹۱: ۱۲۵). پیشتاز دیدگاه خوش‌بین‌ها به افزایش جمعیت، هارود^۲ (۱۹۳۹) بود که باور داشت رشد بالای جمعیت، زمینه رشد اقتصادی است. سایمون^۳ (۱۹۸۰)، یکی از شناخته‌شده‌ترین اندیشمندان این رویکرد و منتقد دیدگاه مالتوس بود. بوزروپ^۴ (۱۹۸۱)، همراستا با سایمون، استدلال کرد که رشد جمعیت به‌جای آنکه آن را به فلاکت بکشاند، در عمل می‌تواند موجب نوآوری شود و استانداردهای زندگی را ارتقاء بخشد. کوزنتز^۵ (۱۹۶۷) اقتصاددان، جمعیت‌های بزرگ را زمینه تولید اندیشه و ارتقاء دانش می‌داند که می‌توانند به توسعه بیانجامند. نظریه

1. Malthus
2. Harrod
3. Simon
4. Boserup
5. Kuznets

گذار دوم جمعیت‌شناختی از نظریه‌های برجسته در زمینه دگرگونی در نظام خانواده به‌ویژه ازدواج و رفتار باروری است. ازدواج در سن بالا، کاهش نسبت خانواده‌های با ازدواج، کاهش باروری و فرزندخواهی و .. (Lesthaeghe, 1998) از جمله پیامدهای این نوع گذار جمعیت‌شناختی است که از نیمه دوم قرن بیستم، آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی آن را تجربه نمودند. دگرگونی در نظام‌های ارزشی از موضوع‌هایی است که برخی آن را زمینه دگرگونی در خانواده و وضعیت فرزندآوری می‌دانند. اینگلهارت در مطالعات خود گذار از ارزش‌های مادی به فرامادی (اینگلهارت، ۱۳۷۳) و تأثیر آن بر ارزش‌های سنتی همچون ارزش‌های حوزه خانواده را نشان داد (Inglehart & Baker, 2010). لستهیگ (۲۰۱۰) نیز تأثیر این دگرگونی‌ها را بر شکل خانواده نشان داد.

۲-۲-۲. حوزه توسعه

به باور تودارو^۱ «توسعه را باید جریانی چندبُعدی دانست که مستلزم تغییرهای اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است» (تودارو، ۱۳۹۱: ۱۳۵). یکی از دیدگاه‌های برجسته درباره توسعه، دیدگاه نوسازی است که در بُعدهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، روانی و سیاسی به فرایند دگرگونی از ساخت سنتی به ساخت نوین می‌پردازد. شهرنشینی، آموزش و پرورش، جهت‌گیری افراد، پایگاه اجتماعی، خانواده، ساختار و روابط خانوادگی، بهداشت، ویژگی‌های جمعیتی همچون زادوولد و مرگ‌ومیر، طلاق، ازدواج، مهاجرت، امکانات رفاهی و فراغت و در فرایند نوسازی اجتماعی دچار دگرگونی می‌شوند (میرفردی، ۱۳۹۶). نظریه کنش پارسونز، با تفکیک خرده‌نظام‌های اجتماعی (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی)، کارکردهای ویژه‌ای را برای هر کدام از آنها در نظر می‌گیرد (Giddens & Turner, 1993). با وجود این تفکیک و تمایز بین خرده‌نظامها و کارکردهای آنها؛ گونه‌ای از هماهنگی کارکردی و همچنین هم‌تغییری بین آنها وجود دارد (Parsons, 1951). توسعه در کوتاه‌مدت بر کاهش فقر و در بلندمدت بر بهبود تدریجی رفاه مردم عادی دلالت دارد که همان توسعه انسانی است (هینز، ۱۳۹۰، ص. ۳۰۵). مفهوم توسعه انسانی بر جنبه‌هایی از زندگی مردم تأکید می‌کند که فراتر از بعد اقتصادی و دربرگیرنده بهداشت، آموزش، سوادآموزی، روابط اجتماعی و کیفیت زندگی است.

1. Todaro

برنامه توسعه ملل متحد می‌گوید که توسعه انسانی یک «مفهوم پیچیده از توسعه بر مبنای اولویت‌ها رفاه انسانی است که هدف آن تضمین و گسترش هزینه‌های مردم برای برابری هرچه بیشتر فرصت‌ها برای تمام مردم جامعه و توانمندسازی آنان است، به صورتی که آنها در فرایند توسعه مشارکت کرده و از آن بهره‌مند شوند» (UNDP, 1996, p.5). کینگزلی دیویس (۱۹۶۳) در نظریه خود با عنوان «نظریه تغییرات و واکنش‌های جمعیتی»، نوسازی را عامل مهمی در گذار باروری می‌داند.

۲-۳. حوزه سیاست‌گذاری

متون علمی، سیاست را به‌عنوان هنر راهبری یک دولت تعریف کرده و تأکید می‌کنند که سیاست والاترین فعالیتی است که دیگر فعالیت‌ها را دربرمی‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۶۱). سیاست با بهره‌گیری از برنامه‌ریزی در پی دستیابی به اهداف کلان است. در نیمه دوم قرن بیستم، کند شدن نرخ بسیار بالای رشد جمعیت و مداخله‌گرایی گسترده دولت‌ها در حوزه جمعیتی رخ داد (Chasteland, 1983). این مداخله‌ها در قالب سیاست‌های جمعیتی بکار گرفته شدند و تغییرات قابل توجهی در توزیع و ترکیب جمعیت و گروه‌های سنی داشتند. سیاست‌گذاری در حوزه جمعیت به دوران پیش از جنگ جهانی دوم در کشورهای اروپای غربی برمی‌گردد. این دوره که مشهور به عصر طلایی^۱ بود، تحولات اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی را تجربه نمود و به گسترش دولت‌های رفاه انجامید (Walker, 2016). سیاست‌های جمعیتی در درجه اول پاسخی به پیامدهای پیش‌بینی شده باروری و مرگ و میر، و در درجه دوم به مهاجرت داخلی و بین‌المللی است که اندازه، ترکیب سنی و توزیع منطقه‌ای جمعیت را نیز اصلاح می‌کند (Schultz, 1988). شناخته شده‌ترین هدف‌های تدوین و به‌کارگیری سیاست جمعیتی شامل این مواردند: ۱) افزایش یا کاهش جمعیت، ۲) توزیع جغرافیایی منطقی جمعیت، ۳) تنظیم مهاجرت‌های خارجی به‌ویژه مهاجرت جمعیت فعال و نیز نظارت بر بهبود نسل. جنبه کمی این سیاست‌ها افزایش یا کاهش جمعیت و جنبه کیفی آنها، بهداشت و تندرستی جمعیت‌ها و نظارت بر امر ازدواج را مورد توجه قرار می‌دهد (معزی، ۱۳۷۱: ۱۱۵). سیاست‌های جمعیتی دایره گسترده‌تری از مسائل جمعیتی را دربرمی‌گیرند. «دولت ممکن است تأثیرگذاری بر تحول جمعیتی را به طرق گوناگون در برنامه کار خود قرار دهد. در این حالت دخالت دولتی از جهاتی مثل حمایت از بهداشت عمومی،

1. Golden age.

تشویق مولاید، حمایت خانواده، وضع قوانین مربوط به سقط جنین و کنترل مولاید و نیز کنترل مهاجرت در داخل و خارج از مملکت است» (پرسا، ۱۳۶۳، ۱۰۵).

مرور ادبیات نظری نشان داد که توسعه پدیده‌ای چندبعدی است و از زمینه‌های گوناگون تأثیر پذیرفته و بر زمینه‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی نیز تأثیر می‌پذیرد. توسعه را می‌توان «هر گونه دگرگونی برای بهبود کیفیت زندگی انسانی، دامنه و توانمندی گزینش برای بهتر زیستن» دانست. جمعیت نیز به‌سان یک امر اجتماعی جوانب گوناگونی دارد. دیدگاه‌های متفاوتی درباره نقش جمعیت در تحولات اقتصادی و توسعه‌ای و همچنین پیوند توسعه و جمعیت از زمان مالتوس تاکنون ارائه شده است. به استناد نظریه‌های جمعیتی و به‌ویژه بر پایه دیدگاه گذار دوم جمعیتی (Lesthaeghe, 1998)، دگرگونی‌های نوینی در سبک زندگی خانوادگی، ازدواج و فرزندآوری ایجاد شد. از سوی دیگر، در دیدگاه‌ها و تحلیل‌های متأخر جمعیت و توسعه، به ترکیب سنی جمعیت و ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی جمعیت و جامعه، توجه شده است و تغییرهایی در نوع تحلیل جمعیت و توسعه پدیدار شده است. گذار سنی و پنجره جمعیتی از مفاهیمی است که چنین تغییر دیدگاهی را درباره جمعیت و توسعه نشان می‌دهند.

تحلیل پیوند بین توسعه و جمعیت با توجه به ابعاد پیچیده و چندگانه آنها، نیازمند مطالعه راهبردی و بین‌رشته‌ای و ملاحظه ویژگی‌های ساختاری در زمینه‌های تاریخی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. این مقاله، با بهره‌گیری از ادبیات نظری به‌ویژه دیدگاه گذار دوم جمعیت‌شناختی و پیشینه پژوهش به تحلیل پیوند بین ویژگی‌های جمعیتی و شاخص‌هایی توسعه‌ای پرداخته است و سناریوهای پیشنهادی سیاست جمعیتی با توجه به شاخص‌های جمعیتی و توسعه‌ای ارائه نموده است. بدین منظور، پس از مرور تاریخ تحولات جمعیتی در جهان، شاخص‌های جمعیتی و توسعه‌ای (توسعه انسانی و کامیابی) در ایران و جهان مرور شده و سپس سیاست جمعیتی متناسب با ویژگی‌های جمعیتی و توسعه‌ای ارائه شده است.

۳. روش پژوهش

۳-۱. روش اسنادی و کتابخانه‌ای و تحلیل ثانوی

این مطالعه با روش اسنادی و کتابخانه‌ای، تحلیل ثانوی و با بهره‌گیری از منابع درباره تحولات تاریخی، جمعیتی و توسعه‌ای در سال ۱۴۰۰ انجام شد.

۲-۳. ابزار گردآوری داده‌ها

داده‌های جمعیتی به شیوه فیش‌برداری از درگاه‌های معتبر جهانی (سایت‌های وابسته به سازمان ملل متحد و موسسه لگاتوم^۱) و درگاه مرکز آمار ایران و همچنین برخی منابع تاریخی به دست آمدند. داده‌های شاخص‌های توسعه انسانی^۲ از گزارش‌های برنامه توسعه سازمان ملل متحد و شاخص کامیابی^۳ از داده‌های مؤسسه لگاتوم استخراج شدند. داده‌های جمعیتی جهانی از گزارش‌های جمعیتی سازمان ملل و داده‌های جمعیتی ایران از گزارش‌های آماری مرکز آمار ایران استخراج و مورد تحلیل قرار گرفتند.

۳-۳. اعتبار و پایایی

اعتبار و پایایی داده‌های مورد تحلیل وابسته به اعتبار و پایایی داده‌های سازمان‌های ذیربط (مرکز آمار ایران و سازمان‌های جهانی وابسته به سازمان ملل متحد و مؤسسه لگاتوم) است. با توجه به روشمندی و دقت سازمانی این مؤسسه‌ها، داده‌های آنها از اعتبار و اعتماد بالایی برخوردار است.

۴-۳. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

از روش توصیفی-تحلیلی و تحلیل ثانوی برای تحلیل متون و داده‌های تحولات و شاخص‌های توسعه‌ای و جمعیتی استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها به شکل تحلیل ثانوی، در هر یک از شاخص‌های توسعه انسانی و کامیابی، بر پایه فهرست ارائه شده از سوی دفتر توسعه سازمان ملل و مؤسسه لگاتوم، نمونه‌هایی از سه دسته کشورهای با رتبه‌های سطح بالا، میانی و پایانی سطح توسعه انسانی و کامیابی شناسایی و شاخص‌های جمعیتی آنها نیز استخراج و تحلیل شد.

در این مقاله شاخص توسعه انسانی به صورت رتبه، نمره کل و شاخص‌های کمی هر یک از عناصر زیرمجموعه برای کشورهای منتخب به تفکیک سطح توسعه، گزارش و همراه با شاخص جمعیتی کشورهای یاد شده تحلیل شدند. برای شاخص کامیابی نیز رتبه جهانی کامیابی به همراه زیرشاخص‌های کامیابی برای کشورهای قرار گرفته در سطوح بالا، میانه و بالا و همچنین نرخ رشد جمعیت آنها گزارش و تحلیل شدند.

1. Legatum Institute

2. Human Development Index

3. The Prosperity Index

۴. یافته‌ها

در این بخش، یافته‌های برآمده از داده‌های جمعیتی و منابع مرتبط گزارش می‌شوند. برای دستیابی به شناخت جامع درباره جمعیت و توسعه، در آغاز مروری بر تحولات جمعیتی در گذر تاریخ انجام می‌شود. در گام بعدی، شاخص‌های توسعه انسانی و کامیابی کشورها با توجه به شاخص‌های جمعیتی آنها تحلیل می‌شود و سپس سیاست جمعیتی متناسب با شاخص‌های جمعیتی و توسعه‌ای به‌ویژه برای ایران پیشنهاد می‌گردد.

۴-۱. تحولات جمعیتی جهان در گذر تاریخ

واکاوی تحولات تاریخی زندگی بشر نشان می‌دهد که رشد جمعیت تا پیش از انقلاب صنعتی و تحولات ناشی از آن، پایین بوده است و در هنگامه بیماری‌های همه‌گیر، قحطی و یا حتی جنگ‌ها رشد جمعیت منفی می‌شد. فراز و فرود جمعیت جهان در گذشته در پیوند نزدیک با بیماری‌های همه‌گیر، قحطی، بلایای طبیعی و جنگ‌های ویرانگر بود. ویلیام مک‌نیل^۱ (۱۹۷۷) در کتاب خود با عنوان «وباها و مردمان^۲» به نقش بیماری‌ها در تحولات جمعیتی در گذر تاریخ پرداخته است. وی درباره نقش بیماری‌ها در تاریخ زندگی بشر می‌نویسد: «تاریخ سیاسی هر مملکت و پیروزی‌ها و شکست‌های آن با سطح زندگی و تندرستی مردمان آن مملکت تناسب مستقیم دارد و مورخان از درک این رابطه غافل مانده‌اند». بیماری‌های همه‌گیر، جنگ‌های ویرانگر، قحطی و شرایط و بلایای طبیعی همچون خشکسالی، سیل، زلزله و ... از عوامل و زمینه‌های کاهش جمعیت بوده‌اند. جنگ‌ها افزون بر آسیب‌های اقتصادی-اجتماعی، تلفات انسانی زیادی داشتند. ایران به‌عنوان کشور جهان سومی، رخدادهای گوناگون تاریخی را از سر گذرانده است و مرگ‌ومیرهای ناشی از جنگ، بیماری‌های همه‌گیر، قحطی، خشکسالی، سیل و زلزله را تجربه نموده است. از جمله بیماری‌های همه‌گیر در تاریخ ایران، می‌توان به بیماری وبا در سال‌های ۷۷۱ و ۸۰۹ هجری قمری در تبریز، بیماری وبا همراه با طاعون در سال ۸۳۸ هجری قمری در هرات و بیماری وبا در پایان قرن سیزدهم خورشیدی اشاره نمود. این بیماری‌ها تلفات انسانی زیادی داشتند. از سال ۱۳۲۱ خورشیدی و در هنگامه جنگ جهانی دوم و آمدن نیروهای روس، انگلیس و گروهی از اسیران لهستانی آنها به ایران، بیماری تیفوس در

1. McNeill

2. Plagues and peoples

کشور شیوع یافت (میرصالحیان و دالوند، ۱۳۹۷). شرایط بحرانی آن سال‌ها موجب شد، شیوع این بیماری وضع رقت‌باری را برای جامعه ایران پدید آورد. اگرچه در برخی از جنگ‌ها همچون حمله مغول به ایران، قتل‌عام‌های گسترده‌ای انجام می‌شد (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۹)، تلفات بیماری‌های همه‌گیر که گاهی با قحطی همراه می‌شد، بیشتر از برخی جنگ‌ها بود. در جدول ۱ برخی از مهمترین بیماری‌های همه‌گیر جهانی در گستره تاریخ و پیامدهای آنها آمده است (جدول ۱).

جدول (۱): مهمترین بیماری‌های همه‌گیر جهانی در گستره تاریخ و پیامدهای آنها

ردیف	نام بیماری	دوره زمانی شیوع (سال میلادی)	خاستگاه	حوزه جغرافیایی شیوع	تعداد قربانیان	پیامدهای دیگر
۱	طاعون و ستینین (طاعون خیارکی)	از ۵۴۱ تا ۷۵۰	امپراتوری بیزانس	امپراتوری بیزانس و دیگر مناطق جهان	۳۰ تا ۵۰ میلیون نفر (نزدیک نیمی از جمعیت جهان)	تضعیف امپراتوری بیزانس
۲	طاعون سیاه	از ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱	مناطق شرقی جهان	همه مناطق جهان	۲۰۰ میلیون نفر	کاهش برده‌داری، افزایش فرصت شغلی
۳	آبله	از قرن ۱۵ تا ۱۷	انتقال توسط مهاجران اروپایی به آمریکا	قاره آمریکا	۲۰ میلیون نفر (۹۰ درصد از جمعیت آمریکا)	مستعمره شدن مناطق خالی شده از جمعیت
۴	وبا	از ۱۸۱۷ (در کل ۷ نوبت رخ دارد. نوبت هفتم از ۱۹۴۱ تاکنون)	هند	سراسر جهان	میانگین سالانه ۲۱،۱۴۳ نفر	تأثیر زیاد بر کشورهای فقیر
۵	آنفلوآنزای اسپانیایی	از ۱۹۱۸ تا ۱۹۱۹	اسپانیا	سراسر جهان	۵۰ میلیون نفر	گسترش دانش پزشکی برای بهداشت عمومی
۶	آنفلوآنزای هنگ‌کنگی	از ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۰	هنگ‌کنگ	سراسر جهان	نزدیک یک میلیون نفر	توجه جدی به واکسیناسیون
۷	ایدز	از ۱۹۸۱ تاکنون		سراسر جهان	۳۲ میلیون نفر تا سال ۲۰۲۰	انجام پژوهش علمی در این حوزه
۸	سارس	از ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳	چین	۲۶ کشور جهان	۷۷۴ نفر	افزایش آگاهی مردم درباره ویروس‌ها
۹	آنفلوآنزای خوکی	از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰	قاره آمریکا	سراسر جهان	در سال نخست بین ۱۵۱ تا ۵۷۵ هزار نفر	آگاهی از آسیب‌پذیری در برابر ویروس‌ها

ردیف	نام بیماری	دوره زمانی شیوع (سال میلادی)	خاستگاه	حوزه جغرافیایی شیوع	تعداد قربانیان	پیامدهای دیگر
۱۰	ابولا	از ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۶	گینه	برخی کشورهای غرب آفریقا	۱۱,۳۲۵ نفر	تأثیر اقتصادی و بهداشتی بر کشورهای فقیر
۱۱	ویروس کرونا	از ۲۰۱۹ تاکنون	چین	سراسر جهان	تا ۱۷ مرداد ۱۴۰۰ تعداد ۴,۳۰۴,۰۲۵ نفر	مشکلات اقتصادی- اجتماعی

منبع: (جمع‌بندی نگارنده از: Centers for Disease Control and Prevention, 2021)

دگرگونی در جمعیت جهان از نیمه دوم قرن بیستم، ترکیب نوینی بدان داده است. افزایش جمعیت سالخورده از ویژگی‌های کنونی و آینده جمعیت جهانی است. وضعیت جمعیتی کشورهای توسعه‌یافته پیامد تحولاتی است که حداقل طی یک قرن صورت گرفته و رشد جمعیتی اندک یا منفی همراه با ساختاری سالخورده برای آنها ایجاد کرده است. پیش‌بینی می‌شود بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۵۰ میزان سالخوردگی جمعیت کشورهای توسعه‌یافته، ۲۵۰ درصد افزایش یابد (میرزایی، دارابی و باباپور، ۱۳۹۶). این میزان افزایش در سالخوردگی، هزینه‌های زیادی را بر جامعه تحمیل خواهد کرد. کشورهای جهان سوم، تجربه متفاوتی نسبت به کشورهای توسعه‌یافته دارند و سیاست‌گذاری آنها در حوزه جمعیت نیز متفاوت است. برآوردهای گوناگونی از تحول در میزان جمعیت بشر از ۱۰ هزار سال پیش از میلاد تاکنون انجام شده است. در برخی از دوره‌های زمانی، رشد جمعیت منفی شده و تعداد جمعیت از سده‌ها و سال‌های پیش، کمتر شد. این کاهش ناشی از بیماری‌های همه‌گیر، بلایای طبیعی، قحطی و جنگ‌های ویرانگر بوده است. سال‌های ۲۰۰، ۴۰۰، ۵۰۰، ۷۰۰، ۹۰۰، ۱۳۰۰، ۱۴۰۰ و ۱۶۵۰ میلادی از جمله برهه‌های زمانی بود که جمعیت بشر نسبت به دوره پیش کاهش یافت. آخرین دوره کاهش، مربوط به دوره پیش از انقلاب صنعتی و تحول گسترده در دانش پزشکی و تولیدات اقتصادی بود (جدول ۲).

جدول (۲): روند تحول جمعیت از ۱۰ هزار سال پیش از میلاد تا سال ۲۰۲۲ میلادی

سال (میلادی)	تعداد جمعیت (هزار نفر)	نرخ رشد سالیانه (درصد)	سال (میلادی)	تعداد جمعیت (هزار نفر)	نرخ رشد سالیانه (درصد)
-۱۰۰۰۰	۴,۰۰۰	-	۱۲۵۰	۴۱۷,۰۰۰	۰/۱۵
-۸۰۰۰	۵,۳۲۰	۰/۰۱	۱۳۰۰	۴۰۷,۰۰۰	-۰/۰۵
۱	۲۳۵,۰۰۰	۰/۰۸	۱۴۰۰	۳۶۶,۰۰۰	-۰/۱۹
۲۰۰	۲۳۴,۳۳۰	-۰/۰۵	۱۶۵۰	۵۳۵,۳۰۰	-۰/۰۵
۴۰۰	۲۰۰,۶۶۰	-۰/۴۷	۱۹۵۰	۲,۵۳۶,۰۰۰	۱/۳۷
۶۰۰	۲۱۲,۷۵۰	۰/۰۷	۲۰۰۰	۶,۱۴۵,۰۰۰	۱/۴۳
۷۰۰	۲۰۷,۶۶۰	-۰/۰۲	۲۰۱۹	۷,۷۱۵,۰۰۰	۱/۱۵
۹۰۰	۲۲۹,۳۰۰	-۰/۰۱	۲۰۲۲	۸,۰۰۰,۰۰۰	

منبع: (برگرفته از McEvedy and Jones, 1979 و منابع جمعیتی ملل متحد)

۴-۱-۱. سیر رشد جمعیت در جهان و ایران

اگرچه در آغاز انقلاب صنعتی، رشد جمعیت در کشورهای غربی و روبه صنعتی شدن آن زمان بیش از کشورهای دیگر بود، از نیمه دوم قرن بیستم رشد جمعیت کشورهای توسعه نیافته افزایش یافت. سازمان ملل پیش بینی نمود که تا سال ۲۰۲۵ رشد عمده جمعیت جهان در کشورهای توسعه نیافته رخ می دهد به گونه ای که جمعیت این کشورها که در سال ۱۹۹۵، ۴/۵ میلیارد نفر برآورد می شد، در سال ۲۰۲۵ به ۷ میلیارد نفر افزایش یابد، حتی پیش بینی شد که جمعیت شهری کشورهای توسعه نیافته از ۱/۷ میلیارد نفر در سال ۱۹۹۵ به ۴ میلیارد نفر در سال ۲۰۲۵ افزایش یابد (United Nations, 1995). در بازه زمانی سال های ۱۹۵۰ تا ۲۰۱۹، کشورهای حاشیه خلیج فارس به همراه جیبوتی به دلیل جذب نیروی کار در بخش خدمات و صنعت نفت بالاترین نرخ های رشد جمعیت در بین کشورهای جهان را داشته اند. سه کشور امارات متحده عربی (با رشد ۷/۰۸ درصدی جمعیت و رتبه ۴۲ کامیابی)، قطر (رشد ۶/۷۸ درصدی جمعیت و رتبه ۴۵ کامیابی) و کویت (رشد ۴/۷۶ درصدی جمعیت و رتبه ۵۸ کامیابی)؛ مهاجران زیادی را پذیرفته اند. در کنار افزایش مهاجرپذیری، چنین کشورهایی از نظر فرهنگی و اجتماعی زمینه باروری و فرزندآوری بالا را دارند (Pasley and Wang, 2019). کشورهای با پایین ترین نرخ های رشد جمعیت در بازه زمانی ۱۹۵۰ تا ۲۰۱۹ (بلغارستان با رشد جمعیت

۰/۰۶- و رتبه ۴۸ کامیابی؛ لتونی با رشد جمعیت ۰/۰۳- و رتبه ۳۲ کامیابی، مجارستان با رشد جمعیت ۰/۰۵ و رتبه ۴۶ کامیابی، لیتوانی با رشد جمعیت ۰/۰۸ و رتبه ۳۴ کامیابی، کرواسی با رشد جمعیت ۰/۰۹ و رتبه ۴۳ کامیابی، گرجستان، اوکراین، و رومانی)، در زمینه مهاجرت و فرزندآوری ویژگی‌هایی متفاوت از کشورهای با بالاترین نرخ‌های رشد جمعیت در بازه زمانی یادشده دارند. ویژگی این دسته از این کشورها، مهاجرفرستی بالا و پایین بودن میزان باروری است. دو کشور بلغارستان و لتونی در این بازه زمانی هفتادساله، رشد منفی جمعیت را تجربه کرده اند و دیگر کشورهای یادشده، نیز از رشد کمتر از سه دهم درصد برخوردار بوده‌اند (Pasley and Wang, 2019). جامعه ایران در دو قرن گذشته با بیماری‌ها، خشکسالی‌ها، تحولات نوسازی و جنگ‌هایی روبه‌رو بوده است، که هر کدام تأثیرهایی بر کمیت، کیفیت، توزیع و ترکیب جمعیت داشته‌اند.

سازمان ملل سناریوهای احتمالی درباره رشد جمعیت جهان ارائه داده است. بر اساس سناریوی رشد با حد متوسط سازمان ملل متحد، جمعیت ایران در سال ۱۴۳۰ خورشیدی به ۱۰۵ میلیون نفر افزایش خواهد یافت و در ۵ سال پایان دوره، رشد جمعیت نزدیک به صفر خواهد بود (مشفق، محمودی و مطیع حق‌شناس، ۱۳۹۱: ۱۵۹). با توجه به داده‌های جدول ۳، در ۱۲۰ سال گذشته، جمعیت ایران سه مرحله رشد را از سر گذرانده است. الف- تا سال ۱۳۳۰ نرخ رشد جمعیت پایین و کمتر از نرخ جایگزینی بوده و باوجوداین رو به افزایش داشت. ب- از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵، به جز سال‌های منتهی به ۱۳۵۵ که با کاهش رشد همراه بود، نرخ رشد جمعیت افزایشی بود. ج- پس از سال ۱۳۶۵ کاهش رشد جمعیت در ایران رخ داد به‌گونه‌ای که در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد به ۰/۶ رسید و در عمل به نرخ رشد سال ۱۳۰۰؛ اما با گونه و ماهیت دیگری رسید؛ زیرا نرخ رشد پایین سال ۱۳۰۰ و سال‌های پیش از آن ناشی از شرایط زیستی نامناسب و کمبود امکانات بهداشتی و تغذیه‌ای بود ولی نرخ رشد پایین در سال ۱۳۹۹، با ماهیت بیشتر گزینشی و ارادی بود (جدول ۳).

جدول (۳): روند تحولات جمعیت ایران در بازه زمانی ۱۲۰ ساله (۱۲۷۹ تا ۱۳۹۹)

سال*	جمعیت (میلیون نفر)	درصد رشد سالانه جمعیت	سال**	جمعیت (میلیون نفر)	درصد رشد سالانه جمعیت
۱۲۷۹	۱۰/۳۳	-	۱۳۳۵	۱۸/۹	۲/۵۲
۱۲۸۵	۱۰/۵۳	۰/۴۳	۱۳۴۵	۲۵/۷	۳/۱۳
۱۲۹۰	۱۰/۸۳	۰/۵	۱۳۵۵	۳۳/۷	۲/۷۱
۱۲۹۵	۱۱/۲۳	۰/۵۷	۱۳۶۵	۴۹/۴	۳/۹۱
۱۳۰۰	۱۱/۶۱	۰/۶۷	۱۳۷۵	۶۰/۰۵	۱/۹۶
۱۳۰۵	۱۲/۰۶	۰/۷۷	۱۳۸۵	۷۰/۵	۱/۶۱
۱۳۱۰	۱۲/۶۱	۰/۹	۱۳۹۰	۷۵/۱	۱/۲۹
۱۳۱۵	۱۳/۳۹	۱/۲	۱۳۹۵	۷۹/۹	۱/۲۴
۱۳۲۰	۱۴/۳۵	۱/۴	۱۳۹۸	۸۳	۰/۹۵
۱۳۲۵	۱۵/۵۵	۱/۶۲	۱۳۹۹	۸۴	۰/۶
۱۳۳۰	۱۷/۰۶	۱/۹			

منبع: * آمار سال‌های پیش از ۱۳۳۵ برگرفته از گزارش کشوری جمعیت و توسعه در ایران (میرزایی، ۱۳۸۵: ۴ نقل شده در مشفق و دیگران، ۱۳۹۱).

** آمار سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ برگرفته از نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن (مرکز آمار ایران ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵).

کشورهای توسعه‌یافته سیر تدریجی گذار جمعیتی را از رهگذر تحولات توسعه درون‌زای خود تجربه کردند؛ اما کشورهای توسعه‌نیافته، به دلیل توسعه‌اقتصادی و برون‌زا، گذار جمعیتی شتابانی را تجربه نمودند؛ اگرچه برخی کشورهای آفریقایی همچنان از رشد بالای جمعیتی برخوردارند.

۴-۲. تحولات جمعیتی و شاخص‌های توسعه‌ای

در دهه ۱۹۵۰ برنامه‌های جمعیتی سازمان ملل نشان دادند که در نیمه دوم قرن بیستم گسترش فزاینده جمعیت رخ خواهد داد. پس از این گزارش‌ها، نگرانی فزاینده‌ای درباره پیامدهای ناخوشایند بالقوه رشد جمعیت برای رفاه انسانی و محیط زیست به‌ویژه در کشورهای فقیر آسیا، آمریکای لاتین و آفریقا پدیدار شد. نگرانی‌های مالتوسی درباره پیامدهای رشد جمعیت برای معیشت انسان‌ها و محدودیت منابع طبیعی برای پاسخگویی به نیاز جمعیت روزافزون، بر این نگرانی‌ها افزودند (Meadows et al, 1972; Ehrlich, 1988). بر روی جلد کتاب بمب جمعیت که نخستین‌بار در سال

۱۹۶۸ چاپ شد، نوشته شده است: «اکنون که عنوان این کتاب را می‌خوانید، سه کودک از گرسنگی دارند می‌میرند و بیش از ۲۴ نوزاد به دنیا می‌آیند» (Ehrlich, 1988). افزون‌براین، اقتصاددانان با تحلیل‌های خود بر این نگرانی‌ها افزودند. کووال و هوور استدلال کردند که پس‌اندازهای مورد نیاز برای حفظ یا افزایش درآمد سرانه انسانی در یک جامعه با رشد بالای جمعیت، بیش از جوامع با رشد کند جمعیت است؛ زیرا رشد جمعیت، پس‌اندازهایی که می‌توانست حجم سرمایه را افزایش دهد و درآمد سرانه را ارتقاء دهد، به خود جذب می‌کند (Coale and Hoover, 1958). از دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ میلادی، نگرانی‌ها درباره پیامدهای اقتصادی و توسعه‌ای رشد جمعیت بر اندیشه دانشگاهی و عمومی مسلط شد (National Academy of Sciences, 1971). بر پایه چنین نگرانی‌هایی، برنامه‌هایی برای تنظیم خانواده و کنترل جمعیت توسط دولت‌ها به‌ویژه ایالات متحده آمریکا و بنیادها انجام شد که تاکنون نیز این برنامه‌ها ادامه دارند (Donaldson, 1990; Sinding, 2007; May, 2012). برخی از مطالعاتی که از پایان دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ انجام شدند، به نتایجی بر خلاف نگرش بدبینان درباره پیامدهای رشد جمعیت دست یافتند (Kelley, 2001; Headey and Hodge, 2009).

۴-۲-۱. توسعه انسانی در جهان و ایران

برای مقایسه سطح توسعه انسانی بین کشورهای با شاخص‌های متفاوت جمعیتی و به‌ویژه برای مقایسه وضعیت توسعه انسانی و ویژگی‌های جمعیتی ایران با کشورهای دیگر جهان، شاخص‌های توسعه انسانی و جمعیتی سه دسته کشورهای منتخب در اینجا مرور می‌شود. کشورهایی که رتبه‌های یک تا ده در رتبه‌بندی جهانی شاخص توسعه انسانی را دارند، از کشورهای توسعه‌یافته و به‌ویژه کشورهای اروپایی‌اند. سهم کشورهای اسکاندیناوی همچون نروژ، سوئد و دانمارک در این گروه برجسته و قابل توجه است. از میان ده کشور دارای بهترین وضعیت در شاخص توسعه انسانی، تنها دو کشور استرالیا و هنگ کنگ (منطقه خودمختار از چین) غیراروپایی‌اند. مرور داده‌های رتبه‌های بعدی نشان می‌دهد که دیگر کشورهای اروپایی نیز در رده‌های ۱۱ تا ۳۰ رتبه‌بندی شاخص توسعه انسانی قرار دارند و جایگاه برجسته‌ای در این شاخص دارند. همه کشورهای دارای رتبه یک تا ده شاخص توسعه انسانی از امید زندگی بالاتر از ۸۰ سال برخوردارند. به جز استرالیا، دیگر کشورهای دارای رتبه‌های یک تا ده توسعه انسانی، از رشد جمعیت کمتر از یک درصد برخوردارند. کمترین نرخ رشد جمعیت مربوط به آلمان است. در جدول زیر (جدول ۴)، رتبه‌های ۱ تا ۴ جزو کشورهای با

توسعه انسانی بالا، رتبه‌های ۷۰ تا ۷۴ جزو کشورهای با توسعه انسانی متوسط و رتبه‌های ۱۸۴ تا ۱۸۹ جزو کشورهای با توسعه انسانی پایین هستند.

شاخص توسعه انسانی در ایران و دیگر کشورهای توسعه‌نیافته نشانگر همجواری شاخص‌های مربوط به این دسته از کشورها است. همجواری شاخص‌ها، نشانگر همراهی و همراستایی تحولات اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی در سراسر جهان و به‌ویژه کشورهای توسعه‌نیافته است. در کشورهایی که در سطح میانی و پایین شاخص توسعه انسانی قرار دارند، نرخ رشد جمعیت بالاتر از کشورهای با بالاترین نمره شاخص توسعه انسانی است. کشورهای دارنده پایین‌ترین رتبه‌های شاخص توسعه انسانی، بیشتر از قاره آفریقا هستند. برخلاف کشورهای دارنده رتبه‌های یک تا ده توسعه انسانی که در همه شاخص‌ها به‌گونه متوازن و همراستا در وضعیت مطلوب قرار دارند، در کشورهای توسعه‌نیافته، تفاوت‌های برجسته‌ای در زیرشاخص‌های کشورهای گوناگون وجود دارد. برای نمونه، کشور مالی (در رتبه ۱۸۴ جهانی) دارای بالاترین سطح درآمد سرانه و کشور برون‌دی (در رتبه ۱۸۵ جهانی) دارای پایین‌ترین میزان درآمد سرانه در بین این دسته از کشورها است. درمقابل، امید زندگی و شاخص آموزشی کشور برون‌دی در شرایط بهتری از مالی قرار دارد. کشور نیجر با وجود دارا بودن بالاترین میزان امید زندگی در بین این دسته از کشورها، در رتبه پایانی این دسته از کشورها و کل جهان قرار دارد. مجموعه این ویژگی‌ها، نشان‌دهنده پراکنش و نامتوازن بودن تحول در زیرشاخص‌های توسعه انسانی در کشورهای فقیر و دارای توسعه انسانی پایین است. بیشتر کشورهایی که از سطح توسعه انسانی متوسط و پایینی برخوردارند، از رشد جمعیت بالاتری نسبت به کشورهای با شاخص توسعه انسانی بالا برخوردارند به‌گونه‌ای که جهت رشد این دو شاخص معکوس است (جدول ۴).

جدول (۴): شاخص‌های توسعه انسانی و رشد جمعیت در ۲۰۲۰ در کشورهای منتخب

رتبه جهانی	کشور	شاخص توسعه انسانی (۲۰۱۹)	امید زندگی در هنگام تولد (به سال)	سال‌های تحصیلی مورد انتظار (به سال)	میانگین سال‌های تحصیلی (به سال)	درآمد سرانه (به دلار آمریکا)	نرخ رشد جمعیت (درصد)
۱	نروژ	۰/۹۵۷	۸۲/۴	۱۸/۱	۱۲/۹	۶۶،۴۹۴	۰/۸۲
۲	ایرلند	۰/۹۵۵	۸۲/۳	۱۸/۷	۱۲/۷	۶۸،۳۷۱	۰/۹۱
۲	سوئیس	۰/۹۵۵	۸۳/۸	۱۶/۳	۱۳/۴	۶۹،۳۹۴	۰/۷۰
۴	هنگ کنگ	۰/۹۴۹	۸۴/۹	۱۶/۹	۱۲/۳	۶۲،۹۸۵	۰/۷۴
۴	ایسلند	۰/۹۴۹	۸۳	۱۹/۱	۱۲/۸	۵۴،۶۸۲	۰/۶۲
۷۰	ایران*	۰/۷۸۳	۷۶/۷	۱۴/۸	۱۰/۳	۱۲،۴۴۷	۱/۲۴
۷۲	سريلانكا	۰/۷۸۲	۷۷	۱۴/۱	۱۰/۶	۱۲،۷۰۷	۰/۳۹
۷۳	بوسنی و هرزه گووین	۰/۷۸۰	۷۷/۴	۱۳/۸	۹/۸	۱۴،۸۷۲	-۰/۵۳
۷۴	گرانادا	۰/۷۷۹	۷۲/۴	۱۶/۹	۹	۱۵،۶۴۱	-
۷۴	سن کیتز و نویس	۰/۷۷۹	۷۵/۱	۱۴/۸	۸/۸	۱۹،۱۶۰	۰/۶۵
۱۸۴	مالی	۰/۴۳۴	۵۹/۳	۷/۵	۲/۴	۲،۲۶۹	۲/۹۹
۱۸۵	بروندی	۰/۴۳۳	۶۱/۶	۱۱/۱	۳/۳	۷۵۴	۳/۰۷
۱۸۵	سودان جنوبی	۰/۴۳۳	۵۷/۹	۵/۳	۴/۸	۲،۰۰۳	۱/۶۸
۱۸۷	چاد	۰/۳۹۸	۵۴/۲	۷/۳	۲/۵	۱،۵۵۵	۲/۹۸
۱۸۸	جمهوری آفریقای مرکزی	۰/۳۹۷	۵۳/۳	۷/۶	۴/۳	۹۹۳	۱/۸۷
۱۸۹	نیجر	۰/۳۹۴	۶۲/۴	۶/۵	۲/۱	۱،۲۰۱	۳/۸۲

Source: UNDP (2020). Human Development Index (Ranking). World Population 2020

* رتبه ایران و کوبا در این شاخص ۷۰ بوده است، به همین دلیل رتبه ۷۱ منظور نشده است. در مواردی که چند کشور یک رتبه دارند، به اندازه رتبه‌های تکرار شده از ردیف شمارگان حذف می‌شود.

۴-۲-۲. شاخص کامیابی

گونه‌ای از همبستگی وارونه بین میزان رشد جمعیت و شاخص کامیابی کشورهای جهان وجود دارد و کشورهای با نرخ رشد پایین جمعیت، از شاخص کامیابی بالایی برخوردارند. به جز لوکزامبورگ، دیگر کشورهایی که رتبه‌های یک تا ده شاخص کامیابی را دارند، از رشد جمعیت کمتر از یک درصد برخوردارند. گونه‌ای از همراهی بین شاخص توسعه انسانی و شاخص کامیابی وجود دارد. کشورهایی که جایگاه مطلوبی در شاخص توسعه انسانی دارند، در شاخص کامیابی نیز از جایگاه خوبی برخوردارند. شهروندان این کشورها از بهزیستی یا نیک‌بختی و رفاه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برخوردارند (جدول ۵).

جدول (۵): شاخص کامیابی* سال ۲۰۲۰ در سه دسته کشورها و نرخ رشد جمعیت** آنها در ۲۰۲۱ (از ۱۶۷ کشور)

رتبه کامیابی	نام کشور	زیرشاخص های کامیابی											نرخ رشد جمعیت (درصد)	
		ایمنی و امنیت	آزادی شخصی	حکمرانی	سرمایه اجتماعی	محیط سرمایه گذاری	شرایط کسب و کار	دسترسی به بازار و امور زیربنایی	کیفیت اقتصادی	شرایط زندگی	بهداشت	آموزش		محیط طبیعی
۱	دانمارک	۱۰	۲	۳	۱	۶	۶	۸	۸	۱	۶	۳	۸	۰/۳۶
۲	نروژ	۲	۱	۲	۲	۲	۱۱	۲۵	۹	۸	۷	۸	۹	۰/۸۲
۳	سوئیس	۱	۱۲	۷	۹	۱۵	۳	۱۱	۱	۵	۴	۱۲	۶	۰/۷۰
۴	سوئد	۱۴	۳	۶	۷	۸	۱۶	۶	۷	۳	۹	۱۶	۱	۰/۶۰
۵	فنلاند	۱۶	۴	۱	۳	۵	۱۴	۹	۲۰	۹	۲۱	۵	۲	۰/۱۴
۱۱۶	گامبیا	۹۲	۹۷	۸۲	۳۹	۱۰۰	۸۶	۱۳۵	۱۵۴	۱۲۳	۱۴۳	۱۳۴	۶۳	۲/۹۱
۱۱۷	تانزانیا	۱۰۴	۱۰۹	۹۷	۱۰۴	۱۱۶	۱۱۴	۱۲۵	۱۱۳	۱۳۴	۱۲۴	۱۲۹	۷۸	۲/۹۵
۱۱۸	کامبوج	۱۰۲	۱۲۶	۱۵۴	۷۵	۱۲۴	۱۴۵	۹۹	۶۷	۱۲۹	۹۵	۱۲۵	۸۵	۱/۳۶
۱۱۹	جیبوتی	۸۴	۱۴۱	۱۲۷	۱۱۰	۹۹	۹۶	۱۰۷	۷۶	۱۲۵	۱۱۸	۱۴۰	۱۵۹	۱/۴۴
۱۲۰	ایران ^۱	۱۳۱	۱۶۵	۱۳۸	۸۰	۱۳۰	۱۵۲	۱۰۶	۱۱۷	۷۵	۸۱	۷۷	۱۵۵	۱/۲۳
۱۶۳	سومالی	۱۵۹	۱۴۹	۱۶۳	۱۲۶	۱۴۶	۱۶۱	۱۴۳	۱۶۵	۱۵۷	۱۶۱	۱۶۳	۱۴۴	۲/۹۳

۱. رشد جمعیت ایران بر پایه نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ است.

۱۶۴	چاد	۱۴۳	۱۳۲	۱۵۹	۱۶۰	۱۶۲	۱۶۴	۱۶۶	۱۵۳	۱۶۳	۱۶۷	۱۶۵	۱۰۳	۲/۹۸
۱۶۵	یمن	۱۶۴	۱۶۴	۱۶۶	۱۵۳	۱۶۴	۱۵۸	۱۶۳	۱۶۷	۱۴۳	۱۴۱	۱۵۴	۱۴۸	۲/۲۳
۱۶۶	جمهوری آفریقای مرکزی	۱۵۴	۱۳۹	۱۵۶	۱۶۱	۱۶۰	۱۶۳	۱۶۷	۱۴۸	۱۶۷	۱۶۶	۱۶۴	۱۰۷	۱/۸۷
۱۶۷	سودان جنوبی	۱۶۷	۱۶۳	۱۶۵	۱۶۵	۱۵۷	۱۵۴	۱۴۴	۱۶۴	۱۶۶	۱۶۵	۱۶۷	۱۳۵	۱/۶۸

* منبع: شاخص کامیابی لگاتوم در ۲۰۲۰، در تارنمای شاخص کامیابی
<https://www.prosperity.com>

** منبع: مرور جمعیت جهانی، در تارنمای جمعیت کشورهای جهان ۲۰۲۱ در
<https://worldpopulationreview.com>

رتبه‌های ۱ تا ۵ مربوط به کشورهای با کامیابی بالا، رتبه‌های ۱۱۶ تا ۱۲۰ مربوط به کشورهای با کامیابی متوسط و رتبه‌های ۱۶۳ تا ۱۶۷ مربوط به کشورهای با شاخص کامیابی پایین است. کشورهای دارای رتبه ۱۱۱ تا ۱۲۰ در شاخص کامیابی از نرخ رشد جمعیتی بین ۱ تا ۳ درصد برخوردارند. هرچه کشورها از رتبه‌های مطلوب کامیابی دور شده‌اند، از رشد بالاتر جمعیتی نسبت به کشورهای با شاخص کامیابی مطلوب، برخوردارند. گونه‌ای از توسعه نامتوازن در بین زیرشاخص‌های کامیابی در بین این کشورها و همچنین درون آنها (شاخص‌های هر کشور) وجود دارد؛ برای نمونه، کشورهای کنیا و تانزانیا در زیرشاخص شرایط زندگی از بدترین کیفیت و ایران از بهترین کیفیت برخوردار بوده‌اند. بیشتر کشورهای قرار گرفته در رتبه‌های پایانی، در سال‌های نزدیک به سال محاسبه شاخص، درگیر جنگ و تنش‌های داخلی و منطقه‌ای بوده‌اند. نرخ رشد جمعیت در این کشورها در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته و دیگر کشورهای توسعه‌نیافته بالاست. این کشورها در همه زیرشاخص‌های کامیابی از وضعیت نامطلوبی برخوردارند. بالاترین نرخ رشد جمعیت در بین این کشورها نیز مربوط به کشور بحران‌زده سوریه بوده است (جدول ۵).

۴-۳. سیاست جمعیتی و توسعه

کشورهای جهان، سیاست‌های جمعیتی گوناگونی را در برهه‌های مختلف به‌کار می‌بندند. به‌گونه مقایسه‌ای، داده‌های جهانی نشان می‌دهند که کشورهای با سطح توسعه بالا از کیفیت زندگی بالاتری در مقایسه با کشورهای توسعه‌نیافته و کمتر توسعه‌یافته برخوردارند. درون کشورهای توسعه‌نیافته و کمتر توسعه‌یافته نیز گونه‌ای از نابرابری در میزان برخورداری از امکانات رفاهی و کیفیت زندگی وجود دارد. اگرچه

سبک زندگی می‌تواند در کیفیت زندگی افراد نقش داشته باشد، باوجوداین، کیفیت زندگی که در پیوند با شاخص‌های بهره‌مندی از امکانات رفاهی است، نشانگری از سطح توسعه است. شاخص توسعه انسانی نشانگر میزان بهره‌مندی شهروندان از امکانات آموزشی، بهداشتی- درمانی و منابع مالی برای داشتن یک زندگی برخوردار از آسایش و امکانات رفاهی است. چنین شاخصی می‌تواند، از یک‌سو، نشانگری برای توسعه و، از سوی دیگر، پیامد توسعه همه‌جانبه باشد. دراین‌راستا، می‌توان به تحلیل پیوند سیاست‌های جمعیتی و ویژگی‌های توسعه‌ای پرداخت؛ برای نمونه، فنلاند در شمار کشورهای توسعه‌یافته‌ای است که به سرعت در حال پیر شدن است و جمعیت رو به پیری، بار تکفل و مسئولیت جمعیت فعال برای تأمین نیازهای سالمندان را افزایش داده است. این کشور در شاخص‌های توسعه‌ای همچون شاخص توسعه انسانی، شاخص کامیابی و دیگر شاخص‌های اقتصادی- اجتماعی از جایگاه خوبی در بین کشورهای جهان برخوردار است. فنلاند، سیاست جمعیتی با ۱۰ هدف را در پیش گرفته است؛ برای نمونه، ملاحظات محیط‌زیستی و منافع نسل‌های آینده، داشتن جمعیت متناسب، اخلاق‌مداری و توجه به ارزش‌های انسانی، بهداشت و سلامت عمومی، روابط اجتماعی سالم، داشتن محیطی سازنده و آرام که زمینه ماندگاری جمعیت موجود (باشندگان) و جذب جمعیت فعال و خلاق (مهاجران از خارج)، خانواده‌گرایی و خانواده دوستی، پشتیبانی برای پرورش فرزندان و توجه به نیازها و ویژگی‌های محلی از محورهای مهم این سیاست جمعیتی است (به نقل از Sorsa, 2020).

ویژگی‌های توسعه‌ای و سیاست جمعیتی در ایران، نیز از دهه ۱۳۴۰ خورشیدی تاکنون سال (۱۴۰۲)، دستخوش دگرگونی‌هایی بوده است. در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی، سیاست کنترل باروری به‌کار بسته شد. پس از انقلاب، همراه با کنار گذاردن این سیاست، تغییراتی در سن ازدواج و قوانین خانواده رخ داد. از پایان دهه ۱۳۶۰ و پس از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، سیاست تنظیم خانواده در دستور کار دولت وقت قرار گرفت (ایران محبوب و میرفردی، ۱۳۸۲). از سال ۱۳۸۵ سیاست کنترل موالید کنار گذاشته شد و حتی سیاست تشویقی برای فرزندآوری به‌کار بسته شد. باوجوداین، نرخ رشد جمعیت روبه کاهش نهاد به‌گونه‌ای که از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ میانگین نرخ رشد جمعیت ۱/۲۴ درصد بود (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). در سال ۱۴۰۰، قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت از تصویب مجلس گذشت (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰) و توسط دولت اجرا شد. ارائه تسهیلات در زمینه

اشتغال، مسکن، خودرو و ... به جوانان برای ازدواج و فرزندآوری از جمله این تشویق‌ها است. با وجود تصویب و اجرای چنین سیاست‌های تشویقی، برآوردها نشان می‌دهد که روند کاهشی در نرخ رشد جمعیت کشور همچنان ادامه دارد به‌گونه‌ای که در سال ۱۴۰۱ نرخ رشد جمعیت ایران کمترین میزان در ۲۵ سال گذشته را تجربه نمود و به ۰/۷ درصد کاهش یافت (به نقل از روزنامه تعادل، ۱۴۰۲). رفتارهای باروری ناهمراستا با سیاست‌های رسمی جمعیتی است.

نتیجه‌گیری

این مقاله بر آن بود تا همجواری و پیوند شاخص‌های توسعه‌ای و تحولات جمعیتی را تحلیل نماید و سپس سیاست‌های بدیل جمعیتی متناسب با شرایط توسعه‌ای را ارائه نماید. بدین‌منظور، با بررسی سیر تاریخی تحولات جمعیتی، شاخص‌های توسعه‌ای در جوامع تحلیل گردید.

توسعه ابعاد گوناگون و پیچیده‌ای دارد (تودارو، ۱۳۹۱) و برای تحلیل پیوند بین توسعه و سیاست‌های جمعیتی، توجه به شاخص‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی ضروری است. با برداشت از توسعه به‌سان تحولی برای بهتر زیستن، برنامه‌ریزی‌ها و کنش‌هایی که در راستای دستیابی به زندگی خوشایند انجام می‌شوند، از گونه برنامه‌ها و کنش‌های توسعه‌ای‌اند. سیاست‌های جمعیتی، گونه‌ای تلاش برای بهینه‌سازی جمعیت است. با توجه به شاخص‌های جمعیتی و توسعه‌ای، کشورهای جهان به سه دسته تقسیم می‌شوند: کشورهای توسعه‌یافته که روند معکوس نرخ رشد جمعیت و شاخص‌های توسعه‌ای دارند، کشورهای کمتر توسعه‌یافته که نرخ رشد جمعیت آنها رو به کاهش است ولی شاخص‌های توسعه‌ای آنها مطلوب نیست و کشورهای فقیر و توسعه‌نیافته که، از یک‌سو، با رشد جمعیت بالا و، از سوی دیگر، با شاخص‌های توسعه‌ای پایین روبه‌رو هستند. مروری بر شاخص‌های جمعیتی کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که این کشورها از نرخ باروری و رشد طبیعی پایین جمعیتی برخوردارند، به‌گونه‌ای که در کنار سیاست‌های تشویقی فرزندآوری، برای جبران جمعیت فعال خود، گاهی به سیاست پذیرش مهاجران روی می‌آورند. در این دسته از کشورها، شاخص‌های توسعه‌ای به‌گونه‌ای متوازن و هماهنگ بهبود یافته‌اند. شاخص‌های آموزشی، بهداشتی، زیربنایی و رفاهی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و .. همگام و همراستا با یکدیگر ارتقاء یافته‌اند. در کشورهای کمتر توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته، بین شاخص‌های جمعیتی و توسعه‌ای هماهنگی وجود

ندارد و از شاخص‌های توسعه‌ای ضعیفی برخوردارند. در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، برخی از شاخص‌ها به گونه کمی و یا کمی-کیفی بهبود یافته‌اند؛ اما شاخص‌های دیگر بدون تحول سازنده به شکل سنتی خود باقی مانده‌اند و یا تحول اندک و غیرسازنده‌ای را پذیرا شده‌اند؛ برای نمونه، این دسته از کشورها ممکن است در آموزش تا اندازه‌ای توسعه‌یافته باشند؛ اما در زمینه‌های اقتصادی و تولیدی، سیاسی و دیگر شاخص‌های توسعه‌ای تحول مناسب را پیدا نکرده باشند. جامعه ایران تا اندازه‌ای از چنین ویژگی برخوردار است و همچنین در حال تجربه نمودهایی از گذار دوم جمعیتی است. تحولات توسعه‌ای به دو گونه متمایز در دوران گذار جمعیتی نخست و گذار دوم جمعیتی، ویژگی‌های جمعیتی را تحت تأثیر قرار دادند: در گذار نخست، بهبود بهداشت، تغذیه و فناوری زمینه کاهش مرگ‌ومیر را فراهم ساخت که پس از آن برای جلوگیری از افزایش جمعیت، سیاست‌های کنترل مولید به کار گرفته شد. گذار دوم جمعیتی (Lesthaeghe, 1998)، دگرگونی در اندیشه و سبک زندگی زمینه کاهش باروری را فراهم ساخت. تأثیر تحولات توسعه‌ای بر جمعیت در دوره اول را می‌توان زیستی و در دوره دوم، فرهنگی و ایستاری نامید. در دوره دوم سبک‌های نوین کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای کمتر توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته نیز منتقل شده است و بر سبک ازدواج و فرزندآوری اثر گذاشته است. برخلاف دوران گذار جمعیتی که در پرتو رشد بهداشت و تغذیه مرگ‌ومیر کاهش یافت و باروری همچنان بالا بود و پس از کنترل فرزندآوری، رشد جمعیت کاهش یافت، در دوران دوم گذار جمعیتی، گونه‌ای «گذار فرهنگی» رخ داده است و الگوهای فرهنگی در کنار تحولات توسعه‌ای در کاهش فرزندآوری تأثیر دارند. در کشورهای کمتر توسعه‌یافته همچون ایران، «گذار فرهنگی در ارزش‌ها و سبک زندگی خانوادگی» در حال رخ دادن است. این گذار، در کنار مشکلات اقتصادی، بر رفتار فرزندآوری تأثیر گذار است.

تعیین سیاست‌های جمعیتی در جامعه با تحولات نامتوازن، امری پیچیده است؛ برای نمونه، در جامعه‌ای که دارای آموزش توسعه‌یافته است؛ اما در دیگر بخش‌ها از توسعه لازم برخوردار نیست و با کاهش شدید رشد جمعیت روبرو است، به‌کارگیری سیاست افزایش جمعیت، نیازمند ملاحظه ابعاد گوناگون است. از سوی دیگر، در جامعه توسعه‌نیافته دارای رشد بالای جمعیتی و رکود اقتصادی، سیاست کاهش جمعیتی ممکن است پیامدهای ناخواسته برای نسل‌های بعدی در پی داشته باشد و جمعیت در سن فعالیت، که برای پویایی اقتصادی ضروری است، به سطح ناکارآمدی

فروکاسته شود. سیاست‌های جمعیتی، از جایگاه نظری آرمان فراهم‌سازی زمینه‌های زندگی بهتر برای شهروندان را دنبال می‌کنند. این سیاست‌ها با نگاهی به منابع زیستی، نرخ رشد جمعیت، ترکیب سنی، مدیریت مکانی و اقتصادی-اجتماعی جمعیت و ... در پی انجام دگرگونی خوشایند در شاخص‌های جمعیتی‌اند. در ارزیابی خوشبینانه، فصل مشترک سیاست‌های جمعیتی و سیاست‌های توسعه‌ای، بهتر زیستن انسان و داشتن جامعه‌ای بهتر است. رویکردهایی که در پی زندگی بهتر هستند، می‌توانند گزینه‌های گوناگونی را برای رسیدن به این زندگی فراروی تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران قرار دهند. رویکردهای اقتصادمحور، ایدئولوژی‌محور، اجتماع‌محور، فرهنگ‌محور و سیاست‌محور هر یک گزینه‌های ویژه‌ای را برای رسیدن به زندگی بهتر پیشنهاد می‌کنند. همان‌گونه که از جایگاه نظری، هم رویکردها و سیاست‌های توسعه‌ای (تودارو، ۱۳۹۱؛ میرفردی، ۱۳۸۵؛ Giddens & Turner, 1993) و هم رویکردها و سیاست‌های جمعیتی (دیدگاه‌های بدبینان و خوش‌بینان)، به شاخص‌های خوشایند و بهینه زندگی می‌پردازند؛ انتظار می‌رود در عمل نیز شاخص‌های مطلوب به‌دست آیند. داده‌های موجود و مقایسه شاخص‌های توسعه‌ای کشورهای با شاخص‌های گوناگون جمعیتی و سیر دگرگونی در دو دسته شاخص‌های توسعه‌ای و جمعیتی نشان می‌دهد که این همراهی در حوزه عمل در جهان فراگیر نیست و تنها برخی از کشورهای دارای توسعه نهادینه شده، از سیاست‌های جمعیتی و سیاست‌های توسعه‌ای همراهی برخوردارند. مسائل جمعیتی متأثر از بسترهای اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی است و هر کشوری مسائل جمعیتی ویژه خود را دارد؛ بنابراین، سیاست‌های جمعیتی باید متناسب با ویژگی‌های جمعیتی، مسائل و توانمندی‌های اقتصادی و اجتماعی و ساختار فرهنگی جامعه طراحی و اجرا شوند. سیاست‌گذاری جمعیتی، بدون توجه به دیگر سیاست‌های راهبردی جامعه نمی‌تواند تحول‌سازنده‌ای را در پی داشته باشد. بهره‌گیری از مواهب پنجره جمعیتی، نیازمند جامع‌نگری در سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی است.

سناریوهای پیشنهادی برای سیاست‌های جمعیتی

با مروری بر اهداف سیاست‌های جمعیتی که می‌توان آن را «فراهم‌سازی زندگی فردی و اجتماعی پایدار و بهینه» دانست و اهداف سیاست‌های توسعه‌ای که «بهتر زیستن و داشتن امکان و قدرت گزینش انسانی برای بهتر زیستن» است، دست‌کم در جایگاه نظری، می‌توان سیاست جمعیتی را سیاستی «انسانی و توسعه‌محور» دانست که

بخشی از برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه‌ای یک جامعه است. در این راستا، هر سیاست جمعیتی بایست ناظر بر اهداف و نشانگرهای توسعه‌ای باشد و سیاست‌های توسعه‌ای نیز بهبودی زیستی جمعیت انسانی را پیگیری کنند و شاخص‌های جمعیتی و روند دگرگونی در ساختار جمعیت را در برآوردها و برنامه‌های خود لحاظ نمایند. رشد جمعیت در کشورها با شرایط گوناگون را با توجه به شاخص نرخ جایگزینی می‌توان به سه دسته «کمتر از نرخ جایگزینی»، «در اندازه جایگزینی» و «بالتر از نرخ جایگزینی» دسته‌بندی نمود و بر پایه این دسته‌بندی و شاخص‌های توسعه‌ای؛ سناریوهای گوناگونی را برای سیاست‌های جمعیتی در نظر گرفت. در اینجا سه سطح توسعه و سه سطح رشد جمعیت را می‌توان همجوار با یکدیگر در ارائه سناریوهای سیاست‌های جمعیتی به کار گرفت. سیاست‌های جمعیتی نیز در چند سویه افزایشی، کاهش‌ی، تثبیتی و اقتضایی- هدفمندانه می‌توانند دیده شوند.

در سناریوهای پیشنهاد شده در جدول زیر، از نظر مطلوبیت توسعه‌ای و نرخ رشد؛ سناریوی کشورهای توسعه‌یافته با رشد جمعیت در اندازه جایگزینی می‌تواند به عنوان یک سناریوی مطلوب برای این دسته از کشورها باشد؛ زیرا به شکل‌گیری وضعیتی می‌انجامد که می‌توان آن را «تداوم تناسب سازنده جمعیتی» نامید. تثبیت و ادامه چنین شرایطی، از یک سو، به تأمین نیروی انسانی مورد نیاز برای فعالیت‌های مولد توسعه‌ای یاری می‌رساند و از سوی دیگر، از پیر شدن جمعیت جلوگیری می‌نماید. در مرتبه بعدی، بهترین سناریو مربوط به کشورهای کمتر توسعه‌یافته است که رشد جمعیتی آنها در اندازه جایگزینی است. این میزان رشد در این وضعیت توسعه‌ای به شکل‌گیری وضعیت «توازن پویا» می‌انجامد. حفظ این شرایط می‌تواند به پیشبرد اهداف توسعه‌ای این کشورها بیانجامد. نامطلوب‌ترین سناریوها می‌تواند مربوط به کشورهای توسعه‌نیافته باشد که در دو سناریوی نرخ رشد کمتر از اندازه جایگزینی و نرخ رشد بالاتر از نرخ جایگزینی قرار دارند. این دو سناریو، به ترتیب پیامدهایی چون «سالمندی همراه با تعمیق رکود فعالیت اقتصادی» و «شکل‌گیری لویاتان منابع اندک» دارند. چنین دسته‌بندی تنها در گستره جهانی و قاره‌ای کاربرد ندارد و درون کشورهای توسعه‌نیافته نیز دسته‌بندی‌هایی از استان‌ها و شهرستان‌ها که دارای این ویژگی‌های دوگانه هستند، می‌توان ارائه داد. با وجود این، چون مهاجرت درون کشوری به گونه‌ای به جابه‌جایی‌های جمعیتی در مناطق گوناگون جامعه می‌انجامد و رشد جمعیت با میانگین کشوری محاسبه می‌شود، تفاوت‌های منطقه‌ای مورد کم‌توجهی یا بی‌توجهی قرار می‌گیرد. این تفاوت در کشوری چون ایران که

تفاوت‌های اقلیمی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی نقش برجسته‌ای در رفتارهای جمعیتی و همچنین رفتارهای توسعه‌ای دارد، قابل توجه است و ضرورت دارد در تحلیل‌ها و سیاست‌گذاری‌ها به کار گرفته شود. هر گونه سیاست‌گذاری بدون محاسبه و ملاحظه تفاوت در نرخ رشد جمعیت و زمینه‌های متفاوت این استان‌ها، به گسترده‌تر شدن و حتی ژرف شدن مشکلات ساختاری جمعیتی - توسعه‌ای استان‌های کمتر برخوردار با نرخ رشد بالای جمعیتی (در سیاست‌های افزایشی) و افزایش مشکلات جمعیتی استان‌های بیشتر برخوردار با نرخ رشد پایین جمعیتی (در سیاست‌های کاهشی) می‌انجامد. از سوی دیگر، به کارگیری سیاست افزایشی در مناطقی که دارای نرخ رشد بالای جمعیتی و سطح پایین توسعه هستند، منجر به مهاجرت سرریز جمعیتی این مناطق به دیگر مناطق کشور می‌گردد. این وضعیت، به سهم خود، دامنه مشکلات جمعیتی و توسعه‌ای کشور را افزایش می‌دهد. روند تحولات اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی، ضرورت سیاست اقتضایی - تطبیقی جمعیتی را نشان می‌دهد. با توجه به تحولات دهه‌های گذشته در جامعه و جمعیت ایران و همچنین ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی کنونی آن، سناریوی تثبیتی برای دستیابی به «توازن پویا» پیشنهاد می‌شود (جدول ۶).

جدول ۶): سیاست‌های جمعیتی پیشنهادی با توجه به سطح توسعه

و نرخ رشد جمعیت

سطح توسعه	نرخ رشد جمعیت	پیامد احتمالی وضعیت جمعیتی در شرایط توسعه‌ای موجود	سیاست جمعیتی مناسب
کشورهای توسعه‌یافته	کمتر از نرخ جایگزینی	سالمندی فزاینده	افزایشی (تشویقی)
	در اندازه جایگزینی	تداوم تناسب سازنده جمعیتی	تثبیتی
	بالاتر از نرخ جایگزینی	دوگانه موهبت اقتصادی و رشد تدریجی بیکاری	کاهشی
کشورهای کمتر توسعه‌یافته	کمتر از نرخ جایگزینی	سالمندی بازدارنده برای خیز توسعه‌ای	افزایشی با تقویت امکانات زیرساختی و رفاهی
	در اندازه جایگزینی	توازن پویا	تثبیتی
	بالاتر از نرخ جایگزینی	شکندگی وضع فعالیت: احتمال موج بیکاری در آینده نزدیک	کاهشی از گونه متناسب‌سازی
کشورهای توسعه‌نیافته	کمتر از نرخ جایگزینی	سالمندی همراه با تعمیق رکود فعالیت اقتصادی	افزایشی - حمایتی با زمینه‌سازی امکانات زیرساختی و رفاهی
	در اندازه جایگزینی	تناسب مشروط و شکننده جمعیتی	تثبیتی با توانمندسازی برای حفظ توازن جمعیتی

سیاست جمعیتی مناسب	پیامد احتمالی وضعیت جمعیتی در شرایط توسعه‌ای موجود	نرخ رشد جمعیت	سطح توسعه
کاهش‌ی هدفمند (همراستاسازی جمعیت با قابلیت امکانات رفاهی)	طوفان بیکاری و تقاضای فزاینده برای خدمات غیرمولد (شکل‌گیری لویاتان منابع اندک)	بالا تر از نرخ جایگزینی	

منبع: (تحلیل نگارنده)

هر گونه سیاست جمعیتی که بدون توجه به شرایط توسعه‌ای و کیفیت زندگی انسان‌ها دنبال شود، نه تنها به کاستن از مسائل جامعه نخواهد انجامید بلکه مسائل پیش‌بینی نشده‌ای را بر مسائل پیشین خواهد افزود؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود در سیاست‌گذاری‌ها به تفاوت دوره‌های گذار جمعیتی و شاخص‌های توسعه‌ای و زیستی و همچنین گذار فرهنگی در ارزش‌های زندگی خانوادگی و فرزندآوری توجه شود.

فهرست منابع

- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۹). *تاریخ مغول*. تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
- ایران محبوب، جلیل و میرفردی، اصغر (۱۳۸۲). بررسی تأثیر متقابل فرایند افزایش جمعیت و شهرنشینی در ایران (از ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵). *فصلنامه جمعیت*، ۱۱(۴۵)-۴۶، ۱۰۳ تا ۱۳۴.
- بهنام، جمشید (۱۳۴۶). *جمعیت‌شناسی عمومی (جلد دوم)*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- پرسا، رولان (۱۳۶۳). *جمعیت‌شناسی اجتماعی*. ترجمه منوچهر محسنی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- تقی‌نژاد، علی؛ غمامی، سید محمدمهدی و عزیزی، حسین (۱۳۹۹). *بایسته‌های تقنینی سیاست‌گذاری جمعیتی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران*. *فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)*، ۲۵(۷۲)، ۲۵-۴۷.
- تودارو، مایکل (۱۳۹۱). *توسعه اقتصادی در جهان سوم*. ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: کوهسار.
- جنادله، علی و رهنما، مریم (۱۴۰۰). *دومین گذار جمعیتی در اروپا و دلالت‌های آن برای سیاست‌گذاری خانواده در ایران (مناقشات نظری و شواهد تجربی)*. *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۱۱(۴۱)، ۲۱۴-۲۳۹.

خانی، ریحانه و نصرالهی، زهرا (۱۳۹۲). تأثیر رشد جمعیت بر نوآوری در ایران و کشورهای منتخب در حال توسعه. *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۱(۴)، ۸۷-۱۰۶.

خانی، سعید و دانش‌مهر، حسین (۱۳۹۹). تفاوت‌های استانی سرمایه انسانی جمعیت در بستر تحولات جمعیتی ایران. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۷(۱۶)، ۲۸۵-۳۱۵.

روزنامه تعادل (۱۴۰۲). نرخ رشد جمعیت در ایران به کمترین میزان در ۲۵ سال گذشته رسیده است! [۱۴۰۲/۲/۱۸]، بازیابی شده در: <https://www.taadolnewspaper.ir/fa/tiny/news-202546>

ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). *دایرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی*. تهران: کیهان.

سرای، حسن (۱۳۹۱). *جمعیت‌شناسی: مبانی و زمینه‌ها*. تهران: سمت.

سمیعی‌نسب، مصطفی و ترابی، مرتضی (۱۳۸۹). شاخص‌ها و سیاست‌های جمعیتی در ایران. *برداشت دوم*، ۷(۱۱ و ۱۲)، ۱۴۳-۱۸۸.

صادقی، رسول (۱۳۸۸). *جمعیت و توسعه در ایران: ابعاد و چالش‌ها*. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.

صادقی، رسول (۱۳۹۲). تعامل پویایی جمعیت و توسعه از دیدگاه ابن‌خلدون. *فصلنامه علمی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*، ۳(۲)، ۲۰۹-۱۹۱.

صادقی، رسول (۱۳۹۱). تغییرات ساختار سنی و ظهور پنجره‌ی جمعیتی در ایران: پیامدهای اقتصادی و الزامات سیاستی. *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۴(۵۵)، ۹۵-۱۵۰.

کریمی، جلیل و واعظزاده، ساجده (۱۳۹۹). زندگی در چارک چهارم؛ مطالعه سبک زندگی محلات محروم شهر کرمانشاه. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱۳(۴)، ۵۱-۸۳.

محمودی، محمدجواد و مشفق، محمود (۱۳۸۸). چالش‌ها و فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی ناشی از گذار جمعیتی با تأکید بر ایران. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۴(۷)، ۶۷-۸۶.

مرکز آمار ایران (۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰). *نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵*. تهران: مرکز آمار ایران.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۰). *قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت (مصوب ۱۴۰۰/۸/۱۹)*. تهران: مجلس شورای اسلامی.

مشفق، محمود؛ محمدجواد و مطیع حق‌شناس، نادر (۱۳۹۱). چشم‌انداز تحولات جمعیتی ایران: لزوم تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی، *مطالعات*

راهبردی زنان. ۱۴(۵۵)، ۱۷۲-۱۵۵.

مشفق، محمود و میرزایی، محمد (۱۳۸۹). انتقال سنی در ایران: (تحولات سنی جمعیت و سیاست گذاری های اجتماعی - جمعیتی). *فصلنامه جمعیت*. ۷۱(۱۷) و ۷۲، ۱-۲۲.

معزی، اسدالله (۱۳۷۱). *مبانی جمعیت‌شناسی*. تهران: آوای نور.

منصوریان، فاطمه؛ خزایی، سعید؛ شریعت پناهی، سیدپیمان و مشفق، محمود (۱۳۹۴). عوامل اثرگذار بر افزایش جمعیت کلان شهرها از دیدگاه متخصصان: مورد مطالعه، شهر تهران. *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۸(۱)، ۴۴-۲۱.

میرزایی، محمد (۱۳۸۹). جمعیت و توسعه پایدار، در: زنجانی، حبیب‌الله؛ شادپور، کامل؛ میرزایی، محمد و امیرهوشنگ مهریار(مولفین). *جمعیت، توسعه و بهداشت باروری*، (صفحات ۶۲ تا ۷۵). تهران: بشری با همکاری تحفه.

میرزایی، محمد؛ دارابی، سعداله و باباپور، میترا. (۱۳۹۶). سال خوردگی جمعیت در ایران و هزینه‌های رو به افزایش بهداشت و درمان. *سالمند: مجله سالمندی ایران*. ۱۲(۲)، ۱۵۶-۱۶۹.

میرزایی، محمد و عسکری ندوشن، عباس (۱۳۸۵). برنامه‌های توسعه، رویدادهای سیاسی بین‌الملل و جهت‌گیری مباحث جمعیت‌شناسی در قرن بیستم. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۱(۱)، ۸۱-۱۰۳.

میرصالحیان، اکبر و دالوند، مصیب (۱۳۹۷). تاریخچه بیماری‌های عفونی باکتریایی شایع در ایران. *مجله میکروپ‌شناسی پزشکی ایران*، ۲(۴)، ۲۳۰-۲۳۸.

میرفردی، اصغر (۱۳۸۵). *جهت‌گیری ارزشی و سازگاری آن با شاخص‌های توسعه انسانی در ایران: مطالعه موردی ساکنان شهرهای شیراز و یاسوج*. (رساله دکتری جامعه‌شناسی). دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

میرفردی، اصغر (۱۳۹۶). *پژوهشی جامعه‌شناختی پیرامون دگرگونی‌های اجتماعی در ممسنی از آغاز پهلوی*. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی و انتشارات ارم شیراز.

میرفردی، اصغر؛ صادق‌نیا، آسیه و مرادی، رامین (۱۳۹۸). تحلیل موانع توسعه اجتماعی در ایران از دیدگاه اعضاء هیئت علمی جامعه‌شناسی دانشگاه‌های دولتی. *مجله علمی پژوهشی مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی*، ۷(۴)، ۱۳۱-۱۶۲.

هینز، جفری (۱۳۹۰). *مطالعات توسعه*. برگردان: رضا شیرزادی و جواد قبادی. تهران: نشر آگه.

- Behnam, J. (1967). *General Demography* (Vol.2), Tehran: Social Research Institute. (Persian).
- Bennett, R., & Zaidi, A. (2016). Ageing and development: Putting gender back on the agenda. *International Journal on Ageing in Developing Countries*, 1(1), 5-19.
- Centers for Disease Control and Prevention (2021). Past Pandemics, Retrieved from: <https://www.cdc.gov/flu/pandemic-resources/basics/past-pandemics.html>. [July 27, 2021].
- Chasteland, JC. (1983). Population policy in the Third World eight years after Bucharest: hopes and realities. *Tiers Monde*. 24 (94):277-304. French.
- Chen, Q. (2021). Population policy, family size, and child malnutrition in Vietnam – Testing the trade-off between child quantity and quality from a child nutrition perspective, *Economics & Human Biology*, 41. Issue C.
- Coale, A. and Hoover, E. (1958). *Population Growth and Economic Development in Low-Income Countries: A Case Study of India's Prospects*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Davis, K. (1963). The theory of change and response in modern demographic history. *Population index*, 29(4), 345-366.
- Donaldson, P. (1990). *Nature against Us: The United States and the World Population Crisis, 1965–1980*. Chapel Hill, NC: University of North Carolina Press.
- Ehrlich, P. (1968/ 1988). *The population bomb*. New York: Ballantine Book.
- Eqbal Ashtiani, A. (2010). *Mughal History*. Tehran: Negah Publications. (Persian).
- Ge, S., Yang, D. T., and Zhang, J. (2018). Population policies, demographic structural changes, and the Chinese household saving puzzle, *European Economic Review*, 101: 181-209.
- Giddens, A. & Turner, J. (1993). *Social Theory*. Cambridge: Polity Press.
- Harrod, R.F. (1939). An Essay in Dynamic Theory. *Economic Journal*, 49(193), 14-33.
- Headey, D. and A. Hodge. (2009). The effect of population growth on economic growth: A meta-regression analysis of the macroeconomic literature, *Population and Development Review* 35(2), 221–248.
- Hynes, J. (2011). *Development Studies*. Translated to Persian language by Reza Shirzadi and Javad Qobadi. Tehran: Agah Publications.
- Ined (2023). "Population policy" retrieved at: <https://www.ined.fr/en/glossary/population-policy/> [2023.4.25].
- Inglehart, R., & Baker, W. E. (2000). Modernization, cultural change, and the persistence of traditional values. *American Sociological Review*, 65(1), 19-51.
- Iran Mahboub, J., Mirfardi, A. (2003). The study of the reciprocal effect of population increase and urbanization in Iran (1956-1996), *Population Journal*, 11 (45-46): 103-134. (Persian).

- Islamic Iran's Parliament Research Centre (2021). *Family and Youth Protection Law (approved on November 9, 2021)*. Islamic Iran's Parliament.
- Janadleh, A., & Rahnama, M. (2022). The second demographic transition in Europe and its implications for family policy in Iran (Theoretical controversies and empirical evidence). *Strategic Studies of public policy*, 11(41), 214-239.
- Karimi, J., & Vaezzadeh, S. (2020). Life in the fourth quarter; Study of lifestyle in deprived neighborhoods of Kermanshah city. *Journal of Iranian Cultural Research*, 13(4), 51-83.
- Kelley, A. (2001). "The population debate in historical perspective: Revisionism revised," in *Population Matters*, N. Birdsall, A. Kelley, and S. Sinding (eds.), pp. 24-54. New York: Oxford University Press.
- Khani, S., & Danesh Mehr, H. (2021). Provincial Differences in Human Capital in the Context of Iranian Demographic Transition. *Journal of Sociology of Social Institutions*, 7(16), 285-315.
- Kuznets, S. (1967). Population and economic growth. *Proceedings of the American philosophical Society*, 111(3), 170-193.
- Legatum Institute (2020). The Prosperity Index. Retrieved from: <https://www.prosperity.com>.
- Lesthaeghe, R. (1998). On theory development: Applications to the study of family formation. *Population and Development Review*, 24(1), 1-14.
- Lesthaeghe, R. (2010). The unfolding story of the second demographic transition. *Population and Development Review*, 36(2), 211-251.
- Lloyd-Sherlock, P. (2010). International development and population ageing. In *Population ageing and international development* (pp. 1-34). Policy Press.
- Mahmoodi, M.J. and Moshfegh, M. (2009). Economic and social challenges and opportunities caused by demographic transition with emphasis on Iran, *Journal of Population Association of Iran*, 4 (7): 67-86. (Persian).
- Malthus, T. R., (1803). *An Essay on the Principles of Population*, 2nd edition, Everyman edn. first edition: 1798.
- Mansourian, F., Khazaie, S., Shariatpanahi, S. P., & Moshfegh, M. (2015). The Influencing Factors on Population Growth in Metropolises from the Viewpoints of Experts: Case Study of Tehran. *Interdisciplinary Studies in Humanities*, 8(1), 21-44.
- May, J. (2012). *World Population Policies: Their Origin, Evolution, and Impact*. New York: Springer.
- McEvedy, C., and Jones, R. (1979). *Atlas of World Population History*, New York: Facts on File.
- McNeill, W. (1977). *Plagues and peoples*. Anchor.
- Meadows, D. H., Meadows, D. L., Randers, J., and W. W. Behrens (1972). *The Limits to Growth*. New York: Universe Books.
- Mirfardi A, Sadeghnia A, Moradi R. The Sociological Analysis of Barriers

- to Social Development in Iran, from Iranian Sociologist's Point of view. *Quarterly Journal of Socio-Cultural Development Studies*, 7 (4):131-162
- Mirfardi, A. (2006). *Value Orientation and its Relationship to Socio-Economic Indicators of Human Development in Iran: A Case Study of Shiraz and Yasouj Residents*, Ph.D. Dissertation in Sociology, Shiraz: Shiraz University.
- Mirfardi, A. (2017). *A Sociological Study on the Social Changes in Mamasani from the Beginning of Pahlavi Dynasty*. Shiraz: Foundation for Fars Studies and Shiraz Eram Publications.
- Mirsalehian, A, Dalvand, M. (2018). History of Bacterial Infection Diseases in Iran. *Iran Journal of Medical Microbiology*, 12 (4): 230-238
- Mirzaie M, and Askari Nodoshan, A. (2006). Development programs, international political events, and the direction of demographic issues in the 20th century, *Journal of Population Association of Iran*, 1 (1): 81-103. (Persian).
- Mirzaie M, Darabi S. (2017). Population Aging in Iran and Rising Health Care Costs. *Salmand: Iranian Journal of Ageing*, 12 (2):156-169
- Mirzaie M. (2010). Population and sustainable development, in Zanjani, H., Shadpour, K., Mirzaie M., and Mehryar, A.H. (Authors), *Population, development, and reproductive health*, (Pp. 62-75). Tehran: Boshra Publications with the cooperation of Tohfah Publications. (Persian).
- Moezi, A. (1992). *Introduction to Demography*. Tehran: Avay Noor.
- Moshfegh, M. and Mirzaie M, (2010). Age transition in Iran: (age changes of the population and socio-demographic policies), *Population Quarterly*, 17 (71-72): 1-22. (Persian).
- Moshfegh, M., Mahmoudi, M. J., & Moti Haghshenas, N. (2012). Prospects of Iran's Demographic Changes, the Necessity of Review in Population Policies. *Women's Strategic Studies*, 14(55 (spring 2012)), 151-172.
- National Academy of Sciences (NAS). (1971). *Rapid Population Growth: Consequences and Policy Implications*. Baltimore: *Johns Hopkins Press for the National Academies of Sciences*.
- Parsons, T. (1951). *The Social System*. New York: The Free Press.
- Pasley, J., & Wang, A. (2019). The 30 biggest population shifts in recent history. Available at: <https://www.businessinsider.com/countries-with-biggest-population-growth-change-2019-7>.
- Persa, R. (1984). *Social Demography*. Translated to Persian language by manowchehr Mohseni, Tehran: Tehran University Publications. (Persian).
- Robinson, J. A., & Srinivasan, T. N. (1997). Long-term consequences of population growth: Technological change, natural resources, and the environment, Chapter 21 in *Handbook of Population and Family Economics*, 1(B): 1175-1298.

- Sadeghi, R. (2009). Population and Development in Iran: Dimensions and Challenges, Tehran: Center for Population Studies and Research in Asia and the Pacific Publications. (Persian).
- Sadeghi, R. (2012). Age Structure Transitions and Emerging Demographic Window in Iran: Economic Outcomes and Policy Implications. *Women's Strategic Studies*, 14(55 (spring 2012)), 95-150. (In Persian).
- Sadeghi, R. (2013). The Interaction of Population Dynamics and Development from the Ibn Khaldun's Perspective. *Journal of Social Theories of Muslim Thinkers*, 3(2), 191-209.
- Saraiee, H. (2012). *Demography: Introduction and Backgrounds*. Tehran Samt Publications. Second edition.
- Saroukhani, B. (1996). *The Comparative Encyclopedia of Social Sciences*. Tehran: keyhan.
- Schultz, T. P. (1988). Education investments and returns. In *Handbook of development economics*, 1, 543-630.
- Schultz, T. P. (2007). Population Policies, Fertility, Women's Human Capital, and Child Quality, in *Handbook of Development Economics*, 4, 3249-3303.
- Simon, J. L. (1980). Resources, population, environment: an oversupply of false bad news. *Science*, 208(4451), 1431-1437.
- Sinding, S. (2007). "Overview and perspective," in *The Global Family Planning Revolution: Three Decades of Population Policies and Programs*, W. Robinson and J. Ross (eds.), pp. 1–12. Washington, DC: The World Bank.
- Sorsa, T. (ed.) (2020). Sustainable Population Development in Finland: The 2020 Population Policy Report by Väestöliitto. Available at: <https://www.vaestoliitto.fi/en/news/population-policies-for-the-21st-century-finland-as-a-case-example/>
- Statistical Center of Iran (1956 through 2016). *Iran's National Population and housing census*. Tehran: Statistical Center of Iran.
- Taadol Newspaper (2023). The population growth rate in Iran has reached the lowest rate in the last 25 years! In: <https://www.taadolnewspaper.ir/fa/tiny/news-202546> [May 8, 2023].
- Taghinezhad, A., Ghamamy, S. M.M., & Azizi, H. (2020). The Legislative Requirements of Population Policy in the Legal System of the Islamic Republic of Iran. *Family Law and Jurisprudence (Nedaye Sadiq)*, 24(72), 25-47.
- Todaro, M. (2012). *Economic Development in Third World*. Translated to Persian language by Gholamali farjadi, Tehran: Koohsar Publications. (Persian).
- UNDP (1996). *Human Development Report, 1996*. Oxford: Oxford University Press.
- UNDP (2020). Human Development Reports, Retrieved from: <http://hdr.undp.org/>. [3 Aug. 2020].
- United Nations (1995). *World Summit for Social Development*.

Copenhagen, 6-12 March.

United Nations (2022). World Population Prospect 2022. New York: UN
Available at: <https://reliefweb.int/report/world/world-population-prospects-2022-summary-results>. [Apr.15, 2023].

Walker, A. (2016). Population ageing from a global and theoretical perspective In *Age-friendly cities and communities in international comparison*, (47-64). Edited by Moulaert, T., & Garon, S. Cham, CHE: Springer International.

World Population Atlas (2020). Countries by Population Growth Rate. Available at: <https://www.worldatlas.com/articles/population-growth-by-country.html>.

References

Behnam, J. (1967). General Demography (Vol.2), Tehran: Social Research Institute. (Persian).

Bennett, R., & Zaidi, A. (2016). Ageing and development: Putting gender back on the agenda. *International Journal on Ageing in Developing Countries*, 1(1), 5-19.

Boserup, E. (1981) Population and economic change: A study of long term trends, Chicago: University of Chicago Press.

Centers for Disease Control and Prevention (2021). Past Pandemics, Retrieved from: <https://www.cdc.gov/flu/pandemic-resources/basics/past-pandemics.html>. [July 27, 2021].

Chasteland, JC. (1983). Population policy in the Third World eight years after Bucharest: hopes and realities. *Tiers Monde*. 24(94):277-304. French.

Chen, Q. (2021). Population policy, family size, and child malnutrition in Vietnam-Testing the trade-off between child quantity and quality from a child nutrition perspective, *Economics & Human Biology*, 41. Issue C.

Coale, A. and Hoover, E. (1958). Population Growth and Economic Development in Low-Income Countries: A Case Study of India's Prospects. Princeton, NJ: Princeton University Press.

Davis, K. (1963). The theory of change and response in modern demographic history. *Population index*, 29(4), 345-366.

Demeny, P. (2003). Population policy dilemmas in Europe at the dawn of the twenty-first century. *Population and development review*, 29(1), 1-28.

Donaldson, P. (1990). Nature against Us: The United States and the World Population Crisis, 1965-1980. Chapel Hill, NC: University of North Carolina Press.

Ehrlich, P. (1968/ 1988). The population bomb. New York: Ballantine Book.

Eqbal Ashtiani, A. (2010). Mughal History. Tehran: Negah Publications. (In Persian).

Ge, S., Yang, D. T., and Zhang, J. (2018). Population policies, demographic structural changes, and the Chinese household saving

- puzzle, *European Economic Review*, (101), 181-209.
- Giddens, A. & Turner, J. (1993). *Social Theory*. Cambridge: Polity Press.
- Harrod, R.F. (1939). An Essay in Dynamic Theory. *Economic Journal*, 49(193), 14-33.
- Headey, D. and A. Hodge. (2009). The effect of population growth on economic growth: A meta-regression analysis of the macroeconomic literature, *Population and Development Review* 35(2), 221-248.
- Hynes, J. (2011). *Development Studies*. Translated to Persian language by Reza Shirzadi and Javad Qobadi. Tehran: Agah Publications.
- Ined (2023). "Population policy" retrieved at: <https://www.ined.fr/en/glossary/population-policy/> [2023.4.25].
- Inglehart, R., & Baker, W. E. (2000). Modernization, cultural change, and the persistence of traditional values. *American Sociological Review*, 65(1), 19-51.
- Iran Mahboub, J., Mirfardi, A. (2003). The study of the reciprocal effect of population increase and urbanization in Iran (1956-1996), *Population Journal*, 11(45-46), 103-134. (In Persian).
- Islamic Iran's Parliament Research Centre (2021). Family and Youth Protection Law (approved on November 9, 2021). Islamic Iran's Parliament.
- Janadleh, A., & Rahnema, M. (2022). The second demographic transition in Europe and its implications for family policy in Iran (Theoretical controversies and empirical evidence). *Strategic Studies of public policy*, 11(41), 214-239.
- Karimi, J., & Vaezzadeh, S. (2020). Life in the fourth quarter; Study of lifestyle in deprived neighborhoods of Kermanshah city. *Journal of Iranian Cultural Research*, 13(4), 51-83.
- Kelley, A. (2001). "The population debate in historical perspective: Revisionism revised," in *Population Matters*, N. Birdsall, A. Kelley, and S. Sinding (eds.), pp. 24-54. New York: Oxford University Press.
- Khani, R., & Nasrollahi, Z. (2014). The impact of population growth on innovation in selected developing. *Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies*, 1(4), 87-106. (In Persian).
- Khani, S., & Danesh Mehr, H. (2021). Provincial Differences in Human Capital in the Context of Iranian Demographic Transition. *Journal of Sociology of Social Institutions*, 7(16), 285-315.
- Kuznets, S. (1967). Population and economic growth. *Proceedings of the American philosophical Society*, 111(3), 170-193.
- Legatum Institute (2020). The Prosperity Index. Retrieved from: <https://www.prosperity.com>.
- Lesthaeghe, R. (1998). On theory development: Applications to the study of family formation. *Population and Development Review*, 24(1), 1-14.
- Lesthaeghe, R. (2010). The unfolding story of the second demographic transition. *Population and Development Review*, 36(2), 211-251.
- Lloyd-Sherlock, P. (2010). International development and population ageing. In *Population ageing and international development* (pp. 1-34).

- Policy Press.
- Mahmoodi, M.J. and Moshfegh, M. (2009). Economic and social challenges and opportunities caused by demographic transition with emphasis on Iran, *Journal of Population Association of Iran*, 4(7), 67-86. (In Persian).
- Malthus, T. R., (1803). *An Essay on the Principles of Population*, 2nd edition, Everyman edn. first edition: 1798.
- Mansourian, F., Khazaie, S., Shariatpanahi, S. P., & Moshfegh, M. (2015). The Influencing Factors on Population Growth in Metropolises from the Viewpoints of Experts: Case Study of Tehran. *Interdisciplinary Studies in Humanities*, 8(1), 21-44.
- May, J. (2012). *World Population Policies: Their Origin, Evolution, and Impact*. New York: Springer.
- McEvedy, C. and Jones, R. (1979). *Atlas of World Population History*, New York: Facts on File.
- McNeill, W. (1977). *Plagues and peoples*. Anchor.
- Meadows, D. H., Meadows, D. L., Randers, J., and W. W. Behrens (1972). *The Limits to Growth*. New York: Universe Books.
- Mirfardi A, Sadeghnia A, Moradi R. The Sociological Analysis of Barriers to Social Development in Iran, from Iranian Sociologist's Point of view. *Quarterly Journal of Socio-Cultural Development Studies*, 7(4), 131-162
- Mirfardi, A. (2006). *Value Orientation and its Relationship to Socio-Economic Indicators of Human Development in Iran: A Case Study of Shiraz and Yasouj Residents*, Ph.D. Dissertation in Sociology, Shiraz: Shiraz University.
- Mirfardi, A. (2017). *A Sociological Study on the Social Changes in Mamasani from the Beginning of Pahlavi Dynasty*. Shiraz: Foundation for Fars Studies and Shiraz Eram Publications.
- Mirsalehian, A, Dalvand, M. (2018). History of Bacterial Infection Diseases in Iran. *Iran Journal of Medical Microbiology*, 12(4), 230-238.
- Mirzaie M, and Askari Nodoshan, A. (2006). Development programs, international political events, and the direction of demographic issues in the 20th century, *Journal of Population Association of Iran*, 1(1), 81-103. (In Persian).
- Mirzaie M, Darabi S. (2017). Population Aging in Iran and Rising Health Care Costs. *Salmand: Iranian Journal of Ageing*, 12 (2), 156-169.
- Mirzaie M. (2010). Population and sustainable development, in Zanjani, H., Shadpour, K., Mirzaie M., and Mehryar, A.H. (Authors), *Population, development, and reproductive health*, (Pp. 62-75). Tehran: Boshra Publications with the cooperation of Tohfeh Publications. (In Persian)
- Moezi, A. (1992). *Introduction to Demography*. Tehran: Avay Noor.
- Moshfegh, M. and Mirzaie M, (2010). Age transition in Iran: (age changes of the population and socio-demographic policies), *Population Quarterly*, 17(71-72), 1-22. (In Persian)

- Moshfegh, M., Mahmoudi, M. J., & Moti Haghshenas, N. (2012). Prospects of Iran's Demographic Changes, the Necessity of Review in Population Policies. *Women's Strategic Studies*, 14(55 (spring 2012)), 151-172.
- National Academy of Sciences (NAS). (1971). *Rapid Population Growth: Consequences and Policy Implications*. Baltimore: Johns Hopkins Press for the National Academies of Sciences.
- Parsons, T. (1951). *The Social System*. New York: The Free Press.
- Pasley, J., & Wang, A. (2019). The 30 biggest population shifts in recent history. Available at: <https://www.businessinsider.com/countries-with-biggest-population-growth-change-2019-7>.
- Persa, R. (1984). *Social Demography*. Translated to Persian language by manowchehr Mohseni, Tehran: Tehran University Publications. (In Persian)
- Robinson, J. A., & Srinivasan, T. N. (1997). Long-term consequences of population growth: Technological change, natural resources, and the environment, Chapter 21 in *Handbook of Population and Family Economics*, 1(B), 1175-1298.
- Sadeghi, R. (2009). *Population and Development in Iran: Dimensions and Challenges*. Tehran: Center for Population Studies and Research in Asia and the Pacific Publications. (In Persian).
- Sadeghi, R. (2012). Age Structure Transitions and Emerging Demographic Window in Iran: Economic Outcomes and Policy Implications. *Women's Strategic Studies*, 14(55 (spring 2012)), 95-150. (In Persian)
- Sadeghi, R. (2013). The Interaction of Population Dynamics and Development from the Ibn Khaldun's Perspective. *Journal of Social Theories of Muslim Thinkers*, 3(2), 191-209. (In Persian)
- Samiee Nasab, M. & Torabi, M. (2009). "Population indicators and policies in Iran", Second Edition 7 (11 and 12), 143-188. (In Persian)
- Saraiee, H. (2012). *Demography: Introduction and Backgrounds*. Tehran Samt Publications. Second edition.
- Saroukhani, B. (1996). *The Comparative Encyclopedia of Social Sciences*. Tehran: keyhan. (In Persian)
- Schultz, T. P. (1988). Education investments and returns. In *Handbook of development economics*, (1), 543-630.
- Schultz, T. P. (2007). Population Policies, Fertility, Women's Human Capital, and Child Quality, in *Handbook of Development Economics*, (4), 3249-3303.
- Simon, J. L. (1980). Resources, population, environment: an oversupply of false bad news. *Science*, 208(4451), 1431-1437.
- Sinding, S. (2007). "Overview and perspective," in *The Global Family Planning Revolution: Three Decades of Population Policies and Programs*, W. Robinson and J. Ross (eds.), pp. 1-12. Washington, DC: The World Bank.
- Sorsa, T. (ed.) (2020). *Sustainable Population Development in Finland*:

- The 2020 Population Policy Report by Väestöliitto. Available at: <https://www.vaestoliitto.fi/en/news/population-policies-for-the-21st-century-finland-as-a-case-example/>
- Statistical Center of Iran (1956 through 2016). Iran's National Population and housing census. Tehran: Statistical Center of Iran. (In Persian)
- Taadol Newspaper (2023). The population growth rate in Iran has reached the lowest rate in the last 25 years! In: <https://www.taadolnewspaper.ir/fa/tiny/news-202546> [May 8, 2023]. (In Persian)
- Taghinezhad, A., Ghamamy, S. M.M., & Azizi, H. (2020). The Legislative Requirements of Population Policy in the Legal System of the Islamic Republic of Iran. Family Law and Jurisprudence (Nedaye Sadiq), 24(72), 25-47. (In Persian)
- Todaro, M. (2012). Economic Development in Third World. Translated to Persian language by Gholamali farjadi, Tehran: Koohsar Publications. (In Persian)
- UNDP (1996). Human Development Report, 1996. Oxford: Oxford University Press.
- UNDP (2020). Human Development Reports, Retrieved from: <http://hdr.undp.org/>. [3 Aug. 2020].
- United Nations (1995). World Summit for Social Development. Copenhagen, 6-12 March.
- United Nations (2022). World Population Prospect 2022. New York: UN Available at: <https://reliefweb.int/report/world/world-population-prospects-2022-summary-results>. [Apr.15, 2023].
- Walker, A. (2016). Population ageing from a global and theoretical perspective In Age-friendly cities and communities in international comparison, (47-64). Edited by Moulaert, T., & Garon, S. Cham, CHE: Springer International.
- World Population Atlas (2020). Countries by Population Growth Rate. Available at: <https://www.worldatlas.com/articles/population-growth-by-country.html>

آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری در ایران؛ با تأکید بر امر اجتماعی

محمدتقی ضرغام افشار

پژوهشگر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
zargham.mohammad@gmail.com  0009-0007-4600-1972

سینا شیخی

پژوهشگر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران، ایران.
sina.sheikhi@ut.ac.ir  0000-0000-0000-0000

کمیل قیدرلو

استادیار دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.
gheidarloo@isu.ac.ir  0000-0000-0000-0000

چکیده

از زمان تکوین دولت شبه‌نوین در ایران، فقدان رویکرد جامع به امر توسعه و سيطرة تدریجی خوانش‌هایی از حکمرانی که دولت‌محور و جامعه‌گرای تعریف شده‌اند، موجب از رونق افتادن امر اجتماعی شده است. مقاله حاضر که با موضوع «آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری در ایران؛ با تأکید بر امر اجتماعی» تهیه شده، هدف خود را واکاوی مهم‌ترین عواملی که به طرد امر اجتماعی از حوزه سیاست‌گذاری می‌انجامد قرار داده است؛ امری که با استفاده از نظریه‌های پست‌توسعه و بهره‌بردن از مدل نهادی در سیاست‌گذاری اجتماعی و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و مطالعات اسنادی دنبال شده است. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که به‌لحاظ سیاستی، «کمبود توجه به ملاحظه‌های اجتماعی در سیاست‌گذاری‌های رسمی»، «مقررات‌زدایی در عرصه‌های مختلف»، «کاهش مسئولیت‌پذیری دولت در ارائه خدمات اجتماعی» و «ممانعت از تشکیل‌یابی جامعه»، زمینه‌های طرد امر اجتماعی از حوزه سیاست‌گذاری را فراهم آورده‌اند و به‌لحاظ نظری نیز خوانشی خاص از نظریه «تقسیم معرفت»، سيطرة «فردگرایی روش‌شناختی»، تقلیل انسان به «انسان اقتصادی»، «بسط منطق سود و زیان به اخلاقی‌ترین حوزه‌های اجتماعی»، تأکید بر «نظم خودجوش و غیرقابل فهم نهادهای اجتماعی» و «تفکیک قواعد فرهنگی بین حوزه‌های کوچک و کلان اجتماعی» به امکان‌ناپذیر بودن فهم منطق درونی پدیده‌های اجتماعی و عدم امکان سیاست‌گذاری‌های عمومی در حوزه اجتماعی می‌انجامد.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری اجتماعی، امر اجتماعی، نظام بازار، توسعه.

شاپای الکترونیک: ۲۵۵۸-۶۵۵X / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی



doi 10.22034/SCS.2023.382049.1400

مقدمه و بیان مسئله

اجتماعی‌بودگی و امر اجتماعی در ایران، به دلایل مختلف تاریخی و دینی از اهمیتی ویژه نسبت به حوزه‌های دیگر برخوردار بوده است. مدح عدالت اجتماعی در افکار عمومی ایرانیان و قبح نابرابری‌های اجتماعی در اذهان آنان که خود را در جنبش‌هایی چون شعوبیه و مزدکیه (رجایی، ۱۳۷۲، ص. ۶۷) منعکس می‌کند، جایگاه رفیع و تعیین‌کننده نهادهای اجتماعی، نقش پُررنگ صنوف، اجتماع‌های محلی و سایر گروه‌های اجتماعی در ارتقای کیفیت زیست ایرانیان، بسط اخلاق عمومی و تأکید بر حفظ پیوندهای اجتماعی در تاریخ آشوبناک ایران که خود را در آثاری چون اخلاق ناصری از خواجه نصیرالدین طوسی و سیاست‌نامه از خواجه نظام‌الملک نشان می‌دهد، تنها نمونه‌هایی از حضور و نقش بی‌بدیل امر اجتماعی در بافتار تاریخی جامعه ایران بوده است؛ اما با گذار تدریجی از جوامع سنتی و بافتار مرتبط به آن و شکل‌گیری دولت‌های شبه‌نوین، الگوهایی از توسعه در دستور کار قرار گرفت که غالباً بیگانه و گاهی معارض با منطق اجتماعی جامعه ایران بود. درحقیقت با وجود آنچه از اهمیت حوزه اجتماعی در تجارب تاریخی ایرانیان گفته شد، فقدان رویکرد جامع به امر توسعه (که اقتضائات حوزه‌های مختلف را در نظر بگیرد) و سیطره تدریجی خوانش‌هایی از حکمرانی که ناسازگار با امر اجتماعی است، باعث شد تا اهمیت امر اجتماعی در حوزه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری، کم‌رنگ شده و به‌نوعی طفیلی حوزه‌های دیگر قرار گیرد.

آنچه در مورد نادیده‌گرفتن سویه‌های اجتماعی در رویکردهای سیاست‌گذاری گفته شد را در بررسی برنامه‌های توسعه و عمرانی کشور می‌توان مشاهده کرد؛ به‌عنوان نمونه محور توسعه در برنامه‌های عمرانی پیش از انقلاب اسلامی به‌خصوص برنامه‌های اول تا سوم، عمدتاً متمرکز بر امور اقتصادی به‌ویژه صنعت و کشاورزی بود و سهم ابعاد و شئون اجتماعی در آنها بسیار کم‌رنگ بود (قوتی سفیدسنگی و دیگران، ۱۳۹۶، ص. ۱۵۶). اما در برنامه‌های چهارم تا ششم عمرانی، با تشکیل گروه‌هایی چون سپاه دانش و بهداشت، اهداف اجتماعی نظیر ارتقای سطح بهداشت و آموزش، توزیع عادلانه‌تر درآمد و توجه به افزایش سطح زندگی گروه‌های کم‌درآمدتر نیز در دستور کار قرار گرفت؛ اما این برنامه‌ها نیز همچنان با رویکردهای آمرانه و از بالا به پایین، مدیریت می‌شدند و از بسیاری جنبه‌های مشارکتی و ظرفیت‌های مربوط به گروه‌های اجتماعی محروم بودند (سازمان برنامه و بودجه،

۱۳۵۳، ص. ۴ به نقل از عالی‌زاده، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۹).

در برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی، سویه‌های اجتماعی محوریت بیشتری پیدا کردند؛ به‌طوری‌که ابعاد خدمات عمومی، تغذیه و مسکن، فقرزدایی، بیمه‌های اجتماعی، حمل‌ونقل، بهداشت و سلامت، فراغت و تفریح (در برنامه اول)، ابعاد تحقق عدالت و امنیت اجتماعی، بهداشت عمومی، بیمه و اشتغال مناطق محروم (در برنامه دوم)، ابعاد آموزش، اشتغال، تأمین اجتماعی، عدالت، نهادهای اجتماعی و امنیت انسانی (در برنامه سوم)، جنبه‌های آموزش، بهداشت و سلامت، تغذیه و مسکن، اشتغال، خدمات عمومی، حمل‌ونقل، بیمه‌های اجتماعی، فقرزدایی، فراغت و تفریح (در برنامه چهارم)، ابعاد حمایت از خانواده و زنان، امنیت اجتماعی، بیمه‌های اجتماعی، اوقات فراغت، توانمندسازی سازمان‌های مردم‌نهاد (در برنامه پنجم) و ابعاد عدالت و رفع تبعیض، بیمه و بازنشستگی، تحول در آموزش، آسیب‌های اجتماعی، فرهنگ عمومی، سبک زندگی ایرانی - اسلامی (در برنامه ششم) مورد توجه قرار گرفتند (متقی، ۱۳۹۵، صص. ۱۹۱-۱۹۳).

به‌این ترتیب پس از انقلاب اسلامی، گرچه توجه به ابعاد اجتماعی سیاست‌گذاری، محوریت بیشتری در برنامه‌های توسعه یافت؛ اما این محوریت نیز عمده‌تاً با رویکرد رفاهی بوده است؛ به‌عبارت دیگر رویکرد حاکم بر ابعاد اجتماعی در برنامه‌های توسعه، رویکرد رفاه‌گرایانه با شاخص‌های بهداشت، آموزش، بیمه و تأمین اجتماعی، اشتغال و کار بوده است و نه رویکردهای مبتنی بر ظرفیت گروه‌های اجتماعی و قابلیت‌های انسانی که اتکایشان بر حقوق اجتماعی، مشارکت‌های محلی و ملی و ظرفیت‌های گروهی می‌باشد (عالی‌زاده، ۱۳۹۴، ص. ۱۳۶).

به‌این ترتیب با وجود پیشرفت‌های قابل‌توجه در عرصه‌هایی چون بهداشت و آموزش، در حوزه‌هایی مانند برابری اجتماعی، تشکلیابی جامعه (صنوف، تشکلهای مردم‌نهاد، تشکلهای کارگری و...)، کنترل و سامان‌دادن به آسیب‌های اجتماعی (تکدی‌گری، اعتیاد، نرخ جرائم و مسائل اخلاقی، افزایش شمار زندانیان، طلاق و خشونت‌های خانوادگی و...) و سرمایه اجتماعی نهادی، روندی نامطلوب طی شده است که نیاز به بازاندیشی و بازطراحی الگوهای برنامه‌ریزی به‌منظور احیای امر اجتماعی در الگوهای حکمرانی را ایجاب می‌نماید.

با توجه به آنچه گفته شد ضرورت برداشتن دو گام به‌منظور احیای حکمرانی اجتماعی که متناسب با بافتار تاریخی جامعه ایران است، مشخص می‌شود. در گام اول ضروری است تا به تنقیح مفهومی امر اجتماعی در حوزه سیاست‌گذاری و

تفکیک آن از سایر حوزه‌ها پرداخته شود و نشان داده شود که چطور مسامحه در این موضوع، موجب می‌گردد حوزه اجتماعی به‌عنوان طفیلی سایر حوزه‌ها تعریف شود. همچنین آفت قابل توجه در برخی شاخص‌های اجتماعی که ذکر شد این ضرورت را نمایان می‌سازد که بایستی به مهم‌ترین علل نظری و رویکردی که به طرد امر اجتماعی از حوزه نظری و به حاشیه‌راندن آن از موضع سیاست‌گذاری می‌انجامد، پرداخته و مهم‌ترین اصلاح‌هایی که به‌منظور احیای حکمرانی اجتماعی لازم است را جستجو نمود. پژوهش حاضر تلاشی است در دو گام، به‌منظور یافتن پاسخ به این دو مسئله.

۱. اهداف و پرسش‌های پژوهش

این مقاله در گام اول به‌دنبال تنقیح مفهومی اجتماعی‌بودگی و امر اجتماعی و تفکیک آن از سایر حوزه‌ها به‌ویژه امر سیاسی، امر اقتصادی و امر فرهنگی است. در گام دوم مهم‌ترین علل و عواملی که اسباب نادیده‌گرفتن رویکردهای اجتماعی در حوزه سیاست‌گذاری را فراهم می‌آورد، جستجو می‌کند. به‌این ترتیب مهم‌ترین سؤال‌هایی که این مقاله درصدد پاسخ به آنهاست، عبارت‌اند از:

- ۱- مهم‌ترین وجوه ممیزه امر اجتماعی از امر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی چیست؟
- ۲- مهم‌ترین عواملی که موجب طرد امر اجتماعی از حوزه سیاست‌گذاری می‌شوند کدامند؟

۲. پیشینه پژوهش

زائری و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان «نفی امر اجتماعی: برآمدن گفتارهای فردگرایانه در ایران پساجنگ (روان‌شناسی موفقیت، عرفان‌گرایی و انسان اقتصادی)» به بررسی چگونگی به محاق رفتن امر اجتماعی و برآمدن گفتارهای سوبجکتیو و فردی با صورت‌هایی چون روان‌شناسی موفقیت، عرفان‌گرایی، انسان اقتصادی می‌پردازد؛ امری که به‌خصوص با پایان جنگ و از دهه هفتاد صورتی عریان به‌خود گرفت.

باقری (۱۳۹۹) در کتابی با عنوان «نظام نااجتماعی (مناسبات قدرت و سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران پس‌انقلاب)»، به سیر تطور سیاست‌گذاری اجتماعی و فرازونشیب‌های آن پس از انقلاب اسلامی اشاره می‌کند، رویکردهایی که از چپ‌گرایی تا راست‌گرایی در نوسان بوده است؛ به‌عبارت دیگر او برساختی از هندسه

میدان سیاست‌گذاری اجتماعی ایران پس‌انقلاب ارائه می‌دهد و بازیگران مؤثر این حوزه، کشاکش تشکلهای فعال در این حوزه و مهم‌ترین نیروهای تأثیرگذار در صورت‌بندی سیاست‌ها یا ممانعت‌کنندگان در این مسیر را معرفی می‌کند.

تاج‌زینانی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «وضعیت زمان، مسئله‌بودگی و صورت‌بندی سیاست‌گذاری اجتماعی»، به مسئله زمان‌بر بودن فرایند سیاست‌گذاری اجتماعی در دستگاه‌های تقنینی کشور اشاره می‌کنند؛ به عبارت دیگر آنها مسئله پاسخ‌های دیرنگام به مسائل اجتماعی ایران را یکی از چالش‌های مهم امر سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران می‌دانند.

امیدی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «تحولات سیاست‌گذاری اجتماعی در عصر پهلوی: فرازوفروید رابطه دولت و ملت»، به سیر رویکردهای سیاست‌گذارانه در حوزه اجتماعی با پیدایش دولت‌های نوین در ایران اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران متأثر از نهادهای شبه‌نوین و البته فرازوفرویدهای رویکردهای چپ در ایران، وضعیتی پرنوسان و نامتوازن داشته است.

وصالی و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان «سیاست‌گذاری اجتماعی: زمینه‌ها و رویکردها»، ضمن صورت‌بندی رویکردهای نظری در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی در سه دسته «بازنمایی، هنجاری و تبیینی»، زمینه‌های شکل‌گیری این رویکرد را توصیف می‌کنند. آنان نشان می‌دهند نادیده‌انگاشتن تغایرهای زمانی و تفاوت‌های نهادی در کشورهای مختلف و هم‌زمانی مطالعات حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی با افت جایگاه دولت‌های رفاه، امر سیاست‌گذاری اجتماعی را با چالش‌هایی جدی مواجه کرده است.

تفاوت عمده رویکردی که در این مقاله حاکم است نسبت به کارهای مشابهی که ذکر شد آن است که در پژوهش حاضر علاوه بر آسیب‌شناسی ضمنی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران، به مهم‌ترین عوامل نظری و رویکردی که به طرد امر اجتماعی از حوزه سیاست‌گذاری می‌انجامد، پرداخته شده است، امری که در مقاله‌های مشابه مشاهده نمی‌شود؛ علاوه بر این، برای اولین بار به تنقیح مفهومی امر اجتماعی در مواجهه با امر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیز پرداخته شده است که موجب می‌شود در هنگام بحث پیرامون امر اجتماعی و سیاست‌گذاری اجتماعی، مخاطب دقیقاً با اطلاع از مختصات بحث و هم‌پوشانی‌هایی که میان حوزه اجتماعی با سایر حوزه‌ها وجود دارد، به مطالعه متن بپردازد.

۳. تعریف مفاهیم

۳-۱. سیاست‌گذاری اجتماعی

از سیاست‌گذاری اجتماعی تعاریف مختلفی ارائه شده است. سیاست‌گذاری اجتماعی از سویی به مجموعه دستورالعمل‌ها و اقدام‌هایی گفته می‌شود که به‌منظور مقابله با مصائب اجتماعی تدوین می‌شود و ازسوی دیگر به رشته‌ای دانشگاهی اطلاق می‌شود که این اقدام‌ها و زمینه اجتماعی آنان را مورد مذاقه قرار می‌دهد. به‌این‌ترتیب سیاست‌گذاری اجتماعی در کشورهای مختلف، با روندها و رویکردهای متفاوتی همراه بوده است.

الکاک و همکاران (۲۰۰۲) معتقدند سیاست‌گذاری اجتماعی به‌عنوان جایگزینی برای مدیریت اجتماعی^۱، علاوه بر بسط سیاست‌گذاری و اخذ خدمات، به بسترهای نظری و اجتماعی که سیاست‌های متنوع در آن تولید می‌شوند، توجه دارد. مقدم (۲۰۰۶) هدف سیاست‌گذاری اجتماعی را محافظت از شهروندان در مقابل انواع مخاطره‌ها و فراهم‌نمودن برابری اجتماعی و هماهنگی با توسعه اجتماعی می‌داند. جردن (۲۰۱۰) بر این باور است که سیاست‌گذاری اجتماعی بایستی در جستجوی یافتن ساختارها و قواعدی به‌منظور حفظ پوشش حمایتی و انسجام در میان مردم باشد. دنی و هان (۲۰۰۸) نیز معتقدند غایت سیاست‌گذاری اجتماعی، بهبود روند برابری فرصت‌ها برای شهروندان، ایجاد برابری و موازنه میان گروه‌های ذی‌نفع و تأمین انسجام اجتماعی برای کشور است. فیتزپتریک (۱۳۸۱)، مهم‌ترین محور سیاست‌گذاری اجتماعی را تأکید هدفمند بر ایجاد تحول اجتماعی می‌داند، تحولی که با رعایت شرایطش به رفاه حداکثری جامعه ختم می‌شود. گاف (۲۰۰۴) نیز سیاست‌گذاری اجتماعی را به کنشی عمدی در حوزه عمومی به‌منظور تأمین رفاه اجتماعی تعبیر می‌کند که دامنه گسترده‌ای از بازیگران حاضر در حوزه عمومی را شامل می‌شود.

به‌این‌ترتیب می‌توان سیاست‌گذاری اجتماعی را به مداخله‌ای آگاهانه تفسیر کرد که دولت به‌منظور استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی و در جهت نیل به رفاه حداکثری در توزیع مجدد منابع در میان افراد جامعه، انجام می‌دهد؛ به‌عبارت‌دیگر سیاست‌گذاری اجتماعی به‌نوعی از مداخله دولت گفته می‌شود که در غایت‌هایی مانند حمایت از مردم محروم و تأمین عدالت اجتماعی متجلی می‌شود (وصالی و

دیگران، ۱۳۹۳، ص. ۱۸۲).

در مورد گونه‌شناسی مدل‌های سیاست‌گذاری اجتماعی نیز می‌توان دو مدل «نهادی»^۱ و «پسماندی»^۲ را معرفی نمود؛ به عبارت دیگر برخلاف مدل پسماندی که تأمین رفاه اجتماعی، در درجه اول بر عهده بازار، خیریه‌ها و خانواده‌ها است و دولت، فقط زمانی به حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی ورود می‌کند که خدمات بخش غیردولتی برای پوشش گروه‌های فقیر ناکافی باشد، در مدل نهادی، دولت با تأسیس سازمان‌ها و نهادهای متعدد و با همکاری تشکلهای اجتماعی، به منظور کاهش پیامدهای زیانبار اقتصاد بازار، رأساً در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی ورود می‌کند. در این مدل، مداخله دولت به صورت محدود، موقتی و در حوزه‌هایی خاص می‌باشد. منطق حضور دولت نیز بر این اساس است که تأمین نیازهای پایه اجتماعی برای شهروندان، در حوزه‌هایی چون بهداشت و آموزش و پرورش به منظور امکان دسترسی برابر به فرصت‌ها از وظایف اساسی دولت محسوب می‌شود که به کمک نیروهای اجتماعی آنها را سامان می‌دهد (وصالی و دیگران، ۱۳۹۳، ص. ۱۸۳)؛ به عبارت دیگر مدل نهادی، اصولی چون عدم‌انگ‌زنی، حقوق‌محوری و رفاه دولتی بازتوزیعی را وظیفه دولت در مقابل جامعه به حساب می‌آورد (می، ۱۳۹۱، ص. ۳۴۶).

۳-۲. امر اجتماعی

درباره تعریف و اهمیت امر اجتماعی و تفکیک آن از سایر حوزه‌ها، اندیشمندان متعددی سخن گفته‌اند. تالکوت پارسونز، جامعه‌شناس شهیر آمریکایی نشان داده است که هر نظام اجتماعی برای حفظ تعادل و بقای خود باید چهار نیاز اصلی را برآورده کند. در غیر این صورت، نظام، آشوبناک (آنومیک) شده و ناهماهنگ و بی‌ثبات می‌گردد. نیاز به «انطباق‌پذیری» بر عهده خرده‌نظام اقتصادی، «دستیابی به هدف» بر عهده خرده‌نظام سیاسی، «انسجام و یکپارچگی» بر عهده خرده‌نظام اجتماعی و «حفظ و نگهداشت الگو» بر عهده خرده‌نظام فرهنگی خواهد بود (کرایب، ۱۳۸۱، صص. ۵۷ و ۵۸؛ روشه، ۱۳۷۶، صص. ۸۱ تا ۸۵).

پیر بوردیو، جامعه‌شناس فرانسوی نیز این تفکیک را در بیان تفاوت «سرمایه»های مختلف انسانی مطرح کرده است. در تقسیم‌بندی او «سرمایه مالی» که سرمایه پولی، دارایی‌های منقول و غیرمنقول و... را شامل می‌شود، یکی از انواع سرمایه است.

1. Institutional

2. Residual

«سرمایه فرهنگی» شامل میزان تحصیلات، توانایی‌های هنری و کلامی، نوع دیگری از سرمایه است. همچنین «سرمایه اجتماعی» به معنای داشتن منزلت اجتماعی و بهره‌مندی از شبکه‌های گسترده‌ای از روابط انسانی، نوع سوم سرمایه است. «سرمایه نمادین» نیز که به سبب جایگاه فرهنگدانه (کارزماتیک) فرد یا اتکای او به نمادها و اعتبارهای پیشینی، حاصل می‌شود، چهارمین نوع سرمایه است.

به این ترتیب در بیان تفاوت حوزه‌های مختلف، به اختصار می‌توان گفت: امر اجتماعی به مسائلی مربوط می‌شود که محوریتشان با روابط، پیوندها، نقش‌ها و وظایف متقابل انسانی و یکپارچگی و انسجام اعضاء و گروه‌های جامعه است. از سوی دیگر امر فرهنگی به نظام‌های ارزشی فراگیر، الگوهای ذهنی تعمیم‌یافته، تغییر و تحولات این الگوها و نظام‌های هنجاری و ارزشی مربوط می‌شود. امر سیاسی نیز به مجموعه‌ای از سازوکارها و ساختارهای قدرت برمی‌گردد که امکان تحقق آن ارزش‌ها و آرمان‌های مشترک پذیرفته‌شده را تسهیل یا در صورت ناکارآمدبودن، تضییع می‌کند. امر اقتصادی نیز به مجموعه‌ای از سازوکارها مربوط است که بالابردن بهره‌وری و کارآمدی و توجه به منافع افراد و مجموعه‌ها را در اولویت قرار می‌دهد.

برخلاف عرصه سیاسی که به عرصه‌های رسمی و دیوان‌سالارانه (بوروکراتیک) و روابط قدرت مربوط می‌شود، عرصه اجتماعی عمدتاً عرصه‌های غیررسمی و حوزه عمومی را دربرمی‌گیرد. با اصطلاح‌های (ترمینولوژی) هابرماسی، عرصه اجتماعی، زیست‌جهان افراد را شامل می‌شود و عرصه سیاسی عمدتاً نظام رسمی را معرفی می‌کند؛ هر چند می‌توانند به حریم یکدیگر رفت‌وآمد کنند (کرایب، ۱۳۸۱، ص. ۵۷)؛ به عبارت دیگر در عرصه سیاسی بیشتر به تنظیم روابط از بالا (رسمی) به پایین (غیررسمی) نظر می‌شود، درحالی‌که در حوزه اجتماعی آنگاه که از روابط عرصه رسمی و غیررسمی صحبت به میان می‌آید، جهت‌گیری از پایین به بالا است.

درباره ارتباط و نسبت حوزه اجتماعی و حوزه فرهنگی نیز باید گفت که کارکرد ویژه حوزه اجتماعی، ایجاد یکپارچگی و انسجام و تقویت پیوندهای متقابل انسانی، چه فردی و چه گروهی، در جامعه است. کارکرد حوزه فرهنگی نیز تجویز و نگهداشت الگوهای ذهنی فراگیر و تعمیم و درونی کردن آرمان‌ها و ارزش‌های نظام است؛ به عبارت دیگر تفاوت کارکردهای اجتماعی و فرهنگی هر حوزه در این است: حوزه اجتماعی، به واسطه تعریف شبکه‌ای از کنش‌های متقابل و انتظارهای نقشی، نوعی انسجام و بهم‌پیوستگی ایجاد می‌کند و حوزه فرهنگی از طریق هنجارها و ارزش‌ها و آرمان‌هایی کلی که به کنشگران پیشنهاد یا تحمیل می‌کند، فضای ذهنی

و گرایش‌های افراد را می‌سازد. توجه به این نکته نیز مهم است که حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی هر نظام (سیستم) می‌توانند به شکلی هم‌افزا و هماهنگ عمل کرده و به ارتقای کارکرد کل نظام کمک کنند یا آنکه با خنثی‌سازی کارکردهای هم، استهلاک کل نظام را سبب شوند و مجموعه‌ای از کج‌کارکردها را برای کلیت آن رقم بزنند (روشه، ۱۳۷۶، ص. ۸۳).

به‌منظور فهم نسبت حوزه اقتصادی با حوزه اجتماعی نیز باید دانست که آنچه در اولویت سیاست‌گذاری‌های اقتصادی قرار می‌گیرد، بالابردن بهره‌وری و کارآمدی و توجه به منافع افراد و مجموعه‌ها است. کسی چون آدام اسمیت تصریح می‌کند که انگیزه خودخواهی و منفعت‌طلبی خصلت جهانشمولی است که بر تمام رفتارهای اقتصادی حاکم است. او حتی رفتارهایی که به ظاهر از نوع دوستی برمی‌خیزد را نیز ناشی از حس خودخواهی و پیگیری منافع می‌داند (کاتوزیان، ۱۳۹۸، ص. ۷۴)؛ اما حوزه اجتماعی به چیزی فراتر از این‌ها می‌اندیشد. اگر از خلال اجرای یک طرح اقتصادی، منافع خصوصی و حتی عمومی تأمین شود؛ اما در همان طرح میزان «انسجام اجتماعی»، «اعتماد عمومی»، «رضایت از زندگی» و «همکاری‌های متقابل» کاهش یابد، آن طرح با وجود توفیق اقتصادی، به‌لحاظ اجتماعی با شکست همراه بوده است؛ به عبارت دیگر در یک طرح خاص، رویکرد اجتماعی، فراتر از تعقیب منافع فردی و عمومی، به تحکیم روابط اجتماعی، تأمین اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی، افزایش رضایت عمومی و ارتقای انسجام جامعه می‌اندیشد.

۴. روش پژوهش

در این مقاله که در سال ۱۴۰۱ تهیه شده، با استفاده از روش «توصیفی تحلیلی» به توصیف و تفسیر جایگاه امر اجتماعی در حوزه سیاست‌گذاری در ایران پرداخته و ضمن تنقیح مفهومی امر اجتماعی و تفکیک آن از سایر حوزه‌ها، با استفاده از «مطالعات اسنادی» و به شیوه‌ای «تعمدی» و «نظری» (فلیک، ۱۳۹۲، ص. ۲۷۹) به شکست سیاست‌گذاری در مهم‌ترین حوزه‌هایی که امر اجتماعی در آنها نادیده گرفته شده، پرداخته شده است. درنهایت با استفاده از فن «تقلیل داده‌ها» به کدگذاری و سنخ‌شناسی مهم‌ترین محورهای پرداخته شد که به طرد امر اجتماعی از حوزه سیاست‌گذاری پرداخته است.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. مهم‌ترین رویکردهای سیاستی طرد امر اجتماعی از موضع سیاست‌گذاری

۵-۱-۱. کمبود توجه به ملاحظه‌های اجتماعی در سیاست‌گذاری‌های رسمی

بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های رسمی کشور به این آسیب جدی مبتلا هستند که «زمینه‌مند» نبوده و کم‌ترین توجه را به سویه‌های اجتماعی و فرهنگی سیاست‌ها دارند؛ به‌عنوان نمونه سیاست‌گذاری مربوط به «تقسیم استان‌ها» در برهه‌های مختلف معمولاً کم‌ترین اعتنا را به بسترها و مناسبات اجتماعی موجود در منطقه موردنظر دارند. رویکردی که لاجرم با مخالفت و ناآرامی‌های مردم بومی مواجه می‌شود؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به جدایی منطقه سمیرم و الحاق آن به شهرستان تازه تأسیس دهاقان در سال ۱۳۸۲ و همچنین جدایی بخش‌هایی از شهرستان کازرون و الحاق آن به کوهمره و چنارشاهیجان در سال ۱۳۹۶ اشاره کرد که به بروز ناآرامی‌ها، اعتراض‌های گسترده^۱ و کشته‌شدن شماری از مردم محلی^۲ انجامید.

این در حالی است که برای تقسیم استانی، شاخص‌های اجتماعی متعددی چون «توجه به همگنی و اشتراک‌های اجتماعی، فرهنگی، قومی و تاریخی» منطقه موردنظر و «منطق توزیع جمعیت در منطقه» وجود دارد که عدم توجه به آنها با شکست طرح‌های تقسیم استانی همراه خواهد شد (شکور و دیگران، ۱۳۹۳، صص. ۱۲-۱). همچنین در قانون «تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری» مصوب سال ۱۳۶۲، «همگنی» به‌معنای اشتراک در محیط طبیعی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی به‌عنوان یک مؤلفه برای تقسیم‌های کشوری به‌رسمیت شناخته شده است. درواقع مناسب است بخش‌هایی از مردم که در فرهنگ و اجتماع، ریشه‌هایی مشترک دارند، در یک واحد سیاسی جای داده شوند؛ اما این موضوع نباید به تفکیک مذهبی و قومیتی منجر شود. به این معنا که مثلاً به بهانه همگنی، عرب‌زبان‌های خوزستان یک استان مجزا تشکیل دهند و یا برادران اهل سنت در استان سیستان و بلوچستان در قالب یک استان جدید منفک شوند؛ به‌عبارت‌دیگر تقسیم استان‌ها در ایران که معمولاً تحت نگاه‌های سیاسی و عوامل اقتصادی صورت می‌پذیرد، از اولین

1. <https://tn.ai/1729724>

2. isna.ir/x4krr

راه‌حلهایی است که به ذهن سیاست‌گذاران کشور برای حل مشکلات اداری و مدیریتی استان می‌رسد؛ اما به نظر می‌رسد که این رویکرد در اغلب موارد، کمتر به منظر اجتماعی این طرح‌ها توجه می‌کند. درحالی که لازم است مؤلفه‌های مختلفی در این زمینه مدنظر قرار گیرند؛ ازجمله: «وحدت میان مذاهب و اقوام»، «هویت اجتماعی فرهنگی یکپارچه استان»، «حساسیت‌های اجتماعی شهرستان‌های دیگر استان»، «پیوندهای اجتماعی میان شهرهای یک استان (ریشه‌های عمیق وابستگی‌های نسبی، صنفی، شغلی و فرهنگی)»، «توجه به غیرمتوازن‌تر شدن توزیع جمعیت در اثر تقسیم استانی» (در مورد استان خراسان، تفکیک استانی به تشدید شکاف جمعیتی در شهرهای استان انجامید) (محمدپور جابری، ۱۳۹۳، ص. ۵۷۲).

بر اساس این می‌توان گفت با توجه به اینکه بی‌توجهی به ملاحظه‌های اجتماعی می‌تواند تغییر تقسیم‌های کشوری را با آفت‌های بسیار مواجه نماید، مناسب است از سازوکاری مردم‌نهاد برای تغییر تقسیم‌های کشوری استفاده کرد. در این زمینه، تجربه کره جنوبی مفید است. دولت کره تأکید دارد که تقسیم‌های کشوری با مشارکت و نظر مردم انجام شود. به این منظور برای انجام هر نوع تغییر، از روش‌های مختلفی مانند تشکیل کمیته‌ای متشکل از شهروندان، پایش برنامه‌ها توسط شهروندان و تشکیل همایش‌هایی عمومی به منظور اطلاع از نظرهای شهروندان بهره برده می‌شود تا تقسیم استان منجر به آسیب‌دیدن هویت اجتماعی فرهنگی مردم آن منطقه نشود (اکبری ۱۳۹۶، ص. ۱۵۱). معمولاً استان‌ها در طول تاریخ هویتی خاص و تعین‌یافته کسب کرده‌اند و تک‌تک شهرهای آن استان از این هویت متأثر هستند. جداسدن بخش‌هایی از استان و تشکیل استانی جدید نباید باعث شود که این هویت یکپارچه صدمه ببیند.

۵-۲. مقررات‌زدایی در عرصه‌های مختلف

فرایند مقررات‌زدایی که در دهه‌های اخیر در دستورکار بسیاری از بخش‌های کشور قرار گرفته است از شاخص‌های مهمی است که پیامدهای اجتماعی بسیار سوئی برای کشور داشته است. موری راتبارد از چهره‌های برجسته اقتصاد اتریش معتقد بود بسیاری از مقررات موجود که در ظاهر به منظور تأمین خیرعمومی وضع شده‌اند، درحقیقت توطئه بوروکرات‌های دولتی هستند که درنهایت به ناکارآمدی خدمات دولتی و تحدید بخش خصوصی می‌انجامد و لذا ضروری است که به حذف این قوانین مبادرت گردد (راتبارد، ۱۳۹۲، ص. ۷۲).

آثار این مقررات‌زدایی‌ها در حوزه‌های مهمی چون «بانکداری»، «مسکن» و «آب» که نقشی حیاتی در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی ایرانیان دارند درخور مطالعه و تدقیق است. محصول این مقررات‌زدایی‌ها در عرصه مسکن را می‌توان در کوه‌خواری‌ها و جنگل‌خواری‌ها مشاهده نمود که از سویی تخریب محیط زیست و از سوی دیگر فشار معیشتی به خانوارها را در پی داشته است. آثار مقررات‌زدایی از حوزه مسکن را می‌توان در سرشماری‌های صورت‌گرفته در بازه ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵ مشاهده نمود، جایی که درصد جمعیت اجاره‌نشین‌ها در کل کشور ۲٫۵ برابر افزایش پیدا کرده است؛ این در حالی است که طبق گزارش ثبت‌شده در سالنامه آماری کشور (۱۳۹۵)، حدود ۳۵ درصد از هزینه‌های خانوار در کشور به بخش مسکن تخصیص یافته است (سالنامه آماری کشور، ۱۳۹۵، فصل هزینه و درآمد خانواده).

در حوزه بانک نیز از اواخر دهه ۸۰ شاهد شکل‌گیری بی‌ضابطه انواع گسترده‌ای از بانک‌های خصوصی و مؤسسه‌های اعتباری و صندوق‌های قرض‌الحسنه و... هستیم. (ویژه‌نامه بحران مالی و اقتصاد مقاومتی، ماهنامه قلمرو رفاه، ۱۳۹۵) این در حالی است که بر اساس گزارش تدوین برنامه ملی مبارزه با فقر، طی ۳۰ سال گذشته بیش از ۸۰ درصد تسهیلات بانکی به دو دهک ثروتمند رسیده که بیشترین معوقه‌های بازپرداخت وام را دارند. درحالی‌که دهک‌های کم‌درآمد غالباً اقساطشان را در سر مؤعد مشخص پرداخت کرده‌اند و اساساً ۵۰ درصد خانوارهای ایرانی در سه دهه گذشته از هیچ وامی استفاده نکرده‌اند (روزنامه شهروند، شماره ۱۱۰۳، ۱۳۹۶/۱۰/۲). به نقل از برنامه ملی مبارزه با فقر). پرواضح است که چنین وضعیتی، چه پیامدهای مهلکی در جهت تعمیق نابرابری‌های اجتماعی در پی داشته است.

در حوزه آبی نیز با آنکه مردم از دیرباز در برابر مشکل کم‌آبی، راهکارهایی سازگار با زیست‌بوم ایران طراحی نموده‌اند، در دهه‌های اخیر با مقررات‌زدایی‌های بی‌ضابطه از این حوزه، به وضعیتی رسیده‌ایم که محیط زیست ایران در معرض خطرهای مهلک قرار گرفته است. «سابقه تغییر مقررات مربوط به حفر چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق به سال ۱۳۶۱ بازمی‌گردد که در تبصره ماده سوم این قانون تغییر مهمی در قانون «توزیع عادلانه آب» مصوب سال ۱۳۴۷ داده شد. مطابق این تغییر، وزارت نیرو برای چاه‌های غیرمجاز مردم، در صورتی که «مضر مصالح عمومی» نباشد می‌توانست مجوز قانونی صادر کند. این قانون در فضایی که اصل بر محرومیت‌زدایی و خودکفایی بود، عملاً باعث شد مقررات‌زدایی عظیمی در حیطه آب صورت گیرد و انبوهی از چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق در کشور حفر شود» (ابادری و

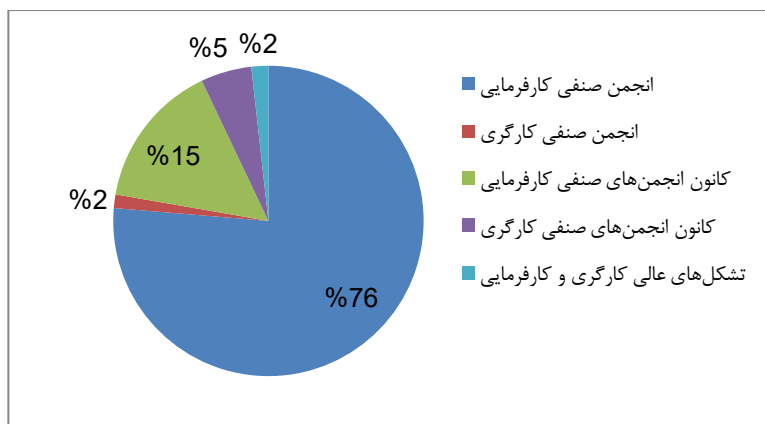
ذاکری، ۱۳۹۸، ص. ۳۲). در فاصله ۴۰ سال، تعداد چاه‌های آب در کشور ۱۴ برابر شده و به ۷۹۴ هزار حلقه رسید. فرایند قانونی‌شدن چاه‌های بدون مجوز متوقف نگردید و در دهه‌های بعد قوانین جدید آن را تسهیل کرد (بازگشا، روزنامه ایران، ۱۳۹۷/۲/۱۸). در چنین شرایطی است که با فرونشست‌های مکرر زمین، خشکسالی‌ها و مصارف بی‌رویه در زمینه آب مواجه می‌شویم.

۵-۱-۳. کاهش مسئولیت‌پذیری دولت در ارائه خدمات اجتماعی

برای نمونه تنها در حوزه آموزش عالی، «آموزش عالی رایگان از ۸۰ درصد در سال ۱۳۶۹ به ۱۳ درصد در سال ۱۳۹۴ کاهش پیدا کرده است. مطابق آمار ارائه‌شده در سالنامه‌های آماری کشور، بیش از ۶۰ درصد دانشگاه‌های کشور را در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴ حق‌التدریسی‌ها اداره نموده‌اند» (اباذری و ذاکری، ۱۳۹۸، ص. ۳۶). آنچه در مورد کاهش مسئولیت‌پذیری دولت در ارائه خدمات در آموزش عالی گفته شد را می‌توان در بسیاری از خدمات بهداشتی، درمانی و... نیز مشاهده نمود.

۵-۱-۴. ممانعت از تشکل‌یابی جامعه

تشکل‌های صنفی و حرفه‌ای به صورت طبیعی بستری به‌منظور مطالبه‌گری کارگران و کارمندان صنوف مختلف به منظور احقاق حقوق آنها بوده‌اند. ازسوی دیگر این تشکل‌ها، به بهانه ایجاد اختلال در نظم خودجوش بازار، معمولاً مورد نقادی طرفداران بازار آزاد بوده و به طرق مختلف در مسیر شکل‌گیری و فعالیت آنها مانع ایجاد نموده‌اند. تشکل‌یابی در حوزه‌های مختلف اجتماعی در ایران نیز پدیده‌ای مسئله‌برانگیز است؛ به‌عنوان نمونه کارگران از مسائل عدیده‌ای چون حقوق‌های معوق، شرایط سخت کار، دستمزد پایین، قراردادهای کاری ناعادلانه و... رنج می‌برند و همواره در دوگانه کارگر - کارفرما دست‌پایین را داشته‌اند؛ باوجوداین، مشکلات فراوان بر سر راه ایجاد یک تشکل صنفی کارگری باعث شده کارگران نتوانند به صورت مطلوب از خلال ایجاد یک تشکل مستقل، به پیگیری و تحقق مطالبات و حقوق خود اقدام ورزند. این در حالی است که تشکل‌های کارفرمایی با اینکه معمولاً دست بالاتر را در شرکت‌ها و کارخانه‌ها داشته‌اند به‌لحاظ فراوانی، به شکل محسوسی بیشتر از تشکل‌های کارگری هستند (نمودار ۱).



منبع: (عادلی، ۱۴۰۰، ص. ۱۹)

نمودار (۱): فروانی انواع تشکل‌های کارگری و کارفرمایی ثبت‌شده در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

در ادامه و به دلیل بروز پیامدهای اجتماعی و آثار زیانبار سیاست‌هایی که به گوشه‌ای از آنها اشاره شد، به مهم‌ترین مبانی، رویکردها و آموزه‌هایی که موجبات مداخله در حوزه اجتماعی و به حاشیه بردن آن را فراهم می‌گرداند اشاره می‌شود.

۵-۲. مهم‌ترین بسترهای نظری طرد امر اجتماعی از موضع سیاست‌گذاری

۵-۲-۱. مبانی فلسفی و معرفت‌شناختی

یکی از مباحث اساسی اقتصاددانان معاصر، بحث تقسیم کار است که از زمان آدام اسمیت تا امروز به صورت تفصیلی درباره آن پژوهش کرده‌اند. هابیک، اقتصاددان شاخص اتریشی، «تقسیم معرفت» را به لحاظ اهمیت، مشابه مسئله تقسیم کار می‌داند. او معتقد است یک شخص یا نهاد به تنهایی قادر نیست مجموعه اطلاعاتی را که به طور منتشر در دست افراد است، یک جا در اختیار داشته باشد. با این حال روابط متقابل خودجوش بین افراد در «نظام بازار رقابتی» به گونه‌ای عمل می‌کند که در نهایت از این اطلاعات پراکنده، به طور کارآمد و بهینه استفاده می‌شود (غنی‌نژاد، ۱۳۸۱، ص. ۲۷).

با ذکر این مقدمه است که نظریه «نظم خودجوش بازار» قابل فهم می‌شود. بانیان این نظریه معتقدند چون نظم خودجوش بازار بر انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌های آزادانه فردی مبتنی است، امکان استفاده از معلومات و اطلاعات جزئی و مشخص و

انتقال‌ناپذیر را به‌نحو احسن فراهم می‌آورد، درحالی‌که تصور چنین استفاده‌ای در نظام متمرکز تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی، غیرممکن است. طبق نظریه تقسیم معرفت، استفاده کارآمد از اطلاعات پراکنده و جزئی و گنگ، تنها زمانی ممکن است که افراد، آزادی انتخاب داشته باشند.

پیامد طبیعی چنین بینشی آن است که هر نوع کلان‌نگری در عرصه سیاست‌گذاری عمومی، به‌خصوص در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی ناممکن شده و خردنگری و عدم مداخله عمومی تجویز می‌شود؛ به‌عبارت‌دیگر به دلیل منتشربودن اطلاعات مورد نیاز و عدم‌امکان تجمیع و تسلط بر آن‌ها، این باور ایجاد می‌شود که متخصصان علوم اجتماعی این توانایی معرفتی را ندارند که بتوانند قواعد درونی و پیش‌برنده پدیده‌های اجتماعی را کشف و در گام بعدی، اقدام به سیاست‌گذاری اجتماعی نمایند (غنی‌نژاد، ۱۳۸۱، صص. ۳۵-۳۶). به‌این‌ترتیب شاهد شکل‌گیری یکی از بسترهای نظری مهمی هستیم که منجر به طرد امر اجتماعی از حوزه سیاست‌گذاری می‌شود.

۵-۲-۲. مبانی روش‌شناختی

یکی از رویکردهای رایج در روش‌شناسی‌های معاصر، «فردگرایی روش‌شناختی» است. مضمون اصلی این روش این است که برای درک پدیدارهای اجتماعی هیچ راهی جز درک کردارهای فردی در ارتباط با دیگران و متأثر از رفتار مورد انتظار آنها نیست. این رویکرد در نقطه مقابل نظریه‌های کل‌گرایانه قرار دارد که مدعی شناخت مستقیم نظم‌های اجتماعی‌اند و این نظم‌ها را موجودهایی قائم به ذات و مستقل یا در تعامل با کردارهای فردی تشکیل‌دهنده آنها تلقی می‌کنند. بنا بر آنچه گفته شد، از نظر برخی اندیشمندان، واقعیت وجود پدیدارهایی جمعی مانند دولت، ملت و تقسیم کار اجتماعی را فقط در کردارهای افراد می‌توان تشخیص داد.

ازاین‌منظر هویت و عینیت پدیده‌های اجتماعی در ذهنیت افراد ریشه دارد؛ ازاین‌رو نمی‌توان واقعیتی مستقل از افراد برای آنها قائل شد؛ بنابراین برای توضیح چگونگی ظهور و تحول آنها، به‌طور منطقی باید از فرد آغاز کرد. هایک این رویکرد را در مقابل «کل‌گرایی روش‌شناختی» می‌داند که در پیوند با عینیت‌گرایی است و تصور از پدیده‌ای مانند جامعه را داده‌هایی عینی و واقعی و مستقل تلقی می‌کند. بدین‌ترتیب این اندیشمندان هر نوع کل‌گرایی مفهومی را رد می‌کنند و معتقدند جست‌وجوی قوانین توسعه جوامع، نتیجه توهم‌های متفکران کل‌گراست (وان،

۱۳۸۵، ص. ۸۳).

به این ترتیب با سیطره روش فردگرایی روش شناختی، اساساً این امکان از متخصصان علوم اجتماعی گرفته می شود که بتوانند درباره فهم قواعد درونی و منطق پیش برنده پدیده های اجتماعی با روش های رایج در آن علوم، به بررسی علمی مشغول شوند. به این ترتیب ترویج این رویکرد، یکی دیگر از بسترهای نظری مهمی است که موجبات از اعتبارافتادن فهم جامعه شناسانه و سیاست گذاری اجتماعی را فراهم می کند؛ به عبارت دیگر وقتی همه چیز به فرد فروکاسته شد و مسیر فهم مقوله هایی چون دولت، ملت و... نیز به تحلیل های فردگرایانه تقلیل یافت، اساساً دیگر مجالی برای تحلیل های اجتماعی و به طریق اولی، سیاست گذاری اجتماعی، فراهم نخواهد شد.

۵-۲-۳. مبانی انسان شناختی

هژمونیک شدن رویکردهایی خاص از توسعه، بسیاری از حوزه ها از جمله حوزه انسان شناسی را متأثر می کند و نگرشی ویژه به انسان را موجب می شود که از آن به «انسان اقتصادی» تعبیر می شود؛ انسانی که ویژگی های متعددی دارد از جمله خودخواهی و نفع پرستی. آدام اسمیت، انگیزه خودخواهی و منفعت طلبی شخصی را خصلت جهان شمولی می داند که بر تمام رفتارهای انسان حاکم است. او حتی رفتارهایی که به ظاهر از نوع دوستی انسان ها برمی خیزد را نیز ناشی از حس خودخواهی و پیگیری منافع شخصی می داند: «فردی که برای نجات فردی دیگر از مهلکه غرق شدن، خود را در معرض همان تهدید قرار می دهد، به این دلیل نیست که در ضمیر او دفاع از جان افراد دیگر، اصلی اخلاقی شمرده می شود بلکه به عنوان مثال به این دلیل است که خوف دارد در غیر این صورت به ترس یا فقدان هم دردی با هم نوعانش متهم شود، این امکان نیز وجود دارد که گمان می کند به این وسیله بهره ای مستقیم نصیب او می شود یا آنکه شخصی که در معرض مرگ قرار دارد در مجالی دیگر، خدمتی مشابه برای او انجام خواهد داد» (کاتوزیان، ۱۳۹۸، ص. ۷۴). اسمیت اساساً فعالیت برای خیر عمومی را یک توهم می داند و می گوید: «من هیچ وقت از شخصی که به دلیل خیر عامه، تجارت می کند، چندان مصداقی مشاهده نکرده ام؛ به عبارت دیگر چنین روکردی در میان تاجران امری رایج نیست (و در مصادیقی هم که این اتفاق بیفتد)، با گفتگویی کوتاه می توان آنها را از این نیت منصرف نمود (کاتوزیان، ۱۳۹۸، ص. ۷۵).

جرمی بنتام که نظرهای اخلاقی او الهام‌بخش بسیاری از متفکران بوده، پا را از نگاه توصیفی اسمیت نیز فراتر گذاشته و به تجویز کام‌جویی و منفعت‌طلبی می‌پردازد: «ما تنها یک رسالت داریم و آن هم پیگیری بیشترین لذت است و مسئله رفتار آدمی، فقط این است که چه اموری، نهایت لذت را به آدمی اعطا می‌کنند» (جونز، ۱۳۹۴، ج ۲، ص. ۴۹۰). رد پای آنچه ذکر شد را در برخی از فروض اقتصاد کلاسیک جدید می‌توان مشاهده نمود؛ از جمله فرض «پیگیری حداکثر مطلوبیت» در نظریه رفتارهای مصرف‌کننده و «حداکثر سود» در نظریه رفتار تولیدکننده.

این نوع اقتصاددانان سعی می‌کنند نشان دهند که چطور افراد در مسیر تعقیب منافع شخصیشان، به‌طور ناخواسته و بی‌آنکه نیتی برای نفع‌رسانی به جامعه داشته باشند، به خیر عمومی یاری می‌رسانند؛ به عبارت دیگر هر شخص در مسیر پیگیری منافع شخصی، نه تنها زبانی برای منافع جمعی ایجاد نخواهد کرد بلکه در این مسیر، غالباً منافع جمعی را بسیار مؤثرتر از وقتی که آگاهانه و عمدانه به این کار اقدام کند، تأمین می‌نماید.

به این ترتیب یکی از ویژگی‌هایی که همواره جزء رذیلت‌های اخلاقی برشمرده می‌شد، از پایه‌های علم اقتصاد و اصلی بنیادین برای بسیاری از نظریه‌های توسعه به شمار آمد. اگر زمانی حکومت‌های مقتدر یا همان لویاتان‌هایزی قوام‌بخش جامعه شمرده می‌شدند و اگر به نظر کسانی مثل جان لاک، «قرارداد اجتماعی» این نقش را به عهده داشت، حال و با الگو قراردادن الگوی اسمیتی، تعقیب منافع شخصی است که جامعه را به «خودتنظیمی» می‌رساند. این در حالی است که حتی اقتصاددانان مکتب تاریخی آلمان نیز با نقد این رویکرد تک‌سویه به انگیزه فعالیت‌های افراد، به انگیزه‌های متعدد افراد در فعالیت‌هایشان اشاره کردند: «یک برهان روان‌شناسی نارسا، کلاسیک‌ها را به این نتیجه تردیدبرانگیز رسانده که انسان تنها برای منافع خصوصی خویش تلاش می‌کند و از این جهت کلاسیک‌ها، اقتصاد سیاسی را به چیزی تحت عنوان «تاریخ طبیعی خودپرستی» تقلیل داده‌اند، در صورتی که کنش‌های اقتصادی افراد تابع عوامل فراوان دیگری است، مانند: حس وظیفه‌شناسی، عطف، نوع دوستی، جاه‌طلبی و غیره؛ اما افراط در محدود کردن فرضیه‌ها، آنان را تا آن اندازه از حقیقت فاصله انداخته است که به جای آنکه تصویری از واقعیت بیابند، فقط کاریکاتوری از وقایع اقتصادی یافته‌اند» (قدیری اصل، ۱۳۸۷، ص. ۱۲۰).

به این ترتیب وقتی تمام نظام انگیزشی انسان به منفعت‌طلبی و جاه‌طلبی فروکاهیده شد، نگاه ابزاری به انسان و کالاشدگی روابط انسانی نیز توسعه خواهد

یافت؛ وضعیتی که در نهایت به از خود بیگانگی انسان‌ها خواهد انجامید. اریک فروم، این وضعیت را به این شکل توصیف می‌کند: «ارزش آدمی در اقتصادی که بر پایه بازار تعریف می‌شود، به همان شکلی تعیین می‌گردد که ارزش کالاهای دیگر؛ یعنی با عرضه در بازار. در این شرایط، آدمی خود را به عنوان کالایی مشاهده می‌کند که باید به طور موفقیت آمیز در بازار عرضه شود. فهم او از این موقعیت وابسته به موفقیت او است، به اینکه آیا این امکان را دارد که خود را به شکلی مطلوب در معرض فروش قرار دهد؟!» (هانت، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۹).

در این شرایط پرواضح است که وقتی همه چیز به شخص و منفعت طلبی او فرو کاسته شد، اساساً دیگر مجالی برای سیاست گذاری در مورد جامعه، به عنوان یک هویت مستقل که اقتضائات و ویژگی‌های خاص خود را دارد، باقی نمی‌ماند؛ به عبارت دیگر حذف سویه‌های اجتماعی در فهم انسان و تقلیل نظام ارزشی و گرایشی او به منفعت طلبی، علاوه بر پیامدهای سوء اخلاقی، امر اجتماعی را نیز کاملاً به محاق می‌برد.

۵-۲-۴. امر اجتماعی و نظام بازار

سؤال مهم درباره نظم خودجوش بازار، چگونگی ایجاد هماهنگی میان تصمیم‌های افرادی است که هیچ‌یک به دیگری شبیه نیست؛ نه از نظر سلیقه، نه از نظر اطلاعات و... . باورمندان به این نظم خودجوش معتقدند قیمت‌ها در نظام مبتنی بر بازار به شکل یک دستگاه اطلاع رسانی مطلوب عمل می‌کنند و به این واسطه، هماهنگی بین تصمیم‌های اشخاص را در کل جامعه فراهم می‌آورند. از نظر آنان، نظام قیمت‌ها بهینه‌سازی فوق العاده‌ای نیز در شناخت ایجاد می‌کند؛ یعنی افراد ذی‌نفع در نظام بازار با میزان اطلاعاتی بسیار اندک می‌توانند تصمیم درستی بگیرند. در این نظام، مهم‌ترین اطلاعات به چکیده‌ترین صورت ممکن، به شکل یک نشانه یعنی قیمت، جریان یافته و در اختیار افراد مرتبط قرار می‌گیرد (غنی‌نژاد، ۱۳۸۱، ص. ۴۵).

این فهم از نظام بخشی به واسطه قیمت‌ها، سبب می‌شود این نگرش، هر نوع اراده‌ای به تنظیم‌گری اجتماعی که کوچک‌ترین تعارضی با قواعد بازار داشته باشد را مداخله جویانه و برهم زننده نظام بازار تلقی کند؛ حتی اگر آن اراده بر شناخت علمی پدیده‌های اجتماعی مبتنی باشد. این تفسیر سبب می‌شود نتوان خوانشی آشتی جویانه میان باورمندان به نظم خودجوش بازار و کسانی که به امر اجتماعی به مثابه امری مستقل باور دارند، برقرار ساخت.

عنصر اساسی دیگر در نظام بازار، عنصر «رقابت» است. با وجودی که مفهوم رقابت بیشتر از هر جایی در رفتارهای اقتصادی مطرح می‌شود؛ اما دامنه بسیار وسیع‌تری می‌توان برای آن مطرح کرد. از نظر هایک، رقابت، روشی منطقی و عقلانی برای غلبه بر محدودیت‌های آگاهی و نقصان اطلاعاتی در محیط پیچیده و دائماً در حال تغییر است. از منظر او رقابت بهتر از هر شیوه شناخته‌شده دیگری، استفاده بهینه از منابع و افزایش اطلاعات و بنابراین تقویت توانایی‌های افراد را موجب می‌گردد (غنی‌نژاد، ۱۳۸۱، ص. ۴۷).

بدین ترتیب عنصر رقابت، تنها به حوزه اقتصاد محدود نمی‌ماند و بسیاری از حوزه‌های انسانی و اجتماعی را نیز دربرمی‌گیرد و منطق درونی این پدیده‌ها را مختل می‌کند. این رویکرد سبب می‌شود انسانی‌ترین و اخلاقی‌ترین حوزه‌های اجتماعی نیز به رقابتی‌شدن و کالایی‌شدن آلوده شوند؛ به عبارت دیگر برخلاف اقتصاد نهادگرایی کینزی که سعی می‌کرد حوزه‌هایی همچون آموزش و بهداشت را از بهر حداکثر رساندن سود مصون نگه دارد، رویکردهای جدید اقتصادی به گواه‌گری بکر حتی مناسبت‌های عاطفی افراد را نیز تحت منطق سود و زیان دسته‌بندی می‌کند (اباذری، ۱۳۹۸، ص. ۵). به این ترتیب و با رویکرد توصیف‌شده، حوزه‌هایی چون شوراهای شهری، انجمن‌های محلی، تشکلهای مردم‌نهاد و حتی خیریه‌ها، تنها زمانی مشروعیت می‌یابند که مبتنی بر آموزه‌های مذکور و منطق سود و زیان باشند؛ درحالی که بسیاری از این تشکلهای گروه‌های مردمی، اساساً منطقی اجتماعی داشته و به منظور تحکیم پیوندهای اجتماعی، ایجاد انسجام عمومی، ارائه خدمات گوناگون اجتماعی و... بنیان نهاده شده‌اند (شوبرگ، ۱۹۶۵، صص. ۱۹۰-۱۹۴).

به این ترتیب کسانی که نظم خودجوش بازار را نظمی بنیادین برای اداره جامعه می‌دانند و معتقدند قواعد آن را می‌توان و باید به سایر حوزه‌ها از جمله حوزه اجتماعی تسری داد، به صورت مبنایی در تعارض با منطق اجتماعی‌بودگی قرار می‌گیرند و امکان هر گونه سیاست‌گذاری اجتماعی را سلب می‌کنند.

۵-۲-۵. رویکرد به پیدایش و توسعه نهادهای اجتماعی

در دیدگاه شخصی مثل هایک، پدیده‌ها را به‌طور معمول می‌توان به دو نوع تقسیم کرد: ۱- پدیده‌های «طبیعی» که مستقل از عمل انسانی حادث شده‌اند؛ ۲- پدیده‌های «مصنوعی» مانند سازمان‌ها که محصول عمل انسانی‌اند و با طرح و اراده آگاهانه وی به وجود آمده‌اند. هایک تبار این خوانش از پدیده‌ها در دوران جدید را

برمی‌گرداند به اندیشه‌های دکارت و به توانایی فوق‌العاده‌ای که او برای قوه عاقله بشر قائل بود؛ اما هایک نشان می‌دهد که در قرن هجدهم، متفکرانی همچون برنارد مندویل و دیوید هیوم، دسته‌سومی از پدیده‌ها را معرفی کردند که «نتیجه عمل انسانی اما نه ناشی از طرح و قصد آگاهانه وی» بودند. به نظر هایک، توضیح این دسته سوم از پدیده‌ها به موضوع علوم اجتماعی جدید تبدیل شد (غنی‌نژاد، ۱۳۸۱، ص. ۶۶).

متأثر از رویکرد سوم، نهادهای اجتماعی بزرگ بشری، آگاهانه طراحی نشده‌اند بلکه محصول جریان تحولی طولانی‌ای هستند که با «آزمون و خطا» به‌وجود می‌آیند. در این رویکرد با رد نظریه «نهادهای ایجادشده»، برای مفهوم «نهادهای تکامل‌یافته» نظریه‌پردازی می‌شود. هدفمند و مفیدبودن این نهادها همانند عملکرد ارگان‌های موجودهای بیولوژیکی است که در سایه تحول تدریجی طولانی به دست آمده است. این نوع تحول دقیقاً همان چیزی است که کارل منگر از آن با عنوان «تحول ارگانیسم اجتماعی» یاد می‌کند؛ یعنی شکل‌گیری نهادهایی که محصول اعمال انسان‌ها بوده‌اند، نه نتیجه طراحی‌های پیشینی آنها (غنی‌نژاد، ۱۳۸۱، ص. ۶۷).

اختلاف این رویکرد با منظر جامعه‌شناسی از جایی شروع می‌شود که این باور ترویج شود که علاوه بر منطق تکوین نهادهای اجتماعی، اساساً امکان فهم منطق درونی و پیش‌برنده نهادهای اجتماعی نیز ممکن نیست. آنگاه که امکان فهم پدیده‌های اجتماعی و منطق درونی آنها از میان رود، به‌صورت طبیعی امکان هر نوع سیاست‌گذاری برای آنها نیز منتفی می‌شود. حال آنکه در آموزه‌های علوم اجتماعی این باور وجود دارد که جامعه‌شناس می‌تواند با روش علمی، منطق توسعه نهادهای اجتماعی را درک کند و با فهم آسیب‌های مندرج در این نهادها، به سیاست‌گذاری مناسب در مورد آنها نیز اقدام نماید.

۵-۲-۶. رویکرد به فرهنگ و اخلاق اجتماعی

یکی از آموزه‌های مهم در حیطه فرهنگ و اخلاق اجتماعی که در دهه‌های اخیر رواج گسترده‌ای پیدا کرده آن است که پندهای اخلاقی که در جوامع سنتی، قوام‌بخش جامعه و ابزار تنظیم روابط اجتماعی بودند، در جامعه نوین کارایی ندارند و بلکه می‌توانند به آنومیک کردن آن منجر شوند. بر این اساس بایستی افراد را با هواهای نفسانی و تمایل‌های شخصیشان تنها گذارد و تنها از گروهی که خشونت کمتری دارد برای کنترل گروه‌های خشن‌تر استفاده نمود. باورمندان به این رویکرد

معتقدند تنها راه تأمین خیر عمومی همین رویه است و هر گونه تلاش سیاست‌گذارانه و اراده‌مند به منظور اخلاقی‌نمودن جامعه محکوم به شکست است (غنی‌نژاد، ۱۳۷۶، ص. ۶۷).

از نظر شخصی مثل هایک، در جوامع کوچک قبیله‌ای، یکپارچگی اعضاء عمدتاً بر اساس غرایز هم‌بستگی و دیگردوستی و اهداف مشترک شکل می‌گیرد و همکاری بی‌واسطه در میان اعضاء از اصول اساسی این جوامع به حساب می‌آید؛ اما در جوامعی با مقیاس‌های بزرگ، در عمل چنین امکانی وجود ندارد و ناگزیر این نوع جوامع بر مبنای قواعدی انتزاعی و بدون هدف مشترک مشخصی شکل می‌گیرد. از این منظر اگر به پیروی از گرایش‌های احساسی، قواعد گروه‌های کوچک مانند خانواده را به جامعه و تمدن گسترده تعمیم دهیم، آنها را از بین خواهیم برد (غنی‌نژاد، ۱۳۸۱، ص. ۸۳).

رویکرد فوق معتقد است هر یک از ما به کسانی خدمت می‌کنیم که نمی‌شناسیم یا حتی از وجودشان ناآگاهیم و در مقابل، دائماً از خدمات افراد دیگری بهره می‌بریم که راجع به آنها چیزی نمی‌دانیم. خیری که هر فرد در جامعه گسترده به دیگر افراد ناشناس می‌رساند، بسیار بیشتر از خیررسانی مستقیم است؛ زیرا کارایی نظم گسترده، یعنی سازوکار قیمت‌ها و تقسیم کار وسیع، بسیار بیشتر است.

نکته مغفول در این رویکرد آن است که به بسیاری از مفاهیم و شاخص‌های کلیدی حیات اجتماعی بی‌تفاوت می‌ماند و تنها معیارش برای اخلاق اجتماعی، «منفعت» شده است. در صورتی که امر اجتماعی بسیار فراتر از تعقیب منافع، به امور مهم‌تری نیز اهمیت می‌دهد از جمله به تحکیم روابط اجتماعی، تأمین سرمایه اجتماعی، افزایش رضایت عمومی و ارتقای انسجام جامعه. اموری که به هیچ‌وجه قابل تقلیل به منفعت فردی یا حتی منفعت جمعی نیست. کاملاً محتمل است که جامعه‌ای به لحاظ کسب منافع مادی وضعیت مطلوبی داشته باشد؛ اما از جهت شاخص‌هایی چون رضایت از زندگی، اعتماد عمومی و... وضعیت نامطلوبی را تجربه کند.

به این ترتیب آنگاه که «منفعت»، به تنها شاخص سنجش اخلاق اجتماعی تبدیل شد و وقتی آموزه‌هایی همچون دیگردوستی و ایثار به حوزه‌ها و گروه‌های کوچک اجتماعی محدود و از روندهای کلان اجتماعی حذف گردید، شاهد رقم خوردن وضعیتی هستیم که در آن روابط اجتماعی، مکانیکی شده و تمام عرصه‌های زیست اجتماعی، رقابتی و از سویه‌های انسانی خالی می‌گردد. چنین رویکردی به صورت طبیعی به طرد امر اجتماعی می‌انجامد و هر نوع سیاست‌گذاری اجتماعی را بلاموضوع می‌سازد.

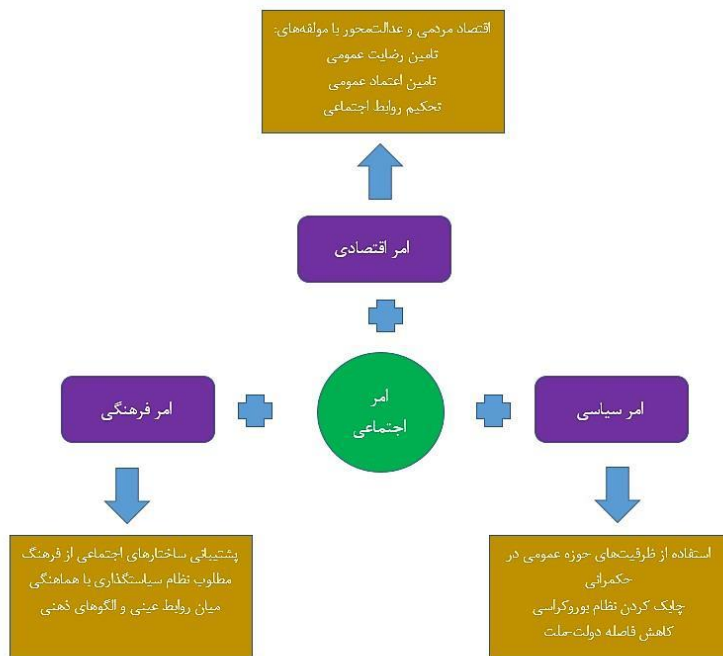
جدول (۱): مهم‌ترین مبانی و رویکردهای اقتصادی مختل‌کننده حوزه اجتماعی

رویکرد به فرهنگ و اخلاق اجتماعی	رویکرد به نهادهای اجتماعی	محوریت نظام بازار	مبانی انسان‌شناسی	مبانی روش‌شناختی	مبانی فلسفی و معرفت‌شناختی
تفکیک قواعد فرهنگی بین حوزه‌های کوچک و کلان اجتماعی	فهم پدیده‌های اجتماعی نظم خودجوش و غیرقابل	رقابتی و کالایی شدن	انسان اقتصادی	فردگرایی روش‌شناختی	نظریه تقسیم معرفت
مکانیکی شدن روابط اجتماعی و خالی شدن آنها از سوبه‌های انسانی	عدم امکان سیاست‌گذاری‌های عمومی در حوزه اجتماعی	بسط منطق سود و زیان به اخلاقی‌ترین حوزه‌های اجتماعی	محوریت یافتن شخص و منافع او و عدم امکان سیاست‌گذاری‌های عمومی در حوزه اجتماعی	عدم امکان سیاست‌گذاری‌های عمومی در حوزه اجتماعی	امکان‌ناپذیر بودن فهم منطق درونی پدیده‌های اجتماعی
مفهوم یا رویکرد کلیدی					
تأثیرگذاری‌های مختل بر حوزه اجتماعی					

نتیجه‌گیری

مداخلات گاه‌وبیگاه سایر حوزه‌ها در حوزه اجتماعی و طفیلی برشمردن امر اجتماعی نسبت به امور سیاسی، اقتصادی و ...، حوزه اجتماعی را به وضعیتی آشوبناک دچار کرده است؛ وضعیتی که نه تنها این حوزه، بلکه به دلیل درهم‌تنیده‌بودن حوزه‌های مختلف، بقیه عرصه‌ها را نیز دچار بحران می‌کند. چنین وضعیتی، ضرورت بازاندیشی و بازطراحی در طبقه‌بندی مسائل مختلف کشور را ایجاب می‌کند. در سال‌های اخیر، رویکردهای تک‌بعدی به مسائلی که برآورنده نیازهای اجتماعی جامعه بوده و با شاخص‌هایی که در طول متن مطرح شد، اساساً در خرده‌نظام اجتماعی جای می‌گیرند، باعث شکل‌گیری پیامدهای ناگواری شده است. بسیاری از تشکلهای و نهادهای اجتماعی همچون صنوف، شوراهای اسلامی، سازمان‌های مردم‌نهاد، تعاونی‌ها و ... که می‌توانند از بسیاری مشکلات کشور، گره‌گشایی کنند، به کج‌کاری‌های متعدد دچار شده‌اند و در غیاب رویکردهای اجتماعی، بسیاری از ظرفیت‌های بالقوه‌شان در پرکردن فاصله مردم و حاکمیت، شکل‌گیری پویایی و نشاط در جامعه، بسط رضایت عمومی و ... بی‌استفاده بماند.

به این ترتیب همان‌طور که در شکل ۱ ملاحظه می‌شود با در نظر گرفتن سویه‌های اجتماعی در حوزه‌های مختلف سیاست‌گذاری، می‌توان به الگویی از حکمرانی نایل شد که آن را «حکمرانی اجتماعی» می‌نامند. در این مدل از حکمرانی در حوزه سیاسی، به جای توجه صرف به عرصه‌های رسمی، دیوان‌سالارانه (بوروکراتیک) و روابط قدرت، استفاده از ظرفیت‌های حوزه عمومی در حکمرانی را در دستور کار قرار داده و به این ترتیب به کاهش فاصله دولت و ملت کمکی شایان می‌کنند. در حوزه اقتصادی، به جای توجه صرف به بالابردن بهره‌وری و کارآمدی و توجه به منافع افراد و مجموعه‌ها، به اقتصاد مردمی و عدالت‌محور می‌اندیشد و «انسجام اجتماعی»، «اعتماد عمومی»، «رضایت از زندگی» و «تحکیم روابط اجتماعی» را دنبال می‌کند؛ اموری که ضرورتاً با کسب منافع مادی حاصل نمی‌شوند. به این ترتیب می‌توان به نوعی اقتصاد اجتماعی شده نایل شد. در حوزه فرهنگی نیز به جای تمرکز صرف به تجویز و نگهداشت الگوهای ذهنی فراگیر و تعمیم و درونی کردن آنها، با تسهیل نمودن شکل‌گیری ساختارها و شبکه‌هایی از کنش‌های متقابل و انتظارها نقشی مرتبط با آنها، به هم‌افزایی امر فرهنگی و اجتماعی کمک می‌نماید. این نکته از این جهت حائز اهمیت است که حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی هر سیستم می‌توانند به شکلی هم‌افزا و هماهنگ عمل کرده و یا آنکه با خنثی‌سازی کارکردهای یکدیگر، استهلاک کل سیستم را سبب شوند و مجموعه‌ای از کج‌کارکردها را برای کلیت آن رقم زنند.



شکل (۱): الگوی برای حکمرانی اجتماعی

درنهایت در راستای الگوی فوق و به‌منظور ارتقای نظام حکمرانی اجتماعی در ایران پیشنهادهایی به این شرح ارائه می‌شود:

۱. شناسایی مأموریت‌ها و اهداف کلان اجتماعی کشور و بازطراحی و بازنویسی آنها متناسب با روند تغییرها و اقتضات اجتماعی کشور؛
۲. شناسایی مأموریت‌ها و اهداف کلان فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشور و بازطراحی و بازنویسی آنها متناسب با ملاحظه‌های اجتماعی کشور.
۳. گنجاندن افراد صاحب‌نظر در علوم اجتماعی و آشنا با مهم‌ترین مسائل و اولویت‌های اجتماعی کشور در ترکیب اعضای ستاد تدوین مهم‌ترین اسناد بالادستی کشور ازجمله برنامه‌های توسعه؛
۴. شناسایی و اصلاح وظایف محوری و غیرمحوری دولت با ملاحظه‌های اجتماعی (قانون برنامه‌های توسعه، قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، قانون مدنی و...);
۵. طراحی و تدوین الگوی حکمرانی مشارکتی مردم و نهادهای مردمی در چهار سطح تصمیم‌گیری، نظارت، مطالبه‌گری و اجرا (ناظر به موارد زیر: مواد ۱۳ تا ۲۴ فصل راهبردها و فناوری انجام وظایف دولت) قانون مدیریت خدمات کشوری،

قانون کار، قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، قانون مالیات‌های مستقیم، قانون شهرداری‌ها، قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، قانون محاسبات عمومی کشور، قانون آیین دادرسی، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، قانون رسیدگی به تخلفات اداری، قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی و...؛

۶. تدوین شاخص‌های عملکردی و استانداردهای خدماتی به‌منظور تأسیس و فعالیت «تشکل‌های اجتماعی» و «کسب‌وکارهای اجتماعی» و تدوین قواعد حقوقی برای انجام «مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها»؛

۷. الزام تمام اسناد بالادستی کشور (اعم از برنامه‌های توسعه، لوایح بودجه، سیاست‌های کلی نظام در بخش مشارکت اجتماعی، صنعت، آموزش عالی و ...) و همچنین دستگاه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی کشور به داشتن بعد اجتماعی، چه در مرحله تنظیم اسناد و مصوبات و چه در مرحله اجرای آنها؛

۸. در دستور کار قرار دادن آمایش سرزمینی نه فقط برای فهم ظرفیت‌های اقتصادی و طبیعی بلکه به‌منظور درک مهم‌ترین امکان‌ها و فرصت‌های بالقوه اجتماعی و البته فهم مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی؛

۹. ایجاد ساختارها و نهادهای سازمان‌یافته برای مشارکت رسمی مردم در فرایند تصمیم‌گیری در حوزه اجتماعی کشور؛ مانند قانون انجمن‌های صنفی کارگری، قانون انجمن‌های صنفی مراکز توانبخشی، شبکه ملی تشکل‌های مردم‌نهاد محیط زیستی، شبکه ملی مؤسسه‌های نیکوکاری و خیریه، شبکه ملی گروه‌های جهادی، اتحادیه‌های ملی تعاونی‌های تولید، توزیع و مصرف و...؛

۱۰. ایجاد سازوکار و تضامین حقوقی و اداری مناسب برای مشارکت مردم و تشکل‌های مردمی در حوزه نظارت مردم در حوزه اجتماعی از طریق توسعه دولت الکترونیک، ایجاد سامانه‌های یکپارچه شفافیت، اصلاح قانون دسترسی آزاد به اطلاعات؛

۱۱. ایجاد سازوکار و تضامین حقوقی و اداری مناسب برای مشارکت مردم و تشکل‌های مردمی به‌منظور مطالبه اصلاح انحرافات عملکردی دستگاه‌های دولتی از سیاست‌های کلان اجتماعی و پیوست‌های اجتماعی قوانین موضوعه کشور از طریق اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری، قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، قانون محاسبات عمومی کشور و... .

فهرست منابع

- اباذری، یوسف و ذاکری، آرمان (۱۳۹۸). سه دهه همنشینی دین و نئولیبرالیسم در ایران، تهران: نشر ارغنون.
- اکبری، رضا (۱۳۹۶). آموزه‌های نظام برنامه‌ریزی فضایی کره جنوبی به‌منظور کاربرست در شرایط ایران، مجله علمی «آمایش سرزمین»، (۱۶)، ۲۹-۵۵.
- امیدی، رضا (۱۳۹۵). تحولات سیاست‌گذاری اجتماعی در عصر پهلوی: فراز و فرود رابطه دولت و ملت. تهران، نشریه علمی (وزارت علوم)، (۲۸)، ۱۵۱-۱۹۲.
- ای. کی (۱۳۹۸). تکامل نهادهای و ایدئولوژی‌های اقتصادی. ترجمه سهراب بهداد، تهران: نشر آگه.
- بازگشا، حمیدرضا (۱۳۹۷). زمین از آب تهی شد، وقتی همه خواب بودند؛ نقش قوانین در روزهای دشوار کمبود آب ایران. روزنامه ایران، سال بیست و چهارم، شماره ۶۷۷۴، ۱۳۹۷/۲/۱۸.
- باقری، یاسر (۱۳۹۹). نظام نالاجتماعی (مناسبات قدرت و سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران پس‌انقلاب). تهران: نشر نی.
- تاج‌مزی‌نایی، علی‌اکبر؛ غفاری، غلامرضا و باقری، یاسر (۱۳۹۶). وضعیت زمان، مسئله‌بودگی و صورت‌بندی سیاست‌گذاری اجتماعی. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال هشتم، (۳۳).
- جونز، ویلیام تامس (۱۳۹۴). خداوندان/اندیشه سیاسی. ترجمه علی رامین، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- راتبارد، ماری، (۱۳۹۲). قدرت و بازار. ترجمه وحیده رحمانی و متین پدرام، تهران: نشر دنیای اقتصاد.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۷۲). تحول اندیشه سیاسی در شرق باستان. ترجمه بزرگ نادرزاد، تهران: نشر قومس.
- روزنامه همشهری (۱۳۹۶). شماره ۱۱۰۳، به نقل از برنامه ملی مبارزه با فقر.
- روشه، گی (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: تیان.
- زائری، قاسم و نریمانی، آرش (۱۳۹۹). نفی امر اجتماعی: برآمدن گفتارهای فردگرایانه در ایران پساجنگ (روان‌شناسی موفقیت، عرفان‌گرایی و انسان اقتصادی). مجله مطالعات جامعه‌شناختی، (۵۶).

سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۵-۱۳۲۷). قوانین برنامه عمرانی اول، دوم سوم، چهارم و پنجم کشور.

سالنامه‌های آماری کشور (بخش‌های مسکن، آب، هزینه و درآمد خانوار)، سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۰، ۱۳۸۰، ۱۳۹۵.

شکور، علی؛ زنگی‌آبادی، علی و کریمی قطب‌آبادی، فضل‌اله (۱۳۹۳). ضرورت‌ها و دلایل تقسیمات استانی در ایران با رویکرد منطقه‌ای (مطالعه موردی استان فارس). فصلنامه علمی پژوهشی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، (۱۵)، ۱-۱۲.

عادلی، محمد (۱۴۰۰). مسائل و چالش‌های بیرونی و درونی انجمن‌های حرفه‌ای و صنفی در ایران. تهران: نشر مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی.

عالی‌زاده، اسماعیل (۱۳۹۴). بازتاب توسعه اجتماعی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران (برنامه‌های اول تا پنجم). فصلنامه علوم اجتماعی، (۷۰)، ۱۲۳-۱۶۶.

غنی‌نژاد، موسی (۱۳۷۶). معرفت‌شناسی علم اقتصاد. تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.

غنی‌نژاد، موسی (۱۳۸۱). درباره هایک. تهران: نگاه معاصر.

فلیک، اووه (۱۳۹۲). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

فیتزپتریک، تونی (۱۳۸۱). نظریه رفاه: سیاست اجتماعی چیست. ترجمه هرمز همایون‌پور، تهران: انتشارات مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی و گام نو.

قدیری اصل، باقر (۱۳۸۷). سیر اندیشه اقتصاد. تهران: مؤسسه چاپ و نشر دانشگاه تهران.

قوتی سفیدسنگی، علی و فراشیایی، حسین و حسن‌زاده، حسین (۱۳۹۶). بازتاب توسعه اجتماعی در قوانین برنامه‌های پنجگانه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه توسعه اجتماعی، (۱۲)، ۱۵۱-۱۸۴.

کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۹۸). آدم/اسمیت و ثروت ملل. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.

کرایب، یان (۱۳۸۱). نظریه اجتماعی مدرن، از پارسونز تا هابرماس. ترجمه عباس مخبر، تهران: آگه.

متقی، سمیرا (۱۳۹۵). واکاوی شاخص‌های توسعه اجتماعی ایران (رویکردی بر برنامه‌های توسعه). مجله مطالعات اجتماعی ایران، (۲)، ۱۸۳-۲۰۵.

محمدپور جابری، مرتضی (۱۳۹۳). تقسیمات سیاسی فضا و تعادل در نظام شهری منطقه (مطالعه موردی تقسیم استان خراسان). پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، ۲(۴)، ۵۷۷-۵۵۹.

می، مارگارت (۱۳۹۱). نقش مطالعات تطبیقی در سیاست اجتماعی، در مارگارت می، پیت الکاک و کارن راولینگستون، کتاب مرجع سیاست‌گذاری اجتماعی. ترجمه محسن قاسمی، علی‌اکبر تاج‌زینانی و مرتضی قلیچ، جلد دوم، تهران: انتشارات امام صادق (علیه‌السلام).

وان، کارن ایورسن (۱۳۸۵). علم/اقتصاد/تریشی. ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی و امیر آزاد ارمکی، تهران: نشر نی.

وصالی، سعید و امیدی، رضا (۱۳۹۳). سیاست‌گذاری اجتماعی: زمینه‌ها و رویکردها. نشریه برنامه‌ریزی و بودجه، ۱۹(۱).

ویژه‌نامه بحرانی مالی و اقتصاد مقاومتی ماهنامه قلمرو رفاه (۱۳۹۵). سال دوم، شماره ۱۵.

هانت، ای. کی. (۱۳۹۸). تکامل نهادها و ایدئولوژی‌های اقتصادی. ترجمه سهراب بهداد، تهران: نشر آگه.

- Acock, P.; Erskine, A. & May, M. (2002). *The blackwell dictionary of social policy*. Oxford: Blackwell.
- Dani, A. & Hann, A. (2008). *Inclusive state: Social policy and structural inequalities*. Washington DC: the world Bank.
- Gough, I. (2004). *Social policy recimes in the developing world*. In P. Kennett (Eds), Cheltenham: Edward Elgar.
- Jordan, B. (2010). *What's wrong with social policy and how to fix it*. Cambridge: Polity.
- Moghadam, V. (2006). *Gender and social policy: Family law and womans economic citizenship in the Middle east*. New york: Palgrave.
- Sjoberg, G. (1965). *The Pre-Industrial City*. Glencoe: Illinois.

References

- Abazari, Yosuf- Zakeri, Arman (2019). Three decades of coexistence of religion and neoliberalism in Iran, Tehran, Arghanoon. (In persian)
- Acock, P. Erskine, A. & May, M. (2002). The blackwell dictionary of social policy, Oxford: Blackwell.
- Adeli, Mohammad (2022), External and internal issues and challenges of professional and trade associations in Iran, Tehran, published by the Center for Empowerment of Governance and Academic Jihad Society. (In persian)
- Akbari, Reza (2017). Teachings of the South Korean space planning system for application in the conditions of Iran, Tehran. Land use planning. (In persian)
- Alizadeh, Esmail (2014). Reflection of social development in the development programs of the Islamic Republic of Iran (first to fifth programs), Tehran, Social Sciences Quarterly, N 70. (In persian)
- Bazgosha, Hamidreza (2018). The role of laws in the difficult days of water shortage in Iran, Tehran, Iran newspaper, twenty-fourth year. N 6774. (In persian)
- Bagheri, Yaser, (2020). Antisocial system, Tehran, Nashr-e Ney. (In persian)
- Dani, A. & Hann, A. (2008). Inclusive state: Social policy and structural inequalities. Washington DC: the world Bank.
- E.K (1999), The evolution of economic institutions and ideologies, translated by Sohrab Behdad, Tehran, Agah Publishing. (In persian)
- Financial crisis and resistance economy special issue of the welfare realm monthly (2016), second year, N 15. (In persian)
- Fitzpatrick, Tony (2002), Theory of Welfare: What is Social Policy, translated by Hormoz Homayunpour, Tehran, Institute of Social Security Research and Game Nu Publications. (In persian)
- Flick, Uwe (2012), An Introduction to Qualitative Research, translated by Hadi Jalili, Tehran, Ney Publishing. (In persian)
- Ghaninejad, Musa (1998), Epistemology of Economics, Tehran, Institute of Research in Planning and Development, first chapter. (In persian)
- Ghaninejad, Musa (2002). About Hayek, Tehran, Negahe moaser. (In persian)
- Ghoti Sefidsangi, Ali and Farashiabi, Hossein and Hassanzadeh, Hossein (2016). Reflection of social development in the laws of the five programs of economic, social and cultural development of the Islamic Republic of Iran, Tehran, Social Development Quarterly, N 12. (In persian)
- Gouph, I. (2004). Social policy recimes in the developing world. In P. Kennett (Eds), Cheltenham: Edward Elgar;
- Hunt, E.K. (2019). The evolution of economic institutions and ideologies, translated by Sohrab Behdad, Tehran, Agah Publishing. (In persian)
- Jones, William (2015). Gods of political thought, translated by Ali Ramin, Tehran, International Publishing Company. (In persian)
- Jordan, B. (2010). What's wrong with social policy and how to fix it. Cambridge, Polity.
- Katouzian, Mohammad Ali (2019). Adam Smith and the Wealth of Nations, Tehran, International Publishing Company. (In persian)
- Kraib, Yan (2002). Modern Social Theory, from Parsons to Habermas,

- translated by Abbas Mokhbar, Tehran, Nashr-e Agah. (In persian)
- May, Margaret (2002), *The Role of Comparative Studies in Social Policy*, Social Policy Reference Book, translated by Mohsen Ghasemi, Ali Akbar Taj Mazinani, and Morteza Qalich, Volume II, Tehran, Emmam Sadegh Publishing House. (In persian)
- Moghadam, V. (2006). *Gender and social policy: Family law and womans economic citizenship in the Middle east*, New york: Palgrave.
- Mohammadpour Jabri, Morteza (2013). *Political divisions of space and balance in the urban system of the region (a case study of the division of Khorasan province)*, Tehran, geographical researches of urban planning. (In persian)
- Motaghi, Samira (2016). *Analysis of Iran's social development indicators (an approach to development plans)*, Tehran, Iranian Social Studies Journal. (In persian)
- Omidi, Reza (2016). *Developments of social policy in the Pahlavi era*, Tehran, Scientific journal. (In persian)
- Program and budget organization (1949- 1977), *Construction plan rules*, N 2-5. (In persian)
- Qadiri Asl, Baqir, (2009), *The Path of Economic Thought*, Tehran, University of Tehran Printing and Publishing Institute. (In persian)
- Rajaei, Farhang (1994). *Evolution of political thought in the ancient East*, Tehran, Ghoomes. (In persian)
- Rothbard, Murray (2013). *Power and the market*, translated by Vahide Rahmani, Tehran, the world of economy. (In persian)
- Rucher, Guy (1998). *Talcott Parsons Sociology*, translated by Nikgozar Abdolhosein, Tehran, Tebyan. (In persian)
- Shahrvand newspaper (2018). N 1103, Tehran, quoting from the National Program for Combating Poverty. (In persian)
- Shakur, Ali; Zangiabadi, Ali; Karimi Qutbabadi, Fazaleh (2013), *Necessities and Reasons of Provincial Divisions in Iran with a Regional Approach (Case Study of Fars Province)*, Tehran, Regional Planning Quarterly. (In persian)
- Sjoberg, G. (1965). *The Pre-Industrial City*, Glencoe, Illinois.
- Statistical yearbooks of the country (1977, 1987, 1992, 2002, 2017). (In persian)
- Taj Mazinani, Aliakbar (2017). *The state of time, problematization and formulation of social policy*, Tehran, Welfare and Social Development Planning Quarterly. (In persian)
- Vaughn, Karen Iverson (2006), *Austrian Economics*, translated by Gholamreza Azad Aramaki and Amir Azad Aramaki, Tehran, Ney Publishing. (In persian)
- Wasali, Saeed and Omidi, Reza (2013), *Social Policy Making: Contexts and Approaches*, Tehran, Planning and Budgeting Journal, Volume 19, N 1. (In persian)
- Zaeri, Ghasem (2020). *Negation of the social issue*, Tehran, Journal of Sociological Studies, N 56. (In persian)

پیش‌بینی جمعیت و تحلیل پویا از تحولات ساختار جمعیتی در ایران: رویکرد سیستم‌های پویا (سال ۱۳۵۵ الی ۱۴۵۵)^۱

عمران قیصر

دانشجوی دکتری تخصصی توسعه اقتصادی، گروه اقتصاد، واحد میانه، دانشگاه آزاد اسلامی، میانه، ایران.
am.gh79@yahoo.com

0009-0003-1940-796x

سیما اسکندری سبزی

استادیار گروه اقتصاد، واحد میانه، دانشگاه آزاد اسلامی، میانه، ایران (نویسنده مسئول).
si.eskandari@iau.ac.ir

0000-0002-8622-5192

علی سلمان‌پور زنوز

استادیار گروه اقتصاد، واحد مرنده، دانشگاه آزاد اسلامی، مرنده، ایران.
ali_salmanpour@marandiau.ac.ir

0000-0004-2470-7630

سید یوسف حاجی اصغری

استادیار گروه مدیریت، واحد میانه، دانشگاه آزاد اسلامی، میانه، ایران.
s.y.hagiasghari@gmail.com

0000-0001-5619-8480

چکیده

پیروی از سیاست کنترل جمعیت سازمان‌های بین‌المللی که در چند دهه اخیر در ایران اجرایی شد، امروزه باعث تحول عظیمی در ساختارهای سنی جمعیتی گردیده و جمعیت کشور را به طرف ازدیاد نرخ سالمندی سوق داده و باعث شده تا نرخ وابستگی در آینده جزء چالش‌های اساسی سیاست‌گذاران باشد. هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی، شبیه‌سازی و تحلیل پویا از تحولات ساختاری جمعیت کشور ایران و آثار و تبعات آن در نرخ وابستگی جمعیتی دهه‌های آتی با توجه به تحولات نامتوازن جمعیتی طی دوره ۱۳۵۵ الی ۱۴۵۵ می‌باشد. نتایج شبیه‌سازی با روش مدل‌سازی سیستم‌های پویا نشان داد که جمعیت کشور با متوسط سالانه نرخ باروری ۱/۶ در سال ۱۴۲۶ به ۹۴۱۳۲۰۰۰ میلیون نفر می‌رسد. پس از آن روند نزولی به‌خود گرفته و در سال ۱۴۵۵ به ۸۶۴۱۶۴۰۰ نفر خواهد رسید. همچنین روند رشد گروه سنی زیر ۱۵ سال از سال ۱۳۷۰ به بعد سیر روند نزولی داشته و جمعیت سالخورده در طی این دوره، رشد فزاینده‌ای خواهد داشت؛ به‌طوری‌که در پایان دوره به ۲۹ درصد از کل جمعیت خواهد رسید. یافته‌های پژوهش بر اساس رشد نامتوازن جمعیتی کشور در سه دهه ۵۰، ۶۰ و ۷۰ و افزایش امید زندگی از ۵۴ سال به ۷۶ سال، نشان می‌دهد در دهه‌های آتی

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز:

CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0>) است.

این مقاله از رساله دکتری آقای عمران قیصر در دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه استخراج شده است.

ساختار جمعیت کشور یک ساختار پیر خواهد بود و افزایش نرخ وابستگی جمعیت کشور، پیامدهای اقتصادی آسیب‌زایی را به دنبال خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: مدل‌سازی سیستم پویا، شبیه‌سازی، تحولات ساختار جمعیتی در ایران، نرخ وابستگی.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵X-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

[CC BY 4.0](#)



 10.22034/SCS.2023.386882.1412

مقدمه و بیان مسئله

در دهه‌های گذشته تغییرهای فراوانی در حوزه جمعیت ایران رخ داده است. با وقوع انقلاب اسلامی که بر پایه ارزش‌ها و معیارهای اسلامی و انقلابی قرار داشت، سیاست‌های جمعیتی به اجرا درآمد در دوره حکومت پهلوی، به کنار گذاشته شد و با شروع جنگ تحمیلی، سیاست‌های افزایش جمعیت آغاز گردید. در این مدت با توجه به کاهش مرگ‌ومیر، به دلیل توسعه شبکه ارائه خدمات بهداشتی و ارتقاء چشمگیر سطح بهداشت عمومی و عوامل مختلف دیگری همچون، مهاجرت اتباع کشورهای همسایه به ایران، واگذاری برخی امتیازهای اجتماعی و رفاهی به خانواده‌های پرجمعیت (به واسطه ارزش و اهمیت نهاد خانواده) و از طرفی غفلت از برنامه‌های تنظیم خانواده، رشد جمعیت در فواصل سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۵۵ به ۳/۹ درصد رسید، وضعیتی که از آن تحت عنوان انفجار جمعیتی یاد می‌شود (حیدری و دیگران، ۱۳۹۴)؛ اما تبعیت از سیاست‌های بین‌المللی در رابطه با کاهش جمعیت و اجرای سیاست‌های تنظیم خانواده در کشور از نیمه دوم دهه ۱۳۶۰، منجر به کاهش چشمگیری در نرخ باروری شد، به‌طوری که اصطلاح «انقلاب تحول باروری» به آن اطلاق شد (عباسی‌شوازی و دیگران، ۱۳۸۹). به این ترتیب اجرایی شدن این سیاست، باعث شد متوسط رشد سالانه جمعیت کشور، از ۳/۹ درصد در دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵، به ۱/۲۴ درصد در دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵ برسد (فتحی، ۱۳۹۹). پس از آن ضرورت تغییر در سیاست‌های جمعیتی اتفاق افتاد. بر این اساس «ارتقای پویایی، بالندگی و جوانی جمعیت با افزایش نرخ باروری به بیش از سطح جانشینی» در سیاست‌های قانون پنجم و ششم توسعه از سوی مقام معظم رهبری (مدظله) ابلاغ شد؛ لذا ارتقاء نرخ باروری کل و حفظ جمعیت جوان، اهداف و راهبردهای اساسی برای تصمیم‌گیران شد. همچنین در این راستا در سال ۱۴۰۱ ابلاغیه بند ۱۶ سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه کشور با هدف افزایش نرخ باروری و مولید به حداقل ۲/۵ طی پنج سال با حمایت همه‌جانبه از فرزندآوری و رفع موانع و ایجاد مشوق‌های مؤثر و اصلاح فرهنگی نشان از مواجهه کشور با کاهش چالش‌های تحولات ساختاری جمعیتی، برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری‌های اساسی دارد.

طبق گزارش اخیر گزارش سازمان ملل، «چشم‌انداز جمعیت جهان» از سوی واحد جمعیت‌شناسی بخش اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۲۳ روند ساختار پیری جمعیت جهان در نیمه قرن ۲۱ به دو برابر خواهد رسید. در ایران

نیز، بر اساس داده‌های آماری در دهه‌های آتی، تحولات ساختاری مهمی در روند رشد جمعیت کشور رخ خواهد داد که با این روند؛ نرخ وابستگی جمعیت افزایش خواهد یافت. روند شاخص وابستگی جمعیتی کشور از سال ۱۳۶۵ به بعد نزولی بوده و از سال ۹۴ روند افزایشی به خود گرفته است، به‌طوری‌که آخرین آمار منتشر توسط مرکز آمار نرخ وابستگی جمعیت در سال ۱۴۰۰ معادل ۴۴/۸ درصد به ثبت رسید. با توجه به اینکه نرخ زادوولد در چند سال گذشته بسیار پایین بوده است، می‌توان افزایش در وابستگی جمعیت در سال‌های اخیر را مترادف با پیر شدن جمعیت ایران دانست. افزایش در این شاخص می‌تواند عواقب سوئی برای رشد اقتصاد و جامعه ایران داشته باشد.

بدیهی است که تمرکز جمعیت در هر یک از گروه‌های سنی، با در نظر داشتن نیازها، پیامدهای آن، برنامه‌ریزی‌های خاص خود را می‌طلبد (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۶). بسته به اینکه کدام‌یک از گروه‌های سنی در هر یک از مراحل گذار ساختار سنی، در پیک جمعیتی باشند؛ نوع و کم و کیف نیازهای اجتماعی و جمعیتی تغییر پیدا می‌کنند. درحقیقت، یکی از گروه‌های عمده‌ی سنی، در فازهای مختلف گذار ساختار سنی، اهمیت بیشتری هم از بعد جمعیتی و بعد اقتصادی، اجتماعی و درنهایت نوع سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی خواهند داشت؛ بنابراین، با توجه به تحولات جمعیتی دهه‌های اخیر و روند نرخ باروری و سالخوردگی کشور، هرگونه تعدیل و تغییر سیاست‌های جمعیتی و نیز برنامه‌ریزی جهت کاستن پیامدهای اجتماعی و اقتصادی کاهش شدید رشد جمعیت، منوط به داشتن اطلاعات و دانش کامل از جمعیت آتی کشور می‌باشد. بدین‌منظور، مطالعه حاضر ضمن شبیه‌سازی و پیش‌بینی جمعیت کشور تا سال ۱۴۵۰ به‌طور کلی و در چهارگروه سنی جمعیت، با در نظر گرفتن سناریوهای مختلف نرخ باروری جمعیت کشور و نیز نرخ وابستگی را تا سال ۱۴۵۰ پیش‌بینی می‌کند.

۱. هدف و پرسش‌های پژوهش

این پژوهش با نگاه به روند سالیان گذشته جمعیت کشور و بررسی شرایط کنونی و همچنین پیش‌بینی ساختارهای جمعیتی بر اساس سیاست‌های ابلاغی کشور به تحلیل کلی تحولات ساختاری جمعیت بر اساس نرخ باروری محتمل و آثار آن در گروه سنی مختلف و روند نرخ وابستگی می‌پردازد؛ لذا هدف اصلی پژوهش حاضر این است که با استفاده از مدل سیستم‌های پویا و با استفاده از نرم‌افزار “Vensim” با

شبیه‌سازی و پیش‌بینی روند رشد جمعیت کل کشور در چهار گروه سنی و تحولات نرخ وابستگی تا سال ۱۴۵۵ به ارائه سناریوهای مختلف پیش‌بینی تحولات ساختار جمعیتی و نتایج حاصل از آن بر نرخ وابستگی جمعیتی - اقتصادی در ایران بپردازد. بدین‌منظور پرسش‌های پژوهش به شرح زیر است:

- ۱- پیش‌بینی تحولات جمعیتی بر اساس مدل شبیه‌سازی شده تا افق ۱۴۵۵ و فرآیندهای (سناریوهای) مربوطه چگونه خواهد بود؟
- ۲- پیامدهای تحولات جمعیتی بر نرخ وابستگی جمعیتی - اقتصادی بر اساس مدل شبیه‌سازی شده تا افق ۱۴۵۵ و فرآیندهای مربوطه چگونه خواهد بود؟

۲. پیشینه پژوهش

علیزاده امام‌زاده در یافته‌های خود اثرهای تحولات گروه‌های سنی جمعیت بر رشد اقتصادی را بررسی کرده و به سیاست‌های درست جمعیتی به‌منظور حمایت و کمک به رشد اقتصادی و جلوگیری از بروز ناهماهنگی و عدم تعادل در بخش‌های مختلف اقتصادی پرداخته است (علیزاده امام‌زاده، ۱۴۰۲). پیش‌بینی پژوهش فتحی (۱۳۹۹) نشان داد که جمعیت ایران از اواخر دهه ۱۴۰۰ به‌سوی سالمندی رفته و در سال ۱۴۲۰ به مرحله سالمندی جمعیت خواهد رسید و متعاقباً در دهه پس از آن با سالخوردگی جمعیت روبه‌رو خواهد شد. دیانی و دائی کریم‌زاده (۱۳۹۹) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که متغیرهای نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت، سهم جمعیت جوان در سن کار، سهم افراد میانسال در سن کار و نرخ باسوادی تأثیر مثبت و سهم جمعیت مسن در سن کار و بار تکفل سالمندی تأثیر منفی بر رشد اقتصادی استان‌های کشور دارند. عزتی و همکاران (۱۳۹۸). نیز نشان دادند که ساختار سنی جمعیت، تأثیر منفی و معناداری بر امنیت اقتصادی ایران دارد. یافته‌های میری و همکاران (۱۳۹۷) نشان داد سالمندی جمعیتی در بلندمدت بر رشد اقتصادی کشور اثر منفی خواهد داشت. یافته‌های کاشانیان و همکاران (۱۳۹۸) حاکی از این است که تغییر ۶ مؤلفه عرضه نیروی کار، نرخ پس‌انداز، تعمیق سرمایه و سرمایه‌گذاری عمومی منجر به تغییرهای مثبت در نرخ رشد اقتصادی می‌شود و مؤلفه‌های عرضه نیروی کار سالمند و مالیات، اثر منفی بر رشد دارند. پیش‌بینی پژوهش (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۶) نشان داد که در سال (۱۴۱۴) تعداد سالمندان کشور به بیش از ۱۰ میلیون نفر و متعاقب آن درصد سالخوردگی به بیش از ۱۱ درصد خواهد رسید. نتایج پژوهش دودکانلوی میلان و همکاران (۱۳۹۷) نشان‌دهنده

منفی و معنی‌دار بودن تأثیر نسبت وابستگی به‌عنوان شاخصی از ساختار سنی جمعیت بر درآمد ملی سرانه است و تأثیر آن در دهک‌های ابتدایی بیشتر از دهک‌های انتهایی بوده است. اشکورجیری و همکاران (۱۳۹۵) نشان دادند که سالخوردگی جمعیت تأثیر منفی بر رشد اقتصادی دارد. نتایج پژوهش نصرالهی وسطی و آقایی‌هی‌ر (۱۳۹۶) نیز نشان‌دهنده نقش مهم میزان زادوولد، میزان مرگ‌ومیر، مهاجرت، سالمندی جمعیت، نرخ باروری، شهرنشینی و امید به زندگی در پیش‌بینی برخی از متغیرهای اقتصادی بود. محمدپور و همکاران (۱۳۹۲) به منفی بودن اثر نرخ رشد کلی جمعیت فعال بر روی نرخ رشد درآمد سرانه و مثبت و معنی‌دار بودن اثرهای سایر متغیرها بر رشد اقتصادی کشور در بلندمدت اشاره کرده‌اند. نتایج پژوهش مهرگان و رضائی (۱۳۸۸) حاکی از آن است که بیشترین اثر بازدارندگی بر رشد اقتصادی، مربوط به نرخ رشد جمعیت زیر ۱۵ سال است و نرخ رشد جمعیت فعال (۱۵-۶۴ سال) کمترین اثر را دارد.

در پژوهش‌های خارجی نیز پیش‌بینی پژوهش (Jain & Goli, 2022) حاکی از آن بود که فرصت‌های جمعیتی مؤثر برای هند بین سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۴۱ در دسترس است و برداشت سود جمعیتی مشروط به حمایت از محیط سیاست اجتماعی - اقتصادی از نظر سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و فرصت‌های شغلی مناسب است. همچنین در پژوهشی (Liu & et al., 2022) در مورد تأثیر تغییر ساختار سنی جمعیت بر رشد اقتصادی در چین مشخص شد که سطح کل بازده اجتماعی با احتمال بقا همبستگی مثبت دارد. سهم پیری نیروی کار (تأخیر در سن بازنشستگی) به کل تولید قابل توجه است و منبع اساسی رشد اقتصادی پایدار است. تولید کل ابتدا افزایش می‌یابد و سپس با افزایش نرخ سهم بازنشستگی فردی کاهش می‌یابد و همبستگی بین این دو یک منحنی $\cap$ شکل است. پیامدهای سیاستی این مطالعه این بود که تحول اقتصادی چین یک روند کلی است که باید ارتقاء سود جمعیتی از نوع کمی را به نوع کیفی ترویج کند و بهره‌برداری از ظرفیت سرمایه انسانی برای افزایش سود جمعیتی مبتنی بر سرمایه و فعال کردن سود جنسیتی را پیش گیرد. یافته‌های (Huang & et al., 2019) مؤید آن بود که سیاست دوفرنزدی در چین منجر به کاهش فشار ناشی از کمبود نیروی کار و مشکلات پیری تا حدودی خواهد شد. آزادسازی کامل سیاست‌های باروری با افزایش بودجه بازنشستگی و فرزندپروری، بهبود کیفیت خدمات بهداشتی برای زنان و کودکان و گسترش آموزش اجباری برای پاسخگویی به نیازهای یک جامعه سالمند توصیه می‌شود (Dykas & et).

(al., 2018). نیز با بهره‌گیری از مدل رشد سولو - سوان در دوره ۲۰۵۰-۲۰۰۰ و پیش‌بینی جمعیت لهستان به ارائه سناریوهای خاص ناشی از عوامل جمعیتی و سایر فرایندهای بازار مثل کاهش بیکاری (به‌عنوان مثال استفاده بهتر از منابع انسانی)، مشارکت بیشتر زنان در بازار، افزایش سن بازنشستگی، جبران کاهش جمعیت از طریق بهره‌گیری از منابع انسانی - کاهش در بیکاری، مشارکت بیشتر زنان در بازار و افزایش داوطلبانه سن بازنشستگی پرداختند. (Loichinger & et al., 2017) که تنوع نسبت وابستگی اقتصادی را برای منتخبی از کشورهای اروپایی در پژوهش خود مقایسه کردند نشان دادند که این نسبت‌های وابستگی نه تنها ساختار جمعیتی، بلکه تفاوت‌های رفتار اقتصادی خاص سنی مانند فعالیت در بازار کار، درآمد و مصرف و همچنین نقل‌وانتقالات عمومی ویژه سن را نیز در نظر می‌گیرند. تحلیل آنها از تفاوت‌های بین کشوری در وابستگی اقتصادی نشان داد که این تفاوت‌ها ناشی از تفاوت‌ها در رفتار اقتصادی خاص سنی و ترکیب سنی جمعیت‌ها است و در این بین راهبردهای اتخاذ شده ممکن است در کاهش افزایش مورد انتظار در وابستگی اقتصادی به دلیل تغییرهای جمعیتی مؤثر باشند. (Abrigo & et al., 2016) نشان دادند که برخی از گروه‌های جمعیتی با توجه به تفاوت‌های ثبت شده در سطوح باروری آنها در امتداد انتقال جمعیتی دورتر هستند، در حالی که برخی دیگر از آنها عقب مانده‌اند. علاوه بر این، گروه‌های مختلف می‌توانند برنامه چرخه عمر اقتصادی متفاوتی داشته باشند. نتایج پژوهش (Islam, 2016) حاکی از آن است که فرصت‌های جمعیتی در بنگلادش که از دهه ۱۹۹۰ پدیدار شد، چندان دوام نخواهد آورد و در آینده نزدیک تکرار نخواهد شد. در طول دهه ۲۰۲۰ به اوج خود می‌رسد و تا سال ۲۰۳۰ بازمی‌ماند.

مطالعات مطرح شده نشان می‌دهد که از جمله مؤلفه‌های تأثیرگذار جمعیت بر رشد اقتصادی گذار جمعیتی و گذار سنی و نرخ وابستگی جمعیتی می‌باشد. در رابطه با این پژوهش و پرداخت به موضوع‌های ساختار سنی و تحولات آن و تأثیرهایی که در اقتصاد می‌تواند داشته باشد، پیشینه‌هایی با اهداف و روش‌ها و نرم‌افزارهای مختلفی صورت گرفته است؛ لذا نقطه عطف این پژوهش پرداخت به مباحث گذار سنی و شاخص وابستگی جمعیت با بهره‌گیری از رویکرد پویایی سیستم‌ها در پیش‌بینی تحولات ساختاری جمعیت ایران تا سال ۱۴۵۵ و تحلیل اثرهای اقتصادی این مؤلفه‌ها می‌باشد.

۳. ملاحظه‌های نظری

۳-۱. تعریف مفاهیم

۱- **ساختار جمعیتی:** بررسی ساخت سنی و جنسی (به‌ویژه ساخت سنی) از ابتدایی‌ترین و مهم‌ترین قسمت‌های یک مطالعه جمعیت‌شناختی است. طبق تعریف، توزیع جمعیت را بر اساس سن و جنس، ساختار سنی و جنسی گویند.

۲- **گذار جمعیتی:** حرکت از میزان‌های باروری بالا و میزان‌های مرگ‌ومیر بالا به سوی میزان‌های مرگ‌ومیر پایین و پس از آن میزان‌های باروری پایین است. به بیان دیگر، گذار جمعیتی فرایندی است که در آن، جمعیت‌ها در ابتدا، از باروری و مرگ‌ومیر بالا با توزیع سنی جوان و در نتیجه، رشد پایین جمعیت کل، به‌سوی باروری و مرگ‌ومیر پایین با توزیع سنی پیر و در نتیجه نرخ رشد پایین جمعیت کل حرکت می‌کنند (محبی میمن‌دی و دیگران، ۱۴۰۱).

۳- **گذار ساختار سنی جمعیت:** گذار ساختار سنی، بخش مکمل فرایند گذار جمعیتی است. کاهش‌های باروری و مرگ‌ومیر که در بستر گذار جمعیتی رخ می‌دهد، به تغییرهای اساسی در ساختار سنی جمعیت منجر می‌شوند. افزایش امید به زندگی در بدو تولد در مراحل اولیه گذار جمعیتی، باعث افزایش جمعیت کودکان شده و در مراحل پایانی گذار، افزایش آن به افزایش جمعیت سالمندان منجر می‌شود. البته تغییرها در مرگ‌ومیر، کمتر از تغییرهای باروری توزیع سنی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ زیرا کاهش‌های مرگ‌ومیر، معمولاً تمام سنین را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ درحالی‌که کاهش‌های باروری، تعداد افراد جدید وارد شده به جمعیت را در هرم سنی جمعیت تحت تأثیر قرار می‌دهد. ازاین‌رو قبل از شروع گذار جمعیتی، زندگی‌ها کوتاه، مولید زیاد، رشد جمعیت کند و ساختار جمعیت جوان است. در بستر گذار جمعیتی، ابتدا مرگ‌ومیر و سپس باروری کاهش می‌یابد و در نتیجه، میزان رشد جمعیت، ابتدا افزایش سریعی دارد و سپس دوباره کاهش می‌یابد. با حرکت به سمت باروری پایین و زندگی طولانی، یک جمعیت سالخورده شکل خواهد گرفت (عزتی و دیگران، ۱۳۹۸).

۴- **پنجره جمعیتی:** بخش جمعیت سازمان ملل، پنجره جمعیتی را به‌عنوان دوره‌ای تعریف می‌کند که در آن نسبت جمعیت زیر ۱۵ ساله کمتر از ۳۰ درصد می‌شود؛ درحالی‌که نسبت جمعیت ۶۵ ساله و بالاتر هنوز زیر ۱۵ درصد است. تعریف عملیاتی دیگری، دوره‌ای که در آن نسبت وابستگی کل کمتر از ۵۰/۵ درصد باشد (سرای، ۱۳۸۸).

۵- نرخ وابستگی: نسبت وابستگی یا بار تکفل در یک جامعه عبارت است از ایجاد ارتباط بین یک فرد فعال و تعداد افراد غیرفعال که به او وابسته هستند. بار تکفل بیانگر وابستگی فرد یا افرادی به جامعه است؛ زیرا برای تداوم زیست خود از جامعه کمک می‌گیرند بدون آنکه به‌جای آن کالا یا خدمتی ارائه کنند. نسبت وابستگی از طریق تقسیم جمعیت افرادی که در سنین فعالیت نمی‌باشند (کودکان زیر ۱۵ سال و افراد ۶۵ ساله و بیشتر) بر روی جمعیت بالقوه فعال (جمعیت بین ۱۵ تا ۶۴ سال) به‌دست می‌آید. این نسبت حاکی از بار اقتصادی وارد بر جمعیت بالقوه فعال است.

۳-۲. مبانی نظری

۳-۲-۱. جمعیت و رشد و توسعه اقتصادی

یکی از مباحث مهم در حوزه جمعیت و ارتباط آن با اقتصاد، تأثیر جمعیت بر توسعه اقتصادی است که نظریه‌های گوناگونی در این زمینه مطرح شده است. این نظریه‌ها را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم‌بندی کرد: نظریه‌های دسته نخست که عمدتاً در قرن نوزده و اوایل قرن بیستم مطرح بوده است، نگاهی منفی داشته و افزایش جمعیت را مانع توسعه اقتصادی کشورها می‌داند. نظریه‌های دسته دوم که از نیمه دوم قرن بیستم شروع شده و تاکنون نیز ادامه دارد برخلاف دسته اول نگاهی مثبت به جمعیت داشته و آن را شرط لازم توسعه اقتصادی می‌داند. دسته سوم از دهه هشتاد آغاز شده و موضوع جمعیت را امری بی‌اثر و خنثی نسبت به توسعه اقتصادی می‌داند (عالمی نیسی، ۱۳۹۷). دیدگاه‌های مذکور از تأثیرهای ساختار سنی جمعیت و تغییرهای آن در رشد و توسعه اقتصادی، غافل مانده‌اند. حال آنکه ساختار سنی جمعیت، با توجه به رفتار اقتصادی متفاوت افراد در مسیر و مراحل زندگی، می‌تواند اثرهای قابل توجهی در عملکرد اقتصادی داشته باشد. نظریه‌ها و مدل‌های مختلفی به تبیین اهمیت ساختار سنی بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند (عزتی و دیگران، ۱۳۹۸).

۳-۲-۲. رویکرد گذار جمعیتی بر تغییرهای ساختار جمعیت

در رویکرد گذار جمعیتی، تغییرهای ساختار جمعیتی کشور در مراحل مختلف مطالعه می‌شود: مرحله اول با نرخ بالایی تولد و مرگ‌ومیر شروع می‌شود و سپس (با پیشرفت بهداشت عمومی، درمان و دانش پزشکی) نرخ مرگ‌ومیر کاهش یافته و گروه‌های جوان‌تر افزایش می‌یابد. این مرحله از لحاظ زمانی، بعد از پایان جنگ

جهانی دوم در کشورهای در حال توسعه شروع شده و شتاب گرفته است. مرحله بعدی گذار جمعیتی کاهش یکباره نرخ باروری است. چراکه با افزایش شانس (ادامه حیات کودکان) زاد و ولد (بر اثر تغییرهای رفتاری و اجتماعی) کاهش یافته و در مرحله بعدتر رشد جمعیت متوقف می‌شود. از این رو گذار جمعیتی، در ابتدا باعث شتاب گرفتن رشد جمعیت می‌شود، سپس کاهش و احتمالاً هنگامی که گذار کامل شد به سطح ثابت (پیش از گذار) برمی‌گردد. بدین ترتیب گذار جمعیتی در ابتدا مانعی در راه رشد اقتصادی محسوب می‌شود؛ چراکه نرخ رشد جمعیت، سریع‌تر از نرخ رشد جمعیت در سن کار افزایش می‌یابد. در مرحله بعد با کاهش باروری، گذار جمعیت سبب ایجاد فایده جمعیتی می‌شود (چراکه رشد جمعیت در سن کار سریع‌تر از رشد کل جمعیت است) (Bloom & et al., 2007).

۳-۲-۳. ساختار سنی و وابستگی جمعیت

آثار و پیامدهای تغییرهای ساختار سنی بر رشد پایدار اقتصادی و اجتماعی، موضوعی مهم در مطالعات اقتصاد جمعیت قلمداد شده است (Mason, 2005; Bloom; Canning & Sevilla, 2003)، ساختار سنی در چهار مرحله متمایز: فاز کودکی، فاز جوانی، فاز میانسالی یا بلوغ جمعیت و در نهایت فاز سالمندی به‌عنوان گذار ساختار سنی شناخته می‌شوند که افزایش چشمگیر جمعیت در یکی از این گروه‌ها اتفاق می‌افتد (Malmberg & Sommestad, 2000). یکی از عوامل مؤثر در بررسی تغییرهای جمعیت فعال، شناخت ترکیب سنی جمعیت و نسبت افراد فعال در سنین مختلف است. تعداد افراد جوینده کار در یک کشور، به اندازه و ترکیب سنی جمعیت کل آن کشور بستگی دارد. رویکرد اقتصاد جمعیتی میسون، نشان داد که تحول در ساختار سنی جمعیت، تحت عنوان پنجره جمعیت، به اشکال متفاوتی، فرصت‌های رشد تولید سرانه را به همراه دارد. افزایش درصد جمعیت در سن کار نسبت به کل جمعیت، باعث افزایش تولید ناخالص داخلی شده و به دنبال آن افزایش تعداد تولیدکنندگان، یعنی افزایش جمعیت در سن کار، نسبت به تعداد مصرف‌کنندگان که همان جمعیت کودکان و نوجوانان و سالمندان را شامل می‌شود؛ به‌طور طبیعی افزایش تولید سرانه را منجر خواهد شد (Mason, 2005).

تغییرهای ساختار سنی و مراحل انتقال جمعیتی بر عرضه نیروی کار تأثیر می‌گذارد و این اثر از سالخوردگی و ازدیاد مولید نشئت می‌گیرد. زمانی که این جمعیت به سنین بین ۱۵ تا ۶۴ سالگی یعنی گروه سنی جمعیت فعال می‌رسند،

میل به کار کردن دارند و منطق بر این است که از وضعیت وابسته به وضعیت مستقل روی بیاورند. با ورود موج فرزندان متولدشده در سال‌های باروری بالا به زندگی بزرگسالی، بازار کار با جذب حجم بزرگتری از نیروی کار روبه‌رو خواهد بود و سرانه تولید ناخالص داخلی افزایش خواهد یافت (حسین‌زاده، ۱۳۹۸).

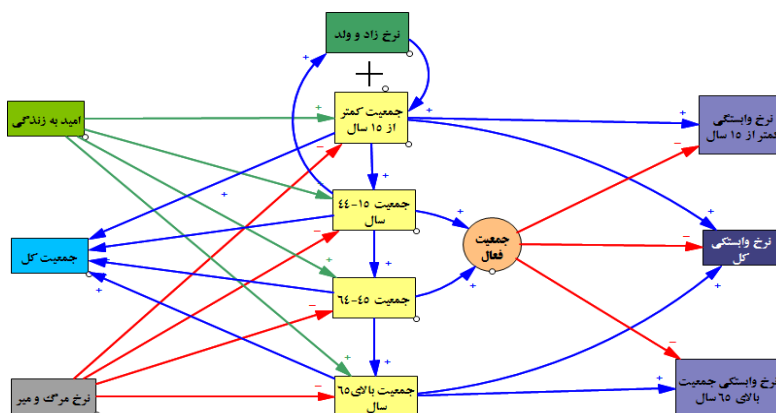
سالمندی جمعیت، به معنای افزایش نسبت سالمندان در جمعیت است یعنی کاهش نسبت افراد ۱۴-۰ ساله و به دنبال آن افزایش نسبت افراد ۶۰ یا ۶۵ سال و بالاتر. در این راستا سازمان ملل متحد هر کشوری را به عنوان ملت پیر یا ملت خاکستری به رسمیت می‌شناسد که سهم سالمندان در کل جمعیت کشور مربوطه از ۷ درصد بیشتر باشد. از این رو این پدیده می‌تواند مهم‌ترین پدیده جمعیتی جهان و مهم‌ترین موضوع آینده‌پژوهی کشورها باشد؛ اما پدیده سالخوردگی بیش از هر چیز معلول دو عامل جمعیت‌شناختی و تغییرهای آن است: اول. کاهش باروری و تداوم آن در یک دوره نسبتاً طولانی مدت و دوم. کاهش مرگ‌ومیر یا افزایش امید به زندگی. در کنار این دو عامل، مؤلفه سوم جمعیتی یعنی مهاجرت نیز در سالخوردگی جمعیت به‌ویژه در سطح منطقه‌ای و نواحی مختلف یک کشور می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. سالخوردگی جمعیت معمولاً در ارتباط با مراحل پایانی انتقال جمعیت است که کاهش پیوسته در باروری و به دنبال آن کاهش جمعیت گروه‌های جوان‌تر به وقوع می‌پیوندد. افزایش امید به زندگی منتج از کاهش مرگ‌ومیر، در تشدید فرایند سالخوردگی جمعیت نقش قابل ملاحظه‌ای دارد. بدین ترتیب، در روند انتقال جمعیت، تغییرهای شگرفی در ساخت سنی جمعیت پدید می‌آید که از آن با عنوان انتقال سنی یاد می‌شود. سالخوردگی جمعیت، یکی از مراحل پایانی انتقال سنی است (ضرغامی و میرزایی، ۱۳۹۴).

در بحث ساختاری جمعیت، شاخصی با عنوان شاخص وابستگی جمعیت وجود دارد که در بسیاری از تحلیل‌های اقتصادی و اجتماعی یکی از اهرم‌های مؤثر توسعه کشورها به‌شمار می‌رود. این شاخص از تقسیم جمعیت خارج از سن کار بر جمعیت حاضر در سن کار به‌دست می‌آید. به این معنی که جمعیت خارج از سن کار (زیر ۱۵ و بالای ۶۵ سال) به جمعیتی که توانایی کار کردن را دارند (از ۱۵ سال تا ۶۵ سال)، وابسته است (WDI, 2017).

بدین ترتیب اگر غالب جمعیت کشوری در سنین کودکی یا سنین سالخوردگی یعنی سنین عدم فعالیت قرار داشته باشند، شاهد افزایش فشار اقتصادی بر جمعیت فعال و شاغل جامعه خواهیم بود و متعاقباً این موضوع موجب افزایش نسبت

وابستگی (بار تکفل) شده و آثار منفی بر رشد اقتصادی خواهد داشت (Solow, 1956; Banerjee; Dolado & Mestre, 1998).

رابطه مفاهیم مورد بحث به صورت شکل ۱ در قالب مدل مفهومی پژوهش نشان داده می شود:



شکل (۱): مدل مفهومی یژوهش

در شکل ۱، خطوط آبی آثار مثبت، خطوط قرمز آثار منفی و خطوط سبز آثار تقویتی بر جمعیت را نشان می‌دهد. توضیح اینکه نرخ زادوولد تأثیر مثبت بر جمعیت کمتر از ۱۵ سال دارد و از طرفی جمعیت ۱۵ الی ۴۴ سال که همان جمعیت بارور می‌باشد، تأثیر مثبت بر نرخ زادوولد دارد. تجمع چهار گروه سنی جمعیت کل را تشکیل می‌دهد. امید به زندگی تأثیر مثبت و مرگ‌ومیر تأثیر منفی بر چهار گروه جمعیتی در مدل بالا خواهد داشت و از طرفی گروه سنی زیر ۱۵ سال اثر مثبت بر نرخ وابستگی جمعیت کمتر از ۱۵ سال دارد و گروه سنی ۶۵ سال به بالا اثر مثبت بر نرخ وابستگی جمعیت بالای ۶۵ سال دارد. همچنین گروه‌های سنی زیر ۱۵ سال و بالای ۶۵ سال که جمعیت سربار را تشکیل می‌دهند؛ آثار مثبت بر نرخ وابستگی کلی دارند؛ در صورتی که دو گروه سنی ۱۵ الی ۴۴ سال و ۴۵ الی ۶۴ (گروه سنی جمعیت فعال)، تأثیر منفی بر هر سه نرخ وابستگی دارند.

۴. روش پژوهش

این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار "Vensim" و بهره‌گیری از مدل جهانی "World 3"^۱ با هدف ارائه سناریوهای مختلف روند باروری، سعی در پیش‌بینی جمعیت کل و میزان وابستگی جمعیت در سنین گروه کودک و نوجوان و سال خورده نموده است. همچنین پژوهش حاضر نرخ وابستگی کلی کشور تا سال ۱۴۵۵ بررسی شده و به تحلیلی پویا از این منظر برای پیماد اقتصادی کشور پرداخته است.

۴-۱. مدل پژوهش و روش برآورد

مدل‌سازی به روش سیستم دینامیک پویایی شناسی سیستم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین روش‌های تفکر سیستمی اولین بار توسط فارستر^۲ (۱۹۶۱) به‌منظور شناسایی و تبیین رفتار غیرخطی سیستم‌های پیچیده و همچنین چگونگی تعامل آنها با یکدیگر مطرح شد. به اعتقاد فارستر روش‌های کمی توان حل مشکلات واقعی ندارند چراکه برخی از مسائل و موضوع‌ها هیچ‌گونه قابلیت کمی شدن را ندارند و روابطی که بین آنها تعریف شده، خطی نیست؛ اما روش سیستم‌های پویا امکان تمرکز بر فرایند بازخورد و نیز تعبیین روابط بین سیستم‌های گوناگون را دارد. در اوایل دهه ۷۰ وی با بهره‌گیری از این الگو ارتباط بخش‌های مختلف حاکم بر دنیا را در قالب مدلی به نام «world1» مطرح کرد. مدل پیشرفته این الگو تحت عنوان «world2» و بعدها به نام «world3» در سطحی گسترده‌تر با هدف بررسی چالش‌ها و مسائل مختلف ایجاد و آزمون شد. این مدل شامل حوزه‌های مختلفی است که مهم‌ترین بخش آن جمعیت و متغیرهای تأثیرگذار بر آن است.

با توجه به قابلیت‌های روش پویایی‌های سیستم در شبیه‌سازی و تحلیل رفتار سیستم‌های پیچیده؛ این الگو طی چند دهه گذشته در حوزه‌های مختلف خصوصاً سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی کاربرد فراوانی داشته است و برنامه‌ریزان و پژوهشگران و اندیشمندان زیادی در سیاست‌های ملی و بین‌المللی؛ همچون

۱. مدل World3 یک مدل دینامیک سیستم برای شبیه‌سازی رایانه‌ای ارتباطات بین جمعیت، رشد اقتصادی و محدودیت‌های موجود در اکوسیستم‌های است. این مدل در ابتدا توسط یک مطالعه باشگاه رم که مدل و کتاب محدودیت‌های رشد (۱۹۷۲) را طراحی شده است کرد، طراحان اصلی این مدل دنیس میدوز، مدیر طرح و گروهی متشکل از ۱۶ محقق بودند. آخرین به‌روزرسانی آن در سال ۲۰۲۲ در تارنمای: <https://insightmaker.com> موجود است.

دستیابی به اهداف تعیین شده هزاره سوم (MDG)^۱ به واسطه این روش به شبیه‌سازی، سناریو پردازی و پیش‌بینی تأثیرهای متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی در میان کشورها پرداخته‌اند (Pedercini & Barney, 2010).

با توجه به اهمیت پویایی جمعیت و تأثیرهای و پیامدهای اقتصادی ساختار سنی جمعیت و نرخ وابستگی جمعیتی، این مطالعه با استفاده از مدل پویایی سیستم، روند رشد جمعیت و نرخ وابستگی جمعیتی را طی سال‌های ۱۳۵۵ الی ۱۴۵۵ مطالعه نموده است. پژوهش حاضر از نوع تحلیلی-توصیفی و از لحاظ هدف کاربردی و از نظر چگونگی داده‌های مورد نیاز از نوع کتابخانه‌ای می‌باشد. بدین‌منظور در مرحله اول به مسئله‌شناسی یعنی بررسی روند تحولات ساختاری جمعیت و نرخ وابستگی جمعیتی در افق زمانی تعیین شده پرداخته، سپس با مشخص کردن متغیرهای کلیدی به ارائه الگوی تحلیلی پرداخته است. شکل‌گیری فرضیه‌های پویا بر اساس روابط علت و معلولی و چگونگی ارتباط متغیرها با یکدیگر در مرحله بعد صورت گرفته است. با توجه به این روابط، الگوی حلقه‌ای بین متغیرها و قطبیت آنها تعیین شده است؛ فرضیه‌ها نیز به صورت پویا تدوین شدند تا خصوصیات پویای مسئله را با بازخوردها و نمودارهای جریان - حالت نشان دهند. در ادامه چگونگی رفتار و اثرگذاری متغیرها بر یکدیگر در قالب روابط و توابع ریاضی تعریف شده و آن گاه با در نظر داشتن روابط بین متغیرها، ارتباط سیستمی کل متغیرهای تعریف شده به صورت روابط علت و معلولی و نیز وضعیت هر متغیر در نمودار پویایی‌های سیستم مشخص و تعیین شد.

در گام بعدی (شبیه‌سازی و اعتبارسنجی الگو) پس از تعریف الگوی پویایی‌های سیستم، رفتار آن جهت تعیین میزان جمعیت در چهار گروه سنی تعیین شده طی افق زمانی مورد نظر شبیه‌سازی شد. وضعیت متغیرها نیز برای دوره‌های آینده مشخص شده و سپس اعتبار الگو با روش تحلیل حساسیت و کاربرد سناریوهای مختلف ارزیابی شد. درنهایت، با توجه به نتایج حاصل از شبیه‌سازی، سیاست‌ها و پیشنهادها لازم برای دوره‌های آینده و شرایط احتمالی ارائه شد.

۴-۲. متغیرها

متغیرهای مورد استفاده در این الگو شامل سه گروه هستند:

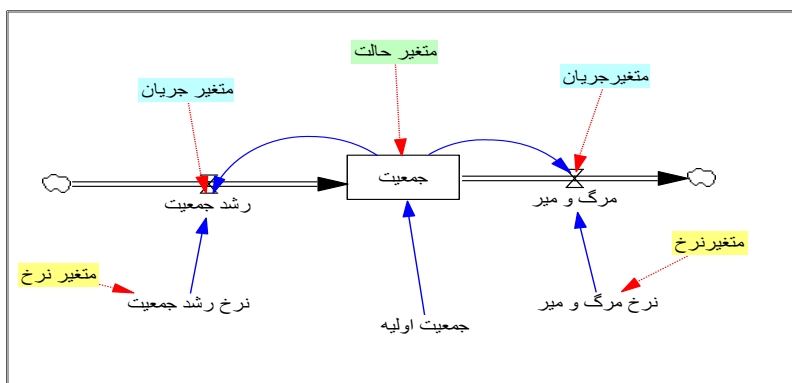
گروه اول: متغیرهای حالت: این متغیرها نشان‌دهنده انباشت در یک دوره زمانی

1. Millennium Development Goals

می‌باشند که در طول زمان با توجه به متغیر نرخ، افزایش و یا کاهش پیدا می‌کنند. مهم‌ترین متغیر حالت تعریف شده در این الگو جمعیت می‌باشد. گروه دوم: متغیرهای جریان (نرخ): این متغیرها تعیین‌کننده متغیرهای گروه اول یعنی متغیر حالت در سیستم می‌باشند؛ مانند میزان زادوولد، میزان مرگ‌ومیر. گروه سوم: متغیرهای کمکی: این متغیرها شامل متغیرهای دیگر بوده و مقدار مستقلی از مقدار متغیرها در دوره‌های زمانی قبل دارند. مانند نرخ رشد جمعیت و نرخ مرگ‌ومیر.

۳-۴. ارتباط بین متغیرها

ارتباط بین متغیرهای حالت، جریان (نرخ) و متغیرهای کمکی به شرح شکل ذیل به‌دست آمد:

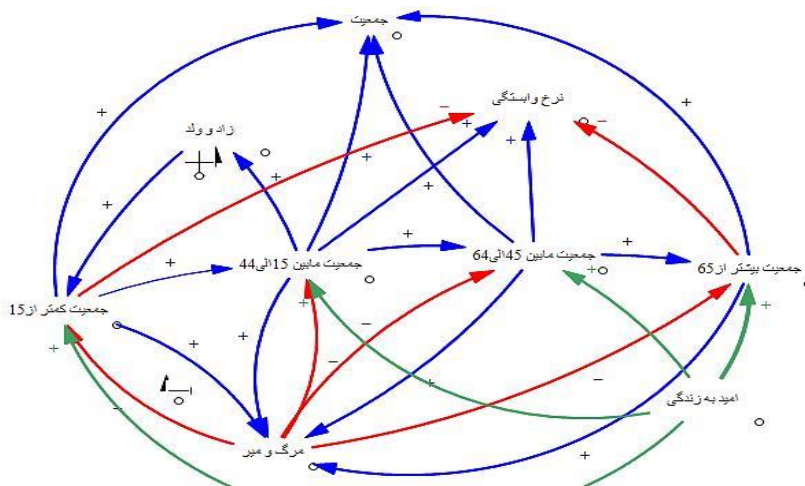


منبع: (یافته‌های پژوهش)

شکل (۲): نحوه استفاده از سه متغیر حالت، جریان و نرخ

۴-۴. نمودار علی مدل

یکی از قابلیت‌های روش پویای سیستمی برای بیان ارتباط بین متغیرها، استفاده از نمودارهای علت و معلولی می‌باشد. این نمودار شکل ۳، بر اساس مفروضات پژوهش ترسیم شده است. به عبارتی افزایش یا کاهش نرخ رشد جمعیت، در روند رشد ساختارهای چهارگانه جمعیت و در نهایت بر کل جمعیت تأثیرهای مثبت و منفی دارد.



منبع: (یافته‌های پژوهش)

شکل (۳): مدل علی پژوهش جمعیت

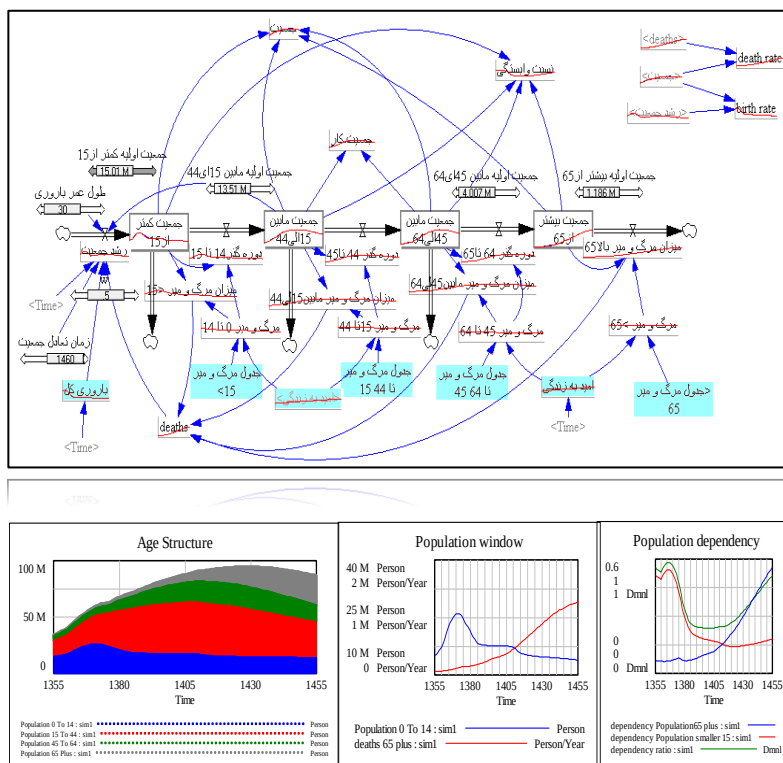
در شکل ۳، خطوط آبی اثر مثبت متغیر و خطوط قرمز اثر منفی متغیرها را بر یکدیگر نشان می‌دهند همچنین خطوط سبز را می‌توان سیاست‌های تقویتی جمعیت در نظر گرفت. به این معنی که افزایش رشد جمعیت در هر چهار گروه سنی؛ تأثیر مثبت بر همدیگر دارند و این افزایش نیز تأثیر مثبت بر میزان مرگ‌ومیر دارد. در حالی که افزایش مرگ‌ومیر تأثیر منفی بر افزایش جمعیت در هر چهار گروه دارد. البته این تأثیر بر گروه‌های مختلف متفاوت است؛ پس علامت دایره بازخوران آنها منفی خواهد بود. این تأثیرها یک لوپ منفی تشکیل می‌دهد. همچنین با افزایش جمعیت کمتر از ۱۵ سال، جمعیت ۱۵ الی ۴۴ سال افزایش یافته و افزایش گروه سنی باروری باعث افزایش رشد جمعیت می‌شود. پس علامت دایره بازخوران آنها مثبت خواهد بود. همچنین متغیر امید به زندگی باعث افزایش در هر چهار گروه سنی خواهد شد. فرضیه‌های دینامیکی بر اساس روابط علت و معلولی و چگونگی ارتباط متغیرها با یکدیگر و همچنین آثار مثبت و منفی متغیرها بر یکدیگر نشان داده شده است.

۴-۵. انباشت جریان مدل جمعیت

در مطالعه حاضر، جهت تجزیه و تحلیل بهتر روند تغییرهای جمعیتی، مدل برای چهار

گروه سنی زیر ۱۵ سال، ۱۵ الی ۴۴ (سن بارور)، ۴۵ الی ۶۴ سال و جمعیت بالای ۶۵ سال تفکیک شده است که گروه اول و چهار جمعیت وابسته و گروه دوم و سوم گروه فعال در نظر گرفته شده است. گراف شماره ۴، نمودار انباشت جریان مدل جمعیت بر اساس ساختار سنی چهارگانه کشور نشان داده می‌شود.

در گام نهایی شکل شماره ۴، بعد از ران کردن مدل شبیه‌سازی برای به‌دست آوردن روند رشد جمعیت در چهار ساختار با استفاده از مدل جهانی «World3» طراحی شده توسط (Forrester, 1970; Cellier, 2008). برای جمعیت کشور ایران با استفاده از داده‌های جمعیتی مرکز آمار و بانک جهانی از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۴۵۵ اقدام شد.



منبع: (یافته‌های پژوهش)

شکل (۴): نمودار انباشت جریان مدل شبیه‌سازی شده جمعیت و نرخ وابستگی کشور

جدول شماره ۱، داده‌های حاصل از خروجی مدل شبیه‌سازی را نشان می‌دهد. در این جدول داده‌های آماری از سال ۱۳۵۵ و داده‌های پیش‌بینی شده پژوهش

مرکز آمار (سال ۱۴۰۰ الی ۱۴۳۰)، همچنین داده‌های پیش‌بینی شده مدل با فرض نرخ باروری ۱/۶ تا سال ۱۴۵۵ در چهار گروه سنی و نرخ وابستگی به گروه فعال (گروه سنی ۱۵ الی ۴۴-۴۵ الی ۶۴ سال) به تفکیک جمعیت‌های کمتر از ۱۵ و بیشتر از ۶۵ سال و نرخ وابستگی کل به نیروی فعال نشان داده می‌شود.

جدول (۱): نتایج داده‌های شبیه‌سازی شده بر حسب میلیون نفر از سال (۱۳۵۵ الی ۱۴۵۵)

سال	کل جمعیت		جمعیت ۱۴-۰		جمعیت ۱۵ الی ۴۴		جمعیت ۴۵ الی ۶۴		جمعیت بالای ۶۵		جمعیت کار	
	پیش‌بینی	داده آماری	پیش‌بینی	داده آماری	پیش‌بینی	داده آماری	پیش‌بینی	داده آماری	پیش‌بینی	داده آماری	پیش‌بینی	داده آماری
۱۳۵۵	۳۳/۷۱	۳۳/۷۱	۱۵/۰۱	۱۴/۶۱	۱۳/۵۱	۴/۰۱	۴/۰۱	۴/۰۱	۱/۱۹	۱/۱۹	۱۷/۵۱	۱۷/۵۱
۱۳۶۵	۳۳/۷۱	۳۳/۷۱	۱۵/۰۱	۱۴/۶۱	۱۳/۵۱	۴/۰۱	۴/۰۱	۴/۰۱	۱/۱۹	۱/۱۹	۱۷/۵۱	۱۷/۵۱
۱۳۷۵	۳۳/۷۱	۳۳/۷۱	۱۵/۰۱	۱۴/۶۱	۱۳/۵۱	۴/۰۱	۴/۰۱	۴/۰۱	۱/۱۹	۱/۱۹	۱۷/۵۱	۱۷/۵۱
۱۳۸۵	۳۳/۷۱	۳۳/۷۱	۱۵/۰۱	۱۴/۶۱	۱۳/۵۱	۴/۰۱	۴/۰۱	۴/۰۱	۱/۱۹	۱/۱۹	۱۷/۵۱	۱۷/۵۱
۱۳۹۵	۳۳/۷۱	۳۳/۷۱	۱۵/۰۱	۱۴/۶۱	۱۳/۵۱	۴/۰۱	۴/۰۱	۴/۰۱	۱/۱۹	۱/۱۹	۱۷/۵۱	۱۷/۵۱
۱۴۰۰	۳۳/۷۱	۳۳/۷۱	۱۵/۰۱	۱۴/۶۱	۱۳/۵۱	۴/۰۱	۴/۰۱	۴/۰۱	۱/۱۹	۱/۱۹	۱۷/۵۱	۱۷/۵۱
۱۴۱۰	۳۳/۷۱	۳۳/۷۱	۱۵/۰۱	۱۴/۶۱	۱۳/۵۱	۴/۰۱	۴/۰۱	۴/۰۱	۱/۱۹	۱/۱۹	۱۷/۵۱	۱۷/۵۱
۱۴۲۰	۳۳/۷۱	۳۳/۷۱	۱۵/۰۱	۱۴/۶۱	۱۳/۵۱	۴/۰۱	۴/۰۱	۴/۰۱	۱/۱۹	۱/۱۹	۱۷/۵۱	۱۷/۵۱
۱۴۳۰	۳۳/۷۱	۳۳/۷۱	۱۵/۰۱	۱۴/۶۱	۱۳/۵۱	۴/۰۱	۴/۰۱	۴/۰۱	۱/۱۹	۱/۱۹	۱۷/۵۱	۱۷/۵۱
۱۴۴۰	۳۳/۷۱	۳۳/۷۱	۱۵/۰۱	۱۴/۶۱	۱۳/۵۱	۴/۰۱	۴/۰۱	۴/۰۱	۱/۱۹	۱/۱۹	۱۷/۵۱	۱۷/۵۱
۱۴۵۵	۳۳/۷۱	۳۳/۷۱	۱۵/۰۱	۱۴/۶۱	۱۳/۵۱	۴/۰۱	۴/۰۱	۴/۰۱	۱/۱۹	۱/۱۹	۱۷/۵۱	۱۷/۵۱

منبع: (یافته‌های پژوهش؛ داده‌های آماری ۱۴۳۰-۱۴۰۰، داده‌های پیش‌بینی شده در پژوهش‌های مرکز آمار بر حسب نرخ باروری ۱/۶ می‌باشد).

جدول ۱ تغییر IHD گروه‌های عمده سنی کشور را طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۴۵۵ نشان می‌دهد. با این توضیح که روند رشد جمعیت از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۴۲۵ صعودی بودی به‌طوری‌که از ۳۳۷۰۸۸۰۰ نفر به ۹۴۱۳۲۰۰۰ نفر رسید و از این سال به بعد این روند نزولی شده و به ۸۶۴۱۶۴۰۰ نفر در سال ۱۴۵۵ خواهد رسید. نتایج تمام آزمون‌های اعتبارسنجی شبیه‌سازی همچون آزمون رفتار مجدد و تحلیل حساسیت و نیز مقادیر حداقل خطای مجذورات، ضریب نابرابری و ریشه‌های خطا نشان‌دهنده اعتبار بالای پیش‌بینی می‌باشند. جدول ۲ نتایج آزمون خطاهای الگو را نشان می‌دهد.

جدول (۲): نتایج آزمون خطاهای الگو بر حسب دوره شبیه‌سازی

محاسبه ریشه‌های خطا			شاخص ناابرابری (UT)	حداقل خطای مجدورات درصد (RMSPE)	شاخص آزمون خطا متغیرهای کلیدی الگو
U ^c	U ^s	U ^m			
۰/۳۶	۰/۰۱	۰/۶۳	۰/۰۰۳۳	۱/۷۸	جمعیت کل
۰/۹	۰/۰۹	۰/۰۱	۰/۰۰۲۱	۱/۲	جمعیت کمتر از ۱۵
۰/۸۹۴	۰/۰۰۱	۰/۱۰۵	۰/۰۰۲۴	۱/۷۷	جمعیت بیشتر از ۶۵
۰/۹۵۵۹	۰/۰۴۳۶	۰/۰۰۰۵	۰/۱۷	۵/۱۹	نرخ وابستگی کمتر از ۱۵
۰/۹۸۲۱	۰/۰۰۰۲	۰/۰۱۷۷	۰/۰۰۰۵	۵/۳۵	نرخ وابستگی +۶۵
۰/۹۵۶۰	۰/۰۴۳۹	۰/۰۰۰۱	۰/۰۱۴	۵/۱۴	نرخ وابستگی کل

منبع: (یافته‌های پژوهش)

۵. یافته‌های پژوهش

بدین ترتیب در پاسخ به سوال اول پژوهش که عبارت بود از: پیش‌بینی تحولات جمعیتی بر اساس مدل شبیه‌سازی شده تا افق ۱۴۵۵ و فرآیندهای مربوطه چگونه خواهد بود؟

با توجه به نتایج شبیه‌سازی انجام شده در بخش قبل و داده‌ها و نتایج تجربی و جدول شماره ۱؛ داده‌ها نشان می‌دهد در سال ۱۳۵۵ سهم قابل توجهی از جمعیت کشور در سنین ۱۴-۰ سال ۴۵ درصد قرار داشته‌اند. بر اساس داده‌های به‌دست آمده این روند در سال ۱۴۵۵ به ۱۶ درصد خواهد رسید. درمقابل سهم جمعیت سالخورده سال ۶۵+ با یک روند رشدی فزاینده‌ای از ۴ درصد در ۱۳۵۵ به ۲۹ درصد یعنی ۲۴۹۹۶۷۰۰ نفر در سال ۱۴۵۵ رسیده است. روند رشد گروه سنی ۶۴-۱۵ سال، که سن فعال جمعیت به‌شمار می‌رود، از ۵۲ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۷۱ درصد در سال ۱۴۱۵ خواهد رسید و این روند از این سال به بعد روند نزولی شده و به ۵۵ درصد یعنی ۴۷۶۲۵۵۰۰ نفر یعنی در سال ۱۴۵۵ خواهد رسید. جدول ۳ روند رشد جمعیت کشور بر اساس پنج فرآیندها نرخ باروری خوش‌بینانه (۱/۹، ۲/۱ و ۲/۵)، بدبینانه (۱/۳) و متوسط (۱/۶)، را تا افق ۱۴۵۵ نشان می‌دهد.

۱- فرآیندها بدبینانه: فرآیندها ۱/۳ نرخ باروری نشان می‌دهد میزان رشد جمعیت کمتر از ۱۵ سال، ۱۱/۸۲ میلیون نفر، جمعیت مابین ۱۵ الی ۶۴ سال ۴۴/۵۷ میلیون نفر و جمعیت کل ۸۰/۶۴ میلیون نفر خواهد رسید.

۲- فرانامه متوسط: سناریوی ۱/۶ نرخ باروری نشان می‌دهد میزان رشد جمعیت کمتر از ۱۵ سال، ۱۴/۲۷ میلیون نفر، جمعیت مابین ۱۵ الی ۶۴ سال ۴۷/۶۳ میلیون نفر و جمعیت کل ۸۶/۵۰ میلیون نفر خواهد رسید.

۳- فرانامه خوش‌بینانه: فرانامه ۱/۹ نرخ باروری نشان می‌دهد میزان رشد جمعیت کمتر از ۱۵ سال، ۱۶/۹۰ میلیون نفر، جمعیت مابین ۱۵ الی ۶۴ سال ۵۰/۸۰ میلیون نفر و جمعیت کل ۹۲/۶۷ میلیون نفر خواهد رسید.

۴- فرانامه بر اساس برنامه پنجم و ششم توسعه: فرانامه ۲/۱ نرخ باروری نشان می‌دهد میزان رشد جمعیت کمتر از ۱۵ سال، ۱۸/۷۷ میلیون نفر، جمعیت مابین ۱۵ الی ۶۴ سال ۵۵/۹۹ میلیون نفر و جمعیت کل ۹۶/۷۰ میلیون نفر خواهد رسید.

۵- فرانامه بر اساس سیاست‌های هفتم توسعه: سناریوی ۲/۵ نرخ باروری نشان می‌دهد میزان رشد جمعیت کمتر از ۱۵ سال، ۲۲/۱۵ میلیون نفر، جمعیت مابین ۱۵ الی ۶۴ سال ۵۷/۶۶ میلیون نفر و جمعیت کل ۱۰۵/۷۲ میلیون نفر خواهد رسید.

لازم به توضیح است فرانامه‌های ارائه شده، هیچ تأثیری در روند گروه سنی ۶۵ به بالا تا سال ۱۴۵۵ نخواهد داشت.

جدول (۳): پیش‌بینی جمعیت کشور بر اساس فرانامه‌های مختلف نرخ باروری

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۶	۱۴۰۰	۱۴۱۵	۱۴۳۰	۱۴۵۵	
جمعیت کشور از ۱۵ سال	نرخ باروری ۳/۱	15/01	23/65	19/87	15/33	13/54	11/40
	نرخ باروری ۶/۱	15/01	23/65	19/87	15/66	14/63	13/79
	نرخ باروری ۹/۱	15/01	23/65	19/87	16/01	15/73	16/38
	نرخ باروری ۱/۲	15/01	23/65	19/87	16/24	16/48	21/18
	نرخ باروری ۵/۲	15/01	23/65	19/87	16/69	18/10	22/15
جمعیت ۱۵ الی ۶۴ سال	نرخ باروری ۳/۱	17/51	26/10	60/48	65/10	60/64	44/57
	نرخ باروری ۶/۱	1/51	26/10	60/48	65/70	61/37	47/63
	نرخ باروری ۹/۱	17/51	26/10	60/48	65/70	62/11	50/80
	نرخ باروری ۱/۲	17/51	26/10	60/48	65/77	62/60	55/99
	نرخ باروری ۵/۲	17/51	26/10	60/48	65/83	63/61	57/66
جمعیت کل	نرخ باروری ۳/۱	33/71	57/35	86/07	91/34	92/04	80/63
	نرخ باروری ۶/۱	33/71	57/35	86/07	91/78	93/88	86/42
	نرخ باروری ۹/۱	33/71	57/35	86/07	92/01	95/75	92/52

سال		۱۳۵۵	۱۳۶۶	۱۴۰۰	۱۴۱۵	۱۴۳۰	۱۴۵۵
	نرخ باروری ۱/۲	33/71	57/35	86/07	92/43	97/10	96/77
	نرخ باروری ۵/۲	33/71	57/35	86/07	93/12	99/55	105/72

منبع: (یافته‌های پژوهش)

همچنین در پاسخ به سؤال دوم پژوهش که عبارت بود از: پیامدهای تحولات جمعیتی بر نرخ وابستگی جمعیتی - اقتصادی بر اساس مدل شبیه‌سازی شده تا افق ۱۴۵۵ و برنامه‌های مربوطه چگونه خواهد بود؟

با توجه به یافته‌های بخش ۶ و داده‌ها و نتایج تجربی و جدول شماره ۱، نتایج روند داده‌های به‌دست آمده نشان می‌دهد سهم نرخ وابستگی به نیروی فعال کشور در گروه سنی کمتر از ۱۵ سال از ۸۶ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۲۹ درصد در سال ۱۴۵۵ کاهش خواهد یافت و در طی این دوره سهم نرخ وابستگی به نیروی فعال کشور در گروه سنی بیشتر از ۶۵ سال از ۷ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۶۱ درصد در سال ۱۴۵۵ افزایش خواهد یافت.

در پژوهش‌های جمعیت‌شناختی، ساختار پیری و سالمندی جمعیت به معنی نسبت میزان افراد سالخورده به کل جمعیت یک منطقه در حال افزایش باشد. سالخوردگی جمعیت به معنی افزایش میانه جمعیتی به دلیل کاهش نرخ باروری یا افزایش امید به زندگی در جمعیت یک منطقه است؛ به عبارت دیگر جمعیت سالمندی، جمعیتی است که بین ۷ تا ۱۴ درصد جمعیت آن را گروه‌های سنی بالای ۶۵ ساله تشکیل دهند. این نسبت در جامعه سالمند بین ۱۴ تا ۲۰ درصد و در جامعه سالخورده ۲۰ درصد و بیشتر است (فتحی، ۱۳۹۹). بر اساس یافته‌های به‌دست آمده پژوهش این نسبت پیری در کشور ایران در سال ۱۴۵۵ به ۲۹ درصد نسبت به جمعیت کل خواهد رسید. طبق روند پیش‌بینی انجام شده، تحولات ساختار جمعیت نشان می‌دهد نرخ وابستگی اقتصادی افزایشی خواهد بود که این به معنی کاهش میزان سرانه تولید در اقتصاد خواهد بود. در این الگو سیاست رشد متوازن جمعیتی برای کاهش آثار منفی رشد جمعیت بر تولید سرانه، مؤثر خواهد بود؛ لذا هر چه میزان وابستگی اقتصادی جمعیت کمتر باشد میزان تولید سرانه نیز افزایش خواهد یافت.

با اذعان به اینکه برنامه‌های مختلف نرخ باروری علاوه بر تأثیرگذاری بر جمعیت کشور، نرخ وابستگی را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. در جدول شماره ۴ و همچنین

شکل ۵، با ارائه پنج فرانامه نرخ باروری خوش بینانه (۲/۱، ۱/۹ و ۲/۵)، بدبینانه (۱/۳) و متوسط (۱/۶)، روند نرخ وابستگی جمعیتی را تا افق ۱۴۵۵ پیش بینی شده است. نتایج نشان می‌دهد با افزایش یا کاهش نرخ باروری، روند نرخ وابستگی در گروه‌های سنی زیر ۱۵ سال و بالای ۶۵ سال و نرخ وابستگی به جمعیت فعال افزایش یا کاهش می‌یابد البته با یک روند متفاوت.

جدول (۴): پیش‌بینی نرخ وابستگی بر اساس فرانامه‌های مختلف نرخ باروری

سال	۱۳۵۵	۱۴۰۰	۱۴۱۵	۱۴۳۰	۱۴۵۵	
نرخ وابستگی جمعیت کمتر از ۱۵	نرخ باروری ۳/۱	۳۳۰/۰	۳۲۷/۰	۲۳۴/۰	۲۲۳/۰	۲۵۸/۰
	نرخ باروری ۶/۱	۳۳۰/۰	۳۲۷/۰	۲۳۹/۰	۲۳۸/۰	۲۹۰/۰
	نرخ باروری ۹/۱	۳۳۰/۰	۰/۳۲۷	۲۴۴/۰	۲۵۳/۰	۳۲۰/۰
	نرخ باروری ۱/۲	۳۳۰/۰	۳۲۷/۰	۲۴۷/۰	۲۶۳/۰	۳۴۰/۰
	نرخ باروری ۵/۲	۳۳۰/۰	۳۲۷/۰	۲۵۵/۰	۲۸۲/۰	۳۷۸/۰
نرخ وابستگی جمعیت بیشتر از ۶۵	نرخ باروری ۳/۱	۰/۰۸۵	۰/۰۹۶	۰/۱۶۰	۰/۲۹۵	۰/۵۶۵
	نرخ باروری ۶/۱	۰۸۵/۰	۰۹۶/۰	۱۶/۰	۲۹۱/۰	۵۲۵/۰
	نرخ باروری ۹/۱	۰۸۵/۰	۰۹۶/۰	۱۶/۰	۲۸۸/۰	۴۸۹/۰
	نرخ باروری ۱/۲	۰۸۵/۰	۰۹۶/۰	۱۶/۰	۲۸۵/۰	۴۶۷/۰
	نرخ باروری ۵/۲	۰۸۵/۰	۰۹۶/۰	۱۶/۰	۲۸۱/۰	۴۲۷/۰
نرخ وابستگی کل	نرخ باروری ۳/۱	۴۱۵/۰	۴۳۶/۰	۳۹۵/۰	۵۱۸/۰	۸۲۳/۰
	نرخ باروری ۶/۱	۴۱۵/۰	۴۳۶/۰	۳۹۹/۰	۵۳۰/۰	۸۱۴/۰
	نرخ باروری ۹/۱	0/415	۴۳۶/۰	۴۰۴/۰	۵۴۱/۰	۸۰۹/۰
	نرخ باروری ۱/۲	0/415	0/436	۴۰۷/۰	۵۴۸/۰	۸۰۷/۰
	نرخ باروری ۵/۲	0/415	0/436	۴۱۵/۰	۵۶۳/۰	۸۰۵/۰

منبع: (یافته‌های پژوهش)

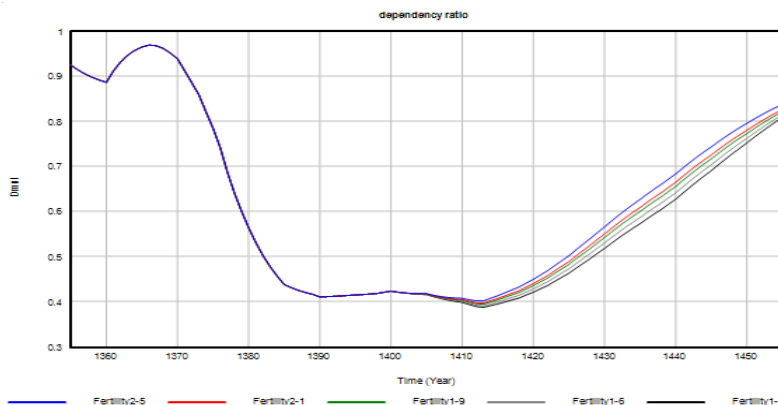
- ۱- فرانامه بدبینانه: فرانامه ۱/۳ نرخ باروری نشان می‌دهد میزان نرخ وابستگی گروه سنی کمتر از ۱۵ سال ۲۶ درصد؛ میزان نرخ وابستگی گروه سنی جمعیت بالای ۶۵ سال ۵۷ درصد و میزان نرخ وابستگی کل جمعیت ۸۲ درصد خواهد رسید.
- ۲- فرانامه متوسط: فرانامه ۱/۶ نرخ باروری نشان می‌دهد میزان نرخ وابستگی گروه سنی کمتر از ۱۵ سال ۲۹ درصد؛ میزان نرخ وابستگی گروه سنی جمعیت بالای ۶۵ سال ۵۳ درصد و میزان نرخ وابستگی کل جمعیت ۸۱ درصد خواهد رسید.
- ۳- فرانامه خوش بینانه: فرانامه ۱/۹ نرخ باروری نشان می‌دهد میزان نرخ وابستگی گروه

سنی کمتر از ۱۵ سال ۳۲ درصد؛ میزان نرخ وابستگی گروه سنی جمعیت بالای ۶۵ سال ۴۹ درصد و میزان نرخ وابستگی کل جمعیت ۸۱ درصد خواهد رسید.

۴- برنامه بر اساس برنامه پنجم و ششم توسعه: برنامه ۲/۱ نرخ باروری نشان می‌دهد میزان نرخ وابستگی گروه سنی کمتر از ۱۵ سال ۳۴ درصد؛ میزان نرخ وابستگی گروه سنی جمعیت بالای ۶۵ سال ۴۷ درصد و میزان نرخ وابستگی کل جمعیت ۸۱ درصد خواهد رسید.

۵- برنامه بر اساس سیاست‌های برنامه هفتم توسعه: برنامه ۲/۵ نرخ باروری نشان می‌دهد میزان نرخ وابستگی گروه سنی کمتر از ۱۵ سال ۳۸ درصد؛ میزان نرخ وابستگی گروه سنی جمعیت بالای ۶۵ سال ۴۳ درصد و میزان نرخ وابستگی کل جمعیت ۸۱ درصد خواهد رسید.

شکل ۶ نمودار نرخ وابستگی کل بر اساس برنامه‌های ارائه شده را نشان می‌دهد.



منبع: (یافته‌های پژوهش)

شکل (۶): نمودار نرخ وابستگی کل

نتیجه‌گیری

پیروی از سیاست کنترل جمعیت سازمان‌های بین‌المللی (یک نسخه برای تمامی بیماران) که در چند دهه اخیر در ایران اجرایی شد، امروزه باعث تحول عظیمی در ساختارهای سنی جمعیتی شده است و جمعیت کشور را به طرف ازدیاد نرخ سالمندی سوق داده است از طرفی باعث شده تا نرخ وابستگی در آینده جزء چالش‌های اساسی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران باشد.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از برنامه محتمل نرخ باروری ۱/۶ روند رشد جمعیت

کشور هم‌راستا با نتایج مرکز آمار ایران نشان می‌دهد روند رشد جمعیت کشور تا سال ۱۴۲۶، افزایشی خواهد بود. به‌طوری‌که میزان جمعیت به ۹۴۱۳۲۰۰۰ نفر خواهد رسید و از این سال به بعد روند نزولی خواهد شد، به‌طوری‌که در سال ۱۴۵۵ میزان جمعیت کشور به ۸۶۴۱۶۴۰۰ نفر خواهد رسید. این در حالی است که روند رشد گروه سنی زیر ۱۵ سال از سال ۱۳۷۰ به بعد سیر روند نزولی داشته، به‌طوری‌که در سال ۱۴۵۵ میزان جمعیت این گروه سنی به ۱۳۷۹۴۲۰۰ نفر خواهد رسید. از دیگر نتایج حاصل از این پژوهش که همسو با نتایج پژوهش‌های (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۶ و فتحی، ۱۳۹۹) است، روند رشد فزاینده گروه سنی بالای ۶۵ سال می‌باشد، به‌طوری‌که از سال ۱۳۵۵ این روند صعودی بوده و نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد میزان جمعیت این گروه سنی در سال ۱۴۵۵ به ۲۴۹۹۶۷۰۰ نفر خواهد رسید. یعنی به عبارتی نسبت سالخوردگی جمعیت کشور به ۲۹ درصد خواهد رسید.

با توجه به اینکه در چندین سال گذشته در ایران نرخ رشد جمعیت و نرخ زادوولد بسیار کند بوده است، می‌توان تا حد زیادی افزایش وابستگی جمعیت در دهه آتی را به علت پیر شدن جمعیت ایران دانست. نتایج پژوهش نشان می‌دهد نرخ وابستگی کشور بر اساس نرخ باروری محتمل در گروه سنی کمتر از ۱۵ سال روند کاهشی داشته به‌طوری‌که این روند از ۸۶ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۲۹ درصد در سال ۱۴۵۵ خواهد رسید. همچنین در گروه سنی بالاتر از ۶۵ سال، روند افزایشی داشته به‌طوری‌که این روند از ۵ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۵۲ درصد در سال ۱۴۵۵ خواهد رسید.

نتایج حاکی از آن است شاخص وابستگی جمعیت در ایران با نرخ باروری ۱/۶ و میزان نرخ وابستگی جمعیت کمتر از ۱۵ سال ۲۹ درصد؛ میزان نرخ وابستگی گروه سنی جمعیت بالای ۶۵ سال ۵۳ درصد و میزان نرخ وابستگی کل جمعیت ۸۱ درصد خواهد رسید و این نشان می‌دهد به‌دلیل رشد نامتوازن جمعیتی کشور در سه دهه ۵۰، ۶۰ و ۷۰ و افزایش امید به زندگی از ۵۴ سال به ۷۶ سال در دهه‌های آتی ساختار جمعیت کشور یک ساختار پیر خواهد بود.

بررسی فرآیندهای ارائه شده در خصوص افزایش نرخ باروری طبق سیاست‌های اتخاذ شده در سه برنامه توسعه اخیر کشور، این سیاست‌ها تا سال ۱۴۵۵ تأثیری در روند گروه سنی ۶۵ به بالا نخواهد داشت و از طرفی در صورت اجرایی شدن این سیاست‌ها افزایش جمعیت زیر ۱۵ سال محتمل خواهد شد؛ لذا داده‌های حاصل از

تحولات در روند رشد نامتوازن ساختارهای سنی نشان از افزایش فزاینده گروه سنی بالای ۶۵ سال و ساختار سالمندی جمعیت دارد. بر اساس نتایج پژوهش‌های ارائه شده و نتایج حاصل از این پژوهش هشدار می‌دهد که به افزایش نسبت جمعیت بازنشسته به شاغلان که حاصل آن افزایش مصرف‌گرایی، کاهش درآمدهای مالیاتی، ضعیف شدن پشتوانه بیمه‌های بازنشستگی و افزایش هزینه‌های خدماتی و درمانی و در نتیجه افزایش نرخ وابستگی اقتصادی در کشور است.

توجه به اینکه افزایش نسبت وابستگی (بار تکفل) در ساختار جمعیتی کشور اتفاق خواهد افتاد و این می‌تواند آثار منفی بر رشد اقتصادی داشته باشد (Solow, 1956)، طبق این الگو افزایش سن بالای ۶۵ سال، باعث کاهش میزان پس‌انداز و در نتیجه کاهش سرمایه‌گذاری و سرمایه در گردش و در نهایت کاهش درآمد یا تولید اتفاق خواهد شد؛ لذا می‌بایست با سیاست‌هایی از پیش تعیین شده با در نظر گرفتن تحولات ساختاری جمعیت و تبعات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی آن را مدنظر قرار دهیم. از منظر اقتصادی ضرورت دارد در برنامه‌ریزی‌ها و طراحی سند توسعه دهه‌های آتی کشور با در نظر گرفتن شرایط و امکانات موجود، مواردی همچون تغییر در سیاست‌های به‌کارگیری نیروی انسانی از جمله اقداماتی جهت کاهش نرخ بیکاری، توانمندسازی، ایجاد فضایی مناسب برای حضور زنان در مشاغل اقتصادی، بهره‌گیری مناسب از ظرفیت نخبگان و نیز سیاست‌های مناسب کاهش مهاجرت به خارج، جهت افزایش راندمان تولید تحولات فناورانه در بخش تولید و خدمات و کاهش وابستگی به نیروی کار، افزایش سن بازنشستگی و همچنین تقویت صندوق بیمه بازنشستگی، ایجاد زیرساخت‌های رفاهی و درمانی در سال‌های پس از ۱۴۱۵ (سال‌های مواجه با کاهش نیروی کار) مدنظر قرار گیرد.

در نهایت اینکه برای دستیابی به یک رشد متوازن آینده جمعیتی در کشور و با هدف کاهش نرخ رشد اقتصادی، ضرورت دارد فارغ از سیاست‌های اتخاذ شده بین‌المللی؛ به تدوین یک برنامه‌ریزی پویا با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و با اهتمام ویژه‌ای برای عملیاتی شدن و تحقق برنامه‌ریزی‌ها و هدف‌گذاری‌های سیاست‌های کلی جمعیتی کشور پرداخت.

فهرست منابع

- اشکور جیری، تهمینه؛ علی پور، محمدصادق و غلامی، الهام (۱۳۹۵). سالخوردگی جمعیت و تأثیر آن بر روی رشد اقتصادی با استفاده از حساب‌های استانی. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، (۲۱)، ۱۳۷-۱۵۴.
- حسین‌زاده، جواد (۱۳۹۸). پنجره جمعیتی، مدیریت سرمایه انسانی و رشد اقتصادی پایدار در گام دوم انقلاب اسلامی ایران. بررسی‌های آمار رسمی ایران، (۱۳۰)، ۱۲۱-۱۵۴.
- حیدری، سیامک؛ زنجانی، حبیب‌الله و ساروخانی، باقر (۱۳۹۴). توسعه اجتماعی و سیاست‌های جمعیتی در ایران (بعد از انقلاب از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۵). پژوهشنامه مددکاری/اجتماعی، ۲(۵)، ۱-۴۸.
- دودکانلوی میلان، جبرائیل؛ صادقی، سید کمال و متفکر آزاد، محمدعلی (۱۳۹۷). تأثیر ساختار سنی جمعیت و نرخ پس‌انداز بر رشد اقتصادی ایران: با رویکرد رگرسیون چندک. نشریه اقتصاد کاربردی، ۸(۲۷)، ۱-۱۲.
- دیانی، نرجس و دائی کریم‌زاده، سعید (۱۳۹۵). تأثیر ساختار سنی جمعیت بر رشد اقتصادی در ایران با استفاده از داده‌های استانی. نشریه مطالعات جمعیتی، (۱۶)، ۲۸۹-۳۱۳.
- ضرغامی، حسین و میرزایی، محمد (۱۳۹۴). سالخوردگی جمعیت ایران در چهاردهه پیشرو. فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۳(۶)، ۷۳-۹۴.
- عالمی نیسی، مسعود (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی - تاریخی تأثیر افزایش جمعیت بر وضعیت اقتصادی کشورها. راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۷(۳)، ۱۶۱-۱۸۴.
- عباسی‌شوازی، محمدجلال؛ حسینی‌چاوشی، میمنت؛ نوراللهی، طه و بنی‌هاشمی، فریاسادات (۱۳۸۹). تحولات باروری در ایران با استفاده از روش فرزندان خود در برآورد باروری با استفاده از داده‌های سرشماری ۱۳۸۵. تهران: پژوهشکده آمار ایران.
- عزتی، مرتضی؛ مظفری، زانا و علیلو، خاطره (۱۳۹۸). اثر ساختار سنی جمعیت بر امنیت اقتصادی ایران. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، سال نوزدهم، (۲)، ۱۲۵-۱۵۹.
- علیزاده امام‌زاده، محمدرضا (۱۴۰۲). تحقیقی در حوزه جامعه‌شناسی اقتصادی: بررسی اثر رشد جمعیت و ساختار جمعیتی بر رشد اقتصادی در ایران. مطالعات جامعه‌شناسی، پذیرفته شده، انتشار آنلاین از تاریخ ۲۹ بهمن ۱۴۰۲، شناسه

دیجیتال: (DOI) 10.30495/JSS.2021.1921186.1292

فتحی، الهام (۱۳۹۹). نگاهی به گذشته، حال و آینده جمعیت ایران. تهران: پژوهشکده آمار.

محبی میمنندی، مهیار؛ کوششی، مجید و سوری، علی (۱۴۰۱). رشد جمعیت، ساختار سنی و پیامدهای اقتصادی آن در ایران: تجزیه و تحلیل سهم گروه‌های سنی. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۷ (۳۴)، ۳۰۹-۳۴۶.

محمدپور، غلامرضا؛ بخشی دستجردی، رسول؛ جعفری، سمیه و اثنی عشری، هاجر (۱۳۹۲). بررسی اثر ساختار سنی جمعیت بر رشد اقتصادی ایران. مجله تحقیقات اقتصادی، ۴۸ (۲)، ۲۰۱-۲۲۴.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۶). بررسی شاخص‌های عمده بازار کار در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۵. تهران: انتشارات مرکز آمار ایران.

مهرگان، نادر و رضائی، روح‌الله (۱۳۸۸). اثر ساختار سنی جمعیت بر رشد اقتصادی. پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۳ (۳۹)، ۱۳۷-۱۴۶.

میرزایی، محمد؛ دارابی، سعداله و باباپور، میترا (۱۳۹۶). سال‌خوردگی جمعیت در ایران و هزینه‌های رو به افزایش بهداشت و درمان. نشریه علمی پژوهشی سالمند، ۱۲ (۲)، ۱۵۶-۱۶۹.

میری، ندا؛ مداح، مجید و راغفر، حسین (۱۳۹۷). سالمندی و رشد اقتصادی. نشریه سالمند، ۳ (۵)، ۶۲۶-۶۳۷.

نصرالهی وسطی، لیلا و آقایی هیر، توکل (۱۳۹۶). تحلیل دینامیکی جمعیت و پیامدهای اقتصادی آن با استفاده از رویکرد سیستمی. فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، ۱۱ (۳۳)، ۱۶۷-۱۹۴.

Abrigo, M. R.; Racelis, R. H.; Salas, J. I. & Herrin, A. N. (2016).

Decomposing economic gains from population age structure transition in the Philippines. *The Journal of the Economics of Ageing*, (8), 19-27.

Banerjee, A.; Dolado, J. J. & R. Mestre (1998). Error-correction mechanism tests for cointegration in a single-equation framework. *Journal of Time Series Analysis*, (19), 267-285.

Bloom, D.; Canning, D. & Sevilla, J. (2003). *The demographic dividend: A new perspective on the economic consequences of population change*. Rand Corporation.

Cellier, F. E. (2008, March). World3 in Modelica: Creating System Dynamics Models in the Modelica Framework. In *Proceedings of the 6th International Modelica Conference*, (2), 393-400). Bielefeld: The Modelica Association.

- Dykas, P.; Mentel, G. & Misiak, T. (2018). THE NEOCLASSICAL MODEL OF ECONOMIC GROWTH AND ITS ABILITY TO ACCOUNT FOR DEMOGRAPHIC FORECAST. *Transformations in Business & Economics*, (17).
- Huang, J.; Qin, D.; Jiang, T.; Wang, Y.; Feng, Z.; Zhai, J.; ... & Su, B. (2019). Effect of fertility policy changes on the population structure and economy of China: from the perspective of the shared socioeconomic pathways. *Earth's Future*, 7(3), 250-265.
- Islam, M. M. (2016). Demographic transition and the emerging windows of opportunities and challenges in Bangladesh. *Journal of Population Research*, 33(3), 283-305.
- Jain, N. & Goli, S. (2022). Potential demographic dividend for India, 2001 to 2061: A macro-simulation projection using the spectrum model. *SN Social Sciences*, 2(9), 1-23.
- Liu, Z.; Fang, Y. & Ma, L. (2022). A study on the impact of population age structure change on economic growth in China. *Sustainability*, 14(7), 3711.
- Loichinger, E.; Hammer, B.; Prskawetz, A.; Freiberger, M. & Sambt, J. (2017). Quantifying economic dependency. *European Journal of Population*, (33), 351-380.
- Malmberg, B. & L. Sommestad (2000). *Four Phases in the Demographic Transition: Implications for Economic and Social Development in Sweden, 1820-2000*. Paper presented at the SSHA meeting in Pittsburgh.
- Mason, A. (2005). Economic Demography, In Handbook of Population, edited by Dudley L. Poston and Michael Micklin. US: Kluwer Academic. Plenum Publisher. PP. 549-575.
- Pedercini .M. & G. O. Barney (2010). Dynamic analysis of interventions designed to achieve millennium development goals (MDG): The case of Ghana. *Socio-Economic Planning Sciences*, 44(2), 89-99.
- Solow, R. M. (1956). A Contribution to the Theory of Economic Growth. *Quarterly Journal of Economics*, 70(1), 65-94.
- UN-HABITAT (2020). *Population Data Booklet, Global state of metropolis*.
- WDI. (2017). *World Development Indicators*. Retrieved october 12, 2017, from <http://www.worldbank.org>

References

- Abbasishawazi, Mohammad Jalal; Hosseinichavoshi, Maimant; Nurollahi, Taha; Bani Hashemi, Faribasadat (2010). Fertility developments in Iran using the method of own children in estimating fertility using census data 2015, Iran Statistics Research Institute, Tehran. (In persian)
- Abrego, M. R; Racelis, R. H., Salas, J. I; & Herrin, A. N. (2016). Decomposing economic gains from population age structure transition

- in the Philippines. *The Journal of the Economics of Ageing*, 8, 19-27.
- Alami Nisi, Masoud (2018). A comparative-historical study of the effect of population growth on the economic status of countries, *Socio-Cultural Strategy*, 7(3), 161-184. (In persian)
- Alizade Emamzade, M. (2024). Research in the field of economic sociology: Investigating the effect of population growth and population structure on economic growth in Iran. *Sociological studies*. (In persian)
- Banerjee, A; Dolado, J. J; and R. Mestre, (1998), "Error-correction mechanism tests for cointegration in a single-equation framework", *Journal of Time Series Analysis*, (19), 267-285.
- Bloom, D., Canning, D; & Sevilla, J. (2003). The demographic dividend: A new perspective on the economic consequences of population change. Rand Corporation.
- Cellier, F. E. (2008, March). World3 in Modelica: Creating System Dynamics Models in the Modelica Framework. In *Proceedings of the 6th International Modelica Conference* ((2), 393-400). Bielefeld: The Modelica Association.
- Dayani, N., & Daei-Karimzadeh, S. (2020). The Impact of Population Age Structure on Economic Growth in Iran Using Provincial Data. *Population Studies*, 6(1), 289-313. (In persian)
- Doodkanloy, M. J., SADEGHI, S. K., & MOTAFAKER, A. M. A. (2019). The Impact of Population Age Structure and Saving Rate on Economic Growth in Iran: A quantile Regression Approach. *Journal of Applied Economics*, 8(27), 1-12. (In persian)
- Dykas, P; Mentel, G; & Misiak, T. (2018). THE NEOCLASSICAL MODEL OF ECONOMIC GROWTH AND ITS ABILITY TO ACCOUNT FOR DEMOGRAPHIC FORECAST. *Transformations in Business & Economics*, (17).
- Fathi, Elham (2020). Looking at the past, present and future of Iran's population, Tehran, Research Institute of Statistics. (In persian)
- Eshkevarjiri, T., Alipour, M. S., & Gholami, E. (2017). The Effect of Aging on Economic Growth by Using Regional Accounts. *Journal of Population Association of Iran*, 11(22), 138-155. (In persian)
- Ezzati, M., & Mozaffari, Z. (2019). The Effect of Age Structure of the Population on Iran's Economic Security. *The Economic Research*, 19(2), 125-159. (In persian)
- Forrester, J.W (1973) "World Dynamics", 2nd ed. Wright Allen Press, Cambridge, Massachusetts.
- Huang, J., Qin, D., Jiang, T., Wang, Y., Feng, Z., Zhai, J., ... & Su, B. (2019). Effect of fertility policy changes on the population structure and economy of China: from the perspective of the shared socioeconomic pathways. *Earth's Future*, 7(3), 250-265.
- Heydari Siamak, Zanjani Habib Elah, Sarukhani Baqer (2016). Social development and population policies in Iran (after the revolution, from 1357 to 1385). *Journal of Social Work*, 2 (5), 1-48. (In persian)
- Hosseinzadeh, J. (2019). Population Window, Human Resource

- Management and Sustainable Economic Growth in the Second Phase of the Islamic Revolution of Iran. *Ijoss Iranian Journal of Official Statistics Studies*, 30(1), 121-154. (In persian)
- Iran Statistics Center (2017). Survey of the main indicators of the labor market in the years 1384 to 1395, Tehran, Iran Statistics Center Publications. (In persian)
- Islam, M. M. (2016). Demographic transition and the emerging windows of opportunities and challenges in Bangladesh. *Journal of Population Research*, 33(3), 283-305.
- Jain, N; & Goli, S. (2022). Potential demographic dividend for India, 2001 to 2061: A macro-simulation projection using the spectrum model. *SN Social Sciences*, 2(9), 1-23.
- Kashanian, Z., Raghfar, H., & Mousavi, M. H. (2019). Economic Consequences of Population Aging for Iranian economy: Application of General Equilibrium Overlapping Generations Model. *Iranian Journal of Economic Research*, 24(78), 31-60. (In persian)
- Liu, Z., Fang, Y., & Ma, L. (2022). A study on the impact of population age structure change on economic growth in China. *Sustainability*, 14(7), 3711.
- Loichinger, E., Hammer, B., Prskawetz, A., Freiberger, M., & Sambt, J. (2017). Quantifying economic dependency. *European Journal of Population*, (33), 351-380.
- Malmberg, B., and L. Sommestad (2000). "Four Phases in the Demographic Transition: Implications for Economic and Social Development in Sweden, 1820-2000, Paper presented at the SSHA meeting in Pittsburgh.
- Mason, A. (2005). Economic Demography, In *Handbook of Population*, edited by Dudley L. Poston and Michael Micklin. US: Kluwer Academic. Plenum Publisher. 549-575.
- Mehregan, N., & Rezaee, R. (2009). The effect of age structure of population on economic growth. *Iranian Journal of Economic Research*, 13(39), 137-146. (In persian)
- Miri, N., Maddah, M., & Raghfar, H. (2019). Aging and economic growth. *Iranian journal of ageing*, 13(5), 626-637. (In persian)
- Mirzaie, M., & Darabi, S. (2017). Population aging in Iran and rising health care costs. *Iranian Journal of Ageing*, 12(2), 156-169. (In persian)
- Mohamadpour, G., Bakhshi Dastjerdy, R., Jaafari, S., & Asna Ashari, H. (2013). Study the Effect of Age Structure Population on Iran's Economic Growth. *Journal of Economic Research (Tahghighat-E-Eghtesadi)*, 48(2), 201-224. (In persian)
- Moheby Meymandi, M., Koosheshi, M., & Souri, A. (2023). Population Growth, Changing Age Structure and its Economic Consequences in Iran: Decomposition and Analysis of the Share of Age Groups. *Journal of Population Association of Iran*, 17(34), 309-346. (In persian)
- Nasrolahi Vosta, L., & Aghayari Hir, T. (2017). Dynamic Analysis of

- Population and Its Economic Consequences Using Systems Approach. Quarterly Journal of Social Development (Previously Human Development), 11(3), 167-194. (In persian)
- Pedercini .M., G. O. Barney(2010)," Dynamic analysis of interventions designed to achieve millennium development goals (MDG): The case of Ghana " , Socio-Economic Planning Sciences, 44(2), pp. 89-99
- Saraei, H. (2010). Demographic window of Iran. Social Development and Welfare Planning, 1(1), 33-45. (in Persian)
- Solow, R. M. (1956). "A Contribution to the Theory of Economic Growth", Quarterly Journal of Economics, 70(1), 65-94.
- UN-HABITAT (2020). Population Data Booklet, Global state of metropolis.
- WDI. (2017), World Development Indicators, retrieved october 12, 2017, from <http://www.worldbank.org>.
- Zarghami, Hossein; Mirzaei, Mohammad (2017). Aging of Iran's population in the preceding four decades, Scientific Quarterly of Iranian Islamic Development Model Studies, 3(6), 73-94. (In persian)

شناسایی الگوی ذهنی متخصصان نسبت به تأثیر عوامل قومی در فرایند نمانام^۱ ملی^۲

سجاد کردانی

دانشجوی دکتری تخصصی رشته علوم ارتباطات اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Sajadkordani@gmail.com

0000-0002-9286-5778

زهرا خرازی محمدوندی آذر

استادیار گروه علوم ارتباطات و دانش‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

cyber.diplomacy@gmail.com

0000-0003-0912-3536

محمد سلطانی‌فر

دانشیار گروه علوم ارتباطات و دانش‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

0000-0003-1006-8298

چکیده

شناسایی مؤلفه‌های قومی یکی از موضوع‌های تأثیرگذاری است که در فرایند نمانام‌سازی ملی اهمیت می‌یابد. از وظایف دولت‌ها در دنیای نوین آن است که در راستای نیل به اهداف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از ظرفیت نمانام‌سازی ملی در جهت تمایز، ایجاد قدرت و جذابیت بهره‌گیرند. به همین منظور هدف مقاله حاضر شناسایی و رتبه‌بندی عوامل قومی مؤثر بر برند ملی است که منجر به کشف الگوی ذهنی متخصصان نمانام‌سازی ملی می‌گردد. مقاله پیش‌رو با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی منابع مکتوب تلاش دارد به این سؤال پاسخ دهد که تأثیر اقوام ایرانی بر نمانام ملی چگونه است؟ روش پژوهش این مقاله نیز آزمون «کیو» است که به شناسایی رابطه میان اقوام ایرانی و نمانام ملی می‌پردازد و با به‌کارگیری تحلیل عاملی اکتشافی، الگوی ذهنی متخصصان حوزه نمانام ملی را شناسایی می‌کند. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که هشت مؤلفه برای متغیر اقوام ایرانی و شش مؤلفه برای متغیر نمانام ملی کشف شده است که از این میان، بین مؤلفه «فرهنگ قومی» با «تصور بین‌المللی» رابطه مثبت و معنادار و «منافع قومی» با «سرمایه‌های اقتصادی» رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: نمانام، نمانام‌سازی ملی، عناصر قومی، مدیریت تصویر ملی، تحلیل عاملی.

شاپای الکترونیک: X۲۵۵-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

CC BY 4.0



10.22034/SCS.2023.390297.1421

۱. «نمانام» معادل فارسی واژه «برند» است که توسط فرهنگستان زبان و ادب فارسی اعلام شده است.

۲. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز:

(http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/) CCBY-NC-ND است.

مقدمه و بیان مسئله

ویژگی‌ها و تمایزهای خاص ملت‌ها در عصر جهانی شدن از اهمیت قابل‌توجهی برخوردار است. «پورتر»^۱ در سال ۱۹۹۸ و در کتاب «مزیت رقابتی ملت‌ها» بر اهمیت تفاوت میان ملت‌ها و ویژگی‌های خاص آنها تأکید دارد (ذبیحی جامخانه و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۵۴) که درحقیقت از نخستین بارقه‌های شکل‌گیری موضوع برند ملی نیز محسوب می‌شود. باید گفت که در سال ۲۰۰۵ نیز نمانام ملی در زمره مهم‌ترین ایده‌های سال، از سوی مجله «نیویورک تایمز»^۲ قرار گرفت و در آنجا به این مسئله اشاره شد که همان‌گونه که یک شرکت تجاری، نمانام را پدیده‌ای زنده و پویا تلقی می‌کند، کشورها نیز باید از شهرت خود مراقبت نمایند (Kaneva, 2011, p. 3). امروزه گفتمان «نمانام ملی» با هدف پیوند میان رشته‌های گوناگون علمی نظیر توریسم، ارتباطات اجتماعی، مدیریت، سیاست خارجی و اقتصاد در حال پیدایش است. شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در یک کشور، مؤلفه‌هایی کلیدی در تعیین جایگاه آن کشور در عرصه بین‌المللی هستند که به ساخت و انتقال هویت کمک می‌نمایند. نقش محوری نمانام ملی در تصویرسازی از کشورها سبب شده است تا دولت‌ها به‌منظور دستیابی به قدرت، هویت‌بخشی به سرزمین، گسترش نام و نشان خود، تمایز و ایجاد بازارهای رقابتی از ظرفیت آن بهره‌گیرند. به‌نظر می‌رسد در آینده دولت‌های فاقد نمانام ملی، در حمایت و پشتیبانی‌های سیاسی و اقتصادی دچار مشکل شوند. این پدیده نوین به تحکیم موقعیت کشورها در عرصه بین‌المللی نیز کمک می‌کند و جایگاه رقابتی آن‌را توسعه می‌دهد.

کشور ایران نیز در زمینه‌های مختلفی نظیر فرهنگ، هنر، میراث بشری، مذهب، گردشگری، گروه‌های قومی، زیست‌بوم و... از ظرفیت قابل‌توجهی برخوردار است که هر کدام به‌تنهایی قادرند فرصت‌های مناسبی برای نمانام ملی ایران ایجاد نمایند. هر چند که موضوع نمانام ملی ایران همواره مغفول مانده است؛ اما با توجه به اهمیت و نقش اقوام ایرانی در شکل‌گیری هویت ملی و همچنین ظرفیت بالقوه‌ای که در گروه‌های قومی وجود دارد، در این مقاله تلاش شده است الگوی ذهنی افراد در مورد عوامل قومی مؤثر بر نمانام‌سازی ملی مورد شناسایی قرار گیرد و رابطه آن با نمانام ملی ارزیابی گردد. به‌همین‌منظور با استفاده از روش تحقیق «کیو»، گفتمان و

1. Porter

2. New York Times

ادبیات موضوع مورد ارزیابی قرار گرفت و عبارات کیو انتخاب شد. پس از دسته‌بندی عبارات، ۷۳ گویه در قالب پرسش‌نامه‌ای با طیف لیکرت هفت‌تایی به ۵۷ نفر از متخصصان ارائه شد که بعد از مرتب‌سازی داده‌ها و تحلیل آماری آنها اهداف و سؤال‌های زیر دنبال شد:

۱. اهداف و پرسش‌های پژوهش

۱-۱. اهداف

- ۱- شناسایی و رتبه‌بندی عوامل قومی مؤثر بر نمانام‌سازی ملی،
- ۲- بررسی رابطه میان متغیرهای نمانام ملی و اقوام ایرانی.

۲-۱. پرسش‌های پژوهش

- ۱- عوامل قومی مؤثر بر نمانام‌سازی ملی کدامند؟
- ۲- میان متغیرهای اقوام ایرانی و نمانام ملی چه رابطه‌ای وجود دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

«یوچوان لی^۱ و همکاران» در مقاله‌ای با عنوان «عناصر قومیتی در برندهای لوازم آرایشی چینی: کاوشی از اثرات ارتباطات دیجیتال بر شناخت هویت ملی چین» (۲۰۲۳) به بررسی آثار ارتباطات دیجیتال بر روی شناسایی هویت ملی چین با واکاوی عناصر قومی در نمانام‌های مختلف آرایش چینی پرداخت. این مقاله دریافت که غنای رسانه‌ای بر هویت ملی چین تأثیر می‌گذارد. همچنین آگاهی نسبت به مؤلفه‌های قومی، درک فرهنگی را تعدیل می‌کند. همین‌طور دریافتند که هوش فرهنگی شناختی، میان ادراک فرهنگی و هویت ملی پیوند برقرار می‌نماید.

مطالعه‌ای با عنوان «واکاوی نمانام‌سازی ملی: شناسایی فرایندها و خروجی‌های تأثیرگذار کلیدی» (۲۰۲۲) توسط «دهدشتی و همکاران» صورت پذیرفت. این پژوهش با استفاده از روش «متاسنتز»^۲ و با ترکیب ۳۷ مطالعه موردی دریافت که نمانام‌سازی ملی نیازمند یک رویکرد نظام‌مند است که سطوح مختلف یک کشور از جمله مردم، سازمان‌ها و دولت را دربرگیرد. همچنین ناهماهنگی‌هایی در ادبیات نمانام‌سازی ملی همانند بسیاری از حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی

1. Yuquan Li

2. Meta-synthesis

وجود دارد.

در مقاله «برندسازی ملت و اهمیت آن؛ بررسی دیدگاه ادبی» (۲۰۲۱)، «تیوا پارک»^۱ به جنبه‌ها و مؤلفه‌های مهم نمانام‌سازی ملی که به بازاریابان و محققان در استخراج راهبردهای نوین کمک می‌کند پرداخت. همچنین این مطالعه به تحلیل ادبیات عمیق در توضیح هویت و تصویر نمانام متمرکز گردید.

«ناصر آزاد و همکاران» در تحقیقی با عنوان «تحلیل عاملی برای شناسایی عوامل مؤثر بر ایجاد برندینگ ملی» (۲۰۱۳) به ارزیابی مؤثرین عوامل ایجاد نمانام ملی پرداخته‌اند. در این مقاله شش عامل نظیر تصویر فرهنگی، ویژگی‌های هیجان‌انگیز، راهبرد قیمت‌گذاری رقابتی، مشخصات فیزیکی، ادراک تصویر و درک قبلی به عنوان عوامل مؤثر شناسایی شده‌اند.

«پیامدهای برندیابی ملی برای جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر ابعاد سیاسی و اقتصادی» (۱۳۹۸) از دیگر مطالعاتی است که «یوسف محمدی‌فر و همکاران» در آن به مفهوم‌پردازی پیامدهای طراحی و توسعه هویت نمانام ملی و اجرای برنامه‌های نمانام‌یابی جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. نتایج برآمده از این پژوهش کیفی حاکی از آن است که می‌بایست گفتمان نمانام‌یابی ملی در اولویت برنامه‌های کشور قرار گیرد.

مقاله‌ای با عنوان «برنامه‌ریزی آینده ایران با برندسازی ملی» (۱۳۹۸) توسط «امین اردلان و دیگران» صورت پذیرفت که به دنبال عوامل اثرگذار در نمانام‌سازی ملی است، به نحوی که متغیرهای مختص کشور ایران را شناسایی کرده و به منظور برنامه‌ریزی آینده، نقشه راه مناسب و جامعی را ارائه نماید. نتایج نشان داد که عوامل دولت، فرهنگ، گردشگری، جامعه، جغرافیا و طبیعت بر نمانام ملی تأثیرگذار هستند. همچنین نمانام‌های صادراتی، علم و فناوری و اقتصاد از عوامل مؤثر بر نمانام ملی می‌باشند.

در زمینه نمانام‌سازی ملی می‌توان به تحقیق «حسین خطیبی» اشاره نمود. او پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر رفتارهای ارتباطی ایرانیان در مؤلفه‌های شش‌گانه برند ملی» (۱۳۹۷) انجام داده است. نتایج نشان داد مؤلفه «وضعیت فرهنگی و میراث کشور» قوی‌ترین و «توریسم» ضعیف‌ترین است.

مطالعه‌ای با عنوان «نقش اقوام در انسجام و تحکیم قدرت ملی» (۱۳۹۵) توسط «یحیی صفوی و همکاران» انجام گرفت که به مطالعه تطبیقی الگوهای اجراشده

سیاست‌های قومی در کشورها می‌پردازد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که الگوی سیاست قومی در کشور ما نمی‌تواند الگویی خاص از مدل کشورهای دیگر باشد بلکه باید الگویی در جهت تمرکز بر همگرایی اقوام، تحکیم قدرت و انسجام ملی باشد.

در مجموع به نظر می‌رسد به دلیل عدم وجود پژوهش‌های داخلی و نوین بودن موضوع نمانام‌سازی ملی، هر کدام از مطالعات انجام‌یافته، از سودمندی قابل‌توجهی برخوردار باشند. از این رو مهم‌ترین جنبه‌های نوآوری این پژوهش نگاه اکتشافی به نمانام‌سازی ملی است که می‌تواند به ارائه مدلی بومی منجر شود. همچنین در زمینه ارتباط اقوام ایرانی با نمانام‌سازی ملی پژوهشی صورت نگرفته است که خود این مسئله به بدیع بودن پژوهش حاضر کمک کرده است.

۳. ملاحظه‌های نظری

۳-۱. تعریف مفاهیم

۳-۱-۱. نمانام‌سازی ملی

نمانام‌سازی ملی یک گفتمان در حال ظهور است (Zhang; Tsang & Fuschi, 2020, p. 295) که به ارتقای آگاهی و دانش مردم سایر کشورها می‌پردازد تا از این طریق بتواند سرمایه‌گذاران را جذب نموده و توریسم و صادرات را توسعه دهد (He; Wang & Jiang, 2020, p. 5). نمانام‌سازی ملی پدیده‌ای هیجان‌انگیز، پیچیده و بحث‌برانگیز است. هیجان‌انگیز است؛ زیرا حوزه‌ای را نشان می‌دهد که در آن نظریه کمی وجود دارد؛ اما حجم عظیمی از فعالیت در دنیای واقعی را بیان می‌کند. پیچیده است؛ زیرا شامل رشته‌های متعددی فراتر از قلمرو محدود راهبرد نمانام مرسوم است و بحث‌برانگیز است؛ زیرا این یک فعالیت به‌شدت سیاسی است که دیدگاه‌ها و نظریات پرشور و اغلب متناقض را ایجاد می‌کند (Dinnie, 2008, p. 13). مطالعات نمانام‌سازی ملی را می‌توان در چهار منبع بررسی کرد که این منابع عبارت‌اند از: کشور مبدأ، نام تجاری مکان یا مقصد، دیپلماسی عمومی و هویت ملی که همگی به تصویر کلی یک کشور در صحنه بین‌المللی مربوط می‌شوند (Fan, 2010, p. 11). نمانام‌سازی ملی می‌تواند فرصت‌ها و مزیت‌هایی را در عرصه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به‌همراه داشته باشد (Zeineddine, 2018, p. 1060). درواقع نمانام ملی تصویری از اذهان بین‌المللی و ایده‌های جهان خارج نسبت به

کشوری خاص است (Peterson, 2006, p. 745) که برای دستیابی به اهداف نمانام ملی باید همکاری بین بخش‌های مختلف کشور اعم از دولت، بخش خصوصی، مردم و رسانه‌ها وجود داشته باشد (Dehdashti Shahrokh & Sepahvand, 2022, p. 50).

۳-۱-۲. شاخص‌های نمانام ملی

مفهوم سنجش ادراک جهانی کشورها در چندین بُعد توسط «سایمون آنهولت»^۱ ایجاد گردید. او معتقد است شهرت کشورها بیش‌تر شبیه تصاویر برند شرکت‌ها رفتار می‌کند (Anholt, 2013, p. 6). نظرسنجی اولیه او با نام شاخص نمانام‌های ملی آنهولت، در سال ۲۰۰۵ راه‌اندازی شد و چهار بار در سال انجام پذیرفت. آنهولت برای اندازه‌گیری تصویر و شهرت کشورهای جهان و ردیابی نمایه‌های آنها در هنگام صعود یا سقوط، از شاخص‌های نمانام ملی استفاده کرد و آن‌را توسعه داد. متغیرهایی که در این رتبه‌بندی در نظر گرفته شده‌اند بدین‌صورت دسته‌بندی می‌گردد:

- ۱- صادرات^۲: تصویر عمومی از محصولات یا خدمات هر کشور و میزان استفاده یا اجتناب از آنها.
- ۲- حکومت (دولت‌ها)^۳: بررسی میزان صلاحیت و عدالت دولت‌ها، توصیف افراد از حکومت در هر کشور و تعهد دولت‌ها نسبت به مسائل جهانی مانند مردم‌سالاری، عدالت، فقر و محیط زیست.
- ۳- فرهنگ و میراث^۴: درک جهانی از میراث هر کشور و سطح فرهنگ معاصر آن.
- ۴- مردم^۵: شهرت جمعیت از نظر شایستگی، سطح تحصیلات، صراحت و صمیمیت و همچنین سطح درک از تبعیض یا خصومت را بررسی می‌کند.
- ۵- گردشگری^۶: بررسی آماری توریست و میزان علاقه افراد به بازدید از یک کشور.
- ۶- سرمایه‌گذاری و مهاجرت^۷: این شاخص، توانایی و قابلیت‌های یک کشور در جهت جذب مردم دنیا برای زندگی، کار و تحصیل را مشخص می‌کند و درک مردم از وضعیت اقتصادی و اجتماعی را نشان می‌دهد (McGrath & Farkas, 2021, p. 1).

1. Simon Anholt
2. Exports
3. Governance
4. Culture & Heritage
5. People
6. Tourism
7. Investment & Immigration

۳-۱-۳. گروه‌های قومی

فرهنگ بین‌المللی «ویستر»^۱ مفهوم قوم را منسوب به ویژگی‌های جسمی و ذهنی نژادها یا مربوط به تمیز دادن گروه‌های نژادی بشری بر اساس ویژگی‌های مشترک می‌داند (احمدی، ۱۳۷۸، ص. ۳۰). «آنتونی اسمیت»^۲ قومیت را گروهی از انسان‌های انسان‌های دارای خاطره‌های تاریخی، افسانه تبار و عناصر فرهنگی مشترک، پیوند با یک سرزمین و احساس همبستگی می‌داند (Hutchinson & Smith, 1996, p. 6). همچنین قومیت در نگاه «هوروویتز»^۳ یک مفهوم چتری است که به آسانی گروه‌هایی را که از نظر رنگ، زبان و مذهب متمایز می‌شوند دربرمی‌گیرد (Chandra, 2006, p. 397).

۳-۲. چهار چوب نظری

دیدگاه برساخت‌گرایان که از اوایل دهه ۱۹۷۰ اوج گرفت سه استدلال عمده را مطرح می‌کند: اول آنکه، قومیت یک هویت اجتماعی ساخته شده است. دوم آنکه، قومیت را امری پویا در نظر دارد. بدین معنا که با گسترش و توسعه هویت ساخته شده، قومیت نیز قابل تغییر و منعطف است و در نهایت هویت قومی واکنشی به تغییرهای اجتماعی است که به‌وسیله جامعه تعیین می‌شود (بهرامیان، ۱۳۹۴، ص. ۶۷).

دیدگاه کنش متقابل نمادین نیز بنیادهای نظری هویت را در قالب سازه‌های اجتماعی ارائه می‌نماید، به گونه‌ای که مردم معانی نمادین را به اشیاء، رفتارهای خودشان و دیگران اطلاق می‌کنند و این معانی را در تعامل با همدیگر انتقال می‌دهند. «توماس فارارو»^۴ نیز در نظریه «پارادوکس ساختار شبکه‌ها» به این نتیجه رسید که هر اندازه پیوندهای ضعیف، گسترده‌تر و قوی‌تر باشند، انسجام و ماندگاری در کلیت گروه بیشتر خواهد بود و اگر پیوندهای ضعیف کمتر باشند، انسجام در گروه‌های محلی و خرده‌شبکه‌ها اتفاق خواهد افتاد (جلالی، ۱۳۹۷، صص. ۷۷-۷۸). براین اساس می‌توان گفت هر اندازه پیوندهای ضعیف بین اقوام ایرانی بیشتر باشد، انسجام ملی بیشتر و در نتیجه هویت ملی افزایش خواهد یافت و در صورتی که پیوندهای ضعیف میان اقوام ایرانی کمتر باشد، انسجام و هویت قومی پُرنرنگ‌تر خواهد بود.

1. Webster

2. Antony Smith

3. Horowitz

4. Thomas Fararo

از طرفی دیگر هنگامی که نمانام‌سازی ملی مطرح می‌شود، بنیادی‌ترین برداشت را در اندیشه‌های «ریچارد دایر»^۱ می‌توان یافت. مفهوم بازنمایی عبارت است از آن چیزی که توسط رسانه‌های جمعی ساخته می‌شود (استفورد، ۱۳۸۹). غنای رسانه‌ای به درک افراد از تصویر ملی کمک می‌کند و در صورتی که مخاطب دانش و آگاهی بیش‌تری نسبت به عناصر قومی داشته باشد، درک عمیق‌تری نیز خواهد یافت (Yuquan; Jianxin & Lin, 2023). پرواضح است که رسانه‌های جمعی و فرهنگ عامه بر تمام اشکال روابط اجتماعی حاکم‌اند و به آن شکل می‌دهند. (مهدی‌زاده، ۱۳۹۲، صص. ۲۸۹-۲۹۰). بودریار^۲ نیز می‌گوید ما نشانه‌هایی داریم که قابل رؤیت، نمایشی و لذت‌بخش‌اند؛ اما بدون معنا و مفهوم (وبستر، ۱۳۹۰، ص. ۴۸۵). بسیاری از مطالعات نشان می‌دهند که افراد یک کشور از طریق مهارت‌ها، رسانه‌ها، شایستگی‌ها و هویت، سهم قابل‌توجهی در توسعه تصویر ملی دارند (Park, 2021, p. 948).

باید دانست که رسانه ابزاری است در جهت تقویت برند ملی. این ابزار قادر است اشکال مختلف روابط اجتماعی را متحول سازد. تا جایی که می‌توان گفت کشورهای توسعه‌یافته، قدرتمند و تولیدکننده رسانه‌های جمعی با بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌ای تعبیر فرهنگی و روایت‌های مدنظر خویش را بسط و گسترش می‌دهند.

۴. روش پژوهش

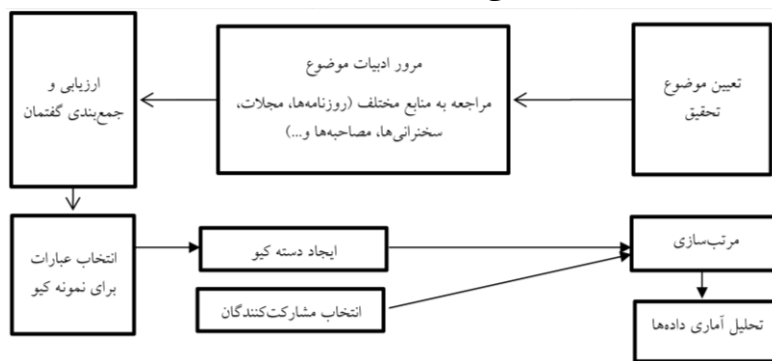
روش پژوهش، تابعی از هدف تحقیق است و از آنجاکه این مطالعه درصدد شناسایی و کشف ذهنیت افراد می‌باشد، از روش تحقیق «کیو»^۳ استفاده کرده است. روش کیو توأمان از ویژگی‌های کیفی و کمی بهره می‌برد و در دسته‌بندی افراد از آمار کمک می‌گیرد (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶، ص. ۱۴). برخلاف پژوهش‌های پیمایشی که پاسخ‌دهندگان به گونه‌ای انتخاب می‌شوند که معرف جمعیت آماری موردنظر باشند؛ در روش کیو پاسخگویان به گونه‌ای انتخاب می‌شوند که دارای ویژگی مشترکی باشند؛ ولی گویه‌های پژوهش از بین جمعیت موردنظر، به‌ترتیبی انتخاب می‌شوند که معرف آن حوزه موردنظر باشند؛ پس از جمع‌آوری گویه‌ها، قضاوت نهایی ۲ یا ۳ نفر در خصوص متناسب بودن گویه‌ها ضروری است (تاج‌بخش، ۱۴۰۰، ص. ۱۰). در مطالعات کیو مانند روش‌های کمی، اولاً، طرح و بررسی فرضیه مطرح نیست بلکه

1. Richard Dayer

2. Baudrillard

3. Q-methodology

مبتنی بر ذهنیت افراد و اکتشافی است. ثانیاً، در مطالعات کیو، نمونه افراد از میان کسانی انتخاب می‌شوند که یا ارتباط خاصی با موضوع تحقیق دارند یا دارای عقاید ویژه‌ای هستند. ثالثاً، برخلاف روش‌های کمی، مطالعات کیو، اطلاعاتی درباره توزیع متغیرها به دست نمی‌دهد تا بتوان راجع به تعمیم‌پذیری آنها بحث نمود بلکه درباره وجود ذهنیت‌های مختلف بحث می‌کند؛ درحالی‌که در مطالعات کمی، کل نمونه اهمیت دارد (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶، صص. ۲۸-۲۹). با بهره‌گیری از روش کیو، می‌توان اطلاعات مورد نیاز را از مسئولان و نخبگان جامعه به دست آورد. به عبارت دیگر پژوهشگر با استفاده از این روش می‌خواهد برای عامل‌ها، معنا و تفسیری بیاورد تا ذهنیت افراد را شناسایی و کشف نماید. شکل زیر مراحل فرایند اجرای یک تحقیق با روش کیو را نمایش می‌دهد:



منبع: (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶، ص. ۲۲)

شکل (۱): فرایند اجرای روش کیو

در این پژوهش پس از ارزیابی فضای گفت‌مان، درنهایت ۷۳ گویه (جدول ۱) در قالب طیف لیکرت در اختیار ۵۷ نفر از مشارکت‌کنندگان قرار گرفت و از آنها خواسته شد که میزان موافقت یا مخالفت خود را با هر ایده بر روی طیف هفت‌گزینه‌ای اعلام نمایند. درواقع مشارکت‌کنندگان در پژوهش باید تصمیم بگیرند که از نظر آنها چه چیزی با معنا و مهم است (صفری و خیری، ۱۳۹۷، ص. ۱۰۰). برای سنجش میزان اعتبار ابزار گردآوری داده‌ها از روایی صوری استفاده شد و پژوهشگر گزینه‌های کیو را به تأیید متخصصان رسانیده است. پایایی ابزار پژوهش از روش آلفای کرونباخ میزان ۰/۸۵۰ محاسبه شد. با توجه به آنکه معمولاً قابلیت اعتماد بالاتر از ۷۰ درصد مطلوب است؛ لذا می‌توان گفت که این مقدار نشان‌دهنده اعتماد بالای عبارات کیو و نتایج مرتب‌سازی آن در نمودار است (معصوم‌زاده زواره؛ شمسی و ابراهیمی، ۱۳۹۲، ص. ۳۹).

جدول (۱): گویه‌های کیو

ردیف	گویه
۱	توسعه نمانام ملی با به‌کارگیری سرمایه اقتصادی اقوام
۲	توجه به میراث بشری در تصویرسازی ملی
۳	تأثیر فضای پست‌مدرن بر تحولات قومی
۴	نمانام ملی زمینه‌ساز ایجاد همبستگی قومی
۵	توجه به اشتراک گروه‌های قومی در برندسازی
۶	اقوام ایرانی به‌عنوان اعضای کشور، در ایجاد هویت ملی نقش مهمی ایفا می‌کنند
۷	وجود همبستگی میان اقوام ایرانی و هویت ملی
۸	قرار داشتن فعالیت اقتصادی اقوام در چهارچوب نظام حاکم
۹	رفتار قومی به ایجاد مجموعه‌ای از ادراک و تصویرهای ذهنی کمک می‌کند
۱۰	ایجاد محیطی متمرکز و فراگیر در راستای مدیریت و هدف‌مندی فعالیت‌های قومی توسط نمانام ملی
۱۱	نمانام ملی به‌منظور ارتقای مسائلی نظیر توریسم می‌تواند از اقوام بهره گیرد
۱۲	تطبیق اقوام با سیاست‌های برندینگ در راستای بهره‌مندی از فضای دیجیتال
۱۳	نقش دیپلماسی در برندینگ ملی و فعالیت‌های قومی
۱۴	ایجاد تصویر ذهنی بر اساس تجربیات شخصی و اخبار شفاهی
۱۵	نقش نمانام ملی معتبر در ایجاد وفاق قومی
۱۶	پردازش اصول برندینگ در راستای رفتار قومی
۱۷	اقوام ایرانی هویت و اجتماع سیاسی مستقل از حاکمیت دارند
۱۸	عدم تطابق تصویر ملی با واقعیت‌های موجود، منجر به شکست نمانام ملی می‌گردد
۱۹	چندوجهی بودن نمانام ملی نشان‌دهنده عدم تأثیرپذیری از عملکرد اقوام است
۲۰	وجود قرابت معنایی اقوام ایرانی با نمانام ملی
۲۱	عدم ارائه خدمات در سطح بین‌المللی به‌دلیل عدم هماهنگی و یکپارچگی اقوام
۲۲	اعتبار قومی تحت پوشش نمانام ایران قرار دارد
۲۳	تصویر بین‌المللی از ایران رابطه مستقیمی با درک از اقوام دارد
۲۴	ایجاد تصویری مطلوب در جهان با توجه به عملکردهای قومی
۲۵	بهره‌گیری اقوام از رسانه‌ها در تصویرسازی قومی
۲۶	نمانام ملی از طریق عوامل جغرافیایی و محدوده کشوری، تصویر ملی ایجاد می‌کند
۲۷	عدم توجه به رفتارهای قومی به‌دلیل سیاسی دانستن برندینگ ملی
۲۸	مخاطبان بین‌المللی به‌عنوان مالکان اصلی نمانام‌های ملی

ردیف	گویه
۲۹	برند ملی با بهره‌گیری از رسانه، تصویر مطلوبی از همبستگی قومی ارائه می‌دهد
۳۰	تنوع قومی به تصویری با عنوان سرزمین تنوع‌ها می‌انجامد
۳۱	اقوام ایرانی به‌عنوان شناسنامه و هویت نظام شناخته می‌شوند
۳۲	انعکاس ارزش‌های قومی در تصویر ملی
۳۳	عدم ادغام فرهنگی و قومی در پی تشدید اختلاف‌های قومی
۳۴	هویت و تاریخ کشور در ایجاد تصویر ملی نقش مهمی ایفا می‌کند
۳۵	تصویر منفی برند ملی انعکاسی از عدم همبستگی اقوام است.
۳۶	رابطه جهانی شدن و ایجاد هویت‌های جداگانه‌ی قومی
۳۷	میهن‌دوستی و احساس افتخار به پیشینه فرهنگی، خصیصه ایرانی‌هاست
۳۸	پدید آمدن ملی‌گرایی قومی در رونق اقتصادی
۳۹	ایجاد تعهد ذهنی توسط نمانام ملی با هدف تمایز کشورها از یکدیگر
۴۰	نمانام ملی توسعه اقتصادی و رفاهی اقوام ایرانی را دنبال می‌کند
۴۱	نمانام ملی ایران تصویری از افکار جامعه جهانی از اقوام ایرانی است
۴۲	تصویرسازی ملی با به‌کارگیری رسانه‌ها از ظرفیت فرهنگی و تاریخی اقوام
۴۳	تمایز قومی با پرورش ملی‌گرایی قومی و ایجاد ملت‌سازی رابطه دارد
۴۴	توجه به مذهب شیعه و زبان فارسی در تصویرسازی ملی
۴۵	دلبستگی به سنت‌ها و آداب، از ویژگی‌های ایرانیان است
۴۶	قوم‌گرایی، ملت‌ها را به‌عنوان یک واحد ملی زیر سؤال می‌برد
۴۷	برندینگ ملی ایران، هماهنگی و تناسب لازم با هویت اقوام دارد
۴۸	توجه به خصوصیات مثبت قومی و هویت مشترک در نمانام‌سازی ملی مؤثر است
۴۹	تأثیر تصویر برند ایرانی از عوامل مختلف فردی و اجتماعی
۵۰	نگاه حاکم بر نمانام ملی در مواجهه با اقوام فرهنگی است
۵۱	جهانی شدن بازارهای اقتصادی و نقش آن در استقلال اقوام
۵۲	ترجیح منافع قومی بر منافع ملی در میان اقوام ایرانی
۵۳	عدم ایجاد هویت غالب و ملی به‌دلیل وجود تنوع قومی
۵۴	تشدید هویت قومی منجر به آگاهی قومی و تضعیف هویت ملی می‌گردد
۵۵	نقش نمانام ملی در اجرای عادلانه فرصت‌ها
۵۶	نقش نمانام ملی در سازوکارهای سیاسی و حق تعیین سرنوشت
۵۷	استفاده برندینگ شهری با محوریت اقوام راه‌حلی برای محبوبیت نمانام ملی است
۵۸	احساسی که مردم از اقوام دارند، در احساس آنها از نمانام ملی مؤثر است

ردیف	گویه
۵۹	دستیابی به اهداف نمانام ملی نیازمند اصلاح رفتاری و فرهنگی اقوام است
۶۰	تنوع قومی در ایران یکی از جاذبه‌های صنعت گردشگری و توریسم می‌باشد
۶۱	توریسم بیشترین قابلیت را برای معرفی نمانام ملی در بین افکار عمومی دارد
۶۲	وجود اقوام مختلف موجب کثرت ویژگی رفتاری ایرانیان است
۶۳	ایرانیان مردم مهمان‌نواز و مبادی آداب هستند
۶۴	توجه به پیشینه، میهن و نیاکان از ویژگی‌های رفتاری مردم ایران به‌شمار می‌آید
۶۵	توجه به نظم از خصوصیات ایرانیان است
۶۶	قابلیت نمانام شدن عناوینی نظیر فرش ایرانی، تنوع جغرافیایی و تنوع قومی
۶۷	خاصیت چتری برند ملی منجر به ارتقای شهرت اقوام می‌گردد
۶۸	تنوع فرهنگی و قومی در ایران مانع از ارسال یک تصویر یا پیام واحد می‌گردد
۶۹	تنوع قومی در ایران مانع از ایجاد همگرایی قومی شده است
۷۰	فعالیت رسانه‌ای در چهارچوب نمانام ملی همگرایی قومی را در پی دارد
۷۱	نمانام اقتدار ملی را افزایش و تنازعات قومی را کاهش می‌دهد
۷۲	توسعه‌یافتگی نوعی همبستگی معنادار با رواج یک فرهنگ ملی فراگیر دارد.
۷۳	گسترش رقابت‌های اقتصادی توسط نمانام ملی با ایجاد زیرساخت‌های لازم

۵. یافته‌های پژوهش

در این بخش ابتدا به اولین سؤال پاسخ داده می‌شود. پاسخ‌ها نیز برگرفته شده از داده‌هایی است که از سوی مشارک‌کنندگان دریافت و ارزیابی گردید.

۵-۱. عوامل قومی مؤثر بر نمانام‌سازی ملی کدامند؟

ابتدا از شرکت‌کنندگان در مورد مشخصات کلی نظیر سن، وضعیت تحصیلی، جنسیت و حوزه مطالعاتی سؤال‌هایی پرسیده شد که جزئیات آن در (جدول ۲) آمده است.

جدول (۲): ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارک‌کنندگان پژوهش

درصد	فراوانی	متغیر	
۳۱/۵	۱۸	زن	جنسیت
۶۸/۵	۳۹	مرد	
۳۵/۱	۲۰	دکتری تخصصی	تحصیلات
۱۷/۵	۱۰	دانشجوی دکتری	

درصد	فراوانی	متغیر	
۴۵/۶	۲۶	کارشناسی ارشد	
۱/۸	۱	لیسانس	
۸/۸	۵	۳۰-۲۰	سن
۴۷/۴	۲۷	۴۰-۳۱	
۳۵	۲۰	۵۰-۴۱	
۸/۸	۵	۶۱-۵۱	
۲۴/۵۶	۱۴	نمانام سازی	حوزه مطالعاتی
۲۲/۸۱	۱۳	مطالعات و سیاست گذاری فرهنگی	
۳۸/۶۰	۲۲	ارتباطات اجتماعی و رسانه	
۱۴/۰۴	۸	ارتباطات سیاسی و بین الملل	

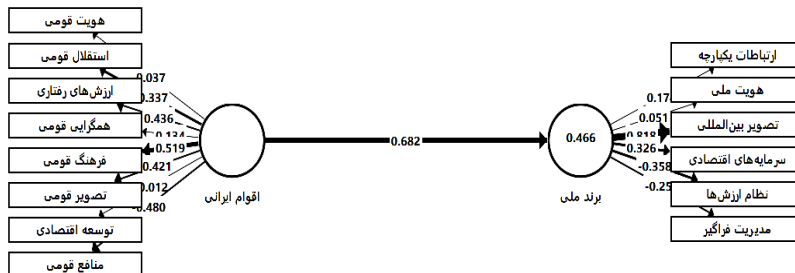
پس از اینکه تمامی نمودارهای کیو تکمیل شد، برای انجام تحلیل عاملی، داده‌ها به صورت مناسب برای ورود به نرم افزار SPSS26 آماده شدند. برای شناسایی الگوی ذهنی مشارکت کنندگان، تحلیل عاملی اکتشافی و با استفاده از ماتریس همبستگی انجام شد. سپس روش «مؤلفه‌های اصلی» که رایج ترین شیوه استخراج عامل‌ها در تحلیل عاملی «کیو» است، به کار رفت. از روش «واریماکس»^۱ نیز برای چرخش عامل عامل استفاده گردید (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶، ص. ۹۹). بر اساس روش تحلیل شاخص‌های اصلی و چرخش به شیوه واریماکس و با توجه به ماتریس عاملی و درصد واریانس تبیین شده از مجموع ۷۳ گویه، ۸ عامل با مجموع واریانس (۶۵/۶۷ درصد) برای متغیر اقوام ایرانی و ۶ عامل با مجموع واریانس (۶۸/۸۶ درصد) برای متغیر برند ملی استخراج گردید.

جدول (۳): مقدار ویژه و درصد واریانس انباشته عامل‌های چرخیده

متغیر	عامل‌ها	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	درصد تجمعی واریانس
اقوام ایرانی	۱	۷/۸۹۳	۱۳/۸۴۷	۱۳/۸۴۷
	۲	۶/۷۰۴	۱۱/۷۶۲	۲۵/۶۰۹
	۳	۴/۸۹۰	۸/۵۷۹	۳۴/۱۸۸
	۴	۴/۰۶۶	۷/۱۳۳	۴۱/۳۲۱
	۵	۳/۸۹۲	۶/۸۲۷	۴۸/۱۴۸

متغیر	عامل‌ها	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	درصد تجمعی واریانس
	۶	۳/۸۳۳	۶/۷۲۴	۵۴/۸۷۳
	۷	۳/۴۰۹	۵/۹۸۰	۶۰/۸۵۳
	۸	۲/۷۴۶	۴/۸۱۸	۶۵/۶۷۰
تجزیه و تحلیل	۱	۱۳/۰۰۵	۲۲/۸۱۶	۲۲/۸۱۶
	۲	۷/۸۸۳	۱۳/۸۳۱	۳۶/۶۴۷
	۳	۵/۷۹۲	۱۰/۱۶۲	۴۶/۸۰۸
	۴	۴/۵۴۳	۷/۹۷۱	۵۴/۷۷۹
	۵	۴/۳۴۸	۷/۶۲۸	۶۲/۴۰۷
	۶	۳/۶۷۸	۶/۴۵۳	۶۸/۸۶۰

در شکل زیر مسیر مدل کلی پژوهش قابل مشاهده است. نتایج به‌دست‌آمده که از طریق نرم‌افزار SmartPLS3 انجام یافته، نشان می‌دهد که متغیر اقوام ایرانی با ضریب رگرسیونی (۰/۶۸۲) بر متغیر نمانام ملی تأثیر مثبت دارد. ضریب رگرسیونی بین ۱ و ۱- تعریف می‌شود که هر اندازه این عدد به ۱+ نزدیک‌تر باشد، بیانگر تأثیر قوی‌تری است.



شکل (۲): مدل گرافیکی سنجش اعتبار سازه‌ها - مسیر کلی پژوهش

پس از مشخص شدن امتیاز عامل‌ها در ماتریس چرخش‌یافته، در راستای تشکیل جدول کیو هر عامل و امتیاز دادن به هر کدام از گزینه‌های کیو، بر مبنای امتیازهای محاسبه‌شده، آرایه‌های عاملی را به‌دست آورده و گزینه‌های کیو را به ترتیب اهمیت برای هر عامل مشخص می‌نماییم. سپس بر اساس دستورالعمل مرتب‌سازی کیو، به تمامی گزاره‌ها که از (۵+ تا ۵-) درجه‌بندی شده‌اند، رتبه‌ای تعلق خواهد گرفت. با توجه به یافته‌های پژوهش و همان‌گونه که تعداد و چگونگی گروه‌بندی‌ها نشان می‌دهد، دامنه ایده‌ها و عقاید مشارکت‌کنندگان در خصوص

متغیر «برند ملی» و «اقوام ایرانی» تفاوت‌ها و مشابهت‌هایی دارد؛ بنابراین، با هدف مطالعه کیو و معیار تفسیرپذیر بودن عامل‌ها، مدلی از ذهنیت مشارکت‌کنندگان به‌دست آمد که در ذیل به تفسیر هر کدام خواهیم پرداخت.

۵-۱-۱. تفسیر مؤلفه‌های نمانام ملی

(جدول ۴) اطلاعات به‌دست‌آمده از ماتریس چرخش‌یافته «نمانام ملی» به تفکیک تعداد و درصد مشارکت‌کنندگان را نشان می‌دهد.

جدول (۴): اطلاعات به‌دست‌آمده از ماتریس چرخش‌یافته نمانام ملی

مؤلفه	تعداد مشارکت‌کنندگان	درصد مشارکت‌کنندگان	میانگین سنی مشارکت‌کنندگان	شماره‌های مشارکت‌کنندگان
اول	۲۵	۴۳/۸۶	۴۱/۷	۴۸.۳۳.۴۷.۲۴.۳۸.۳۴.۴۰.۴۵.۵۷.۵۱ ۵۳.۳۲.۲۹.۴۹.۴۴.۲۷.۱۲.۳۹.۲۳.۳.۵ ۴.۱۹.۳۵.۲۱.۱۷
دوم	۱۱	۱۹/۳۰	۴۱/۵	۱۸.۲۰.۷.۴.۴۶.۵۶.۴۲.۳۰.۱۶.۲۶.۱
سوم	۸	۱۴/۴	۴۰/۲	۱۳.۹.۵۰.۴۳.۱۴.۵۱.۲۸.۵۲
چهارم	۵	۸/۷۷	۴۱/۸	۱۵.۱۱.۲.۲۵.۶
پنجم	۳	۵/۲۶	۳۷	۴۱.۵۵.۲۲
ششم	۵	۸/۷۷	۳۴/۲	۳۷.۳۱.۸.۱۰.۳۶

الف) مؤلفه اول (ارتباطات یکپارچه): افراد این گروه بر این باورند، یکی از دلایلی که مانع از ارائه خدمات یا محصولات در سطح جهانی می‌شود، نبود ارتباطات یکپارچه میان اقوام ایرانی است. این گروه به نقش کلیدی اقوام ایرانی در شکل‌گیری هویت ملی اذعان دارد. همچنین به سیاسی بودن مسئله نمانام ملی اعتقادی ندارند و برای ارسال تصویری واحد، تنوع قومی را یک مانع نمی‌دانند.

ب) مؤلفه دوم (هویت ملی): افراد این گروه بر این باورند که نمانام ملی ایران کمترین اثر را از اقوام ایرانی می‌پذیرد و درعین‌حال عملکردی چندوجهی نیز دارد. همچنین معتقدند که در ایجاد هویت ملی نمی‌توان از نقش اقوام ایرانی چشم پوشید. از همین رو برای ایجاد چنین تصویری باید از ظرفیت میراث بشری و ریشه تاریخی یا فرهنگی اقوام ایرانی بهره جست. در نگاه این افراد، واکنش قابل توجهی نسبت به ظرفیت اقتصادی گروه‌های قومی دیده نشده است.

پ) مؤلفه سوم (تصویر بین‌المللی): افراد این گروه معتقدند نمانام ملی ایران

می‌تواند با استفاده از ظرفیت گردشگری و توجه به جاذبه‌های صنعت توریست از یک‌سو و تنوع قومی از سویی دیگر، تصویری مطلوب و سازگار با فرهنگ قومی را به جهان ارائه نماید. همچنین توجه به آداب رفتاری و تأکید بر میهن از دیگر مسائلی است که در مواجهه با اقوام مختلف قابل رؤیت است. درمجموع این مسائل کمک می‌کند که تصویری از اقوام ایرانی در افکار عمومی شکل گیرد. در ادامه باید گفت که این گروه عدم یکپارچگی و هماهنگی اقوام ایرانی را مانعی برای خدمات‌دهی در سطح بین‌المللی نمی‌پندارد و نسبت به توسعه رفاهی و اقتصادی اقوام که بر بستر نمانام ملی شکل گیرد نیز واکنشی ندارد.

ت) مؤلفه چهارم (سرمایه‌های اقتصادی): افراد این گروه بر این باورند که طرح نمانام‌سازی ملی زمانی زیر سؤال می‌رود که تناسبی میان واقعیت‌های موجود در کشور با تصویر نمانام ملی وجود نداشته باشد. به‌همین دلیل در جهت توسعه و ایجاد تصویری مطلوب، استفاده از ظرفیت سرمایه‌های اقتصادی اقوام را امری ضروری می‌دانند. البته نمانام ملی نیز می‌تواند با به‌کارگیری فناوری‌های نوین و ایجاد زیرساخت‌های لازم، شرایط رقابت اقتصادی میان اقوام ایرانی را فراهم آورد.

ث) مؤلفه پنجم (نظام ارزش‌ها): در این گروه مشارکت‌کنندگان نمانام ملی را امری سیاسی دانسته که نظام حاکم درباره آن تصمیم‌گیری می‌کند. همچنین معتقدند توسعه ملی زمانی رخ می‌دهد که فرهنگی ملی و مبتنی بر نظام ارزش‌ها رواج یابد. این گروه می‌گوید تناسبی چندانی میان نمانام ایران و هویت اقوام ایرانی وجود ندارد و ارزش‌های رفتاری قومی در تصویر ملی ایران نشان داده نمی‌شود.

ج) مؤلفه ششم (مدیریت فراگیر): افراد این گروه به هدف‌مندی فعالیت اقوام ایرانی اعتقادی راسخ دارند، ازهمین‌رو ایجاد بستری متمرکز و فراگیر از سوی نمانام ملی را مهم می‌دانند. آنان باور دارند که مدیریت فراگیر می‌تواند از ظرفیت اقوام ایرانی در جهت افزایش موضوع‌هایی چون توریست استفاده کند. یکی از موضوع‌های مهم در مقوله قومیت، جدا نمودن حق تعیین سرنوشت از حق تشکیل کشوری مستقل است که از نظر این گروه، نمانام ملی در این مورد از توانایی لازم برخوردار نیست. جالب است بدانیم که این گروه تأکید بر میهن، توجه به نظم و مهمان‌نوازی را از آداب رفتاری مردم ایران برنمی‌شمارد و برخلاف سایرین، واکنشی نسبت به میراث بشری و تناسب میان نمانام ایران و هویت قومی نشان ندادند.

۵-۲. تفسیر مؤلفه‌های اقوام ایرانی

جدول (۵): اطلاعات به دست آمده از ماتریس چرخش یافته اقوام ایرانی

مؤلفه	تعداد مشارکت کنندگان	درصد مشارکت کنندگان	میانگین سنی مشارکت کنندگان	شماره‌های مشارکت کنندگان
اول	۱۳	۲۲/۸۱	۳۹/۵	۳۳،۹۰،۵۴،۴۸،۲۱،۴۷،۴۰،۳۸،۴۰،۱۳،۵۰،۳۵،۴۵
دوم	۱۳	۲۲/۸۱	۳۹	۳۶،۱۰،۲۵،۱۷،۴۳،۵۱،۱۵،۵۳،۳۹،۳۱،۲۴،۴۹،۲۷
سوم	۹	۱۵/۷۹	۳۹	۵۵،۵۷،۵۰،۱۹،۴۱،۱۵،۶۰،۲۹،۳۴
چهارم	۷	۱۲/۲۸	۴۶/۴	۳،۱۱،۴۲،۴۴،۱۸،۲۸،۱۲
پنجم	۵	۸/۷۷	۴۰/۷۵	۴۶،۳۰،۱۶،۸،۷
ششم	۳	۵/۲۶	۴۱	۲،۲۲،۲۰
هفتم	۳	۵/۲۶	۳۵/۳	۶،۳۲،۵۲
هشتم	۴	۷/۰۲	۴۵/۵	۲۶،۲۳،۳۷،۱۴

(الف) مؤلفه اول (هویت قومی): افراد این گروه معتقدند که هویت نظام سیاسی با هویت گروه‌های قومی به یکدیگر گره خورده است. به گونه‌ای که اگر نمانام ملی به دنبال اقتدار ملی و سپس کاهش تنازع‌های قومی است، باید از ظرفیت اقوام ایرانی بهره ببرد. از بررسی پاسخ‌های مشارکت کنندگان می‌توان دریافت که بهره‌مندی از رسانه‌های نوین جایگاه گروه‌های قومی را به عنوان واحدی مستقل تثبیت کرده است. این افراد بیان می‌کنند که تنوع قومی خللی در همگرایی اقوام ایجاد نمی‌کند؛ البته که هویت مستقلی هم برای گروه‌های قومی در ایران قائل نیستند.

(ب) مؤلفه دوم (استقلال قومی): افراد حاضر در این عامل به استقلال اجتماعی و هویتی گروه‌های قومی باور دارند. آنها فعالیت گروه‌های قومی را در بستر برند ملی معتبر دانسته و معتقدند که تنوع قومی می‌تواند برندی را با عنوان سرزمین تنوع‌ها به وجود آورد. البته به هیچ عنوان تنوع یا تمایزهای قومی را مانع از همگرایی یا مثلاً یک ملی‌گرایی قومی نمی‌پندارند.

(پ) مؤلفه سوم (ارزش‌های رفتاری): افراد این گروه بر این باورند که اهداف نمانام ملی زمانی محقق می‌شود که اصلاح رفتاری و فرهنگی در میان اقوام ایرانی صورت پذیرد. این افراد معتقدند گروه‌های قومی منافع خود را بر منافع ملی مقدم

می‌شمارند و در صورتی که هویت قومی شدت یابد، هویت ملی تضعیف خواهد شد. از همین‌رو میان هویت ملی و هویت قومی همبستگی بالایی دیده نمی‌شود. در نهایت نیز معتقدند ارتباطی میان فعالیت‌های اقتصادی حاکمیت و گروه‌های قومی وجود ندارد.

ت) مؤلفه چهارم (همگرایی اقوام): در مشاهده‌های این گروه میان قومیت و هویت ملی همگرایی نسبتاً بالایی دیده می‌شود؛ اما این بدان معنا نیست که اقوام ایرانی هویتی مستقل از حاکمیت نداشته باشند. آنان ایرانیان و بالتبع گروه‌های قومی را دلبسته به سنت‌ها و آداب می‌دانند که به ارتقای ویژگی‌های رفتاری منجر می‌شود. این گروه میان افکار عمومی بین‌المللی از ایران و تصویر قومی از آن ارتباطی نمی‌بینند.

ث) مؤلفه پنجم (فرهنگ قومی): افراد این گروه برای پیشینه فرهنگی و تاریخی اهمیت ویژه‌ای قائل‌اند، تاجایی که می‌توان این امر را به‌عنوان یکی از خصوصیات اقوام ایرانی برشمرد؛ اما معتقدند مسئله ادغام یا شکل‌گیری فرهنگی به دلیل وجود اختلاف‌های قومی، در میان اقوام ایرانی به‌وجود نمی‌آید. همچنین در نگاه این افراد توسعه ارتباط جمعی عامل مهمی است؛ زیرا به گسترش فرهنگ قومی کمک می‌کند.

ج) مؤلفه ششم (تصویر قومی): افراد این گروه معتقدند میان تصویر قومی و تصویر جامعه جهانی از ایران رابطه مستقیمی وجود دارد تا جایی که می‌توان گفت گروه‌های قومی در ایران شناسنامه حاکمیت‌اند. آنان دو عامل زبان و مذهب را در تصویرسازی نمانام ملی مؤثر می‌دانند. این گروه تنوع قومی را به‌عنوان یک مانع در ایجاد هویت ملی تلقی نمی‌کند و البته واکنشی هم نسبت به میهن‌دوستی یا اختلاف‌های قومی نشان نمی‌دهد؛ ولی معتقد است میان راهبردهای اقتصادی نظام حاکم و فعالیت اقتصادی گروه‌های قومی ارتباط چندانی وجود ندارد.

چ) مؤلفه هفتم (توسعه اقتصادی): افراد این گروه برنامه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی گروه‌های قومی را در راستای راهبردهای اقتصادی نظام حاکم دانسته و معتقدند نمانام ملی زمانی توسعه می‌یابد که بتواند از سرمایه‌های اقوام در بخش اقتصادی کمک بگیرد. به‌نظر آنها قومیت تنها یک موضوع فرهنگی نیست بلکه یک مسئله اقتصادی نیز هست.

ح) مؤلفه هشتم (منافع قومی): افراد گروه می‌گویند تأکید بر سنت‌های رفتاری یکی از ویژگی‌های مردم ایران است، از همین‌رو نمانام ملی می‌بایست به رفتارهای

قومی توجه نماید. هر چند که این افراد هویت سیاسی مستقلی برای اقوام قائل نمی‌شوند؛ اما معتقدند در میان گروه‌های قومی، منافع قومی بر منافع ملی ترجیح داده می‌شود که این امر نشان‌دهنده تأکید بر ارزش‌های خاص‌گرایانه قومی است. در نگاه این افراد، ارتباطی میان جهانی شدن و مسائلی نظیر شکل‌گیری هویت‌های مستقل قومی وجود ندارد.

۵-۲. میان متغیرهای اقوام ایرانی و نمانام ملی چه رابطه‌ای وجود دارد؟

الف) ضریب همبستگی: در (جدول ۶) نتایج بررسی ضریب همبستگی میان مؤلفه‌های «اقوام ایرانی» بر «نمانام ملی» نمایش داده شده است. نتایج برآمده نشان می‌دهد که تأثیر «فرهنگ قومی» بر «تصور بین‌المللی» با ضریب رگرسیونی (۰/۳۵۰) و PValues (۰/۰۴۱) رابطه مثبت و معناداری ایجاد کرده است. به این معنا که افزایش هر کدام با افزایش دیگری همراه است. همچنین تأثیر «منافع قومی» بر «سرمایه‌های اقتصادی» با ضریب رگرسیونی (۰/۳۷۴-) و PValues (۰/۰۴۲) رابطه منفی و معنادار به‌وجود آورد که نشان می‌دهد افزایش یکی کاهش دیگری را در پی دارد.

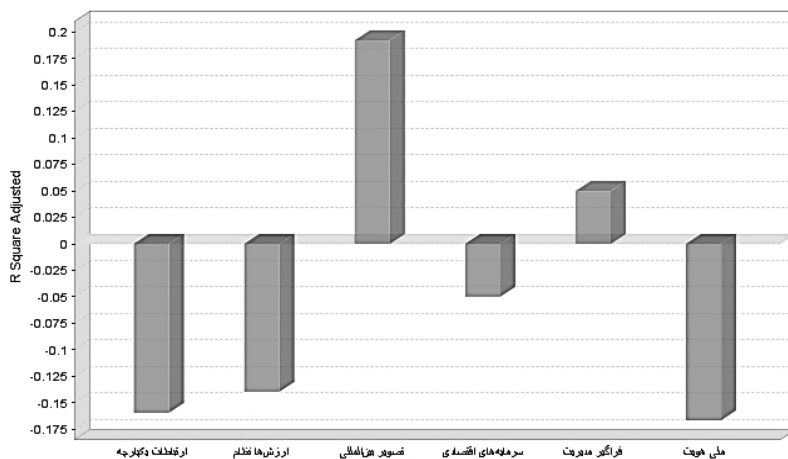
جدول (۶): نتایج بررسی روابط بین عوامل متغیر اقوام ایرانی با نمانام ملی

نتیجه	PValues	رگرسیون	تأثیر مؤلفه‌های اقوام ایرانی بر نمانام ملی
غیرمعنادار	۰/۳۰۸	۰/۲۰۹	ارزش‌های رفتاری بر ارتباطات یکپارچه
غیرمعنادار	۰/۸۱۳	-۰/۰۵۸	ارزش‌های رفتاری بر نظام ارزش‌ها
غیرمعنادار	۰/۲۳۳	۰/۲۲۰	ارزش‌های رفتاری بر تصویر بین‌المللی
غیرمعنادار	۰/۶۴۱	۰/۰۸۰	ارزش‌های رفتاری بر سرمایه‌های اقتصادی
غیرمعنادار	۰/۳۳۲	-۰/۱۳۶	ارزش‌های رفتاری بر مدیریت فراگیر
غیرمعنادار	۰/۹۸۹	-۰/۰۰۳	ارزش‌های رفتاری بر هویت ملی
غیرمعنادار	۰/۵۶۶	۰/۰۹۱	توسعه اقتصادی بر ارتباطات یکپارچه
غیرمعنادار	۰/۷۴۱	-۰/۰۵۹	توسعه اقتصادی بر نظام ارزش‌ها
غیرمعنادار	۰/۷۳۳	-۰/۰۶۶	توسعه اقتصادی بر تصویر بین‌المللی
غیرمعنادار	۰/۶۲۹	-۰/۰۷۱	توسعه اقتصادی بر سرمایه‌های اقتصادی
غیرمعنادار	۰/۵۱۲	-۰/۱۲۰	توسعه اقتصادی بر مدیریت فراگیر
غیرمعنادار	۰/۸۰۶	۰/۰۵۲	توسعه اقتصادی بر هویت ملی
غیرمعنادار	۰/۷۷۱	۰/۰۴۷	استقلال قومی بر ارتباطات یکپارچه

نتیجه	PValues	رگرسیون	تأثیر مؤلفه‌های اقوام ایرانی بر نماد ملی
غیرمعنادار	۰/۳۱۸	۰/۱۸۲	استقلال قومی بر نظام ارزش‌ها
غیرمعنادار	۰/۲۶۸	-۰/۱۹۴	استقلال قومی بر تصویر بین‌المللی
غیرمعنادار	۰/۵۸۶	۰/۱۱۴	استقلال قومی بر سرمایه‌های اقتصادی
غیرمعنادار	۰/۱۸۷	۰/۲۳۹	استقلال قومی بر مدیریت فراگیر
غیرمعنادار	۰/۳۶۱	۰/۱۷۲	استقلال قومی بر هویت ملی
غیرمعنادار	۰/۶۴۰	۰/۰۸۴	تصویر قومی بر ارتباطات یکپارچه
غیرمعنادار	۰/۶۰۲	-۰/۱۰۹	تصویر قومی بر نظام ارزش‌ها
غیرمعنادار	۰/۲۱۷	۰/۲۲۶	تصویر قومی بر تصویر بین‌المللی
غیرمعنادار	۰/۷۵۷	۰/۰۵۱	تصویر قومی بر سرمایه‌های اقتصادی
غیرمعنادار	۰/۶۶۸	-۰/۱۰۴	تصویر قومی بر مدیریت فراگیر
غیرمعنادار	۰/۵۲۶	۰/۱۲۹	تصویر قومی بر هویت ملی
غیرمعنادار	۰/۷۸۹	-۰/۰۵۸	فرهنگ قومی بر ارتباطات یکپارچه
غیرمعنادار	۰/۴۷۰	-۰/۱۶۴	فرهنگ قومی بر نظام ارزش‌ها
مثبت و معنادار	۰/۰۴۱	۰/۳۵۰	فرهنگ قومی بر تصویر بین‌المللی
غیرمعنادار	۰/۸۰۵	۰/۰۴۴	فرهنگ قومی بر سرمایه‌های اقتصادی
غیرمعنادار	۰/۹۵۷	-۰/۰۰۷	فرهنگ قومی بر مدیریت فراگیر
غیرمعنادار	۰/۷۵۰	۰/۰۷۳	فرهنگ قومی بر هویت ملی
غیرمعنادار	۰/۷۸۱	-۰/۰۴۵	منافع قومی بر ارتباطات یکپارچه
غیرمعنادار	۰/۶۲۶	۰/۰۷۹	منافع قومی بر نظام ارزش‌ها
غیرمعنادار	۰/۲۱۹	-۰/۱۹۵	منافع قومی بر تصویر بین‌المللی
منفی و معنادار	۰/۰۴۲	-۰/۳۷۴	منافع قومی بر سرمایه‌های اقتصادی
غیرمعنادار	۰/۸۲۹	۰/۰۳۳	منافع قومی بر مدیریت فراگیر
غیرمعنادار	۰/۹۳۹	-۰/۰۲۰	منافع قومی بر هویت ملی
غیرمعنادار	۰/۹۷۱	-۰/۰۰۷	هویت قومی بر ارتباطات یکپارچه
غیرمعنادار	۰/۶۸۱	۰/۰۷۲	هویت قومی بر نظام ارزش‌ها
غیرمعنادار	۰/۵۰۹	۰/۱۰۴	هویت قومی بر تصویر بین‌المللی
غیرمعنادار	۰/۷۹۳	-۰/۰۴۸	هویت قومی بر سرمایه‌های اقتصادی
غیرمعنادار	۰/۲۰۶	۰/۲۴۲	هویت قومی بر مدیریت فراگیر
غیرمعنادار	۰/۵۰۸	-۰/۱۲۹	هویت قومی بر هویت ملی
غیرمعنادار	۰/۴۷۶	۰/۱۳۳	همگرایی قومی بر ارتباطات یکپارچه

تأثیر مؤلفه‌های اقوام ایرانی بر نمانام ملی	رگرسیون	PValues	نتیجه
همگرایی قومی بر نظام ارزش‌ها	۰/۱۰۰	۰/۵۶۵	غیرمعنادار
همگرایی قومی بر تصویر بین‌المللی	۰/۲۲۳	۰/۱۸۷	غیرمعنادار
همگرایی قومی بر سرمایه‌های اقتصادی	۰/۰۰۴	۰/۹۷۶	غیرمعنادار
همگرایی قومی بر مدیریت فراگیر	۰/۲۹۹	۰/۱۳۹	غیرمعنادار
همگرایی قومی بر هویت ملی	-۰/۰۸۸	۰/۶۵۰	غیرمعنادار

ب) ضریب تعیین: ضریب تعیین نیز برای ارزیابی دقت پیش‌بینی مدل، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. ضریب همبستگی مربع مقادیر واقعی و پیش‌بینی شده است که نشان می‌دهد چه میزان مقدار واریانس متغیر وابسته، توسط متغیر مستقل توضیح داده می‌شود. مقدار (R^2) میان صفر تا یک است. مقادیر نزدیک به یک نشان‌دهنده دقت پیش‌بینی بالاتر است. در این مطالعه مقدار (R^2) را در نمودار زیر می‌توان مشاهده کرد:



شکل (۳): ضریب دقت متغیر اقوام ایرانی

در شش عامل نمانام ملی - تعدیل یافته (R^2)

نتیجه‌گیری

نمانام ملی مفهومی است دارای ابعاد گوناگون، به‌هم‌پیوسته و ترکیب‌یافته که تصویری کلی از یک کشور را نمایش می‌دهد. این تصویر ابعاد سیاسی، تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را شامل می‌شود. نمانام‌سازی ملی به‌عنوان یک قدرت

نرم قادر است تصویر و ذهنیت نادرست نسبت به یک کشور را از بین برده و تصویری جدید ایجاد نماید. از قدرتمندترین دارایی‌های یک کشور می‌توان به مردم، تاریخ، فرهنگ، جغرافیا و مواهب طبیعی اشاره کرد که اگر کشوری از چنین ظرفیتی برخوردار باشد، می‌تواند نمانام ملی خود را بر پایه همین دارایی‌ها بنا نهد. همچنین تصاویر مطلوب یا نامطلوب از یک کشور می‌تواند بر تمایل به سرمایه‌گذاری، گردشگری، مراوده‌های تجاری و سیاسی اثرگذار باشد. به هر شکل پس از بررسی مؤلفه‌های شناسایی شده از پاسخ‌های ۵۷ نفر از خبرگان حوزه نمانام‌سازی، فرهنگ، ارتباطات و روابط بین‌الملل، هشت مؤلفه برای اقوام ایرانی شناسایی شد که در ارتباط با نمانام ملی قرار می‌گیرند. از میان مؤلفه‌های شناسایی شده تأثیر «فرهنگ قومی» بر «تصویر بین‌المللی» معنادار بوده است. از همین رو پیشینه فرهنگی و تاریخی مهم قلمداد می‌شود، به گونه‌ای که توجه به نقاط مشترک تاریخی و تأکید بر رویدادهای مشترک باستانی و ملی می‌تواند به تقویت این امر منجر شود. همچنین فرهنگ قومی نیازمند سامان‌دهی هویت قومی است که در این راستا می‌توان از ظرفیت ادبیات، زبان فارسی، گویش‌های محلی، نمادهای قومی، بناهای تاریخی و فرهنگی، جغرافیای طبیعی، صنایع دستی، موسیقی و معماری بهره برد. در حقیقت نمانام ملی کشوری مانند ایران باید تمامی جنبه‌های مهم خود را پوشش دهد تا بتواند با واقعیت ذاتی خود هم‌پوشانی و تطابق داشته باشد. حال برای تقویت یا تغییر تصویر ایران باید ظرفیت‌های فرهنگی و تاریخی را در معرض دید بین‌المللی قرار داد که این امر مستلزم حضور در جشنواره‌های بین‌المللی، استفاده از ظرفیت گردشگری، ظرفیت رسانه‌های جمعی، تبلیغات، دیپلماسی رسانه‌ای و سفیران نمانام است. همچنین نتایج حاکی از تأثیر منفی مؤلفه‌ها بر سرمایه‌های اقتصادی است که نشان می‌دهد در کنار ظرفیت فرهنگی باید به شاخص‌های اقتصادی نیز توجه گردد. در حقیقت برای دستیابی به توسعه اقتصادی باید محصولات و خدماتی در عرصه جهانی قابل عرضه باشد که کیفیت زندگی و کسب‌وکارها را بهبود بخشد. پس می‌توان گفت در صورتی که ایران به لحاظ اقتصادی بتواند جایگاه خود را در محیط بین‌المللی ارتقا دهد، بی‌شک تصویرسازی مطلوب نیز میسر خواهد شد.

برخی از پژوهش‌های داخلی و خارجی با نتایج به‌دست‌آمده همخوانی دارد؛ به‌عنوان مثال یوچوان لی و همکاران (۲۰۲۳)، در پژوهش خود نشان دادند که آگاهی نسبت به مؤلفه‌های قومی، درک فرهنگی را تعدیل می‌کند. یا در پژوهش دیگری، آزاد و همکاران (۲۰۱۳) برخی مؤلفه‌ها نظیر تصویر فرهنگی را به‌عنوان عوامل مؤثر

در نمانام‌سازی شناسایی کردند؛ اما تحقیقاتی نظیر محمدی‌فرد و همکاران» (۱۳۹۸) نشان داد که نمانام‌یابی ملی در اولویت برنامه‌های کشور قرار ندارد و یا اردلان و همکاران (۱۳۹۸) عوامل مختلفی نظیر دولت، فرهنگ، گردشگری، جامعه، جغرافیا، طبیعت و اقتصاد را در نمانام‌سازی ملی ایران اثربخش دانستند، در صورتی که نتایج این پژوهش نشان داد توجه چندانی به این موارد نمی‌شود.

به‌طور کلی می‌توان گفت نبود اجماعی همگانی در مسئله نمانام‌سازی ملی، باعث به‌وجود آمدن ابهام و پیچیدگی‌هایی در تصویر ملی ایران شده است. البته خاصیت چتری بودن نمانام ملی، امکان تساهل و مدارا میان اقوام ایرانی و دیگر فرهنگ‌های جهانی را به‌وجود خواهد آورد. چه‌بسا که گروه‌های قومی در چنین حالتی بتوانند علاوه بر نهادینه کردن فرهنگ خود، برخی از فرهنگ‌های جهانی را نیز بیاموزند. نمانام ملی این ظرفیت را دارد که در بین اقوام به‌دنبال اهداف یا منافع مشترک باشد تا تعامل فرهنگی را گسترش دهد. در این صورت هویت‌های جداگانه قومی ایجاد نخواهند شد. چراکه به‌خوبی می‌دانیم نمانام ملی به‌دنبال انعکاسی دقیق از فعالیت‌ها و برنامه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی اقوام ایرانی است. اگر جدیت لازم در نمانام‌سازی ملی ایران وجود داشته باشد، راه‌اندازی و تأسیس واحدی یکپارچه برای مدیریت آن امری حیاتی است. قطعاً چنین سازمانی باید از نخبگان دولتی، علمی، فرهنگی و ملی تشکیل شود تا به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی بلندمدت بپردازد و سنجش لازم را نیز در این فرایند به‌عمل آورد. علاوه بر آن چنین سازمانی باید به ترسیم نمودار (SWOT)^۱ بپردازد و منابع لازم را در این راستا تأمین نماید.

طبق یافته‌های این پژوهش، تکثر و تنوع قومی می‌تواند تصویر ملی ایران را تقویت کند، تا جایی که به انتخاب عنوانی نظیر «سرزمین تنوع‌ها» بیانجامد. از مشخصه‌های بارز ایران و ایرانیان می‌توان به وسعت سرزمینی و تنوع جغرافیایی منحصربه‌فرد، فرهنگ قومی متنوع، آب‌وهوای گوناگون، منابع و مواهب عظیم خدادادی، مذاهب و ادیان مختلف، زبان و گویش‌های متعدد اشاره کرد. از همین رو چنین ویژگی‌هایی این قابلیت را دارد که تصویر متفاوت و متنوعی از ایران ارائه دهد. پرواضح است که چنین مزیت رقابتی در کشور می‌تواند منجر به رشد و توسعه اقتصادی، گردشگری، فرهنگی و علمی گردد. به‌هرشکل با توجه به اهمیت موضوع نمانام ملی و نقش اقوام ایرانی در فرایند برندسازی، موارد زیر به پژوهشگران این

1. Strengths, Weaknesses, Opportunities & Threats

حوزه پیشنهاد می‌گردد:

- بررسی راه‌های ارتباطی مؤثر بر نگرش مخاطبان بین‌المللی،
- بررسی دانش و تجربه کشورهای توسعه‌یافته در مسئله نمانام‌سازی ملی،
- بررسی و مقایسه جایگاه کشور ایران در رتبه‌بندی شاخص‌های برندینگ ملی.

فهرست منابع

- احمدی، حمید (۱۳۷۸). قومیت و قوم‌گرایی در ایران؛ افسانه و واقعیت. تهران: نشر نی.
- اردلان، امین؛ وظیفه‌دوست، حسین و نیکومرام، هاشم (۱۳۹۸). برنامه‌ریزی آینده ایران با نمانام‌سازی ملی. *فصلنامه آینده‌پژوهی مدیریت*، سال سی‌ام، (۱۶)، ۱۵۳-۱۶۹.
- استفورد، گ. (۱۳۸۹). *نظریه‌ها و مکاتب*. ترجمه مهدی رجبی، تهران: مرکز آموزش و پژوهش همشهری.
- بهرامیان، شفیع (۱۳۹۴). رسانه و همگرایی اقوام در ایران: بررسی نقش وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌های مجازی بر همگرایی بین‌قومی در ایران و ارائه الگوی مدیریت رسانه در زمینه روابط بین‌قومی. (پایان‌نامه دکتری). دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- تاج‌بخش، غلامرضا (۱۴۰۰). واکای عوامل فرهنگی مؤثر بر وقوع طلاق با کاربری‌ت‌روش Q. *فصلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی*، سال دوازدهم، (۴)، ۲۳-۱.
- جلالی، مهدی (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی هویت قومی و هویت ملی در میان دانش‌آموزان ترک آذری‌زبان و کردزبان (مطالعه موردی شهرستان میاندوآب). *فصلنامه مطالعات میان‌فرهنگی*، ۱۳(۳۷)، ۹۸-۶۹.
- خطیبی، حسین (۱۳۹۷). *بررسی تأثیر رفتارهای ارتباطی ایرانیان در مؤلفه‌های شش‌گانه برند ملی*. (رساله دکتری). دانشگاه علوم و تحقیقات: گروه علوم ارتباطات و دانش‌شناسی.
- خوشگویان‌فرد، علیرضا (۱۳۸۶). *روش‌شناسی کیو (چاپ اول)*. تهران: انتشارات سروش.
- ذبیحی جامخانه، محسن؛ آذر، عادل؛ معزز، هاشم و مقیمی، محمد (۱۳۹۸). تبیین چهارچوبی برای نمانام‌سازی جمهوری اسلامی ایران. *نشریه علمی مطالعات انقلاب اسلامی*، ۱۶(۵۷)، ۶۸-۵۳.
- صفری، علی و خیری، نوشین (۱۳۹۷). شناسایی الگوی ذهنی کارکنان به روش کیو. *فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)*، (۸۹)، ۹۱-۱۱۸.

صفوی، یحیی؛ علی‌پور، ع. و حیدری، ج. (۱۳۹۵). نقش اقوام در انسجام و تحکیم قدرت ملی. *فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا*، (۲)، ۱۳۱-۱۵۷.

محمدی‌فر، یوسف؛ احمدیان، قدرت و حشمتی، افشین (۱۳۹۸). بهار و تابستان. پیامدهای برندسازی ملی برای جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر ابعاد سیاسی و اقتصادی. *دوفصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل*، ۲ (شماره اول)، ۵۶-۲۵.

معصوم‌زاده‌زواره، ابوالفضل؛ شمسی، جعفر و ابراهیمی، ابوالقاسم (۱۳۹۲). تدوین راهبردهای نمانام‌سازی ملی در ایران. *چشم‌انداز مدیریت بازرگانی*، (۱۶)، ۵۲-۲۹.

مهدی‌زاده، سید محمد (۱۳۹۲). نظریه‌های رسانه؛ اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی. تهران: انتشارات همشهری.

وبستر، فرانک (۱۳۹۰). *نظریه‌های جامعه اطلاعات*. ترجمه اسماعیل قدیمی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

- Anholt, S. (2013). Beyond the Nation Brand: The Role of Image and Identity in International Relations. *Exchange: The Journal of Public Diplomacy*, (2), 6-12.
- Azad, N.; Hozouri, S.; Zarifi, S. & Khodashenas, Y. (2013). A factor analysis to detect factors influencing building national brand. *Management Science Letters*, 777-782.
- Chandra, K. (2006). What Is Ethnic Identity And Does It Matter? *Annu Review Of Political Science*, 397-424.
- Dehdashti Shahrokh, Z. & Sepahvand, A. (2022). Unpacking nation branding: Identification of key influential, processual, and outputs. *Marketing Science and Technology Journal*, 1(4), 47-78.
- Dinnie, K. (2008). *Nation Branding: Concepts, Issues, Practice*. Oxford: Elsevier.
- Fan, Y. (2010, May). Branding the nation: Towards a better understanding. *Place branding and public diplomacy*, 97-103.
- He, L.; Wang, R. & Jiang, M. (2020). Evaluating the effectiveness of China's nation branding with data from social media. *Global Media and China*, 5(1), 3-21.
- Hutchinson, J. & Smith, A. (1996). *Ethnicity*. Oxford, UK: Oxford Univ. Press.
- Kaneva, N. (2011). National Branding: Toward an Agenda for Critical Research. *International Journal of Communication*, (5), 117-141.
- McGrath, J. & Farkas, U. (2021, May 26). Anholt Ipsos Nation Brands Index (NBI). *Place Brand Research*.
- Park, T. (2021). Nation Branding And Its Significance; A Literature Perspective. *Ilkogretim Online-Elementary Education Online*, 20(6), 947-959.
- Peterson, J. (2006, Autumn). Qatar and the World: Branding for a Micro-State.

- Middle East Journal*, (60), 732-748.
- Yuquan, L.; Jianxin, S. & Lin, Z. (2023, February 22). Ethnic elements in Chinese cosmetic brands: An exploration of digital communication effects on the recognition of Chinese national identity. *Telematics and Informatics Reports*, (10).
- Zeineddine, C. (2018). Branding European countries in the aftermath of important political transitions. *Proceedings of the International Conference on Business Excellence*, 12(1), 1059-1068.
- Zhang, Y.; Tsang, D. & Fuschi, D. (2020). Chinese multinationals on the New Silk Route: Managing political risk by branding the nation. *Thunderbird International Business Review*, 62(3), 291-303.

References

- Ahmadi, H. (2008). Ethnicity and ethnocentrism in Iran; Myth and reality (second edition). Tehran: Ney Publishing.
- Ardalan, A., Vazifehdust, H. & Nikoomaram, H. (2019). Planning the future of Iran with nation branding. *Journal of Future Studies Management*. 30(116). 153-169.
- Bahramian, Sh. (2014). Media and ethnic convergence in Iran: Investigating the role of mass communication and virtual media on inter-ethnic convergence in Iran and presenting a model of media management in the field of inter-ethnic relations (Doctoral Thesis). Islamic Azad University Science and Research Unit.
- Jalali, M. (2017). Comparative study of ethnic identity and national identity among Azeri-speaking and Kurdish-speaking Turkish students (case study of Miandoab city). *Intercultural Studies Quarterly*, 13(37), 69-98.
- Khatibi, H. (2017). Investigating the impact of communication behaviors of Iranians on the six components of the national brand (doctoral thesis). University of Science and Research: Department of Communication Sciences and Epistemology.
- Khoshgoyan Fard, A. (2007). *Q Methodology* (1st ed.). Tehran: Soroush Publications.
- Masoomzadeh, A., Shamsi, J. & Ebrahimi, A. (2013). Compilation of national branding strategies in Iran. *Journal of Business Management Perspective*, (16), 29-52.
- Mehdizadeh, S. M. (2012). media theories; Common thoughts and critical views. Tehran: Hamshahri Publications.
- Mohammadifar, Y., Ahmadian, Q., & Hashmati, A. (2018, spring and summer). The consequences of national branding for the Islamic Republic of Iran with emphasis on political and economic dimensions. *Bi-Quarterly Journal of International Political Economy Studies*, second period (first issue), 25-56.
- Safari, A. & Khayri, N. (2018). Identify the Employees' Mental Pattern about Electronic Monitoring at Work by Q Method. *Management*

- Studies in Development and Evolution. 27(89), 91-117.
- Safavi, S., Alipour, A. & Heydari, J. (2015). The role of ethnic groups in the integration and consolidation of national power. *Naja Strategic Studies Quarterly*, (2), 157-131.
- Stafford, G. (2010). Theories and schools. (Translated by Zohra Rajabi, editor and retrieved from the archive of Hamshahri Research and Studies site, producer) Retrieved from <https://hamshahritraining.ir/news-3217.aspx>.
- Tajbakhsh, G. (2022). Analyzing cultural factors affecting the occurrence of divorce using the Q method. *Quarterly Journal of Cultural Sociology*, Year 12, (4), 1-23.
- Webster, F. (2011). *Information society theories*. (Translator: A. Gadidi) Amirkabir Publishing House.
- Zabihi Jamkhanah M, Azar A, Moazzez H & Moqimi M.. (2019). A Framework of IRI Brand Building. *Scientific Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies*; 16(57), 53-68.

مطالعه تطبیقی مقوله‌ها و موضوع‌های ترویج علم در فضای مجازی؛ مطالعه موردی تارنماهای اینترنتی ایران، آمریکا و مالزی^۱

مجید سلیمانی ساسانی

استادیار گروه ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
msoleimani@ut.ac.ir  0000-0001-6443-4236

چکیده

مطالعه حاضر به دنبال شناخت رویکردهای ترویجی رسانه‌های مجازی در باب محتوای علمی است. درواقع سؤال اصلی پژوهش این است که رویکردهای به‌کاررفته در ترویج محتوای علمی در فضای مجازی چیست؟ هدف تحقیق نشان دادن نظام موضوع‌های جدید در رسانه‌های جدید است؛ بنابراین به مطالعه تطبیقی ۱۵ تارنما از کشورهای آمریکا، مالزی و ایران پرداخته شده و مقوله‌ها و موضوع‌های ترویج علم مورد مقایسه قرار گرفته است. روش تحلیل پژوهش، تحلیل محتوای کیفی، واحد تحلیل «تارنما» و واحد «معنا» نیز مجموعه‌ای از تصاویر، واژگان یا جمله‌هایی که بتوان ارتباطی از معانی مشابه و یکسان در آنها یافت. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که ترویج علم در رسانه‌ها، براساس مقوله‌هایی همچون: مباحث کشاورزی و محیط زیست، فرهنگ و دانش بومی، سلامت، بهداشت و درمان، گردشگری، کارآفرینی و خوداشتغالی و سواد رسانه‌ای است. توجه به فرهنگ و دانش بومی در تارنماهای ایرانی و برخی از تارنماهای مالزیایی نسبت به تارنماهای آمریکایی بیشتر است. درحالی که گرایش به ترویج علم نوین، میان تارنماهای آمریکایی و مالزیایی بیشتر است.

کلیدواژه‌ها: ارتباطات علم، ترویج علم، فضای مجازی، تحلیل محتوای کیفی، مقوله‌بندی.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵۸-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

CC BY 4.0 

 10.22034/SCS.2023.386925.1414

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز:

CCBY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>) است.

مقدمه و بیان مسئله

هر نهادی در جامعه باید کارکردهایی داشته باشد تا مانند یک بدن به صورتی هماهنگ، عملکرد داشته باشد. برای سازمان‌های ارتباطی نیز با توجه به نیازهای گروه‌های انسانی در استفاده از آنها، وظایف و کارکردهای متعددی در نظر گرفته‌اند (ساروخانی، ۱۳۸۵، ص. ۸۳). کارکردهای رسانه را نیز ذیل عناوینی همچون: کارکرد نظارتی، سرگرم‌سازی و پرکردن اوقات فراغت، نوگرایی و توسعه، همگن‌سازی، راهنمایی و رهبری، بحران‌زدایی، آگاه‌سازی، اعطای پایگاه اجتماعی، حمایت از هنجارهای اجتماعی، انتقال میراث‌های فرهنگی و اجتماعی از نسلی به نسل دیگر، نقش و کارکرد بیان عقاید، ایجاد همبستگی میان اجزای جامعه در پاسخ به نیازهای محیطی و کارکرد تبلیغی (سورین و تانکارد، ۱۳۸۶؛ دادگران، ۱۳۸۵؛ باهنر، ۱۳۸۷؛ ساروخانی، ۱۳۸۵؛ معتمدنژاد، ۱۳۸۵ و کریمی، ۱۳۸۲) دانسته‌اند؛ اما یکی از مهم‌ترین کارکردهای رسانه تحت عنوان «کارکرد آموزشی یا انتقال فرهنگ» مطرح شده است. کنش‌های آموزشی، از آغاز تولد تا واپسین دم حیات همراه انسان است و فرایندی فراگیر است که تمام حیات انسانی را دربرمی‌گیرد و از این‌رو برای آموزش نه زمانی معین وجود دارد و نه مکانی مشخص.

در این میان، رسانه‌های ارتباطی، آموزش‌دهنده و فراهم‌آورنده دانش و شکل‌دهنده ارزش‌هایند و مردم همواره از آنها تأثیر می‌پذیرند و می‌آموزند. اهمیت وظیفه آموزشی وسایل ارتباطی در جوامع معاصر، به حدی است که بعضی از جامعه‌شناسان برای مطبوعات و رادیو و تلویزیون و سینما نقش «آموزش موازی» یا «آموزش دائمی» قائل هستند (معتمدنژاد، ۱۳۸۵). با این حال، ظهور رسانه‌های جدید مانند تارنماهای اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی موجب تأثیرهای شگرفی در عرصه کارکرد آموزشی رسانه‌ها شده است. شکل‌گیری رویکردهای تعاملی و دوسویه کاربران در فضای رسانه‌های اجتماعی و همچنین گسترش تولید محتوای کاربرساخته، شرایط و امکان‌های جدیدی را برای کارکرد آموزشی رسانه‌های جدید فراهم کرده است؛ بنابراین، شناخت رویکردهای ترویجی علم در این رسانه‌های جدید می‌تواند نشان دهد که چه نظام مسائل و موضوع‌های جدیدی در حوزه ترویج علم مورد توجه قرار گرفته است.

۱. هدف و پرسش پژوهش

این پژوهش به دنبال شناخت رویکردهای ترویجی رسانه‌های مجازی در محتوای علمی است. سؤال اصلی این پژوهش این است که رویکردهای به کار رفته و نظام مقوله‌ها و موضوع‌ها در ترویج محتوای علمی در فضای مجازی چیست؟ در این پژوهش سعی خواهد شد با مطالعه و بررسی تطبیقی کشورهای آمریکا و مالزی و مقایسه آن با ایران، نظام موضوعهای ترویج علم در رسانه‌های مجازی این سه کشور مقایسه شود.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعه حاضر به بحث عمومی‌سازی و ترویج علم در فضای مجازی می‌پردازد. در میان پژوهش‌های داخلی، پژوهش نقش رسانه‌ها در عمومی‌سازی علم در ایران و مقایسه آن با سایر کشورها (قدیمی، ۱۳۹۱) به بررسی نقش رسانه‌ها در عمومی‌سازی علم در کشورهای ایران، آمریکا، انگلستان، ژاپن و هندوستان پرداخته و با روش اسنادی و میدانی به این نتیجه رسیده است که نزدیک به ۴۰ درصد افراد از مطالب علمی که از طریق رسانه‌ها دریافت می‌گردد، رضایت دارند؛ همچنین ۵۰ درصد ایرانیان از رسانه‌ها برای افزایش اطلاعات علمی خود استفاده می‌کنند و در میان رسانه‌ها، فضای مجازی از اقبال عمومی برخوردار است. یافته‌های تطبیقی پژوهش نشان می‌دهد که کشورهای توسعه‌یافته برای جلب حمایت عموم در پیشبرد برنامه‌های علمی اهمیت بسیاری قائل‌اند و رسانه‌ها نقش مهمی در توسعه پایدار ایفا می‌کنند؛ اما در کشورهای توسعه‌یافته توجه به رسانه‌ها، آموزش و نهادهای ترویج علم نظیر موزه‌ها، مراکز علمی به صورت یک فعالیت فرهنگی در جریان است و دولت در این عرصه فعالیت می‌کند؛ اما هنوز فرهنگ علمی شکل نگرفته است و رسانه‌ها در عمومی‌سازی علم نقش واقعی خود را ایفا نمی‌کنند.

مقاله پژوهشی مفهوم ترویج علم در رسانه‌ها؛ تحلیل محتوای مجله اطلاعات علمی (مصطفوی و بیگدلی، ۱۳۹۲) نیز به تحلیل محتوای مطالب ارائه‌شده در مجله «اطلاعات علمی» بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ارائه اطلاعات علمی در بستر جدید اینترنت به جای قالب چاپی مشکل‌نوینی است که البته با انتشار الکترونیکی مجله‌ها در اینترنت تا حدودی می‌توان به این مسئله پرداخت. این پژوهش معتقد است که در ترجمه مطالب از

زبان‌های خارجی باید به‌سوی بومی‌سازی مطالب علمی گام نهاد.

رساله دکتری ارتباطات عمومی علم در ایران: مطالعه ترکیبی نقش مجله‌های علمی عمومی در بهبود فهم عامه از علم (اجاق، ۱۳۹۲) نیز با روش تحلیل محتوا بر زبان به‌کاررفته در تولید متون علمی عمومی ایرانی، تمرکز می‌کند و معیارهایی را برای مناسب کردن زبان این مجله‌ها در راستای افزایش درک عامه از علم شناسایی کرده است. این مطالعه با تشریح معیارهای زبان ایدئال، روش برقراری ارتباطات عمومی مؤثر توضیح داده می‌شود. تحلیل محتوای مجله‌های علمی عمومی ایران نشان می‌دهد که این مجله‌ها در بازنمایی چهار بعد سواد علمی یعنی کنش‌های علم محور، ویژگی‌های نگرشی علم، آثار و پیوندهای اجتماعی علم و هنجارهای حاکم بر علم، بیشتر بر بازنمایی کنش‌های علم محور تأکید دارند و همین امر موجب شناخت نادرست و ناقص از علم می‌شود.

در میان تحقیق‌های خارجی نیز مقاله پژوهشی ارتباطات توسعه: پژوهش در عصر فناوری اطلاعاتی و ارتباطی و جهانی‌شدن (Ogan, 2009) به فراتحلیل مقاله‌های علمی با محوریت ارتباطات توسعه در مجلات برخط و غیربرخط از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۷ را بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که حدود ۴۴ درصد مقاله‌ها با محوریت توسعه و فناوری اطلاعاتی و ارتباطی (ICT) است، حدود ۱۲ درصد با محوریت توسعه و ترکیب رسانه‌ها، ۲۲ درصد توسعه و چندرسانه‌ای، ۷٫۱ درصد توسعه و تلویزیون و... می‌باشد؛ همچنین حدود ۷۸ درصد مقاله‌ها بر نقش رسانه‌ها را به عنوان یک موتور محرک در فرایند توسعه قلمداد می‌کند، ۱۲٫۸ درصد مقاله‌ها نقش رسانه را به عنوان یک عامل موردتوجه قرار می‌دهد و تنها ۹ درصد نقش حداقلی و ۷ درصد هیچ نقشی بر رسانه در فرایند توسعه قائل نیست.

مقاله پژوهشی عمومی‌سازی علم در برزیل: به‌سوی امور عمومی (Lima, Marcia & et al., 2008) به نقش دولت برزیل در فرایند عمومی‌سازی علم در امور عمومی جامعه تأکید می‌کند. نویسندگان معتقدند که در حال حاضر دولت دو نقش محوری در فرایند عمومی‌سازی علم دارد: اول، تأسیس ساختار رسمی در دولت به مثابه تصدیق حمایت از عمومی‌سازی علم؛ دوم، عمومی‌سازی علم و فناوری و بهبود آموزش علمی برای توسعه اجتماعی.

کتاب ارتباطات و عمومی‌سازی علم و فناوری در چین (Ren & Zhai, 2013) به بررسی سواد علمی و گسترش آگاهی علمی در چین می‌پردازد و بیان می‌کند که در قرن بیستم روزنامه‌ها، مجله‌ها و رسانه‌های سمعی - بصری بخش مهمی از

عمومی‌سازی علم را بر عهده داشتند. بااین حال امروز استفاده از رسانه‌های در بستر اینترنت اهمیت دارد. ظهور و توسعه اینترنت یک مجرای مهمی برای عمومی‌سازی علم و فناوری فراهم ساخته است؛ به‌طوری‌که فضای مجازی فضای باز و مردم‌سالارانه است و عموم مردم می‌توانند به صورت مستقیم با دانشمندان گفتگو کنند و از کتابخانه‌های مجازی و موزه علمی مجازی استفاده کنند.

مقاله پژوهشی توسعه سواد علمی و عمومی‌سازی علم با کمک کتابخانه‌ها و خدمات اینترنت (Vrana, 2013) نیز بیان می‌کند که کتابخانه‌ها با سرویس‌های اینترنتی به‌ویژه وب ۲ یا رسانه‌های اجتماعی در ارتقاء سواد علمی و عمومی‌سازی رسانه نقش مهمی دارد. امکان دسترسی برخط به مجله‌ها، نشریه‌ها و روزنامه‌ها، اینترنت فضای نامحدودی از اطلاعات فراهم می‌سازد، امکان اشاعه و نشر اطلاعات و علم در اینترنت با سرعت بالایی صورت می‌گیرد و امکان ایجاد شبکه‌های اجتماعی میان مروجان علمی و عموم مردم وجود دارد.

بررسی تحقیق‌های پیشین داخلی و خارجی نشان می‌دهد که رسانه‌های جمعی نقش بسیار مهمی در عمومی‌سازی و ترویج علم، توسعه دانش‌محور و کاهش شکاف اطلاعاتی دارد. بااین حال نقطه تمرکز تحقیقات کمتر رسانه‌های جدید به‌ویژه فضای مجازی یا اینترنت است.

۳. تعریف مفاهیم

عمومی‌سازی علم، به‌دنبال ارائه علم به زبان عامه است. اینکه علم باید در خدمت همه قرار گیرد و همه قادر باشند که از تفکر علمی به عنوان ابزار شناخت حقیقت و مسائل ساده زندگی بهره گیرند. هدف ترویج علم، «سازگار کردن و تعدیل اندیشه‌ها و یافته‌های پیچیده علمی است تا مخاطبان غیرمتخصص یا عامه مردم بتوانند آن را دریابند» (حری، ۱۳۸۵، ص. ۶۶). دراین میان، رسانه‌ها، خصوصاً رسانه‌های جدید، نقش میانجی برای ترویج علم را بازی می‌کنند. پاتر، ساختارهای دانش مرتبط با فضای رسانه‌ای را شامل یک مجموعه پنج‌گانه، «محتوای رسانه‌ای، تأثیر رسانه‌ای، صنایع رسانه‌ای، جهان واقعی و خود» می‌داند و به‌طور مستقیم بر «رسانه» تأکید دارد و معتقد است که رسانه، «تصویر آینه‌واری از واقعیت ایجاد نمی‌کند و پیام رسانه‌ای، ما به ازای یک‌به‌یک، با جهان واقعی ندارد» (پاتر، ۱۳۹۱، ص. ۴۳). از این منظر پارادایم‌ها و ساختارهای دانش، تأثیرهای مستقیمی بر محتوای ترویجی علم دارد.

مطالعه حاضر نیز به فرایند عمومی سازی علم از طریق رسانه ها می پردازد؛ بنابراین نقش های اطلاعاتی و آموزشی رسانه ها اهمیت زیادی دارد؛ زیرا از نقطه نظر کارکردی، رسانه ها وظایف متنوعی دارند که وظیفه آموزشی از مهم ترین آنهاست (معمد نژاد، ۱۳۸۵). نظارت بر محیط، ایجاد و توسعه همبستگی اجتماعی افراد، انتقال میراث فرهنگی و سرگرمی و تفریح دیگر کارکردهای رسانه هاست؛ همچنین باید گفت که ترویج عمومی علم در رسانه ها می تواند مسئله شکاف آگاهی و نابرابری بین طبقات اجتماعی (سورین و تانکارد، ۱۳۸۶، ص. ۳۶۳) را مرتفع سازد. آنچنان که دیدگاه یونسکو نیز بر روی دسترسی برابر و امکان جریان دانش و اطلاعات علمی از طریق اینترنت برای همه شهروندان تأکید کرده (یونسکو، ۱۳۸۴، ص. ۳۲) و دولت و سازمان های غیردولتی نقش مهمی در عمومی سازی علم دارند (Report of Brazil, 2004). اینکه ریشه توسعه نیافتگی در نبود علم در میان عامه است و رسانه ها نقش مهمی در نوسازی جامعه دارند (از کیا و غفاری، ۱۳۸۷، ص. ۲۰۷). با این حال، توجه به الزام های خاص بومی کشورها و در راستای توسعه بخشی مثبت (مک کوئیل، ۱۳۸۵، ص. ۱۷۵) و ایجاد فضای برای مشارکت دوسویه (Lewis, 1993) و توجه به ابعاد اجتماعی، قومیتی و جغرافیایی (Bailey & et al., 2008) می تواند نقش مهمی در عمومی سازی علم داشته باشد.

۴. روش پژوهش

در این پژوهش با روش تحلیل محتوای کیفی و رویکرد تطبیقی و استفاده از اسناد متنی و تصویری، رویکردهای ترویج علم در فضای مجازی در کشورهای ایران، آمریکا و مالزی مطالعه می شود. پژوهش های کیفی، تفسیری و پدیدارشناختی اند (Patton, 2002) و نگاه به پدیده ها، کل گرایانه و برای کشف معانی پدیده هاست (Denzin & Lincoln, 2000). در تحلیل محتوای کیفی نیز «معنا»^۱ با تکیه بر معنای ظاهری کلمات^۲ و نیز معنای فراطاهری کلمات^۳ تحلیل می شود (بشیر، ۱۳۸۴، ص. ۶) و ابتدا مقوله هایی برای تجزیه متن ساخته می شود و سپس متن بر اساس این مقوله ها تحلیل می شود. پژوهش های تطبیقی نیز عموماً پژوهش هایی توصیفی هستند که برخلاف پژوهش های تبیینی، فرضیه ندارند (کرلینجر، ۱۳۹۰، ص. ۹۹) و مبتنی بر

1. Meaning

2. Appeared Meaning

3. Absent Meaning

فهم شباهت‌ها و تفاوت‌ها هستند (مک‌کی و مارش، ۱۳۷۸، ص. ۲۸۷ به نقل از غفاری، ۱۳۸۸).

نمونه‌گیری از نوع «نمونه‌گیری نظری» مبتنی بر انتخاب موارد یا گروه‌ها بر اساس محتوا و ارتباطشان با موضوع تحقیق است (فلیک، ۱۳۸۷)؛ بنابراین نمونه‌هایی از رسانه‌های مجازی مختلف در کشورهای هدف مورد بررسی قرار خواهد گرفت که بیشترین ارتباط را با موضوع ترویج علم عامه داشته باشند.

«جامعه آماری» در این پژوهش، تارنماهای منتخب در حوزه ترویج علم عامه در سه کشور ایران، مالزی و ایالات متحده آمریکا است.

واحد تحلیل در تحلیل محتوا، به یک نوع موضوع مورد مطالعه مهم اشاره می‌کند (Downe Wamboldt, 1992). در پژوهش حاضر واحد تحلیل، «تارنما» است. تارنماهایی که هر یک رویکردهای خاصی در ترویج علم داشته‌اند.

واحد معنا نیز مجموعه تصاویر، واژگان یا جمله‌هایی است که بتوان ارتباطی از معنایی مشابه و یکسان در آنها یافت و بر اساس این معنای مشابه آنها را تقسیم‌بندی کرد (Downe Wamboldt, 1992). در این پژوهش نیز متن، صوت، فیلم، عکس و هر محتوای دیگری که به‌صورت برخط در پایگاه‌های اینترنتی مورد بررسی وجود دارند به‌عنوان واحد معنا در نظر گرفته شده است؛ همچنین در این پژوهش، تعیین مقولات بر اساس ابداع محقق صورت گرفته است. درواقع در تحلیل‌های کیفی، نوآوری و ابداع برای سهولت تحلیل داده‌هاست. مقوله‌بندی نیز یعنی مجموعه‌ای از داده‌ها یا واحدی از داده‌ها که معرف پدیده‌های کلی‌تر باشد (لیندلاف و تیلور، ۱۳۸۸).

۵. یافته‌های پژوهش

هدف پژوهش حاضر آن است که به‌صورت به‌کیفی به مطالعه تطبیقی مقوله‌ها و موضوع‌های ترویج علم در تارنماهای ۳ کشور ایران، آمریکا و مالزی بپردازد؛ بنابراین ۵ تارنمای اینترنتی ایرانی: تبیان، زیست‌بوم، نیک‌صالحی، دکتر روازاده و انسان‌شناسی و فرهنگ، ۵ تارنمای اینترنتی آمریکایی: انجمن آمریکایی پیشرفت علم، مرکز علم برای منفعت عمومی، علم در آزمایشگاه شاخسیری، علم عامه و کوپس پروجکت و درنهایت ۵ تارنمای مالزیایی: آکادمی علوم مالزی، مرکز اطلاعات امنیت زیستی، انجمن مصرف‌کنندگان پنانگ، سازمان ملی فضایی مالزی و مؤسسه بین‌المللی مطالعات پیشرفته اسلامی، تحلیل شده‌اند. برای تحلیل نظام موضوع‌ها، مقوله‌ها و رویکردهای ترویج علم نیز علاوه‌بر شناسایی کلی (زبان و رتبه تارنما،

موضوع‌های ترویجی، سازمان‌های پشتیبان، شیوه‌های تأمین اعتبار، سطح پوشش، سطح به‌روزرسانی و تأمین محتوا، هزینه استفاده از اطلاعات برای مخاطبان)، همه انواع متن نوشتاری، تصویر، فیلم، صوت و پادکست، نشانی و تحلیل بانک‌های اطلاعاتی این تارنماها تحلیل شده‌اند.

۵-۱. تحلیل محتوای کیفی پایگاه‌های اینترنتی ایران

۵-۱-۱. تحلیل مقوله‌ها و موضوع‌های تبیان

این تارنمای توسط سازمان تبلیغات اسلامی پشیبانی، زبان اصلی آن فارسی؛ اما به زبان‌های دیگر هم محتوا تولید می‌کند. محتوا نیز رایگان است.

۱- فرهنگ بومی: به‌دنبال احیای فرهنگ بومی است؛ به‌عنوان مثال به ترویج سنت حسنه ازدواج و وجود واسطه و اهمیت آن در روایات می‌پردازد.^۱ یا در مطلب «دل‌هاتونو تکنون دادین؟» ضمن ترویج سنت خانه‌تکانی به نکات اخلاقی هم اشاره می‌کند.^۲

۲- دین و اخلاق: مأموریت اصلی تارنما است؛ مانند مطلب «خطر انحراف در کمین مؤمنان» که ذکر می‌کند: «شکست در میدان جنگ خسارت نیست، خسارت واقعی، به هدر دادن سرمایه‌های ایمانی، فکری و روحی است».^۳

۳- مضامین سیاسی: در موارد معدود می‌پردازد؛ مانند مطلب «بحران ساختگی» که در آن روایت غربی از پرونده هسته‌ای ایران را نقد می‌کند.^۴

۴- حقوق بشر: به تبیین حقوق بشر اسلامی و نقد حقوق بشر غربی می‌پردازد؛ مانند مطلب «علی (علیه‌السلام) و حقوق بشر» که بیان می‌دارد: مهم‌ترین اصل و پایه حقوق بشر، «کرامت انسانی» است.^۵

۵- بهداشت و درمان: در سرویس زندگی یک گروه به نام سلامت دارد و به توصیه‌های پزشکی می‌پردازد؛ مانند مطلب «۱۰ تا از بهترین‌ها برای پاک‌سازی عروق» که در آن ادعا می‌کند که تصلب شرایین (گرفتگی رگ‌های خونی) به داشتن تغذیه مناسب برمی‌گردد.^۶

۶- توسعه: به‌صراحت به مفهوم توسعه نمی‌پردازد؛ اما به‌دنبال پیشرفت در مقوله

1. <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=283275>

2. <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=296366>

3. <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=295971>

4. <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=296509>

5. <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=19125>

6. <http://tebyan.net/newindex.aspx?pid=296429>

فرهنگ است؛ تا آنجا که برای بهبود اوضاع اقتصادی، به جای توصیه‌های صرفاً اقتصادی به توصیه‌های مذهبی می‌پردازد؛ مانند مقاله «توصیه‌ای مفید برای رزق و روزی» که تأکید می‌کند که یاد خدا افزون بر آرامش، توسعه رزق هم دارد.^۱

۷- کشاورزی: تنها به نوع ارگانیک آن می‌پردازد. در مطلب «چرا کشاورزی ارگانیک» تأکید دارد که: این تجاری‌سازی انبوه کشاورزی آثار منفی بر محیط زیست دارد. به‌خصوص استفاده از آفت‌کش‌ها و دانه‌های هیبرید و کشت تک‌محصولی و یک‌دست تهدید جدی برای تنوع گونه‌ای محلی و بومی است.^۲

۸- محیط زیست: محیط زیست را از محورهای توسعه پایدار می‌داند.^۳

۹- سواد رسانه‌ای: در مطلب «ضرورت وجود سواد رسانه‌ای» می‌گوید: خواندن اخبار باید به شکل انتقادی انجام شود و به نقش مالکان رسانه‌ها باید توجه داشت.^۴

۱۰- حقوق شهروندی: در مطلب «آپارتمان‌نشین‌ها کلیک کنند»، مسائل مربوط به حقوق شهروندی را یادآوری می‌کند.^۵

۱۱- گردشگری: به معرفی مراکز گردشگری می‌پردازد؛ مثلاً گزارش «سال را در سرزمین «اوز» تحویل کنید».^۶

۱۲- کارآفرینی: به مسائل حقوقی می‌پردازد؛ مثلاً مقاله «حقوق قانونی اشتغال».^۷

۱۳- بحث‌های تاریخی: در این موضوع، بیشتر به تاریخ اسلام توجه دارد^۸ و در مورد مستشرقین، به نقد دیدگاه‌های آنان می‌پردازد؛ مثل مطلب «ماجرای ما و مستشرقین».^۹

۱۴- کاهش شکاف دیجیتالی: تبیان در ۳ بخش «خدمات»، «دیتا سنتر» و «فروشگاه» در این زمینه تلاش نموده است.^{۱۰}

۱۵- دانش‌های بومی: در مطلب «بالاخره طب سنتی خوب است یا نه» تأکید می‌کند که آمار جهانی نشان می‌دهد که گرایش مردم به طب سنتی رو به فزونی است.^{۱۱}

1. <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=296360>

2. <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=184193>

3. <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=934&articleID=475512>

4. <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=285235>

5. <http://hoghoogh.tebyan.net/newindex.aspx?pid=278444>

6. <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=296229>

7. <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=237372>

8. <http://library.tebyan.net/newindex.aspx?pid=102834&ParentID=0&BookID=15867&MetaDataID=325&Volume=1&PageIndex=19&PersonalID=0&NavigateMode=CommonLibrary&Content=>

9. <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=193113>

10. <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=30019>

<http://tebyanidc.com/fa/>

<http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=236001>

11. <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=248140>

مقاومت: به این مقوله‌ها بسیار پرداخته می‌شود؛ مثلاً در مطلب «ما بی آمریکا» بر «خودباوری» و «ما می‌توانیم».^۱

۱۶- تحلیل‌های قومیتی: تحلیل قومیتی را رد و در مطلب «صدام به روایت شهید چمران» تأکید می‌شود که انقلاب اسلامی ایران به همه قومیت‌ها به یک چشم می‌نگرد.^۲

۱۷- تروریسم: به پوشش اخبار آنها می‌پردازد؛ مثلاً در مطلب «داعش چگونه حقوق می‌دهد؟» آمده است که داعش نزدیک به ۶۰ هزار نیروی تحت امر دارد.^۳ در برخی موارد هم به تبیین مفاهیم می‌پردازد؛ مثل مطلب «تروریسم از دیدگاه اسلام و غرب».^۴

۱۸- مردم‌سالاری: با تبیین «مردم‌سالاری دینی» آن را جایگزین مناسبی برای مردم‌سالاری می‌داند؛ مانند مطلب «نیم‌نگاهی به اسلام و مردم‌سالاری».^۵

۱۹- نهادهای مردم‌نهاد: آنها را برای حل مشکلات جامعه مفید می‌داند؛ مانند مطلب «سازمان‌های مردم‌نهاد».^۶

۵-۱-۲. تحلیل مقوله‌ها و موضوع‌های زیست‌بوم

این تارنما در موضوع محیط زیست، گردشگری، کشاورزی، منابع طبیعی، بهداشت و سلامت فعالیت می‌کند. زبان آن فارسی و محتوا رایگان است.

۱- فرهنگ بومی: در مطلب «قنات راهکار نجات»، آن را درمان خشک‌سالی می‌داند.

۲- دین و اخلاق: در مقاله «سیر تطور اخلاق زیست‌محیطی» می‌گوید در تمدن اسلامی، اخلاق زیست‌محیطی از مباحث پایه‌ای است.^۷ حفظ محیط زیست را موضوعی توحیدی و قرآنی می‌داند؛ مثلاً در مقاله «محیط زیست و بحران آن؛ رویکرد قرآنی».^۸

۳- مضامین سیاسی: توجه مدیران سیاسی را به مقوله محیط زیست جلب می‌کند؛ مثلاً مقاله «با مدیران دولتی برای روزهای غیر هوای پاک».^۹

۴- حقوق بشر: حفظ محیط زیست را از مقدمات حقوق بشر می‌داند و در مقاله

1. <http://siasat.tebyan.net/newindex.aspx?pid=293403>

2. <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=116948>

3. <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=295760>

4. <http://library.tebyan.net/newindex.aspx?pid=102834&ParentID=0&BookID=55497&MetaDataID=8827&Volume=1&PageIndex=0&PersonalID=0&NavigateMode=CommonLibrary&Content=>

5. <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=30315>

6. <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=160268>

7. <http://zistboom.com/fa/news/17258/>

8. <http://zistboom.com/fa/news/15041/>

9. <http://zistboom.com/fa/news/26623/>

- «دیپلماسی آب و محیط زیست» به این موضوع اشاره می‌کند.^۱
- ۵- بهداشت و درمان: راهکارهای تغذیه سالم برای جلوگیری از بیماری ارائه می‌کند؛ مانند مقاله‌های «بدترین گوشت‌هایی که می‌خوریم»^۲ و «عزم ملی علیه سرطان».^۳
- ۶- سواد رسانه‌ای: رسانه‌های سرمایه‌داری را عامل انکار تخریب محیط زیست می‌داند؛ مانند مقاله «تغییرات آب‌وهوا؛ واقعیتی انکار شده» که می‌گوید ما به «رسانه‌های آرام و مداوم» نیاز داریم تا بی‌عدالتی‌های درازمدت نسبت به مردم و زمین مورد غفلت قرار نگیرد.^۴
- ۷- گردشگری: آشنایی با عوامل حفظ محیط زیست را عامل افزایش گردشگری می‌داند و مراکز گردشگری در ایران معرفی می‌کند؛ مانند گزارش «کشف شهر زیرزمینی هخامنشی در غرب اصفهان»^۵ و یا گزارش تصویری «قلعه بابک، دژی در ابر».^۶
- ۸- کارآفرینی: در برخی موارد، راهکارهای اشتغال‌زایی را مغایر با رویکردهای حفظ محیط زیست می‌داند؛ مانند مطلب «جنایت سبز».^۷
- ۹- بحث‌های تاریخی: به نمونه‌هایی از حفظ محیط زیست در تاریخ اشاره می‌کند؛ مانند مطلب «قداست درختان نزد ایرانیان» که بیان می‌کند به عقیده ایرانیان باستان، هر کس درخت کهن‌سالی را قطع کند، در همان سال، عزیزی را از دست خواهد داد.^۸
- ۱۰- تروریسم: آنجا که تروریسم عامل تخریب محیط زیست باشد، تارنما زیست‌بوم به آن اشاره دارد؛ مثلاً در خبر «سربردن حیوانات، تمرین کودکان داعشی» به این مطلب اشاره می‌کند که داعش، در مدرسه‌های خود برای آموزش سربردن به کودکان، قطع سر حیوانات را آموزش می‌دهد.^۹
- ۱۱- نهادهای مدنی: دنبال تشکیل و گسترش سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی است؛ مانند مطالبی همچون؛ «نخستین جشنواره تجلیل از فعالان و برگزیدگان محیط زیست لرستان»^{۱۰} و «حضور پررنگ تشکل زیست‌محیطی سراسر کشور در چهاردهمین نمایشگاه بین‌المللی محیط زیست».^{۱۱}

1. <http://zistboom.com/fa/news/25780/>

2. <http://zistboom.com/fa/news/26820/>

3. <http://zistboom.com/fa/news/26818/>

4. <http://zistboom.com/fa/news/26664/>

5. <http://zistboom.com/fa/news/26371/>

6. <http://zistboom.com/fa/news/26486/>

7. <http://zistboom.com/fa/news/25567/>

8. <http://zistboom.com/fa/news/26804/>

9. <http://zistboom.com/fa/news/26668/>

10. <http://zistboom.com/fa/news/24319/>

11. <http://zistboom.com/fa/news/26879/>

۵-۱-۳. تحلیل مقوله‌ها و موضوع‌های نیک صالحی

این سایت به موضوع‌های ترویجی ورزش، دین، سینما، خانواده، سبک زندگی، روانشناسی، سرگرمی و سلامت می‌پردازد. با جذب آگهی اعتبار خود را تأمین و محتوایش رایگان است. متون نوشتاری آن نیز بسیار کوتاه و اغلب جمع‌آوری است.

۱- دین و اخلاق: در حد توصیه به دین‌مداری عرفی، آن‌هم در حد بسیار محدود مانند مطلب «ایام فاطمیه از کی شروع و در چه تاریخی به پایان می‌رسد».^۱

۲- بهداشت و درمان: در حد ترویج مسائل جنسی و زیبایی مانند مطلب؛ «آنچه شما باید در تماس جنسی رعایت و دقت کنید».^۲

۳- محیط زیست: در حد نشر اخبار مربوط به حمایت هنرمندان از محیط‌زیست.^۳

۴- سواد رسانه‌ای: با نشر بیش‌ازاندازه تصاویر هنرپیشه‌ها دنبال جذب مخاطب است.

۵- گردشگری: به معرفی اماکن گردشگری می‌پردازد.^۴

۶- تروریسم: به‌نوعی کشورهای غربی را در مبارزه علیه تروریسم تأیید می‌کند؛ مانند مطلبی در مورد همکاری دولتی شرکت ماکروسافت برای مقابله با تروریسم.^۵

۵-۱-۴. تحلیل مقوله‌ها و موضوع‌های دکتر روازاده

این سایت توسط مؤسسه پژوهشی درمانی احیای طب جامع ایرانیان پشتیبانی می‌شود. محتوای آن رایگان و تعامل زیادی با مخاطبان دارد.

۱- فرهنگ بومی: با طب سنتی، سعی در احیاء روش‌ها و فرهنگ‌های بومی دارد؛ مانند مطلب «نفی داروهای جدید از طرف اطباء کهن ایران‌زمین».^۶

۲- دین و اخلاق: خاستگاه طب سنتی را توصیه‌های دینی می‌داند. برخی موارد، به تشریح جایگاه طبیعت از دیدگاه بزرگان دینی می‌پردازد؛ مانند مطلب «فاصله میان سیاست و عدالت» که بر طبق این رویکرد ما حق نداریم بیش از آنچه وضع شده از طبیعت و دیگر موجودها و جانداران بخواهیم.^۷

۳- مضامین سیاسی: به‌صورت محدود سعی در تقویت گفتمان انقلاب اسلامی دارد؛

1. <http://www.niksalehi.com/din-andishe/archives/227895.php>

2. <http://www.niksalehi.com/health/archives/002904.php>

3. <http://www.niksalehi.com/health/archives/002904.php>

4. <http://www.niksalehi.com/gardeshgari/view/014483.php>

5. <http://forum.niksalehi.com/forum19/thread27720.html>

6. نفی-داروهای-فرنگی-از-طرف-اطباء-کهن-ایرا <http://ravazadeh.com/>

7. <http://ravazadeh.com/> /فاصله-میان-سیاست-و-عدالت

- مثلاً مطلب تحت عنوان «الگوی نمایان عدالت در ساختار اداری».^۱
- ۴- حقوق بشر: به تبیین این موضوع از منظر دینی می‌پردازد و در ارتباط با مسائل سلامت آن را مطرح می‌کند؛ مثلاً در مطلب آب و هوا و خاک حاصلخیز، اصل هوا و آب گوارا و کیفیت بهره‌برداری از این امانت‌های الهی را مهم می‌داند.^۲
- ۵- بهداشت و درمان: رویکرد اصلی تارنما است.
- ۶- توسعه: به بررسی شاخص‌های سلامت در کشورهای توسعه‌یافته و غیره می‌پردازد؛ به‌عنوان مثال مقاله «تأثیر شگرف تغذیه در نوزادی بر بروز چاقی در بزرگ‌سالی».^۳
- ۷- کشاورزی: مروج کشاورزی سنتی است.
- ۸- محیط‌زیست: مروج حفظ محیط زیست است؛ مثلاً در مطلب «کاشت درخت برابر با نجات زندگی»، توسعه جنگل را موجب تعادل در چرخه طبیعت می‌داند.^۴
- ۹- شهروندی: منتقد برخی رفتارهای شهروندی نوین است و به‌دنبال تبیین «تعارض‌های آپارتمان‌نشینی با سبک زندگی اسلامی» است.^۵
- ۱۰- بحث‌های تاریخی: در ارتباط با حکمای متقدم طب سنتی، ارجاع‌هایی دارد. در این زمینه می‌توان به متنی با عنوان «توضیح‌هایی کامل در خصوص کتاب تذکره الکحالین (چشم‌پزشکی)» اشاره کرد.^۶
- ۱۱- دانش‌های بومی: طب سنتی را یک دانش بومی اصیل و مهم می‌داند.

۵-۱-۵. تحلیل مقوله‌ها و موضوع‌های انسان‌شناسی و فرهنگ

- این تارنما در موضوع علوم انسانی فعالیت می‌کند و توسط مؤسسه انسان‌شناسی و فرهنگ پشتیبانی می‌شود. زبان آن فارسی و محتوای آن رایگان است.
- ۱- فرهنگ بومی: سعی در احیای فرهنگ بومی دارد و بر حفظ تفاوت‌ها در اقوام گوناگون تأکید می‌کند. در مقاله «شناخت خودفرهنگی در تعامل هویت‌شناسی قومی، محلی و ایران‌شناسی»، مهم‌ترین عملکرد فرهنگ را هویت‌سازی و تمایزهای

1. <http://ravazadeh.com/الگوی-نمایان-عدالت-در-ساختار-اداری/>

2. <http://ravazadeh.com/آب-و-هوا-و-خاک-حاصلخیز-بخش-اول/>

3. <http://ravazadeh.com/تأثیر-شگرف-تغذیه-در-نوزادی-بر-بروز-چاقی/>

4. <http://ravazadeh.com/کاشت-درخت-نجات-زندگی-بخش-نخست/>

5. <http://ravazadeh.com/content/ehyaye-salamat-article/general-articles/4469-تعارض-های-آپارتمان-نشینی-با-سبک-زندگی-اسلامی.html>

6. <http://ravazadeh.com/توضیحاتی-کامل-در-خصوص-کتاب-تذکره-الک/>

- هویتی را موجب پیوند گروه‌ها در جامعه می‌داند.^۱
- ۲- دین و اخلاق: در مقاله «اخلاق دینی و اخلاق عرفی» بیان می‌دارد که «اخلاق مبتنی بر فهم عرفی... تقابلی با اخلاق دینی ندارد».^۲
- ۳- مضامین سیاسی: از زبان مدیر سایت در مصاحبه «روشنفکران با قدرت مشکلی ندارند» ذیل مفهوم پوپولیسم، روشنفکران را به‌خاطر عدم توجه به مناسک و روزمرگی‌های مردم نقد می‌کند.^۳
- ۴- حقوق بشر: توجه ویژه‌ای به فراگیری مفاهیم حقوق بشر جهانی در کشور خصوصاً در مدارس دارد که موجب توسعه و صلح ملی و بین‌المللی می‌شود.^۴
- ۵- حکمرانی محلی: به‌دنبال تقویت و مدیریت آن است؛ به‌عنوان مثال مقاله «محله و توسعه فرهنگی».^۵
- ۶- بهداشت و درمان: در مقاله «چگونه بهداشت به مسئله‌ای ژئوپولیتیک مبدل شده است»، راه‌حل را مشارکت جهانی می‌داند.^۶
- ۷- توسعه: وضعیت توسعه در ایران و جهان را متفاوت دانسته و توسعه‌های مضاف را صرفاً بازیچه می‌شمارد.^۷
- ۸- کشاورزی: در مقاله «زیست‌فناوری، کشاورزی و انسان‌شناسی» تأکید فراوانی بر استفاده روش‌های نوین برای گسترش کشاورزی و جلوگیری از خطر قحطی دارد.^۸
- ۹- محیط زیست: در مقاله «محیط زیست و تخریب روزافزون طبیعت» معتقد است که راهبردهای ملی در محیط زیست باید مطابق با استانداردهای توسعه پایدار محیط زیست جهانی و الزام‌های بین‌المللی باشد.^۹
- ۱۰- سواد رسانه‌ای: در مقاله «تأملی بر ضرورت پایدار پیوند رسانه‌های جمعی با پدیده سواد رسانه‌ای و راهکارهای لازم»، آن را مهارت اجتماعی و انتقادی می‌داند که موجب تقویت انسجام اجتماعی می‌شود.^{۱۰}
- ۱۱- حقوق شهروندی: به تشریح قوانین شهری می‌پردازد و آن را لازم‌الاجرا از سوی همگان می‌داند.^{۱۱}

1. <http://anthropology.ir/node/27383>

2. <http://anthropology.ir/node/4823>

3. <http://anthropology.ir/node/27589>

4. <http://anthropology.ir/node/22511>

5. <http://anthropology.ir/node/17525>

6. <http://anthropology.ir/node/19943>

7. <http://anthropology.ir/node/27342>

8. <http://anthropology.ir/node/13562>

9. <http://anthropology.ir/node/25896>

10. <http://anthropology.ir/node/12240>

11. <http://anthropology.ir/node/27464>

<http://anthropology.ir/node/16535>

۱۲- گردشگری: به معرفی مکان‌های گردشگری می‌پردازد و به آسیب‌شناسی وضعیت آن در ایران توجه می‌کند؛ مثلاً در مقاله «نگاهی به چالش‌های اجتماعی توسعه توریسم در جزیره آشوراده» اشاره می‌شود که فعالان محیط زیست عمده مخالفان طرح هستند.^۱

۱۳- کارآفرینی: در این باره پیشنهادهاى مختلفی دارد؛ مانند مطلب «بررسی ظرفیت کارآفرینی در بخش گردشگری با تأکید بر گردشگری جنگ در ایران» که بر تنوع فرهنگی - طبیعی تأکید می‌شود.^۲

۱۴- کاهش شکاف دیجیتالی: صرفاً با آموزش بهره‌برداری از ابزارهای دیجیتال سعی در بهبود اوضاع تحقیق‌های علمی دارد؛ مثلاً «تبدیل خاطره آنالوگ به حافظه دیجیتال»^۳ و «آشنایی با ابزارهای دیجیتال در تحقیقات مردم‌نگاری».^۴

۱۵- دانش‌های بومی: در مقاله «در فرهنگ خود زیستن»، با اشاره به از بین رفتن دانش‌ها و رفتارهای سنتی با وجود سیل نوسازی تأکید دارد که باید به دنبال روش‌هایی برای حفظ و احیاء عقلانی با توجه به زمان حال داشته باشیم و از یافتن راه‌هایی سخن می‌گویند که موجب هویت‌بخشی فرهنگ سنتی کهن در جامعه امروز می‌شود.^۵

۱۶- مقاومت: تأکید خاصی بر مقاومت مقابل انگاره‌های دنیای نوین دارد؛ مثلاً در تحلیل فیلم «مهمان داریم» به عقلانیت ابزاری نوسازی (به تعبیر وبری) اشاره‌هایی دارد.^۶

۱۷- تحلیل‌های قومیتی: اشاره‌هایی کوتاه در مورد فرهنگ اقوام دارد و بر استفاده از ظرفیت‌های آنان تأکید می‌کند: «باید کردها، بلوچ‌ها و همه اقوام ایرانی احساس کنند در ایران بالاترین اختیارها را دارند».^۷

۱۸- تروریسم: در این زمینه سعی می‌کند که نقدی منصفانه از خود ارائه دهد؛ به عنوان نمونه در ارائه تعریف جهانی، مباحث سیاسی را تأثیرگذار می‌داند.^۸

۱۹- مردم‌سالاری: مردم‌سالاری را بهترین شیوه برای سرکوب دولت منفور طبقاتی می‌داند؛ مثلاً مقاله «سوسیالیسم و مردم‌سالاری».^۹

1. <http://anthropology.ir/node/26486>

2. <http://anthropology.ir/node/18354>

3. <http://anthropology.ir/node/24447>

4. <http://anthropology.ir/node/24638>

5. <http://anthropology.ir/node/3856>

6. <http://anthropology.ir/node/27379>

7. <http://anthropology.ir/node/27042>

8. <http://anthropology.ir/node/15125>

9. <http://anthropology.ir/node/26740>

۵-۲. تحلیل محتوای کیفی پایگاه‌های اینترنتی ایالات متحده

۵-۲-۱. تحلیل مقوله‌ها و موضوع‌های انجمن آمریکایی پیشرفت علم^۱

برخی از اطلاعات این تارنما با عضویت، به‌صورت رایگان در دسترس می‌باشد، زبان آن انگلیسی است و به‌صورت حضوری، رویدادهای علمی برگزار می‌کند.

۱- فرهنگ بومی: در مقاله «سهم آمریکایی‌های بومی به علم، مهندسی و پزشکی» به نقش سرخ‌پوستان و بومیان آمریکا در پیشرفت علم می‌داند: آنها مردمی هستند که سنت‌های بسیار غنی دارند و در رشد علم، مهندسی و پزشکی نقش به‌سزایی داشته‌اند و دانش زیادی در مورد حرکت ابدان، کیفیت شیمیایی گیاهان و خواص پزشکی حیوانات دارند.^۲

۲- دین و اخلاق: در مقاله «درباره مبدأ دین» در مورد چگونگی و زمان به‌وجود آمدن دین صحبت می‌کند: برخی از تحقیق‌ها نشان می‌دهد که دین، سلامت جامعه را با تشویق رفتار همکاری بالاتر می‌برد و محققان می‌گویند ممکن است دین یک اتفاق طبیعی از کارکرد مغز انسان باشد.^۳

۳- مضامین سیاسی: در مقاله «علم و جامعه؛ زمانی برای دوران جدید دیپلماسی علمی» بیان می‌کند که دیپلماسی علمی در تلاش آمریکا برای ساختن روابط مثبت با جوامع خارجی بسیار حیاتی است و نقش دانشمندان آمریکایی به‌عنوان سفیران حسن نیت مهم است. این مقاله همچنین به اهمیت سازمان‌های علمی غیردولتی به‌عنوان شبکه و مجرای ارتباطی با جوامع خارجی اشاره می‌کند.^۴

۴- حقوق بشر: در مقاله «حقوق بشر حق یک انسان در علم» بیان می‌کند که حق استفاده از منافع پیشرفت علمی برای همه افراد باید ایجاد شود.^۵

۵- بهداشت و درمان: در مقاله‌ای می‌گوید انعکاس سلامت جهانی در آموزش علمی بسیار نازل بوده است و سپس به مدل‌های آموزش در سلامت جهانی می‌پردازد.^۶

1. The American Association for the Advancement of Science (Aaas.org)

2. <http://www.sciencemag.org/content/189/4196/38.full.pdf?sid=4c6ed065-817c-43af-946a-05f0568e20f8>

3. <http://www.sciencemag.org/content/326/5954/784.full.pdf?sid=3e2b0f9-76ab0-4c0e-a377-1858b660e4a8>

4. <http://www.sciencemag.org/content/315/5813/769.full.pdf?sid=010dec8d-9b29-4217-8bf4-4c054e348b7b>

5. <http://www.sciencemag.org/content/340/6138/1291.full.pdf?sid=79467b99-d7da-4c41-b490-33552ee8b098>

6. <http://www.sciencemag.org/content/1281/6202/345.full.pdf?sid=55605805-f1ba-4e26-a849-745b76081748>

- ۶- توسعه: یک زیربخش جداگانه در مورد توسعه دارد.^۱
- ۷- کشاورزی: مقاله «کشاورزی دقیق و امنیت غذایی» می‌گوید که کشاورزی دقیق شامل گروهی از فناوری‌ها که سنسورها، سیستم‌های اطلاعاتی، ماشین‌های پیشرفته و مدیریت مطلع را کنار هم می‌آورد تا تولید را بهینه کند.^۲
- ۸- محیط زیست: در مقاله «جای پای ناپایدار محیط‌زیستی انسان‌ها» معتقد است که اثر انسان بر محیط زیست، به‌هیچ‌عنوان پایدار نیست و برای درک پایداری، بهینه‌سازی و عدالت در استفاده از منابع از دید تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان مهم است.^۳
- ۹- سواد رسانه‌ای: مقاله «تحلیل تجربی از یک شبکه اجتماعی در حال تکامل» می‌گوید که با آنالیز کردن یک شبکه اجتماعی، پویایی فهم ما نسبت به این رسانه افزایش پیدا می‌کند.^۴
- ۱۰- کارآفرینی: در این مورد می‌توان به برنامه‌ای بین‌المللی برای متصل کردن دانشمندان با کارآفرینان اشاره می‌کند.^۵
- ۱۱- تروریسم: در مقاله «مطالعه تروریسم به‌وجود آمده به‌عنوان یک تلاش بین‌المللی» رفتار تروریست‌ها را از نظر روان‌پزشکی بررسی می‌کند.^۶

۵-۲-۲. تحلیل مقوله‌ها و موضوع‌های مرکز علم برای منفعت عمومی^۷

موضوع‌های ترویجی این تارنما، سلامت، تغذیه و استفاده از علم و فناوری در راستای منفعت عمومی است. زبان آن انگلیسی و برخی مطالب آن رایگان است.

۱- مضامین سیاسی: فعالیت سیاسی‌اش در راستای فشار به سیاست‌گذاران برای تصویب قوانین به نفع سلامت مردم است؛ مثلاً در کارزار روز غذا از قانون‌گذاران حوزه سلامت و تغذیه و کشاورزی می‌خواهد که نظارت بیشتری بر تولیدکنندگان داشته باشند؛ همچنین با ارائه اطلاعات به عموم مردم سعی در آگاه کردن در حوزه

1. <http://www.sciencemag.org/content/1510/5818/315.full.pdf?sid=80d6efed-e4-554b14-a4-756f9521f1255b>
2. <http://www.sciencemag.org/content/327/5967/828.full.pdf?sid=8556956c-8ac3-4789-b6e5-4a32f1c2a8e6>
3. <http://www.sciencemag.org/content/1114/6188/344.full.pdf?sid=897de0e824-0c-4a68-ad11-a91048c15feb>
4. <http://www.sciencemag.org/content/311/5757/88.full.pdf?sid=fd3c3927-f6e3-402c-81cf-dd7d7b7bf8c3>
5. <http://www.sciencemag.org/content/322/5898/35.2.full.pdf?sid=b48895fe-d14c-47f8-9412-eeeefb05f138>
6. <http://www.sciencemag.org/content/33/4375/203.full.pdf?sid=6f0e5ad4-3081-b72-a9ad-f8b9fa8d03fd>
7. Center for science in the public interest: www.cspinet.org

سلامت و تغذیه دارد.^۱

۲- حقوق بشر: در برخی پویش‌های خود، مانند روز غذا بر روی حقوق بشر تأکید می‌شود؛ مثلاً حقوق کارکنان حوزه تولید مواد غذایی و شرایط کار آنها.^۲

۳- حکمرانی محلی: با حکومت‌های محلی در تعامل و تقابل است؛ به‌عنوان مثال، در یک بیانیه از فعالین محله‌ها خواسته بر دولت‌های محلی فشار آورند تا تبلیغ‌های تلویزیونی مشروبات الکلی را ممنوع کنند.^۳

۴- بهداشت و درمان: سایت در مورد سلامت و تغذیه است، تمام اطلاعات و مطالبش مستقیم یا غیرمستقیم مرتبط به بهداشت و درمان نیز می‌شود؛ به‌طور مثال، در مورد نوشیدنی‌های بدون قند هشدار داده که در مورد نوشیدنی‌های رژیمی، تحقیق‌های کافی انجام نشده است و اسپارتم موجود در بیشتر این نوع نوشیدنی‌ها، باعث سرطان می‌شود.^۴

۵- توسعه: تلاش‌هایی برای توسعه اجتماعی انجام می‌دهد؛ مثلاً در موضوع بهبود سلامت و تضمین پایداری نظام سلامت کانادا، به توسعه تغذیه سالم و افزایش فعالیت فیزیکی خصوصاً برای کودکان تأکید می‌کند.^۵

۶- کشاورزی: به کشت محصولات سالم و تصویب قوانین به نفع آن می‌پردازد؛ مثلاً در مطلبی می‌گوید از دولت آمریکا و کنگره خواسته تا یک سازمان را مسئول بهبود فعالیت‌های ایمنی غذا در مزارع کند.^۶

۷- سواد رسانه‌ای: در مقاله‌ای توضیح می‌دهد که رسانه‌های خبری معمولاً در اخبار علمی توضیح نمی‌دهند که دانشمند دعوت‌شده به چه ارگانی وابسته است و ممکن است این تعلق موجب جهت‌دهی تحقیقاتش شود.^۷

۸- مقاومت: از طریق آگاهی به مبارزه با شرکت‌های بزرگ که سلامت مردم را مورد مخاطره قرار می‌دهند، می‌پردازد؛ مثلاً کارزاری برای ممنوع کردن نیتريت سدیم در گوشت به راه انداخت و نتیجه‌اش کاهش چشمگیر استفاده از این ماده شد.^۸

۹- نهادهای مدنی: برای تصویب قوانین، از همراهی با سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه سلامت و تغذیه سالم بهره می‌برد.^۹

1. www.foodday.org

2. <http://www.cspinet.org/new/201408061.html>

3. http://www.cspinet.org/booze/liquorads/liquor_sampleresolution.htm

4. http://www.huffingtonpost.com/michael-f-jacobson/soda-or-diet-soda-a-false_b_6489218.html

5. http://www.cspinet.org/canada/pdf/openletter_sept04.pdf

6. <https://www.cspinet.org/EatingGreen/download.html>

7. <http://www.cspinet.org/new/200407081.html>

8. <http://www.cspinet.org/about/accomplishments.html>

9. cspinet.org/canada/pdf/Expert-NGO-JointLetter-Menu-Labeling.pdf

۵-۲-۳. تحلیل مقوله‌ها و موضوع‌های علم در آزمایشگاه شاکشیری^۱

این تارنما توسط دانشگاه مادیسون ویسکانسین^۲ پشتیبانی می‌شود. زبان تارنما انگلیسی و اطلاعات آن رایگان است.

۱- دین و اخلاق: در قالب برنامه علم، دین و اخلاق در پروژه سواد علمی ویسکانسین فهرستی از کتاب‌ها و مقاله‌ها در مورد علم و اسلام قرار داده شده است. این کتاب‌ها شامل آخرین کتاب پرفسور گوسم در مورد برندگان مسلمان جایزه نوبل در فیزیک و شیمی و مقاله‌هایی از مجله‌های ساینس و نیچر است.^۳

۲- مضامین سیاسی: در این باره، در مطلبی می‌گوید که بعد از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م اولویت‌های علمی کشور تغییر کرد و این اولویت‌های جدید به نفع علم نبود.^۴ بهداشت و درمان: بخشی از تارنما مشخصاً به مبحث سلامت و ارتباط متقابل آن با علم می‌پردازد^۵ و به ارائه اطلاعاتی علمی در خصوص مصرف الکل، سیگار، قهوه و غیره و پس از آن در خصوص فعالیت‌های بدنی، انواع ورزش‌های مفید و داشتن بدنی سالم می‌پردازد.^۶

۳- محیط زیست: به انتخاب‌های لازم برای حفظ منابع انرژی اشاره و می‌گوید که افزایش جمعیت، منابع انرژی فسیلی را از بین می‌برد که برخی از آنها به‌اندازه طول عمر یک انسان خواهد بود.^۷ در مقاله‌ای دیگر به نام طلوع جدید انرژی هسته‌ای، به اهمیت گسترش آن اشاره می‌کند.^۸

۴- سواد رسانه‌ای: با ارائه دو معرفی کوتاه از «علم در فضای مجازی»^۹ و «علم در رادیو»^{۱۰} می‌گوید هر کدام از این رسانه‌ها جایگاه و مخاطب ویژه خود را دارند.

۵- کارآفرینی: در دستورالعمل‌هایی به انجام آزمایش‌های عملی در خانه می‌پردازد که باعث کارآفرینی می‌شود؛ مثلاً در آزمایشی به کاربرد شیمی در خانه می‌پردازد.^{۱۱}

1. Science is fun in the lab of Shakhashiri: www.scifun.org

2. Madison Wisconsin

3. <http://www.scifun.org/Calendar/Islam&Science/SciIslam-readinglist.pdf>

4. http://www.scifun.org/WISL/ChemColloq-Neal_Lane-09-27-3.pdf

5. http://www.scifun.org/wisl/wisl_science_health.html

6. <http://www.scifun.org/Conversations/Conversations4Teachers/ChiaraCirelli.htm>

7. <http://www.scifun.org/Conversations/Conversations4Teachers/2007/Corradini/PhyToday-energy1.pdf>

8. <http://www.scifun.org/Conversations/Conversations4Teachers/2007/Corradini/NPP-Nature-May%202004.pdf>

9. http://www.scifun.org/wisl/wisl_science_on_the_web.html

10. http://www.scifun.org/wisl/wisl_science_on_the_radio.html

11. <http://www.scifun.org/HomeExpts/FIZZFOAM.html>

۶- تروریسم: در مقاله نیروگاه‌های هسته‌ای و سوخت آن‌ها^۱ به‌عنوان اهداف حملات تروریستی می‌پردازد و می‌گوید که این ادعاها بی‌اساس است و مشکلات کوچکی که ممکن است پیش بیاید را بزرگمایی می‌کنند.

۵-۲-۴. تحلیل مقوله‌ها و موضوع‌های علم عامه^۲

این تارنما به تمام موضوع‌های مرتبط با علم، شامل فضا، نجوم، حیوانات، انرژی، سلامتی و فناوری می‌پردازد. زبان آن انگلیسی و اطلاعاتش رایگان است.

۱- مضامین سیاسی: مضامین سیاسی دارد؛ مثلاً در جایی به قدرت ریاست جمهوری برای وتو کردن قانون می‌پردازد^۳ یا در جای دیگری مطرح کرده که آیا طوفان سندی می‌تواند روی نتایج انتخابات ریاست جمهوری اثر بگذارد؟ تحقیق‌ها نشان می‌دهد که دولت‌هایی که سر کار هستند، معمولاً رأی خوبی را در ایالت‌هایی که دچار حوادث آب و هوایی شده‌اند، کسب نمی‌کنند.^۴

۲- بهداشت و درمان: یک صفحه مختص سلامت وجود دارد که مطالبی در موضوع‌های آبولا، امراض ژنتیکی، آلزایمر، مقاله‌هایی در مورد تغذیه سالم مانند هشدار در مورد مقدار بالای سدیم در ساندویچ‌های غذای فوری ارائه می‌کند.^۵

۳- توسعه: در مقاله‌ای آمده که برای اصلاح صنایع آمریکا، باید تمام صنایع را همانند صنعت سیمی کانداکتور مدیریت نمود.^۶ در مقاله دیگری نیز بیان می‌کند رشد سریع آفریقا در این قاره متعادل نیست و پنج نقطه توسعه اقتصادی سریع‌تری داشته‌اند. یعنی آفریقای جنوبی، نیجریه، آنگولا، غنا و اتیوپی.^۷

۴- کشاورزی: در مقاله‌ای انتقادی به نام آیا سیلیکون ولی می‌تواند کشاورزی را متحول کند، آمده که بسیاری از مصرف‌کنندگان، از دخالت فناوری در غذایشان نگران‌اند.^۸

۵- محیط زیست: در مقاله‌ای فهرست یک سری از حیواناتی که در حال انقراض هستند

1. <http://www.scifun.org/Conversations/Conversations4Teachers/2007/Corradini/NAE-Science-9/02.pdf>

2. www.popsoci.com

3. <http://www.popsoci.com/obama-vetos-keystone-pipeline>

4. <http://www.popsoci.com/science/article/10-2012/could-hurricane-sandy-affect-presidential-election>

5. <http://www.popsoci.com/tags/health>

6. <http://www.popsoci.com/technology/article/01-2010/darpar-economic-fix-make-manufacturing-sector-run-semiconductor-biz>

7. <http://www.popsoci.com/science/article/11-2012/global-economy-african-countries-growth>

8. <http://www.popsoci.com/will-silicon-valley-transform-farming>

آمده و نسبت به این موضوع هشدار داده شده است.^۱ همچنین در مقاله دیگری آمده که انسان‌ها مقصر اصلی انقراض خفاش کارائید هستند نه تغییرهای اقلیمی.^۲

۶- کارآفرینی: در مقاله‌ای می‌گوید که مطالعات نشان می‌دهد کارآفرینان بیش از دیگران، در دوران نوجوانی مشکل‌آفرین بوده‌اند؛ مثلاً بیل گیتس در سال ۱۹۷۷، به‌خاطر خلاف در رانندگی دستگیر شد. محققان از آلمان و سوئد دریافتند که کارآفرینان در نوجوانی بیشتر رفتار ناهنجار از خود نشان می‌دهند.^۳

۷- تروریسم: در مقاله‌ای آمده که هواپیماهای بدون سرنشین در جنگ آمریکا برعلیه تروریسم بسیار بااهمیت بوده است و صرفه اقتصادی هم برای آمریکا دارد.^۴

۸- مردم‌سالاری: در مطلبی به فناوری‌های جدید برای گسترش اینترنت اشاره و به آن آزادی اتصال می‌گوید که می‌توان به داخل کشور قاچاق کرد و به انقلابیون این اجازه را می‌دهد که یک شبکه محلی اینترنت را به‌سرعت راه‌اندازی کند.^۵

۵-۲-۵. تحلیل مقوله‌ها و موضوع‌های کوپس پروجکت^۶

حامیان اصلی این تارنما مؤسسه علوم بیولوژیک آمریکایی؛ مؤسسه ویتمن، موزه دیرین‌شناسی دانشگاه کالیفرنیا و مؤسسه مالی بوروز هستند. زبان آن انگلیسی و استفاده از آن رایگان است.

۱- حقوق بشر: معتق است که بهتر شدن وضعیت کلی حقوق بشر از طریق ترویج علم در میان عامه ممکن است. علم‌گرایی، انعکاس ارزش‌هایی است که بنیان‌گذاران آمریکا به‌دنبال آن بودند.^۷

۲- بهداشت و درمان: سایت به ارگان‌ها، جوامع و گروه‌های مختلف علمی متصل است که ازجمله آنها مراکز پزشکی هستند؛ مثلاً گروه COMIHAS گروهی غیرانتفاعی است که تلاش می‌کند به کامرونی‌ها مسائل بهداشتی آموزش دهد و آنها را به‌طور مستقیم در مشکلات بهداشتی مثل ایدز دخیل کند.^۸ همچنین دبیرستان

1. <http://www.popsoci.com/article/science/see-yourself-how-many-animals-are-close-extinction>

2. <http://www.popsoci.com/humans-not-climate-change-caused-caribbean-bat-extinctions>

3. <http://www.popsoci.com/science/article/2013-08/study-finds-teenage-entrepreneurs-are-anti-social-trouble-makers>

4. <http://www.popsoci.com/united-states-will-sell-armed-drones-other-nations>

5. <http://www.popsoci.com/technology/article/2012-03/net-goes-local-path-better-internet-begins-engineers-rethinking-its-networks>

6. www.copusproject.org

7. www.copusproject.org/our-copus-ideals.html

8. http://www.copusproject.org/participants/participants.php?organization_id=461

سلامت، از طرح‌های این تارنما است.^۱

۳- کشاورزی: سعی دارد تا گروه‌های مروج کشاورزی را فعال نماید؛ به‌عنوان مثال، اطلاعات و آموزش‌های لازم برای بهبود محصول و برداشت به کشاورزان داده می‌شود؛ همچنین اطلاعاتی در مورد آب، خاک، کود و سموم.^۲

۴- محیط زیست: از طریق فعال‌سازی گروه‌ها به آن می‌پردازد؛ مانند سازمان آموزش‌دهندگان محیط زیست کارولینای شمالی و مؤسسه علوم محیط‌زیستی آستین و موزه کایوتی پوینت برای آموزش محیط زیست برای تشویق مردم برای حمایت از کره زمین. و نیز جامعه آموزش محیط زیست کالیفرنیا که از سواد محیط‌زیستی دانش‌آموزان پشتیبانی می‌کند.^۳

۵- کارآفرینی: معتقد است که کارآفرینی بدون داشتن سواد کافی علم و فناوری امکان‌پذیر نیست. اگر کارآفرینان با علم و فناوری آشنا شوند می‌توانند با خلاقیت خود به راهکارهای بهتری برای پیشبرد کسب‌وکارشان برسند.^۴

۶- نهادهای مدنی: این تارنما اساساً متعلق به یک سازمان مردم‌نهاد است.^۵

۳-۵. تحلیل محتوای کیفی پایگاه‌های اینترنتی مالزی

۳-۵-۱. تحلیل مقوله‌ها و موضوع‌های آکادمی علوم مالزی^۶

این تارنما توسط وزارت علوم، فناوری و نوآوری پشتیبانی می‌شود و زبان آن انگلیسی و مالزیایی است.

۱- فرهنگ بومی: کلاً نگاه حاکم بر این تارنمای نوین و توسعه‌گرا است. در نتیجه چندان توجهی به فرهنگ بومی و بازتولید آن ندارد.

۲- بهداشت و درمان: به‌طور اختصاصی به موضوع سلامت و درمان می‌پردازد؛ همچنین در کتاب آینده پایدار مالزی به مسائلی چون وضعیت کنونی و ایدئال سلامت در مالزی می‌پردازد. در مجموع نگاهی فناورانه و در راستای ترویج علم نوین دارد.^۷

۳- توسعه: تارنما نگاهی بسیار توسعه‌گرا و نوین دارد و چشم‌انداز خود را در راستای توسعه اقتصادی و اجتماعی تعریف نموده است.^۸

1. http://copusproject.org/participants/participants.php?organization_id=1078

2. <http://www.copusproject.org/participants/participants.html>

3. <http://www.copusproject.org/participants/participants.html>

4. http://copusproject.org/participants/participants.php?organization_id=186

5. <http://www.copusproject.org/participants/participants.html>

6. www.akademisains.gov.my

7. <http://www.youblisher.com/p/964782-Sustaining-Malaysia-s-Future-Health/>

8. <http://www.akademisains.gov.my/index.php/what-we-do/horizon>

۴- محیط زیست: به موضوع‌های گوناگون محیط زیست مانند آب، انرژی، کشاورزی و تنوع زیستی می‌پردازد. در کتاب آینده پایدار مالزی نیز (بخش آب) به موضوع‌هایی چون فرصت‌هایی برای نگهداری منابع آبی با روش‌های استفاده بهینه از آب‌های زیرزمینی به عنوان یک منبع و محافظت از خشک‌سالی، بهینه‌سازی پیش‌بینی سیل و رانش زمین، اصلاح رویکرد آموزش در مورد آب و غیره، ذخیره کردن آب باران، آب تمیز و سالم، بازاریابی و صدور آب با کیفیت بالا، توریسم بر پایه آب می‌پردازد.^۱

۵-۳-۲. تحلیل مقوله‌ها و موضوع‌های مرکز اطلاعات امنیت زیستی^۲

این تارنما توسط Third World Network (TWN) که شبکه بین‌المللی غیرانتفاعی مستقلی از سازمان‌ها و افرادی است که در مسائل مربوط به توسعه پایدار و ارتباط بین شمال و جنوب است حمایت می‌شود.

۱- فرهنگ بومی: در مقاله «بیوتکنولوژی و مردم بومی» به حق بومیان در فرهنگ و تمدنشان پرداخته و آورده که این حق با توسعه‌های بیوتکنولوژیک نقض می‌شود.^۳

۲- دین و اخلاق: در مقاله «اخلاق و مهندسی ژنتیک» به بذر ترمیناتور پرداخته و معتقد است که بحث اینکه محصولات مهندسی ژنتیک شده، غذای جهان را فراهم می‌کند، کاملاً بی‌اساس است؛ زیرا این نوع از بذر عقیم است و بنابراین، کشاورزان را مجبور می‌کند تا به شرکت‌های بذر در اول هر فصل کاشت مراجعه کنند که موجب نابودی کشاورزان کوچک می‌شود. از نظر اخلاقی، خودکشی بذر حرکتی غیراخلاقی است.^۴

۳- حقوق بشر و حقوق شهروندی: به‌طور مثال، با انتشار گزارشی بیان می‌کند که سیاست‌ها و فعالیت‌های دولت کلمبیا در مورد ارگانسیم‌های اصلاح نژادی شده، ناقض حقوق مردم بومی کلمبیا است.^۵ در مقاله «بیوتکنولوژی و مردم بومی» نیز آمده که مردم بومی در مورد فرهنگ و تمدن خود حق دارند.^۶

۴- حکمرانی محلی و کشاورزی و دانش بومی: در مقاله «اکولوژی کشاورزی، مزارع کوچک و استقلال غذایی» به مشکلات موجود در بخش کشاورزی، مانند از بین رفتن تنوع زیستی، نابودی دانش سنتی، تنزل کیفیت محیط زیست و افزایش

1. <http://www.youblisher.com/p/964777-Sustaining-Malaysia-s-Future-Agriculture/>

2. www.biosafety-info.net

3. <http://www.biosafety-info.net/article.php?aid=186>

4. <http://www.biosafety-info.net/article.php?aid=315>

5. <http://www.biosafety-info.net/article.php?aid=626>

6. <http://www.biosafety-info.net/article.php?aid=186>

اختلاف طبقاتی بین کشاورزان فقیر و غنی می‌پردازد. راه‌حل را نیز کمک دولت‌های محلی به کشاورزان کوچک و مزارع کوچک می‌داند.^۱

۵- بهداشت و درمان: در مقاله «آیا غذاهای ارگانیک سالم‌ترند؟» می‌گوید که غذاهای ارگانیک، مواد مغذی بیشتری دارند و در کل، برای سلامت انسان‌ها و حیوانات اهلی مفیدتر هستند.^۲ یا در مقاله دیگری، آورده که محصولات ارگانیک، از نظر مواد ضد سرطانی بسیار غنی‌تر می‌باشند.^۳

۶- محیط زیست: در بیانیه‌ای خواستار مبارزه با گسترش محصولات ژنتیکی شده و آورده که گیاهان تغییر ژنتیک، فراتر از مزارع رفته‌اند و به محیط زیست وارد شده‌اند.^۴

۵-۳-۳. تحلیل مقوله‌ها و موضوع‌های انجمن مصرف‌کنندگان پنانگ^۵

این تارنما به موضوع‌هایی مانند سلامت، تغذیه، اقتصاد، محیط زیست می‌پردازد.

۱- فرهنگ بومی: با توجه به اسلامی بودن پایگاه، به فرهنگ بومی توجه شده است. انتشار کتاب در حوزه تغذیه حلال و حرام یک نمونه آن است.^۶

۲- دین و اخلاق: در بیانیه‌ای با تأکید بر دین اسلام گفته که در حلال بودن مواد غذایی، دولت باید سخت‌گیری کند.^۷

۳- حکمرانی محلی: به‌طور مثال در طرح گسترش فرهنگ دوچرخه‌سواری مطلبی برای مسئولان دارد و در حوزه منابع طبیعی، سیاست‌های اشتباه دولتمردان را نقد می‌کند؛^۸ همچنین به دولت‌های محلی و مرکزی توصیه می‌شود که سرعت مجاز را برای ماشین‌ها کاهش دهند.^۹ در مورد نقش حکومت‌های محلی در کمک به کشاورزان نیز مطالبی دارد.^{۱۰}

۴- بهداشت و درمان: به روش‌های درمان بیماری رايج در خانه، روش‌های ترک سیگار،

1. <http://www.biosafety-info.net/article.php?aid=636>

2. <http://www.biosafety-info.net/article.php?aid=227>

3. <http://www.biosafety-info.net/article.php?aid=228>

4. <http://www.biosafety-info.net/campdetail.php?cid=7>

5. www.consumer.org.my

6. <http://consumer.org.my/index.php/homepage/books/product/view/22/2>

7. <http://www.consumer.org.my/index.php/food/safety/477-the-government-should-be-stringent-in-issuing-halal-certification>

8. <http://www.consumer.org.my/index.php/development/physical/337-how-government-can-promote-cycling>

9. <http://www.consumer.org.my/index.php/tips/environment/746-address-water-supply-problem-to-paddy-fields-in-charok-sikin>

10. <http://www.consumer.org.my/index.php/tips/environment/744-cap-and-sam-disappointed-over-approval-of-deia-of-seri-tanjung-pinang-phase-2-proposed-reclamation-project-in-penang>

- روش‌های مراقبت از چشم و غیره می‌پردازد.^۱ استفاده از زنجبیل و عسل را در درمان مؤثر می‌داند.^۲ در مورد سیگار و تأثیر روانی نیکوتین نیز مطالب انتقادی دارد.^۳
- ۵- کشاورزی: استفاده از کودهای طبیعی را تشویق می‌کند.^۴
- ۶- محیط زیست: توجه به محیط زیست، نگرانی از بین رفتن منابع طبیعی و راه‌های حفاظت از طبیعت در موارد متعددی بررسی شده است.^۵
- ۷- سواد رسانه‌ای: در قالب دو کتاب^۶ به راهکارهای رسانه‌ها در تبلیغ کالاهای ناسالم می‌پردازد و توصیه می‌کند که حتماً در مورد ادعاهای رسانه‌ها تحقیق کنید.
- ۸- حقوق شهروندی: به اهمیت سبک زندگی سالم برای شهروندان توجه دارد؛ مثلاً انتقاد عملکرد معادن سنگ و یا حقوق شهروندان مسلمان برای اطلاع داشتن از محتوای حلال یا حرام داروهای مصرفیشان.^۷
- ۹- کارآفرینی: اصرار بر خودکفا کردن افراد در امور سلامت و تغذیه‌شان دارد؛ مثلاً آموزش تهیه غذاهای مناسب از مواد طبیعی و کاشت گیاهان ارگانیک در خانه.^۸

۵-۳-۴. تحلیل مقوله‌ها و موضوع‌های سازمان ملی فضایی مالزی^۹

- توسط وزارت علوم، فناوری و نوآوری پشتیبانی و انگلیسی و مالایی است.
- ۱- بهداشت و درمان: به مسئله کاهش وزن در پایگاه فضایی بین‌المللی می‌پردازد و بیان می‌کند که مطالعات نشان داده که فضانوردان همان‌قدر انرژی نیاز دارند که در روی زمین به آن نیاز است.^{۱۰}
- ۲- توسعه: به دنبال توسعه علم و فناوری است و مسئولیت توسعه علوم فضایی مالزی

1. <http://www.consumer.org.my/index.php/tips/health/387-home-cures-for-common-illnesses>
2. <http://www.consumer.org.my/index.php/tips/health/386-easy-ways-to-healthy-eyes>
3. <http://www.consumer.org.my/index.php/tips/health/385-how-to-stop-smoking>
4. <http://consumer.org.my/index.php/homepage/books/product/view/63/4>
5. <http://www.consumer.org.my/index.php/development/physical/337-how-government-can-promote-cycling>
6. <http://consumer.org.my/index.php/homepage/books/product/view/2/25>
<http://consumer.org.my/index.php/homepage/books/product/view/2/28>
7. <http://www.consumer.org.my/index.php/food/safety/477-the-government-should-be-stringent-in-issuing-halal-certification>
<http://www.consumer.org.my/index.php/tips/environment/740-cap-very-concerned-over-negative-impacts-of-sand-mining>
8. <http://www.consumer.org.my/index.php/tips/health/388-simple-solutions-to-troubling-problems>
<http://www.consumer.org.my/index.php/tips/health/387-home-cures-for-common-illnesses>
<http://consumer.org.my/index.php/homepage/books/product/view/2/20>
<http://www.consumer.org.my/index.php/tips/environment/375-growing-organic-vegetables-in-an-apartment>
9. www.angkas.gov.my
10. <http://www.angkasa.gov.my/?q=en/node/169>

از طریق آموزش و تحقیق را برعهده دارد.^۱

۵-۳-۵. تحلیل مقوله‌ها و موضوع‌های مؤسسه بین‌المللی مطالعات پیشرفته اسلامی مالزی^۲

این تارنما به علوم اسلامی، دیدگاه‌های اسلام در مورد علم، تمدن، اقتصاد، سیاست، جامعه، حقوق و بشر می‌پردازد و به زبان انگلیسی و مالایی است.

۱- دین و اخلاق: تلاش می‌کند تا عمل‌گرا باشد ولی درعین حال، بر پایه اصول قرآن و سنت و فقه باشد.^۳

۲- حقوق بشر: در مطلبی بیان می‌کند که اسلام هویت انسانی، عدالت، قانون، حقوق اولیه، آزادی‌ها و نظم اجتماعی را به رسمیت می‌شناسد که از این نظر با حقوق بشر سازمان ملل نقاط مشترک فراوانی دارد.^۴

۳- حکمرانی محلی: در مطلب «سبک زندگی متعادل: دیدگاه اسلامی» می‌گوید که تبلیغات بی‌فایده و گمراه‌کننده رسانه‌ها را باید به حداقل رسانده، تبلیغاتی که مصرف‌گرایی و مصرف غذاهای ناسالم را تشویق می‌کند.^۵

۴- توسعه: موضوع توسعه اقتصادی، اجتماعی از منظر مقاصد شریعت بررسی می‌شود.^۶

۵- کشاورزی: برای هماهنگی بین اسلام و علم و فناوری با توجه به نظرهای سیدحسین نصر، بازیافت سنت‌های علمی اسلامی، مخصوصاً در مورد پزشکی، داروسازی و کشاورزی را پیشنهاد می‌دهد.^۷

۶- محیط زیست: در مطلب «اسلام و اخلاق محیط زیست» می‌گوید که اتفاق‌های ناگوار محیط‌زیستی، به طرز تفکر اومانیستی مرتبط است.^۸

۷- سواد رسانه‌ای: در مطلب «رسانه، ارزش‌های انسانی و اخلاق: موضوع‌های

1. <http://www.angkasa.gov.my/?q=en/node/39>

2. iaais.org.my

3. <http://www.iaais.org.my/e/index.php/about-sp-1100978955/the-institute.html>

4. <http://www.iaais.org.my/e/index.php/publications-sp-1447159098/articles/item/216-islam-and-rights.html>

5. <http://www.iaais.org.my/e/index.php/research-sp-347200875/policy-recommendations/511-vol-5-no-1-january-2014.html>

6. <http://www.iaais.org.my/e/index.php/events-sp-1744003054/upcoming-events/534-international-conference-on-the-applications-of-maqasid-al-shari-ah.html>

7. <http://www.iaais.org.my/e/index.php/events-sp-1744003054/past-events/493-international-conference-developing-synergies-between-islam-and-science-technology-for-mankind-s-benefit.html>

8. <http://www.iaais.org.my/e/index.php/events-sp-1744003054/past-events/338-islam-and-environmental-ethics.html>

چالشی» به چالش‌های رسانه بر ارزش‌های سنتی می‌پردازد.^۱

۸- شهروندی: در مطلب «شهروندی: دیدگاه اسلامی» می‌گوید که دیدگاه اسلامی در مورد عضویت در جامعه‌ای سیاسی یا منطقه‌ای و نظامی حکومتی در قرآن و حدیث وجود دارد؛ اما این موضوع‌ها از نظر فقهی بحث نشده است.^۲

۹- کارآفرینی: در مطلب «علم و فناوری در اسلام امروزی: روندها و ظرفیت‌ها» بیان می‌شود که علم هم کیفیت زندگی و هم فرهنگی برای ثروت‌آفرینی ایجاد می‌کند.^۳

۱۰- مقاومت: معتقد است که امت اسلامی باید به ابزار عقلی و منابع فرهنگی غنی مسلط شوند و با چالش‌های جهانی‌سازی و ادعاهای قدرت‌های مسلط مبارزه کنند.^۴

۱۱- تحلیل‌های قومیتی: بر ایده چند فرهنگی و اتحاد ملی در مالزی تأکید می‌کند تا افسانه‌های نژادی و دیدگاه‌های قومیتی را از بین ببرد.^۵

۱۲- تروریسم: در میزگرد «افراطی‌گری، تروریسم و اسلام: به سمت فهم بهتر مسائل» به آن می‌پردازد و معتقد است که اسلام و مسلمانان بسیار مورد برخورد بی‌عقلی و خشونت از طرف مقام‌ها و قانون‌گذاران غربی هستند.^۶

۱۳- مردم‌سالاری: در سمیناری بین‌المللی به نام «اسلام و دموکراسی: مشکل اصلی چیست؟» دیدگاه‌های مختلف در این زمینه را بررسی می‌کند.^۸

نتیجه‌گیری

۱- جایگاه مباحث کشاورزی و محیط زیست در ترویج علم:

در تارنماهای ایرانی، تبیان علاقه ویژه‌ای به کشاورزی ارگانیک دارد و معتقد است که تجاری‌سازی انبوه کشاورزی، آثار منفی بر محیط زیست دارد و استفاده از آفت‌کش‌ها و کودها، آثار درازمدت منفی بر محیط‌زیستی دارند. در جای دیگر این سایت از

1. <http://www.iaais.org.my/e/index.php/events-sp-1744003054/past-events/312-the-media-human-values-ethics-and-morality-the-challenging-issues.html>
2. <http://www.iaais.org.my/e/index.php/publications-sp-1447159098/articles/item/26-article-on-'bai'ah'.html>
3. <http://www.iaais.org.my/e/index.php/events-sp-1744003054/past-events/177-science-and-technology-in-contemporary-islam-trends-and-possibilities.html>
4. <http://www.iaais.org.my/e/index.php/component/content/article/27-aboutiaais/chairmans-message/91-chairmans-message.html>
5. <http://www.iaais.org.my/e/index.php/events-sp-1744003054/past-events/396-public-lecture-dialogue-multiculturalism-and-national-unity.html>
6. <http://www.iaais.org.my/e/index.php/events-sp-1744003054/past-events/533-roundtable-discussion-on-extremism-terrorism-and-islam-toward-a-better-understanding-of-issues.html>
7. <http://www.iaais.org.my/e/index.php/dirasat-sp-1862130118/peace-security.html>
8. <http://www.iaais.org.my/e/index.php/events-sp-1744003054/past-events/412-islam-and-democracy-what-is-the-real-problem.html>

«محیط زیست، محور توسعه پایدار» صحبت به میان می‌آورد و دخالت‌های دولتی در محیط زیست را رد می‌کند.

تارنمای زیست‌بوم، موضوع اصلی تارنما خود را حفاظت از محیط زیست بیان می‌کند. تأنجا که در برخی موارد مانند مطلب «جنایت سبز»، راهکارهای اشتغال‌زایی را مغایر با رویکردهای حفظ محیط زیست می‌داند. ازسوی دیگر، به مسئله قطع واردات برنج خارجی در توسعه کشاورزی داخلی توجه دارد.

تارنمای نیک‌صالحی، توجهی به کشاورزی ندارد و تنها در حد نشر اخبار مربوط به حمایت هنرمندان از محیط زیست، به این مسئله می‌پردازد.

تارنمای دکتر روازاده، توجه ویژه‌ای به کشاورزی سنتی دارد. در زمینه محیط زیست نیز معتقد است که توسعه جنگل، در تعادل در چرخه طبیعت نقش ارزنده‌ای دارد.

تارنمای انسان‌شناسی و فرهنگ، رویکرد متفاوتی در این زمینه اتخاذ کرده و تأکید فراوانی بر استفاده روش‌های نوین برای گسترش کشاورزی دارد و آن را برای جلوگیری از مسئله قحطی الزام‌آور می‌داند؛ همچنین دنبال ارائه راهکار جهانی برای معضلات زیست‌محیطی با کمک دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است.

در تارنماهای آمریکایی، موضع تارنمای انجمن آمریکایی پیشرفت علم، رویکردی مشابه با تارنمای انسان‌شناسی و فرهنگ دارد و امنیت غذایی با استفاده از کشاورزی صنعتی را مورد توجه قرار می‌دهد. درواقع این تارنما، رویکردی کاملاً توسعه‌محور و مدرن را در کشاورزی و محیط زیست دارد.

اما رویکرد تارنمای آمریکایی مرکز علم برای منفعت عمومی کاملاً متفاوت و از کشاورزی سنتی دفاع می‌کند و به ترویج محصولات سالم می‌پردازد؛ همچنین تلاش‌هایی برای تصویب قوانین به نفع کشاورزی سالم انجام داده است. این تارنما ضمناً در یک اینفوگرافی توضیح می‌دهد که چگونه خوراک ما بر محیط‌زیستمان اثر می‌گذارد.

تارنمای علم در آزمایشگاه شاخسیری، با توجه به رویکردش در علم نوین، توجهی به کشاورزی و محیط زیست ندارد؛ اما در این زمینه دغدغه‌هایی دارد و توسعه کشاورزی را مورد نقد قرار می‌دهد؛ همچنین فهرست حیوانات در حال انقراض را آورده و انسان‌ها را مقصر اصلی این فاجعه زیست‌محیطی می‌داند.

تارنمای کوپس پروجکت، امنیت غذایی، سلامت گیاهان و حیوانات و توسعه روستاها را از اهداف خود می‌داند و کشاورزان را آموزش می‌دهد. در زمینه محیط زیست نیز به دنبال افزایش سواد محیط‌زیستی دانش‌آموزان است.

در تارنماهای کشور مالزی نیز، پایگاه اینترنتی آکادمی علوم مالزی، موضوع‌هایی

چون آب، انرژی، کشاورزی و تنوع زیستی را مورد توجه نسبی قرار داده است؛ اما از آنجاکه رویکرد این تارنمای بسیار نوین است، کشاورزی پایدار صنعتی را توصیه می‌کند. در زمینه مسائل زیست‌محیطی نیز به‌دنبال پایداری بر اساس آب است.

تارنمای مرکز اطلاعات امنیت زیستی مالزی نیز به ترویج تحقیق در مورد سیستم‌های پایدار برای کشاورزی می‌پردازد و از اصلاح ژنتیکی بذرهای کشاورزی، انتقاد می‌کند. ضمن اینکه اعتقاد دارد که روش سنتی کشاورزی، محیط زیست را محافظت می‌کند؛ همچنین کشاورزی جدید را موجب از بین رفتن تنوع زیستی، نابودی دانش سنتی، تنزل کیفیت محیط زیست و افزایش اختلاف طبقاتی بین کشاورزان فقیر و غنی می‌داند و بر کشاورزی کوچک تأکید می‌کند. در جایی دیگر نیز از کشاورزی ارگانیک سخن می‌گوید و آن را موجب سلامت درازمدت زیست‌محیطی و ضد سرطان می‌داند. تارنمای انجمن مصرف‌کنندگان پنانگ مالزی نیز دغدغه‌هایی مشابه در زمینه کشاورزی و محیط زیست دارد و کشاورزی طبیعی را تشویق می‌کند.

تارنمای مؤسسه بین‌المللی مطالعات پیشرفته اسلامی مالزی نیز رویکردی مشابه با تارنماهای هم‌وطن خود دارد و تأکید می‌کند که باران اسیدی، فصولات هسته‌ای و مواد شیمیایی خطرناک، زندگی انسان را تهدید می‌کند، دی‌اکسید کربن در آب‌وهوا به‌شدت افزایش پیدا کرده است، منابع طبیعی مثل جنگل‌های استوایی از بین می‌روند و رودخانه‌ها و دریاها در تهدید هستند.

۲- جایگاه استفاده از رویکردهای فرهنگ و دانش بومی در ترویج علم:

آنچه باعث برجسته‌شدن موضوع بومی‌سازی در سال‌های اخیر شده، آشکار شدن این موضوع است که به‌ودیه گرفتن تجارب دیگران بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های بین جوامع، فرهنگ‌ها و فضاها نمی‌تواند منجر به توسعه پایا شود و توسعه متکی بر دانش بومی به توانمندسازی جامعه کمک می‌کند. دانش بومی، دانشی است که از تأثیر متقابل بین مردم و محیط‌شان برمی‌خیزد.

در تارنماهای ایرانی، تبیان به این مقوله توجه ویژه دارد و به‌دنبال احیای فرهنگ بومی، خصوصاً فرهنگ بومی دینی است. بر دانش بومی در کشاورزی تأکید و استفاده از دانه‌های هیبرید و کشت تک‌محصولی را تهدید جدی برای تنوع گونه‌های محلی می‌داند؛ همچنین بر فواید طب سنتی در مقابل طب نوین تأکید دارد.

تارنمای زیست‌بوم هم بر دانش بومی تأکید و قنات را راهکار نجات خشک‌سالی می‌داند. تارنمای نیک‌صالحی، هیچ سخنی در این باره نیاورده است؛ اما تارنمای دکتر

روازاده به‌دنبال احیای دانش بومی در طب سنتی است. این تارنمای علم نوین را از مظاهر قدرت عصر حاضر می‌داند و از این جهت با ترویج علوم بومی و فرهنگ اصیل مذهبی سعی در مقاومت در برابر سلطه علم نوین و مظاهر تمدن جدید دارد.

در تارنماهای ایرانی، انسان‌شناسی و فرهنگ نیز پرداخت زیادی به مقوله فرهنگ‌های بومی دارد. البته برجستگی خاصی در تأکید به دانش بومی در آن دیده نمی‌شود؛ ولی در زمینه فرهنگ‌ها بر حفظ تفاوت‌ها تأکید می‌کند؛ همچنین با اشاره به از بین رفتن دانش‌های سنتی با وجود سیل نوسازی، پیشنهاد می‌کند که باید به‌دنبال روش‌هایی برای حفظ و احیاء عقلانی با توجه به زمان حال داشته باشیم.

برخلاف تارنماهای ایرانی، در میان تارنماهای آمریکایی، کمتر می‌توان توجه به فرهنگ و دانش بومی را مشاهده کرد؛ اما تارنمای انجمن آمریکایی پیشرفت علم، می‌گوید که برخلاف باورهای معمول، بومیان آمریکایی هستند که سنت‌های بسیار غنی دارند و در رشد علم، مهندسی و پزشکی نقش به‌سزایی داشته‌اند.

دیگر تارنماهای مورد تحلیل در این پژوهش، سخن از دانش و فرهنگ‌های بومی خود نیاورده‌اند. به‌عبارت دیگر می‌توان بیان کرد که پرداخت به موضوع بومیان در آمریکا، کمتر مورد توجه قرار دارد؛ اما وضعیت در تارنماهای کشور مالزی، کمی بهتر از آمریکا است. هر چند که پایگاه اینترنتی آکادمی علوم مالزی و سازمان ملی فضایی مالزی نگاهی برخلاف دانش بومی دارند؛ اما تارنمای مرکز اطلاعات امنیت زیستی، اهمیت زیادی برای دانش و فرهنگ‌های بومی خصوصاً در کشاورزی و بیوتکنولوژی قائل است؛ همچنین تارنمای انجمن مصرف‌کنندگان پنانگ با انتشار کتاب در حوزه تغذیه حلال و حرام و یا کتاب‌های آموزشی در رد مواد غذایی شیمیایی. تارنمای مؤسسه بین‌المللی مطالعات پیشرفته اسلامی مالزی نیز هر چند مسقیماً به این موضوع توجه نکرده؛ اما از آنجا که در حوزه دین مطالعه می‌کند، به نوعی غیرمستقیم به موضوع دانش بومی می‌پردازد.

درمجموع می‌توان گفت که پرداخت به موضوع دانش و فرهنگ بومی در تارنماهای ایرانی پررنگ‌تر است. تارنماهای آمریکایی کمترین وجه را داشته‌اند و در مورد مالزی نیز می‌توان ادعا کرد که تارنماهای رسمی و دولتی، توجهی به دانش و فرهنگ بومی ندارند؛ اما در میان تارنماهای عمومی و غیردولتی مالزی علاقه خاصی را می‌توان در باب این موضوع مشاهده کرد.

۳- جایگاه مباحث سلامت، بهداشت و درمان در ترویج علم:

در میان تارنماهای ایرانی، تبیان در سرویس زندگی یک گروه به نام سلامت دارد و

در کنار توصیه‌های پزشکی، توجه ویژه‌ای به طب سنتی دارد و معتقد است که آمارهای جهانی نشان می‌دهد که گرایش مردم به طب سنتی رو به فزونی است.

زیست‌بوم، سلامت انسان را در گرو سلامت زمین می‌شمارد و در موضوع تغذیه، راهکارهای تغذیه سالم برای جلوگیری از بیماری‌ها را ارائه می‌کند؛ اما رویکرد تارنمای نیک‌صالحی متفاوت است و در حد ترویج مسائل جنسی و زیبایی به موضوع‌های پزشکی و بهداشتی می‌پردازد. برخلاف تارنمای روازاده که موضوع خود را سلامت بر اساس طب سنتی می‌داند. تارنمای انسان‌شناسی و فرهنگ نیز رویکردی ترویجی در حوزه بهداشت ندارد و تنها به تحلیل فرهنگی و اجتماعی آن پرداخته است و مسئله بهداشت و درمان را با توجه به شیوع اپیدیمی‌های گوناگون، مسئله‌ای جهانی می‌داند و راه‌حل آن را مشارکت جهانی به حساب می‌آورد.

در تارنماهای آمریکایی، انجمن آمریکایی پیشرفت علم به مدل‌های آموزش در سلامت جهانی می‌پردازد؛ اما موضوع تارنمای مرکز علم برای منفعت عمومی، در مورد سلامت و تغذیه است؛ مثلاً در مورد نوشیدنی‌های رژیمی هشدار می‌دهد. تارنمای علم در آزمایشگاه شاخشیری نیز اطلاعات جامعی از مواد مغذی و سالم و همچنین از فعالیت‌های بدنی مفید، مصرف الکل، سیگار، قهوه، فعالیت‌های بدنی، انواع ورزش‌های مفید و داشتن بدنی سالم ارائه می‌دهد.

در پایگاه اینترنتی علم عامه نیز یک صفحه مختص سلامت وجود دارد که مطالبی در موضوع‌های بیماری‌ها و تغذیه سالم و نقد غذای فوری ارائه می‌کند. تارنمای کوپس پروجکت نیز هر چند محتوای ترویجی در حوزه سلامت ندارد؛ اما از گروه‌های عام‌المنفعه برای طرح‌های سلامت خصوصاً در مورد ایدز در کامرون کمک‌های شایانی کرده است.

در تارنماهای مالزی نیز، تارنمای آکادمی علوم، در قسمت نشریه‌های خود به موضوع سلامت و درمان می‌پردازد؛ همچنین در کتاب آینده پایدار مالزی به مسائلی چون وضعیت سلامت در مالزی پرداخته شده است. تارنمای امنیت زیستی نیز به موضوع سلامت غذاهای ارگانیک می‌پردازد. تارنمای انجمن مصرف‌کنندگان پنانگ نیز به موضوع‌هایی همچون: روش‌های درمان بیماری رابچ در خانه، روش‌های ترک سیگار، روش‌های مراقبت از چشم و غیره پرداخته است.

در مجموع می‌توان گفت که پرداخت به مسئله بهداشت و سلامت، بیشترین اقبال را داشته است؛ اما تارنماهای ایرانی، توجه ویژه‌ای به طب سنتی در سلامت داشته‌اند. هر چند که توجه به محصولات ارگانیک را در تارنماهای آمریکا و مالزی نیز می‌توان

مشاهده کرد.

۴- جایگاه مباحث گسترش گردشگری در ترویج علم:

در موضوع گردشگری، تبیان، تنها به معرفی مراکز گردشگری می‌پردازد. زیست‌بوم، آشنایی با عوامل حفظ محیط زیست را عامل افزایش گردشگری می‌داند. نیک‌صالحی نیز به معرفی اماکن گردشگری می‌پردازد. انسان‌شناسی و فرهنگ نیز از این رهگذر به آسیب‌شناسی وضعیت توریسم در ایران توجه می‌کند.

در میان تارنماهای مالزی نیز تنها پایگاه اینترنتی آکادمی علوم مالزی به موضوع پرداخته و در کتابی، اشاره‌ای به دریاچه‌ها و رودخانه‌های مالزی دارد که می‌تواند در مقوله گردشگری نقش داشته باشد.

۵- توجه به کارآفرینی و خوداشتغالی در مباحث ترویجی علم:

کارآفرینی، افراد را قادر می‌سازد یک فعالیت جدیدی شروع کنند یا به طور ناباورانه فعالیت موجود را توسعه دهند. رسانه‌ها نیز در ایجاد باور به کارآفرینی و یا حتی آموزش کار نقش ویژه‌ای دارند. در تحلیل این پژوهش در موضوع کارآفرینی، در میان تارنماهای ایرانی، رویکردهای متفاوتی را می‌توان مشاهده کرد. تبیان در این زمینه تنها به مسائل حقوقی می‌پردازد. زیست‌بوم در برخی موارد، راهکارهای اشتغال‌زایی را مغایر با رویکردهای حفظ محیط زیست می‌داند. انسان‌شناسی و فرهنگ نیز در موضوع کارآفرینی، پیشنهادهای مختلفی دارد؛ به‌عنوان مثال از ظرفیت بالای توسعه گردشگری جنگ در ایران برای کارآفرینی صحبت می‌کند.

در تارنماهای آمریکایی، تارنمای انجمن آمریکایی پیشرفت علم، برنامه‌ای بین‌المللی برای متصل کردن دانشمندان با کارآفرینان داشته است؛ همچنین پایگاه علم در آزمایشگاه شاخسیری، دستورالعمل‌هایی به‌منظور انجام آزمایش‌های عملی در خانه ارائه داده که می‌تواند در ابعاد خود باعث کارآفرینی شود. پایگاه علم عامه نیز مقاله‌هایی در مورد تجارت‌های راه‌اندازی شده و نیز در مورد کارآفرینان، منتشر کرده است. کوپس پروجکت، گروه‌های وابسته و فعال کارآفرینی را تشویق می‌کند و البته معتقد است که اگر شهروندان بخواهند به کارآفرینی موفق تبدیل شوند حتماً باید سواد علم و فناوری خود را بالا ببرند.

در میان تارنماهای مالزیایی نیز انجمن مصرف‌کنندگان پنانگ، درمجموع اصرار بر خودکفا کردن افراد در امور سلامت و تغذیه‌شان دارد و راهکارهایی برای درمان شخصی در منزل می‌دهد. تارنمای مؤسسه بین‌المللی مطالعات پیشرفته اسلامی مالزی نیز در سمیناری به‌دنبال توانا کردن جامعه و گسترش کارآفرینی بوده است.

۶- جایگاه مباحث سواد رسانه‌ای و شکاف آگاهی در ترویج علم:

مسئله سواد رسانه‌ای نیز از جمله موضوع‌های مهم ترویج علم است. در این زمینه، تبیان، به میزان مصرف رسانه می‌پردازد و معتقد است که خواندن اخبار باید به شکل انتقادی انجام شود و به نقش دست‌اندرکاران و مالکان رسانه‌ها هم توجه داشت. تارنمای زیست‌بوم، رسانه‌های مبلغ سرمایه‌داری را عامل انکار تخریب محیط زیست می‌داند. نیک‌صالحی بیشتر با نشر زیاد تصاویر هنرپیشه‌ها برخلاف جهت سواد رسانه‌ای عمل می‌کند. انسان‌شناسی و فرهنگ نیز سواد رسانه‌ای را یک مهارت اجتماعی می‌داند که می‌تواند همراه با تفکر انتقادی و استدلالی مخاطبان را به صورت فعال با پیام‌های رسانه‌ای آشنا کند.

در میان تارنماهای آمریکایی نیز انجمن آمریکایی پیشرفت علم، معتقد است که می‌توان با آنالیز کردن یک شبکه اجتماعی، دینامیک فهم ما نسبت به این رسانه افزایش پیدا کند. تارنمای مرکز علم برای منفعت عمومی نیز از رسانه‌های خبری انتقاد می‌کند که معمولاً در خصوص اخبار علمی، توضیح نمی‌دهند که دانشمندی که از او دعوت کرده‌اند به چه ارگانی وابسته است و بر این اساس، ممکن است چه تعصب یا تعلقی داشته باشد که باعث شود نتایج تحقیقات و یا نظرهایش صحیح نباشد. تارنمای علم در آزمایشگاه شاخشیری نیز بیان می‌کند که در ارائه و انتقال علم به جامعه، راه‌های ارتباطی گوناگونی وجود دارد که هر کدام از این رسانه‌ها جایگاه و مخاطب ویژه خود را دارند.

در تارنماهای مالزیایی نیز تارنمای انجمن مصرف‌کنندگان پنانگ، به راهکارهای رسانه‌های غالب در تبلیغ کالاهای ناسالم برای رسیدن به ثروت می‌پردازد و هشدارهایی می‌دهد. تارنمای مؤسسه بین‌المللی مطالعات پیشرفته اسلامی مالزی نیز در سمیناری تأکید می‌کند که رسانه آزاد می‌تواند مشوق مردم‌سالاری و احساس اجتماعی باشد.

فهرست منابع

اجاق، زهرا (۱۳۹۲). *ارتباطات عمومی علم در ایران: مطالعه ترکیبی نقش مجله‌های علمی عمومی در بهبود فهم عامه از علم ...* (پایان‌نامه دوره دکتری). دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، تهران، ایران.

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی توسعه. تهران: نشر کیهان.
- باهنر، ناصر (۱۳۸۷). رسانه‌ها و دین. تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما.
- بشیر، حسن (۱۳۸۴). تحلیل گفتمان: دریچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها. تهران: مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- پاتر، جیمز (۱۳۹۱). بازشناسی رسانه‌های جمعی: با رویکرد سواد رسانه‌ای. ترجمه آزادی یزدیان، نادعلی، قم: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- تانکارد، جیمز و سورین، ورنر (۱۳۸۶). نظریه‌های ارتباطات. ترجمه علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حری، عباس (۱۳۸۵). اطلاع‌رسانی: نظام‌ها و فرایندها. تهران: کتابدار.
- دادگران، محمد (۱۳۸۵). مبانی ارتباطات جمعی. تهران: مروارید.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی ارتباطات. تهران: نشر اطلاعات.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۸). منطق پژوهش تطبیقی. مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۳(۳).
- فلیک، اووه (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- قدیمی، اکرم (۱۳۹۱). نقش رسانه‌ها در عمومی‌سازی علم در ایران و مقایسه آن با سایر کشورهای جهان. گزارش پژوهشی: معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، انجمن ترویج علم ایران.
- کرلینجر، فردیک نیکلز (۱۳۹۰). مبانی پژوهش در علوم رفتاری. ترجمه حسن پاشاشریفی و جعفر نجفی زند، تهران: آوای نور.
- کریمی، سعید (۱۳۸۲). رسانه‌ها و راه‌های تقویت مشارکت مردم در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی. قم: بوستان کتاب.
- کمیسسیون ملی یونسکو (۱۳۸۴). علم در جامعه اطلاعاتی. ترجمه یزدان‌پور، تهران: نشر کمیسیون ملی یونسکو.
- لیندلاف، تامس و تیلور، برایان سی (۱۳۸۸). روش‌های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات. ترجمه عبدالله گیویان، تهران: همشهری.
- مصطفوی، اسماعیل و بیگدلی، زاهد (۱۳۹۲). درآمدی بر مفهوم ترویج علم در رسانه‌ها؛ تحلیل محتوای مجله اطلاعات علمی. فصلنامه ترویج علم، سال چهارم، (۴).
- معمدنژاد، کاظم (۱۳۸۵). وسایل ارتباط جمعی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- مک کوئیل، دنیس (۱۳۸۵). درآمدی بر ارتباطات جمعی. ترجمه پرویز اجالالی، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.

- Bailey, O. G & El (2008). *Understanding Alternative Media*. New York: Open University Press.
- Denzin, N. & Y. Lincoln. (2000). *The Discipline and Practice of Qualitative Research*. London: Sage.
- Downe-Wamboldt, B. (1992). Content analysis: method, applications, and issues. *Health care for women international*, 13(3), 313-321.
- Lewis, P. (1993). *Alternative media: Linking global and local*.
- Lima, M. T.; das Neves, E. F. & Dagnino, R. Popularization of Science in Brazil: Getting onto the Public Agenda. *Sharing Science*, 121.
- Ogan, C. L.; Bashir, M.; Camaj, L.; Luo, Y.; Gaddie, B.; Pennington, R.; ... & Salih, M. (2009). Development communication: The state of research in an era of ICTs and globalization. *International Communication Gazette*, 71(8), 655-670.
- Patton, M. Q. (2002). *Qualitative Research and Evaluation Methods*. CA: Sage, Thousand Oaks.
- Ren, F. & Zhai, J. (2013). *Communication and popularization of science and technology in China*. Springer Science & Business Media.
- Report of Brazil (2004). *Popularization of Science and Technology*. OAS. Pub.
- Vrana, R. (2013). *Promotion of scientific literacy and popularization of science with support of libraries and internet services*. In *Worldwide Commonalities and Challenges in Information Literacy Research and Practice*. Springer International Publishing.

References

- Ashna, H. (2008). Media Audience Studies, Pajooohesh va Snjesh, (26).
- Azkiya, M. & Ghafari, G., (2007). *Sociology of Development*, Kayhan Publishing.
- Bahnar, N. (2007). Media and Religion, IRIB Research Center.
- Bailey, O. G & El (2008). *Understanding Alternative Media*, New York: Open University Press.
- Denzin, N. & Y. Lincoln. (2000). *The Discipline and Practice of Qualitative Research*, London, Sage.
- Downe-Wamboldt, B. (1992). Content analysis: method, applications, and issues. *Health care for women international*, 13(3), 313-321.
- Flick, U. (2008) *An introduction to qualitative research*, translated by Hadi Jalili, Nei Publishing.
- Ghadihi, A. (2012). The role of the media in publicizing science in Iran and its comparison with other countries in the world, research report: Vice President of Science and Technology, Iranian Science Promotion Association.
- Ghaffari, G. (2008). The logic of comparative research, *Journal of Iranian Social Studies*, 3(4), 76-92.
- Hari, A. (2005). *information: systems and processes*, Ketabdar.

- Karimi, S. (2012). Media and ways to strengthen people's participation in political and social scenes, Bostan Ketab.
- Kerlinger, F. N. (2012). Foundations of behavioral research, translated by Hasan Pashashrifi and Jafar Najafi Zand.
- Lewis, P. (1993). Alternative media: Linking global and local.
- Lima, M. T., das Neves, E. F., & Dagnino, R. Popularization of Science in Brazil: Getting onto the Public Agenda. *Sharing Science*, (121).
- Lindlof, T. R. & Taylor, B. C. (2008). Qualitative communication research methods, translated by Abdullah Givian, Hamshahri Press.
- McQuail, D. (2006). An Introduction to Mass Communication, translated by Parviz Ejjali, Tehran: Media Studies and Planning Office Press.
- mostafavi, E. & bigdeli, Z. (2013). An introduction to the concept of science popularization and content analysis of the scientific journal *Ettelaat-e-Elmi*. *Popularization of Science*, 4(1), 7-18.
- Motamedanjad, K. (2005), mass communication, Tehran: Allameh Tabatabai University Press.
- Ogan, C. L.; Bashir, M.; Camaj, L.; Luo, Y.; Gaddie, B.; Pennington, R., ... & Salih, M. (2009). Development communication: The state of research in an era of ICTs and globalization. *International Communication Gazette*, 71(8), 655-670.
- Ojaq, Z. (2012), Public Communication of Science in Iran: A Combined Study of the Role of Public Science Journals in Improving Public Understanding of Science, Doctoral Dissertation, University of Tehran, Faculty of Social Sciences.
- Patton, M. Q. (2002) *Qualitative Research and Evaluation Methods*, CA: Sage, Thousand Oaks.
- Potter, W. J. (2010). The state of media literacy. *Journal of broadcasting & electronic media*, 54(4), 675-696.
- Ren, F. & Zhai, J. (2013). Communication and popularization of science and technology in China. Springer Science & Business Media.
- Report of Brazil (2004). Popularization of Science and Technology, OAS. Pub.
- Sarukhani, B. (2006). *Sociology of Communication*, Ettelaat Publishing.
- Sorin, W. & Tankard, J. (2006). *Theories of Communication*, Translated by Alireza Dehghan, Tehran University Press.
- UNESCO National Commission (2004). *Science in Information Society*, translated by Yazdanpour, published by UNESCO National Commission.
- Vrana, R. (2013). Promotion of scientific literacy and popularization of science with support of libraries and internet services. In *Worldwide Commonalities and Challenges in Information Literacy Research and Practice*. Springer International Publishing.

بررسی جامعه‌شناختی فرصت‌ها و محدودیت‌های تنوع قومیتی مؤثر بر احساس تعلق به اجتماع ملی (مورد مطالعه کلانشهر اهواز)

بهرام سروستان

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.
0009-0007-8471-8608 sarvestan_b@yahoo.com

احمد آذین

دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).
0009-0001-7994-3444 a.azin@khuisf.ac.ir

سید ناصر حجازی

استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.
0000-0003-1994-1436 hejazinaser@yahoo.com

چکیده

احساس تعلق به اجتماع ملی، یکی از مهم‌ترین موضوع‌هایی است که کشورهای دارای تنوع قومیتی با آن مواجه‌اند. برای شکل‌گیری همبستگی، اتحاد و دلبستگی ملی، در هر جامعه‌ای به وجود احساس تعلق به اجتماع ملی و ارزش‌های مشترک در میان افراد آن جامعه نیازمند است. هدف اصلی در این پژوهش بررسی جامعه‌شناختی فرصت‌ها و محدودیت‌های تنوع قومیتی مؤثر بر احساس تعلق به اجتماع ملی بوده است. روش پژوهش توصیفی پیمایشی بوده و جامعه آماری این پژوهش کلیه سرپرستان خانوار ساکن در کلانشهر اهواز بوده است. نمونه آماری با استفاده از نرم‌افزار سمپل پاور تعداد ۵۰۰ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه ۹۸ سؤالی محقق ساخته استفاده شد. روایی آن از طریق تحلیل عاملی تأییدی و پایایی از طریق آلفای کرونباخ ($\alpha=0/75$) تأیید شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای spss و amos و با تحلیل مدل معادلات ساختاری در دو سطح توصیفی و استنباطی صورت گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد که به‌ترتیب فرصت‌های تنوع قومیتی با ضریب مسیر ۰/۸۷۴ و محدودیت‌های تنوع قومیتی با ضریب مسیر ۰/۵۶۱- در سطح ۰/۰۱ تأثیر معنی‌داری بر احساس تعلق به اجتماع ملی دارند.

کلیدواژه‌ها: احساس تعلق به اجتماع ملی، تنوع قومیتی، فرصت‌ها و محدودیت‌ها، کلانشهر اهواز.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵X-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

مقدمه و بیان مسئله

امروزه یکی از مهم‌ترین تجلی‌گاه‌های تمدن بشری که اساس اشتراک و پیوند مردم یک ملت می‌باشد و به تحکیم مبانی استقلال ملی انجامیده، احساس تعلق به اجتماع ملی^۱ است. تعلق ملی احساسی مثبت به کشور و ناشی از ارزیابی افراد از هویت ملیشان است. هویت ملی شکل ابتدایی هویت قابل دسترس برای افراد و شکل‌دهنده سایر هویت‌هاست. این نوع از هویت منعکس‌کننده جنبه‌های مشترک مهم متعلق بودن و پیوستگی افراد به هم است و آن را نباید به منافع سیاسی یا اقتصادی ملی محض تقلیل داد (Koenig, 2006, p. 38). تعلق ملی نتیجه فرایندهای تاریخی و اجتماعی چندگانه است که در جریان تاریخ، حوادث، وقایع و دستاوردهای ملی که در گذشته کسب شده و قضاوت درباره آنچه هست و آنچه در آینده پیش خواهد آمد، شکل می‌گیرد (Moaddel, 2008, p. 68)؛ لذا نقش احساس تعلق به اجتماع ملی به‌عنوان عاملی بسیار مهم، در جهت انسجام اجتماعی، وفاق ملی، صیانت فرهنگی و برنامه‌ریزی اجتماعی بیش از پیش مورد توجه قرار می‌گیرد (جهانگیری و معینی، ۱۳۸۹، ص. ۴۱). تعلق اجتماعی مهم‌ترین عنصر هویت‌ساز است.

تعلق خاطر به جامعه به‌عنوان حسی بالنده میان مردمی که از منافع و سرنوشت مشترک برخوردارند، بسیار حیاتی است و وجود جامعه متضمن علاقه و وابستگی و وفاداری افراد به آن و احساس پیوستگی به «مای» کلی است (Pollini, 2000). احساس تعلق به اجتماع ملی موجب می‌شود تا این که فرد خود را جزئی از «مای» بزرگ‌تر و جامعه را خانه خود بداند.

اگر در جامعه‌ای احساس تعلق به اجتماع ملی، همبستگی و وحدت اجتماعی ضعیف شود به تدریج از هم‌گسیختگی و آشفتگی اجتماعی به‌وجود می‌آید. بدیهی است چنین جامعه‌ای شرایط توسعه‌یافتگی را نخواهد داشت.

چنانچه احساس تعلق به اجتماع ملی را به‌معنای عبور از هویت‌های سنتی، همچون مذهب، قوم و قبیله، به هویت‌های فراگیرتر بدانیم، نتیجه این می‌شود که افراد به‌جای شناختن خود براساس تعلقات قومی قبیله‌ای، خودشان را در سطح وسیع‌تر بر مبنای تعلق به ملتی خاص، جغرافیایی مشخص و نظام حکومتی معین

1. A sense of belonging to the national community

2. Burton

3. Smith

می‌شناسند. درواقع، هویت ملی باید آن‌چنان فراگیر باشد که تعارضی میان هویت اولیه (فردی قومی) و هویت فراگیر (ملی) ایجاد نکند (جوکار، ۱۳۸۶).

به‌نظر آنتونی گیدنز قومیت مفهومی است که معنای مطلقاً اجتماعی دارد و به رفتارها و چشم‌اندازهای فرهنگی اشاره دارد که سبب تمایز یک اجتماع از دیگران می‌شود. قومیت از سال‌های میانی قرن بیستم، به یکی از مفاهیم اصلی در علوم اجتماعی تبدیل شد و تا امروز به‌صورت موضوعی اساسی در مطالعه‌ها و پژوهش‌های کاربردی باقی مانده است. به بیان آنتونی اسمیت اهمیت و ضرورت پرداختن به این مسئله در سیاسی شدن آن در دوران معاصر و پیامدهای سیاسی و اجتماعی آن قرارداد (مرادی، ۱۳۹۴).

در جمهوری اسلامی ایران سیاست‌گذاری فرهنگی، نوعی گفتمان‌سازی است که هدف آن تقویت گفتمان وحدت قومی با رویکرد فرهنگ‌سازی بوده و با غلبه گفتمان فرهنگی در مناطقی که دارای تنوع قومی هستند، کارساز است؛ مانند بهره‌گیری از ظرفیت زبان‌ها و گویش‌ها در رسانه ملی؛ همچنین برجسته‌سازی نقاط مثبت و ایثارگری اقوام می‌تواند از عوامل انسجام‌بخش و میل و گرایش اقوام به سمت حکومت مرکزی به‌شمار رود. افزایش تحرک اجتماعی و تبادل فرهنگی اقوام در داخل کشور با سایر گروه‌های اجتماعی، نیز اقدامی مؤثر بوده که در پیاده‌سازی سیاست‌گذاری فرهنگی اقدامی آینده‌پژوهانه خواهد بود (زارعی، ۱۳۹۸، ص. ۵۴). در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با در نظر گرفتن واقعیت تنوع‌های مذهبی، زبانی و قومی در ایران حاوی اصول و فصولی است که مهم‌ترین مرجع و مبنای تدوین سیاست قومی در کشورمان به‌حساب می‌آیند. دو اصل ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی، صریح‌ترین و مهم‌ترین اصولی هستند که جهت‌گیری کلی نظام و قانون اساسی را که مبتنی بر راهبرد وحدت و سیاست همگرایی قومی است، به‌خوبی نشان می‌دهند. ازسوی دیگر، در قانون اساسی به‌عنوان مبنای نظم اجتماعی و بنیان رفتار گروه‌های اجتماعی و قومی، علاوه بر دو اصل ۱۹ و ۱۵ در اصول ۷، ۱۲، ۱۳، ۶۴، ۱۰۰ الی ۱۰۶ به‌صورت مستقیم و یا غیرمستقیم به حقوق اقوام و اقلیت‌ها اشاره دارد.

باوجوداین تنوع فرهنگی و وجود فرهنگ‌ها و اقوام مختلف و متنوع در ایران، همانند شمیر دو لبه‌ای است که در صورت بهره‌گیری مناسب، می‌تواند عاملی در جهت تقویت هویت فرهنگی، هویت قومی و ملی و انسجام فرهنگی و ملی کشور باشد یا با سیاست‌گذاری‌ها و برخوردهای نامناسب با قومیت‌ها، به‌عنوان عاملی در جهت انشقاق و گسست اجتماعی و ملی، تضعیف هویت ملی و فرهنگی و تجزیه

فرهنگی کشور نقش خود را ایفا کند؛ بنابراین، با توجه به ارزش‌ها، باورها و خواسته‌ها و مطالبه‌های فرهنگی اقوام ایرانی و آگاهی از چگونگی اثرگذاری هویت فرهنگی اقوام در هویت فرهنگی و ملی ایرانیان و انسجام ملی، می‌توان در جهت تقویت انسجام ملی و فرهنگی کشور برنامه‌ریزی کرد و گام‌های مؤثر برداشت (مرادی، ۱۳۹۴).

در میان استان‌های ایران خوزستان از جمله استان‌هایی است که دارای قومیت‌های متعددی است که به رنگین کمان اقوام معروف است. این گوناگونی و تنوع قومیتی موجب شده تا بررسی و شناخت رابطه تنوع قومیتی نسبت به احساس تعلق به اجتماع ملی در کلانشهر اهواز به یکی از موضوع‌ها و مسائل مهم پژوهشی تبدیل شود؛ چنانچه در سال‌های اخیر، برخی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و بعضی از فعالان قومی تلاش کرده‌اند در ظاهر با عنوان حمایت از اقوام ایرانی و با سوءاستفاده از مشکلات اقتصادی و اجتماعی موجود در منطقه، ضمن تحریف هویت ایرانی عرب‌های خوزستان، برای قوم عرب خالق هویت عربی غیرایرانی باشند؛ بنابراین چالش‌ها و ناآرامی‌هایی را گه‌گاه در مناطق جنوبی به‌خصوص خوزستان و به‌ویژه مناطق عرب‌نشین اهواز ایجاد می‌کنند (ترکی و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۱۶۰). استقرار این اقوام در بخش حاشیه‌ای و مرزنشین بودن و مجاورت آنها با کشورهای همسایه و پیشینه تاریخی و وضعیت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی آنها یکی از دغدغه‌های دولت مرکزی می‌باشد که نیازمند بررسی و پژوهش جامعه‌شناختی است. انتخاب مسئله احساس تعلق به اجتماع ملی در کلانشهر اهواز به‌عنوان محدوده مکانی این پژوهش به این دلیل است که در این کلانشهر قومیت‌های متنوعی مانند: عرب، فارس، لر، ترک، کرد و سایر قومیت‌ها زندگی می‌کنند؛ همچنین در این کلانشهر مردم به زبان‌ها و گویش‌های متفاوتی مانند فارسی، عربی، ترکی، کردی، لری، بختیاری، دزفولی، شوشتری و... صحبت می‌کنند؛ بنابراین در این کلانشهر افراد در معرض هویت‌های متنوع قومیتی قرار گرفته‌اند که ممکن است آنها را با بحران احساس تعلق به اجتماع ملی مواجه سازد؛ بنابراین مسئله اصلی در این پژوهش بررسی جامعه‌شناختی فرصت‌ها (روابط بین قومی، تعهد اجتماعی، تعلق دینی، مشارکت اجتماعی) و محدودیت‌های تنوع قومیتی (کم‌اعتمادی اجتماعی، محرومیت نسبی، فردگرایی، قوم‌گرایی) مؤثر بر احساس تعلق به اجتماع ملی (مورد مطالعه کلانشهر اهواز) می‌باشد.

۱. اهداف و سؤال‌های پژوهش

هدف اصلی در این پژوهش بررسی جامعه‌شناختی فرصت‌ها و محدودیت‌های تنوع قومیتی مؤثر بر احساس تعلق به اجتماع ملی در کلانشهر اهواز می‌باشد؛ بنابراین سؤال‌های پژوهش عبارت‌اند از:

- ۱- فرصت‌های تنوع قومیتی بر احساس تعلق به اجتماع ملی در کلانشهر اهواز چه تأثیری دارند؟
- ۲- محدودیت‌های تنوع قومیتی بر احساس تعلق به اجتماع ملی در کلانشهر اهواز چه تأثیری دارند؟
- ۳- بین گروه‌های مختلف شغلی، درآمد خانوار، بعد خانوار و نوع قومیت و احساس تعلق به اجتماع ملی در کلانشهر اهواز چه تفاوتی وجود دارد؟

۲. فرضیه‌های پژوهش

- ۱- فرصت‌های تنوع قومیتی بر احساس تعلق به اجتماع ملی در کلانشهر اهواز تأثیر معنی‌داری دارند.
- ۲- محدودیت‌های تنوع قومیتی بر احساس تعلق به اجتماع ملی در کلانشهر اهواز تأثیری معنی‌داری دارند.
- ۳- بین گروه‌های مختلف شغلی، میزان درآمد خانوار، بعد خانوار و نوع قومیت و احساس تعلق به اجتماع ملی در کلانشهر اهواز تفاوت وجود دارد.

۳. پیشینه پژوهش

مولینا و همکاران^۱ (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی رابطه هویت ملی و قومی و احساس تبعیض پرداختند. نتایج این پژوهش حاکی از این است که برای اقلیت‌های نژادی، درک بیشتر درباره تبعیض‌های گروهی به سطوح پایین‌تر هویت ملی مربوط است. برعکس در میان اعضای گروه بیشترین این روال به‌صورت برعکس است. سانینا^۲ (۲۰۱۲) در پژوهشی درباره شکل‌گیری هویت ملی در روسیه به این نتیجه رسید که با گذشت بیست‌سال از فروپاشی کمونیسم در این کشور، هنوز مفهوم هویت ملی به‌گونه‌ای جامع که علاقه‌های حکومت، نیازهای افراد و گروه‌های اجتماعی را در قالب یک نظام ارزشی جدید دربرگیرد، شکل نگرفته است.

1. Molina & et al.

2. Sanina

مرکز پژوهش‌های مسائل اجتماعی بریتانیا^۱ (۲۰۰۷) در پژوهشی تعلق و هویت اجتماعی را با توجه به تغییرهای جدید به‌ویژه بحث جهانی شدن، فناوری ارتباطی و دنیای مجازی مورد مطالعه قرار داده است. نتایج این پژوهش نشان داد ۸۸ درصد از مردم، خانواده، ۶۰ درصد دوستان و بیش از یک‌سوم ملیت را مهم‌ترین بخش تعلق خاطر خود دانسته‌اند. تعلق حرفه‌ای یا شغلی و روحیه تیمی و منافع مشترک نیز در حال افزایش و حتی تعلق تیمی افراد از تعلقات سیاسی، مذهبی، طبقه، قومیت و وابستگی سیاسی نیز بیشتر بوده است. شش دسته عوامل بوده‌اند که افراد به آنها تعلق بیشتری داشته‌اند، خانواده، دوستان، سبک زندگی، ملیت، هویت حرفه‌ای، روحیه تیمی، همچنین تعلق برخط و فضای مجازی اینترنتی در عصر جدید اهمیت زیادی یافته است (بیدل و محمودزاده، ۱۳۹۱، ص. ۳۸).

پولنی^۲ (۲۰۰۰) در پژوهشی به روش اسنادی، به ارائه تصویری از تعلق اجتماعی و شاخص‌های آن پرداخته است. نویسنده ابتدا به بررسی زمینه‌های روابط انسانی و درگیری افراد در این روابط پرداخته و سپس به دو بُعد از مداخله انسان اشاره کرده که عبارت‌اند از: روابط غیرنمادین و نمادین. تعلق اجتماعی و انطباق فرهنگی را در بُعد نمادین مداخله انسانی قرار داده و سپس با ارائه نظریه‌هایی از دورکیم، وبر، مید، پارک، پارسونز، مرتون و تونیس در رابطه با تعلق اجتماعی، به مقایسه و تحلیل آنها پرداخته و با تأکید بیشتر بر نظر پارسونز، ساختار تعلق اجتماعی و مؤلفه‌های آن و روابط بین آنها را ترسیم کرده است.

فرهادی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به نقش لرها در تقویت هویت ملی در عصر پهلوی با تأکید بر مؤلفه زبان فارسی پرداختند. پژوهش با تمرکز بر لرها و ارائه تعریف و تبیین مفهوم هویت ملی، عناصر هویت ملی ایران و دلبستگی لرها نسبت به مؤلفه زبان فارسی در عصر پهلوی (۱۲۹۹-۱۳۵۷ ش) است. پژوهش به بررسی نقش لرها در استحکام بخشی به وحدت ملی در ایران، می‌پردازد که در قالب فرضیه «لرها در کنار گویش‌های محلی زبان لری با به کارگیری زبان فراگویشی فارسی به‌عنوان زبان رسمی مکاتبه‌ها، نظام اداری، آموزشی، زبان آثار و منابع مکتوب ملی و محاورهای، نقش مؤثری در استحکام وحدت ملی داشته‌اند.

یازرلو و سوسرای (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی رابطه هویت ملی و هویت قومی و بررسی وضعیت این دو متغیر بر اساس برخی متغیرها در بین دانش‌آموزان

1. Survey international Research Centre

2. Pollini

مقطع متوسطه نظری گنبد کاووس پرداختند. حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۳۶۴ نفر و با روش طبقه‌ای نسبی و خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد پاسخگویان به مؤلفه‌های هویت ملی و قومی گرایش بالاتر از متوسط دارند و هویت ملی و قومی دانش‌آموزان به‌طور همزمان در وضعیت مطلوبی قرار داشته و رابطه متعارضی با همدیگر ندارند؛ به‌علاوه رابطه مذکور در میان تمام گروه‌های قومی مورد بررسی نیز مثبت و مستقیم است؛ همچنین همبستگی متغیر احساس محرومیت نسبی با هویت ملی، معکوس و با هویت قومی مثبت و مستقیم است. ضرایب تحلیل مسیر نیز تأییدکننده روابط فوق می‌باشد.

کاروانی و غفاری نسب (۱۳۹۸) در پژوهش با هدف کاوش کیفی هویت ملی و قومی در زیست‌جهان دانشجویان بلوچ در دانشگاه‌های دولتی و براساس نظریه زمینه‌ای انجام شده دادند. مشارکت‌کنندگان تحقیق، یازده نفر دانشجوی بلوچ مقطع کارشناسی ارشد و چهار نفر دانشجوی دکتری دانشگاه‌های دولتی بوده‌اند. داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق به‌دست آمده است. مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری درخصوص مقوله‌های مختلف مصاحبه ادامه یافتند. تحلیل داده‌ها با استفاده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. نتیجه تحلیل داده‌ها، دستیابی به پنج مقوله محوری و یک مقوله هسته بوده است؛ همچنین یافته‌ها نشان دادند که بستر و منابعی مانند موقعیت مذهبی، موقعیت جغرافیایی و قومی در کنار شرایطی از قبیل احساس تبعیض سیاسی، تبعیض قومیتی، کلیشه‌سازی رسانه‌ای، وضعیت اجتماعی، سیاسی، تصوراتی قالبی منفی پیوند چندجانبه‌ای با مقوله هسته پژوهش دارند.

عشایری و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تبیین جامعه‌شناختی هویت ملی ایرانیان جامعه‌شناختی هویت ملی ایرانیان و در پی آن است که سازوکار علی‌الترگذار بر هویت ملی ایرانیان چیست؟ این هویت چگونه تکوین یافته است؟ پژوهش برای پاسخ به این پرسش، کلیه مطالعات تجربی (پیمایشی) صورت گرفته بین ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۷ را با رویکرد cm2 بررسی و تحلیل نموده است. جامعه آماری آن ۲۶ سند پژوهشی و حجم نمونه ۱۹ مطالعه بوده است. نتایج پژوهش حاکی از این است که ۶۵ درصد مرد، ۳۵ درصد زن، ۵۹ درصد متأهل، ۴۱ درصد مجرد، ۶۵ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی و ۳۶ درصد دیپلم و پایین‌تر، به‌لحاظ قومیت، ۳۱ درصد فارس، ۲۸ درصد ترک، ۱۰ درصد بختیاری و ۹ درصد کرد، مذهب ۵۹ درصد پاسخگویان شیعه، ۲۵ درصد سنی و ۱۶ درصد سایر مذاهب است. هویت ملی ۳۵ درصد سطح بالا، ۳۲ درصد سطح متوسط و ۳۳ درصد سطح پایین است. اندازه اثر کوهن نشان می‌دهد

که عوامل سرمایه اجتماعی، ارزشی و هنجاری، هویتی، مصرف رسانه‌ای و نگرشی در شکل‌گیری هویت ملی ایرانیان اثرگذار بوده است.

دامن‌باغ؛ فرهنگد و جوادیان (۱۳۹۶)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین مؤلفه‌های فرهنگی و تعلق ملی در بین شهروندان شهر یزد» پرداخته است. جامعه آماری پژوهش، تمام شهروندان ۱۵ تا ۶۵ ساله شهر یزد بودند که با استفاده از فرمول کوکران، ۴۸۳ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که بین عرفی شدن، مصرف‌گرایی و شبکه‌های اجتماعی مجازی با تعلق ملی، رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد. در معادله رگرسیون، متغیرهای مستقل توانسته‌اند ۳۹ درصد از تغییرهای متغیر تعلق ملی را تبیین کنند. بیش‌ترین اثرگذاری بر روی متغیر وابسته (تعلق ملی) به ترتیب متعلق به متغیر عرفی شدن، سن، ترجیحات ارزشی و مصرف‌گرایی بوده است.

احمدی و مصدق گنج‌خانلو (۱۳۹۳)، پژوهشی با عنوان «رابطه هویت ملی و هویت قومی بین جوانان شهر زنجان» را انجام داده‌اند. مقاله حاضر در پی مشخص نمودن نوع جهت‌گیری رابطه‌ای بین هویت قومی و هویت ملی میان جوانان شهر زنجان بوده است. برای این منظور، از طریق روش پیمایشی و با توزیع پرسشنامه بین ۳۸۰ نفر از جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله، از آنها نظرسنجی به عمل آمد. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که جوانان آذری در شهر زنجان دارای گرایش‌های مثبت نسبت به هویت قومی و در عین حال به هویت ملی هستند. به این ترتیب مشخص شد که بین هویت ملی و هویت قومی جوانان شهر زنجان، نه تنها رابطه منفی وجود ندارد بلکه بین این دو هویت جمعی رابطه‌ای تقویتی (با شدت کم) برقرار است.

نقدی و همکاران (۱۳۹۴)، پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی میزان همگرایی قومیت‌های (فارس، ترک، لر) استان همدان» را به نگارش درآورده‌اند. روش پژوهش حاضر پیمایشی و نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و متناسب با حجم جامعه آماری تعداد ۳۸۴ نفر از افراد شهروندان استان همدان می‌باشد. از جمله مهم‌ترین نتایج این تحقیق، شناخت مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر همگرایی قومی شامل: میزان سرمایه اجتماعی، میزان پذیرش اصول شهروندی، میزان رضایتمندی از زندگی، میزان مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی، سن، وضعیت فرهنگی و ارتباطی افراد، میزان احساس محرومیت نسبی و میزان دسترسی به رسانه‌های ارتباطی و عدم ارتباط بین وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال و خاستگاه اجتماعی افراد با میزان همگرایی قومی آنان بوده است.

بیدل و محمودزاده (۱۳۹۱)، پژوهشی با عنوان «بررسی میزان تعلق اجتماعی مردم به جامعه ایران و رابطه آن با اعتماد اجتماعی و فردگرایی» (مطالعه موردی شهر مشهد) انجام دادند. این پژوهش از نوع پیمایشی بوده. نتایج آن نشان می‌دهد میانگین میزان تعلق اجتماعی پاسخگویان نمره ۲/۷ بوده که تا نمره ۵ که ماگزیمم آن بوده، به مقدار ۲/۳ نمره فاصله داشته بود. یعنی میزان تعلق اجتماعی مردم مشهد به جامعه ایران در سطح متوسط بوده. با افزایش سن، تعلق اجتماعی نیز افزایش یافته است. میزان تعلق اجتماعی در بین قوم فارس نسبت به سایر اقوام و همین‌طور شاغلان نسبت به سایر افراد و در طبقه متوسط نسبت به طبقات دیگر بیشتر بوده است. متغیر، اعتماد اجتماعی بیشترین تأثیر را بر تعلق اجتماعی داشته و سپس فردگرایی افراطی در مرتبه بعدی تأثیرگذاری قرار گرفته است.

اکوانی (۱۳۸۷)، پژوهشی با عنوان «گرایش به هویت ملی و قومی در عرب‌های خوزستان» انجام داده است. در این پژوهش که میزان گرایش به هویت ملی و هویت قومی عرب‌های خوزستان را بررسی می‌کند. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد عرب‌ها نه‌تنها گرایش بسیاری به هویت ایرانی و اسلامی دارند بلکه به هویت قومی خود نیز علاقه دارند و علاقه به هویت قومی آنان باعث کاهش گرایش به هویت ملی نمی‌شود. ضمن آنکه منشأ برخی ناهمگرایی‌ها را باید در بررسی شاخص‌های عینی، همچون مشکلات اقتصادی و اجتماعی و به تبع آن «احساس محرومیت نسبی» بررسی نمود. در نقد و بررسی پیشینه تجربی پژوهش می‌توان گفت که برخی از این مطالعات جنبه سیر تاریخی موضوع مانند نقش لرها در تقویت هویت ملی در عصر پهلوی را بررسی نموده است. پژوهش‌های دیگری نیز متمرکز بر جوامع آماری دانش‌آموزان و دانشجویان بوده و تعدادی نیز به‌صورت تک‌متغیره و با تأکید بر قومیتی خاص مانند کاوش کیفی هویت ملی و قومی در زیست‌جهان دانشجویان در دانشگاه‌های دولتی پرداخته‌اند. موارد دیگری نیز بر رابطه بین مؤلفه‌های فرهنگی، نوع جهت‌گیری رابطه‌ای بین هویت قومی و هویت ملی میان جوانان، سرمایه اجتماعی، میزان پذیرش اصول شهروندی، میزان رضایتمندی از زندگی، میزان مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی، وضعیت فرهنگی و ارتباطی افراد، میزان احساس محرومیت نسبی و میزان دسترسی به رسانه‌های ارتباطی و تعلق ملی در بین شهروندان تأکید داشته‌اند. در خوزستان نیز تنها قوم عرب و میزان گرایش آن به هویت ملی مورد بررسی قرار گرفته است؛ بنابراین این پژوهش با بهره‌گیری از روش مدلیابی معادلات ساختاری صورت جامع فرصت‌ها و محدودیت‌های تنوع قومیتی مؤثر بر احساس تعلق به اجتماع ملی را بررسی کرده که

این متغیرها حلقه مفقوده اکثر تحقیق‌ها می‌باشند؛ همچنین بررسی تمامی اقوام ساکن در کلانشهر اهواز و رابطه آن با احساس تعلق به اجتماع ملی از دیگر جنبه‌های نوآوری و جدید این پژوهش می‌باشد.

۴. چهارچوب نظری

گلیرز و اشتراوس معتقدند که یک محقق باید از لحاظ نظری چندان حساس باشد که بتواند نظریه‌ای که از داده‌ها بیرون می‌آید را مفهوم‌بندی و ترکیب کند. حساسیت نظری در رشد دائمی است و هنگامی که جامعه‌شناس به صورت نظری می‌اندیشد و نظریه‌های زیادی را مورد توجه قرار می‌دهد، شکل می‌گیرد.

امروزه کشورهایی که تنها از یک قوم تشکیل شده باشند، اندک هستند؛ بیش از ۸۰ درصد کشورهای عضو سازمان ملل، دارای تنوع قومی و نژادی‌اند؛ حدود ۳۷ جنگ و ستیز در جهان شناسایی شده‌اند که جنبه قومی دارند. این مسائل، اندیشمندان سیاسی جهان را متوجه خویش کرده است؛ به بیان جیمز کلاس^۱، ملی‌گرایی و قومیت‌گرایی همواره از عناصر اصلی ایجاد یک دولت یا فروپاشی آن بوده است (قلجی، ۱۳۸۷، ص. ۱).

در این میان محققان و پژوهشگران علوم سیاسی و اجتماعی رویکردهای کلی سیاست‌های قومی جمهوری اسلامی را به سه دسته تقسیم کرده‌اند: رویکرد نوین و امت‌مدارانه؛ نگرش ویژه قانون اساسی عبارت است از رویکرد برابرانه به حقوق شهروندی که از نگرش‌های نابرابری خواه قومی، زبانی، مذهبی و ملیت تبری می‌جوید. قانون اساسی رویکردی مدرن، امت‌نگر و دین‌باورانه به مسئله قومیت‌ها دارد. رویکرد واقع‌گرایانه: جهت‌گیری سیاست‌های قومی جمهوری اسلامی را تلفیقی از دو دیدگاه تکثرگرایی و یکپارچه‌سازی دانسته؛ یعنی این تلقی وجود دارد که همه ملت ایران اعم از اقوام و خرده‌فرهنگ‌ها به‌عنوان شهروند جمهوری اسلامی محسوب شده و از حقوق شهروندی برابر و یکسانی برخوردارند. رویکرد وحدت در کثرت: سیاست‌های قومی جمهوری اسلامی ایران در خصوص قومیت‌ها را رویکرد انسجام در عین حفظ تنوع قومی مبتنی بر برابری حقوق شهروندی صرف‌نظر از زمینه‌های نژادی، مذهبی، زبانی، فرهنگی و قومی می‌داند (صالحی امیری، ۱۳۸۵، ص. ۲۹۹).

همچنین تعلق اجتماعی به‌عنوان یک نیاز روانی اساسی برای فرد نیز مطرح شده است. زیمل ضمن اشاره به نیاز روانی افراد به تعلق‌های گروهی معتقد است تعلق به

گروه و عضو گروه بودن برای افراد احساس امنیت روانی ایجاد می‌کند. بامیستر و لری با نقد نظر فروید و رفتارگرایان، تأکید می‌کنند که انسان موجودی است که به‌صورت طبیعی به سمت ایجاد و حفظ تعلق هدایت می‌شود. آنها می‌گویند نیاز به تعلق یعنی نیاز به تشکیل و حفظ حداقلی از روابط بین‌فردی به‌طور ذاتی در بین انسان‌ها وجود دارد (Baumeister & Leary, 1995, p. 444). فردینان دو تونیس^۱ با تیپ‌سازی جوامع به گماینشافت (اجتماع) و گزلشافت (جامعه)، دو نوع احساس وفاداری به کل را شرح داده است. در گماینشافت، احساس تعلق اجتماعی بر پایه احساس اشتراک است. فرد احساس عاطفی با جامعه برقرار می‌سازد و بر اساس این احساس عاطفی به ما بودن تعهد عمیق‌تری پیدا می‌کند تا فردیت. این نوع حس وفاداری، حس وفاداری غیرمشروط است. فرد بدون هیچ قید و شرطی و در شرایطی که ممکن است تمتع اندکی از جامعه داشته باشد وفاداری و حس تعلق خود را حفظ و تقویت می‌کند؛ اما در گزلشافت حس وفاداری از نوع وفاداری مشروط و به‌جای حس ما، حس من غلبه می‌کند. تعهد عقلانی و محاسبه شده است و احساس وفاداری به خردگرایی پیوند دارد. فرد به جامعه احساس تعلق دارد به شرط آنکه جامعه و نهادهای آن بتوانند نیازهایش را برطرف نمایند. فرد و اهداف فردی مهم و جامعه و نهادهای آن در خدمت فرد قرار می‌گیرند (Sharon, 1979, p. 93).

قومیت را می‌توان از لحاظ مناسبت‌های اقوام با یکدیگر (صلح‌آمیز یا ستیز گونه) بررسی کرد. در این زمینه به دو رویکرد اشاره می‌شود: اول، رویکرد روان‌شناسی اجتماعی و دوم، رویکرد نهادی. در رویکرد اول (روان‌شناسی اجتماعی)، تمرکز روی سطوح کنش متقابل درون شخصی و محلی است که می‌کوشد میزان همدلی و ستیز (همگرایی و واگرایی) بین اعضای گروه، فرد یا قوم را دریابد و همین‌طور نحوه ایجاد اعتماد درون‌شخصی، سهولت تمایل به احترام متقابل و نیز مصالحه برای سوق یافتن به‌سوی همزیستی مسالمت‌آمیز را مورد مطالعه قرار می‌دهند. در رویکرد دوم (نهادی)، قواعد، سیاست‌ها و ساخت‌های سیاسی برای شکل‌دهی به رفتار فردی و گروهی و ایجاد شرایط برای نظم‌بخشی روابط تنش‌آمیز میان اجتماع‌های قومی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

از نظر مولر در کل، میهن‌دوستی قانونی آرمانی از تعلق سیاسی بر اساس رویه‌ها، هنجارها، ارزش‌ها و قوانین موجود در جامعه دموکرات لیبرال است. میهن‌دوستی

1. Ferdinand toennies

قانونی شکل جدید از انسجام را در جوامع معاصر نشان می‌دهد که هم با ملی‌گرایی متفاوت است و هم با بین‌المللی‌گرایی، این مفهوم راه‌حل معضل ایجاد وفاداری سیاسی در جوامع چندفرهنگی است (مفرح و دیگران، ۱۳۹۳، ص. ۶۷). میهن‌دوستی قانونی راه‌حل تأثیرگذار هم برای اکثریت و هم برای اقلیت به‌شمار می‌آید. در مورد اکثریت این امکان را به‌وجود می‌آورد که موضعی بی‌طرفانه اتخاذ کنند و به اقلیت‌ها به چشم افرادی که می‌توان منافعشان را در جریان تصمیم‌گیری‌ها ضایع کرد، نگاه نکنند. اقلیت‌ها هم در این شرایط با اطمینانی که از میزان پذیرششان در جامعه و اجرای عدالت در موردشان پیدا کرده‌اند و اینکه می‌توانند در کنار اکثریت نقشی اثرگذار در جامعه داشته باشند، از میهن‌دوستی مشترک محافظت می‌کنند و به وجوب قانونی وفادار هستند. یک چنین وضعیتی و همزیستی مسالمت‌آمیز اقلیت و اکثریت نشان‌دهنده ظهور فرهنگ قانونی است (دامن‌باغ؛ فره‌مند و جوادیان، ۱۳۹۶، ص. ۶۱ و مفرح و دیگران، ۱۳۹۳).

این‌گلهارت افزایش مشارکت در جوامع پیشرفته را به سه عامل ارتقای سطح تحصیلات و اطلاعات سیاسی، تغییر هنجارهای حاکم بر مشارکت زنان و تغییر در اولویت‌های ارزشی نسبت می‌دهد. به عقیده او این عوامل تأکید کمتری بر نیازهای آنی داشته و بیشتر بر حق ابراز نظر تأکید می‌ورزند (Inglehart, 2015, p. 378). به نظر او اعتماد به یکدیگر از عوامل مؤثر در مشارکت است؛ زیرا به واسطه اعتماد رفتارها قابل پیش‌بینی می‌شود که نتیجه آن تقویت حوزه کنش و تصمیم‌گیری است. این رویکرد تا حدودی به رویکرد آلموند و وربا شباهت دارد که در بحث «فرهنگ مدنی» اعتماد را از لوازم فرهنگ مردم‌سالارانه و تشکیل روابط ثانویه می‌دانند. به اعتقاد او شبکه‌ها نتیجه اعتماد مردم به یکدیگرند، نه اینکه اعتماد محصول جانبی انجمنی شدن مردم باشد. مردمی که به یکدیگر اعتماد می‌ورزند، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند تا در وضعیت‌های مختلف از گروه ورزشی گرفته تا محل کار، انجمن تشکیل دهند و بدین وسیله بیش‌تر به یکدیگر اعتماد کنند (Rose, 1999, p. 78).

عامل مؤثر دیگر به ویژه در جامعه ایرانی، سطح و میزان احساس تعلق به دین و ارزش‌های مذهبی است. گستردگی و تا حدودی عام بودن شعائر دینی می‌تواند احساس تعلق اجتماعی را تقویت کند. نهاد دین به‌مثابه تولیدکننده و ترویج‌دهنده هنجارها، ارزش‌ها نمادها گفتمان‌های جمعی مشترک به‌عنوان چتر یا سایبان مقدس در مؤمنان تقویت‌کننده تعلق اجتماعی، حتی به آن‌صورت غیرمشروط است. خاصه آن

که در حال حاضر هم‌پوشانی نهادهای دینی و سیاسی در گفتمان‌های رسمی این فرضیه را قدرت می‌بخشد که با تقویت حس تعلق دینی، اعتماد نهادی افزایش یابد و از این طریق تعلق اجتماعی نیز در مؤمنان تقویت می‌شود. این پیوندهای ایدئولوژیک نسبتاً قوی و پایدار در معتقدان سبب می‌شود کاستی‌های کارکردی نهادها قابل اغماض شود (صادقی جعفری، ۱۳۹۷، ص. ۱۲).

مطابق با نظریه همبستگی، دورکیم با ارائه این نظریه که علل آفریننده‌ها و عواطف و تمایل‌های جمعی، برخی از حالات شعور فردی نیست بلکه علل آفریننده آنها اوضاع و احوالی است که هیئت اجتماعی را فرا می‌گیرد، شکی نیست که این حالات اجتماعی، در صورتی تحقق می‌یابد که طبایع فردی مانع آنها نشود. دورکیم، وجدان جمعی را مجموعه اعتقادات و احساس‌های مشترک، در میانگین افراد یک جامعه می‌داند که دستگاه معینی را تشکیل می‌دهد که حیات خاص خود را دارد و می‌توان آن را در حکم روح نوعی جامعه با همه خواص و شرایط وجودی‌اش و نوع توسعه‌اش دانست. وجدان جمعی از دو عنصر تشکیل شده است: باورها و احساس‌های مشترک. بخش تصویری و شناختی و بخش عاطفی وجدان جمعی. این دو، یک برآیند رفتاری دارد که آمادگی برای عمل است (دورکیم، ۱۳۹۳، ص. ۲۳۹). عنصر تصویری همان شناخت و عقاید و عنصر عاطفی احساس تعلق به جامعه‌ای است که فرد عضو آن است و عنصر آمادگی برای عمل، همان پیروی یا تخطی از هنجارهاست؛ یعنی همان تعهد عملی فرد به هنجارها. در مورد انطباق نظر دورکیم با موضوع این بررسی، باید گفت تعلق اجتماعی مجموعه تمایل‌ها و تعلق‌های افراد به جامعه است. تعلقات اجتماعی، بخش عاطفی روح کلی جامعه است که سبب ایجاد تعهد می‌شود.

منظور دورکیم از احساس تعلق اجتماعی آن است که یک فرد از نظر روانی و اجتماعی تا چه حد خودش را با جامعه هماهنگ دانسته و به‌طور فعال در امور آن مشارکت نموده و عملکرد او برای دیگران باعث خودارزشی فرد می‌شود و نسبت به دیگران در خود، تعهد زیادی احساس می‌کند (مفرح و دیگران، ۱۳۹۳، ص. ۱۵۳)؛ همچنین کنشگران می‌توانند فرد یا گروه‌های اجتماعی و سازمان‌ها باشند. ارتباط نژادی و ارتباط بین قومی دو شکل از اشکال ارتباط میان‌فرهنگی هستند که می‌توانند اسامی خانوادگی، زبان و مذهب و ارزش‌های اعضای خود را، حتی اگر در داخل فرهنگ دیگری باشند، تحت تأثیر قرار دهند. ارتباط درون‌فرهنگی نوع دیگری از ارتباط میان‌فرهنگی است که برای تعریف کردن تبادل پیام‌های بین اعضای

فرهنگ غالب مورد استفاده قرار می‌گیرد (Savora, 2001, p. 11).

بر طبق نظریه بورک، هویت عبارت است از مجموعه‌ای از معانی که در تعریف یک نقش اجتماعی یا موقعیت اجتماعی که یک شخص کیست، به کار برده می‌شود. این مجموعه از معانی جداگانه مانند یک معیار (استاندارد) یا مرجع برای «چه کسی بودن» است. هنگامی یک هویت فعال می‌شود که یک پیوند بازخوردی تثبیت شود. چلبی در رابطه با بحث تعهد و اعتماد اجتماعی در کتاب «جامعه‌شناسی نظم» خود می‌نویسد: قداست و برتری اصول عام مشترک نسبت به اصول خاص باعث تقویت وحدت نمادی و مفاهیم فرهنگی در سطح جامعه می‌شود، بعلاوه این برتری کمک می‌نماید تا احساس تعلق به اجتماع جامعه‌ای تقویت شود و به این ترتیب هویت جامعه‌ای در رأس سایر هویت‌های جمعی قرار گیرد. در این صورت تعهد عمومی اعضای جامعه، هم‌زمان تقویت می‌شود و هم تعمیم می‌پذیرد. این نیز به نوبه خود، باعث افزایش اعتماد دوجانبه تعمیم یافته در جامعه می‌شود. بدیهی است اعتماد دو جانبه‌ای تعمیم یافته نیز می‌تواند تأثیر علی متقابل روی تعهد عمومی داشته باشد (چلبی، ۱۳۹۵، ص. ۱۴۰)؛ بنابراین با توجه به نظریه‌های مولر، اینگلهارت و رز، نظریه‌های همبستگی دورکیم و نظریه آنتونی اسمیت، چلبی و روابط بین قومی آلپورت می‌توان فرضیه زیر را مطرح نمود:

فرضیه اول: فرصت‌های تنوع قومیتی بر احساس تعلق به اجتماع ملی در کلانشهر اهواز تأثیر دارد.

جامعه‌ای که گرفتار قوم‌مداری است در نتیجه توجه زیاد و مبالغه‌آمیزی که بر فرهنگ رسمی خود می‌کند، نسبت به فرهنگ‌هایی بیگانه و حتی نسبت به فرهنگ‌های فرعی اقلیت‌های جامعه خود، بدبین و بی‌اعتنا است و می‌کوشد تا هنجارهای خود را بر گروه داخلی و جوامع خارجی تحمیل کند. مسلماً چنین کوششی که امپریالیسم فرهنگی نام گرفته است، اعضای فرهنگ‌های داخلی را به رنج و نوامیدی و پرخاشگری خواهد کشاند و جامعه‌های دیگر را به ستیزه برخواد انگیزد. قومیت وضعیتی است که در آن کل اقوام یا بخشی از اقوام کشور در احساس گرایش یا عمل نسبت به ملت، کشور و احساس تعلق به آن، دچار بی‌تفاوتی یا مخالفت شده‌اند و در عوض بر ویژگی خود تأکید کرده و خواهان درجاتی از واگرایی هستند. قوم‌گرایی درگیری‌هایی است ما بین اقوام متعددی که در نزدیکی هم زندگی می‌کنند. ریشه اکثر این اختلاف‌ها از تعصب‌های بی‌دلیلی پدید می‌آید که در بطن فرهنگ اقوام نهفته و اکثراً به آنها پایبند هستند (پورافکاری، ۱۳۸۹، ص. ۶۶).

گرایش به فردی شدن، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تجلی‌های نوگرایی است و از آنجا که جامعه ایران به‌عنوان یک کشور در حال توسعه متأثر از این جریان است؛ لذا فردگرایی می‌تواند به‌عنوان یک متغیر حائز اهمیت باشد. آلریش بک نیز فردی شدن را نتیجه فرایندهای نوسازی می‌داند که مستلزم کاهش تأثیر نهادهای ساختمان‌کننده سنتی جامعه در شکل‌گیری هویت شخصی است.

از آنجا که اعتماد اجتماعی، کنش اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و زمینه اجتماعی باید به نحوی باشد که اعتماد اجتماعی را تقویت کند، بدین ترتیب که فرد بتواند به هموطنان و مسئولان جامعه اعتماد کند و احساس اطمینان خاطر از زندگی در جامعه داشته باشد؛ زیرا اگر مردم در شرایط بی‌اعتمادی زندگی کنند، به روابط اجتماعی خدشه وارد شده و تعلق کاهش می‌یابد و اگر به همدیگر اعتماد نداشته باشند، چگونه می‌شود که به همدیگر دلبستگی و وفاداری داشته باشند؟ پس بی‌اعتمادی، موجب انقباض تعلق اجتماعی می‌شود. آنچه از نظریه اعتماد، با پژوهش حاضر، مطابقت دارد این است که عاطفه و وابستگی سبب تعلق اجتماعی بیشتر می‌شود. اعتماد، اساس ارتباط عاطفی و تعلق اجتماعی بین مردم است و تعلق اجتماعی سبب تعهد و وفاداری می‌شود. عدم اعتماد به نظام سیاسی، موجب کاهش حس تعلق اجتماعی می‌شود.

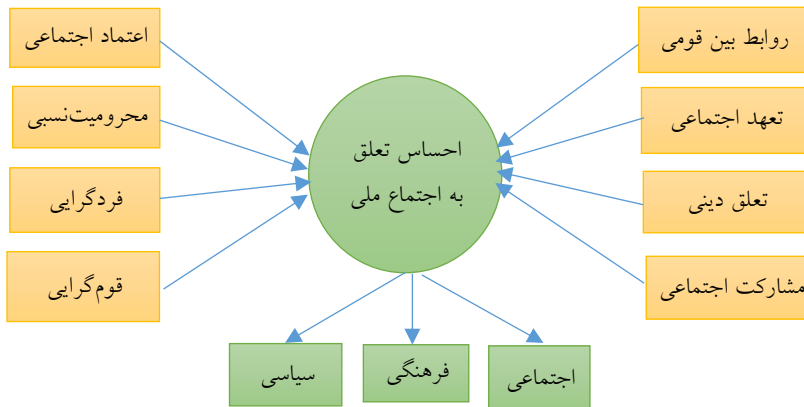
طبق نظر جامعه‌شناسان، هر قدر میزان احساس محرومیت در یک قوم بیشتر باشد و آن قوم احساس کند، فرهنگ و زبان و ارزش‌هایش مورد تعرض و استحاله قرار گرفته است، گرایش به حفظ فرهنگ و آداب و رسوم قومی در آن قوم تشدید می‌شود که در حالت افراطی، این گرایش و تمایل به شکل قوم‌مداری متجلی خواهد شد» (قیم، ۱۳۸۰، ص. ۲۱۳)؛ بنابراین بر اساس نظریه‌های ماریلین و نظریه رقابت نخبگان، نظریه نوسازی، نظریه اعتماد‌گیدنز و نظریه محرومیت نسبی می‌توان فرضیه زیر را مطرح نمود:

فرضیه دوم: محدودیت‌های تنوع قومیتی بر احساس تعلق به اجتماع ملی در کلانشهر اهواز تأثیر دارد.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که امروزه اکثر کشورهای جهان دارای تنوع قومی و نژادی هستند به‌همین دلیل این موضوع مورد توجه اکثر محققان و نظریه‌پردازان قرار گرفته است، چنانچه جیمز کلاس^۱، ملی‌گرایی و قومیت‌گرایی همواره از عناصر اصلی ایجاد یک دولت یا فروپاشی آن بوده است؛ همچنین مسئله

1. James Kellas

تنوع قومی و احساس تعلق به اجتماع ملی از زوایای مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. برخی از جمله زیمیل و بامیستر و لری، احساس تعلق اجتماعی را به عنوان یک نیاز روانی اساسی برای فرد در نظر گرفته‌اند. فردینان دو تونیس^۱ با تیپ‌سازی جوامع به گماینشافت (اجتماع) و گزلفاشت (جامعه)، دو نوع احساس وفاداری به کل را شرح داده است؛ همچنین برخی دیگر قومیت را از لحاظ مناسبت‌های اقوام با یکدیگر (صلح‌آمیز یا ستیزگونه) مورد بررسی قرار داده‌اند. در این پژوهش به‌طور مشخص از نظریه‌های مولر، اینگلهارت و رز، نظریه‌های همبستگی دورکیم و نظریه آنتونی اسمیت، چلبی و روابط بین‌قومی آلپورت، ماریلین و نظریه رقابت نخبگان، نظریه نوسازی، نظریه اعتماد گیدنز و نظریه محرومیت نسبی چهارچوب نظری پژوهش شکل گرفته است.



شکل (۱): مدل مفهومی پژوهش بر اساس چهارچوب نظری تحقیق

۵. روش پژوهش

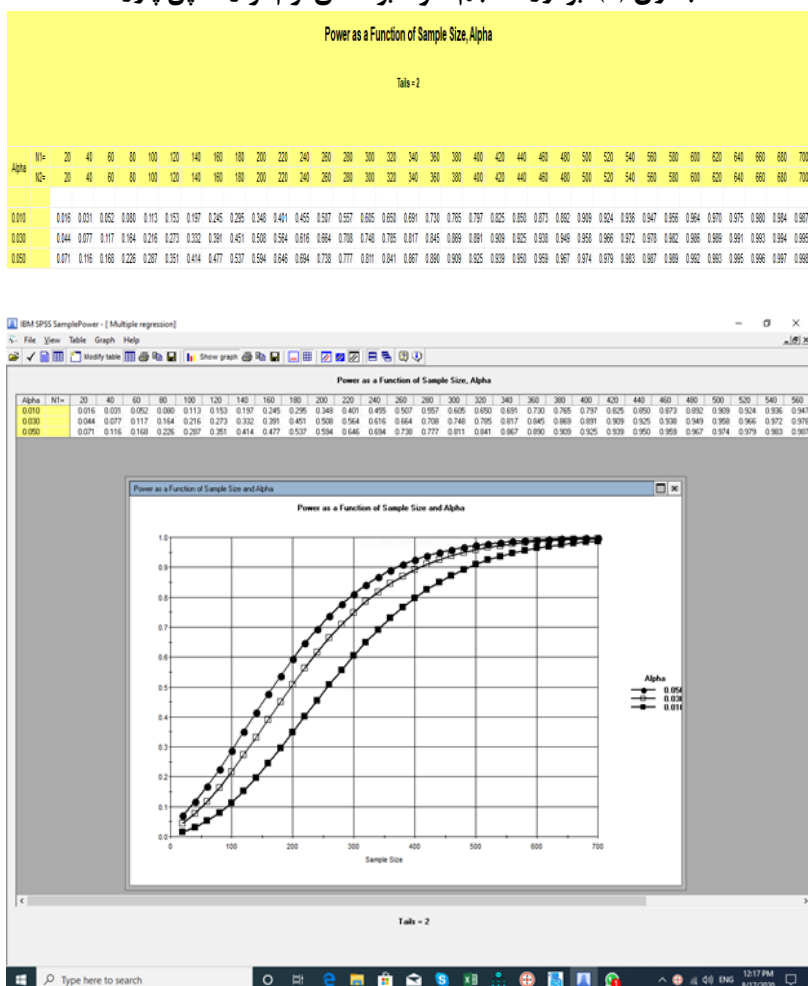
روش پژوهش حاضر از نوع پیمایشی و کاربردی بوده است و این پژوهش در سال ۱۴۰۲ انجام شده است. استان خوزستان استانی در جنوب غربی ایران است که بر کرانه خلیج فارس قرار دارد و مرکز تولید نفت و گاز ایران به‌شمار می‌آید. مساحت استان خوزستان ۶۴,۰۵۷ کیلومتر مربع است و با جمعیتی معادل ۴,۷۱۰,۵۰۶ نفر (۱۳۹۵)، پنجمین استان پرجمعیت ایران محسوب می‌شود. جامعه آماری در این پژوهش کلیه سرپرستان خانوارهای ساکن در مناطق هشت‌گانه شهرداری کلانشهر

1. Ferdinand toennies

اهواز، شامل: قومیت‌های مختلف (عرب، فارس، لر، ترک، کرد و سایر قومیت‌ها) می‌باشد؛ لذا در پژوهش حاضر جامعه آماری براساس آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۵، برابر اعلام مرکز آمار ایران تعداد سرپرستان خانوار در کلانشهر اهواز ۳۳۱۵۵۶ نفر می‌باشد.

با استفاده از نرم‌افزار sample power، سطح معنی‌داری ۰/۰۱، توان آزمون ۹۰٪ و R-squared ۱۰٪ حجم نمونه ۵۰۰ نفر در نظر گرفته شد. که نتایج آن در جدول شماره ۱ قابل مشاهده می‌باشد.

جدول (۱): برآورد حجم نمونه بر اساس نرم‌افزار سمپل پاور



در این پژوهش جهت نمونه‌گیری به دلیل نبود آمار دقیقی از بافت قومیتی در شهر اهواز از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده نمودیم؛ بنابراین در این پژوهش بر اساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ابتدا فهرستی از تمامی مناطق هشت‌گانه شهرداری کلانشهر اهواز تهیه و سپس از میان آنها بر اساس منطقه جغرافیای با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده پنج منطقه (یک، دو، چهار، شش و هفت) به‌عنوان خوشه‌ها انتخاب شده و در مرحله بعد در درون هر منطقه انتخاب شده مجدداً بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی ساده ۵۰۰ نفر (از هر منطقه تعداد ۱۰۰ نفر) به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته‌ای بود که روایی صوری و محتوی آن توسط اساتید صاحب‌نظر جامعه‌شناسی و روایی سازه‌ای آن از طریق تحلیل عاملی تأییدی مورد تأیید قرار گرفت و ضریب پایایی آن در یک مطالعه مقدماتی از طریق الفای کرونباخ صورت گرفت ($\alpha=0/75$). در پژوهش حاضر از پرسشنامه ۹۸ سؤالی محقق ساخته استفاده شده است. این پرسشنامه دارای ۱۱ بعد بوده که متغیرهای پژوهش را مورد پوشش قرار داده است. ابعاد پرسشنامه شامل: احساس تعلق به اجتماع ملی سؤال‌ها (۱-۳۲)، مشارکت اجتماعی (۳۳-۴۰)، تعلق دینی (۴۱-۴۸)، تعلق دینی (۴۹-۵۵)، روابط بین قوم (۵۶-۶۳)، قوم‌گرایی (۶۴-۷۱)، فردگرایی (۷۲-۸۱)، اعتماد اجتماعی (۸۲-۹۰)، احساس محرومیت نسبی (۹۱-۹۸) می‌باشند. طیف پاسخگویی آن از نوع لیکرت بوده است. برای به‌دست‌آوردن امتیاز مربوط به هر بعد، مجموع امتیازهای سؤال‌ها مربوط به آن بعد را با هم جمع نموده و برای به‌دست‌آوردن امتیاز کلی پرسشنامه، مجموع امتیازهای همه سؤال‌ها را با هم جمع شده است.

۵-۱. تعریف متغیرها

شهر اهواز، مرکز استان خوزستان است. استان خوزستان اقوام گوناگون انسانی را دربرمی‌گیرد. خوزستان از لحاظ خرده فرهنگ‌ها متکثرترین استان ایران است. عرب‌ها، فارس‌های بومی شهرها و... از آن جمله می‌باشد که به تفصیل در ذیل می‌آیند: بومیان خوزستان که مردم خوزی زبان بهبهان، شوستر، دزفول، بندرماهشهر، هندیجان، رامهرمز، رامشیر، زیدون، سریندر، شادگان از بازماندگان مردم شهرنشین باستان خوزستان هستند و هر کدام گویش مخصوص به خود دارند که کمی با هم متفاوتند. عرب‌های خوزستان، طوایف عرب خوزستان همگی

کوچ‌نشین، با اصل و نسب مشخص در شبه جزیره عربستان بودند. مهاجرت ایشان به جنوب غربی خوزستان از سده نهم ه‍.ق پس از دعوی سید محمد مشعشع از رؤسای قبایل عرب شبه جزیره عربستان، پس از فتح هویزه شروع شد و تا زمان معاصر ادامه یافت. در دهه‌های اخیر به‌ویژه از زمان جنگ به این سو، در برخی از شهرهای این منطقه نیز ساکن شدند. بختیاری‌ها که از هزاره‌های دور در خوزستان و عراق (تا سده‌های اولیه اسلامی) حضور داشته‌اند. شهرهای ایزده، مسجد سلیمان، هفتکل، باغملک، اندیکا، لالی، سالند (سردشت دزفول)، صفی‌آباد، اهواز، قلعه خواجه، دهدز، رامهرمز، و شهرهای جنوبی استان و... به صورت اصلی و سایر شهرهای خوزستان نیز جمعیت قابل توجهی از ایشان را در خود دارند. لرها (لر کوچک)، قلمرو اینان که در سده‌های اولیه اسلامی نیز حضورشان در این منطقه گزارش شده، در منطقه شمال غرب خوزستان، از شوش تا الوار در شمال اندیمشک امروزی بوده است و امروزه نیز تمرکز شهری جمعیتی ایشان نیز در اندیمشک، شوش، حسینی و الوار است.^۱

۱- تنوع قومی: قوم و قومیت معطوف به ویژگی‌های فرهنگی یک مجموعه جمعیتی است؛ به‌طوری که اکثر کشورهای جهان از تنوع قومی برخوردارند و باور به تفاوت نژادها و ملت‌های گوناگون به‌ویژه در کشورهای جهان سوم وجود داشته و معمولاً از انگیزه‌های نژادی - قومی برای بسیج افراد، طرد دیگران و تسهیل مدیریت بهره فراوانی برده می‌شود. عوامل مؤثر در تنوع قومی همان عواملی هستند که سبب مرزبندی آنها است. این عوامل یا عناصر فرهنگی عبارت‌اند از: نام، زبان، دین، آداب و رسوم، موسیقی و رقص، لباس، احساس تعلق و همبستگی و به‌طور کلی فرهنگ و تاریخ مشترک. گاهی ممکن است علاوه بر عوامل یاد شده، عوامل طبیعی مانند رودخانه، دریاها و کوه‌ها نیز در مرزبندی اقوام دخالت داشته باشند (صالحی امیری، ۱۳۸۸، ص. ۱۵۹).

۲- متغیر وابسته احساس تعلق به اجتماع ملی: حس تعلق اجتماعی مجموعه عواطفی است که در جریان شکل‌گیری شخصیت فرد، توسط جامعه و جریان جامعه‌پذیری ایجاد می‌شود و عوامل اجتماعی سبب تغییر آن می‌شود؛ بنابراین با تأکید بر تعریف پولینی، تعلق اجتماعی عبارت است از حس دلبستگی، وابستگی و وفاداری به جامعه که موجب همبستگی بین افراد و ایجاد پیوستگی یا «احساس ما» شده به‌نحوی که فرد، خود را بخش جدایی‌ناپذیری از جامعه می‌داند (بیدل و محمودزاده، ۱۳۹۱، ص. ۴۷).

1. <https://iran-stvc.ir/ostan-khuzestan/>

2. Ethnic diversity

در این پژوهش متغیر مستقل محدودیت‌های تنوع قومیتی شامل مؤلفه‌های زیر می‌باشد:

۱- کم‌اعتمادی اجتماعی^۱: اعتماد اجتماعی را می‌توان حُسن‌ظن فرد نسبت به سایر اعضای جامعه تعریف کرد که این امر موجب گسترش و تسهیل روابط اجتماعی فرد با آنها می‌شود (امیرکافی، ۱۳۸۰، ص. ۱۸). اعتماد اجتماعی دلالت بر انتظارات و تعهد های اکتسابی و تأیید شده به‌لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به یکدیگر و سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی‌شان دارند، تعریف کرده‌اند و با رابطه متقابل تعمیم‌یافته، قرین است (ازکیا و حسینی‌راد، ۱۳۸۸، ص. ۱۵).

۲- احساس محرومیت نسبی^۲: تد رابرت گر معتقد است «محرومیت نسبی (اعم از فردی یا جمعی) نتیجه احساس وجود شکاف غیرقابل تحمل بین انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی است» (مقصودی، ۱۳۸۰، ص. ۲۰۴). احساس محرومیت سیاسی یعنی اعضای یک گروه قومی در اعمال حقوق سیاسی خویش یا دسترسی به مناصب اداری و سیاسی در مقایسه با دیگر گروه‌های جامعه به‌صورت نظام‌مند دچار محدودیت شده باشند.

۳- قوم‌گرایی^۳: قوم‌گرایی به میزان گرایش یک فرد به مؤلفه‌های قومیت خود اطلاق می‌شود (فرهمند و دیگران، ۱۳۹۴، ص. ۱۱۰). قومیت وضعیتی است که در آن کل اقوام یا بخشی از اقوام کشور در احساس گرایش یا عمل نسبت به ملت، کشور و احساس تعلق به آن دچار بی‌تفاوتی یا مخالفت شده‌اند و در عوض بر ویژگی خود تأکید کرده و خواهان درجاتی از واگرایی هستند (حیدری؛ آذین و چیت‌ساز، ۱۳۹۷، ص. ۲۲).

۴- فردگرایی^۴: فردگرایی مفهومی نوین است که در مقابل جمع‌گرایی جامعه سنتی قرار می‌گیرد. جامعه جمع‌گرا بر همنوایی فرد با گروه تأکید می‌کند و رفتار مورد انتظار از فرد را انعکاس هنجارهای گروه می‌داند. درمقابل، جامعه فردگرا عدم همنوایی با جمع را ارزش تلقی می‌کند و بر شکوفایی فردی و بازاندیشی در سنت‌ها و هنجارهای اجتماعی تأکید می‌کند (احمدی، ۱۳۸۷، ص. ۹۸).

در این پژوهش متغیر مستقل فرصت‌های تنوع قومیتی شامل مؤلفه‌های زیر می‌باشد:

۱- تعهد اجتماعی^۵: یکی از معیارهای تأثیرگذار در توسعه اجتماعی جوامع، میزان

1. social trust

2. Feeling of relative deprivation

3. Racist

4. Individualism

5. Social commitment

تعهد و پایبندی افراد به یکدیگر و به جامعه است. تعهد، احساس مسئولیتی است که هر فردی نسبت به نقش خود در روابط اجتماعی با دیگران دارد (Poortes, 2000, p. 529). پارسونز تعهد را به عنوان خروجی خرده‌نظام فرهنگی که در پی اجتماعی شدن افراد به دست می‌آید و وارد دیگر خرده‌نظام‌ها در نظام اجتماعی می‌شود معرفی نموده است (توسلی، ۱۳۸۰، ص. ۲۵۴).

۲- تعلق دینی^۱: تعلق دینی، میزان علاقه، دلبستگی و وفاداری به یک دین یا مذهب و میزان باور به کارآمدی و مفید بودن آموزه‌ها، ارزش‌ها و باورهای آن دین در کمک به حل مسائل مادی یا فرامادی است.

۳- مشارکت اجتماعی: فرایندی اجتماعی، عمومی، یکپارچه، چندگانه، چندبعدی و چندفرهنگی است که هدف آن کشاندن همه مردم به ایفای نقش در همه مراحل توسعه است (kaotri, 2000, p. 36).

۴- روابط بین‌قومی^۲: روابط بین‌قومی روابط اجتماعی بین دو یا چند گروه قومی است که شامل: روابط اقتصادی یا معیشتی، روابط سیاسی یا اقتداری بین‌قومی، روابط فرهنگی یا فکری، روابط اجتماعی یا عاطفی در بین دو یا چند گروه قومی است (چلبی و یزدانی‌نسب، ۱۳۹۰، ص. ۴۸).

۶. یافته‌های پژوهش

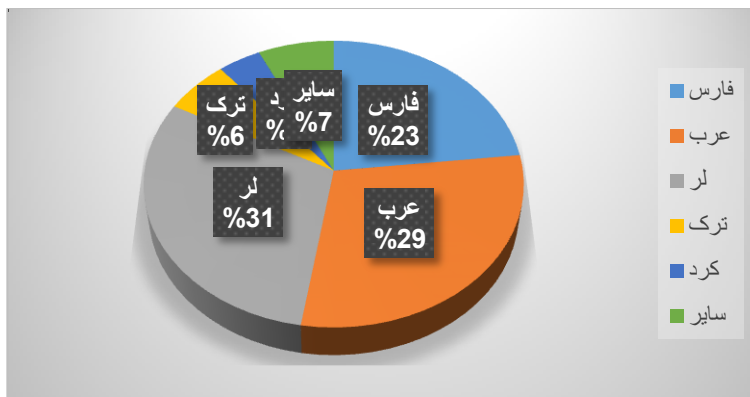
۶-۱. توصیف اجمالی نمونه

براساس نتایج به دست آمده از پرسشنامه، ۳ درصد از افراد پاسخ‌دهنده بین ۲۴-۲۰ سال سن داشتند، ۹ درصد بین ۲۹-۲۵ سال، ۱۵ درصد بین ۳۴-۳۰ سال، ۱۷ درصد بین ۳۹-۳۵ سال، ۱۸ درصد بین ۴۴-۴۰ سال، ۱۲ درصد بین ۴۹-۴۵ سال، ۱۰ درصد بین ۵۴-۵۰ سال، ۵ درصد بین ۵۹-۵۵ سال، ۱۰ درصد ۶۰ سال و بالاتر سن داشتند. ۸۵ درصد از افراد پاسخ‌دهنده را مردان و ۱۵ درصد آنها را زنان تشکیل می‌دهد. ۲۹ درصد افراد پاسخ‌دهنده دارای قومیت، عرب، ۳۰ درصد لر، ۲۳ درصد فارس، ۶ درصد ترک، ۴ درصد کرد و ۷ درصد سایر قومیت‌ها بودند. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب قومیت در نمودار شماره ۱ نشان داده شده است. ۲۰ درصد افراد پاسخ‌دهنده دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۲۳ درصد دیپلم، ۱۲ درصد فوق دیپلم، ۲۶ درصد لیسانس، ۹ درصد فوق لیسانس، و ۸ درصد دارای تحصیلات دکتری بودند. ۳۲ درصد افراد

1. Religious affiliation

2. Inter-ethnic relations

پاسخ‌دهنده دارای شغل کارمند، ۲۷ درصد شغل آزاد، ۱۱ درصد کارگر، ۶ درصد پزشک، ۸ درصد بازنشسته، ۸ درصد بیکار، ۱۰ درصد مستمری‌بگیر، ۴ درصد سایر مشاغل داشتند. ۲۲ درصد پاسخ‌دهنده‌ها کمتر از ۲ میلیون تا ۲ میلیون درآمد داشتند، ۲۳ درصد بیشتر از ۲ میلیون تا ۴ میلیون درآمد داشتند، ۲۳ درصد بیشتر از ۴ میلیون تا ۶ میلیون درآمد داشتند و ۲۲ درصد بیشتر از ۶ میلیون درآمد داشتند. به لحاظ بعد خانوار ۱ درصد ۱ نفر، ۱۲ درصد ۲ نفر، ۱۸ درصد ۳ نفر، ۲۶ درصد ۴ نفر، ۲۲ درصد ۵ نفر، ۱۳ درصد ۶ نفر، ۵ درصد ۷ نفر، ۲۰ درصد ۸ نفر، ۶ درصد ۹ نفر و ۱ درصد بالاتر از ۹ نفر بودند.



نمودار (۱): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب قومیت

در این قسمت تحلیل‌های مربوط به برازش مدل مفهومی در نرم‌افزار AMOS بررسی می‌شوند. در این تحلیل مفروضه‌های فاصله‌ای بودن متغیرهای درون‌زا و برون‌زا، روابط خطی بین متغیرها و استقلال باقی‌مانده‌ها رعایت شده است. ابتدا مدل مفهومی پژوهش ارائه و سپس بر اساس این مدل مفهومی تحلیل ساختاری صورت گرفت. پیش از آزمون فرضیه‌های تحقیق، ابتدا می‌بایست نرمال بودن یا نبودن داده‌ها اطمینان حاصل نمود. برای بررسی فرض نرمال بودن از آزمون K-S، استفاده شده است. در مورد آزمون K-S چنانچه سطح معنی‌داری از ۵ درصد بیشتر باشد متغیر نرمال می‌باشد و در غیر این صورت داده‌ها غیرنرمال می‌باشند. با توجه به جدول (۴-۸) داده‌ها از توزیع نرمال پیروی می‌کنند.

جدول (۲): آزمون کلموگروف اسمیرنوف متغیرهای پژوهش

نتیجه	سطح معنی‌داری	پارامترهای توزیع نرمال		متغیر
		انحراف معیار	میانگین	
نرمال است	۰/۶۷۶	۰/۵۳۳۲۲	۴/۱۶۱۸	اجتماعی
نرمال است	۰/۹۰۳	۰/۵۲۳۷۵	۴/۱۷۱۲	فرهنگی
نرمال است	۰/۶۸۰	۰/۷۹۲۸۷	۳/۵۹۳۴	سیاسی
نرمال است	۰/۷۰۰	۰/۶۷۷۶۷	۳/۴۸۲۱	مشارکت اجتماعی
نرمال است	۰/۵۲۰	۰/۷۱۰۱۰	۴/۳۹۷۰	تعلق دینی
نرمال است	۰/۱۰۰	۰/۴۰۰۸۰	۳/۰۷۴۵	تعهد اجتماعی
نرمال است	۰/۳۰۴	۰/۵۷۵۲۹	۴/۱۶۵۳	روابط بین‌قومی
نرمال است	۰/۲۸۷	۰/۷۲۰۲۰	۳/۴۸۶۸	قوم‌گرایی
نرمال است	۰/۶۰۰	۰/۴۷۶۴۸	۳/۸۷۲۳	فردگرایی
نرمال است	۰/۱۵۹	۰/۵۹۴۸۳	۲/۹۴۱۱	اعتماد اجتماعی
نرمال است	۰/۲۵۷	۰/۶۶۲۴۴	۰/۰۷۹۱	احساس محرومیت نسبی

۲-۶. آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون کردن فرضیه‌های پژوهش از روش معادلات ساختاری در نرم‌افزار Amos25 استفاده می‌شود. در این قسمت تحلیل‌های مربوط به برازش مدل مفهومی (جدول ۳) و مدل تحلیل عاملی تأییدی (شکل‌های ۱ و ۲) در نرم‌افزار AMOS بررسی می‌شوند. در این تحلیل مفروضه‌های فاصله‌ای بودن متغیرهای درون‌زا و برون‌زا، روابط خطی بین متغیرها و استقلال باقی‌مانده‌ها رعایت شده است. ابتدا مدل مفهومی پژوهش ارائه و سپس بر اساس این مدل مفهومی (شکل‌های ۳ و ۴)، تحلیل ساختاری (جدول ۴) صورت گرفته است؛ همچنین در ادامه یافته‌های استنباطی پژوهش متغیرهای وضعیت شغلی، میزان درآمد، بعد خانوار و نوع قومیت با احساس تعلق به اجتماع ملی بررسی شد که نتایج در جدول‌ها و نمودارهای ۵، ۶، ۷، ۸ ارائه شده است.

پس از برازش مدل شاخص‌های برازش در جدول زیر خلاصه شده است.

جدول (۳): شاخص‌های برازش مدل ساختاری تحقیق

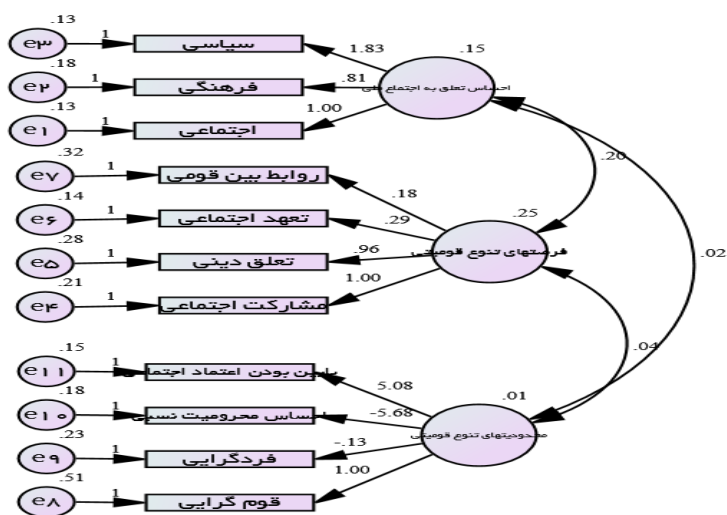
نام شاخص	حد مجاز	مقدار به‌دست‌آمده
χ^2/df (کای دو بر درجه آزادی)	کمتر یا مساوی ۳	۳
GFI ^۱ (نیکویی برازش)	بین ۰٫۵ تا ۱	۰٫۹۷
RMSEA ^۲ (ریشه میانگین مربعات خطای برآورد)	بین ۰ و ۱	۰٫۰۶۴
CFI ^۳ (شاخص برازش مقایسه‌ای - تعدیل یافته)	بالاتر از ۰/۹	۰٫۹۷

با توجه به جدول (۳)، همه مقادیر به‌دست‌آمده برای شاخص‌های کای دو بر درجه آزادی، GFI، RMSEA، CFI در محدوده تعریف شده می‌باشند؛ بنابراین چنین نتیجه می‌شود که روایی مدل مورد تأیید می‌باشد. مدل تحلیل عاملی تأییدی متغیرهای پژوهش به صورت شکل‌ها زیر می‌باشد:



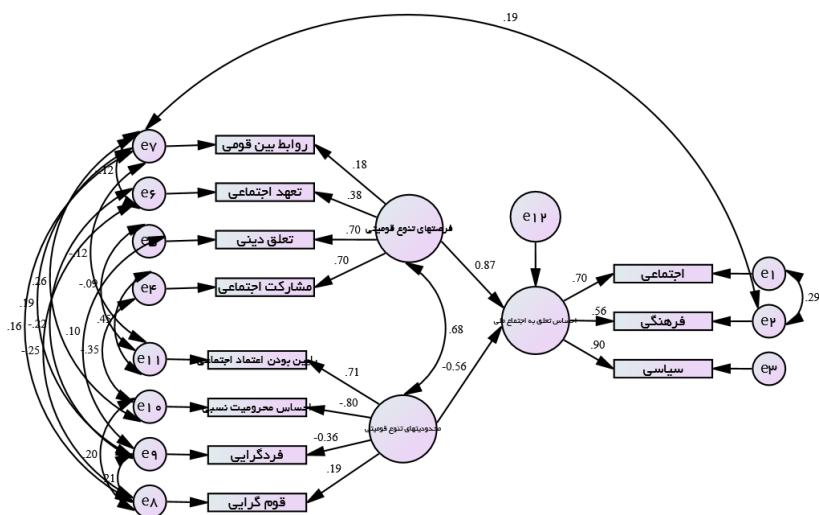
شکل (۱): مدل تحلیل عاملی تأییدی (مدل اندازه‌گیری) استاندارد

1. Goodness of Fit Index (GFI)
2. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)
3. Comparative Fit Index (CFI)

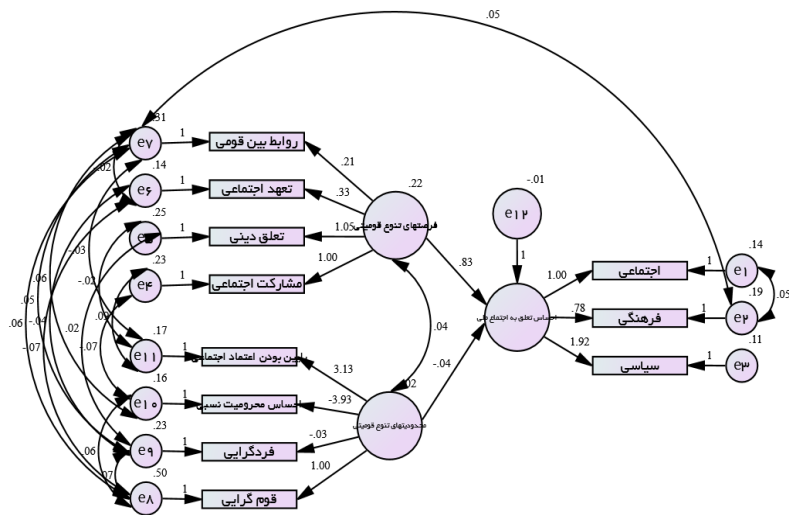


شکل (۲): مدل تحلیل عاملی تأییدی (مدل اندازه‌گیری) مدل غیراستاندارد

مدل مفهومی برازش داده شده پژوهش:



شکل (۳): مدل مفهومی برازش داده شده با مدل استاندارد



شکل (۴): مدل مفهومی برازش داده شده با مدل غیراستاندارد

شکل (۳) برازش مدل مفهومی اصلاح شده را نشان می‌دهد که در آن برآورد ضرایب استاندارد مدل ذکر شده‌اند. منظور از مدل استاندارد مدلی است که در آن ضرایب مسیر یا بار عاملی کمتر از ۱ می‌باشند. شکل (۴) برازش مدل را نشان می‌دهد که در آن برآورد ضرایب غیراستاندارد مدل ذکر شده‌اند.

همان‌گونه در جدول (۴) مشاهده می‌شود. همه گویه‌ها در سطح اطمینان ۰/۹۵ معنادار می‌باشند. معنی‌داری گویه‌ها بالاتر بودن عدد معنی‌داری از $\pm 1/96$ است.

در شکل (۱) ضریب مسیر بین متغیرهای مدل بر روی هر مسیر که متناظر با فرضیات پژوهش است، قابل مشاهده است. این ضریب مسیر استاندارد عددی است بین ۱ و -۱ که در مدل فوق علامت مثبت آنها نشان از وجود رابطه مثبت بین متغیرهای پژوهش دارد؛ به‌عنوان مثال بین فرصت‌های تنوع قومیتی و احساس تعلق به اجتماع ملی ضریب مسیر (۰/۸۷۴) به‌دست آمده است؛ اما آیا این ضریب به‌لحاظ آماری معنادار است؟ برای پاسخ به این سؤال از مقدار آماره تی استیودنت متناظر با هر ضریب استفاده می‌کنیم که این مقادیر در جدول بعدی قابل مشاهده است.

نتایج حاصل از ارزیابی مدل معادلات ساختاری پژوهش:

جدول (۴): شاخص نتایج حاصل از ارزیابی برازش مدل ساختاری پژوهش

نتیجه	سطح معنی‌داری	آماره تی (عدد معنی‌داری)	ضریب مسیر	مسیر فرضیه
تأیید	***	۹/۵۷۸	۰/۸۷۴	فرصت‌های تنوع قومیتی ← احساس تعلق به اجتماع ملی
تأیید	۰/۰۰۵	-۲/۱۴۵	-۰/۵۶۱	محدودیت‌های تنوع قومیتی ← احساس تعلق به اجتماع ملی
تأیید			۰/۶۹۹	فرصت‌های تنوع قومیتی ← مشارکت اجتماعی
تأیید	***	۱۵/۰۳۴	۰/۷۰۴	فرصت‌های تنوع قومیتی ← تعلق دینی
تأیید	***	۸/۳۹۱	۰/۳۸۴	فرصت‌های تنوع قومیتی ← تعهد اجتماعی
تأیید	***	۰/۸۸۸	۰/۱۷۸	فرصت‌های تنوع قومیتی ← روابط بین قومی
تأیید			۰/۱۸۷	محدودیت‌های تنوع قومیتی ← قوم‌گرایی
رد	۰/۸۷۷	-۰/۱۵۴	-۰/۳۶۱	محدودیت‌های تنوع قومیتی ← فردگرایی
تأیید	***	-۳/۳۷۸	۰/۸۰۲	محدودیت‌های تنوع قومیتی ← احساس محرومیت نسبی
تأیید	***	۳/۳۹۲	۰/۷۱۵	محدودیت‌های تنوع قومیتی ← پایین بودن اعتماد اجتماعی

همان‌طور که در جدول (۴) مشاهده می‌کنید آماره t بزرگ‌تر از عدد ۱/۹۶ هستند که این یعنی تمام ضرایب مسیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنا دارند. برای تصمیم‌گیری در مورد فرضیه‌ها هم باید از روی همین مقادیر تصمیم‌گیری کنیم. می‌دانیم در علم آمار برای اینکه فرضیه‌ای در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تأیید قرار گیرد، باید مقدار آمار t متناسب با آن آزمون بالاتر از عدد ۱/۹۶ باشد؛ لذا همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌کنید مقادیر آماره t برای تمام ضرایب مسیر غیر از مسیر محدودیت‌های تنوع قومیتی و فردگرایی، بیشتر از عدد ۱/۹۶ مشاهده شده است و بنابراین تمام ضرایب مسیر معنا دار هستند؛ بنابراین فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر اینکه فرصت‌های تنوع قومیتی و محدودیت‌های تنوع قومیتی بر

احساس تعلق به اجتماعی ملی اثر معنادار دارند، تأیید می‌شود میزان تأثیرگذاری فرصت‌های تنوع قومیتی برابر ۰/۸۷ و میزان تأثیرگذاری محدودیت‌های تنوع قومیتی برابر ۰/۵۶- می‌باشد.

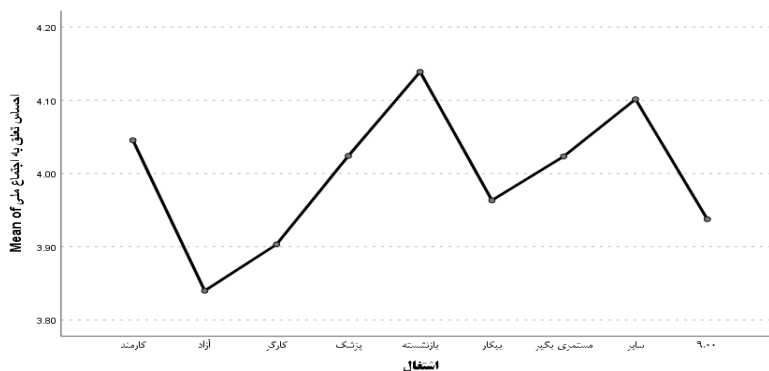
همچنین در ادامه یافته‌های استنباطی پژوهش متغیرهای وضعیت شغلی، میزان درآمد، بعد خانوار و نوع قومیت با احساس تعلق به اجتماع ملی بررسی شد که نتایج زیر به دست آمد:

فرضیه فرعی یک: بین گروه‌های مختلف شغلی و احساس تعلق به اجتماع ملی در کلانشهر اهواز تفاوت وجود دارد.

با توجه به جدول و نمودار زیر از روش ANOVA چنین نتیجه می‌شود که آماره F با درجه آزادی ۸ و ۴۹۱ برابر ۲/۳۸ با سطح معنی‌داری ۰/۰۱۶ به دست آمده است. چون سطح معنی‌داری به دست آمده کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد؛ بنابراین میانگین متغیر احساس تعلق به اجتماع ملی به تفکیک اشتغال با هم متفاوتند که طبق نمودار در بین افراد بازنشسته، کارگر و پزشک روند صعودی دارد.

جدول (۵): نتایج آزمون تحلیل واریانس

سطح معنی‌داری	آماره فیشر	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
۰/۰۱۶	۲/۳۷۶	۰/۶۳۶	۸	۵/۰۸۶	بین گروهی
		۰/۲۶۸	۴۹۱	۱۳۱/۳۷۵	درون گروهی
			۴۹۹	۱۳۶/۴۶۱	کل



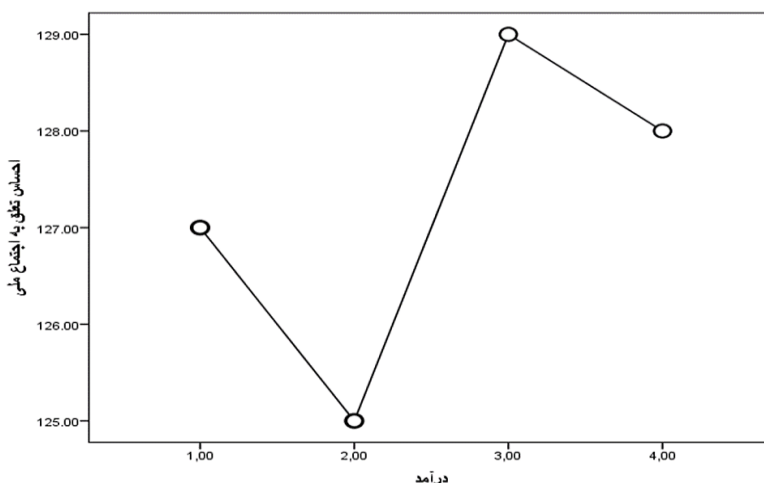
نمودار ۲: مقایسه میانگین احساس تعلق به اجتماع ملی افراد در مشاغل مختلف

فرضیه دوم: میزان احساس تعلق به اجتماع ملی در کلانشهر اهواز با توجه به میزان درآمد خانوار متفاوت است.

با توجه به جدول و نمودار زیر از روش ANOVA چنین نتیجه می‌شود که آماره F با درجه آزادی ۳ و ۴۹۶ برابر ۱/۲ با سطح معنی‌داری ۰/۲۹۱ به دست آمده است. چون سطح معنی‌داری به دست آمده بزرگ‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد؛ بنابراین فرض میانگین متغیر احساس تعلق به اجتماع ملی به تفکیک درآمد با هم برابر هستند. می‌توان گفت میانگین میزان احساس تعلق به اجتماع ملی در بین گروه‌های مختلف درآمدی از نظر آماری معنادار نمی‌باشد؛ بنابراین این فرضیه که میانگین تعلق ملی برحسب گروه‌های مختلف درآمدی متفاوت است، مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. درواقع از میزان میانگین‌ها این نتیجه به دست می‌آید، درآمد تفاوتی در میزان احساس تعلق به اجتماع ملی در بین پاسخگویان ایجاد نمی‌کند.

جدول (۶): نتایج آزمون تحلیل واریانس

سطح معنی‌داری	آماره فیشر	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
۰/۲۹۱	۱/۲۵	۳۴۱	۳	۱۰۲۲	بین گروهی
		۲۷۲	۴۹۶	۱۳۵۱۵۹	درون گروهی
			۴۹۹	۱۳۶۱۸۱	کل



نمودار (۳): مقایسه میانگین احساس تعلق به اجتماع ملی افراد با درآمد مختلف

فرضیه سوم: میزان احساس تعلق به اجتماع ملی در کلانشهر اهواز با توجه به بُعد خانوار متفاوت است.

با توجه به جدول و نمودار زیر از روش ANOVA چنین نتیجه می‌شود که آماره F با درجه آزادی ۹ و ۴۹۰ برابر ۳/۶۴ با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ به‌دست آمده است. چون سطح معنی‌داری به‌دست آمده کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد؛ بنابراین میانگین متغیر احساس تعلق به اجتماع ملی به تفکیک تعداد اعضا خانوار با هم متفاوتند که طبق نمودار در بین اعضا خانوار ۹ نفره روند کاملاً صعودی دارد.

جدول (۷): نتایج آزمون تحلیل واریانس

سطح معنی‌داری	آماره فیشر	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
۰/۰۰۱	۳/۶۴۰	۰/۹۵۰	۹	۸/۵۵۱	بین گروهی
		۰/۲۶۱	۴۹۰	۱۲۷/۹۱۱	درون گروهی
			۴۹۹	۱۳۶/۴۶۱	کل



نمودار (۸): مقایسه میانگین احساس تعلق به اجتماع ملی افراد با توجه به بُعد خانوار

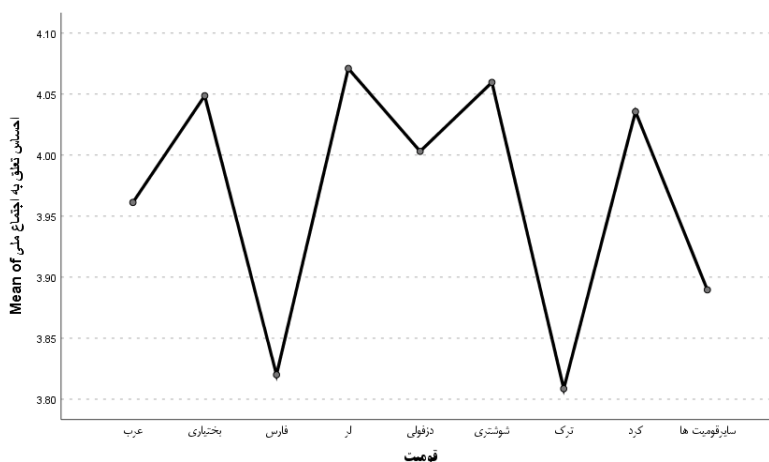
فرضیه چهارم: احساس تعلق به اجتماع ملی در کلانشهر اهواز با توجه به قومیت افراد متفاوت است.

با توجه به جدول و نمودار زیر از روش ANOVA چنین نتیجه می‌شود که آماره F با درجه آزادی ۸ و ۴۹۱ برابر ۱/۶۶ با سطح معنی‌داری ۰/۱۰۶ به‌دست آمده است.

چون سطح معنی‌داری به‌دست آمده بزرگ‌تر از $0/05$ می‌باشد؛ بنابراین فرض میانگین متغیر احساس تعلق به اجتماع ملی به تفکیک قومیت با هم برابر نیستند، رد می‌شود. تفاوت مشاهده شده از لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد؛ لذا این فرضیه که بیان می‌کند، احساس تعلق به اجتماع ملی در کلانشهر اهواز با توجه به قومیت افراد متفاوت است، مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

جدول (۸): نتایج آزمون تحلیل واریانس

سطح معنی‌داری	آماره فشر	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
۰/۱۰۶	۱/۶۵۷	۰/۴۴۸	۸	۳/۵۸۸	بین‌گروهی
		۰/۲۷۱	۴۹۱	۱۳۲/۸۷۳	درون‌گروهی
			۴۹۹	۱۳۶/۴۶۱	کل



نمودار (۵): مقایسه میانگین احساس تعلق به اجتماع ملی افراد در اقوام مختلف

نتیجه‌گیری

کشور ایران به‌عنوان کشوری چند قومی است و با سابقه تمدنی کهن و کم‌نظیر، همواره در گستره فرهنگی خود با تعدد خرده‌فرهنگ‌های مختلف مواجه بوده است. تنوع، ویژگی اجتماع انسانی است. در میان اجتماع‌های امروزی بشر نمی‌توان اجتماعی را یافت که افراد آن از همه جهت با هم همانند باشند. امروزه نه امکان از

میان بردن تنوع و یکدست‌سازی اجتماع‌های انسانی وجود دارد و نه چنین امری ضرورت دارد؛ بنابراین تنوع به‌عنوان امر ضروری و اجتناب‌ناپذیر اجتماع‌های انسانی در عصر کنونی مورد پذیرش است (قیصری، ۱۳۸۶). احساس تعلق به اجتماع ملی موجب می‌گردد تا این که فرد خود را جزئی از «مای» بزرگ‌تر و جامعه را خانه خود بداند؛ بنابراین احساس تعلق به اجتماع ملی، اساس اشتراک و پیوند مردم یک ملت می‌باشد. اگر در جامعه‌ای احساس تعلق به اجتماع ملی ضعیف گردد به‌تدریج از هم‌گسیختگی و آشفته‌گی اجتماعی به‌وجود می‌آید. بدیهی است چنین جامعه‌ای شرایط همبستگی ملی را نخواهد داشت.

روابط سیاسی یا اقتداری بین‌قومی، روابط فرهنگی یا فکری، روابط اجتماعی یا عاطفی در بین دو یا چند گروه قومی است (چلبی و یزدانی‌نسب، ۱۳۹۰، ص. ۴۸). با توجه به ساختار جامعه شهری کلانشهر اهواز و تنوع قومیتی آن و سطح توسعه آن به‌عنوان یک جامعه در حال‌گذار، هرگونه برنامه‌ریزی جهت پیشرفت و توسعه، بدون توجه به احساس تعلق به اجتماع ملی فاقد پشتوانه علمی خواهد بود. بر اساس مشاهده‌ها و مطالعه‌های انجام شده تنوع قومیتی کلانشهر اهواز را به محل تلاقی فرهنگ‌های مختلف تبدیل کرده و شدت‌یابی هویت قومی را نشان می‌دهد تنوع قومیتی در کلانشهر اهواز هم می‌تواند مرکز تعامل اقوام باشد و هم اختلاف‌های قومی و زبانی، در بین قومیت‌های مختلف آن می‌تواند موجب تنش و تعارض‌ها اجتماعی را فراهم کند. نتایج حاصل از آزمون معادلات ساختاری طبق جدول ۴ نشان داد که فرصت‌ها با ضریب مسیر ۰/۸۷ درصد و محدودیت‌های تنوع قومیتی با ضریب مسیر ۰/۵۶ بر احساس تعلق به اجتماع ملی در کلانشهر اهواز تأثیر دارد. به‌عبارت‌دیگر فرصت‌های تنوع قومیتی (افزایش روابط بین قومی، تعهد اجتماعی، تعلق دینی، مشارکت اجتماعی) موجب افزایش احساس تعلق به اجتماع ملی و محدودیت‌های تنوع قومیتی (کم‌اعتمادی اجتماعی، محرومیت نسبی، فردگرایی، قوم‌گرایی) موجب کاهش احساس تعلق به اجتماع ملی می‌شود. نتایج حاصل از پژوهش حاضر میزان بالایی از احساس تعلق به اجتماع ملی را نشان می‌دهد. می‌توان گفت، هم‌پوشانی برخی از شاخص‌ها و مؤلفه‌های تعلق ملی و تعلق قومیتی، مانند دین، سرزمین، زبان مشترک و... باعث گردد که افراد با قومیت‌های متنوع هم‌زمان به تعلق قومی و ملی گرایش داشته باشند. اکثر پژوهش‌های انجام شده در این زمینه نیز علی‌رغم تفاوت در مقیاس‌ها به نتایج کم‌وبیش یکسانی دست‌یافته‌اند. یافته‌های این پژوهش با پژوهش بهشتی و حقمرادی (۱۳۹۶)، قاسمی و همکاران (۱۳۹۲) که

از بالا بودن میزان هویت ملی در بین تنوع قومیتی در ایران حکایت دارد و نیز با پژوهش حاجیانی (۱۳۸۸) که میزان هویت ملی را در بین اقوام مختلف در سطح بالا نشان می‌دهد همسو می‌باشد؛ همچنین یافته‌های این پژوهش با نتایج تحقیق‌های صادقی و همکاران (۱۳۹۷)، احمدی و گنج‌خانلو (۱۳۹۳) و بیدل و محمودزاده (۱۳۹۱) مطابقت دارد. جهت تبیین این نتایج می‌توان گفت که ایران سرزمینی با گروه‌های قومی گوناگون است که با همه گونه‌گونی به سبب همزیستی تاریخی اجتماعی طولانی در سرزمین ایران در برخی وجوه، قرابت‌ها و اشتراک‌هایی دارند که آنها را به یکدیگر نزدیک می‌کند و میان مردم آنها یک همبستگی فرهنگی و یک باور و آرمان جمعی پدید می‌آورد. این همبستگی فرهنگی تنیده با تاروپود باورها و آرمان‌های جمعی، فرهنگ ملی یا وحدت ملی ایرانیان را در پهنه جغرافیای سیاسی سرزمین ایران جلوه‌گر می‌سازد و قوم‌های متشکله ملت ایران را به هم می‌پیوندد و وحدت ملی را به مفهوم فرهنگی آن پدید می‌آورد؛ بنابراین می‌بایست راهبردهای بلندمدت و مؤثر در راستای سیاست‌گذاری قومی و مدیریت حرفه‌ای مناسب، توسعه موزون در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اقوام مانند بسط و توسعه شاخص‌های عدالت اجتماعی، استفاده بیشتر از ظرفیت‌های سرمایه اجتماعی اقوام، زدودن فقر و محرومیت، بسترسازی جهت ایجاد اشتغال مولد، التزام به سازه‌های اصلی هویت و فرهنگ ملی مورد توجه قرار گیرد تا بتوان در جهت تحکیم و ارتقاء احساس تعلق به اجتماع ملی گام برداشت؛ همچنین توجه بیشتر به ارزش‌های اقوام ایرانی به عنوان میراث فرهنگی و وطنی موجب تقویت همبستگی و انسجام ملی و توجه بیشتر به ارزش‌ها و باورهای ملی خواهد شد.

فهرست منابع

- احمدی، حمید (۱۳۸۷). قومیت و قوم‌گرایی در ایران از افسانه تا واقعیت. تهران: نشر نی.
- احمدی، حمید و گنج خانلو، مصدق (۱۳۹۳). رابطه هویت ملی و هویت قومی بین جوانان شهر زنجان. فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ششم، (۴۰).
- ازکیا، مصطفی و حسینی‌راد، کریم (۱۳۸۸). نقش اعتماد اجتماعی در مشارکت مردم در طرح‌های توسعه روستایی. پژوهشنامه علوم اجتماعی، سال سوم، (۱).
- اکوانی، سیدحمده (۱۳۸۷). گرایش به هویت ملی و قومی در بین عرب‌های خوزستان. فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، (۳۶)، ۹۹-۱۲۷.
- امیرکافی، مهدی (۱۳۸۰). اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. فصلنامه پژوهش، سال پنجم، (۱۸)، ۹-۴۲.
- بهشتی، سیدصمد و حقمرادی، محمد (۱۳۹۶). بررسی میزان تعلق اجتماعی مردم به جامعه ایران و رابطه آن با اعتماد اجتماعی و فردگرایی (مطالعه موردی شهر مشهد). جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و هشتم، (۳).
- بیدل، پری‌ناز و محمودزاده، علی‌اکبر (۱۳۹۱). احساس تعلق به ایران در میان اقوام ایرانی، مطالعه موردی شهر مشهد. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره پنجم، (۲).
- پورافکاری، نصراله (۱۳۸۹). چالش‌ها و فرصت‌های توسعه پایدار در شوشتر. فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی، ۴(۱۱) ف ۵۵-۱۰۲.
- ترکی، حسین؛ خسروی، محمدعلی و قربان‌پور، علی (۱۳۹۹). ترسیم سناریوهای پیش روی فرصت‌ها و تهدیدهای قوم‌گرایی عربی در ارتباط با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۶(۵۳)، ۱۵۹-۱۸۳.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۰). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات سمت.
- جوکار، محمدصادق (۱۳۸۶). بررسی هویت ملی و ارتباط هویت و ملیت ایرانی اسلامی در فرخ‌نای تاریخ، سایت روزنامک.
- جهانگیری، جهانگیر و معینی، مهدی (۱۳۸۹). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و هویت ملی نمونه مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه شیراز. مجله علوم اجتماعی، ۷(۲)، ۳۷-۷۴.
- چلبی، مسعود (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظم اجتماعی. تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود و یزدانی‌نسب، محمد (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی - کمی اثر سیاست‌های

- قومی بر تضاد قومی و شیوه بروز آن ۱۹۹۵-۲۰۰۴. *مجله تحلیل اجتماعی*، (۲).
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۸۸). نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایرانی. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۹ (۳ و ۴).
- حیدری، احسان؛ آذین، احمد و چیت‌ساز، محمدعلی (۱۳۹۷). *بررسی جامعه‌شناختی عوامل بازدارنده اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر توسعه پایدار شهری در کلانشهر اهواز*. (رساله دکتری جامعه‌شناسی). دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، دهقان، ایران.
- دامن‌باغ، مرتضی؛ فرهمند، مهناز و جوادیان، سید رضا (۱۳۹۶). *بررسی رابطه بین مؤلفه‌های فرهنگی و تعلق ملی در بین شهروندان شهر یزد*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی). دانشگاه یزد، یزد، ایران.
- دورکیم، امیل (۱۳۹۳). *خودکشی*. ترجمه ناصر سالارزاده، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- زارعی، غفار (۱۳۹۸). نقش هویت قومی در همبستگی ملی پس از انقلاب اسلامی؛ رویکردی چندفرهنگی. *فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی*، ۱۳ (۴۷).
- صادقی جعفری، جواد؛ یزدخواستی، بهجت و اجتهادی، مصطفی (۱۳۹۷). *تحلیلی بر احساس تعلق مردم به جامعه در حال تغییر ایران و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: شهر تهران)*. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۹ (۱).
- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۵). *مدیریت منازعات قومی*. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۸). *انسجام ملی و تنوع فرهنگی*. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- عشایری، طاهّا؛ ذوالفقاری، اکبر؛ نامیان، فاطمه و حسین‌زاده، الهام (۱۳۹۷). تبیین جامعه‌شناختی هویت ملی ایرانیان. *مطالعات میان فرهنگی*، (۳۷).
- فرهادی، عزیز؛ احمدی، حمید و سینایی، سیدعطاءالله (۱۴۰۰). نقش لرها در تقویت هویت ملی در عصر پهلوی با تأکید بر مؤلفه زبان فارسی. *مطالعات ملی*، (۸۸)، ۹۱-۱۱۰.
- فرهمند، مهناز؛ سعیدی مدنی، سیدمحسن و سهندی خلیفه‌کندی، مهناز (۱۳۹۴). *مطالعه تطبیقی انسجام اجتماعی بین دو قومیت آذری و کُرد*. مورد مطالعه شهرهای سنندج و تبریز، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱۶ (۱).
- قاسمی، علی‌اصغر؛ خورشیدی، مجید و حیدری، حسین (۱۳۹۲). همسازی هویت ملی و قومی در ایران و رویکرد اقوام ایرانی به وحدت ملی و حق تعیین

- سرنوشت. فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۸ (۵۵).
- قلجی، حسین (۱۳۸۷). سیاست قومیتی و قومیت. مجله پگاه حوزه، (۳۱۲).
- قیصری، نوراله (۱۳۸۶). تنوع فرهنگی و وحدت ملی در ایران: الزامات نظری و رهیافتی. پژوهشکده مرکز تحقیقات/استراتژیک، (۸)، ۵۱-۸۴.
- قیم، عبدالنبی (۱۳۸۰). نگاهی جامعه‌شناختی به زندگی و فرهنگ مردم عرب خوزستان. فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، (۷).
- کاروانی، عبداللطیف و غفاری‌نسب، اسفندیار (۱۳۹۸). هویت ملی و هویت قومی در زیست‌جهان دانشجویان بلوچ مقاله. پاییز و زمستان، سال دهم، (۲).
- مرادی، علیرضا (۱۳۹۴). هویت فرهنگی اقوام ایرانی و تأثیر آن بر هویت ملی و انسجام ملی ایرانیان. مهندسی فرهنگی، سال نهم، تابستان، (۸۴).
- مفرح، فاطمه؛ ابراهیم‌زاده، حسین؛ هاشمی‌زهی، نوروز و اشتری، اباذر (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تعلق شهروندان تهران ب محله جامعه مورد مطالعه: ساکنان بالای ۱۸ سال منطقه ۲۲ تهران. فصلنامه مدیریت شهری، (۳۷).
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰). تحولات قومی در ایران. تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- نقدی، اسداله؛ احمدی، امیدعلی و سلطانی عزت، محمود (۱۳۹۴). بررسی جامعه‌شناختی میزان همگرایی قومیت‌های (فارس، ترک، لر) استان همدان. مجله تحلیل اجتماعی، ۱۷ (۱)، ۱۳۱-۱۵۴.
- یازرلو، رضا و سوسرای، بتول (۱۳۹۹). رابطه هویت ملی و هویت قومی و بررسی وضعیت این دو متغیر بر اساس برخی متغیرها در بین دانش آموزان مقطع متوسطه نظری گنبد کاووس. علوم اجتماعی (دانشگاه آزاد شوشتر)، (۴۸)، ۳۶-۵۰.
- Ahmadi, A. & Ganj Khanlou, M. (2013). The relationship between national identity and ethnic identity among the youth of Zanjan city. *Political and International Approaches Quarterly*, Year 6, (40).
- Ahmadi, H. (2007). *Ethnicity and ethnocentrism in Iran from myth to reality*. Tehran: Nei Publishing House.
- Amirkafi, M. (2010). Social trust and factors affecting it. *Research Quarterly*, Year 5, (18), 42-9.
- Azkia, M. & Hosseini Rad, K. (2008). *The role of social trust in people's participation in rural development projects*. social science journal, third year, first issue.
- Baumeister, Roy F. & Leary, Mark R. (1995). The Need to Belong: Desire for Interpersonal Attachments as a Fundamental Human Motivation. *Psychological Bulletin*, 117(3), 497-529.
- Beheshti, Seyyed Samad & Haqmoradi, Mohammad (2016). *Investigating the extent of people's social belonging to Iranian society and its*

- relationship with social trust and individualism (Mashhad city case study)*. Applied Sociology, 28th year, 3rd issue, Fall 2016.
- Bidel, p. & Mahmoudzadeh, A. (2011). The sense of belonging to Iran among Iranian ethnic groups, a case study of Mashhad city, Cultural Research Quarterly, 5th period, number 2, summer 2011.
- Chalabi, M. (2016). *Sociology of order, description and analysis of social order*. Tehran: Nei publishing house, 8th edition.
- Chalabi, Massoud & Yazdani Nesab, Mohammad (2013). A comparative-quantitative study of the effect of ethnic policies on ethnic conflict and its occurrence 1995-2004. *Journal of Social Analysis*, period 2013, (2).
- Chalaji, Hossein (2008). *Ethnic politics and ethnicism*. Pegah Hozha magazine, number 312.
- Daman Bagh, M.; Farhamand, M. & Javadian, S. (2016). *Investigating the relationship between cultural components and national belonging among the citizens of Yazd city*. Master's thesis in sociology, Yazd University.
- Durkheim, E. (2013). *Suicide*, translator: Nasser Salarzadeh, Tehran: Allameh Tabatabai University.
- Farahmand, M.; Saidi Madani, S. & Sahandi Khalifa Kandi, M. (2014). A comparative study of social cohesion between Azeri and Kurdish ethnicities, the case study of the cities of Sanandaj and Tabriz, Iran's Social Issues Review, 6(1).
- Farhadi, A.; Ahmadi, H. & Sinai, S. (2022). The role of lers in strengthening the national identity in the Pahlavi era with an emphasis on the Persian language component. *National Studies*, Winter, (88), 91-110.
- Hajiani, Ebrahim (1388). The ratio of national identity to ethnic identity among Iranian ethnic groups. *Iranian Journal of Sociology*, 9(3-4).
- Heydari, E.; Azin, A. & Chitsaz, M. (2017). *Sociological investigation of social and cultural inhibiting factors affecting sustainable urban development in Ahvaz metropolis*. doctoral dissertation in sociology, Islamic Azad University, Dehaghan branch.
- Inglehart, R. (2015). *Cultural evolution in the advanced industrial society*, translator, Maryam Veter, Tehran: Kavir Publications, third edition.
- Jahangiri, J. & Moini, M. (2010). Investigating the relationship between social capital and national identity in the sample of Shiraz University students. *Journal of Social Sciences*, 7(2), 37-74.
- Karevani, Abdollatif & Ghafarinasab, Esphandiar (2018). National identity and ethnic identity in the living world of Baloch students, article. *Social issues of Iran*, 10th year, (2).
- kaotri, Huynh (1986). *Popular participation in development*. In participation in Development: Paris: Unesco.
- Kayseri, N. (2016). Cultural diversity and national unity in Iran: theoretical and approach requirements. *Strategic Research Center Research Institute*, (8), 51-84.
- Koenig, Nadja (2006). *Construction of national identity and national*

- attachment of Germans in the intercultural context*. Eastern Michigan University.
- Mafarah, F.; Ebrahimzadeh, H.; Hashmizahi, N. & Ashtari, A. (2013). Investigating the social factors affecting the belonging of Tehran citizens to the neighborhood of the studied community: residents over 18 years of age in the 22nd district of Tehran. *Urban Management Quarterly*, (37).
- Maqsodi, M. (2001). *Ethnic changes in Iran*. Tehran: Institute of National Studies.
- Moaddel, Mansoor & et al. (2008). Foreign occupation and national attachment : the case of Iraq. *Population Studies Center Research Report 08-638*, 72(4) , 677-705.
- Molina, L. E.; Phillips, N. L. & Sidanius, J. (2015). National and Ethnic Identity in the Face of Discrimination: Ethnic Minority and Majority Perspective. *Cultural Diversity and Ethnic Minority Psychology*, 21(2), 225-236.
- Naghdi, E.; Ahmadi, O. & Soltani Ezzat, M. (2012). *Sociological investigation of the degree of ethnic convergence* (Persian, Turkish, Lor) in Hamadan province.
- Nomads, T.; Zulfaqari, A.; Namian, F. & Hosseinzadeh, E. (2017). Sociological explanation of national identity of Iranians. *intercultural studies*, (37).
- Phinney, J. S. (1990). Ethnic Identity in Adolescents and Adults: Review OF Research Psychological. *Bulletin*, 108(3).
- Pollini, Gabriele (2000). *Social Belonging Second Edition E.F.Borgatta R J.Montgomery Encyclopedia of Sociology*.
- Poortes, A. (2000). Social capital: Promise and pitfalls of its role in development. *Journal of Latin American studies*, (32), 529-547.
- Rose, R. (1999). *Getting Things Done in an Anti modern Society: social capital Networks in Russia*. in Dasgupta & Serageldin. 71-147.
- Salehi Amiri, S. (2008). *National cohesion and cultural diversity*. Tehran: Expediency Council, Strategic Research Center.
- Salehi Amiri, Seyyed Reza. (2006). *Management of Ethnic Conflicts*. Tehran: Center for Strategic Research of the Expediency Analysis Forum.
- Sanina, A. (2012). Competing for a Citizen: “Visible” and “Invisible” Forms of State Identity in Russia”. *Journal of Eurasian Studies*, 3(2), 126-146.
- Savora, L. A. & et al. (2001). *Communication between cultures, translated by Gholamreza Kiyani and Seyedakbar Mirhosseini*. Tehran: Baz Publications.
- Seyyed Hamdaleh, A. (2008). Tendency towards national and ethnic identity among Khuzestan Arabs. *National Studies Quarterly*, ninth year, (36), 127-99.
- Sharon, Joel (1979). *Ten questions from the point of view of sociology*. translated by Manouchehr Sabouri, Tehran: Ni publication.

- Tavasli, G. (2001). *Sociological theories*. Tehran: Somit Publications.
- Yazerlo, R. & Sosraei, B. (2019). The relationship between national identity and ethnic identity and the investigation of the status of these two variables based on some variables among the students of Gonbedkavos theoretical high school. *social sciences (Shoshtar Azad University)*, spring, (48), 36-50.
- Zarei, Ghaffar (2018). The role of ethnic identity in national unity after the Islamic revolution; A multicultural approach. *Islamic Revolution Approach Quarterly*, 13(47).

References

- Ahmadi, A., Ganj Khanlou, M. (2013). The relationship between national identity and ethnic identity among the youth of Zanjan city, Political and International Approaches Quarterly, Year 6, (40), Winter 93. (In Persian).
- Ahmadi, H. (2007). Ethnicity and ethnocentrism in Iran from myth to reality, Tehran: Nei Publishing House. (In Persian).
- Amirkafi, M. (2010). Social trust and factors affecting it, Research Quarterly, Year 5, (18), 42-9. (In Persian).
- Ashayeri, T., Zulfagari, A., Namian, F., Hosseinzadeh, E. (2017). Sociological explanation of national identity of Iranians, intercultural studies winter 2017 – (37), 37. (In Persian).
- Azkia, M., Hosseini Rad, K. (2008). The role of social trust in people's participation in rural development projects, social science journal, third year, first issue. (In Persian)
- Akwani, Seyyed Hamdaleh. (2007). Tendency towards national and ethnic identity among Khuzestan Arabs, National Studies Quarterly, ninth year, (36), 127-99. (In Persian).
- Bidel, P., Mahmoudzadeh, A. (2011). The sense of belonging to Iran among Iranian ethnic groups, a case study of Mashhad city, Cultural Research Quarterly, 5th period, (2), summer 2011. (In Persian).
- Baumeister, Roy F. & Leary, Mark R (1995), The Need to Belong: Desire for Interpersonal Attachments as a Fundamental Human Motivation, *Psychological Bulletin*, 117(3), 497-529.
- Beheshti, Seyyed Samad and Haqmoradi, Mohammad (2016). Investigating the extent of people's social belonging to Iranian society and its relationship with social trust and individualism (Mashhad city case study), *Applied Sociology*, 28th year, 3rd issue, Fall 2016. (In Persian)
- Chalaji, Hossein. (2008). Ethnic politics and ethnicism, Pegah Hozha magazine, (312). (In Persian)
- Chalabi, M. (2016). *Sociology of order, description and analysis of social order*, Tehran: Nei publishing house, 8th edition. (In Persian).
- Chalabi, Massoud, Yazdani Nesab, Mohammad. (2013). A comparative-quantitative study of the effect of ethnic policies on ethnic conflict and

- its occurrence 1995-2004, Journal of Social Analysis, period 2013, (2). (In Persian)
- Daman Bagh, M., Farhamand, M., Javadian, S. (2016). Investigating the relationship between cultural components and national belonging among the citizens of Yazd city, Master's thesis in sociology, Yazd University. (In Persian)
- Durkheim, E. (2013). Suicide, translator: Nasser Salarzadeh, Tehran: Allameh Tabatabai University.
- Farahmand, M., Saidi Madani, S., Sahandi Khalifa Kandi, M. (2014). A comparative study of social cohesion between Azeri and Kurdish ethnicities, the case study of the cities of Sanandaj and Tabriz, Iran's Social Issues Review, 6(1). (In Persian)
- Farhadi, A., Ahmadi, H., Sinai, S. (2022). The role of lers in strengthening the national identity in the Pahlavi era with an emphasis on the Persian language component, National Studies Winter 2022 - Number 88, page - from 91 to 110. (In Persian)
- Ghasemi, Ali Asghar, Khurshidi, Majid, Haidari, Hossein. (2012). Integration of national and ethnic identity in Iran and the approach of Iranian ethnic groups to national unity and the right to self-determination, Social Sciences Quarterly, 18(55) - Serial Number 55. (In Persian).
- Galaji, Hossein. (2008). Ethnic politics and ethnicity, Pegah Hozha Magazine, (312).
- Ghysari, N. (2016). Cultural diversity and national unity in Iran: theoretical and approach requirements, Strategic Research Center Research Institute, (8), 51-84.
- Hajiani, Ebrahim. (2009). The ratio of national identity to ethnic identity among Iranian ethnic groups, Iranian Journal of Sociology, 9th Volume, (3 and 4). (In Persian)
- Heydari, E., Azin, A., Chitsaz, M. (2017). Sociological investigation of social and cultural inhibiting factors affecting sustainable urban development in Ahvaz metropolis, doctoral dissertation in sociology, Islamic Azad University, Dehaghan branch. (In Persian).
- Inglehart, R. (2015). Cultural evolution in the advanced industrial society, translator, Maryam Veter, Tehran: Kavir Publications, third edition.
- Jahangiri, J., Moini, M. (2010). Investigating the relationship between social capital and national identity in the sample of Shiraz University students, Journal of Social Sciences, 7(2), 37-74. (In Persian)
- Jokar, Mohammad Sadegh. (2006). Examining national identity and the relationship between Islamic Iranian identity and nationality in Farkhnai Tarikh, Roznamek website. (In Persian).
- Karwani, Abdul Latif; Ghafarinasab, Esfandiar. (2018). National identity and ethnic identity in the living world of Baloch students, article, social issues of Iran fall and winter 2018, 10th year, (2), 2. (In Persian)
- kaotri, Huynh. (1986). Popular participation in development, In participation in Development: Paris: Unesco.

- Koenig, Nadja (2006). Construction of national identity and national attachment of Germans in the intercultural context, Eastern Michigan University.
- Mafarah, F., Ebrahimzadeh, H., Hashmizahi, N., Ashtari, A. (2013). Investigating the social factors affecting the belonging of Tehran citizens to the neighborhood of the studied community: residents over 18 years of age in the 22nd district of Tehran, Urban Management Quarterly, (37), Winter 2013. (In Persian)
- Maqsodi, M. (2001). Ethnic changes in Iran, Tehran: Institute of National Studies.
- Moaddel, Mansoor et al. (2008). Foreign occupation and national attachment : the case of Iraq , Population Studies Center Research Report 08-638 Vol 72 , (4), 677-705.
- Molina, L. E., Phillips, N. L., & Sidanius, J. (2015). National and Ethnic Identity in the Face of Discrimination: Ethnic Minority and Majority Perspective, Cultural Diversity and Ethnic Minority Psychology, 21(2), 225-236.
- Moradi, Alireza (2014). The cultural identity of Iranian peoples and its effect on the national identity and national cohesion of Iranians, Cultural Engineering, 9th year, summer 2014, (84). (In Persian)
- Naghdi, E., Ahmadi, O., Soltani Ezzat, M. (2012). Sociological investigation of the degree of ethnic convergence (Persian, Turkish, Lor) in Hamadan province. (In Persian)
- Phinney, J. S. (1990). Ethnic Identity in Adolescents and Adults: Review OF Research Psychological,. Bulletin 108(3) .
- Pollini, Gabriele (2000). Social Belonging Second Edition E.F.Borgatta R J.Montgomery Encyclopedia of Sociology.
- Poortes, A. (2000). Social capital: Promise and pitfalls of its role in development, Journal of Latin American studies, (32), 529-547.
- Porafkari, Nasraleh (2010). Challenges and opportunities of sustainable development in Shushtar, Social Sciences Quarterly, 4(11), Year 4, 55-102. (In Persian)
- Qayyim, Abdul Nabi (2001). A sociological look at the life and culture of the Arab people of Khuzestan, National Studies Quarterly, second year, number 7. (In Persian)
- Rose, R. (1999). getting Things Done in an Anti modern Society: social capital Networks in Russia. in Dasgupta & Serageldin. 71-147.
- Sadeghi Jafari, Javad, Yazdakhasi, Behjat, Ijtihadi, Mustafa. (2017). An analysis of people's sense of belonging to the changing society of Iran and the factors affecting it (case study: Tehran), Iranian Journal of Sociology, 19(1), 12. (In Persian)
- Salehi Amiri, S. (2008). National cohesion and cultural diversity, Tehran: Expediency Council, Strategic Research Center. (In Persian)
- Salehi Amiri, Seyyed Reza. (2006). Management of Ethnic Conflicts, Tehran: Center for Strategic Research of the Expediency Analysis Forum. (In Persian)

- Sharon, Joel (1979). Ten questions from the point of view of sociology, translated by Manouchehr Sabouri, Tehran: Ni publication.
- Sanina, A. (2012). Competing for a Citizen: “Visible” and “Invisible” Forms of State Identity in Russia”, Journal of Eurasian Studies, 3(2), 126-146.
- Savara, L. A. and others. (2001). Communication between cultures, translated by Gholamreza Kiyani and Seyedakbar Mirhosseini, Tehran: Baz Publications.
- Seyyed Hamdaleh, A. (2008). Tendency towards national and ethnic identity among Khuzestan Arabs, National Studies Quarterly, ninth year, (36), 127-99.
- Tavasli, G. (2001). Sociological theories, Tehran: Somit Publications. (In Persian)
- Turki, H.; Khosravi, M.A. and Gurbanpour Dashtaki, A. (2019). Delineation of the scenarios facing the opportunities and threats of Arab nationalism in relation to the national security of the Islamic Republic of Iran, Political Science Quarterly, 16(53), 159-183. (In Persian)
- Yazerlo, R., Sosraei, B. (2019). The relationship between national identity and ethnic identity and the investigation of the status of these two variables based on some variables among the students of Gonbedkavos theoretical high school, social sciences (Shoshtar Azad University) spring 2019 - number 48, page - from 36 to 50. (In Persian)
- Zarei, Ghaffar. (2018). The role of ethnic identity in national unity after the Islamic revolution; A multicultural approach, Islamic Revolution Approach Quarterly, 13(47). (In Persian).

ارزش معنوی کار و کسب درآمد در فرهنگ قرآن با رویکرد فقهی اخلاقی - تربیتی^۱

احسان خلیلی

سطح چهار (دکتری) فقه و اصول، حوزه علمیه قم، قم، ایران.

Ehkh14@gmail.com

id 0000-0002-2840-8417

چکیده

این مقاله با موضوع کسب و کار در فرهنگ قرآن به تبیین نگاه ویژه قرآن کریم به کسب درآمد پرداخت و ارزش معنوی کار را در فرهنگ قرآن روشن ساخت. هدف از نگارش این مقاله کمک به ترویج و تقویت فرهنگ کار به عنوان ارزشی اسلامی بود که در بند ۱ سیاست‌های کلی اشتغال، ابلاغیه امام خامنه‌ای آمده است. مهم‌ترین مسئله در این نوشتار اصلاح باور به جدایی میان کار و معنویت بود. برخی بر این باورند که کسب درآمد نوعی آلودگی به دنیا است که با معنویت تنافی دارد و برای کسب معنویت باید اوقات جداگانه‌ای قرار داد؛ در حالی که با تبیین فرهنگ قرآن دریافتیم که می‌توان به کسب درآمد نیز نگاهی معنوی داشت و از آن برای رشد معنویت در خود استفاده کرد. این نوشتار با روش تحقیق کیفی در شاخه توصیفی - تحلیلی مبتنی بر روش‌های منضبط استنباط فقهی با بهره‌گیری از قواعد فهم متن در فقه و اصول به سراغ آیات و روایات رفت تا ارزش معنوی کسب و کار را در فرهنگ قرآن تبیین کند؛ بنابراین ابتدا معنای واژگانی کار در فارسی و عربی روشن شد سپس با مراجعه به روایت‌های فقهی تعبیر اسلام برای کسب و کار به دست آمد. قرآن کریم برای اشاره به کسب و کار از تعبیر خاص «الابتغاء من فضل الله» استفاده کرده است که با دقت در ظرافت‌های به کار رفته در این تعریف نگاه معنوی و خاص قرآن به کسب درآمد به دست آمد و ارزش معنوی کار در فرهنگ قرآن روشن شد.

کلیدواژه‌ها: کار، کسب و کار، کسب درآمد، معنویت، رشد معنویت، معنویت در کسب و کار، فرهنگ قرآن.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵X-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

CC BY 4.0



doi 10.22034/SCS.2023.398924.1448

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز:

CC BY-NC-ND (http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/) است.

مقدمه و بیان مسئله

افراد شاغل انگیزه‌های مختلف و متفاوتی از شغل خود دارند. بیشتر مردم به دنبال درآمدزایی و ثروت هستند و نگاهی مادی به کسب و کار دارند؛ اما نگاهی که شاید بسیاری از مردم و مسلمانان از آن غافل باشند، نگاه معنوی و عبادی به کار است؛ یعنی هنگام مشغولیت به کار و شغل، به آن به عنوان یک فعل عبادی نگاه کنند که مایه رشد معنوی انسان خواهد شد.

این نوع نگاه فراتر از رعایت دستورها و احکام شرعی در کسب و کار است. بسیاری از کاسبان در ادوار گذشته و معاصر اهتمام جدی بر رعایت احکام شرعی در کسب و کارشان داشتند؛ ولی شاید نگاه معنوی به کارشان نداشتند یا به این نکته توجه نمی‌کردند که می‌توان با نگاه معنوی به کسب و کار از آن برای ارتقای معنویت در خود بهره برد؛ البته کاسبانی هم بودند که با توجه به توصیه‌های معصومین (علیهم السلام) مانند روایت «لکاد علی عیاله» در این مسیر گام برداشتند و بهره‌های فراوان معنوی از شغل خود بردند. این نوشتار قصد دارد مبانی علمی این نگاه را تبیین کند.

بسیاری از شاغلان مسلمان از چنین نگاهی غافلند. برخی با تمایل‌های معنوی به کسب و کار اهمیت چندانی نمی‌دهند و خود را مشغول عبادت کرده‌اند و خود و خانواده خویش را در تنگنای معیشتی قرار داده‌اند و در تأمین معاش خود سربار دیگری شده‌اند. بسیاری دیگر نیز برای تأمین هزینه‌های زندگی به دنبال تجارت و کسب و کار رفتند و برای کسب معنویت اوقات جداگانه‌ای در نظر گرفتند. دسته سومی نیز هستند که هیچ دغدغه‌ای نسبت به نیازهای معنوی روح ندارند و حتی تکالیف دینی و حداقلی را نیز کنار گذاشتند و با غفلت از یاد خدا به مادیات دنیا مشغول شدند. هر سه دسته افراد اگر بدانند که تجارت و کسب درآمد نه تنها منافاتی با کسب معنویت ندارد بلکه خودش می‌تواند سبب جهش انسان به سمت معنویت و کمالات لایق انسانی قرار بگیرد، مشتاقانه به سمت کسب و کار می‌روند و به سبب اشتغال خود به معنویت می‌رسند.

با اصلاح نگاه به کسب و کار و نهادینه‌سازی فرهنگ قرآن کریم درباره تجارت در باطن خویش، می‌توان گام بلندی در معنویت همراه با کار و کسب درآمد برداشت. با تحقق این مهم به قدری تجارت و کسب و کار برای انسان شیرین و دلنشین خواهد شد که هیچگاه آن را رها نکرده و از آن نردبانی برای پیمودن راه معنویت و رسیدن

به کمال خواهد ساخت.

چنین نگاهی به کسب و کار و تجارت سبب چشیدن شیرینی کسب درآمد برای افرادی است که دنبال کسب معنویت هستند - چه کسب و کار را رها کرده باشند و چه مشغول به کاری باشند و برای کسب معنویت اوقات جداگانه‌ای اختصاص داده باشند - در هر صورت با تجارت و کسب درآمد غذای معنویشان نیز تأمین می‌شود؛ زیرا با این نگاه کسب درآمد از جهت معنوی با نماز و سایر عبادت‌ها برایشان تفاوتی ندارد و مایه رشد معنوی ایشان می‌شود؛ همچنین افرادی هم که دغدغه‌ای برای کسب معنویت ندارند، اگر چنین نگاهی را به کسب و کار در خود پرورش دهند، نیازهای معنویشان برآورده شده و احساس آرامش بیشتری از زندگی و تجارت خود دارند و زمینه گرایش به انجام تکالیف دینی و معنوی نیز در ایشان پیدا می‌شود و گسترش می‌یابد.

بر اساس فرهنگ قرآن، اشتغال به کار و کسب درآمد ارزشی اسلامی و معنوی دارد که در سیاست‌های کلی اشتغال ابلاغیه مقام معظم رهبری در تیر ماه ۱۳۹۰ شمسی (خامنه‌ای، ۱۳۹۰) این معنا در بند اولش اشاره شده است. با تبیین مبنای قرآنی آن و ترویج این نگاه در شاغلان محترم در اصناف مختلف شغلی می‌توان گام مهمی در جهت تحقق این بخش از منویات امام خامنه‌ای در سیاست‌های کلی اشتغال برداشت.

این نوشتار سعی دارد با بررسی نگاه قرآن کریم به تجارت و کسب و کار و ارائه آن به جامعه اسلامی گامی هرچند کوچک برای تحقق ترویج فرهنگ کار در سیاست‌های کلی اشتغال بردارد. وقتی این باور خطا اصلاح شود که می‌توان از دل تجارت و کسب و کار به معنویت رسید، بسیاری از مشکلات ناشی از کمبود معنویت نیروی کار و نبود دلسوزی در کار از بین خواهد رفت و جایش را آرامش و اطمینان و رشد تولید و پویایی کسب و کار خواهد گرفت.

این نگاشته از طرفی با علوم قرآن و فهم آیات قرآنی مرتبط است. از این زاویه باید اصول منضبط فهم متن که در علم «اصول فقه» باب الفاظ آمده است (مظفر، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص. ۹۳؛ صدر، ۱۴۲۳ق، ص. ۱۷۹) در استخراج مفاهیم از متون قرآنی به کار گرفته شود و در برداشت‌های از کلمات با معانی واژه‌ها مرتبط است که بر پایه فرهنگ لغت‌ها استوار است (انوری، ۱۳۸۲؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق؛ معین، ۱۳۸۶). از طرف دیگر نیز با علوم مربوط به تجارت و صنعت ارتباط دارد (صدر، ۱۳۷۵؛ منکیو، ۱۴۰۱؛ بهشتی، ۱۳۹۷). البته این نوشتار نوعی ابداع و نوآوری در

کسب و کار و تجارت به شمار می‌رود که می‌تواند تحولی عمیق در میان کارکنان صنایع و حوزه‌های شغلی مختلف به وجود آورد و بسیاری از معضله‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه اسلامی را برطرف سازد؛ زیرا با القای این نگاه در بین کارکنان می‌توان به بالندگی کارها و افزایش کیفیت آنها کمک کرد و به دنبال آنها از فواید رواج کار و شغل در جامعه بهره برد که با این رویکرد جدید به شغل و کسب درآمد اشتغال‌های آحاد جامعه مایه رشد معنویت و آرامش زندگی خواهد شد.

۱. اهداف و پرسش‌های پژوهش

هدف از این نوشتار تبیین فرهنگ کار به عنوان ارزشی اسلامی و معنوی و اصلاح نگاه به کار و اشتغال است که با تحقق آن معنویت در زندگی و کسب و کار اشخاص رواج یابد و ریشه بسیاری از انحراف‌های اخلاقی و اجتماعی از بین برود؛ همچنین هدف دیگر نیز برداشتن گامی هرچند اندک در راستای تحقق سیاست‌های کلی اشتغال، ابلاغیه امام خامنه‌ای است.

پرسش اصلی: ارزش معنوی کار و کسب درآمد در فرهنگ قرآن چیست؟

۲. پیشینه پژوهش

مسئله این نوشتار از نظر تاریخی حتی در سال‌های آغازین ظهور اسلام وجود داشته است و در حکایت‌هایی که از معصومین (علیهم‌السلام) رسیده، این مسئله در میان مسلمین پدیدار بوده است (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، صص. ۲۱۷ و ۲۲۰) و به دنبال آن در کتب روایی و فقهی نیز رگه‌هایی از آن به چشم می‌خورد که مجال ذکر همه آنها در این مقاله مختصر وجود ندارد. برخی از مهم‌ترین موارد اشاره می‌شود.

در کتب فقهی بابی با عنوان «کتاب التجاره» وجود دارد که معمولاً در ابتدای آن از استحباب تجارت و کسب درآمد سخن گفته می‌شود و دیدگاه تنافر بین کسب درآمد و معنویت طرد می‌شود و به روایات مرتبط با این موضوع استناد می‌شود. از جمله علامه حلی در کتابش بابی مستقل به استحباب تجارت و آداب آن اختصاص می‌دهد (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵، ص. ۲۷۳).

علامه طباطبایی پا را از استحباب فراتر گذاشتند و به وجوب کسب و کار می‌پردازند و سپس درباره مذمت بیکاری روایت‌هایی می‌آورند (طباطبایی، ۱۳۸۷، صص. ۲۴۵-۲۴۷). شهید مطهری در این موضوع مباحث کامل‌تری دارند و به جوانب بیشتری می‌پردازند (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۲۲، صص. ۴۲۲-۴۳۱).

در بخشی از کتاب شهید مطهری چنین آمده است: «در باب کار در چهار مرحله باید بحث کرد:

۱- تقدس کار از نظر اسلام (برعکس آنچه فرض می‌شود که تقدس در توفیق بیکاری است).

۲- زیان‌های بیکاری و بدتر از آن بیکارگی و اخطار به پدر و مادرانی که فرزندان خود را بیکار یا بیکاره بار می‌آورند.

۳- کلیات در باب کار از قبیل لزوم استعدادیابی در انتخاب کار و لزوم فنی بودن کار و لزوم نبوغ در هنر و لزوم پرهیز از کثرت مشاغل که فرصت فکر و فراغت را می‌گیرد.

۴- آثار و فواید کار» (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۲۲، ص. ۴۲۷).

همچنین ایشان در کتاب تعلیم و تربیت در اسلام کار و کسب درآمد را یکی از عوامل تربیت برشمرده و به مسئله این نوشتار نیز اشاره می‌کنند.^۱

در میان مقالات علمی چندان به این نکته مهم پرداخته نشده است. یکی از مقاله‌هایی که تا حدودی می‌توان آن را مرتبط دانست مقاله «بررسی تطبیقی ارزش و جایگاه کار در اسلام و یهود» است (پرچم و بوجاری، ۱۳۹۱).

در آثار فقهی به فرهنگ خاص قرآن کریم پیرامون کسب و کار پرداخته نشده است و به ذکر استحباب و آداب آن بسنده شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، فرهنگ قرآن کریم کار را متصل به فضل خدا می‌داند و با تعبیر کنایی همچون «فابتغوا من فضل الله» به آن اشاره دارد که به‌طور تفصیلی به تبیین آن پرداخته می‌شود. در آثار علامه طباطبایی و شهید مطهری هرچند جرقه‌های اولیه این بحث شکل گرفته است؛ ولی پرداختن به نگاه ویژه قرآن کریم در خصوص کسب و کار به چشم نمی‌خورد. در مقاله نام برده شده نیز نگاه ویژه قرآن کریم تبیین نشده و بیشتر به تطبیق میان نظر اسلام و یهود درباره کار با تحلیل منابع اصلی دو دین می‌پردازد. در مقاله پیش‌رو با بهره‌گیری از آیات قرآن و تعبیر ویژه «الابتغاء من فضل الله» فرهنگ قرآن کریم درباره معنویت در کسب و کار تبیین خواهد شد.

۱. هرکسی که کاری دارد می‌گوییم این بیچاره محتاج است و مجبور است که کار کند؛ فی حد ذاته آن چیزی که آن را توفیق و مقدس می‌شمارند بیکاری است که خوشا به حال کسانی که نیاز ندارند کاری داشته باشند، حال کسی که بیچاره است دیگر چه کارش می‌شود کرد؟! در صورتی که اصلاً مسئله نیاز و بی‌نیازی مطرح نیست (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۲۲، ص. ۹۵۱).

۳. ملاحظه‌های نظری

۳-۱. تعریف مفاهیم

۳-۱-۱. معنوی

این واژه در فارسی منسوب به معنی و به معنای باطنی و حقیقی و درمقابل آن واژه مادی و ظاهری به کار می‌رود. کسی که در عالم معنی و باطن سیر کند دارای مقام‌های معنوی است (معین، ۱۳۸۶، صص. ۱۷۷۶-۱۷۷۷). همچنین به امور غیرمادی که جنبه‌های فکری، فرهنگی، اخلاقی و عاطفی دارد، معنویات گفته می‌شود (انوری، ۱۳۸۲، ص. ۷۱۸۲). این واژه هم‌خانواده «معنی» است که به معنای معنی؛ مفهوم؛ ایده و فکر؛ محتوا؛ مقصود و... به کار می‌رود (آذرنوش، ۱۳۸۶، ص. ۴۶۵).

مراد از این واژه در اصطلاح عرفی روشن است؛ ولی تعریف دقیق و علمی آن با پیچیدگی‌هایی همراه است. در بین تفاسیر و تعریف‌های مختلف برای معنویت، تعریف شرتونی جامع‌ترین آنها و نزدیکترین تعریف به مقصود این نوشتار به‌شمار می‌رود: «المعنوی: نسبة الی المعنی و ما لا یكون للسان فیہ حظّ و إنما هو معنی یعرف بالقلب» (شرتونی، ۱۳۷۴، ص. ۶۶۶). بر اساس این تعریف معنویت به آن حظ و بهره‌ای گفته می‌شود که قابل بیان نیست و تنها با قلب درک می‌شود. همچنین تعریف دیگری که به بخشی از حقیقت این اصطلاح اشاره کرده، این تعریف است: «ما یتصل بالذهن و التّفکیر کفکرة الحقّ والواجب، ولا یكون للسان فیہ حظّ» (عمر، ۱۴۲۹ق، ص. ۱۵۶۷). این تعریف گرچه مشابه تعریف قبل است؛ اما به دریافت قلبی اشاره نکرده و آن را محدود به ذهن و فکر کرده است.

۳-۱-۲. فرهنگ قرآن

این کلیدواژه مرکب از دو واژه «فرهنگ» و «قرآن» است. مراد از «قرآن» روشن است و مصداقش کتاب آسمانی اسلام «قرآن کریم» است. واژه‌ای که نیازمند موشکافی است، واژه «فرهنگ» است. با روشن شدن معنای این واژه، مفهوم این ترکیب نیز روشن می‌شود.

انوری در معنای واژگانی «فرهنگ» چنین آورده است: «پدیده کلی پیچیده‌ای از آداب، رسوم، اندیشه، هنر و شیوه زندگی که در طی تجربه تاریخی اقوام شکل می‌گیرد و قابل انتقال به نسل‌های بعدی است» (انوری، ۱۳۸۲، ص. ۵۳۴۶).

معنای اصطلاحی این واژه در اصطلاح تعاریف مختلفی دارد که پرداختن به همه آنها و نقاط ضعف و قوتشان از مجال این نوشتار خارج است؛ اما به اختصار می‌توان گفت که بر اساس یافته‌ها اصطلاح «فرهنگ» ابتدا در علوم اجتماعی و مردم‌شناسی کاربرد داشته و به تدریج در سایر علوم اجتماعی و ادبیات رواج پیدا کرده است. جامع‌ترین تعریف فرهنگ در این فضای دانشی، این تعریف است: «فرهنگ، کیفیت یا شیوه بایسته و شایسته برای آن دسته از فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان‌هاست که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعید شده آنان در حیات معقول تکامل باشد» (ندایی، ۱۳۷۸).

واژه «فرهنگ» به تناسب مضاف الیه خود مفهوم خاصی پیدا می‌کند. در اینجا واژه «فرهنگ» به «قرآن» اضافه شده و معنای خاصی از آن اراده می‌شود. اگر فرهنگ را مجموعه‌ای چند لایه بدانیم که مطابق با شئون نفس انسان از چهار لایه جهان‌بینی، بینش، گرایش و رفتار تشکیل شده است، ترکیب اضافی «فرهنگ قرآن» به این معنا می‌شود که مجموعه‌ای از اصول رفتاری شایسته، گرایش‌های نیک، بینش‌ها و اعتقادهای صحیح و جهان‌بینی کاملی که قرآن ارائه می‌دهد، «فرهنگ قرآن» نام دارد که درواقع همان اعتقادات، اخلاق و احکام اسلامی در قرآن، «فرهنگ قرآن» را شکل می‌دهد (رضازاده جویباری و نجارزادگان، ۱۳۹۷)؛ همچنین می‌توان برای تبیین بهتر از معنای «فرهنگ قرآن» معنای انوری را بر آن افزود تا به تعریف بهتری دست یافت. در این صورت تعریف فرهنگ قرآن با این ترکیب معنایی چنین می‌شود:

«مجموعه‌ای از اندیشه، آداب و رسوم و شیوه زندگی که قرآن کریم در سه لایه باورها، گرایش‌های و رفتارهای درست ارائه می‌دهد».

۳-۱-۳. کار

واژه «کار» در زبان فارسی بسیار استفاده می‌شود. علاوه بر کاربردهای فراوان این واژه در گفتگوهای روزمره، در نوشته‌های علمی و ادبی نیز از این واژه بسیار استفاده می‌شود. اگر مشتق‌ها و ترکیب‌های که از این واژه ساخته می‌شود به آن افزوده شود، کاربردهای این واژه در زبان فارسی فراتر از حد تصور خواهد بود؛ به گونه‌ای که در برخی فرهنگ لغت‌های فارسی برای مفرد آن، بالغ بر بیست معنا شمرده‌اند و مشتق‌های آن و ترکیب‌هایی که با آن ساخته می‌شود، شاید بیش از ۱۵۰ کاربرد

باشد.^۱

در میان معانی مفرد این واژه، چند معنا رواج بیشتری دارد و با این بحث مرتبط است. معانی مرتبط با بحث حاضر، در چهار معنای کلی قرار می‌گیرد.

اول: مطلق فعل

در فرهنگ لغت فارسی چنین آمده است: «هرچه از انسان یا سایر موجودات سر بزند» (انوری، ۱۳۸۲، ص. ۵۶۴۱؛ معین، ۱۳۸۶، ص. ۱۲۹۱). این معنا گستره وسیعی دارد و مصادیق فراوانی را شامل می‌شود.

این معنا در بدو نظر شامل تمامی افعال صادره از انسان می‌شود. گستره این معنا به گونه‌ای است که حتی شامل افعال غیرعقلایی و بی‌فایده نیز می‌شود؛ همچنین افعال غیراختیاری انسان را نیز دربرمی‌گیرد (تپش قلب)؛ چراکه هر دو نوع فعل از انسان سر می‌زند و مشمول معنای اول می‌شود؛ درحالی‌که به نظر می‌رسد این دو نوع فعل، از گستره مفهومی معنای اول خارج است و اهل زبان فارسی واژه «کار» را به این معنا به کار نمی‌برند؛ مگر با تسامح و مجاز باشد. از این رو به نظر می‌رسد در ارتکاز اهل زبان فارسی، دو قید برای معنای اول این واژه نهفته است.

قید اول «فایده‌مندی» است. افعالی که غرض عقلایی برای انجام آن وجود ندارد و بیهوده به‌شمار می‌رود، واژه کار بر آن اطلاق نمی‌شود؛ برای مثال شخص تنبلی که در گوشه‌ای نشسته است و با انگشتان خود بازی می‌کند؛ به بازی او با انگشتانش «کار» گفته نمی‌شود؛ مثال دیگر در جایی که شخص بگوید: «به قدری سروصدا زیاد است که هیچ کاری نمی‌توانم انجام دهم».^۲ بدون تردید مراد از کار در این مثال، کار مفید و دارای غرض عقلایی است؛ وگرنه همین شخص در آن لحظه می‌تواند افعال غیرمفید انجام دهد.

قید دوم «اختیاری» بودن کار است. افعالی که به‌صورت غیراختیاری از انسان صادر می‌شود، واژه «کار» به آن گفته نمی‌شود؛ مانند: پلک زدن، تنفس و مانند آن.

۱. کاربردهای متعدد این واژه در کلمات مرکب و اصطلاحات آن بسیار است؛ ازجمله: کارساز، کاربرد، کارآفرین، کارگزار، کارآموده، کارگاه، کارگاه، به کار آمدن، به کار بردن، به کار گرفتن، کار از دست کسی آمدن، کار به کار کسی داشتن، کار از کار گذاشتن، کار از پیش رفتن/ بردن، کار دست کسی دادن، کار به جای باریک رسیدن، کار کسی بالا گرفتن، کار کسی ساخته بودن، روی کار آمدن، در پی کار کسی بودن، سر کار آمدن، سر کار گذاشتن و غیره (انوری، ۱۳۸۲، صص. ۵۶۴۱-۵۶۶۰).

۲. مشابه این مثال به‌عنوان شاهد برای همین معنای اول در فرهنگ لغت انوری به کار رفته است (انوری، ۱۳۸۲، ص. ۵۶۴۱).

به کسی که در حال پلک زدن و تنفس باشد، به این فعل او «کار» گفته نمی‌شود؛ (نمی‌گویند در حال انجام کاری است).

دوم: سرگرمی و مشغولیت‌های روزانه (انوری، ۱۳۸۲، ص. ۵۶۴۱؛ معین، ۱۳۸۶، ص. ۱۲۹۱).

این معنا در جایی به کار می‌رود که فعل به صورت مستمر تکرار می‌شود؛ مانند آنکه شخص چنین بگوید: «کار من شده است، رسیدگی به باغچه و گل‌های خانه» یا آنکه بگوید: «من کاری جز نگاه به آسمان ندارم»؛ این معنا با انجام یک مرتبه فعل محقق نمی‌شود و نیاز به نوعی تکرار و استمرار دارد.

این معنا نیز گستره وسیعی دارد، ولی در مقایسه با معنای اول اخص از آن است و تحت گستره مصداقی معنای اول قرار می‌گیرد. تفاوت میان این معنا با معنای اول، نکته «استمرار و تکرار» نهفته در این معنا است.

سوم: حرفه، صنعت و هنر (انوری، ۱۳۸۲، ص. ۵۶۴۱؛ معین، ۱۳۸۶، ص. ۱۲۹۱). این معنا شامل افعالی می‌شود که برای شخص ملکه شده است؛ بدون در نظر گرفتن جنبه درآمدزایی یا عدم آن؛ مانند نقاشی، خطاطی و نجاری؛ برای مثال: «فلانی کارهای مختلفی مانند نقاشی و خطاطی می‌داند و آموزش می‌دهد».

چهارم: اشتغال درآمدزا (انوری، ۱۳۸۲، ص. ۵۶۴۱؛ معین، ۱۳۸۶، ص. ۱۲۹۱). معمولاً متبادر از این کلمه همین معنای چهارم است؛ برای مثال: «فلانی سر کار می‌رود» یعنی شغلی برای کسب درآمد دارد؛ یا «فلانی بیکار است» یعنی شغل و منبع درآمدی ندارد. بدون در نظر گرفتن آنکه شغل، ملکه شخص هم شده باشد یا خیر. برخی از شغل‌ها نیاز به ملکه شدن ندارد؛ گرچه پس از مدتی ممارست در هر کاری قهرراً ملکه آن کار حاصل می‌شود؛ ولی برخی از اشتغال‌ها به شرط داشتن ملکه شغل موردنظر، می‌تواند مشغول به آن شود و بدون حصول ملکه و مهارت لازم امکان ورود به آن شغل نیست؛ مانند: نجاری و خیاطی.

در نتیجه نسبت میان معنای سوم و چهارم، عموم و خصوص من‌وجه است؛ در معنای سوم ملکه شدن فعل ملاک است، اعم از آنکه درآمدی از جانب آن نصیبش بشود یا خیر؛ در معنای چهارم درآمدزا بودن فعل ملاک است، اعم از آنکه ملکه باشد یا خیر؛ لذا نقطه اشتراک دو معنا در فعل ملکه درآمدزا است و نقطه افتراق آنها نیز در فقدان یکی از دو ویژگی و دارا بودن ویژگی دیگر است.

جمع‌بندی معنای «کار» در فارسی: درمجموع چهار معنای کلی برای واژه «کار»

بررسی شد؛ گرچه معانی و کاربردهای دیگری نیز در کتب لغت برای این واژه آمده است؛ ولی آنچه کاربرد بیشتری دارد و با این نوشتار مرتبط است، در همین چهار معنا قرار می‌گیرد.

میان معنای اول تا سوم مراتب و درجات اشتدادی وجود دارد. مرتبه اول از معنای کار صرف «صدور فعل واحد» است که در معنای اول وجود دارد؛ مرتبه دوم «استمرار بر فعل» است که در مرتبه‌ای بالاتر از صدور فعل واحد قرار می‌گیرد و مرتبه سوم نیز تحقق «ملکه فعل» موردنظر در نهاد شخص است که بالاترین مرتبه یک فعل است و بالاتر از استمرار و فعل واحد قرار می‌گیرد. معنای چهارم به جنبه درآمدزایی در این واژه اشاره دارد که در سه معنای قبل نمی‌گنجد و با آنها نسبت عموم و خصوص من وجه دارد.

به نظر می‌رسد تبادر اولیه در استعمال این واژه بدون قرینه، همین معنای چهارم باشد که استعمالات متداول عرفی نیز مؤید آن است، گرچه سایر معانی نیز دور از ذهن نیست. به هر حال آنچه در این نوشتار مقصود است، همین معنای چهارم است.

معادل واژه کار درآمدزا در عربی و فرهنگ اسلامی: بر اساس پژوهش‌های انجام شده در زبان عربی قدیم، کلیدواژه مشخصی برای معنای شغل و کار درآمدزا وجود ندارد. گاهی با همراه‌سازی قرینه‌هایی واژه «عمل» برای این معنا به کار رفته است؛ برای مثال در فقه برای کسی که کار و مسئولیت انجام مزارعه یا مساقات را بر عهده می‌گیرد، «عامل» گفته می‌شود (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص. ۱۲۴) و در روایات نیز به کار او «عمل» گفته شده است.^۱

در عربی معاصر به تناسب هر شغلی، واژه متناسب با آن به کار می‌رود؛ مثلاً برای کارهای اداری و استخدام رسمی دولتی «المستخدم» (مجمع اللغة العربية، ۱۴۲۵ق، ص. ۲۲۲)، برای خرید و فروش و تجارت «التجارة» (مجمع اللغة العربية، ۱۴۲۵ق، ص. ۸۲)، برای شغل‌های صنعتی و مانند آن «العمل» (مجمع اللغة العربية، ۱۴۲۵ق، ص.

۱. «عَنْ سَيَّابَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: سَأَلَهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَسْمَعُ قَوْمًا يَقُولُونَ إِنَّ الزَّرَاعَةَ مَكْرُوهَةٌ فَقَالَ لَهُ ارْزَعُوا وَاغْرِسُوا فَلَا وَاللَّهِ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَلَّ وَ لَا أَطْيَبَ مِنْهُ وَاللَّهِ لَيَرْزَعَنَّ الزَّرْعَ وَ لَيَغْرِسَنَّ النَّخْلَ بَعْدَ خُرُوجِ الدَّجَالِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص. ۲۶۰)؛

«عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ مُزَارَعَةِ الْمُسْلِمِ الْمُشْرِكَ فَيَكُونُ مِنَ عِنْدِ الْمُسْلِمِ الْبَذَرُ وَ الْبَقَرُ وَ تَكُونُ الْأَرْضُ وَ الْمَاءُ وَ الْخَرَاجُ وَ الْعَمَلُ عَلَى الْعِلْجِ قَالَ لَا بَأْسَ بِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص. ۲۶۸).

۶۲۸) و برای کسی که کارهای آزاد و غیرصنعتی را تجربه کرده است «الشَّعَال» (مجمع اللغة العربية، ۱۴۲۵، ص. ۴۸۶) به معنی کسی که شغل‌های بسیار دارد، به کار می‌رود. همچنین واژه «المهنة» از ریشه «م.ه.ن» برای کارهایی که نیاز به مهارت و استمرار دارد، به کار می‌رود (مجمع اللغة العربية، ۱۴۲۵، ف، ص. ۸۹۰)؛ به نظر می‌رسد در عربی معاصر این واژه از سایر واژه‌های عربی برای این معنا بیشتر به کار رفته است.

۳-۲. مبانی نظری

در فرهنگ قرآن کریم از اصطلاح‌های رایج مردم برای اشاره به کسب و کار خبری نیست. در این فرهنگ نگاه به تجارت و کسب و کار فراتر از نگاهی مادی با هدف جمع‌آوری ثروت و مال است. قرآن کریم با برجسته کردن جنبه عبادی کار و کسب درآمد، آن را از یک مشغولیت دنیایی صرف خارج کرده و در دایره عبادت‌ها آورده است و حتی ثوابش را در برخی روایات با ثواب جهاد فی سبیل الله^۱ سنجیده است. قرآن کریم در این زمینه تعبیر خاص خود را دارد و از کار و تجارت با تعبیر کنایی «الابتغاء من فضل الله» (قرآن، ۱۳۹۸، ص. ۶۲: ۱۰) یاد می‌کند.^۲ این تعبیر کار و تجارت را طلب همراه با کوشش و جهاد می‌داند که شاغل با تلاشش از خزانه فضل خدا طلب می‌کند. در بخش یافته‌های پژوهش نحوه دلالت این تعبیر و آیات حاوی آن تبیین می‌شود.

۴. روش پژوهش

این نوشتار در سال ۱۴۰۲ با روش تحقیق کیفی در قسم توصیفی - تحلیلی بر محور معانی واژگانی «کار» و آیات قرآن کریم درباره کسب و کار انجام شده است. این نگاشته منطبق با ضوابط استنباط فقهی به بررسی مسئله و تحلیل داده‌ها می‌پردازد. در این روش از قواعد خاص ظهورگیری از الفاظ آیات و روایات بهره گرفته شده است و با کمک تحلیل‌های لغوی و تفاسیر قرآن کریم به نگاه حکمت‌آمیز قرآن به

۱. «عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص. ۸۸).

۲. تعبیر دیگری که در قرآن آمده «البيع» و برخی مشتقاتش است (قرآن، ۱۳۹۸، ج ۲، ص. ۲۷۵). این تعبیر به معنای فروختن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص. ۱۵۵؛ بستانی، ۱۳۷۵، ص. ۱۹۹) و کنایه از خرید و فروش است. خرید و فروش شامل همه موارد کار و کسب درآمد نمی‌شود و بخشی از آن را پوشش می‌دهد؛ به همین دلیل نمی‌تواند اهداف این نوشتار را به سرانجام برساند.

کسب‌وکار دست یافتیم.

برای دستیابی به ارزش معنوی کسب‌وکار ابتدا انواع کاربردهای واژه «کار» در فارسی و عربی بررسی شد تا در بررسی آیات قرآن کریم کاربرد این واژه و معادل‌هایش در قرآن روشن باشد. پس از بررسی کتب فرهنگ لغت فارسی کاربردهای فراوان این واژه و ترکیباتش با دسته‌بندی آنها معنای کار در فارسی روشن شد. برای دسته‌بندی نیازمند روشی منضبط و ملاکی مشخص بودیم. با توجه به ملاک‌های مختلفی که می‌توان برای دسته‌بندی معانی انبوه ارائه کرد، بهترین ملاک برای دسته‌بندی این بود که در جهت روشن شدن معنای کسب‌وکار باشد؛ به همین دلیل ملاک دسته‌بندی در معانی انبوه واژه «کار» انجام فعل مطلق تا انجام فعل با هدف کسب درآمد قرار گرفت و معنای آن در فارسی روشن شد.

در گام بعدی باید معادل این واژه در عربی پیدا می‌شد تا بر اساس آن آیات قرآن کریم استخراج شود. در بررسی‌های اولیه معادل‌هایی برای این واژه در عربی پیدا شد، از قبیل: التجاره، الشغال، العمل، المهنة (مجمع اللغة العربية، ۱۴۲۵ق) که هر کدام اشاره به شغل‌های خاصی داشتند؛ ولی برای یافتن آیات مرتبط با کسب‌وکار سودی نداشت. پس از آنکه با این روش آیات مربوط به کسب‌وکار استخراج نشد به برخی استعمالات کسب‌وکار در فقه و روایات مرتبط با آن مراجعه شد تا سرنخی برای پیگیری این آیات در قرآن به دست آید.

پس از بررسی برخی روایت‌های مرتبط با کسب‌وکار سه کلیدواژه مهم به دست آمد که نشان‌دهنده نگاه خاص اسلام به کسب‌وکار بود. این کلیدواژه‌ها عبارت‌اند از: «الکاذب علی عیاله»، «طلب الرزق»، «الابتغاء من فضل الله» که مطابق بررسی‌ها در آیه‌ها و روایت‌ها، معمولاً با این سه تعبیر کنایی و حکمت‌آمیز از کسب‌وکار یاد می‌شود.

پس از جستجوی این کلیدواژه‌ها در قرآن کریم مشخص شد که تعبیر «الابتغاء من فضل الله» بیشترین کاربرد را در ارتباط با معنای کسب‌وکار در قرآن کریم دارد. سپس با تحلیل معنای لغوی واژه «ابتغاء» در فصل دوم و همچنین از جانب فضل خدا بودن کسب‌وکار، نگاه خاص و حکمت‌آمیز قرآن کریم به کسب‌وکار و ارزش معنوی آن در فرهنگ قرآن روشن می‌شود.

۵. یافته‌های پژوهش

پس از تکمیل مقدمات و دستیابی به اصطلاح خاص قرآن برای اشاره به کسب‌وکار، نوبت به ارائه یافته‌های پژوهش برای پاسخ به پرسش اصلی نوشتار می‌رسد.

در فرهنگ قرآن کریم کار و تلاش، تنها جنبه مادی برای تولید ثروت ندارد بلکه از نگاه قرآن کریم کار و تلاش و کسب روزی حلال، زمینه‌ای برای جلب رزق الهی است. در برخی از آیات شریف قرآن تعبیر «الْإِبْتِغَاءُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» کنایه از کار و کسب درآمد آمده است. با قرائنی که همراه این تعبیر در آیات آمده است، مراد از این تعبیر در معنای کسب و کار روشن می‌شود. در ادامه به این آیات اشاره می‌شود. آیه اول: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (قرآن، ۱۳۹۸، ص. ۶۲: ۱۰).

در این آیه شریفه به انتشار در زمین و طلب از فضل الهی دستور می‌دهد. آیه پیش از این آیه در سوره مبارکه جمعه، مؤمنین را به نماز جمعه، هنگام برپایی آن فرامی‌خواند و دستور به رهاکردن خرید و فروش (کسب و کار) می‌دهد: «ذُرُوا الْبَيْعَ» (قرآن، ۱۳۹۸، ص. ۶۲: ۹) به قرینه مقابله معنای این آیه شریفه روشن می‌شود؛ با این بیان که در آیه پیشین به رهاکردن کسب و کار هنگام برپایی نماز دستور می‌دهد، سپس در این آیه به بازگشت به همان کسب و کار پس از پایان نماز دستور می‌دهد؛ اما با تعبیر حکیمانه و کنایه‌آمیز «ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» که به جنبه معنوی کسب درآمد اشاره دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص. ۲۷۴).

آیه دوم: «عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضًى وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». (قرآن، ۱۳۹۸، ص. ۷۳: ۲۰).

آیه شریفه سه دسته افراد را مطرح می‌کند: دسته اول و سوم بیماران و جهادگران هستند که مصداق آنها روشن است؛ دسته دوم افرادی هستند که تعبیر مسافرت در زمین^۱ برای طلب از فضل الهی برایشان آمده است. بدون شک مراد از این تعبیر افراد بی‌خاصیت ترسو نیست که در جنگ حاضر نشدند؛ بلکه مراد از آن افرادی است که فایده‌ای در زمان جنگ به جامعه می‌رسانند؛ همان افرادی که به کسب و کار مشغول می‌شوند تا هزینه‌های خود، خانواده و اطرافیان را فراهم کنند. تعبیر مسافرت در زمین نیز قرینه روشنی برای استفاده معنای تجارت از این آیه شریفه است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰، ص. ۷۶). یکی از لوازم تجارت به‌ویژه در آن عصر، مسافرت در شهرهای مختلف بوده است.

آیه سوم: «وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَبْلًا ثَلَسُونَهَا وَ

۱. «يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ».

تَرَى الْفُلْكَ مَوَاحِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (قرآن، ۱۳۹۸، ص. ۱۶: ۱۴).
بر اساس آیه شریفه رام کردن دریا برای انسان، برای اهدافی بوده است، از جمله طلب فضل الهی از طریق دریا. این هدف وقتی در سیاق سایر اهداف قرار می‌گیرد، مراد از آن روشن می‌شود. سایر اهداف به اموری دنیوی اشاره دارد؛ خوردن گوشت‌های دریا و جمع‌آوری زیورآلات از آن اموری است که در زندگی مادی انسان قرار دارد. در این سیاق وقتی هدف طلب از فضل الهی را برای دریا نام می‌برد، نشان می‌دهد که به یکی از امور زندگی روزمره انسان‌ها اشاره دارد که همان کسب درآمد و روزی حلال از طریق دریا است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص. ۲۱۶)؛ اما این تعبیر نیز مانند آیات قبل یک تعبیر حکیمانه است، برای اشاره به جنبه معنوی کسب درآمد و رزق و روزی.

آیه چهارم: «وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (قرآن، ۱۳۹۸، ص. ۲۸: ۷۳).

در این آیه شریفه به صورت لفّ و نشر مرتب، به دست آوردن آرامش را به شب و طلب فضل الهی را به روز نسبت داده است. ممکن است گفته شود که طلب فضل الهی در اینجا اعم از کسب درآمد است؛ اما به قرینه آیه شریفه «وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا» (قرآن، ۱۳۹۸، ص. ۷۸: ۱۱) که روز را برای تأمین معیشت معرفی می‌کند، درمی‌یابیم که تعبیر طلب از فضل الهی در این آیه شریفه نیز به کسب درآمد اشاره دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص. ۷۱).

آیه پنجم: «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِيَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ» (قرآن، ۱۳۹۸، ص. ۱۷: ۱۲).

در این آیه شریفه همانند آیه قبل هدف از روشنایی روز را طلب از فضل الهی (کسب روزی) بیان می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص. ۵۱)؛ استدلال به این آیه شریفه نیز مشابه آیه قبل است.

آیه ششم: «إِنَّ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَأَيْمَلُكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (قرآن، ۱۳۹۸، ص. ۲۹: ۱۷).

کلمه «رزق» در این آیه شریفه دو مرتبه آمده است که بار دوم با «ال» عهد ذکر شده تا به یکی بودن آنها اشاره کند. مراد از «رزق» اول رزق مادی است؛ چراکه بت پرستان با عبادت بت‌ها، رزق خود را از آنها طلب می‌کردند. آیه شریفه هرگونه

رزقی را از غیر خداوند سلب کرده و آن را ویژه خداوند متعال معرفی می‌کند. در نتیجه مراد از رزق دوم نیز روزی مادی است که باید آن را از خداوند طلب کرد. با این بیان روشن می‌شود که مراد از این عبارت کسب درآمد است و همانند آیات قبل با تعبیر کنایی حکیمانه آمده تا به جنبه معنوی کسب درآمد اشاره کند. نکته قابل توجه آنکه گرچه تعبیر این آیه شریفه با سایر آیات قدری تفاوت پیدا کرده است؛ ولی در دلالت معنای آن تفاوتی ندارد. در اینجا به رزق تصریح شده است که سبب قوی‌تر شدن ظهور آن در کسب درآمد می‌شود؛ اما در سایر آیات تعبیر «هن فضل الله» وجود داشت. چه‌بسا به همین دلیل این آیه شریفه برای سایر آیات قرینه ای به‌شمار رود که ظهور آنها را روشن‌تر می‌سازد.

با توجه به تبیین وجه دلالت در هر آیه کسب درآمد از آنها قابل استفاده است؛ اما تحلیل لغوی واژه «بتغاء» به فهم آیات شریفه در این زمینه کمک بیشتری می‌کند. در ادامه به آن می‌پردازیم.

۵-۱. تحلیل معنای واژه «بتغاء»

واژه «بتغاء» از باب افتعال و از ریشه «ب.غ.ی» است. قدمای اهل لغت همچون فراهیدی این واژه را به معنای طلب آورده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص. ۴۵۳)؛ اما متأخرین از اهل لغت چنین معنا نمی‌کنند. راغب معنای این واژه را صرف طلب نمی‌داند^۱ بلکه آن را «طلب همراه با اجتهاد» معنا می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۱۳۷)؛ همچنین مصطفوی، ریشه این واژه را به معنای طلب شدید معنا می‌کند و این معنا را در تمام مشتقات جاری می‌داند (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص. ۳۳۴).

به نظر می‌رسد به کارگیری واژه «بتغاء» برای این معنا، حاوی نکته ظریفی است و معنای آن صرف «طلب» نباشد. چراکه وقتی به کاربردهای آن در آیات شریف دقت شود، واژه طلب نمی‌تواند جایگزین آن باشد و در این صورت ظرافت‌های معنایی خود را از دست می‌دهد؛ بنابراین گرچه اکثر کتب لغت متقدم معنای این واژه را طلب می‌دانند؛ اما به نظر می‌رسد دقت جناب راغب و برخی متأخرین صحیح باشد و معنای این واژه، به‌ویژه در کاربردهای قرآنی، به نوع خاصی از طلب اشاره دارد که همان «طلب همراه با تلاش و کوشش» است.

با این حال ممکن است این معنا به دلیل نبود شاهی قوی از اهل لغت قابل

۱. ایشان معنای واژه «بغی» را به دو قسم تقسیم می‌کند: محمود و مذموم؛ این معنا را ذیل «بغی محمود» می‌آورد.

قبول نباشد که در این صورت در استفاده ما از آیات اثری ندارد. به نظر ما از این آیات شریف معنای کسب و کار فهمیده می شود که ریشه چنین فهمی ممکن است همین تحلیل ظریف لغوی باشد یا آنکه قرینه صارفه ای مختص همین استعمال، معنای آن را به کسب و کار منحصر کرده باشد.

با توجه به معنای واژه «بتغاء» مراد از این آیات شریف در معنای کسب و کار روشن می شود. براین اساس تعبیر «الابتغاء من فضل الله» نباید صرف طلب از خداوند متعال، بدون هیچ تلاش و کوشش معنا شود بلکه معنای طلب همراه با تلاش و کوشش از این تعبیر فهمیده می شود که ریشه اش می تواند قرائن همراه آیات یا دقت در ظرافت های لغوی باشد. در تفاسیر نیز این تعبیر به همین معنا تفسیر شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص. ۲۷۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص. ۵۴۲-۵۴۳؛ زحیلی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص. ۲۳۹۷).

علاوه بر آیاتی که تاکنون اشاره شد، آیات دیگری نیز وجود دارد که به برخی از لوازم کسب و کار اشاره می کند؛ اما دلالت روشنی بر آن ندارد. در این آیات، بر معاش قرار داده شدن روز تأکید دارد،^۱ کنایه از آنکه روز، زمانی برای امرار معاش و کسب رزق و روزی قرار داده شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰، ص. ۱۶۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص. ۶۳۹-۶۴۰)؛ همچنین بر قرار داده شدن معیشت انسان ها در زمین تأکید دارد^۲ و نیز پس از ذکر نعمت های زمینی و دریایی، آنها را روزی انسان ها بیان می کند،^۳ کنایه از آنکه انسان ها باید از آن طریق رزق خود را به دست آورند و شواهد فراوان دیگری که می توان از کتاب الهی به دست آورد.

آنچه که فرهنگ قرآن در تمام آیات اشاره شده همواره بدان تأکید می کند از جانب پروردگار بودن درآمد و روزی است. قرآن کریم همواره توجه مخاطبان را به این نکته جلب می کند که درآمد و رزق و روزی از جانب پروردگار است و نگاه صرف

۱ «وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا» (قرآن، ۱۳۹۸، ص. ۷۸: ۱۱).

۲ «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ» (قرآن، ۱۳۹۸، ص. ۷: ۱۰)، «وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مُؤْتُونَ» و «وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ» (قرآن، ۱۳۹۸، ص. ۱۵: ۱۹-۲۰).

۳ «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْفُلُكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ». (قرآن، ۱۳۹۸، ص. ۱۴: ۳۲)، «رَبُّكُمُ الَّذِي يُزْجِي لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» (قرآن، ۱۳۹۸، ص. ۱۷: ۶۶).

مادی به کسب درآمد با قطع نظر از جنبه معنوی آن در هیچ یک از آیات قرآن کریم یافت نمی‌شود.

در نتیجه فرهنگی که قرآن درباره کسب و کار آورده است، همواره نگاه به فضل پروردگار را برای خیر و برکت در کسب و کار القاء می‌کند و تأکید دارد که آنچه به دست بنده می‌رسد رزقی است که خداوند متعال نصیب او فرموده است و باید بنده به آن توجه داشته باشد. وقتی بنده به این حقیقت در خصوص کسب و کارش توجه کند زندگی و تجارتش پر از معنویت خواهد شد و همین کسب و کارش مایه رشد و ارتقای معنوی او می‌شود.

نتیجه‌گیری

این نوشتار با هدف تبیین فرهنگ قرآن در رابطه با ارزش معنوی کسب و کار نگاشته شد و درصدد پاسخ به این پرسش برآمد که ارزش معنوی کار و کسب درآمد در فرهنگ قرآن کریم چیست؟ با بررسی معانی واژه کار و دستیابی به اصطلاحات خاص اسلام در معنای کسب و کار مطالعه عمیق فرهنگ قرآن در کسب و کار انجام شد. طبق یافته‌ها که در مفهوم‌شناسی ارائه شد، در آیات و روایات با تعبیری همچون «طلب الرزق» و «الابتغاء من فضل الله» از کسب و کار یاد شده است. با پژوهش‌های انجام شده در این تعبیر و آیات مشابه دریافتیم که قرآن نگاهی بسیار لطیف و حکمت‌آمیز به کسب درآمد دارد و مخاطبان‌ش را به نکاتی عمیق در کار و کسب درآمد توجه می‌دهد که سبب رشد معنوی آنها خواهد شد.

با توجه به یافته‌های پژوهش دریافتیم که در قرآن کریم از اصطلاح‌های رایج و عرفی - که صرفاً نگاهی مادی به کار و ثروت دارد - برای اشاره به کار و کسب درآمد پرهیز شده و اصطلاح «الابتغاء من فضل الله» به کار رفته است. همین امر موجب شد که با دقت در این اصطلاح و پی‌بردن به ظرافت‌های آن نکات مهمی به دست آید و ارزش معنوی کار در فرهنگ قرآن روشن شود.

در این فرهنگ جلب روزی با تنبلی و بدون تلاش و کوشش نخواهد بود و باید با کوشش و تلاش انتظار جلب روزی داشت که قرآن کریم با واژه «الابتغاء» به این معنا اشاره کرده است. همچنین درآمدی که از تلاش و کوشش به دست می‌آید، نباید نگاهی مادی و منقطع از پروردگار به آن داشت بلکه باید آن را از جانب فضل خدا دانست که همین امر موجب رشد معنویت در انسان می‌شود که قرآن کریم با افزودن قید «من فضل الله» به واژه «الابتغاء» به این نکته ظریف و ارزشمند اشاره کرده است.

در نتیجه دستاورد مهم این مقاله این است که فرهنگ قرآن نگاهی بسیار عمیق و والا درباره کسب درآمد به مخاطبانش ارائه می‌دهد به گونه‌ای که انسان با توجه به این دو نکته اشاره شده می‌تواند با کسب و کارش علاوه بر جلب روزی و افزایش ثروت حلال خود با توجه به رابطه میان آن درآمد و پروردگار به رشد معنوی خویش در امور معنوی و جلب آرامش در زندگی بپردازد. دستاورد دیگری که با نگارش این مقاله به دست آمد گام برداشتن در راستای تحقق سیاست‌های نظام اسلامی در ترویج فرهنگ کار در کشور است که با تبیین این نگاه اشتیاق بیشتری به کار و ارتقای کیفیت آن انجام می‌شود.

در راستای ترویج فرهنگ کار و تقویت نگاه معنوی به کار در میان کارکنان پیشنهادهایی ارائه می‌شود:

- بررسی راهکارهای ترویج نگاه عبادی به کار با هدف ترویج فرهنگ کار؛
- بررسی اثر نگاه معنوی به کار در رشد کیفیت محصول و شادابی و نشاط کارکنان با انجام تحقیق‌های میدانی؛
- طراحی الگوی کسب و کار در اسلام.

فهرست منابع

- قرآن کریم (۱۳۹۸). ترجمه حسین انصاریان، قم: آیین دانش.
- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۶). فرهنگ معاصر عربی - فارسی. تهران: نشر نی.
- انوری، حسن (۱۳۸۲). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.
- بستانی، فواد (۱۳۷۵). فرهنگ / بجدی. تهران: اسلامی.
- پرچم، اعظم و بوجاری، سهیلا (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی ارزش و جایگاه کار در اسلام و یهود. معرفت / دیان، (۱۱)، ۴۵-۶۴.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار القلم.
- رضازاده جویباری، علی و نجارزادگان، فتح‌الله (۱۳۹۷). راهبردها و روش‌های نهادهای سازی فرهنگ قرآن بر پایه گرایش فطری انسان به کمال و زیبایی. قرآن شناخت، ۴۱-۶۲.
- زحیلی، وهبه (۱۴۲۲ق). التفسیر الوسیط. دمشق: دار الفکر.
- شرتونی، سعید (۱۳۷۴). أقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد. تهران: منظمه الاوقاف و

- الشؤون الخيرية، دار الأسوة للطباعة و النشر.
- بهشتی، محمد (۱۳۹۷). *نظام اقتصادی در اسلام*. تهران: روزنه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). *مجموعه آثار استاد شهید مطهری (حکمت‌ها و اندرزها ۱ و ۲)*. تهران: صدرا.
- صدر، محمدباقر (۱۳۷۵). *اقتصادنا*. قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
- صدر، محمدباقر (۱۴۲۳ق). *دروس فی علم الأصول؛ الحاقه الثالثة*. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسة الأعلمی للطبوعات.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۷). *تعالیم اسلام*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۲ق). *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*. مشهد: آستانة الرضویة المقدسة، مجمع البحوث الاسلامیة.
- عمر، احمد (۱۴۲۹ق). *معجم اللغة العربیة المعاصرة*. قاهره: عالم الكتب.
- فخر رازی، محمد (۱۴۲۰ق). *التفسیر الكبير*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*. قم: نشر هجرت.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. ترجمه علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الكتب الإسلامیة.
- مجمع اللغة العربیة (۱۴۲۵ق). *المعجم الوسيط*. قاهره: مکتبة الشروق الدولیة.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*. قم: اسماعیلیان.
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. بیروت - قاهره - لندن: دار الكتب العلمیة - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- مظفر، محمدرضا (۱۴۳۰ق). *اصول الفقه*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم.
- معین، محمد (۱۳۸۶). *فرهنگ معین*. تهران: ادنا.
- منکیو، گریگوری (۱۴۰۱). *کلیات علم اقتصاد*. تهران: نشر نی.

ندایی، مژگان (۱۳۷۸). گونه‌شناسی فرهنگ سازمانی. مصباح، شماره ۳۱، صص. ۴۳-۵۸.
نوری، حسین (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت.
خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰). سیاست‌های کلی اشتغال. پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله
خامنه‌ای: <https://khl.ink/f/16716>

References

- The Holy Quran (2018). Translation: Hossein Ansarian. Qom: Ain Danesh Azarnoush, A. (1386). Contemporary Arabic-Persian culture. Tehran: Ney Publishing.
- Anuri, H. (1382). Great speech culture. Tehran: Sokhn.
- Bustani, F. (1375). Alphabet culture. Tehran: Islamic.
- Parham, A. & Bojari, S. (2011). A comparative study of the value and status of work in Islam and Judaism. Knowledge of Religions, 45-64.
- Ragheb Esfahani, H. (1412). Vocabulary words of the Qur'an. Beirut: Dar Al Qalam.
- Rezazadeh Joybari, A. & Najarzadegan, F. (2017). Strategies and methods of institutionalizing Quranic culture based on human's natural tendency towards perfection and beauty. Qur'an Knowledge, 41-62.
- Zaheili, (1422). Al-Tafsir al-Wasit. Damascus: Dar al-Fakr.
- Sheratoni, S. (1374). The closest resources in the Arabic Passover and Al-Sheward. Tehran: Organization of Al-Awqaf and Charity Affairs. Dar al-Aswa for printing and publishing.
- Shahid Beheshti, M (2017). Economic system in Islam. Tehran: Rozeneh.
- Shahid Motahari, M. (1384). A collection of works by Master Shahid Motahari (Wise and Advice 1 and 2). Tehran: Sadra.
- Sadr, M. (1375). Economy Qom: School of Islamic Media.
- Sadr, M. (1423). Lessons in Islamic science; The third episode. Qom: Jamal al-Fakr al-Islami.
- Tabatabayi, M. (1390). Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an. Beirut: Al-Alami Publishing House.
- Tabatabai, M. (1387). Islamic teachings. Qom: Publications of the Islamic Propaganda Office of Qom Seminary.
- Tabarsi, F. (1372). Assembly of Bayan in Tafsir al-Qur'an. Tehran: Nasser Khosrow.
- Allameh Hali, H. (1412). The ultimate goal of religious research. Mashhad: Astana al-Razwiyyah Al-Maqdsa, Islamic Research Council.
- Omar, A. (1429). Dictionary of modern Arabic language. Cairo: Alam al-Katb.
- Fakhr Razi, M. (1420). Al-Tafsir al-Kabir Beirut: The Revival of Arab Heritage.
- Farahidi, Kh. (1409). Kitab al-Ain. Qom: Emigration Publishing.
- Klini, M. (1407). Al-Kafi (A. Ghaffari, & M. Akhundi, editors) Tehran: Dar al-Kutub al-Islami.

- Jamal al-Lagha al-Arabiya (1425). Al-Mujajm Al-Usayt Cairo: Al-Sharoq al-Dawliyya School.
- Mohaghegh Hali, C. (1408). The laws of Islam in matters of halal and haram. Qom: Ismailian.
- Mostafavi, H. (1430). Investigating the words of the Holy Qur'an. Beirut-Cairo-London: Dar Al-Katb Al-Alamiya-Publishing Center of Allameh Mustafavi's works.
- Muzaffar, M. (1430). Principles of jurisprudence. Qom: Al-Nashar al-Islami Institute affiliated to Jama'ah al-Madrasin of Boqm.
- Moin, M. (1386). Moein dictionary. Tehran: Edna.
- Menkiu, G. (1401). General economics. Tehran: Ney Publishing.
- Nadai, M. (1378). Typology of organizational culture. Misbah, 43-58.
- Nouri, H. (1408). Mustardak al-Wasail and Mustabt al-Masal. Qom: Al El Bayt Institute.
- Imam Khamenei, S. (1390). General employment policies. Information base of Ayatollah Khamenei <https://khl.ink/f/16716>

سیاست‌های ژاپن در مواجهه با سالخوردگی جمعیت: درس‌هایی برای ایران

ناہید پوررستمی

استادیار گروه جنوب، شرق آسیا و اقیانوسیه، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران
(نویسنده مسئول).

prostami@ut.ac.ir

id 0000-0003-0859-4985

رقیه رهبری فرد

کارشناس ارشد مطالعات ژاپن، تهران، ایران.

roghayerahbari@yahoo.com

id 0009-0000-4959-0150

موژان لرنالانتری

کارشناس ارشد مطالعات ژاپن، تهران، ایران.

mojan.kalantari@gmail.com

id 0009-0009-5060-7322

فاطمه ترابی

دانشیار گروه جمعیت‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

fatemeh_torabi@ut.ac.ir

id 0000-0002-7520-1689

چکیده

تجربه سالخوردگی جمعیت در ژاپن و میزان تأثیرگذاری سیاست‌های مختلف اجرا شده در این کشور درس‌های مهمی برای سالخوردگی جمعیت در ایران دارد. این تجربه نشان می‌دهد که اولاً، افزایش میزان باروری پس از رسیدن به یک سطح حداقلی، بیش از حد انتظار پیچیده و احتمالاً غیرقابل انجام است. چنین موضوعی موجب اصلاح سیاست‌گذاری ژاپن و اتخاذ رویکردهایی برای جامعه مستقل از سن افراد شد. بدین معنا که مردم با هر سنی بتوانند با حداکثر توانایی خود نقش فعالی در جامعه داشته باشند. درس دوم تأثیر حافظه تاریخی ملت‌ها از تصمیم‌های گذشته و نحوه مواجهه با آن در تصمیم‌گیری سیاستمداران فعلی است. به کارگیری سیاست‌های ترکیبی و چندوجهی نیز از جمله درس‌هایی است که می‌توان از تجربه ژاپن آموخت. درس آخر چگونگی رویکرد ژاپن در شناسایی موانع فرهنگی و استفاده از برنامه‌های اجتماعی در کنار مشوق‌های مالی و اقتصادی می‌باشد. مثال‌ها و تجربه‌های متعدد در این پژوهش به تفصیل بحث و بررسی شده است و با استفاده از داده‌های جمعیتی موجود در بانک‌های داده سازمان ملل، مرکز آمار ایران و با مطالعه اسناد دست اول منتشر شده توسط دولت ژاپن در پایگاه‌های نهادهای مربوطه، شاخص‌های جمعیتی ایران با ژاپن مورد مقایسه قرار گرفت، کشوری که در مقایسه

با سایر کشورها با بیشترین سرعت به جامعه‌ای فوق‌سالخورده تبدیل شد و به اذعان بسیاری از اندیشمندان و تحلیل‌گران این حوزه، مجموعه سیاست‌های متنوع و مؤثری را برای مواجهه با این پدیده به کار برده است.

کلیدواژه‌ها: سالخوردگی جمعیت، ژاپن، ایران، جامعه دوستدار سالمند.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵X-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

CC BY 4.0



doi 10.22034/SCS.2023.398841.1447

مقدمه و بیان مسئله

در دهه‌های اخیر تغییرهای قابل توجهی در ساختار سنی جمعیت در دنیا صورت گرفته است. یکی از این تغییرهای چالش‌برانگیز، سالخوردگی جمعیت است. نسبت جمعیت سالخورده در جهان افزایش یافته به‌طوری‌که قرن ۲۱ قرن سالخوردگی جمعیت نام‌گذاری شده است. طبق پیش‌بینی سازمان ملل، جمعیت سالمند (۶۵ سال و بالاتر) با افزایش دو برابری از ۹,۵ درصد در سال ۲۰۲۱ به ۱۶,۴۶ درصد در سال ۲۰۵۰ خواهد رسید. بر اساس این پیش‌بینی، سهم کشورهای مختلف از این جمعیت متفاوت است؛ اما بیش از ۲۲ درصد آن متعلق به کشورهای با درآمد بالا^۱ خواهد بود. اگرچه سهم جمعیت سالمند در کشورهای با درآمد متوسط^۲ در سال ۲۰۲۱ به میزان ۸,۴۵ (کمتر از میانگین جهان یعنی ۹,۶۲) درصد بوده است؛ اما طبق پیش‌بینی سازمان ملل این نسبت در سال ۲۰۵۰ به ۱۶,۶۵ (بالاتر از میانگین جهان یعنی ۱۶,۴۶) درصد خواهد رسید. درواقع پدیده سالخوردگی که یکی از مهم‌ترین معضله‌های کشورهای توسعه‌یافته در دهه‌های اخیر است و پایداری رشد اقتصادی این کشورها را با نگرانی‌های جدی روبه‌رو ساخته، در سال ۲۰۵۰ به مشکل کشورهای با درآمد متوسط نیز تبدیل خواهد شد. با توجه به آثار بلندمدت پدیده‌های جمعیتی بر اقتصاد، جامعه و فرهنگ، لازم است تجربه کشورهای مبتلابه مطالعه شود. در این پژوهش، در نظر است برخی شاخص‌های جمعیتی ایران با ژاپن مقایسه شده و سیاست‌های ژاپن در مواجهه با سالخوردگی جمعیت معرفی شوند.

شکل ۱: الف سهم جمعیت سالمند در کل جمعیت جهان، کشورهای با درآمد بالا، ژاپن و ایران را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در سال ۱۹۶۰ حدود ۵ درصد (۱۵۰ میلیون نفر) از جمعیت جهان را افراد سالمند تشکیل می‌داد که این رقم در سال ۲۰۲۱ به حدود ۹,۵ درصد (۷۵۰ میلیون نفر) رسیده است و بر اساس گزارش بانک جهانی پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰ به حدود ۱۶,۴۶ درصد از کل جمعیت (۱,۵۹ میلیارد نفر) برسد.

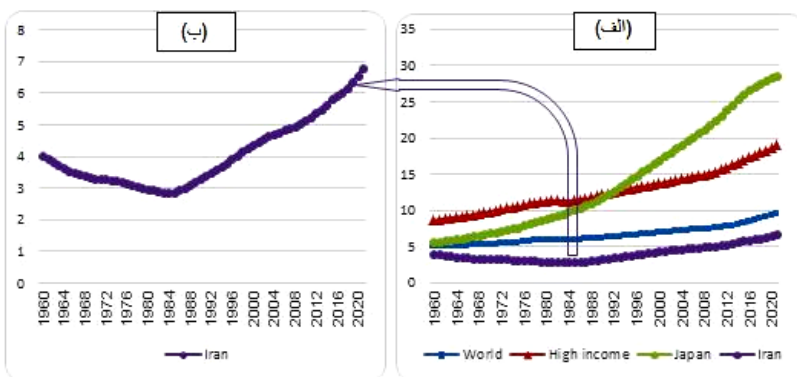
در این دوره جمعیت سالمند ژاپن از ۵,۶۲ درصد در سال ۱۹۶۰ به حدود ۲۸,۷ درصد در سال ۲۰۲۱ رسیده و بالاترین سهم جمعیت سالخورده جهان را به‌خود

۱. کشورهایی که طبق تعریف سازمان ملل درآمد سرانه آنها در سال ۲۰۲۱ بالاتر از ۱۳,۲۰۵ دلار است.

2. United Nations Population Division. World Population Prospects: 2022 Revision.

۳. کشورهایی که طبق تعریف سازمان ملل درآمد سرانه آنها در سال ۲۰۲۱ بین ۱,۰۸۶ تا ۱۳,۲۰۵ دلار است.

اختصاص داده است. در این کشور ۴۹/۹ درصد از خانوارها جمعیت سالمند و مسن دارند و ۲۸/۸ درصد سالمندان نیز تنها زندگی می‌کنند (加藤典子 (kato noriko), 2021, p. 49). از سال ۲۰۰۸ جمعیت ژاپن رو به کاهش رفته است و جمعیت سالمند و سالمندان تنها با سرعت بسیار بالاتری رو به افزایش هستند. پیش‌بینی می‌شود که در سال ۲۰۵۰ جمعیت سالمند در ژاپن به ۳۹,۱۹۵,۶۸۴ نفر (۳۹ درصد کل جمعیت این کشور در سال ۲۰۵۰) برسد. جمعیت ۶۵ سال و بالاتر در ایران از حدود ۴ درصد در سال ۱۹۶۰ (۱۳۳۹ش) به ۲,۹ درصد در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴ش) کاهش یافته و سپس روندی افزایشی را آغاز نموده است. سهم جمعیت سالمند از سال ۱۹۸۵ با شیبی تند افزایش یافته و به ۶,۸ درصد در سال ۲۰۲۱ (۱۳۹۹ش) رسیده است. اگرچه این رقم در سال ۲۰۲۱ کمتر از سهم جمعیت سالمند در جهان می‌باشد؛ اما همان‌طور که نمودار ۱: ب نشان می‌دهد نکته قابل ملاحظه در خصوص روند جمعیت سالمند در ایران، شیب تند رشد جمعیت سالمند است. با توجه به تأثیر ساختار جمعیت بر متغیرهای مهم اقتصادی از جمله تأثیر بر سهم پس‌انداز، نوآوری، بیمه و... پیش‌بینی می‌شود که مشکلات ناشی از این افزایش منجر به چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی شود (فتحی، ۱۳۹۸، ص. ۷۲).



منبع: (داده‌های بانک جهانی، پایگاه داده World Development Indicators)

شکل (۱): درصد جمعیت ۶۵ سال و بالاتر از کل جمعیت

علت اصلی سالخوردگی جمعیت در ایران در سال‌های اخیر کاهش میزان باروری و افزایش امید زندگی ناشی از بهبود شرایط زندگی و پیشرفت‌های پزشکی در مقایسه با دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی ذکر شده است (محمدی و دیگران، ۱۳۹۶). به دلیل پایین بودن سطح تحصیلات و فقدان برنامه‌های کنترلی، جمعیت ایران در

سال ۱۹۶۰ میلادی (۱۳۳۹ش) حدود ۴ درصد رشد داشته است، با شروع جنگ تحمیلی در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹ش) رشد جمعیت به ۳ درصد کاهش یافت و از اواخر دهه ۱۹۸۰ دولت با اجرای برنامه تنظیم خانواده به دنبال کاهش رشد جمعیت شد (H. Malekafzali, 2004). در ابتدا کاهش باروری تدریجی بود؛ اما بعد از آن شتاب بیشتری گرفت به طوری که میزان باروری کل در سال ۲۰۰۶ (۱۳۸۵ش) به ۱,۸ فرزند به ازای هر زن رسید (محمدی و دیگران، ۱۳۹۶). اگرچه این میزان در سال‌های اخیر با نوساناتی همراه بوده است، هیچگاه به بالاتر از سطح جایگزینی (۲,۱) فرزند به ازای هر زن افزایش نیافته و در سال ۲۰۲۰ (۱۳۹۹) به کمترین مقدار یعنی ۱,۷۱ رسیده است.^۱ این کاهش مداوم در میزان باروری و توقف آن در سطح زیر جایگزینی، موجب تغییرهای مهمی در ساختار سنی جمعیت و افزایش سهم جمعیت سالمند در ایران شده است.

افزایش جمعیت سالمند علاوه بر آثار اقتصادی ذکر شده، دارای آثار اجتماعی وسیعی است که تجربه ژاپن نمونه مناسبی برای بررسی آثار اجتماعی جامعه سالمند می‌باشد. انزوا و تنهایی یکی از ویژگی‌های جامعه فوق‌سالخورده ژاپن است. درواقع سالمندان به دلیل درآمد پائینی که دارند مستعد انزوا هستند. طبق پیش‌بینی صورت گرفته در سال ۲۰۴۰ از هر ۵ مرد مسن یک نفر و از هر چهار زن مسن هم یک نفر به تنهایی زندگی خواهد کرد؛ لذا انتظار می‌رود در آینده حمایت از سالمندانی که تنها زندگی می‌کنند مسئله مهم جامعه پیشرفته ژاپن باشد تا از انزوای آنان جلوگیری شود (加藤典子 (kato noriko), 2021). اگرچه کشور ژاپن به عنوان کشوری با جمعیت فوق‌سالخورده در حال حاضر با مشکلات عدیده‌ای مواجه است؛ اما به خاطر نظام بازنشستگی که از دهه ۱۹۴۰ بر اساس مدل آلمان ایجاد کرده و اجرای طرح ملی در سال ۱۹۶۱ و همچنین طرح‌های دیگری که در ادامه بحث و بررسی خواهد شد، توانسته تا حدود زیادی به مشکل سالمندی پاسخ دهد. این کشور با تلاش و برنامه‌ریزی موفقیت‌های زیادی در این زمینه کسب کرده، البته شکست‌هایی هم داشته؛ اما پیشرفت‌ها چشمگیر بوده است (XIANFANG, 2021).

مطالعات انجام شده که خلاصه‌ای از آنها در بخش پیشینه پژوهش آمده است نشان می‌دهند، سالخوردگی جمعیت پدیده‌ای نیست که به راحتی قابل پیشگیری باشد و بر روی اقتصاد کشور آثار زیان‌باری دارد. بنا به گفته موراماتسو و آکی یاما

۱. گزارش میزان باروری کل کشور به تفکیک ایران و ایران: <https://www.amar.org.ir>

(۲۰۱۱) سالخوردگی تنها یک مشکل فردی نیست بلکه یکی از عوامل تأثیرگذار بر سیاست‌های عمومی از قبیل حقوق بازنشستگی، مراقبت‌های بهداشتی و غیره است. سیاست‌گذاران یک کشور سالخورده باید سیاست‌های مناسبی برای مقابله با پیامدهای زیان‌بار این پدیده بیندیشند. در این راستا، دولت ژاپن سیاست‌هایی از قبیل سیاست‌های تشویق رشد جمعیت، مهاجرت، سیاست‌های رفاهی، کاری و غیره ارائه دادند و تقریباً هر ساله به انجام اصلاح‌هایی در آنها می‌پردازد (Muramatsu & Akiyama, 2011, p. 429). بنا به گفته جی و اشنایدر (۲۰۲۰) ژاپن آزمایشگاهی در جهان برای استخراج درس‌های سیاستی در مورد سالخوردگی و کاهش جمعیت است (Gee & Schneider, 2020, p. 21). دامبرگیو (D'Ambrogio, 2020) نیز معتقد است که تجربه ژاپن در برنامه‌ریزی شهری و شهرهای قابل زندگی برای سالمندان، این کشور را به یک رهبر جهانی در اجرای طرح‌های مجدد جوامع برای جامعه سالمندان تبدیل کرده است. دولت ژاپن مفهوم «شهر جمع‌وجور یا فشرده» را که به ساکنان مسن امکان دسترسی راحت به مراکز خرید و خدمات پزشکی را می‌دهد، ترویج می‌نماید (D'Ambrogio, 2020, p. 9).

وضعیت سالخوردگی در ایران و مشکلات عدیده‌ای که این پدیده می‌تواند برای کشور داشته باشد ما را بر آن داشت تا سیاست‌های اتخاذ شده در کشور ژاپن را به‌عنوان الگویی موفق در زمینه مواجهه با مشکلات سالخوردگی جمعیت بحث و بررسی نماییم.

۱. اهداف پژوهش

در این پژوهش در نظر است سیاست‌های دولت ژاپن در مواجهه با پدیده سالخوردگی جمعیت از ابعاد مختلف بحث و بررسی شود. برای تبیین ضرورت توجه به این سیاست‌ها در ایران، تلاش شده است تا به سؤال‌هایی پیرامون روند سالخوردگی جمعیت در ایران نیز پرداخته شود. به این دلیل سؤال‌های اصلی پژوهش عبارتست از:

- ۱- سیاست‌های دولت ژاپن در مواجهه با کاهش جمعیت و افزایش باروری چه بوده است؟
- ۲- آیا دولت ژاپن در مواجهه با پدیده کاهش جمعیت، سیاست‌های دیگری به غیر از سیاست تشویق افزایش باروری اتخاذ نموده است؟

سؤال‌های فرعی این پژوهش عبارتست از:

- ۱- روند سالخوردگی جمعیت در ایران بر اساس سناریوهای موجود چگونه است؟

سرعت سالخوردگی جمعیت ایران در مقایسه با ژاپن به‌عنوان کشوری با جمعیت فوق‌سالخورده چگونه است؟

۲- با توجه به تجربه ژاپن در به‌کارگیری ربات‌ها برای توسعه صنعتی، آیا دولت ژاپن در مواجهه با جامعه‌ای فوق‌سالخورده، سیاست‌های فناورانه خاصی را اتخاذ نموده است؟

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات متعددی در ارتباط با پدیده سالخوردگی جمعیت از ابعاد مختلف صورت گرفته است. تعداد زیادی از پژوهش‌ها به بررسی آثار سالخوردگی جمعیت بر اقتصاد (تأثیر ساختار جمعیت بر رشد اقتصادی و یا تأثیر سالخوردگی بر بخش‌های مختلف اقتصادی) پرداخته‌اند و برخی پژوهش‌ها نیز آثار سیاست‌های اتخاذ شده برای کنترل پدیده سالخوردگی جمعیت را مورد توجه قرار داده‌اند. نحوه مواجهه با جامعه سالخورده و سیاست‌های مقابله با این پدیده نیز مورد توجه برخی پژوهشگران بوده است. تفکیک مطالعات در سه گروه فوق کمی دشوار است؛ اما با توجه به اهداف پژوهش حاضر، در ادامه، ابتدا تعدادی از مطالعات انجام شده درخصوص آثار سالخوردگی جمعیت (بدون توجه به کشوری خاص) مرور می‌شود و سپس مطالعاتی که سیاست‌های کنترل سالخوردگی جمعیت و نحوه مواجهه با جامعه سالخورده در ژاپن پرداخته‌اند، معرفی می‌گردند.

ازجمله پژوهش‌هایی که تأثیر سالخوردگی جمعیت بر رشد اقتصادی کشورها را با استفاده از داده‌های پانل بررسی کرده‌اند، می‌توان به مطالعه مهرگان و رضایی (۱۳۸۸)، لی و لین (۱۹۹۴)، اندرسن (۲۰۰۱)، قویدل و میرغیائی مرادی (۱۳۹۶) اشاره کرد. نتایج مطالعه مهرگان و رضایی (۱۳۸۸)، لی و لین (۱۹۹۴) تأثیر مثبت نسبت جمعیت ۶۵ سال و بالاتر در جمعیت فعال را بر رشد اقتصادی تأیید می‌کند. درحالی‌که نتیجه مطالعه اندرسن (۲۰۰۱) مؤید تأثیر منفی شاخص فوق را بر رشد GDP سرانه است. مطالعه قویدل و میرغیائی مرادی (۱۳۹۶) چنین نتیجه‌گیری می‌کند که در کشورهایی که امید زندگی کمتر از ۷۰ سال است، اثر سالخوردگی جمعیت بر رشد اقتصادی منفی نیست.

شی جن و همکاران (۲۰۲۰) با بررسی تأثیر سالخوردگی جمعیت بر دو بخش صنعت و آموزش چنین ذکر کرده‌اند که ژاپن به‌عنوان اولین کشور در شرق آسیاست که مشکلات مربوط به باروری پایین را تجربه کرده است. آنها چنین عنوان کرده‌اند

که مشکلات جمعیتی ریشه اغلب مشکلات یک کشور است و هر مشکلی که مربوط به جمعیت باشد منجر به بحران ثبات اجتماعی خواهد شد. آنها با بررسی تجربه ژاپن در مدیریت و حل باروری پایین چنین مطرح کرده‌اند که راه‌حل این مشکل در کشورهای آسیای شرقی ممکن است با استفاده از تجربه ژاپن به‌دست آید (Chi-Jen, Lin; Hsiao-Ming; Chang & Chien-Jen, 2020, p. 17). ریوسوکه سوزوکی و ناوادا (۲۰۰۹) پیامدهای هم‌زمان شدن کاهش میزان مولید با سالخورده شدن جمعیت در ژاپن را، کاهش نیروی کار، پرداخت حقوق بازنشستگی و هزینه‌های درمان به سالخوردگان و تغییر ساختار خانواده ذکر کرده‌اند.

مطالعه یوکو نیمی (۲۰۱۷) از جمله مقاله‌هایی است که به آثار سیاست‌های اتخاذ شده برای کنترل پدیده سالخوردگی جمعیت و نحوه مواجهه با جامعه سالخورده در ژاپن پرداخته است. نویسندگان بر اساس آمار وزرات بهداشت ژاپن از سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۶ در مورد مراقبت از سالمندان به این نتیجه رسیده است که سالخورده شدن جمعیت ژاپن منجر به ایجاد معضل بزرگ مراقبت از سالمندان شده است و تغییرها در ساختار خانواده‌ها این معضل را جدی‌تر کرده است. در سنت ژاپن مراقبت از سالمندان به عهده خانواده بوده؛ اما با سالخورده شدن تمامی اعضای خانواده و کاهش میزان مولید، این امر با مشکل جدی مواجه شده است. بر اساس آخرین برآوردهای مؤسسه ملی امنیت اجتماعی و مسائل جمعیت ژاپن، در سال ۲۰۳۶ از هر سه نفر یک نفر سالمند خواهد بود (新見陽子(yoko niimi, 2017, p. 1) نظام بیمه مراقبت^۱ که در سال ۲۰۰۰ به‌عنوان سازوکاری برای حمایت از خانواده‌ها اعلام شد نیز نتوانسته است از مشکلات خانواده سالمندان بکاهد و فرزندان سالمندان حتی پس از معرفی نظام

۱. نظام بیمه مراقبت در سال ۲۰۰۰ با سیاست «اجتماعی کردن مراقبت» معرفی شد تا بار مراقبت از سالمندان را از دوش خانواده‌ها بکاهد. در نتیجه، نظامی ایجاد شد که در آن مراقبت‌های پرستاری که تا آن زمان در خانه انجام می‌شد، توسط دولت صورت گیرد. با معرفی نظام بیمه مراقبت پرستاری، احساس وظیفه در فرزندان برای مراقبت از والدین در دوران سالمندی کاهش یافته است (تسوتسویی؛ موراماتسو و هیگاشینو، ۲۰۱۴). ویژگی‌های اصلی سیستم بیمه مراقبت‌های پرستاری ژاپن به شرح زیر است (تبصره ۳): (۱) عضویت در سیستم بیمه مراقبت‌های پرستاری الزامی است و به محض ۴۰ سالگی همگن موظف به پرداخت حق بیمه هستید؛ در سیستم بیمه همگانی، صرف‌نظر از سطح درآمد یا حضور یا عدم حضور مراقبان خانواده، در صورت تأیید شدن نیاز به مراقبت یا حمایت، امکان دریافت خدمات مراقبتی مورد نیاز طبق برنامه مراقبتی ایجاد شده توسط سیستم وجود دارد. (iii) از آنجایی که این یک سیستم مزایای غیرنقدی است، حداکثر مبلغ پرداختی خدمات مراقبت پرستاری با توجه به درجه مراقبت و پشتیبانی پرستاری مورد نیاز تعیین می‌شود و اساساً ۱۰ درصد هزینه خدمات مراقبت پرستاری از کاربر دریافت می‌شود و همچنین به کاربران این امکان را می‌دهد که نوع خدمات و اپراتور تجاری را خودشان انتخاب کنند.

بیمه مراقبت همچنان بازیگران اصلی مراقبت از والدین سالمند خود هستند (Hanaoka & Norton, 2008; LONG & et al., 2009). ناویوکی یوشینو (۲۰۲۱) نشان داده است که با سالخوردگی جمعیت اثربخشی سیاست‌های مالی کاهش می‌یابد و برای تأثیرگذاری بیشتر این سیاست‌ها، افزایش کارگران و کاهش تعداد بازنشستگان نسبت به کل جمعیت ضرورت دارد (吉野直行 & et al., 2021, p. 89). ماتسوشیتا (کونوسکی ماتسوشیتا، ۱۳۷۶) چنین مطرح می‌کند که چنانچه به‌فوریت در مورد افزایش جمعیت سالمند و کاهش باروری اقدامی صورت نگیرد، نسل جوان‌تر امروز مجبور خواهند بود باری سنگین به دوش بکشند؛ همچنین، وی اظهار داشته است که مزایای رفاهی را نباید به‌صورت رایگان اعطا کرد. به سود سالمندان است که ترغیب شوند خود را یاری دهند و درمقابل امتیازها و کمک‌هایی که دریافت می‌کنند تا حدی که توان دارند، کار کنند. درواقع، ماتسوشیتا معتقد به دوباره بهره جستن از سالمندان به‌عنوان نیروی فعال جامعه است.

آریما (۲۰۲۱) ژاپن را به‌عنوان کشوری که با مشکلات کمبود نیروی کار برای مراقبت از سالمند و افزایش هزینه‌های اجتماعی روبه‌روست معرفی کرده است. وی معتقد به افزایش سن بازنشستگی و ایجاد محیط شغلی امن برای اشتغال سالمندان است (有馬, 教寧 Arima, 2021, p. 92). تاکومی فوجینامی (۲۰۲۱) نشان داده است که از سال ۲۰۱۵ افزایش تعداد مراکز نگهداری از کودکان تأثیر چشمگیری در نرخ مولید نداشته است و وجود کرونا هم مزید بر علت شده است. وی معتقد است ژاپن برای جلوگیری از کاهش سریع جمعیت باید اقدام‌های گسترده‌تری اتخاذ کند. نولان و لنسکی (۱۳۹۱) یکی از راه‌های مقابله با کاهش جمعیت را پذیرش مهاجرانی از کشورهای جهان سوم می‌داند؛ اما چنین عنوان می‌کند که مهاجرت‌هایی در مقیاس بالا در هر جامعه‌ای مشکل‌آفرین خواهد بود، خصوصاً برای مردمی که قرن‌ها از فرهنگی یکدست و همگن برخوردار بوده‌اند (پاتریک نولان و لنسکی، ۱۳۹۱، ص. ۴۵۰). مطالعه زایتس (۱۳۸۰) نشان می‌دهد با کاهش مولید در کشور تعداد جوانانی که وارد بازار کار می‌شوند کاهش می‌یابد. در این شرایط، اغلب بر سر سیاست‌های مربوط به مهاجرت اختلاف و مناقشه بروز می‌کند. ژاپن نیز نگران اتکا به کارگران خارجی است (ژاپنی‌ها هم مانند آمریکاییان و اروپاییان از این نگرانند که نیروی کار کاهش یافته و نتوانند هزینه‌های فزاینده مراقبت‌های پزشکی و رفاه یک جامعه سالخورده را تأمین کنند (زایتس، ۱۳۸۰، ص. ۴۸).

کوداما (۲۰۱۵) با بررسی افزایش هزینه‌های تأمین اجتماعی مربوط به سالمندان

در ژاپن، در تلاش برای پاسخ به این پرسش که چرا دولت ژاپن نمی‌تواند سیاست‌های مهاجرتی آسانی را در پیش بگیرد، چنین اشاره کرده است که سیاست‌های استخدماي در ژاپن تا قبل از اصلاحات سال ۲۰۱۴، تأکید بر مشارکت جوانان و سالمندان ژاپنی داشت. در اصلاحیه سال ۲۰۱۴ که در راستای راهبرد احیای ژاپن صورت گرفت، در منابع انسانی ژاپن، خارجیان موقعیتی مانند سالمندان و زنان یافتند؛ بنابراین، با این اصلاحیه، به‌نظر می‌رسد پذیرش بیشتر کارمندان خارجی، مورد توافق عمومی در میان ارکان دولت قرار گرفته است (Kodama, 2015, p. 2).

چیاواسی (۲۰۲۱) طی نقد کتاب «مشکلات جمعیتی و مهاجرت: چگونه جمعیت و ساختار جامعه ژاپن در حال تغییر است؟» چنین مطرح کرده است که دولت ژاپن جامع‌ترین اصلاحات در خصوص سیاست مهاجرتی خود را که از زمان بازنگری جامع «قانون کنترل مهاجرت و به رسمیت شناختن پناهندگان و گسترش برنامه‌های کارآموزی» در اوایل دهه ۱۹۹۰ داشت در آوریل سال ۲۰۱۹ به اجرا گذاشت. وی اشاره کرده است که این اصلاحات به‌طور بالقوه قدرتمندترین تغییر سیاست مهاجرت در کل دوران پس از جنگ است و می‌تواند ژاپن را در عرض نیمسال از کشوری که به‌طور منفعلانه مهاجرت را از اواخر دهه ۱۹۸۰ پذیرفته بود، به کشوری تبدیل کند که فعالانه آن را به‌عنوان عنصر ضروری برای امنیت آینده خود می‌پذیرد. ولیکن به این مشکل نیز اشاره کرده است که پوشش مهاجرت ژاپن در رسانه‌های جمعی و همچنین تحقیق‌های مهاجرت در مورد ژاپن، همچنان تحت سلطه این دیدگاه است که ژاپن کشوری خاص و تک‌قومیتی با ملی‌گرایی قومی است (CHIAVACCI, 2021, p. 245). در رابطه با دلایل و آثار سالخوردگی جمعیت در ایران نیز مطالعات زیادی انجام شده است که در ادامه به برخی از مطالعات مرتبط با اهداف این پژوهش اشاره می‌شود. کاشانیان و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه خود به بررسی گذار جمعیتی ایران طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۹ پرداخته‌اند و چنین عنوان کرده‌اند که متغیرهای جمعیتی ایران به دلایل زیر دستخوش نوسان‌های شدیدی شده است؛ بیش‌زایی دهه شصت، کاهش چشمگیر نرخ باروری دهه هفتاد و ادامه و تشدید آن در دهه هشتاد. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که سرمایه و نیروی کار فعال اثر مثبت و نیروی کار بازنشسته اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد (کاشانیان و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۳۱). فتحی (۱۳۹۸) در مطالعه خود نشان داده است که از اواخر دهه ۱۴۰۰، جمعیت ایران رو به‌سوی سالخوردگی خواهد رفت و با هر سناریویی در سال ۱۴۲۰ به مرحله سالخوردگی جمعیت خواهد رسید و در دهه‌های پس از آن با مشکل سالخوردگی

جمعیت روبه‌رو خواهد شد. براین‌اساس او بر لزوم توجه ویژه بر سیاست‌گذاری نسبت به جمعیت سالمند تأکید کرده است (فتحی، ۱۳۹۸، ص. ۱۱۲). محمدزاده و همکاران (۱۳۸۵) با بررسی ساختار سنی جمعیت روی تابع بلندمدت مصرف به این نتیجه رسیده‌اند که برای اتخاذ سیاست‌های اقتصادی، توزیع سنی جمعیت هم باید لحاظ شود تا بتوان همگام با رشد جمعیت و تحول در ساختار آن، در جهت رشد اقتصادی کشور و برنامه‌ریزی در این زمینه اقدام کرد.

مهری و همکاران (۲۰۱۹) با استفاده از داده‌های بخش جمعیتی سازمان ملل در سال ۲۰۱۵ و با بررسی روند سالخوردگی، عوامل تعیین‌کننده و پیامدهای سالخوردگی جمعیت گفته‌اند که سالخورده شدن جمعیت در ایران پیامدهای قابل توجهی برای کلیه نهادهای اجتماعی و تصمیم‌گیرندگان دارد که باید توسط جامعه ایرانی حل شود. آنها چنین مطرح کرده‌اند که ایران نیز همانند بسیاری از جوامع به سرعت در حال سالخورده شدن، به راهبردی برای حمایت اجتماعی و اقتصادی از جمعیت سالخورده احتیاج دارد که از این طریق بتواند دید جامعه به سالخوردگان به‌عنوان یک بار را کاهش دهد (Mehri & et al., 2019, p. 4).

شیخی (۲۰۰۶) با استفاده از روش کتابخانه‌ای و آمار مراکز دولتی ایران و آمار سازمان ملل به روش تحلیل محتوا با بررسی تغییرهای جمعیتی ایران به این نکته اشاره کرده است که زنان الگوی باروری خود را تغییر داده و وارد بازار کار شده‌اند و در بسیاری از استان‌ها باروری کاهش یافته است. تغییر دیدگاه‌ها و رفتار زنان تأثیر و پیامدهای عمیقی بر تأثیر سیاست دولت در زمینه‌هایی مانند بهداشت و تنظیم خانواده و کار و سیستم‌های پشتیبانی از سالمندان داشته است. ایران باید به موازات برنامه‌ریزی اقتصادی به‌طور گسترده برنامه‌ریزی فرهنگی و جمعیتی را آغاز کند. مشوق‌های مثبت برای تشویق به بارداری و استفاده از پاداش به‌عنوان یک تأیید اجتماعی برای فرزندآوری باید توسط پژوهشگران اجتماعی و روان‌شناسی بررسی شود. قربانی (۲۰۲۲) با تحلیل داده‌های پیمایش ملی تحولات فرهنگی ایران در سال ۱۳۸۳ و پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها در ایران در سال ۱۳۹۴ نشان داده است که نه‌تنها تمایل به فرزندآوری (باروری مطلوب) در هر دو مقطع به‌طور غالب ۲ فرزند بوده بلکه تمایل به داشتن سه فرزند نیز در همین دوره افزایش یافته است (Chorbani, 2022, p. 70).

۳. مفاهیم پژوهش

طبق تعریف سازمان جهانی بهداشت^۱، سالمند به فردی اطلاق می‌شود که در سن ۶۰ یا ۶۵ سالگی و بالاتر باشد. سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^۲ سن سالمندی را ۶۵ سال و بالاتر از آن تعریف کرده است؛ اما بر اساس تعریف سازمان ملل و سازمان جهانی بهداشت، جامعه‌ای که بیش از ۱۴ درصد از جمعیت آن ۶۵ سال یا بیشتر باشد «جامعه سالخورده» است و جامعه‌ای که بیش از ۲۱ درصد از جمعیت آن ۶۵ سال بیشتر باشد، «جامعه فوق‌سالخورده» است. به همین دلیل در این پژوهش سن ۶۵ سالگی به عنوان معیار سالمندی در نظر گرفته می‌شود.

۴. روش پژوهش

هدف مطالعه حاضر کاربردی است و به لحاظ روش، جزو مطالعه‌های توصیفی – کاربردی می‌باشد. یافته‌های پژوهش با استفاده از تحلیل داده‌های بانک جهانی در حوزه جمعیت (WDI)، داده‌های منتشر شده توسط مرکز آمار ایران و ژاپن، گزارش‌های منتشر شده توسط وزارت بهداشت، کار و رفاه ژاپن می‌باشد. به همین دلیل روش پژوهش تحلیل ثانوی می‌باشد.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. مقایسه سرعت سالخوردگی جمعیت در ژاپن با ایران و جهان

به منظور پاسخ به سؤال اول این پژوهش، روند درصد جمعیت سالمند (۶۵ سال و بالاتر) و سرعت سالخوردگی جمعیت ایران، ژاپن و جهان را مقایسه می‌کنیم. درواقع، علاوه بر سهم جمعیت سالمند، سرعت حرکت کشورها به سمت سالخوردگی جمعیت نیز پارامتر مهمی در میزان و نحوه تأثیرگذاری سالخوردگی جمعیت بر وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. کشورهای آلمان و سوئد به عنوان دو کشور سالخورده به ترتیب ۴۰ و ۹۰ سال طول کشید تا به سالخوردگی جمعیت رسیدند؛ اما ژاپن در دوره‌ای ۲۴ ساله سالخورده شد و به این ترتیب مقام اول در سرعت سالخوردگی را کسب کرد (Ryosuke، 鈴木亮輔، 名和田俊弘، 村岡諒亮 (Suzuki, Toshihiro Nawada, 2009, p. 9). همان‌طور که در شکل ۲ ملاحظه

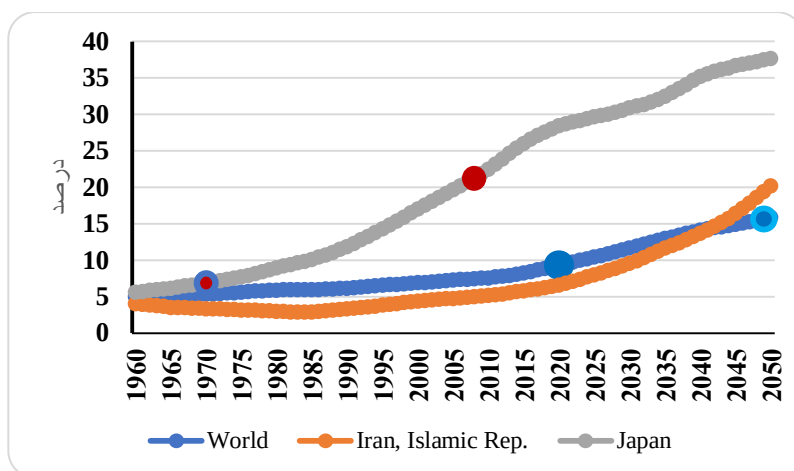
1. World Health Organization (WHO)

2. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

می‌شود سهم جمعیت سالمند ژاپن از کل جمعیت این کشور در ابتدای دوره مورد بررسی نزدیک به سهم جمعیت سالمند ایران و جهان بود. جدول ۱ نیز نشان می‌دهد در سال ۱۹۶۰ جمعیت سالمند، حدود ۵ درصد جمعیت جهان بوده که در سال ۲۰۲۰ به حدود ۹,۳ درصد رسیده است (در ۶۰ سال تقریباً ۱,۸ برابر شده است) و بر اساس پیش‌بینی بانک جهانی این نسبت در سال ۲۰۴۰ به بالاتر از ۱۴ درصد و در سال ۲۰۵۰ به ۱۵,۸۴ خواهد رسید. به این معنا که جهان در ۲۰ سال آینده به جامعه‌ای سالخورده تبدیل خواهد شد. در همین دوره جمعیت سالمند در ایران از حدود ۴ درصد در سال ۱۹۶۰ به حدود ۶,۵۴ درصد در سال ۲۰۲۰ رسیده است (در ۶۰ سال تقریباً ۱,۶ برابر شده است). بر اساس پیش‌بینی بانک جهانی این نسبت در سال ۲۰۴۰ به بالاتر از ۱۴ درصد و در سال ۲۰۵۰ تقریباً ۳,۱ برابر شده و به ۲۰,۱ می‌رسد. در نتیجه ایران نیز در سال ۲۰۴۰ به جامعه‌ای سالخورده تبدیل خواهد شد. در ژاپن جمعیت سالمند در سال ۱۹۶۰ حدود ۵,۶ درصد بود که در سال ۲۰۲۰ به حدود ۲۸,۳۹ درصد رسیده است (در ۶۰ سال تقریباً ۵,۰۶ برابر شده است). ژاپن در سال ۱۹۹۵ به جامعه‌ای سالخورده و در سال ۲۰۰۸ به جامعه‌ای فوق‌سالخورده تبدیل شد. بر اساس پیش‌بینی بانک جهانی، این نسبت در سال ۲۰۵۰ به ۳۷,۶۹ خواهد رسید. مقایسه روند سهم سالخوردگی جمعیت در ایران و ژاپن نشان می‌دهد که ژاپن در ۲۴ سال یعنی از ۱۹۷۱ (سالی که سهم جمعیت سالخورده بیش از ۷ درصد شد) تا ۱۹۹۵ تبدیل به جامعه‌ای سالخورده و در ۳۷ سال (۱۹۷۱ تا ۲۰۰۸) تبدیل به جامعه‌ای فوق‌سالخورده شد. این دوره در جهان بیش از ۳۸ سال (از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۴۰) و در ایران ۱۸ سال (۲۰۲۲ تا ۲۰۴۰) به طول می‌انجامد. یعنی سالخوردگی جمعیت در ایران در دوره‌ای بالنسبه کوتاه‌تر و با سرعتی بیشتر از ژاپن و جهان خواهد بود. باروری به‌عنوان مهم‌ترین شاخص تأثیرگذار بر رشد جمعیت محسوب می‌شود. در جوامعی که در معرض مهاجرت نیستند، باروری و مرگ‌ومیر، عوامل اصلی تغییر در حجم، توزیع و ترکیب جمعیت است (سرای، ۱۳۷۶).

جدول (۱): مقایسه سهم جمعیت سالمند ایران و ژاپن با جهان در سال‌های ۱۹۶۰، ۲۰۲۰ با پیش‌بینی ۲۰۵۰ (درصد)

	۲۰۵۰	۲۰۲۰	۱۹۶۰	
جهان	۱۵,۸۴	۹,۳	۵	
ایران	۲۰,۱	۶,۵۴	۴	
ژاپن	۳۷,۶۹	۲۸,۳۹	۵,۶	

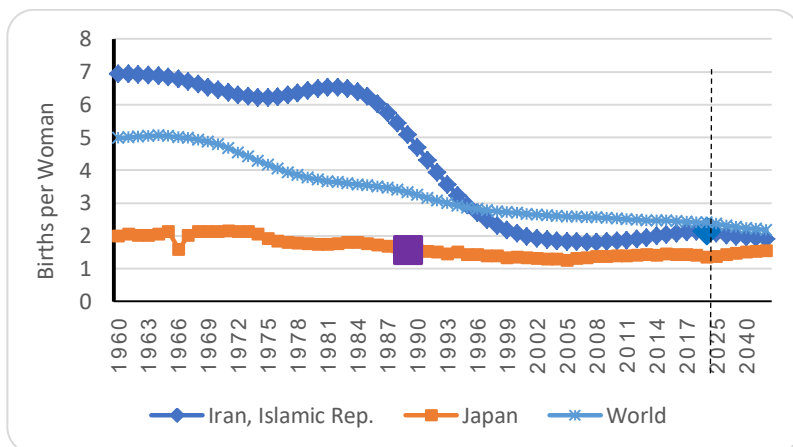


منبع: داده‌های بانک جهانی، پایگاه داده World Development Indicators

شکل (۲): مقایسه درصد جمعیت ۶۵ سال و بالاتر در جهان، ایران و ژاپن

در شکل ۳ میزان باروری کل در ایران، جهان و ژاپن مورد مقایسه قرار گرفته است. همان‌طور که در شکل ملاحظه می‌شود میزان باروری در جهان از سال ۱۹۶۴ با شیئی تقریباً ملایم کاهش یافته است. روند کاهش باروری در ژاپن (به استثنای سال ۱۹۶۶) طی سال‌های ۱۹۷۳ تا اوایل قرن ۲۱ با شیئی ملایم کاهشی بوده و پس از آن تا سال ۲۰۲۰ تقریباً ثابت مانده است. سال ۱۹۶۶ یکی از سال‌های طالع‌بینی چینی به نام «هی نوا اوما» یا همان «اسب آتشین» بود که هر ۶۰ سال یک بار تکرار می‌شود و این اعتقاد وجود دارد که نوزادان دختر به دنیا آمده در این سال بدقبال خواهند بود، به این دلیل زوجها از فرزندآوری در این سال به شدت خودداری کردند. میزان باروری در ایران از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۸ به شدت کاهش یافته و از سال ۲۰۰۸ با شیئی ملایم افزایش یافته است. همان‌طور که شکل ۳ نشان می‌دهد کاهش میزان

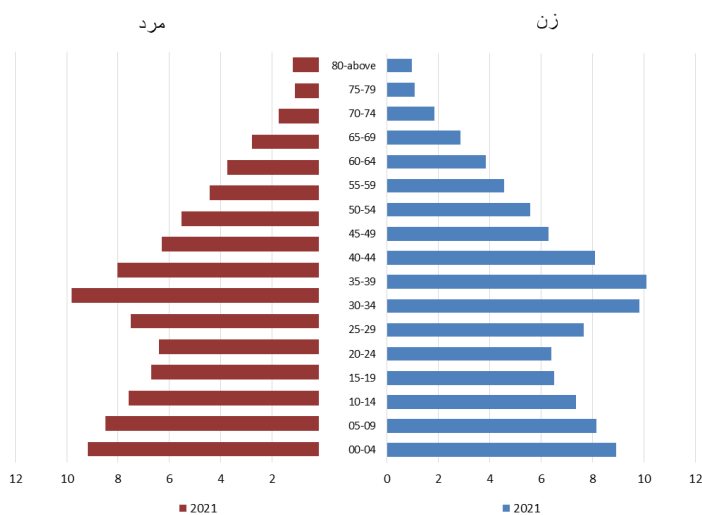
باروری در ایران به اندازه‌ای بوده که از سال ۱۹۹۶ به بعد این میزان در ایران به پایین‌تر از میزان باروری در سطح جهان رسیده است.



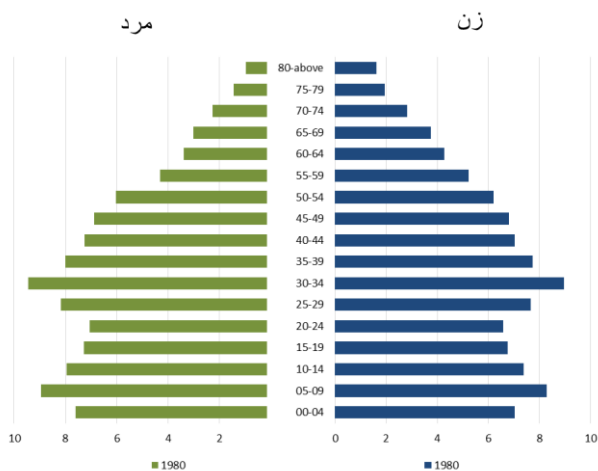
منبع: (داده‌های بانک جهانی، پایگاه داده World Development Indicators)

شکل (۳): مقایسه میزان باروری کل در جهان، ایران، ژاپن

وجه اشتراک دیگر تغییرهای ساختار جمعیت ژاپن با ایران افزایش متولدین دوران جنگ جهانی دوم در ژاپن و افزایش متولدین پس از وقوع انقلاب اسلامی و اوایل وقوع جنگ ایران و عراق در ایران است. افزایش نرخ تولد پس از این دو واقعه تحت تأثیر سیاست‌های تشویقی دولت بوده است که اکنون نسل کودکان آن دوره در ژاپن به بالای ۷۵ سال و در ایران به بالای ۳۵ سال رسیده‌اند، که بخش بزرگی از جمعیت سالمند ژاپن را در حال حاضر و بخش بزرگی از جمعیت سالمند ایران را در ۳۰ سال آینده تشکیل می‌دهند. این پدیده در شکل‌های ۴ و ۵ به‌خوبی قابل مشاهده است. شکل ۶ نیز هرم سنی جمعیت ژاپن را در سال ۱۹۸۰ نشان می‌دهد. مقایسه این هرم با هرم سنی ایران در سال ۲۰۲۱ حاکی از وجود شباهت‌هایی در ترکیب و ساختار سنی ایران ۲۰۲۱ با ژاپن ۱۹۸۰ است. این شباهت‌ها نویسندگان را بر آن داشت تا ضمن بررسی مسائل و مشکلات اجتماعی و اقتصادی موجود در ژاپن، سیاست‌های اتخاذ شده توسط دولت در مواجهه با پدیده سالخوردگی جمعیت در این کشور را بررسی و تحلیل کنند.



شکل (۴): هرم سنی جمعیت به تفکیک جنس در ایران - سال ۲۰۲۱



شکل (۵): هرم سنی جمعیت به تفکیک جنس در ژاپن - سال ۱۹۸۰



شکل (۶): هرم سنی جمعیت به تفکیک جنس در ژاپن - سال ۲۰۲۱

۲-۵. سیاست‌های ژاپن در قبال سالخوردگی جمعیت

با توجه به اشتراک‌هایی که در روند سالخوردگی جمعیت دو کشور ایران و ژاپن ملاحظه شد برای پاسخ به پرسش‌های دوم تا چهارم پژوهش در ادامه سیاست‌های ژاپن در قبال سالخوردگی جمعیت بررسی می‌شوند. سیاست‌های مهاجرتی ژاپن به‌عنوان یکی از مناسب‌ترین سیاست‌ها برای جبران کاهش جمعیت معرفی و پس از آن سیاست‌های فناوریانه ژاپن در مواجهه با سالخوردگی جمعیت بررسی می‌شود. در انتهای این بخش سیاست‌های ژاپن برای افزایش رفاه حال سالمندان و افزایش بهره‌وری آنان (نحوه مواجهه با جامعه سالخورده) و سیاست‌های بین‌المللی ژاپن در زمینه جامعه سالخورده سالم بررسی می‌شوند.

۱-۲-۵. سیاست‌های تشویق رشد جمعیت در ژاپن

دولت ژاپن پس از «شوگ ۱/۵۷» در سال ۱۹۸۹، آغاز به اتخاذ و اجرای سیاست‌های تشویق رشد جمعیت به‌منظور افزایش باروری کرد (Abe, 2003). دولت نمی‌توانست سیاست‌های حمایت از فرزندآوری را به‌صراحت به کار گیرد؛ زیرا قبل از جنگ جهانی دوم با اهداف نظامی، مردم را به فرزندآوری تشویق کرده بود تا بعدها

۱. در سال ۱۹۸۹ نرخ باروری کل در ژاپن حتی از سال ۱۹۶۶ (سال اسب آتشین) نیز کمتر شد و به ۱/۵۷ رسید. چنین درصدی واکنش شدید تصمیم‌گیرندگان سیاسی و جمعیت‌شناسان ژاپن را برانگیخت. که به آن «شوگ ۱/۵۷» گویند.

بتواند از آنها ارتشی عظیم برای جنگ بسازد و همین امر تاریخی باعث شده که مردم نسبت به چنین سیاست‌هایی حساس شوند. در نتیجه، مداخله دولت ژاپن در این زمینه محدود به فراهم‌سازی محیط اجتماعی حمایت‌کننده برای زنان، مردان و خانواده‌های دارای فرزند شده است (Atoh & Akachi, 2002). در این راستا در سال ۱۹۸۹ یک کمیته نظارتی به منظور خلق محیطی سالم برای تولد و پرورش کودکان تأسیس شد. در گزارشی ارائه‌شده توسط این کمیته، بر این نکته تأکید شده بود که باروری بستگی شدید به تصمیم افراد و زوجها دارد؛ بنابراین، خط‌مشی دولت برای مقابله با این پدیده، بهبود شرایط اجتماعی برای حمایت از اشخاصی بود که قصد ازدواج، تشکیل خانواده و فرزندآوری داشتند.

در پی آن، در سال ۱۹۹۴، سیاست حمایت از پرورش کودکان به اجرا درآمد که با نام «طرح فرشته»^۱ به رسمیت شناخته شد. این طرح با توافق میان چهار وزارتخانه بهداشت و رفاه اجتماعی، آموزش، کار و ساخت‌وساز (لازم به ذکر است اکنون برخی از این وزارتخانه‌ها ادغام شده‌اند و نام آنها تغییر یافته است) به مرحله اجرا درآمد. «طرح فرشته» برنامه‌ای پنج‌ساله بود که خط‌مشی سیاست‌ها و برنامه‌های جامع مربوط به فرزندآوری در بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۹ در آن به تصویر کشیده شده بود. این طرح شامل اقدام‌های حمایتی از جمله: تطبیق مسئولیت‌های کاری و خانوادگی، تقویت عملکرد خانواده‌ها در رابطه با پرورش کودکان، فراهم‌سازی مسکن مقرون به صرفه و باکیفیت برای خانواده‌های دارای فرزند، بهبود سلامت کودکان و تسهیل بار اقتصادی مربوط به پرورش کودکان بود. در میان آنها، تهیه امکانات مناسب و تنوع خدمات در امر مراقبت از کودکان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. به منظور دستیابی به اهداف ذکرشده در «طرح فرشته» این اقدام تحت عنوان «اقدام‌های فوری پنج‌ساله در باب خدمات مراقبت از کودکان»^۲ تنظیم شد. چنین اقدامی در پاسخ به تقاضای رو به رشد خانواده‌ها برای افزایش خدمات انعطاف‌پذیر مراقبت از کودکان بود که اهداف آن افزایش مراکز برای مراقبت از کودکان ۰ تا ۲ ساله و افزایش ساعات کاری این مراکز و همچنین افزایش تعداد خدمات مراقبتی خارج از ساعت‌های درس برای کودکان دبستانی بود.

در سال ۱۹۹۷، شورای مشورتی در مورد مشکلات جمعیتی تشکیل و

1. Angel Plan; In Japanese エンゼルプラン (enzeru puran)

2. "Five-Year Emergency Measures for Childcare Services"; In Japanese 「緊急保育対策等五カ年事業」 (kinkyu hoiku taisaku to gokanen jigyo)

گزارش‌هایی در سال ۱۹۹۸ تهیه و منتشر شد که آشکارا بر افزایش باروری متمرکز بود. پیش از سال ۱۹۹۷، هدف دولت تطبیق محیط کار با مراکز مراقبت از کودکان به‌منظور حمایت از مادران کارمند بود؛ اما در عمل هیچ اقدامی در جهت تغییر در نظام استخدامی و ارزش‌های جنسیتی مرسوم در خانواده‌های ژاپنی انجام نشد (Abe, 2003).

در سال ۱۹۹۹ «سیاست‌های اساسی در جهت مقابله با باروری زیر سطح جایگزینی»^۱ به پیشنهاد نخست‌وزیر و با موافقت شش وزیر تنظیم شد. این برنامه به‌صورت خاص‌تر بر تحصیلات و استخدام زنان، مراقبت از کودکان و تأمین مسکن متمرکز بود و تحت عنوان «طرح فرشته جدید»^۲ برای سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ برنامه‌ریزی شد. این برنامه شامل هشت اقدام سیاستی بود:

- ۱- دسترسی بیشتر به مراکز مراقبت‌های روزانه و خدمات مراقبت از کودکان؛
 - ۲- انعطاف‌پذیری بیشتر در محیط کار برای کارمندان دارای فرزند؛
 - ۳- تغییر ارزش‌های جنسیتی قدیمی و ایجاد اولویت کاری بر حسب توانایی‌ها؛
 - ۴- توسعه امکانات زایمان و سلامتی کودکان؛
 - ۵- بهبود محیط آموزشی توسط انجمن‌های محلی^۳؛
 - ۶- بهبود محیط آموزشی کودکان؛
 - ۷- کاهش بار اقتصادی هزینه‌های آموزشی؛
 - ۸- ساخت جامعه‌ای که از لحاظ مسکن و امکانات عمومی بیشتر مناسب خانواده‌های دارای فرزند باشد.
- در سال ۲۰۰۱، دولت، سیاستی با نام «سازگاری کار با مراقبت از کودکان»^۴ را ارائه داد. در مقایسه با سیاست‌های قبلی، این سیاست تأکید بیشتری بر نقش شرکت‌ها در ساختن محیط کاری انعطاف‌پذیر داشت. این سیاست پنج هدف داشت:
- ۱- حمایت و تشویق شرکت‌ها برای معرفی شیوه‌های استخدامی منعطف‌تر به‌منظور تسهیل تطبیق کار با مراقبت از کودکان برای کارمندان دارای فرزند؛

1. 「少子化対策基本方針」(shoshika taisaku kihon hoshi)

2. New Angel Plan

۳. انجمن‌های محلی (Local communities) در ژاپن مراکزی هستند که افرادی که وقت آزاد زیادی دارند (اکثراً سالمندان) به آنجا مراجعه کرده و با دیگر هم‌سالان خود به گفت‌وگو، بازی و دیگر کارهای سرگرم‌کننده می‌پردازند. ازجمله کارهایی که این افراد انجام می‌دهند، کودکان محله خود را به مدرسه می‌برند و برمی‌گردانند.

4. “Basic Direction for Policies Supporting Work and Childcare Compatible”; In Japanese 「仕事と子育ての両立支援策の方針について」(shigoto to kosodate no ryoritsu shiensaku no hoshin ni tsuite)

- ۲- صفر کردن تعداد کودکان منتظر در فهرست ورود به مهدکودک‌ها و مراکز نگهداری از کودکان؛
 - ۳- فراهم‌سازی خدمات مراقبت از کودکان با انعطاف‌پذیری و کیفیت بالا؛
 - ۴- فراهم‌سازی مراکز نگهداری از کودکان برای ساعات خارج از مدرسه؛
 - ۵- دخالت دادن انجمن‌های محلی در حمایت از خانواده‌های دارای فرزند.
- در سال ۲۰۰۲ طرح «به اضافه یک»^۱ به سیاست‌های مبارزه با کمبود کودکان اضافه شد. «به اضافه یک» بر اساس دو طرح فرشته قبلی ذکر شده بود؛ اما به دلیل شناسایی کاهش نرخ باروری حتی در دوران زناشویی و همچنین احساس نیاز به تغییر قوانین کاری به‌ویژه در میان مردان، این طرح اهدافی مضاعف بر دو طرح قبلی یافت. «به اضافه یک» چهار هدف داشت:
- ۱- تغییر الگوهای کار رایج که شامل مردان نیز می‌شد؛
 - ۲- تقویت حمایت اجتماعی از خانواده‌های دارای فرزند؛
 - ۳- افزایش آگاهی کودکان و جوانان از مسئولیت‌های خود در برابر نسل آینده و همچنین گسترش کمک‌های پزشکی به زوج‌هایی که مشکلات ناباروری دارند؛
 - ۴- تقویت استقلال و مهارت‌های اجتماعی کودکان.
- در سال ۲۰۰۳ سه لایحه زیر در رابطه با کاهش باروری به تصویب رسید. در لایحه اول از طرف دولت برای دولت‌های محلی^۲، شرکت‌ها و سازمان‌های اجتماعی، یک خط‌مشی مشترک تعریف شد که هدف آن اجرای برنامه‌های دائمی برای هماهنگی میان کار و مراقبت از کودکان است. تنظیم این برنامه‌های دائمی به عهده خود شرکت‌ها و سازمان‌ها و دولت‌های محلی می‌باشد. در لایحه دوم قانون رفاه کودکان، که تنها شامل کودکان یتیم و کودکان نیازمند به مشاوره و کارشناس بود اصلاح و شامل حال همه کودکان شد. این اصلاحات زمانی انجام شد که آمار بچه‌کشی و خودکشی توسط مادران افزایش یافت و دولت از سنگینی باری که مادران غیرشاغل به‌تنهایی در مواجهه با جامعه نه‌چندان حمایت‌کننده از آنان به دوش می‌کشند، آگاه شد. در لایحه سوم، کمیته‌ای برای مقابله با کاهش باروری، تحت نظر هیئت دولت تأسیس شد. وظیفه این کمیته ارائه سیاست‌های جامع با چشم‌اندازهای طولانی‌مدت در این‌باره بود (Abe, 2003).
- طرح فرشته تعداد دفعه‌های زیادی مورد تجدیدنظر و اصلاح قرار گرفت. در سال

1. "Plus-One"; In Japanese 「少子化対策プラスワン」 (shoshika taisaku plus one)

2. Local governments

۲۰۰۹، دولت افزایش درصد زنانی که پس از فرزندآوری در بازار کار باقی می‌مانند را به همراه چندین هدف دیگر به دستور کار این طرح اضافه کرد تا بتواند تعادلی بین کار و زندگی افراد ایجاد کند.^۱ دولت آبه بارها نیاز به معکوس کردن روند جمعیتی را تشخیص داد. در سال ۲۰۱۵، هدفی را برای رساندن نرخ باروری به ۱/۸ تا سال ۲۰۲۵ معین کرد که تاکنون پیشرفت چندانی نداشته است. در اکتبر ۲۰۱۹، دولت، خدمات مراکز مراقبت از کودکان ۳ تا ۵ ساله و همچنین پیش‌دبستانی را رایگان اعلام کرد. در ماه مه ۲۰۲۰، کابینه مجموعه اهداف جدیدی را اعلام کرد که خواستار افزایش حمایت‌های اقتصادی برای زایمان و تربیت فرزند می‌شود که از جمله آنها کاهش بار مالی درمان‌های ناباروری، افزایش کمک هزینه فرزندداری و معرفی کمک هزینه‌های بیشتر و بالاتر برای مرخصی پدران بود. به محض اینکه سوگا در سال ۲۰۲۰ نخست وزیر شد، پوشش درمان ناباروری در بیمه سلامت عمومی را به‌عنوان یکی از چهار موضوع فوری شناسایی کرد که باید به‌سرعت به آن رسیدگی شود. دولت وی مرخصی با حقوق والدین را نیز تا ۲۴ ماه افزایش داد. در ژاپن آموزش ابتدایی و متوسطه رایگان است و نظام مراقبت‌های بهداشتی کل جمعیت را پوشش می‌دهد. باین‌حال، این موارد به رشد نرخ تولد کمکی نکرده است؛ زیرا در فرهنگ کاری ژاپن ساعت‌های کار طولانی حرف اول را می‌زند و این امر به شهروندانی که مایل به دستیابی به تعادل در زندگی و کار هستند، فشار می‌آورد (D'Ambrogio, 2020, p. 7).

در سال ۲۰۲۰ طرحی تحت عنوان «اقدام‌های جلوگیری از کاهش نرخ مولید» برای اجرا تا سال ۲۰۲۴ اعلام شد. چهار نکته اساسی که در تمام سیاست‌گذاری‌های این طرح مدنظر قرار گرفته به این ترتیب است:

- ۱- رساندن نرخ مولید به ۱/۸۳؛
 - ۲- ایجاد امید در میان جوانان برای ازدواج؛
 - ۳- ازدواج در زمان مناسب؛
 - ۴- تأکید بر شخصی بودن تصمیم‌گیری برای ازدواج، بارداری و تربیت فرزند.
- برخی از اقدامات در طرح ذکرشده عبارتند از:

۱- حمایت از برنامه‌های احیای منطقه‌ای به این‌صورت که دولت حمایت از مهاجرت منطقه‌ای را با دادن یک میلیون ین به مهاجران از شهرها به روستاها و

۱. در ژاپن اکثر زنان پس از مادر شدن به دلیل تنهایی در به دوش کشیدن بار پرورش فرزند، بازار کار را ترک می‌کنند و به کار برنمی‌گردند.

دو میلیون ین حمایت از کارآفرینان آن مناطق انجام می‌دهد. همچنین افزایش مالیات شهرها به‌ویژه توکیو با هدف ایجاد تعادل در بین جمعیت شهری و روستایی؛

۲- ایجاد امکانات مناسب برای تسهیل تفریح و گردش زنان باردار و کودکان؛

۳- استفاده از فناوری به این معنا که در سال ۲۰۲۰ ملاقات اینترنتی جوانان با هم به‌منظور ازدواج و همچنین کم‌کردن بار کارکنان مهدکودک با فناوری اطلاعات و ارتباطات^۱؛

۴- حمایت از چند قلوزایی؛

۵- پوشش بیمه درمان ناباروری که از ابتدای سال ۲۰۲۲ به مرحله اجرا رسید، به این صورت که افزایش یارانه از ۱۵۰ هزار ین به ۳۰۰ هزار ین در هر مرحله از درمان تا ۴۰ سالگی تا ۶ بار برای هر فرزند و تا ۴۳ سالگی ۳ بار برای هر فرزند؛

۶- اصلاحات قانون مرخصی پدران در فوریه سال ۲۰۲۱؛

۷- ایجاد مراکز مراقبت از کودکان به‌صورت رایگان برای سنین صفر تا دو سال؛

۸- ترویج برابری جنسیتی؛

۹- اختصاص مبلغ یک میلیون ین به خانواده برای فرزند سوم؛

۱۰- حمایت از بارداری‌های برنامه‌ریزی‌نشده و اینکه آموزش داده شود تا بارداری ناخواسته صورت نگیرد و در عوض زنانی که تمایل به فرزنددار شدن دارند شناسایی شوند و از آنها حمایت شود؛ زیرا هر سال ۱۶۰ هزار سقط جنین در ژاپن اتفاق می‌افتد که بر اساس نظرسنجی‌ها بزرگ‌ترین علت آن دلایل اقتصادی مشخص شده است (Rie Moriizumi, 2021) (守泉 理恵 &).

سیاست‌های تشویق رشد جمعیت و زنان در ژاپن

ژاپن در بین ۲۰۰ کشور به‌لحاظ نرخ باروری در رتبه ۱۷۹ قرار دارد. درواقع ژاپن اولین کشور در آسیا است که با مسئله نرخ باروری پایین روبه‌رو شده است. (Chi-Jen; Lin; Hsiao-Ming; Chang & Chien-Jen, 2020, p. 12). یکی از دلایل عمده کاهش باروری در ژاپن این است که زنان ناچار به انتخاب میان کار یا خانواده هستند و نمی‌توانند سبک‌های کاری متنوعی را انتخاب کنند. از طرفی دیگر، افزایش استخدام موقت و ساعات کاری طولانی باعث شده است که دستیابی به کار و زندگی دلخواه برای مردم ژاپن دشوار شود. تحت ابتکارهای سیاسی قوی، از سال ۲۰۱۰

1. Information and Communication Technologies (ICT)

قانون جدید کمک هزینه اولاد به مرحله اجرا درآمد و بلافاصله پس از آن در سال ۲۰۱۲ اصلاح شد. بر اساس این قانون، کمک هزینه فرزند جدید به خانواده‌هایی که فرزند تا ۱۵ سال دارند پرداخت می‌شود که مقدار آن بر طبق سن فرزندان و سطح درآمد خانواده از ۵۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ ین متغیر است. همچنین کمک هزینه پرورش کودک به والدین تنها، با درآمد کم که دارای فرزند ۱۸ سال به پایین هستند، تعلق می‌گیرد. این کمک هزینه به صورت ماهیانه برای فرزند اول ۴۱,۴۳۰ ین، برای فرزند دوم ۵۰,۰۰۰ ین و برای فرزند سوم و پس از آن هر کدام ۳۰,۰۰۰ ین می‌باشد. پیش از سال ۲۰۱۰ (قبل از این قانون)، تنها مادران تک‌سرپرست واجد شرایط دریافت این کمک هزینه بودند؛ اما امروزه هم مادران و هم پدران تنها می‌توانند آن را دریافت کنند. مقدار این کمک هزینه بر اساس درآمد تمام اعضای خانواده و تعداد فرزندان حساب می‌شود. علاوه بر این، زنان ژاپنی خود ترجیح می‌دهند که برای زایمان، کار را ترک کنند. امروزه تأخیر در ازدواج در میان زنان به دلیل اجتناب آنها در پرداخت هزینه فرصت ترک کار می‌باشد؛ بنابراین اقدام‌ها در جهت سازگاری زندگی کاری با زندگی خانوادگی تبدیل به یکی از مهم‌ترین بخش‌های سیاست دولت ژاپن شده است (Hayashi & et al., 2014).

در کنار برپایی مراکز مراقبت‌های روزانه برای کودکان پیش‌دبستانی و شاگردان سال‌های اول دبستان، امکان مرخصی ۲۴ ماهه با حقوق برای والدین (مادر و پدر) که از زمان نخست‌وزیر سوگا (۲۰۲۰) اجرا شد از بزرگ‌ترین حمایت‌ها برای خانواده‌های دارای فرزند بوده است. در سال ۲۰۱۱، ۸/۸۷ درصد از زنان کارمند از این مرخصی استفاده کردند. اگرچه در میان آنانی که در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۹ اولین فرزند خود را به دنیا آورده‌اند، تنها ۳۸ درصد آنها در سال ۲۰۱۱ در بازار کار مانده‌اند؛ اما آمارها نشان می‌دهد که هنوز هم زنان زیادی پس از زایمان، مرخصی والدین می‌گیرند و بعد از آن کار را ترک می‌کنند. از طرفی دیگر، در سال ۲۰۱۱ تنها ۶۳/۲ درصد از مردان مرخصی والدین استفاده کرده‌اند؛ بنابراین، دولت توسط همین اقدام‌ها در جهت سازگاری زندگی کاری با زندگی خانوادگی اقدام‌هایی به منظور تشویق بیشتر پدران به استفاده از مرخصی والدین انجام داده است (Hayashi & et al., 2014).

سیاست‌های افزایش باروری، تنها محدود به اقدام‌های اجتماعی نمی‌باشد بلکه در زمینه خدمات بهداشتی نیز باید برنامه‌هایی اجرا شود. در سال ۱۹۶۵ در ژاپن قانونی با نام قانون سلامت مادر و کودک تصویب شد. تحت این قانون، معاینه عمومی و مشاوره‌های سلامتی توسط انجمن‌های محلی برای مادرانی که در هفته بیست و

سوم یا بیشتر دوران بارداری خود هستند و یا فرزندان تا سه سال دارند، به صورت رایگان انجام می شود. دفتر سلامت مادر و نوزاد در اختیار تمام مادران قرار می گیرد. در اوایل قرن بیست، مرگ و میر نوزادان در ژاپن، در هر هزار تولد حدود ۱۵۰ تا ۱۶۰ نوزاد بود، اما از دهه ۱۹۲۰ این تعداد به شدت کاهش یافت و در سال ۱۹۷۵ به کمتر از ۱۰ نوزاد رسید. در سال ۲۰۱۱ این تعداد ۲/۳ بود که در میان کشورهای توسعه یافته پایین ترین میزان است. در نتیجه، می توان سلامت مادر و نوزاد را یکی از پیروزی های سیاست ژاپن به حساب آورد.

۵-۲-۲. سیاست های مهاجرتی دولت ژاپن در قبال سالخوردگی جمعیت

ژاپن برای احیای اقتصاد خود باید شکاف ایجاد شده در بازار نیروی کار را پر کند. عرضه نیروی کار تنها از سه طریق می تواند افزایش یابد: ۱- افزایش نرخ تولد؛ ۲- افزایش نرخ مشارکت زنان؛ ۳- ورود نیروی کار خارجی. در میان راه حل های ارائه شده، سریع ترین راه، افزایش و تشویق مهاجرت نیروی خارجی به منظور پاسخگویی به نیاز نیروی کار ماهر است (Imrohoroglu & et al., 2015, p. 1).

ایده پذیرش مهاجران ماهر برای اولین بار در سال ۲۰۰۰ از طرف وزارت دادگستری مطرح شد. این ایده در آن زمان بسیار مورد پذیرش قرار گرفت؛ زیرا پیشنهاد می کرد که ژاپن باید حداقل به امکان پذیرش پرستاران خارجی برای مراقبت از سالمندان توجهی جدی داشته باشد چون که کمبود نیروی کار ماهر به وضوح در این بخش وجود داشت؛ همچنین قرارداد مشارکت اقتصادی با فیلیپین، اندونزی و ویتنام که توسط نخست وزیر اسبق، آقای کویزومی به امضاء رسید، نشان دهنده به رسمیت شناختن کمبود نیروی کار در این بخش بود. با توجه به برنامه آموزش کارآموز تخصصی، پذیرش پرستاران دارای مدرک و کارکنان خدمات پرستاری اموری هستند که نیاز به بررسی و اصلاحات دارند. کارکنان خدمات پرستاری به عنوان بخشی از سهمیه پذیرش کارکنان خارجی تحت برنامه آموزش کارآموز تخصصی پذیرفته شده بودند. ولیکن توسعه پذیرش این برنامه دشوار بود و سرانجام این قرارداد لغو شد (Kodama, 2015). به صورت کلی، امر مهاجرت در قلمرو قدرت وزارت دادگستری قرار دارد. این وزارت و وزارت کار، بهداشت و رفاه اجتماعی طرفدار سیاست های محافظه کارانه در قبال مهاجرت هستند؛ اما وزارت امور خارجه حامی سیاست های بازتر و کمتر محافظه کارانه است؛ همچنین، اتحادیه های کارگری ژاپن مخالف ورود حتی کارکنان ماهر خارجی هستند و اتحادیه پرستاران ژاپنی نیز شدیداً مخالف ورود پرستاران از آسیای جنوب شرقی می باشند. دلیل آن به خاطر دو

عامل است. اول، ترس از اینکه کارکنان خارجی مشاغل را از دست کارکنان ژاپنی بربایند، دوم، هزینه‌های اجتماعی مربوط به اسکان مهاجران خارجی، یک بار اساسی برای ژاپن است. در سال ۲۰۰۰ اصلاح‌هایی در مورد ورود کارکنان غیرماهر نیز انجام شد و ورود آنها به ژاپن را تنها تحت شرایط خاص ممکن شد (Llewelyn, James. Junichi, 2009). دستیابی به انباشت سرمایه انسانی در کشورهای توسعه‌یافته امری آسان نیست. سیاست مهم و قدیمی ژاپن در این رابطه، اجرای برنامه «کارآموزی» است. بر اساس این برنامه، متقاضیان خارجی ابتدا باید آموزش لازم در حرفه مدنظر خود را در ژاپن ببینند و سپس می‌توانند به مدت حداکثر سه سال در ژاپن به‌عنوان کارآموز کار کنند. این برنامه منبعی معتبر برای دستیابی به نیروی کار مقرون‌به‌صرفه در بخش تولید و صنایع ساخت‌وساز است. ژاپن اکثر نیروی انسانی مورد نیاز خود را از جنوب و شرق آسیا از طریق این برنامه جذب می‌کند. کارآموزان تحت این برنامه تنها می‌توانند در مدتی محدود در ژاپن بمانند، در نتیجه به‌نظر می‌رسد که این قانون راهی مناسب برای از سرگذراندن مسائل مربوط به اسکان طولانی‌مدت و مسائل اجتماعی حضور نیروی کار خارجی است؛ همچنین، کارکنان غیرماهر خارجی می‌توانند با ویزای تحصیلی دیپلم، دوره کارشناسی و یا کارشناسی ارشد وارد ژاپن شوند. این دانشجویان اجازه دارند که تا سقف ۲۰ ساعت در هفته کار کنند، البته معمولاً بیش از این میزان کار می‌کنند. بسیاری از رستوران‌های زنجیره‌ای ارزان و فروشگاه‌های زنجیره‌ای در شهرهای بزرگ ژاپن، روی دانشجویان خارجی به‌عنوان منبع نیروی کار حساب می‌کنند. در سال ۲۰۰۸ دولت ژاپن اعلام کرد که قصد دارد تا سال ۲۰۲۰ به ۳۰۰,۰۰۰ دانشجوی خارجی پذیرش بدهد و ظاهراً هدف آن ساختن «ملتی بازتر رو به دنیا» بوده است.

دولت ژاپن در اوایل سال ۲۰۱۴ اعلام کرد که برنامه‌ای در رابطه با نیروی کار مهمان در نظر گرفته است. در این برنامه پیش‌بینی شده بود که در دوره‌ای ده‌ساله ۲۰۰ هزار نفر نیروی کار خارجی پذیرفته شود (Imrohorglu & et al., 2015). در سال ۲۰۱۴، هیئت دولت راهبرد احیای ژاپن که شامل به‌کارگیری کارکنان خارجی بود را به‌عنوان یکی از اهداف از زیرمجموعه «اصلاح سیستم استعدادی - تقویت منابع انسانی» ارائه داد. حمایت‌های اصلی برای این سیاست، تقویت رقابت در کسب منابع انسانی و احیای اقتصاد ژاپن از طریق فراهم‌سازی محیطی برای پذیرش کارکنان خارجی با مهارت بالا و اصلاح اساسی برنامه آموزش تخصصی کارآموز است. علاوه‌براین، در این راهبرد استفاده از نیروی کار زنان خارجی نیز وجود دارد که

تلفیق این دو با هم «رکن سوم» ابه نومیکس^۱ (راهبرد رشد) را تشکیل می‌دهد که تغییری بزرگ در سیاست پذیرش کارکنان خارجی است (Kodama, 2015).

تا سال ۲۰۱۸، قانون مهاجرت ژاپن اقامت کاری را فقط به متخصصان بسیار ماهر اعطا می‌کرد. سایر کارگران خارجی در گروه‌هایی مانند کارآموزان فنی از کشورهای در حال توسعه در چهارچوب برنامه‌های کم‌کمرسانی و دانشجویانی که به‌صورت پاره‌وقت کار می‌کردند، گنجانده شدند. در دسامبر ۲۰۱۸، دولت ژاپن قانون جدیدی را تصویب کرد که وضعیت جدید روادید (ویزا) را برای دو دسته از کارگران تعریف می‌کرد: دسته اول، کارگران خارجی با مهارت‌های حرفه‌ای در رشته‌های مشخص که مجازند تا پنج سال در کشور بمانند؛ اما نمی‌توانند خانواده خود را بیاورند. دسته دوم که محدودتر هستند، خارجی‌هایی که مهارت‌های پیشرفته‌تری دارند، که مجاز هستند خانواده‌های خود را نیز بیاورند و به‌طور نامحدود در کشور بمانند. این اولین بار در دوره پس از جنگ است که ژاپن به‌طور رسمی کارگران خارجی یقه آبی^۲ را می‌پذیرد. مقرر شده بود که از زمان اجرای این طرح از آوریل ۲۰۱۹ دولت در مدت پنج سال ۳۴۵۰۰ نفر را جذب کند؛ اما در پایان دسامبر ۲۰۱۹، تنها ۱۶۲۱ کارگر یعنی ۳ درصد تحت این طرح پذیرفته شده بودند. حقیقت این است که بسیاری از شرکت‌های ژاپنی در برابر استخدام کارگران خارجی مقاومت می‌کنند؛ زیرا نگران جنبه‌هایی مانند هزینه‌های اضافی برای آموزش و مسائل فرهنگی احتمالی هستند (D'Ambrogio, 2020, p. 8).

۵-۲-۳. سیاست‌های فناورانه دولت ژاپن در قبال سالخوردگی جمعیت

در سال ۲۰۰۷ نخست‌وزیر آبه به‌منظور مقابله با سالخوردگی جمعیت و کاهش نرخ تولد، طرحی تحت عنوان «نوآوری ۲۵» ارائه داد. دلیل وجود ۲۵ در نام‌گذاری این طرح، اجرایی شدن برنامه‌های آن تا سال ۲۰۲۵ بود. در این طرح ربات‌ها به‌عنوان عضوی از خانواده معرفی شدند. در طرح نوآوری ۲۵، مادر خانواده به‌دلیل پیشرفت فناوری و وجود ربات‌ها، دیگر وظایف خانه‌داری و پرورش کودکان را ندارد، در نتیجه فرصت می‌یابد که هم برای خود کاری پیدا کند و هم فرزندان بیشتری به دنیا آورد.

1. Abenomics

۲. کارگر یقه‌آبی عضوی از طبقه کارگر است که به‌کارهای یدی اشتغال دارد و به‌صورت ساعتی حقوق می‌گیرد (ویکمن، ۲۰۱۲).

اعضای خانواده ژاپنی در نوآوری ۲۵ به‌عنوان فرانس‌انسان^۱ به تصویر کشیده‌اند. این طرح توسط کمیته‌ای متشکل از اعضای کابینه دولت با ۵ چشم‌انداز اصلی سازمان‌دهی شده است: ۱- جامعه‌ای که سبک زندگی سالم را ممکن می‌کند؛ ۲- جامعه‌ای امن و راحت؛ ۳- جامعه‌ای که سبک زندگی چندبُعدی را ممکن می‌کند؛ ۴- جامعه‌ای که در حل کردن مسائل جهانی مشارکت می‌کند؛ ۵- جامعه‌ای باز رو به جهان (Schoppa & et al., 2008).

طرح نوآوری ۲۵، برنامه‌ریزی صحیح و آینده‌نگری چندانی نداشت و بیشتر شبیه به رویایی بی‌اساس بود. به‌همین دلیل آقای آبه به همراه وزرا و چندی از دانشمندان در این باره جلسات متعددی برگزار کردند و برنامه‌ریزی کاربردی در این راستا ارائه دادند تا اینکه در سال ۲۰۱۴ این طرح به‌صورتی کامل‌تر با بازه زمانی پنج‌ساله یعنی تا سال ۲۰۲۰ با عنوان «راهبرد جدید رباتیک» تصویب شد (بخش ماشین آلات صنعتی، دفتر صنایع تولیدی، وزارت اقتصاد، تجارت و صنعت، ۲۰۱۵). هدف این طرح اجرای برنامه‌ای پنج‌ساله برای گسترش استفاده از ربات‌ها به‌منظور غلبه بر چالش‌های اجتماعی مربوط به کاهش نرخ تولد، سالخوردگی جمعیت و کاهش بهره‌وری در بخش‌های تولیدی و خدماتی، افزایش استفاده از ربات‌ها در اجرای عمل‌های جراحی و ترمیم خسارت‌های بلایای طبیعی در کشور زلزله‌خیز ژاپن و افزایش ربات‌های پرستار بود (Isabel Reynolds, Ting Shi, 2015). جالب این است که ۴۰۰ خانه سالمندان در دانمارک از ربات‌های ژاپنی برای مقابله با آلزایمر و جلوگیری از زوال عقل سالمندان استفاده می‌کنند (D'Ambrogio, 2020).

تا کنون اقدام‌های متعددی توسط نهاد نخست‌وزیری و وزارت اقتصاد، تجارت و صنعت ژاپن در خصوص معرفی سیاست‌های فناورانه انجام شده است و به طرح پایه‌ای علم و فناوری ۲۰۱۶-۲۰۲۱ ختم شده است. در این طرح، مجدد قول داده شده که دستگاه‌های رباتیک و فناوری اطلاعات و ارتباطات در خدمات مراقبتی ارتقا داده شود. با توجه به اینکه وضعیت نیروی کار در بخش‌های مراقبتی به‌شدت وخیم شده است، وزارت بهداشت، کار و رفاه اجتماعی ژاپن^۲ نیز که در ابتدا با معرفی دستگاه‌های رباتیک و فناوری اطلاعات و ارتباطات مخالف بود، اکنون از طرح پزشکی الکترونیک حمایت می‌کند. در گزارشی راهبردی در سال ۲۰۱۹ توسط این وزارت

۱. فرانس‌انسان، اشاره به انسان‌هایی دارد که فعالیت‌های فردی و جمعی آنها با استفاده از فناوری، بیش از انسان‌های معمولی است. فرانس‌انسان‌ها درمانگاه‌ها و انیمه‌های معاصر ژاپنی وجود دارند.

2. Ministry of Health, Labor and Welfare of Japan (MHLW)

- اعلام شد که خدمات پزشکی و مراقبتی باید با پیروی از چهار راهبرد محقق شود:
- ۱- اصلاح اساسی در افزایش استفاده از دستگاه‌های رباتیک و فناوری اطلاعات و ارتباطات؛
 - ۲- اصلاح مدیریت سلامت؛
 - ۳- روی آوردن شهروندان مسن به پزشکی الکترونیکی؛
 - ۴- همکاری بخش خصوصی در این طرح (Vogt & König, 2021).

۵-۲-۴. سیاست‌هایی در جهت رفاه حال سالمندان و افزایش بهره‌وری آنان

با ادامه روند سالخوردگی جمعیت و پیشی گرفتن امید زندگی در ژاپن از همه کشورهای عضو جی ۲۰^۱ از سال ۱۹۸۷ تاکنون، قانون «اقدام‌های اساسی برای جامعه سالخورده» (مصوب سال ۱۹۹۵) در سال ۲۰۲۱ مجدداً بازبینی شد. هدف این قانون سه مورد است:

- ۱- ساختن جامعه‌ای بدون در نظر گرفتن سن افراد تا مردم جامعه با هر سنی بتوانند با حداکثر توانایی خود نقش فعالی در جامعه داشته باشند؛
 - ۲- توسعه زیرساخت‌ها در جامعه که سالمندان بتوانند به راحتی به امکانات مختلف در محل زندگی خود دسترسی یابند؛
 - ۳- استفاده از فناوری در جهت استفاده آسان‌تر و بهتر از امکانات جامعه.
- بر اساس این قانون دولت شورای مقابله با سالخوردگی را در دفتر کابینه ایجاد کرده، پیش‌نویس طرح کلی اقدام‌های مقابله‌ای جامعه سالمند را تهیه نموده و با هماهنگی با سازمان‌های اداری مرتبط در حال ترویج اجرای این اقدام‌هاست. این طرح بر اساس دو حقیقت موجود در جامعه ژاپن نوشته شده است:
- ۱- افراد مسن ژاپنی بسیار جوان‌تر از سن خود هستند؛
 - ۲- سالمندان ژاپنی انگیزه بالایی برای برقراری ارتباط با جامعه دارند. این طرح متمرکز بر شش حوزه زیر است:
- یک. اشتغال: بهبود محیط برای دست یافتن به جامعه‌ای که مردم آن در هر سنی که هستند، در صورت تمایل و اشتیاق، بتوانند کار کنند و یا به کار خود

۱. اعضای جی ۲۰ متشکل از وزرای اقتصاد (دارایی) و مسئولان بانک‌های مرکزی بیست اقتصاد برتر دنیاست. این کشورها قدرتمندترین کشورها در زمینه اقتصاد هستند که در مجموع ۸۵ درصد کل اقتصاد جهانی و دوسوم جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند.

ادامه دهند. به عبارتی دیگر، سن بازنشستگی را افزایش دهند؛ دو. سلامت و رفاه: ارتقای همه‌جانبه نظام سلامت و بهره‌برداری پایدار از سیستم بیمه مراقبت بلندمدت؛ سه. یادگیری و مشارکت: ارتقای آموزش‌های مرتبط با جامعه سالخورده و به‌طور خاص تعمیق درک کودکان و دانش‌آموزان از مسائل جامعه سالخورده در مقاطع دبستان و راهنمایی و دبیرستان؛ چهار. محیط زندگی: تضمین محیط زندگی غنی و پایدار، توسعه شهری مناسب با جامعه سالخورده، ایمنی ترافیک؛ پنج. تحقیق و توسعه: استفاده از فناوری‌های پیشرفته، احیای بازار مربوط به سالمندان، تحقیق و توسعه در زمینه مراقبت‌های پزشکی، توسعه تجهیزات مرتبط با مراقبت‌های طولانی‌مدت، تحقیق‌ها در مورد بیماری‌ها و واکسیناسیون سالمندان (با توجه به اینکه در سال ۲۰۱۶ ذات‌الریه سومین علت مرگ‌ومیر در ژاپن بوده است) و به اشتراک گذاشتن این علوم با سایر کشورها؛ شش. مشارکت فعال برای همه نسل‌ها: ترویج اقدام‌هایی در جهت ساختن جامعه‌ای که در آن مردم از همه سنین مشارکت فعالانه داشته باشند (Naikakufu, 2013).

ارتقای سلامت سالمندان یکی دیگر از برنامه‌های ژاپن در زمینه افزایش بهره‌وری و مشارکت بیشتر سالمندان به‌عنوان نیروی کار و همچنین افزایش مزایای اقتصادی است. ارتقای سلامت سالمندان منجر به کاهش هزینه‌های پزشکی، سلامت بیشتر سالمندان و ساعت‌های کار بیشتر و افزایش ساعت‌های تولید و در نتیجه افزایش نرخ پس‌انداز و افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است (Castro & et al., 2017). در حوزه رفاه و سلامت سالمندان در سال ۲۰۱۹ قانون «ارتقای اقدام‌های زوال عقل» در دولت تصویب شد که هدف آن جامعه‌ای بود که شروع زوال عقل را در سالمندان به تأخیر بیندازد و به آنها اجازه بدهد که زندگی روزمره خود را با امید بیشتری زندگی کنند حتی اگر زوال عقل داشته باشند (文彦 (Hishiya Fumihiko), 2021).^۲ در زمینه اشتغال سالمندان، به‌عنوان مثال در استان توشیمای ژاپن با استفاده از فناوری رباتی تحت عنوان «لباس کمکی برقی» به سالمند کمک می‌شود که با پوشیدن این لباس (درواقع ربات) بتواند راحت‌تر کار و فعالیت انجام دهد. همچنین در

1. <http://gooddo.jp>

2. <http://www.kantei.go.jp>

جهت مشارکت اجتماعی بیشتر سالمندان و پیشگیری از انزوای آنان، در ژوئن ۲۰۱۹ «کافه تریا بزرگسالان» در مرکز مقابله با ضعف و بیماری هیگاشی ایکوبوکورو (تأسیس ۲۰۱۹)، ساخته شده است که این مرکز روزانه بیش از ۳۰ نفر مراجعه کننده دارد و در آن خدمات سلامت برای سالمندان ارائه می شود. در این کافه تریا هر چهارشنبه یک وعده غذای ۳۰۰ ینی به سالمندان داده می شود. از طرفی دیگر، طرح های مختلفی برای غربالگری سنین ۷۰ به بالا در زمینه زوال عقل و شناسایی افرادی که مشکوک به زوال عقل هستند، صورت می گیرد؛ همچنین انحلال خانه های خالی و جلوگیری از انزوای اجتماعی سالمندان و جمع آوری اطلاعات در مورد سلامتی سالمندان به صورت خانه به خانه صورت می گیرد (保健福祉部, 2020).

۵-۲-۵. سیاست های بین المللی ژاپن در زمینه جامعه سالخورده سالم

از جمله فعالیت های ژاپن در حوزه سالخوردگی جمعیت، همکاری بین المللی این کشور با کشورهای آ.سه.آ. است که هدف آن توسعه منابع انسانی برای ترویج سبک زندگی سالم، پیشگیری از بیماری ها و افزایش استانداردهای مراقبت های بهداشتی در کشورهای آ.سه.آ. است که این طرح تحت عنوان «پوشش جهانی سلامت ژاپن - آ.سه.آ. (UHC)»^۱ انجام می گیرد (D'Ambrogio, 2020; Gee & Schneider, 2020). همچنین در سال ۲۰۱۸ تفاهم نامه همکاری بین ژاپن و اتحادیه اروپا امضاء شد به این منظور که اروپا بتواند از تجربه های ژاپن در مسائلی مربوط به چالش های جمعیت در آینده و فناوری در اشتغال (استفاده از ربات ها به جای افراد و یا ربات کمکی برای ادامه کار سالمندان) استفاده کند؛ زیرا اروپا در مسیر رسیدن به وضعیت جمعیتی حال حاضر ژاپن است (Gee & Schneider, 2020).

«طرح سلامت و رفاه آسیا (AHWIN)»^۲ در سال ۲۰۱۶ تصویب و در سال ۲۰۱۸ بازنگری شد. این طرح چهار هدف را دنبال می کند:

- ۱- مراقبت طولانی مدت به شیوه ژاپنی به آسیا معرفی شود؛
- ۲- ساماندهی آموزش برای اتباع خارجی با توجه به قانون کارآموزان فنی خارجی برای ورود کارمندان خارجی و اعزام کارمندان ژاپنی به خارج از کشور؛
- ۳- حمایت از گسترش کسبوکار افراد متخصصی که در ژاپن مراقبت های پزشکی را فراگرفته و به کشور خود باز می گردند (سازمان هایی مثل جایکا و جترو این

1. Japan-ASEAN Universal Health Coverage (UHC)

2. Asia Health and Wellbeing Initiative (AHWIN)

بخش را بر عهده دارند؛

۴- ارتباط و گفت‌وگو با سایر کشورها.

همچنین در آگوست ۲۰۱۶ «ششمین همایش بین‌المللی توکیو در مورد سلامت آفریقا (TICAD VI)»^۱ برگزار شد که موضوع بحث آن سلامتی بود و قراردادی برای اجرای طرح UHC در آفریقا بسته شد (D'Ambrogio, 2020; Gee & Schneider, 2020). هدف این قراردادها، تلاش برای ارتقای صنعت مرتبط با مراقبت پرستاری و توسعه منابع انسانی اعلام شد.

در جهت پیشگیری از بیماری در آسیا و آفریقا، در سال ۲۰۱۹ تفاهم‌نامه همکاری با فیلیپین، ویتنام، اوگاندا، سنگال، تانزانیا، غنا و زامبیا امضاء شد. ارسال مراقبت‌های پزشکی و پزشک از ژاپن به این کشورها و انتقال پزشک از این کشورها به ژاپن از اهداف این تفاهم‌نامه است (Gee & Schneider, 2020). ولیکن در اکتبر ۲۰۱۹ بیانیه‌ای اعلام شد که تمامی مواد تفاهم‌نامه‌ها را باید با تمرکز بر سالخوردگی جمعیت انجام داد (D'Ambrogio, 2020).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پدیده سالخوردگی متأثر از دو تغییر طبیعی و اجتماعی کاهش میزان باروری و افزایش امید زندگی می‌باشد. هر دو ویژگی فوق می‌توانند به‌خودی‌خود پدیده‌هایی منفی نباشند. کاهش باروری مشخصه بارز جوامع مدرن تلقی می‌شود و افزایش امید زندگی نشان از افزایش رفاه نسبی و کاهش مرگ‌ومیر است. درواقع مسئله اساسی زمانی ایجاد می‌شود که اولاً، کاهش باروری به سطحی برسد که جبران کاهش جمعیت (به‌دلیل مرگ‌ومیر و...) را نکند؛ ثانیاً، سرعت حرکت به سمت جامعه سالخورده آنقدر بالا باشد که زیرساخت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی متناسب با آن فراهم نباشد. به این دلیل است که سالخوردگی جمعیت می‌تواند بزرگ‌ترین مشکل جامعه جهانی به‌لحاظ فرهنگی و اقتصادی شود.

مقایسه روند سالخوردگی جمعیت در ایران با ژاپن و جهان نشان داد که بر اساس آمار پیش‌بینی رشد جمعیت توسط سازمان ملل، سالخوردگی جمعیت در ایران در دوره‌ای بالنسبه کوتاه‌تر و با سرعتی بیشتر از ژاپن و جهان خواهد بود. ژاپن در ۲۴ سال تبدیل به جامعه‌ای سالخورده شد. این در حالی است که پیش‌بینی می‌شود این دوره در جهان بیش از ۳۸ سال و در ایران حدود ۱۸ سال به‌طول

1. Sixth Tokyo International Conference on African Development (TICAD VI)

انجامد. افزایش متولدین دوران جنگ جهانی دوم در ژاپن و افزایش متولدین پس از وقوع انقلاب اسلامی و اوایل وقوع جنگ ایران و عراق در ایران دو پدیده مهم تأثیرگذار بر ساختار جمعیت در دو کشور در دو مقطع تاریخی متفاوت است که موجب بروز شباهتهایی در ترکیب و ساختار سنی جمعیت ایران در سال ۲۰۲۱ با جمعیت ژاپن در سال ۱۹۸۰ شده است.

در رابطه با سیاست‌های ژاپن برای افزایش نرخ باروری و میزان موفقیت آنها، گزارش‌های موجود نشان می‌دهد که اقدام‌های دولت ژاپن در کاهش سرعت حرکت به سمت جامعه فوق‌سالخورده و افزایش نرخ تولد چندان موفقیت‌آمیز نبوده است. یکی از دلایل این عدم موفقیت می‌تواند اجرای دیر هنگام این سیاست‌ها باشد؛ یعنی در زمانی که ژاپن به جامعه سالخورده با میزان باروری بسیار پایین تبدیل شده بود. ژاپن جزء کشورهای با درآمد سرانه بالا و رفاه بالای اجتماعی قرار گرفته است. حرکت سریع ژاپن به سمت جامعه‌ای سالخورده اگرچه جلوی رشد اقتصادی بالا در ژاپن را گرفته اما موجب بروز شوک اقتصادی نشده است. چون تغییر ساختار جمعیت پس از دوره رشد سریع اقتصادی در شرایطی رخ داده که ساختار صنعتی این کشور به صنایع با فناوری بالا تبدیل شده و بهره‌وری ملی به شدت افزایش یافته و در نتیجه وابستگی به نیروی کار غیرماهر به شدت کاهش یافته است. ایران در مقایسه با ژاپن و دنیا هنوز جامعه‌ای سالخورده نیست و دارای سهم مناسبی از نیروی کار است؛ لذا فرصت استفاده از ظرفیت نیروی کار را دارد. افزایش میزان باروری از ۱,۸۱ در سال ۲۰۰۸ به ۲,۱۵ در سال ۲۰۱۹ در ایران اگرچه بسیار بطئی است؛ اما حاکی از وجود ظرفیت باروری می‌باشد.

دولت ژاپن به غیر از سیاست‌های تشویق باروری که در بخش مربوطه به‌طور مختصر توضیح داده شد، سیاست‌های دیگری را با هدف ترمیم جمعیت و افزایش جمعیت فعال اتخاذ نموده که از جمله آنها تغییر قوانین مربوط به مهاجرت با هدف پذیرش مهاجران ماهر بود. نتایج اجرای این سیاست که برای اولین بار در سال ۲۰۰۰ مطرح شد در قالب اولیه آن چندان موفقیت‌آمیز نبود. به همین دلیل قوانین مربوطه در قالب راهبرد احیای مناطق از سال ۲۰۱۴ به بعد چندین بار اصلاح شدند. با توجه به شیوع ویروس کرونا در چند سال اخیر، امکان ارزیابی درستی از این سیاست‌ها فراهم نیست. سیاست دیگری که دولت ژاپن در مواجهه با سالخوردگی جمعیت با هدف تعریف جامعه سالخورده سالم اجرا نمود، استفاده از فناوری‌های جدید و به‌طور مشخص اجرای برنامه‌ای پنج‌ساله برای گسترش استفاده از ربات‌ها به‌منظور غلبه بر

چالش‌های اجتماعی مربوط به سالخوردگی این سیاست‌ها که برای ساختن جامعه‌ای بدون در نظر گرفتن سن افراد در حال اجرا هستند، درواقع در حال ایجاد زیرساخت‌های لازم در جامعه‌ای فوق‌سالخورده است. ژاپن در سال‌های اخیر همکاری بین‌المللی خود را با دیگر کشورها ازجمله کشورهای آ.سه.آن و اتحادیه اروپا برای معرفی تجربه‌های خود در مواجهه با جامعه‌ای فوق‌سالخورده گسترش داده و تفاهم‌نامه‌هایی را در این رابطه منعقد نموده است.

سیاست‌های اتخاذ شده در ژاپن و میزان اثرگذاری آنها درس‌های مهمی را برای جامعه رو به سالخوردگی ایران دارد. این تجربه نشان می‌دهد که:

۱- لازم است در تدوین سیاست‌های اجتماعی به حافظه تاریخی جامعه توجه ویژه نمود. تصمیم‌گیری خانوارها و نحوه مواجهه آنها با سیاست، تحت تأثیر این حافظه تاریخی قرار دارد. موضوعی که در برنامه‌های افزایش باروری در ژاپن مورد تأکید قرار گرفته و به‌صورت شفاف مطرح شده است.

۲- اتخاذ سیاست‌های چندوجهی و ترکیبی یکی دیگر از ویژگی‌های مهم برنامه‌های مربوط به رشد جمعیت در ژاپن است که به‌نظر می‌رسد می‌تواند در ایران مورد استفاده قرار گیرد؛ برای نمونه اجرای سیاست تشویق افزایش مولید و همزمان سیاست پذیرش مهاجر خارجی (متناسب با نیاز بازار کار) با هدف احیای مناطق خالی از سکنه.

۳- مطالعه جزئیات سیاست‌های اتخاذ شده در ژاپن نشان می‌دهد که شناسایی عوامل فرهنگی کاهش باروری زنان مانند فرهنگ کار، تبعیض جنسیتی در محیط کار و خانواده اهمیت به‌سزایی دارد. به این دلیل ارائه برنامه‌های مناسب فرهنگی در کنار مشوق‌های مالی لازم و ضروری است.

فهرست منابع

- زایتس، جان (۱۳۸۰). *مسائل جهانی*. ترجمه عشرت فرودی، تهران: فرهنگ و اندیشه سرایی، حسن (۱۳۷۶). گذار جمعیتی ایران: ملاحظات مقدماتی. *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۵(۹)، ۱-۱۸.
- فتحی، الهام (۱۳۹۸). *بررسی روند تغییرات ساختار و ترکیب جمعیت کشور و آینده آن تا افق ۱۴۳۰ شمسی بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵*. مرکز آمار ایران.
- قویدل، صالح و میرغیائی مرادی، نسیم (۱۳۹۶). *پیری جمعیت، امید به زندگی و رشد اقتصادی*. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۷۳(۲۲)، ۱۵۹-۱۹۶.
- کاشانیان، زهرا؛ راغفر، حسین و موسوی، میرحسین (۱۳۹۸). *پیامدهای اقتصادی سالمندی جمعیت بر اقتصاد ایران (مدل تعادل عمومی نسل‌های هم‌پوش)*. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۷۸(۲۴)، ۳۱-۶۰.
- کونوسکی ماتسوشیتا (۱۳۷۶). *دیدگاه‌های من*. ترجمه باقر ولی‌بیگ و زهرا روغنی، تهران: رسا.
- محمدزاده، پرویز و احمدزاده، خالد (۱۳۸۵). *بررسی اثر ساخت سنی جمعیت روی تابع بلندمدت مصرف*. *پژوهشنامه اقتصادی*، ۶(۲۲)، ۱-۲۸.
- محمدی، ثریا؛ یزدانی چراتی، جمشید و موسوی نسب، نورالدین (۱۳۹۶). *شناسایی عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت ایران در سال ۱۳۹۵*. *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، ۲۷(۱۵۵)، ۷۱-۷۸.
- مهرگان، نادر و رضائی، روح‌الله (۱۳۸۸). *اثر ساختار سنی جمعیت بر رشد اقتصادی*. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۱۳(۳۹)، ۱۳۷-۱۴۶.
- نولان، پاتریک و لنسکی، گ. ا. (۱۳۹۱). *جامعه‌های انسانی*. ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

Abe, aya. Y. C. (2003). *Preface*.

Andersson, B. (2001). Scandinavian evidence on growth and age structure. *Regional Studies*, 35(5), 377-390.

Atoh, M. & Akachi, M. (2002). Low fertility and family policy in Japan. *Journal of Population and Social Security*, (1), 1-30.

Castro, M. C.; Wilson, M. E.; Bloom, D. E.; Castro, M. C.; Wilson, M. E. & Bloom, D. E. (2017). *PROGRAM ON THE GLOBAL DEMOGRAPHY OF A GING AT HARVARD Working Paper Series Disease and economic burdens of dengue Dengue 1 Disease and*

- economic burdens of dengue. *The Lancet Infectious Diseases*, (136).
- Chi-Jen, Lin, Hsiao-Ming, Chang & Chien-Jen, H. (2020). *The Impact of Low Fertility in East Asia: A Case Study of Low Fertility Crisis Management in Japan* (pp. 11–18). Asian Journal of Education and Social Studies.
- CHIAVACCI, D. (2021). Jinkō Mondai to Imin: Nihon no Jinkō - Kaisō Kōzoku wa Dō Kawaru ka (Population Problems and Immigration: How Is Japan's Population and Social Structure Changing?). *Social Science Japan Journal*, 24(1), 245–248.
- Chorbani, Z. (2022). Changes in the ideal of childbearing and its causes in Iran between 2004 and 2015. *Journal of Woman and Family Studies*, 10(3), 53–76.
- D'Ambrogio, E. (2020). Continental democracies Japan 's ageing society. *Members' Research Service*, December.
- Gee, H. H. & Schneider, T. (2020). Shrinkanomics: Policy Lessons from Japan on Aging. *Finance & Development*, March 2020, 20–23. <https://www.imf.org/external/pubs/ft/fandd/2020/03/shrinkanomics-policy-lessons-from-japan-on-population-aging-schneider.htm>
- H. Malekafzali. (2004). POPULATION CONTROL AND REPRODUCTIVE HEALTH IN THE ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN. *Archives of Iranian Medicine*, 7(4), 247–250.
- Hanaoka, C. & Norton, E. C. (2008). Informal and formal care for elderly persons: How adult children's characteristics affect the use of formal care in Japan. *Social Science & Medicine*, 67(6), 1002–1008.
- Hayashi, R.; Kojima, K.; Yamamoto, K.; Izumida, N.; Shirase, Y.; Abe, A.; Katsumata, Y.; Kaneko, Y. & Sakai, T. (2014). *Social Security in Japan*. 1–64.
- Imrohoroglu, S.; Imrohoroglu, S. & Fellow, S. I. (2015). *Guest Workers: Japan 's Solution to Aging ?* 1–5.
- Isabel Reynolds, Ting Shi & R. K. (2015). Japan's Shinzo Abe hopes "robot revolution" can replace ageing workforce. *Financial REWIEW*. <https://www.afr.com/markets/equity-markets/japans-shinzo-abe-hopes-robot-revolution-can-replace-ageing-workforce-20150529-ghc7ng>
- Kodama, T. (2015). Japan's Immigration Problem: Looking at immigration through the experiences of other countries. *Japan's Economy*, 2015(May), 1–16.
- Lee, B. S. & Lin, S. (1994). Government size, demographic changes, and economic growth. *International Economic Journal*, 8(1), 91–108.
- Llewelyn, James. Junichi, H. (2009). *Ejcjs-Importing Human Capital_ Contemporary Japanese Attitudes to Immigration*.
- LONG, S. O.; CAMPBELL, R. & NISHIMURA, C. (2009). Does It Matter Who Cares? A Comparison of Daughters versus Daughters-in-Law in Japanese Elder Care. *Social Science Japan Journal*, 12(1), 1–21.
- Mehri, N.; Messkoub, M. & Kunkel, S. (2019). *Working Paper Trends , determinants and the implications of population aging in Iran*. 646.
- Muramatsu, N. & Akiyama, H. (2011). Japan: super-aging society

- preparing for the future. *The Gerontologist*, 51(4), 425–432.
- Naikakufu. (2013). 平成 25 年度 高齢社会対策.
- Schoppa, L.; Leblanc, R.; Yamanaka, K. & Robertson, J. (2008). Asia Program. *Program*, (141), 1–44.
- Vogt, G. & König, A. S. L. (2021). Robotic devices and ICT in long-term care in Japan: Their potential and limitations from a workplace perspective. *Contemporary Japan*, 00(00), 1–21. <https://doi.org/10.1080/18692729.2021.2015846>
- XIANFANG, Y. (2021). 日本と中国における老後保障制度の現状と課題.
- 保健福祉部. (2020). 令和元年度 第 2 回 豊島区総合高齢社会対策推進協議会. 1–12. <https://www.city.toshima.lg.jp/469/kuse/documents/2materials.pdf>
- 加藤典子(kato noriko). (2021). 独居高齢者の現状と課題に関する文献研究(Literature research on the current situation and issues of the elderly living alone). 49–73.
- 吉野直行, 宮本弘暁, 高野佳佑(Naoyuki Yoshino, Miyamoto, H. & Keisuke Takano). (2021). 高齢化のもとでの財政金融政策の有効性低下と雇用体系の構造改革(Declining Effectiveness of Fiscal and Monetary Policy and Structural Reform of Employment System under Aging Population). *立命館国際研究*, 33, 4.
- 守泉 理恵, & (Rie Moriizumi). (2021). 第 4 次少子化社会対策大綱と日本の少子化対策の到達点. *国立社会保障・人口問題研究所 はじめに*, 46–56.
- 文彦菱谷 (Hishiya Fumihiko). (2021). 認知症に関する政府の取組について. 0–47.
- 新見陽子(yoko niimi. (2017). 家族が抱える高齢者介護の負担：現状と課題(Elderly Care Burden on Families: Current Situation and Issues). *Working Paper Series, 2017–11*, 1–14.
- 有馬, 教寧(Arima, K. (2021). 高齢者の就労と生きがいに関する研究の現状と課題(Current Status and Issues of Research on Employment and Purpose of Life for the Elderly) (pp. 92–102).
- 藤波匠. (2021). わが国出生数急減の背景と少子化対策の課題. In *Japan Rsearch Institue review*, 7(91), 28–49.
- 鈴木亮輔, 名和田俊弘, 村岡諒亮(Ryosuke Suzuki, Toshihiro Nawada, R. M. (2009). 「日本の福祉政策のあり方」 (“How Japanese Welfare Policy Should Be”). *公共選択学会学生の集い*, 1–32

References

- Abe, aya. Y. C. (2003). Preface.
- Andersson, B. (2001). Scandinavian evidence on growth and age structure. *Regional Studies*, 35(5), 377–390.
- Arima, K. (2021). Current Status and Issues of Research on Employment and Purpose of Life for the Elderly, 92–102 (In Japanese).
- Atoh, M. & Akachi, M. (2002). Low fertility and family policy in Japan. *Journal of Population and Social Security*, 1, 1–30. http://www.ipss.go.jp/webj-ad/webjournal.files/population/2003_6/1.Atoh.pdf
- Cabinet Office (2013). Aging Society Measures (In Japanese).
- Castro, M. C., Wilson, M. E., & Bloom, D. E. (2017). GLOBAL DEMOGRAPHY OF AGING AT HARVARD UNIVERSITY. The Lancet Infectious Diseases, (136). [http://dx.doi.org/10.1016/S1473-3099\(16\)30545-X](http://dx.doi.org/10.1016/S1473-3099(16)30545-X)
- CHIAVACCI, D. (2021). Population Problems and Immigration: How Is Japan's Population and Social Structure Changing?. *Social Science Japan Journal*, 24(1), 245–248. <https://doi.org/10.1093/ssjj/jyaa033>
- Chi-Jen, Lin, Hsiao-Ming, Chang and Chien-Jen, H. (2020). The Impact of Low Fertility in East Asia: A Case Study of Low Fertility Crisis Management in Japan (pp. 11–18). *Asian Journal of Education and Social Studies*.
- Chorbani, Z. (2022). Changes in the Ideal of Childbearing and Its Causes in Iran between 2004 and 2015. *Journal of Woman and Family Studies*, 10(3), 53–76.
- D'Ambrogio, E. (2020). Continental Democracies Japan ' s Ageing Society. Members' Research Service, December.
- Fathi, Elham (2019). Examining the Trend of Changes in the Structure and Composition of the Country's Population and its Future until 1430 (A.H.S) Based on the Results of the Population and Housing Census in 1395 (A.H.S), Iran's Statistical Center (In Persian).
- Gee, H. H., & Schneider, T. (2020). Shrinkanomics: Policy Lessons from Japan on Aging. *Finance & Development*, March 2020, 20–23. <https://www.imf.org/external/pubs/ft/fandd/2020/03/shrinkanomics-policy-lessons-from-japan-on-population-aging-schneider.htm>
- Ghavidel, S., & Mirghiyasi, N. (2018). Population Aging, Life Expectancy and Economic Growth. *Iranian Journal of Economic Research*, 22(73), 159-196 (In Persian).
- H. Malekafzali. (2004). Population Control and Reproductive Health in the Islamic Republic of Iran. *Archives of Iranian Medicine*, 7(4), 247–250.
- Hanaoka, C., & Norton, E. C. (2008). Informal and Formal Care for Elderly Persons: How Adult Children's Characteristics Affect the Use of Formal Care in Japan. *Social Science & Medicine*, 67(6), 1002–1008. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2008.05.006>
- Hayashi, R., Kojima, K., Yamamoto, K., Izumida, N., Shirase, Y., Abe, A., Katsumata, Y., Kaneko, Y., & Sakai, T. (2014). Social Security in

- Japan. 1-64.
- Hishiya Fumihiko. (2021). Government Initiatives Regarding Dementia.0-47 (In Japanese).
- Imrohoroglu, S., Imrohoroglu, S., & Fellow, S. I. (2015). Guest Workers : Japan ' s Solution to Aging ? 1-5.
- Isabel Reynolds, Ting Shi, and R. K. (2015). Japan's Shinzo Abe hopes "robot revolution" can replace ageing workforce. Financial Rewiew. <https://www.afr.com/markets/equity-markets/japans-shinzo-abe-hopes-robot-revolution-can-replace-ageing-workforce-20150529-ghc7ng>
- Kashanian, Z., raghf, H., & Mousavi, M. H. (2019). Economic Consequences of Population Aging for Iranian economy: Application of General Equilibrium Overlapping Generations Model. Iranian Journal of Economic Research, 24(78), 31-60 (In Persian).
- Kodama, T. (2015). Japan's Immigration Problem: Looking at Immigration Through the Experiences of Other Countries. Japan's Economy, 2015(May), 1-16.
- Lee, B. S., & Lin, S. (1994). Government Size, Demographic Changes, and Economic Growth. International Economic Journal, 8(1), 91-108.
- Llewelyn, James, Junichi, H. (2009). ejcs - Importing Human Capital_ Contemporary Japanese Attitudes to Immigration.
- LONG, S. O., CAMPBELL, R., & NISHIMURA, C. (2009). Does It Matter Who Cares? A Comparison of Daughters versus Daughters-in-Law in Japanese Elder Care. Social Science Japan Journal, 12(1), 1-21. <https://doi.org/10.1093/ssjj/jyn064>
- Matsushita, K. (1989). Talks on Management. PHP Institute. Translated by: Valibeik, Bagher, Roghani, Zahra, Tehran, Rasa Press (In Persian).
- Mehregan, N., & Rezaee, R. (2009). The Effect of Age Structure of Population on Economic Growth. Iranian Journal of Economic Research, 13(39), 137-146 (In Persian).
- Mehri, N., Messkoub, M., & Kunkel, S. (2019). Trends , determinants and the implications of population aging in Iran. Working Paper, 646.
- Ministry of Health and Welfare (2020). 2nd Toshima Ward Comprehensive Aging Society Measures Promotion Consultation in 2019 Meeting. 1-12. (InJapanese).<https://www.city.toshima.lg.jp/469/kuse/documents/2materials.pdf>
- Mohammadi, S., & Yazdani Charati, J., & Mousavinasab, N. (2017). Factors Affecting Iran's Population Aging, 2016, Journal of Mazandaran University of Medical Sciences, 27(155), 71-78. (In Persian)
- Mohammadzadeh, P., & Ahmadzadeh, K. (2006). The Study of the Effect of Population's Age Structure on Consumption Long-Term Function. Economics Research, 6(22), 45-70. (In Persian)
- Moriizumi, Rie. (2021). The 4th Outline of Measures for Society with Declining Birthrate and Goals of Measures to Combat Declining Birthrate in Japan, Health Research Institute Report, (1), 46-56. (In Japanese)

- Muramatsu, N., & Akiyama, H. (2011). Japan: Super-Aging Society Preparing for the Future. *The Gerontologist*, 51(4), 425–432. <https://doi.org/10.1093/geront/gnr067>
- Nolan, P., Lenski, G. E. (2012). *Human Societies: An Introduction to Macrosociology*, Translated by: Movafaghian, N., Tehran: Ney publication. (In Persian)
- Noriko Kato (2021). Literature Research on the Current Situation and Issues of Elderly People Living Alone. 49-73. (In Japanese)
- Saraai, H. (1997). Demographic Transition of Iran: A Preliminary Report. *Social Sciences*, 5(9), 1-18. (In Persian)
- Schoppa, L., Leblanc, R., Yamanaka, K., & Robertson, J. (2008). Asia Program. Program, (141), 1-44.
- Seitz, J. L. (2001). *Global Issues*. Translated by: Foroudi, Eshrat, Tehran, Farhang o Andishe. (In Persian)
- Suzuki Ryōsuke, Nawata Toshihiro, Muraoka Ryōsuke (2009), Japan's Welfare Policy, Public Choice Society Student Gathering, Chuo University, Iijima Seminar, 2nd Year B Part, 12th. (In Japanese)
- Takumi Fujinami. (2021). Background of the Rapid Decline in the Number of Births in Japan and Challenges in Countering the Declining Birthrate. *Japan Research Institute review*, 7(91), 28-49. (In Japanese)
- Tsutsui, T., Muramatsu, N., & Higashino, S. (2014). Changes in perceived filial obligation norms among coresident family caregivers in Japan. *The Gerontologist*, 54(5), 797-807.
- Vogt, G., & König, A. S. L. (2021). Robotic devices and ICT in long-term care in Japan: Their potential and limitations from a workplace perspective. *Contemporary Japan*, 00(00), 1–21. <https://doi.org/10.1080/18692729.2021.2015846>
- XIANFANG, Y. (2021). Current Status and Challenges of Old-age Security Systems in Japan and China. Nishikyushu Graduate School. (In Japanese)
- Yoko Niimi. (2017). The Burden of Elderly Care on Families: Current Situation and Challenges, Working Paper Series, 1–14. (In Japanese)
- Yoshino Naoyuki, Miyamoto Hiroshi Akira, & Takano Keisuke. (2021). Declining Effectiveness of Fiscal and Monetary Policies and Structural Reform of The Employment System Under an Aging Population. *Ritsumeikan International Studies*. (33). (In Japanese)

مطالعه کیفی مسئله هویت، تعارض هویتی و عوامل مؤثر بر آن در دختران نوجوان (متوسطه اول و دوم)

مریم سلگی

استادیار، عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
m.solgi@alzahra.ac.ir

0000-0003-1972-3084

زینب شهبازی

دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

shahbazi.zeynab@yahoo.com

0000-0003-85909-7786

چکیده

هویت دارای ابعاد مختلفی است و مهم‌ترین آن هویت فردی و اجتماعی است. در این میان، هویت دختران و زنان به عنوان افرادی که تربیت نسل‌های آینده در دست دختران نوجوان است، اهمیت بیشتری دارد. این پژوهش در صدد احصاء نظام مسائل دختران نوجوان در موضوع هویت می‌باشد. در واقع ما در این پژوهش به تعریف هویت، تعارض هویتی و عوامل مؤثر آن و میزان رضایت از هویت جنسی از نگاه دختران نوجوان پرداخته‌ایم. این پژوهش با روش کیفی و با تکنیک تحلیل محتوای کیفی صورت گرفته است. جامعه هدف پژوهش حاضر دانش‌آموزان دختران مقطع متوسطه اول و دوم از استان‌های مختلف (برخی از استان‌های کشور) می‌باشد که در این پژوهش ۱۸ نفر به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. بررسی مصاحبه‌ها و تحلیل داده‌ها نشان داد به‌طور کلی برخی از دختران نوجوان نسبت به هویت خود در ابعاد مختلف شناخت داشته؛ اما برخی نه تنها شناخت ندارند بلکه از هویت خود ناراضی هستند. نارضایتی از هویت به‌خصوص در بُعد هویت جنسی بسیار مشهود است. از نگاه مصاحبه‌شوندگان عوامل مختلفی از جمله خانواده، ساختارهای اجتماعی، رسانه، گروه همسالان در عدم رضایت از هویت دختران نوجوان نقش دارند. در بررسی هویت دینی دختران نوجوان، در باب اصل دین در میان بسیاری از نوجوانان باور به توحید و یگانگی خداوند وجود دارد. برخی از نوجوانان به دلیل عدم شناخت جامع و کافی از اسلام و ناآگاهی در خصوص فلسفه برخی احکام مسئله تغییر دین را مطرح می‌نمایند. برخی دیگر از نوجوانان به مسئله ضعف و کوتاهی در انجام مناسک و احکام دینی دچار هستند. مهم‌ترین شبهه‌های نوجوانان دختر در این باره مربوط به موضوع قیامت، امام زمان (عج)، حجاب و گرایش به آرایش‌های نوپدید می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: هویت، هویت فردی، هویت اجتماعی، تعارض هویتی، دختران نوجوان.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵۸-۲۵۵۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی



doi 10.22034/SCS.2023.395980.1436

مقدمه و بیان مسئله

بحث درباره مسئله هویت سابقه طولانی و شاید بتوان گفت به بلندای عمر بشر دارد. انسان همواره در طول تاریخ به دنبال تعریف و شناخت خود، قبیله و ملت خویش بوده است؛ همچنین انسان‌ها همواره در صدد شناخت نقاط اشتراک و افتراق خود از دیگران بوده‌اند. اهمیت مسئله شناخت هویت خود در متون دینی کاملاً مشهود است تأکید بر مسئله خودشناسی در قرآن در آیات مختلف با تأکید بر فکر در خود (مائده / آیه ۱۰۵) و سیر در خود (ذاریات / آیه ۲۱) بیان شده است؛ البته بررسی مفهومی آیات قرآن نشان می‌دهد که آیات متعددی با تعبیر گوناگون انسان را دعوت به خودشناسی نموده است؛ چراکه دستیابی به این مهم (خودشناسی) به تعبیر امیرالمؤمنین رسیدن به بزرگ‌ترین سعادت است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ص. ۱۷۳). شاید تأکید فلاسفه مسلمان بر مسئله هویت را به اهمیت این مسئله در منابع دینی هم بتوان ربط داد.

این مهم همواره مطمح نظر فلاسفه بزرگ مسلمان بوده است و بررسی مفهوم هویت در بستر تاریخی نشان می‌دهد که مفهوم هویت به صورت دقیق با همین اصطلاح اولین بار در آثار فلاسفه مسلمان مطرح شده است.

ابن رشد فیلسوف بزرگ مسلمان می‌گوید: هویت مترادف معنایی است که بر اسم یک موجود اطلاق می‌شود... هویت گاهی بر یک وجود خارجی اطلاق می‌شود و گاهی بر ماهیت با تشخیص خارجی که عبارت است از حقیقت جزئی (تهانوی، ۱۹۶۳م، ص. ۲۴۱) و همین معنا مورد توجه ابن سینا نیز بوده است (ابن سینا، ۱۳۶۴، ص. ۱۴۶).

بعدها بهمنیار شاگرد ابن سینا مسئله تشخیص را که مبنای فلسفه هویت است مطرح می‌کند و پس از او هم در کتاب‌های فلسفی و کلامی تعریف تشخیص و مختصات آن بحث و بررسی می‌شود (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۰، ص. ۹۵)؛ به عنوان مثال جرجانی هویت را امری عقلانی از حیث امتیاز (تفاوت و تعدد داشتن) شی از دیگران می‌داند (جرجانی، ۱۹۷۸م، ص. ۱۲۴). در دوران معاصر نیز ملاصدرا از مفهوم هویت در آراء خود بسیار استفاده کرده است (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م، صص. ۵۱، ۱۸۷ و...).

جالب است که بدانیم معنای هویت در فرهنگ لغت‌های فارسی نیز با تأسی به فلسفه و حکمت معنا شده است. در لغتنامه دهخدا، هویت «تشخص» معنا شده که

میان حکما و متکلمان مشهور است (دهخدا، ۱۳۷۳، ص. ۲۰۸۶۶) و در فرهنگ معین، ذات باری تعالی، هستی وجود، آنچه موجب شناسایی شخص باشد و حقیقت جزئیّه - یعنی گاه ماهیت با تشخص است و گاه بالذات یا بالعرض است - تعریف شده است. بدین معنی که هویت در اصطلاح مجموعه‌ای از شاخص‌ها و علائم در حوزه‌های مؤلفه‌های مادی، زیستی، فرهنگی و روانی است که موجب شناسایی فرد از فرد دیگر، گروه از گروه یا اهلیتی از اهلیت دیگر و فرهنگی از فرهنگ دیگر می‌شود. هویت یعنی وجه اختصاصی هر فرد یا گروه (معین، ۱۳۷۱، ص. ۵۲۲۸).

در غرب نیز مسئله خودشناسی و شناخت هویت از گذشته تا کنون مورد توجه فلاسفه و متفکران بوده است. در دوران معاصر فیلسوفانی مانند کانت به این مسئله اهمیت زیادی داده و آن را مقدم بر هرچیز دانسته‌اند (کاپلستون، ۱۳۷۵، ص. ۲۳۱). مفهوم هویت در دوران نوین، حدود ۸۰ سال پیش توسط اریکسون مطرح شد. وی این اصطلاح را اولین بار برای توصیف اختلال در میان برخی از سربازانی که از جنگ جهانی دوم بازگشته بودند، به کار برد. اختلال‌هایی که باعث شده بود افراد فاقد حس یکپارچگی و تداوم در زندگی خود کنند (کامرانی فکور، ۱۳۸۱، ص. ۷). اریکسون هویت را مجموعه‌ای پویا، خودساخته و درونی می‌داند که شامل آرزوها، اهداف، توانایی‌ها، باورها و تاریخچه فردی است. به باور او دستیابی به هویت حاصل فرایندی پویاست که با عوامل اجتماعی برانگیخته و در طول عمر همواره بازسازی می‌شود (Berzonsky, 2005). هویت به معنای چه کسی، پاسخی است به نیاز طبیعی انسان برای شناساندن خود به یک سلسله عناصر و پدیده‌های فرهنگی و تاریخی و جغرافیایی (مجتهدزاده، ۱۳۸۱، ص. ۶۶).

در روان‌شناسی از واژه هویت اولین بار فروید^۱ استفاده نمود. سپس آن را با معنای ذهنی - روانی - اجتماعی درآمیخت (شکوه نوایی‌نژاد، ۱۳۸۶، ص. ۲۲۵).

روان‌شناسی، ایجاد هویت را مهم‌ترین عامل پیشرفت شخصی در دوره نوجوانی دانسته و آن را گامی حیاتی در جهت نیل به حیاتی شادمانه و مولد معرفی کرده است. از نظر اریکسون موفقیت در زندگی و دستیابی به اهداف و آرمان‌های انسانی در دوران بزرگسالی به نحوه شکل‌گیری هویت وابسته است که بیشتر در دوران نوجوانی و جوانی روی می‌دهد. فرد در دوران نوجوانی و جوانی، ارزش‌ها، باورها، داوری‌ها و هنجارهای مورد قبول خانواده و جامعه را زیر سؤال می‌برد و در

1. Freud

جست‌وجوی راه‌حل و پاسخ‌های مناسب به کندوکاو می‌پردازد. نتایج موفقیت‌آمیز فرایند رشد روانی و اجتماعی در دوران کودکی، امکان حل تعارض‌های روانی و اجتماعی را در مراحل بعدی زندگی به فرد می‌دهد؛ لذا در مقابل آشفتگی و بحران هویت، فرایند «شکل‌گیری هویت» و انسجام هویتی قرار دارد (لطف‌آبادی، ۱۳۷۹، ص. ۷۴).

هویت نقش «معناسازی» را چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی بر عهده دارد. به این تعبیر، هویت مفهومی است که دنیای درونی یا شخصی را با فضای جمعی اشکال فرهنگی و روابط اجتماعی ترکیب می‌کند؛ بنابراین هویت مربوط به ذهنیت مشابهی است که فرد با دیگری دارد (تاجیک، ۱۳۸۱، ص. ۳۰).

ضرورت بحث از هویت در این است که داشتن تعریفی از خود اولین قدم نه‌تنها در ایفای نقش بلکه از مقدمات انسان بودن است. مطالعه‌های تاریخی در خصوص تجربه‌های گذشته بشر دلالت بر این اصل مهم دارد که اگر تکلیف مقوله هویت فرد در میان یک گروه یا ملت یا... مشخص باشد، تک‌تک افراد جامعه احساس اعتماد به نفس می‌کنند و جامعه و گروه جهت و اهداف خود را مشخص می‌بینند (رجایی، ۱۳۸۲، صص. ۴۰-۴۱).

هویت ضمن آنکه از ثبات و استمرار برخوردار است، از پویایی نیز بهره‌مند است؛ بنابراین هویت دیروز با امروز می‌تواند متفاوت از یکدیگر باشد. کان معتقد است که هویت در جریان تعامل اجتماعی و با درونی شدن نگرش‌های دیگران نسبت به خود شکل می‌گیرد. گیدنز نیز بر نقش فرد در تکمیل هویت تأکید کرده است. در برداشت گیدنز از هویت هم ابعاد اجتماعی و هم ابعاد فردی لحاظ شده است. گیدنز جنبه‌های روان‌شناختی و چالش‌های هویتی در دوران نوین را مورد توجه قرار داده است و بازاندیشی در هویت را که در پرتو معیارها و ارزش‌های جدید در حال تغییر است، ویژگی دوران جدید و نتیجه گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و... می‌داند (گیدنز، ۱۳۸۳، ص. ۴۵).

در این میان مقوله هویت زنان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. پرداختن به هویت زنان و نقش آنان در تمدن‌سازی، به علت اهمیت این مسئله در ایجاد جامعه‌ای با هویت ایرانی و نقش آنان به عنوان مادران تمدن‌ساز آینده می‌باشد. تمدن ارتباط مستقیمی با فرهنگ سالم و زنده دارد. برای رسیدن به تمدن صحیح ایرانی، شناخت هویت زنان جوان بسیار ضروری به نظر می‌رسد. حساسیت مسئله هویت به این دلیل است که این مقوله به شدت تحت تأثیر تحولات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و

فناورانه پیرامون خود قرار دارد و این میان مسئله هویت زنان بیشترین سهم را دارد (سفیری و معروف‌پور، ۱۳۹۷، ص. ۴).

بر اساس مطالعات روان‌شناسی چون بلوک و روبینز، سقوط خودپنداره دختران در حدی وسیع‌تر از پسران است. در پژوهشی که توسط انجمن آمریکایی دانشگاه زنان انجام گرفته است، نشان داده است که در سن ۸ سالگی، ۶۰ درصد دختران و ۶۷ درصد پسران تصویر مثبتی از خودشان دارند؛ اما تکرار همین پژوهش در سن ۱۶ سالگی، دختران ۲۷ درصد و پسران ۴۶ درصد تصور مثبتی از خودشان دارند. کاهش ۳۳ درصد خودپنداره مثبت در میان دختران نشان از اهمیت این موضوع دارد که مسئله هویت و شناخت خود در میان دختران و زنان اهمیت بیشتری دارد (منطقی، ۱۳۸۳، ص. ۳۶).

دوره نوجوانی به‌عنوان مهم‌ترین دوره رشد برای هر انسانی به‌شمار می‌رود که فرد با تحول‌های فراوانی در جنبه‌های مختلف زیستی، روان‌شناختی و اجتماعی با آن مواجه می‌شود. در این دوره فرد به دنبال کشف هویت خود و به عبارتی پاسخ به سؤال «من کیستم؟» است. پاسخ به این سؤال، هویت هر فردی را تشکیل می‌دهد. هویت با نوعی احساس مثبت یا منفی همراه است؛ بنابراین پاسخ به پرسش «من کیستم؟» درحقیقت همان هویت یا خود است. اگر هر فردی بداند که از کجا آمده و به کجا خواهد رفت؟ هویت فرد شکل می‌گیرد و هرچه فرد نتواند پاسخ مشخصی داشته باشد، به تعارض هویتی و درنهایت به بحران هویت منجر می‌گردد و فرد خود را گم خواهد کرد. درمجموع معنای هویت را می‌توان در چند جمله خلاصه کرد: «آدمی ۱- بداند جایگاه، منزلت و مرتبت او دقیقاً چیست و چه تعریفی دارد؟ ۲- آگاه باشد که چه پیوندها، رشته‌ها و ارتباط‌هایی او را به خود و جهان خارج از خود متعلق می‌سازد؟ ۳- درک کند که چه نقش‌ها، وظایف و مسئولیتی در قبال خود و دیگران دارد؟ ۴- شناخت واقع‌بینانه‌ای از توقعاتش نسبت به خود و دیگران به‌دست آورد. ۵- درنهایت نسبت خود را با گذشته، حال و آینده به‌درستی بداند» (شرفی، ۱۳۸۹، ص. ۹۵).

در جوامع امروزی عواملی چون جهانی شدن، صنعتی شدن، توسعه فناوری، توسعه ارتباطات، گسترش اقتصاد سرمایه‌داری و فرآورده‌های فرهنگی آن، نه تنها زندگی مادی و اقتصادی مردم بلکه چهارچوب نمادین آنها را نیز دگرگون کرده، دانش‌ها، مهارت‌ها، باورها، ارزش‌ها و سنت‌ها، قواعد و آداب و رسوم اخلاقی و مذهبی پیوسته مورد سؤال و تردید قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی افراد به هویت نیاز دارند. از طریق هویت است که افراد می‌توانند نظامی نسبی در زندگی خود و دنیای

اطرافشان ایجاد کنند. دسترسی انسان‌ها به‌طور اعم و زنان به‌طور اخص به هویت واقعی خود باعث تثبیت موقعیت آنان و رسیدن به اهدافشان می‌گردد (پیشگامی فرد و دیگران، ۱۳۸۹).

مک‌لوهان معتقد است زمانی که ما فناوری جدیدی را وارد جامعه‌ای می‌کنیم آن جامعه را برای همیشه عوض کرده‌ایم و جوانان و نوجوانان به‌دلیل نوگرایی و آمادگی برای پذیرش تازگی‌ها، بیشتر از افراد مسن که افکار و عقایدشان شکل گرفته، تحت تأثیر این تغییرها قرار می‌گیرند. یعنی جذب تغییراتی چون نحوه ارتباطات، مد، سیاست و الگوپذیری غیرفرهنگی خود (نابهنجاری) می‌گردند. به‌طوری‌که این الگوپذیری که مغایر با ارزش‌ها و هنجارها و به‌طور کلی فرهنگ جامعه خودشان است، در آنها موجب ایجاد بحران هویت و درنهایت منجر به بروز شکاف بین نسل‌ها می‌گردد. سرعت این تحولات، زندگی، رشد و بلوغ جوان را تحت تأثیر قرار داده و جامعه‌پذیری را کاملاً دگرگون کرده است. اگر در گذشته روند جامعه‌پذیری عمدتاً توسط خانواده، مدرسه و نهادهایی انجام می‌شد که عناصری از نسل پیشین همچون پدر، مادر، معلم، واعظ و معتمد در این انتقال فرهنگی نقش ایفا می‌کردند، دسترسی گسترده به امکانات نوین فناوری، نسل جدید را در جریان تحولات تازه‌ای قرار داده است. بدین ترتیب با تغییر مبانی ورود به گزاره‌های ارزشی، نظام ارزشی این نسل متفاوت از نسل پیشین شده است (طاعتی، ۱۳۸۸، ص. ۲۳۰).

دوران نوجوانی به‌دلیل ویژگی‌های خاص این برهه از زندگی، مقطع حساسی در شکل‌گیری مسیر و سبک زندگی در جوانی و بزرگسالی به‌شمار می‌رود. از طرف دیگر برنامه‌ریزی دقیق در حوزه سبک زندگی و رفتار مطلوب برای نوجوانان مستلزم داشتن شناخت درستی از وضع موجود و چالش‌ها و مسائلی است که در شرایط کنونی نوجوانان با آن مواجه هستند. از طرف دیگر در سال‌های اخیر سرعت پیشرفت علم موجب شده تا چالش‌ها و تفاوت‌های بین‌نسلی بیش‌ازپیش خودنمایی کند، مشکل اصلی اینجاست که نسلی که امروز متصدی پیگیری امور نوجوانان است هرچند خود جوان باشد، با دنیای نوجوان امروز، اعم از فرصت‌ها و تهدیدهایش، فاصله دارد و چه‌بسا برخی از مسائل نوجوانان را نشانسد و آن‌گونه که انتظار می‌رود، درک ننماید.

مسئله هویت و به‌طبع آن چالش و بحران هویت که عموماً از آن صحبت می‌شود و گفته می‌شود که نوجوانان با مسئله بحران هویتی روبه‌رو هستند. درک این موضوع که آیا واقعاً نوجوان دچار بحران هویت است یا خیر و اینکه اساساً تعریف متخصصان

و افراد مرتبط با نوجوان از هویت و بحران هویت چیست؟ ما را بر آن داشت تا به موضوع هویت و مسئله تعارض هویتی از نگاه خود نوجوانان بپردازیم. همچنین با توجه به نقش و اهمیت زنان در تمدن‌سازی و جایگاه ویژه آنان، در این بخش از پژوهش با دختران نوجوانی مصاحبه شده است که در سن نوجوانی قرار دارند و سعی شده است که مسائل نوجوانان از نگاه خود آنها بررسی شود. در این پژوهش معنا و مفهوم هویت، از نگاه برخی از دختران نوجوان در پایه‌های متوسطه اول و دوم بررسی شده است. در این پژوهش ابتدا از نوجوانان دختر خواسته شد تعریف خود از هویت را ارائه دهند؛ همچنین موضوع هویت جنسیتی و ابعاد آن و میزان شناخت دختران نوجوان از هویت جنسی مورد سؤال قرار گرفت. از آنجایی که موضوع هویت دارای ابعاد گوناگون است، هویت ملی و هویت دینی به عنوان دو بُعد مهم از هویت نیز بررسی شد و در آخر از نوجوانان خواسته شد درک و تعریف خود از تعارض هویتی را بیان و اشاره نمایند که در چه ابعادی تعارض هویتی را درک کردند و به‌طور کلی چه نگاهی به مسئله تعارض هویتی دارند و از نظر خود دختران نوجوان چه عواملی در این تعارض هویتی نقش دارند؟

همان‌گونه که بیان شد طرح مسئله هویت در آراء فلاسفه اسلامی و غرب نشان از اهمیت این مسئله و نیز قدمت تاریخی آن دارد. تاریخ فلسفه نشان می‌دهد که فلاسفه اساساً به مسائلی که نقش بنیادینی در معرفت بشر دارد پرداخته‌اند. امروزه با تفکیک علوم از فلسفه مسئله هویت یکی از مباحث مهم در علوم جدید همانند روان‌شناسی و جامعه‌شناسی است.

۱. اهداف پژوهش

۱-۱. هدف کلی

مطالعه کیفی مسئله هویت و تعارض هویتی از نگاه دختران نوجوان.

۲-۱. اهداف جزئی

- ۱- تعریف هویت از نگاه دختران نوجوان؛
- ۲- شناسایی مسائل و ابعاد مرتبط با هویت (هویت فردی، هویت جنسی، هویت اجتماعی، هویت ملی، هویت دینی)؛
- ۳- تعریف تعارض هویتی از نگاه دختران نوجوان؛
- ۴- شناسایی عوامل مؤثر بر تعارض هویتی دختران نوجوان.

۲. پرسش‌های پژوهش

۲-۱. پرسش کلی

دختران نوجوان متوسطه اول و دوم چه نگاهی به مسئله هویت و تعارض هویتی دارند؟

۲-۲. پرسش‌های جزئی

- ۱- تعریف هویت از نگاه دختران نوجوان چیست؟
- ۲- دختران نوجوان به چه میزان از ابعاد هویتی خود آگاهی دارند؟
- ۳- ابعاد هویت از نگاه دختران نوجوان چیست؟
- ۴- نگاه دختران نوجوان نسبت به مسئله تعارض هویتی چگونه است؟
- ۵- از نگاه دختران نوجوان چه عواملی بر هویت و تعارض هویتی اثرگذار است؟

۳. پیشینه پژوهش

سلطان محمدی و پور سیدآقایی (۱۴۰۲) در پژوهش خود تحت عنوان «آسیب‌شناسی پدیدارشناسانه هویت جنسیتی دختران نوجوان در فضای مجازی» به این نتیجه دست یافتند که مهم‌ترین مضامین اصلی تأثیر فناوری‌های نوین ارتباطی به‌خصوص اینترنت و شبکه‌های اجتماعی بر ساختار هویت جنسیتی نوجوانان، تغییرهای رفتاری دختران، دسترسی به اطلاعات زود هنگام جنسی، کاهش اعتماد به نفس و اختلال در هویت جنسیتی است.

نتایج پژوهش کشاورز و عاشوری (۱۴۰۱) نشان داده است که عوامل اجتماعی از جمله مطالعه کتب درسی، گروه دوستان و رسانه‌های جمعی و بحران هویت رابطه معنادار وجود دارد. نتایج نشان داده است که هرچه مطالعه کتاب درسی کمتر باشد، بحران هویت بیشتر و هرچه استفاده از رسانه‌های جمعی بیشتر باشد، بحران هویت نیز افزایش می‌یابد.

خزایی و ریاحی (۱۴۰۰) در مقاله خود با عنوان «مطالعه کیفی برساخت هویت بدنی نوجوانان در شهرستان بروجرد» به این نتیجه دست یافتند که کلیشه‌های جنسیتی، مقایسه بدن خود با دیگران به‌منزله شرایط علی، بلوغ به‌منزله شرایط زمینه‌ای و اینترنت به‌منزله رسانه و بدن ایدئال (لاغری) به‌منزله شرایط مداخله‌گر عمل می‌کنند. همچنین دختران در رویایی با تصویر منفی از بدن خود راهبردهای

خاصی را در پیش می گیرند. این راهبردها در قالب پایش بدن و دست زدن به الگوهای نامنظم غذایی دسته بندی می شوند. بر اساس نتایج این مطالعه اضطراب جسمانی، شرمساری و از خود بیگانگی جنسیتی از آثار و پیامدهای تصویر بدنی منفی دختران نوجوان از خود است.

رضائیان و توتونچی (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان «پیش بینی هویت دینی فرزندان بر اساس الگوی تعاملی خانواده، دینداری والدین و تفکر انتقادی نوجوان» نشان داد که متغیرهای دین داری پدر، بعد خلاقیت از تفکر انتقادی نوجوان، نگرش مذهبی مادر و جهت گیری گفت و شنود از الگوی ارتباطی خانواده توان پیش بینی هویت دینی فرزندان را دارد.

کنعانی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان «بررسی تأثیر رسانه های اجتماعی بر هویت جنسیتی مادران و دختران» نشان داد که مادران میزان هویت جنسیتی بالاتری نسبت به دختران دارند. این تفاوت های هویتی بین دو نسل مادران و دختران در ابعاد مختلف میزان و انگیزه استفاده از رسانه ملی، ماهواره و شبکه های اجتماعی مجازی نیز مشاهده می گردد. هرچند، بین دو نسل بر حسب میزان استفاده از اینترنت تفاوتی از نظر هویت جنسیتی مشاهده نشد؛ اما نشان داد رسانه های جمعی بر هویت جنسیتی مادران تأثیر کمتری نسبت به دختران دارند؛ زیرا که مادران به عنوان نسل سنتی، هویت شکل یافته تری از دختران خود دارند و دختران در معرض دگرگونی های هویتی بیشتری در اثر استفاده از رسانه ها قرار دارند.

نتایج پژوهش عامری و عمویی (۱۳۹۵) نشان داد که میان عملکرد خانواده و تمایز یافتگی، رابطه مثبت معنادار و میان تمام مؤلفه های عملکرد خانواده و مؤلفه «جایگاه من» در تمایز یافتگی، رابطه مثبت معنادار وجود دارد. همچنین بر اساس یافته ها میان پنج مؤلفه از عملکرد خانواده (ارتباط، نقش، عملکرد کلی، حل مشکل، کنترل رفتار) با مؤلفه «آمیختگی» در تمایز یافتگی، رابطه منفی معنادار وجود دارد و میان عملکرد خانواده و ابعاد آن با میزان تجربه بحران هویت رابطه منفی معنادار وجود دارد و عملکرد خانواده، از طریق مؤلفه های «عملکرد کلی و نقش ها» قادر به پیش بینی بحران هویت و از طریق مؤلفه «عملکرد کلی» قادر به پیش بینی تمایز یافتگی در نوجوانان است. یافته های جانبی پژوهش نشان دادند که دختران نسبت به پسران بحران هویت بیشتری را تجربه می کنند؛ اما میان دو جنس در تمایز یافتگی، تفاوتی وجود ندارد.

ربیعی و همکاران (۱۳۹۴) در بررسی رابطه تماشای تلویزیون های ماهواره های با

هویت جنسیتی دختران نوجوان شهر اصفهان که به منظور بررسی رابطه استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان با هویت جنسیتی دختران نوجوان انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که استفاده بیش‌تر دختران نوجوان از برنامه‌های تلویزیون ماهواره‌ای به فاصله گرفتن آنها از کلیشه‌های جنسیتی و تفکیک نقش‌های جنسیتی منجر می‌شود؛ همچنین استفاده دختران نوجوان از برنامه‌های تلویزیون ماهواره‌ای هویت جنسیتی آنها را مخدوش می‌کند و آنها را از هویت جنسیتی خود دور می‌کند.

بررسی مرتبط با موضوع هویت نشان داد که پژوهش‌های انجام شده عمدتاً با روش کمی و با تأکید بر یک جنبه خاص از هویت و تأثیر عوامل گوناگون بر هویت دختران پرداخته است؛ لذا پژوهشی یافت نشد که در آن به مسئله هویت و ابعاد آن و تعارض هویتی از نگاه خود دختران نوجوان پرداخته شود.

۴. ملاحظه‌های نظری

۴-۱. تعریف مفاهیم؛ هویت و ابعاد آن

هویت پاسخی است که فرد به سؤال‌های من کیستم و به کجا تعلق دارم می‌دهد (Oyserman, 2004, p. 5). این مفهوم در حوزه‌های مختلف علوم انسانی همانند روان‌شناسی و جامعه‌شناسی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

از نیمه دوم قرن ۲۰، مسئله هویت به‌عنوان یکی از موضوع‌های محوری در نظریه‌ها و مطالعات فرهنگی و اجتماعی قرار گرفت و از ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مورد نقد و بررسی قرار گرفت؛ بنابراین در دوره معاصر نیز علوم انسان‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و... توجه زیادی به این مفهوم داشته‌اند.

هویت در روان‌شناسی دارای دو بعد فردی و اجتماعی است. در نظریه هویت اجتماعی از تاجفل^۱ (۱۹۷۲) تصور خود دارای دو جزء یعنی هویت شخصی با فردی و هویت اجتماعی است. هویت فردی بیانگر خصیصه‌های دوام یافته ثابت فردی یا مشتق از آنها می‌باشد و چیزی است که درون شخصیت افراد به‌واسطه فرایندهای گوناگون شناختی موجودیت دارد، مجموعه ویژگی‌هایی است که یک فرد را متفاوت از دیگران می‌سازد و به او فردیتی خاص می‌بخشد. این ویژگی‌ها، شامل ارزش‌ها،

1. Tajfel

عقاید، طرز تلقی‌ها، هنجارها، نمادها، احساس‌ها، تمایل‌ها و آگاهی‌های خاص یک فرد می‌باشد (رحیم ابوالحسنی، ۱۳۸۸، ص. ۲۸).

اریکسون^۱ می‌گوید هویت فردی در جریان گذر از بحران‌های معین مراحل مختلف رشد روانی - اجتماعی بروز می‌کند. این بحران‌ها و درگیری‌ها که بین جنبه‌های مثبت و منفی حیات درونی و بیرونی شخص رخ می‌دهد، سبب رشد شخصیت یا واپس‌روی شخصیت می‌شوند. خودشکوفایی فرد نیز که روان‌شناسان انسان‌گرا (راجرز و مازلو) از آن یاد کرده‌اند تنها پس از رسیدن به راه‌حل‌های قابل قبول در جریان بحران‌های مراحل رشد روانی - اجتماعی و دستیابی به یکپارچگی شخصیت حاصل می‌شود (لطف‌آبادی، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۲). هویت فردی دارای انواع متفاوتی می‌باشد که از آن جمله می‌توان به هویت جنسی، هویت شغلی، بدنی و... اشاره نمود.

هویت اجتماعی عبارت است از دانش فرد نسبت به تعلق او به گروه‌های اجتماعی، هیجان‌ها و معانی ارزشی که از تعلق داشتن به آنها برایش حاصل می‌شود. به عبارت دیگر هویت اجتماعی، پنداشتن درباره خود است که مبنای آن گروه‌ها و وابستگی‌های گروهی می‌باشد. درحالی که هویت فردی به جنبه‌های خاص و ویژه شخص ارتباط می‌یابد و دربرگیرنده مفهوم انتزاعی و کلی از خویش است (کامرانی فکور، ۱۳۸۱، ص. ۱۷). به نظر تاجفل هویت فرد در تعامل با گروه شکل می‌گیرد. این تعامل در موقعیت‌های متفاوت و همچنین گروه‌های مختلف اجتماعی ابعاد گوناگونی به خود می‌گیرد. آنچه که مسلم است بحث هویت‌یابی فرد در شناخت موقعیت با توجه به عناصر شناختی، ارزشی و احساس معنا می‌یابد. موقعیت‌ها، تعیین‌کننده جدی هویت فرد نیستند، چراکه افراد از نظر تاجفل با آگاهی از پیامدهای احتمالی و تأثیرهای کنش‌های ساختاری موقعیت، خود را وارد گروه یا موقعیت کرده، هویت خود را نشان می‌دهد (عبدالحسینی و حقیقتیان، ۱۳۹۴).

هویت اجتماعی تعریفی است که فرد از خود بر اساس عضویت در رده‌ها و گروه‌های گوناگون اجتماعی دارد و هویت شخصی نیز به تعریف بازاندیشانه فرد از خود اطلاق می‌شود (ساروخانی و رفعت، ۱۳۸۳)؛ به عبارت دیگر، هویت اجتماعی ناظر بر فرایند تعریف شدن «خود» از طریق نقش‌ها و پیوندهای اجتماعی است؛ اما هویت شخصی ناظر به این است که چگونه تعریف هر فرد از خود در عالم اجتماعی متشکل از

1. Erikson

تجربه و بازشناسی شکل می‌گیرد (جی دان، ۱۳۸۵). از این رو، برای آنکه بتوان هویت را در آن واحد به مثابه ذاتی جوهری و درونی متعلق به خویشستن احساس کرد و هم به عنوان امری بر ساخته از موقعیت‌های چندگانه، پراکنده و دگرگون‌شونده، باید هویت را از منظر دیدگاه اجتماعی و همچنین فردی فهم نمود (جی دان، ۱۳۸۵). در این پژوهش مسئله هویت در معنای روان‌شناختی و اجتماعی آن مورد دقت قرار گرفته است.

۴-۲. مبانی نظری؛ مؤلفه‌های مرتبط با هویت

در بحث مبانی نظری در مسئله هویت می‌توان گفت که نظریه‌های موجود در مسئله هویت بدین شکل قابل تفکیک است:

اول اینکه برخی هویت در روان‌شناسی را به معنای یکی شدن خود مطرح می‌کنند. در مردم‌شناسی این اصطلاح بیشتر در هویت نژادی تبلور می‌یابد (سوکفلد، ۱۹۹۹، ص. ۴۱۷ به نقل از عباس‌زاده و عباسی، ۱۳۸۴، ص. ۱۹).

دوم اینکه هویت در جامعه‌شناسی صرفاً یکی شدن نیست بلکه یکی شدن با خود و دیگران است (Erikson, 1980, p. 109) از دید جامعه‌شناسان فرایند هویت یک سیستم کنترل است که مجموعه از هنجارها و ضدهنجارها را در فرد و جامعه به وجود می‌آورد. هویت مجموعه معانی است که چگونه بودن را در خصوص نقش‌های اجتماعی به فرد القا می‌کند که او کیست و مجموعه معانی را برای فرد تولید می‌کند که مرجع چیرستی و کیستی او را ترتیب می‌دهد (Burke, 1991, p. 837).

در نظر روان‌شناسان، فردی که هویت اجتماعی او تثبیت شده است، احساس مسئولیت شهروندی نموده، خود را در قبال مسائل اجتماعی مسئول می‌داند و ضمن حفظ مصالح اجتماعی نسبت به وظایف خود به عنوان عضوی از جامعه مطلع است و با پرهیز از رفتارهای ناهنجار و رعایت حدود و مقررات جامعه در بهبود روابط اجتماعی با اعضا جامعه تلاش می‌کند (محبی، بی‌تا، ص. ۱۳۸۰). هویت فرهنگی و دینی نیز از جمله سایر ابعاد هویت است. هویت فردی مجموعه‌ای از هویت شخصی و هویت اجتماعی که دربرگیرنده هویت مذهبی، جنسیتی، قومی و ملی است. این هویت امروزه تحت تأثیر جهانی شدن و اجزای آن قرار دارد (مقدسی و خواجه‌نوری، ۱۳۸۴، ص. ۱۷).

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که در پژوهش حاضر نیز بررسی شده است، هویت جنسی و هویت جنسیتی دختران نوجوان است. هویت جنسی تجربه شخصی از

فردیت خود به عنوان مرد یا زن بودن است. تجربه درونی و خصوصی فرد از ابراز آشکار نقش جنسیت، می تواند منشأ احساس هویت جنسی محسوب شود؛ به عبارت دیگر آگاهی شخص از طبیعت زیست شناسی خود و بینشی که افراد نسبت به جنسیت، نقش ها و گرایش متناسب با جنس خود دارند، بیانگر هویت جنسی است. جنسیت هم به طور مستقیم و هم به طور غیرمستقیم در هویت و رفتار انسان تأثیر دارد؛ بنابراین هویت جنسیتی نیز تحت تأثیر احساسی که یک فرد از مذکر یا مونث بودن خود دارد، تعریف می شود. از سوی دیگر تصورها و نگرش هایی که در خصوص رفتارهای مناسب مردانه و زنانه در فرهنگ هر جامعه تعریف می شود، در شکل گیری هویت جنسیتی و الزام هایی که هر دو جنس در موقعیت های مختلف بر حسب شرایط در رفتارهای خود لحاظ کنند را مشخص می کند (علیرضائزاد و دیگران، ۱۳۹۵). فردی که هویت جنسیتی خود را پذیرفته باشد در فرایند اجتماعی شدن پیوسته در صدد همانندی بیشتر با جنسیت خود رفتارهای مطابق با مختصات آن است؛ اما هنگامی که فرد نتواند جنسیت خود را بپذیرد، به طور مستمر به دنبال همانندسازی با جنس مخالف است نسبت به جنسیت فعلی خود احساس ناراحتی می کند (کاپلان و سادوک، ۱۳۷۵، ص. ۱۴۷).

از مهم ترین انواع هویت اجتماعی، هویت ملی و هویت دینی است. درواقع هویت ملی و دینی دو مؤلفه مهم در بررسی میزان شناخت و تعلق فرد به اجتماع خود محسوب می شود. هویت ملی، فراگیرترین و درعین حال مشروع ترین سطح هویت در تمامی نظام های اجتماعی جدای از گرایش های ایدئولوژیک می باشد. «هویت ملی فرایند پاسخگویی آگاهانه یک ملت به پرسش هایی پیرامون خود، گذشته، کیفیت، زمان، تعلق، خاستگاه اصلی و دائمی، حوزه تمدنی، جایگاه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ارزش های مهم از هویت تاریخی خود است» (صنیع اجلال، ۱۳۸۴، ص. ۱۰۴).

تسیانکوف معتقد است: هویت ملی، هنجاری فرهنگی است که نشان دهنده جهت گیری عاطفی یا احساسی افراد نسبت به ملت و نظام سیاسی شان است؛ احساس هایی همچون وابسته شدن، پیوند داشتن و مقوله هایی شبیه به آن. از نظر تسیانکوف هویت ملی دربردارنده عناصر زیر است: اسطوره و تاریخ، فرهنگ، احساس و عاطفه، سرزمین، نمادها، آئین ها (Tsyankov, 2000, p. 24).

استاد مطهری در کتاب خدمات متقابل ایران و اسلام می نویسد: اگر هویت ملی را نوعی احساس ملی بنامیم، تعریف آن عبارت خواهد بود از وجود احساس مشترک یا وجدان دسته جمعی در میان عده ای از انسان ها که یک واحد سیاسی یا ملت را

می‌سازند (مطهری، ۱۳۷۱).

در بحث هویت دینی، برخورداری از دین و تعالیم مذهبی مشترک در یک جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد. با توجه به شدت یافتن فرایندهای توسعه و نوسازی در جوامع کنونی، مذهب همچنان در تمام ابعاد خود به عنوان منبعی مهم برای هویت و معنابخشی در جهان متجدد و آشفته کنونی به شمار می‌رود. «برخلاف بعضی تصورها که مذهب را در نتیجه تداوم روند تجددگرایی، محو شده می‌پنداشتند، دین به عنوان منبع اولیه معنابخشی و هویت‌بخشی به بسیاری از مردم دنیا چون مسیحیان، مسلمانان، بوداییان و هندوان مطرح است» (معمار، ۱۳۷۸).

شاید بتوان گفت، هویت دینی از مهم‌ترین عناصر ایجادکننده همگنی و همبستگی اجتماعی در سطح جوامعی است که طی فرایندی با ایجاد تعلق خاطر به دین و مذهب در بین افراد جامعه، نقش بسیار مهمی در ایجاد و شکل‌گیری هویت جمعی دارد و به عبارتی عملیات تشابه‌سازی و تمایزبخشی را انجام می‌دهد؛ به طور مثال دین اسلام و مذهب شیعه، به طور همزمان ضمن ایجاد تشابه دینی در بین افراد جامعه ایران، آنها را از سایر ادیان جدا می‌سازد. در جامعه ایران برخلاف سایر جوامع که به دنبال حاشیه‌ای کردن دین و برانداختن دین‌داران از اریکه قدرت و منزوی کردن آنان هستند، با استفاده از نیروی مذهب در پنج قرن گذشته، حداقل سه انقلاب تمام‌عیار را سامان داده‌اند. نخستین حرکت در سال ۸۸۰ شمسی با انقلاب صفویان بر پایه مذهب تشیع، دومین حرکت در سال ۱۲۸۵ شمسی با رهبری علمای طراز اول شیعه در انقلاب مشروطه و آخرین هم در انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ شمسی با رهبری و هدایت مرجعیت شیعه شکل گرفت (گودرزی، ۱۳۸۷، ص. ۵۰).

برخورداری از دین و تعالیم مذهبی مشترک، پابندی و وفاداری به آن، اعتقاد و تمایل به مناسک و آئین‌های مذهبی فراگیر در فرایند شکل‌دهی هویت ملی، بسیار مؤثر است. مذهب علاوه بر اینکه از لحاظ کارکردی عامل مهمی در روابط اجتماعی به حساب می‌آید، موجب دلگرمی، سرزندگی، نشاط و اشتیاق عمومی است، ضمن آنکه در بسیاری مواقع مذهب در مفهوم جامعه‌شناختی، با تأکید بر بعد عینی و خارجی آن، با سایر مضامین ملی از جمله دولت، تاریخ و میراث فرهنگی درآمیخته است (حاجیان، ۱۳۷۹، ص. ۲۰۳).

یکی از مسائل مهم مرتبط با موضوع هویت، بحث تعارض هویتی است. وجود حدی از تفاوت‌ها، تعارض‌ها و تضادها در زندگی بشر به واسطه تفاوت‌های بین انسان‌ها طبیعی به نظر می‌رسد. آنچه که موضوع تعارض هویتی را تبدیل به یک

مسئله می‌کند آنجاست که افراد در شناخت خود دچار یک دوگانگی و تعارضی گردند که نتوانند به یک هویت ثابت دست یابند. این مسئله به‌خصوص در دوران نوین که نتیجه صنعتی شدن و گسترش فناوری و در نتیجه تغییر سبک زندگی افراد است، بیشتر خودنمایی می‌کند. امروزه در جوامع مختلف، شبکه‌های سایبری وضعیت جدیدی را برای کاربران فراهم کرده و مرزهای تازه‌ای را در شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و هویت جوانان پدید آورده‌اند. گمنامی، سرعت ارتباطات و سیال بودن شبکه‌ها، پیامدهای گسترده‌ای را برای الگوهای ارتباطی جوانان داشته است (ذکایی، ۱۳۸۳، صص. ۱-۳). در نتیجه بین آنچه که به‌عنوان هویت در آنها درونی شده بود و هویت‌های جدیدی که با توجه به شرایط جدید کسب می‌کنند دارای تعارض می‌شوند. در کشورهای جهان سوم این تعارض بیشتر است و همچنین تداوم آنها منجر به بروز بحران‌ها و شکاف‌های اجتماعی می‌شود. در ایران شکاف‌های پدید آمده ناشی از نوسازی است و بحران‌خیزی جامعه ایران ناشی از تقابل سنت و نوسازی است و بحران هویت ریشه در روند نوسازی دارد (صلاحی و دیگران، ۱۳۸۴). در نتیجه انسان امروزی در کشاکش بین این دو نیروی متعارض است و تبعات فردی و اجتماعی مانند استرس و اضطراب و اعمال خشونت و... می‌تواند داشته باشد (سفیری، ۱۳۹۲).

همان‌گونه که اشاره شد تعارض یکی از جنبه‌های غیرقابل اجتناب زندگی نوین است؛ اما شواهد و مدارک بسیاری نشان داده است که افراد در مدیریت و کنترل تعارض‌ها و همچنین ابراز واکنش مؤثر نسبت به پدیده تغییر، با شکست مواجه می‌شویم. میزان بالای طلاق، نمونه‌های ناامیدکننده از سوءاستفاده‌های جنسی و فیزیکی از کودکان، شکست‌های پُرهزینه حاصل از مخاطره‌های بین‌المللی و جنگ‌های خونی و نژادی، ما را متقاعد می‌کند که توانایی‌های لازم را جهت سازگاری در مواجهه با تعارض‌های پیچیده میان‌فردی، سازمانی و جهانی نداریم. دن تی جاسولد از دانشگاه سیمون فریزر کانادا، چنین بیان می‌کند که تغییر موجب پیدایش تعارض شده و تعارض تغییر را به‌وجود می‌آورد (کنیکی، ۱۳۸۴). برعکس تصور منفی که در زمینه تعارض وجود دارد، تعارض ضرورتاً امری منفی نیست بلکه حد متوسطی از آن می‌تواند موجب بالا بردن سطح عملکرد شود. آنچه در زمینه تعارض اهمیت دارد، نحوه رویایی و مواجهه با آن است. علاوه‌براین در حل تعارض، ابتدا باید به تجزیه و تحلیل آن پرداخت، سپس از فنون مختلف که در این زمینه وجود دارد از قبیل مذاکره، میانجیگری و داوری و مانند آن برای حل تعارض استفاده کرد

(جهان تیغ، ۱۳۹۰).

درواقع تعارض هویتی چالشی است که فرد در برآوردن ابعاد گوناگون تشکیل دهنده هویت خویش با آن مواجه است و ممکن است از تعدد یا تفاوت این ابعاد ناشی شده باشد (تبریزی و هوشنگی، ۱۳۹۲). تعارض هویتی یا درون فرد اتفاق می افتد و تعرض فردی است. این نوع تعارض زمانی رخ می دهد که فرد در رسیدن به اهداف خود با مانع برخورد کند و یا اینکه تعارض جمعی است تعارض جمعی زمانی رخ می دهد که چندین نفر دارای ارزش ها، آرزوها، سبک های ارتباطی و دیدگاه های متفاوت هستند.

بر همگان آشکار است که مسئله تعارض هویتی در میان دختران از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است؛ چراکه زنان و دختران ایرانی در جست و جوی هویتی مستقل و مستحکم برای خود هستند که این نیازمند شناختی درست و عمیق از هویت خود در همه ابعاد می باشد.

در جامعه در حال گذار ایران که شاهد پیامدهای نوسازی بوده و درعین حال باورهای سنتی همچنان حضوری نیرومند دارند، سبک زندگی افراد متأثر از فرهنگ ایرانی اسلامی و همزمان تحت تأثیر فرهنگ غربی است. فناوری های نوین ارتباطی مانند: ماهواره، بازی های اینترنتی و رایانه ای، اینترنت و امکانات آن مانند شبکه های اجتماعی، اتاق های گفتگو، پست الکترونیک، وبلاگ، پادکست و... تلفن همراه و امکانات آن مانند: پیامک کوتاه و بلوتوث، پخش کننده های موسیقی و... امکان دسترسی به گنجینه عظیمی از فرهنگ بشری را فراهم کرده است. درواقع تعامل بین فرهنگ ها باعث شده و می شود تا معنی سازی ها دگرگون بشود و به شکل غیروومی یعنی جهانی دربیابند (منادی و فرشلی صبح خیز، ۱۳۸۹، ص. ۶۷). در مقاله ای با عنوان «نقش تکنولوژی های نوین در هویت فرهنگی جوانان» به این نتایج رسیده اند که اینترنت نقش بیشتری در مقایسه با ماهواره در تغییر هویت فرهنگی جوانان دارد و افزایش میزان استفاده از فناوری های نوین ارتباطی، نقش منفی کمتری در هویت ملی جوانان دارد؛ اما موجب کاهش هویت دینی می شود و همچنین جوانان متمایل به سبک زندگی غربی می نماید و به سمت جهانی شدن که مورد نظر جوامع سرمایه داری و امپریالیستی است می روند و از فرهنگ ایرانی اسلامی خود دور می شوند. شکاف بین نسلی از دیگر عوارض استفاده از فناوری های ارتباطی است (رستمی درزیان و منصوری سده، ۱۳۹۲).

علاوه بر رسانه، عوامل مختلفی بر فرایند شکل گیری هویت در این گروه سنی اثر

می‌گذارد که ازجمله می‌توان به تفاوت‌های جنسیتی، فرهنگ، تاریخ و ساختار اجتماعی، موقعیت اجتماعی و اقتصادی، فرصت‌های آموزشی و عوامل خانوادگی اشاره کرد.

از میان عوامل اجتماعی، برجسته‌ترین تأثیر را والدین و نظام خانواده بر هویت فرد و چگونگی شکل‌گیری آن اعمال می‌کند. سیگلمن^۱ (۱۹۹۹) بر اساس پژوهش‌هایی در یافته است به‌طور کلی شکل‌گیری هویت موفق در نوجوان محصول چهار عامل شناختی - ارتباط با والدین - تجارب خارج از خانواده و زمینه‌های گسترده‌تر اجتماعی است که از بین این عوامل نقش خانواده در شکل‌گیری هویت در بسیاری از پژوهش‌ها تأکید شده است؛ همچنین بسیاری از پژوهشگران معتقدند که ارتباط نوجوان با والدین، شکل‌گیری هویت آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. الگوی تعامل خانواده نیز بر رشد فرد در حیطه هویت تأثیرگذار است (رزمی، ۱۳۸۵، ص. ۱۱۷).

به دلیل پویایی جوامع امروزی، حق انتخاب و تنوع انتخاب افراد بیشتر است و تنوع مراجع در ساخت هویت شخصی افراد مؤثر و مشهود است. بازتابندگی خود در مراجع امروزی آنقدر زیاد است که حتی جسم افراد تحت تأثیر بازتابندگی خود می‌باشد. در دنیای نوین امروزی، بدن انسان به‌صورت پدیده‌ای درآمده که می‌توان آن را موضوع انتخاب‌ها و گزینش‌های مختلف قرار داد. رویدادهای امروزی تنها فردیت را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد بلکه بین جنبه‌های شخصی توسعه جسمانی و عوامل جهانی نیز روابطی برقرار می‌کنند (توسلی، ۱۳۸۵).

امروزه، شرایط موجود در سطح فرامحلی، ملی و گسترش ایده‌ها و اندیشه‌های نو و همچنین سازمان‌های محلی، ملی و فرامحلی که در گسترش و تعمیق آنها فعال هستند، ایدئولوژی‌های جدید را که بر سنت و عرف‌های معمول در جهان تکیه دارند، به چالش کشیده‌اند. جوانان با به‌کارگیری ابزارهای نوین همچون ماهواره، اینترنت و تلویزیون‌های دیجیتالی، با شیوه‌های جدید زندگی آشنا می‌شوند و آنها را با شیوه‌های سنتی مرسوم خود مقایسه می‌کنند. حضور جوانان در همه جای دنیا و به‌ویژه در کشورهای پیشرفته در عرصه‌های مختلف، موجب شد آنها در بازتعریف هویت اجتماعی و نقش‌های خود در جامعه، درنگ و تأمل نمایند. پی‌آیند این برخوردها و رویارویی اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها، دگرگونی هویت اجتماعی جوانان است. این دگرگونی محتوایی هویت اجتماعی جوانان درگیر در فرایندهای محیط پیرامونشان، آنها را از جوانان

1. Siegelman

غیرفعال و محافظه‌کار نسل گذشته متفاوت می‌سازد؛ براین‌اساس، آنها در پی - شالوده‌شکنی یا تعدیل هویت‌های پیشین خود بوده و یا به‌دنبال راه برون‌رفت از وضعیت‌های مرسوم هستند که مبتنی بر پنداره‌های قالبی است.

ضرورت توجه به مسائل و مشکلات دختران به‌منزله بخش مهمی از اجتماع که نیاز به بررسی و مطالعه برنامه‌ریزی صحیح و کاربردی امری است ضروری و نبود شناخت دقیق مانع اصلی رشد و برنامه‌ریزی مناسب اجتماعی شده است؛ لذا دختران به‌عنوان یکی از گروه‌هایی که به‌شدت آسیب‌پذیر هستند و این آسیب‌ها به‌صورت آشکار و پنهان در تمام لایه‌های اجتماع نفوذ کرده است. باین‌حال متأسفانه تاکنون در کشور ما توجه اندکی به مسائل این قشر آسیب‌پذیر شده است و بیشتر پژوهش‌هایی که در مورد جامعه دختران صورت گرفته بیشتر به مسائلی نظیر هویت جنسیتی و عوامل مؤثر در آن، قاعدگی و بهداشت و مراقبت‌های آنان و بلوغ آنان یا مهارت‌های زنانگی و ارزش‌های جنسیتی و تعارض‌های موجود پرداخته شده است. باین‌حال تاکنون هیچ پژوهشی به‌طور کامل به مسائل دختران مقطع متوسطه اول و دوم شامل هویت، بلوغ اخلاق و سبک زندگی و تأثیرهای فضای مجازی روی آنان، میزان تعلقات دینی و دینداری و میزان معنویت دختران و سیاست‌گذاری‌های لازم درباره گستردگی موضوع به‌صورت اکتشافی برای بررسی مسائل دختران صورت نگرفته است. علاوه بر گستردگی موضوع، گستردگی جامعه مورد مطالعه نیز تمایزی اساسی میان این مطالعه و دیگر مطالعات پیشین دارد؛ چراکه سعی شده است دختران مقطع متوسطه اول و دوم از نقاط مختلف کشور مورد مطالعه علمی قرار گیرند. بعلاوه برای شناخت بیشتر و عمیق‌تر موضوع از روش کیفی بهره جسته‌ایم تا شناختی همه‌جانبه و ارزشمند در جهت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های آتی در مورد مسائل دختران کشف کرده باشیم. کار فرهنگی اثرگذار، کاریست که به‌درستی هدف‌گذاری شده باشد و در پاسخ به سؤال‌ها و نیازهای واقعی افراد، متنوع و مطابق سلیقه جامعه مخاطب، طراحی و برنامه‌ریزی شده باشد. با توجه به گسترش وسایل ارتباط جمعی علی‌الخصوص رسانه‌های مجازی و همچنین کاهش سن بلوغ و نیز چالش‌ها و فاصله‌های بین‌نسلی، ضروریست متولیان فرهنگی برای انجام کاری اصولی، درست و تأثیرگذار با جامعه مخاطب خود که همان نسل نوجوانان جدید هستند، ارتباط عمیق‌تر و مطابق نیازها، خواسته‌ها و سلاقی ایشان برقرار کنند که این مسئله نیز خود نیازمند شناخت دقیق این نیازها، خواسته‌ها و مسائل می‌باشد. در این نوشتار مبانی نظری موجود در مسئله هویت که در سطور پیش بدان

اشاره شد مورد دقت نظر قرار گرفته و پس از احصا به صورت ترکیبی مورد بهره برداری قرار گرفته است، بدین معنا که در ابعاد روان شناختی و جامعه شناختی و مؤلفه های مرتبط با این ابعاد بحث شده است.

۵. روش تحقیق

واژه روش، در کل به روندها و شیوه هایی گفته می شود که از طریق آن با مسائلی مواجه می شویم و برای آنها جوابی می یابیم. روش تحقیق کیفی، به رویه پژوهشی گفته می شود که یافته های آن از طریق داده های آماری و یا کمی کردن حاصل نشده است؛ به عبارتی پژوهش کیفی با معانی، مفاهیم، تعاریف، نمادها و توصیف ویژگی ها سروکار دارد، در صورتی که پژوهش کمی بر شمارش و اندازه گیری تأکید می کند (محمدی، ۱۳۸۷، ص. ۱۶). از دیدگاه نورمن دنزین و یووانا لینکلن، پژوهش کیفی رویکردی تفسیری و طبیعت گرایانه به موضوع مورد مطالعه است. این بدان معناست که پژوهشگران کیفی اشیاء را در موقعیت های طبیعی آنها مطالعه می کنند و می کوشند پدیده ها را برحسب معناهایی که مردم به آنها می دهند، مفهوم سازی یا تفسیر کنند (گال و دیگران، ۱۳۸۲، ص. ۶۰). دلیل انتخاب این روش در درجه اول ماهیت اکتشافی بودن موضوع مورد مطالعه، دغدغه های تحقیق و ضرورت مطالعه عمیق و همه جانبه آن با اتخاذ رویکردی اکتشافی و توجه به تفسیر کنشگران و درک و فهم آن، روش کیفی بهتر از هر روش دیگری از لایه های پنهان این پدیده پرده بر می دارد. در نتیجه انتخاب این روش یک انتخاب عاقلانه به نظر می رسد؛ زیرا رویکرد کیفی جهت کشف و تطبیق پاسخ های واقعی به مسائل دنیای واقعی به شیوه ای که در بافت کمی امکان پذیر نمی باشد مورد استفاده قرار می گیرد. پژوهش کیفی مسیری مفید و مکفی برای دستیابی به ماهیت اطلاعات مورد نیاز در ارتباط با مسئله های یک موقعیت تجربی می باشد (López, 2010).

روش های کیفی گستره وسیعی (همچون روش داده بنیاد، پدیدارشناسی، قوم نگاری، مطالعه موردی و تحلیل محتوا) را تشکیل می دهند که هر کدام به منظور برآوردن اهداف خاصی استفاده می شوند. تحلیل محتوا روشی است که در آن، پژوهشگران به آزمون دستاوردهای ارتباطات اجتماعی انسان ها که نوعاً از جنس اسناد و مدارک است، می پردازد. در واقع تحلیل محتوا هم روشی برای تحلیل داده ها و هم روش مشاهده اسناد است (سروستانی، ۱۳۷۵). کرینپندورف تحلیل محتوا را روشی پژوهشی معرفی می کند که به منظور استنباط تکرارپذیر و معتبر از داده ها در مورد

متن آنها به کار می‌رود (کرپیندروف، ۱۳۷۸، ص. ۲۵). او هدف این تحلیل را همانند سایر روش‌های پژوهشی فراهم آوردن شناخت، بینشی نو، تصویر واقعیت و راهنمای عمل می‌داند (کرپیندروف، ۱۳۷۸، ص. ۲۵). برنارد برلسون «تحلیل محتوا را» روشی برای مطالعه عینی، کمی و نظام‌مند فرآورده‌های ارتباطی (محتوای آشکار پیام) جهت رسیدن به تفسیر تعریف کرده است (کرپیندروف، ۱۳۸۳، ص. ۹). در این تعریف بر سه واژه کمیت، نظام‌مند بودن و عینیت تأکید شده است (ازکیا، ۱۳۸۲).

در یک طبقه‌بندی کلی، معمولاً روش‌های متفاوت تحلیل محتوا به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: روش‌های کمی و روش‌های کیفی. روش تحلیل محتوا در آغاز بیشتر بر کمیت تمرکز داشت و به‌شمارش فراوانی و کمی حضور یک واحد تحلیلی، مانند یک واژه، یک اصطلاح و یک مضمون در متن می‌پرداخت. روشی که به روش کمی یا روش علمی مسلط موسوم است و برگرفته از نظام فلسفی اثبات‌گرایی است، در مقابل مبانی فلسفی روش کیفی از نظام فلسفی تفسیری ریشه گرفته است. در روش‌های کمی، از راه ایجاد فاصله میان پژوهش و موضوع مطالعه می‌کوشند تا به شناختی عینی از واقعیت دست یابند؛ واقعیتی که بر تبیین، پیش‌بینی و آزمون به‌منزله معیارهای پارادایم اثبات‌گرایی، مبتنی بر متغیرهای قابل اندازه‌گیری، استوار است. این در حالی است که پژوهش‌های کیفی که مبتنی بر پارادایم تفسیری و روش‌شناختی پدیدارشناختی‌اند، بر درک معنای رویدادها به‌وسیله افراد مورد مطالعه استوارند. در این حالت، نگاه به پدیده‌ها، نگاهی کل‌گرایانه و جامع‌نگر است و دنبال کردن این روش، راهی است برای کسب آگاهی از راه کشف معانی پدیده‌ها (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰). در روش‌های کمی، معمولاً مقدار زیادی داده‌ها به‌گونه مختصر تحلیل می‌شوند. در این روش می‌توان مجموعه‌ای از اسناد و یا متون را استخراج، شمارش و طبقه‌بندی کرد. در روش‌های کیفی، مقدار کمی داده‌های مرکب و مفصل تحلیل می‌شوند و پایه واحد اطلاعاتی، ظهور یا غیبت یک خصیصه است (فاضلی، ۱۳۷۶).

تحلیل محتوای کیفی در جایی که تحلیل کمی به محدودیت‌هایی می‌رسد، نمود می‌یابد؛ بنابراین، تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش پژوهشی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از راه فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست (Hsieh, 2005).

مجموعه عنصرهای مورد مطالعه که از لحاظ نظری مشخص باشند یا به‌عبارتی دیگر، مجموعه افراد، اشیاء یا نمودهایی را که یک یا چند صفت مشترک داشته باشند و یک‌جا در نظر گرفته شوند. معمولاً در یک پژوهش محقق مایل است جامعه

را مورد بررسی قرار دهد. با توجه به هدف پژوهش که کشف نظام مسائل نوجوانان دختر مقطع متوسطه اول و دوم می‌باشد، جامعه هدف تحقیق حاضر، دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه اول و دوم از استان‌های مختلف می‌باشند. از آنجا که هدف این مطالعه بررسی و تبیین کیفی مسائل دختران نوجوان دانش‌آموز از نقطه نظر تجربه زیسته این افراد و نیز دستیابی به نظام مسائل دنیای آنهاست، در دستیابی به این هدف با دختران نوجوان دانش‌آموز متوسطه اول و دوم مصاحبه شده است. همان‌طور که بیان شد این داده‌ها با کمک روش مصاحبه گردآوری شده است؛ لذا روش تحلیل داده‌ها از طریق روش تحلیل محتوا کیفی مناسب خواهد بود. نمونه هدف این پژوهش ۱۸ نفر از دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول و دوم است.

جدول (۱): مشخصات دانش‌آموزان

کد	نام	رزومه
۱	زهرا	دهم - تهران
۲	سمیرا	یازدهم - البرز
۳	مهدیه	یازدهم - البرز
۴	فاطمه	هشتم - فارس
۵	حدیث	دهم - کرمانشاه
۶	سوگند	یازدهم - تهران
۷	کیانا	هفتم - تهران
۸	سیده فاطمه	دهم - شهرکرد
۹	طیبه - نگار	دهم - ارومیه
۱۰	فاطمه	یازدهم - همدان
۱۱	روژان	نهم - تهران
۱۲	بهاره	دهم - گیلان
۱۳	پرینا	نهم - مشهد
۱۴	ملیکا	نهم - بجنورد
۱۵	فاطمه	هشتم - خرم‌آباد
۱۶	ویدا	هشتم - بندرعباس

کد	نام	رزومه
۱۷	زهرا	هشتم - اهواز
۱۸	مائده	نهم - اهواز

۶. یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در ابتدا اشاره شد یکی از مهم‌ترین سؤال‌های این پژوهش در بعد هویت شخصی این بود که نوجوانان چه تعریفی از هویت خود دارند؟ آیا شناختی از هویت خود دارند و در صورت شناخت از این هویت احساس رضایت دارند یا خیر؟ سپس به عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت جنسی پرداخته شد و در آخر از نوجوانان خواسته شد که تعریف و نگاه خود را به تعارض هویتی بیان کرده و عواملی که از نگاه آنان بر روی تعارض هویتی مؤثر است را ذکر نمایند. در بُعد هویت اجتماعی، دو بُعد هویت ملی و هویت دینی بررسی شد. در بُعد هویت ملی میزان شناخت و تعلق نوجوانان به هویت ملی و در بُعد هویت دینی، نگاه به اصل دین و عوامل مؤثر بر دین‌گریزی نوجوانان و مهم‌ترین شبهه‌های آنها مورد پرسش قرار گرفت.

در تقسیم‌بندی ابعاد هویت دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. برخی از نظریه‌پردازان هویت را به دو بُعد فردی و اجتماعی تقسیم می‌کنند. امروزه هویت فردی افراد از مجموع هویت اجتماعی و شخصی آنها تشکیل می‌گردد. هویت شخصی به تعریف بازاندیشانه فرد از خود اطلاق می‌گردد و هویت اجتماعی تعریفی است که فرد از خود بر اساس عضویت در رده‌ها و گروه‌های اجتماعی گوناگون دارد (ساروخانی و رفعت، ۱۳۸۳)؛ به عبارت دیگر هویت اجتماعی ناظر به فرایند تعریف شدن «خود» از طریق نقش‌ها و پیوندهای اجتماعی است؛ اما هویت شخصی ناظر به این است که چگونه تعریف هر فرد از خود در عالم اجتماعی متشکل از تجربه و بازشناسی شکل می‌گیرد (جی دان، ۱۳۸۵)؛ بنابراین می‌توان گفت در بُعد شخصی هویت آنچه که اهمیت دارد شناخت فرد نسبت به خود از جمله جنسیت خود است؛ لذا هویت جنسی یکی از ابعاد مهم هویت شخصی در نظر گرفته شده است. هویت اجتماعی هر فرد که درون یک جامعه و بر اساس عقاید و ارزش‌های آن شکل می‌گیرد و در نتیجه عضویت فرد در گروه‌های اجتماعی مختلف است را می‌توان به ابعاد مختلفی از جمله هویت ملی، هویت دینی تقسیم کرد. هویت ملی را نیز می‌توان از ابعاد مختلف جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی و... بررسی نمود.

در پاسخ به سؤال اول که تعریف دختران از هویت خود چیست؟ بررسی داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها نشان داد که عموماً دختران در تعریف هویت به هویت جنسی خود و تمایز آن با پسران اشاره داشته‌اند؛ بنابراین در پاسخ به سؤال دوم که پرسیده شده است آیا دختران نوجوان نسبت به هویت خود آگاهی دارند؟ قالب دختران نوجوان در این پژوهش از آگاهی خود و دیگر دختران نوجوان از هویت جنسی صحبت کرده و به ابعاد دیگر هویت اشاره‌ای نداشته‌اند؛ بنابراین بر طبق نتایج حاصله از این پژوهش در بحث هویت جنسی نوجوانان دختر را به چند دسته می‌توان تقسیم نمود. اگر هویت جنسی را به معنای میزان شناختی که فرد یا نوجوان از جنسیت خود دارد، در نظر بگیریم، باید گفت که نوجوانان یا شناختی نسبت به هویت جنسی خود ندارند. چنانچه (کد ۳) در نظرهای خود معتقد است که برخی نوجوانان شناخت صحیحی از خود ندارند و تنها در صورتی می‌توانند به موفقیت دست یابند که خود را بشناسند: «اگر موفق بشن به هویت درستی از خودشن دست پیدا کنن بله می‌تونن. دختری که بتونه هویت درستی از خودش پیدا کنه صفات خودش رو یک ویژگی مثبت و نقطه قوت خودش خواهد دونست (کد ۳)».

در ادامه برخی از دختران نوجوان اذعان داشتند که به جنسیت خود و توانایی‌ها و نقاط قوت و ضعف شناخت داشته و تفاوت‌های جنسیتی بین جنس دختر و پسر را می‌شناسند؛ به‌عنوان مثال کد (۱) گفته است: «ما دخترها یک کم احساسی‌تر رفتار می‌کنیم؛ مثلاً ما خیلی راحت‌تر می‌توانیم با یک موضوعی کنار بیاییم راحت‌تر می‌توانیم تصمیم بگیریم یا تصمیم بهتری بگیریم (کد ۱)».

آنچه که از مصاحبه‌ها به‌دست آمده، برخی از دختران نوجوان در بحث هویت جنسی یا هویت را محدود به هویت ظاهری و شناخت ظاهری از خود می‌کنند و یا از هویت خود شناخت دارند؛ اما به‌دلایل مختلف از این هویت احساس رضایت ندارند. کد (۷) در پاسخ به این سؤال که دختران دوست دارند خود را به چه ویژگی‌هایی معرفی کنند، گفته است: «با ویژگی خوشگل بودن. برای دخترها خوشگل بودن خیلی مهم است؟ بله (کد ۷)».

کد (۱) با اشاره به اینکه برخی دختران از هویت جنسی خود راضی هستند، گفته است: دختر یعنی محدودیت، دیدگاه منفی، حس خوب و پاک با همه سختی‌ها و محدودیت‌ها (کد ۲)». از نگاه (کد ۱) محدودیت‌هایی که دختران نسبت به پسران

دارند، منجر گردیده است که از هویت جنسی خود راضی نباشند و حتی در مواردی به دنبال این باشند که ظاهر خود را شبیه پسران کنند. می‌توان گفت علت بخشی از نارضایتی‌های جنسیتی به دلیل تفاوت‌گذاری‌هایی است که از سوی خانواده یا جامعه بزرگ‌تر نسبت به دختران اعمال می‌گردد. به همین منظور برای فهم بهتر این تفاوت‌گذاری‌ها، هویت جنسیتی از چند بُعد نگرش جنسیتی، جایگاه جنسیتی و آزادی‌های جنسیتی بررسی شده است. بلاشک قیاس نگرش جنسیتی پایه و مبنای ابعاد دیگر خواهد بود. چراکه نگرش درابتدا حس و نگاه فرد نسبت به یک موضوع است که درنهایت به عمل منجر می‌شود. در بُعد نگرش جنسیتی کد ۸ و ۹ اشاره داشته‌اند که نگرش‌ها و تفکرات غالبی و کلیشه‌ای که نسبت به جنس زن از گذشته وجود داشته، هنوز هم در بسیاری از مناطق دیده می‌شود؛ به عنوان مثال گفته است: «خوب پسر آزادتر است اگر کاری انجام بدهد یا مثلاً در خانه همکاری نکند زیاد ارزش توقعی ندارند؛ اما از دختر پدر و مادر که زندگی‌هایشان سنتی است، توقع دارند. مردم استان ما بیشتر زندگی‌هایشان سنتی است، می‌گویند مثلاً شما باید در خانه مثلاً تا این زمان وقت داری بروی بیرون، تا این زمان باید این کار را انجام بدهی، کمک مادرت کنی، درس‌هایت را بخوانی، مثلاً محدود می‌کنند به کارها خانواده‌ها (کد ۸)».

در بحث قیاس جایگاه جنسیتی و آزادی‌های جنسیتی این نکته مورد توجه است که دختران و زنان در جامعه ما به لحاظ آزادی‌های اجتماعی و کسب جایگاه و موقعیت‌های اجتماعی چه وضعیتی دارند و آیا از این وضعیت خود راضی هستند یا خیر. بررسی داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که دختران نوجوان نسبت به آزادی‌های جنسیتی و کسب جایگاه جنسیتی چندان رضایت ندارند و از نظر آنان عوامل مختلفی باعث شده است که نگرش نسبت به آزادی و جایگاه جنسیتی زنان اصلاح نگردد؛ به عنوان مثال کد (۶) با اشاره به تفاوت‌گذاری خانواده بین فرزند دختر و پسر گفته است: «برادرم، مدرسه خصوصی از اول بچگی‌اش می‌رفت. بابایم ذهن او را کنترل کرد از پنج سال شش سال به بعد. ابوالفضل دقیق توی شش سالگی‌اش می‌توانست جمع‌های بزرگ بزرگ و سخت سخت را حل کند. بابایم می‌گفت این ذهنش خیلی بالاست هوشش خیلی بالاست، این که بنویسمش توی مدرسه دولتی درس بخواند اصلاً این جوری نیست. می‌فرستمش غیردولتی و خصوصی، قشنگ همه چیز را بهش آموزش بدهند آن جوری که مغزش بکشد آن جوری که توانش را دارد. از کلاس اول خصوصی نوشتنش تا به این سن که رسیده، این سن هم دارد

می‌رود بهارستان مدرسه خصوصی (کد ۹)». این به این معناست که هنوز در برخی خانواده‌ها، نگرش برتری جنس مرد نسبت به جنس زن وجود دارد و این نگاه باید اصلاح گردد.

کد (۹) با اشاره به تفاوت‌گذاری‌های متفاوت جامعه نسبت به جنس دختر و پسر در موقعیت‌های مختلف اشاره کرده و گفته است: «در این جامعه نه! چون برخوردهایی که با یک پسر می‌کنند با یک دختر نمی‌کنند، یعنی پسرها بیشتر می‌توانند کارهایی انجام بدهند که دخترها نمی‌توانند و من نمی‌خواهم دختر باشم. مثلاً در رشته‌ها، مثلاً می‌گویند رشته ریاضی - فیزیک برای پسرها هست نه برای دخترها. همه می‌گویند، می‌گویند یک دختر نمی‌تواند مکانیک بخواند (کد ۹)».

بنابراین یکی از مهم‌ترین مسائل جامعه ما که بسیار ریشه در سنت‌های عرفی داشته و حتی در موارد بسیاری با آموزه‌های دینی در تضاد است، محدودیت‌های زیستی، روانی، اجتماعی و فرهنگی است که نسبت به دختران در مقایسه با پسران اعمال می‌گردد و همین امر می‌تواند زمینه را برای تعارض هویتی و بیزاری از هویت جنسی فراهم می‌کند. این مسئله زمانی مسئله مهمی تلقی می‌گردد که دختران نوجوان به‌عنوان مادران آینده این سرزمین در صورتی که نتوانند هویت جنسی خود را بپذیرند دچار مشکلات بسیاری هم در زندگی شخصی و هم در زندگی اجتماعی خود می‌گردند.

در پاسخ به سؤال سوم و در بررسی ابعاد دیگر هویت، هویت ملی یکی از ابعاد مهم هویت، در نظر گرفته شده است. هویت ملی فرایند پاسخگویی آگاهانه یک ملت نسبت به جایگاه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی و جغرافیایی است؛ بنابراین همان‌طور که گفته شد هویت ملی ابعاد مختلفی دارد که در این اینجا به‌طور کلی بررسی شده است. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که برخی دختران نوجوان نسبت به هویت ملی احساس تعلق می‌کنند و به ایرانی بودن افتخار می‌کنند. کد (۱۵) در این باره گفته است: «به نظر من ایران یک کشور با اصالت هست که؟ به نظر من ایران جزئی از خانواده من است، مردمی که در آن زندگی می‌کنند جزئی از خانواده من هستند، وطن من است، بعضی‌ها هستند که خیلی دوست دارند که از ایران بروند؛ اما من شاید باورتان نشود اما خدا را شکر می‌کنم که در ایران به دنیا آمدم. شهیدانمان را خیلی دوست دارم (کد ۴)».

برخی دیگر با توجه به تجربیات خود و برخوردهایی که در موقعیت‌های مختلف دیده‌اند و همچنین به دلیل شرایط سیاسی و اقتصادی کشور و نیز تبلیغات

گسترده‌ای که در اشکال مختلف بر علیه ایران صورت می‌گیرد و در تلاش است که احساس تعلق به هویت ایرانی را ضعیف کند و درنهایت فرد نسبت به هویت ملی خود احساس تعلق نکند. کد (۱۱) در این رابطه گفته است: «من همچنین حسی دارم واقعاً، به‌خاطر مشکلاتی که هست، کسانی که من دیدم با شناختی که ازشان دارم این کار را می‌کنند، وقتی یک خارجی ببینند و طرف بگویند اگر کدام کشور، واقعاً نمی‌گویند از ایران، آنها که من می‌شناسم، می‌گویند نه، بگوییم که خجالت بکشیم، بگوییم ایرانی هستیم؟ مسلمان بودن یک بحث جدایی است خب، تمام کشورهای دنیا مسلمان هست زیاد هم هست، این را می‌گویند؛ اما اینکه بگویند ایرانی هستیم فکر نمی‌کنم (کد ۱۱)».

رهبر انقلاب در دیدار خود به مناسب بزرگداشت روز معلم (اردیبهشت ۱۴۰۱)، در رابطه با نقش و اهمیت معلمان در خصوص تربیت نسل‌های آینده فرمودند: «در مورد آموزش و پرورش، یک نکته‌ی کلی‌ای وجود دارد که بنده روی آن تأکید میکنم، در صحبت‌ها و نوشته‌ها هم تکرار شده این معنا. ما بایستی کاری کنیم که دانش‌آموز ما دارای هویت ملی بشود؛ هدف از تربیت دانش‌آموز، از آمدن این دانش‌آموز به مدرسه، به دبستان یا دبیرستان، صرفاً این نباشد که بخواهد درس یاد بگیرد. خب بله، درس هم باید یاد بگیرد، علم هم باید بیاموزد؛ اما مهم‌تر از علم‌آموزی یا لااقل در حد علم‌آموزی این است که او احساس هویت بکند، یک انسان با هویت ساخته بشود در اینجا که هویت ملی و احساس اعتماد به نفس ملی پیدا بکند و کودک ما از عمق جان، با افتخارات کشور آشنا بشود»^۱.

از ابعاد دیگر مهم هویت، هویت دینی است که در یک محور مجزا بررسی شده است. موضوع دین و هویت دینی که به‌عنوان محور چهارم در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است، به چند سؤال مهم پاسخ داده است. سؤال اول اینکه نگاه نوجوانان به دین به چه صورت است؟ آیا دین را پذیرفته و به‌دستورهای آن عمل می‌کنند یا خیر؟ و اگر در میان نوجوانان دین‌گریزی وجود دارد، علل این دین‌گریزی چیست؟ و نهایتاً اینکه مهم‌ترین شبهات و سؤالات نوجوانان که تاکنون پاسخی برای آن نیافته‌اند، در چه زمینه‌ای است؟ مقوله اول که بحث نگاه به دین است، در چند زیر مقوله از جمله باور به توحید و یگانگی خدا، ضعف در انجام مناسک دینی و دین‌گریز شدن نوجوانان دسته‌بندی شده است. تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه

نشان می‌دهد که اکثر نوجوانان به لحاظ فطری وجود خدا را قبول دارند و تنها چیزی که با آن مشکل دارند، سختی انجام مناسک دینی است که آن هم عمدتاً به دلیل عدم تبیین درست فلسفه احکام برای نوجوانان است. کد (۱۱) در این باره گفته است: «نماز نمی‌خوانند، راستش را باید بگویم دیگه، نماز نمی‌خوانند اما معتقد هستند؛ مثلاً من فکر کنم چهارم بودم تقریباً، البته هر سال این‌طوری، تا قبل از اینکه کرونا بیاید، در کلاس هم‌کلاسیم، می‌رفتیم سر کلاس سرمان باز بود، ولی رعایت می‌کردیم، من یک لباس مشکی می‌پوشیدم که رویش شکل دارد ولی دوستم لباسی می‌پوشید که رویش شکل داشت، یک کفشی می‌پوشید که رویش شکل رنگی داشت ولی تمام تلاشش را می‌کرد که لباسی را که می‌پوشد سیاه باشد، تا دهه عاشورا، تاسوعا، تلاششان را می‌کردند سیاه بپوشند، درست است سر باز بود اما خودشان شرمنده بودند اگر یک روز لباس سفید یا رنگی می‌پوشیدند خودشان شرمنده می‌شدند. درست است روی سرمان باز است، لباسمان شکل دارد ولی مشکی می‌پوشیم که بگوییم لااقل ما هم به این چیزها معتقدیم (کد ۱۱)».

همچنین کد (۱) در رابطه با اینکه برخی نوجوانان دین‌گریز شدند و در انجام مناسک دینی کاهلی و تنبلی می‌کنند، گفته است: «ارتباطت با نماز و قرآن و این جور چیزها چه جور است؟ قبلاً خوب بود ولی الان نه. قبلاً کانون قرآن می‌رفتیم همیشه نماز می‌خواندم ولی الان دیگر نه. الان نماز و قرآن و اینها نمی‌خوانی؟ فقط توی مدرسه قرآن و کتاب‌ها. خانواده چطورند؟ بابایم نماز می‌خواند قرآن می‌خواند. خواهرم یک مدتی می‌خواند ولی الان نه. مامان چی؟ نه. روزه چطور؟ نه (کد ۱)».

بنابراین بررسی مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که نوجوانان عناد و دشمنی با دین نداشته و تحت تأثیر عوامل گوناگون از جمله خانواده دچار ضعف در اجرای مناسک دینی و در مواقعی دین‌گریزی شدند؛ البته ضعف در این مسئله را در موارد شدید شاید بتوان دین‌گریزی نامید؛ اما تحلیل نتایج در این سطح را نمی‌توان دین‌گریزی نام نهاد.

در ادامه از نوجوانانی که به دین‌گریز شدن اشاره داشته‌اند، در رابطه با علل دین‌گریزی نوجوانان سؤال پرسیده شد که چند عامل عدم تبیین درست و عقلانی از دین، انتخاب گزینشی دین، خانواده، رسانه، رفتارهای متناقض مسئولان و افراد مذهبی (عدم تناسب ظاهر و باطن) ذکر کرده‌اند. در رابطه با عدم تبیین صحیح و عقلانی از دین، کد (۱۱) اشاره کرده است که برای خود و دوستانش موارد و سؤال‌هایی بوده که تا به حال دلیل مشخص برای آنها پیدا نکرده‌اند و درواقع بدون

پاسخ مانده است. او در این رابطه گفته است: «دغدغه‌های ذهنی، مثلاً همکلاسی من، دوست صمیمیم دغدغه اش این بود که مثلاً دارم می‌گویم، یکی از سؤال‌ها درباره همین بحث دین و اینها این بود که یعنی مثلاً فقط ایرانی‌ها نماز و حجاب دارند، سؤال برایش شده بود، که مثلاً تلویزیون اینقدر تأکید دارد حجاب خوب است، یک برنامه‌هایی هم برایش ساختند فکر می‌کنم که این‌طور و آن‌طور است، برایش سؤال شده بود که واقعاً یعنی چی؟ اگر مثلاً دنیای بعد از اینها، مثلاً حجاب داشتیم، یک کشوری مثل فرانسه که حجاب دارند همه از دم جهنم، این طرف همه از دم بهشت. برایش سؤال شده بود و این خیلی برایش زور داشت، این حرف واقعاً در ذهنش هیچ تعادلی ایجاد نمی‌کرد. مثلاً می‌گفت اینکه دزدی نکنیم می‌رویم بهشت، نماز نخوانی می‌روی جهنم، واقعاً برایش سؤال شده بود یعنی نماز خواندن و اینها، اگر طرف نماز بخواند بعد بیاید دزدی کند باز می‌رود جهنم؟ این برایش سؤال شده بود (کد ۱۱)». در بین مصاحبه‌شوندگان نوجوان به تغییر دین و گرایش به دین مسیحیت هم اشاره شده است که گرچه شاید عمومیت نداشته باشد؛ اما با توجه به فراهم بودن زمینه‌های دین‌گریزی نوجوانان باید مورد توجه قرار گیرد. در این باره زهرا گفته است: «من حقیقتش از ایران متنفرم. چون دخترها را اجازه‌شان دست پدرشان است، یا اینکه همه چیز را محدود کردن و پسرها را آزاد گذاشتند، اینکه فقط زورشان به دخترها می‌رسد و اینکه کلی چیزهای دیگر، مثل اینکه بیرون رفتن یا حجاب، آقا شاید یکی دوست نداشته باشد حجاب کند، یا شاید یکی دینش مسیح باشد، دین اجباری، دین را اجباری کردند حقیقتش؛ مثلاً من خودم پارسال دیگه، دینم را انتخاب کردم، همه می‌گفتند نه، تو باید مسلمان باشی، چون خانواده ات مسلمان هستند تو نمی‌توانی مسیحی بشوی، گفتم باشد تفسیر قرآن را می‌خوانم، تفسیر کتاب انجیل که مال مسیحی‌ها هست را هم می‌خوانم. آقا من از انجیل خوشم آمد اعتقاداتشان حرف‌هایشان کلاً خوشم آمد، انتخاب کردند و همه‌اش خانواده من ضد انتخاب‌هایم بودند و بابام می‌گفتند نه، باید جلوی من نماز بخوانی، گفتم نه من نماز نمی‌خوانم، می‌خواهی من را بکشید؟ بکشید، من اصلاً برایم مهم نیست، اینکه ببینم همه چیزشان زور است، دینشان زور است، چیه؟ حتی ازدواج‌هایشان مثلاً ببینی یک دختر ۱۳ ساله با اجبار ازدواج کرده یا اینکه این چیزها را نگاه می‌کنم خیلی حالم بد می‌شود (کد ۱۷)».

در سال‌های اخیر یکی از مواردی که به وفور مشاهده می‌شود، انتخاب سلیقه‌ای و گزینشی از دین است. به این معنا که چه بزرگسالان چه نوجوانان به‌صورت

گزینشی عمل کرده و خود را ملزم به رعایت تمام دستورهای دین نمی‌دانند و با استناد به جمله که در میان عامه مردم بیشتر استعمال می‌شود: «مهم این است که دل پاک باشد» جواز انجام هر کاری را برای خود صادر می‌کنند و یا می‌توان گفت برخی برای سهولت انجام مناسک دینی این کار را بدون آگاهی انجام می‌دهند؛ البته شایان ذکر است که نوجوانان به تاسی از بزرگسالان خود چنین اقدام می‌کنند. کد (۷) با اشاره به یکی از تجربه‌های خود در این رابطه گفته است: «من هر دوی اینها برایم مهم است، از آنجایی که مسجد می‌روم قول دادم در طول روز دو رکعت نماز کلاً بخوانم، آن هم نماز بزن و در رو. چرا؟ نماز بزن و در رو چیه؟ برایم ارزش می‌گویی؟ خانم‌مان برایمان تعریف کرده، نماز در طول روز فقط دو رکعت می‌خوانی، یعنی زنگ رو بزن در رو، خیلی زود تمام می‌شود، کلاً دو رکعت است (کد ۷)»؛ بنابراین به نظر می‌رسد که متولیان امر تربیت دینی چه در مدارس، چه در جامعه و چه در خانواده‌ها به‌خوبی نتوانسته‌اند به تبیین درست و عقلانی از مناسک و جنبه‌های مختلف مسائل دینی مثل حجاب، نماز و... بپردازند و همین امر موجب شده است به‌طور شایسته فهم دقیق و درستی از این امر نداشته و حتی گاهی با ارائه تحلیل‌های شخصی که حاوی برداشت‌های شخصی و سلیقه‌ای است، منجر به ارائه فهم ناقصی از دین در افراد گردند.

در این میان ذکر این نکته ضروری است که در سال‌های اخیر، نقش رسانه و خصوصاً فضای مجازی و عدم تناسب گفتار و رفتار برخی مسئولان به‌عنوان اجراکنندگان احکام دینی در کشوری که به نام اسلام است، ضربه بسیار زیادی به اعتقادهای افراد در یک جامعه وارد کرده است. نکته مهم دیگر اینک که از آنجا که محیط خانواده مهم‌ترین و اولین محیط تربیت فرزند و جامعه‌پذیری فرزند است، نباید از ضعف تربیت دینی در محیط خانواده خصوصاً در سال‌های اخیر غافل شد این مهم نیازمند عزم جدی در این حوزه است. در این باره کد (۱۵) و کد (۳) گفته‌اند: «بعضی از افراد به‌خاطر این پوششی که می‌گویم حالا مثلاً اگر آخوند بوده، لباس آخوندی؛ اگر چادر بوده این چادر را پوشیده خیلی‌هایشان کارهایی کردند که وجهه چادری بودن و آخوند بودن را خراب کردند و واقعاً دین را برای بقیه خیلی کم‌رنگ کرده‌اند. یعنی در همین شرایط کرونا اگر جشن ۲۲ بهمن یا هر موضوع دیگری که مهم بود شاید برگزار می‌شد ولی ولادت‌ها و شهادت‌های ائمه می‌گفتند که کنسل هست و برگزار نمی‌شود، از وقتی کرونا آمده این خیلی کم‌رنگ‌تر شد ولی واقعاً یکسری افراد بعضی کارهایی کردند که باعث شده است که دین بچه‌ها ضعیف

بشود، نه تنها بچه‌ها بلکه یکسری افراد بزرگ‌تر هم عقایدشان واقعاً به‌هم‌ریخته و یعنی شخص با اینکه در جایگاه بلندمرتبه‌ای قرار دارد، در جایی هست که مثلاً لباسش لباس آخوند پوشیده و یا چادر پوشیده است ولی می‌بیند که کاملاً برخلاف پوشش ظاهری اش هست». (کد ۱۰) در جامعه ما هم اکنون متأسفانه بله. هم می‌تونه به‌خاطر تربیت خانوادگی باشه هم نفوذ غربی‌ها و هم رسانه و هم متأسفانه طرز رفتاری که به اسم اسلام در جامعه ما انجام میشه و همین باعث طرز تفکر غلط به اسم اسلام در ذهن بچه‌ها میشه. نه الگوی خوب معرفی شده ولی مردم جامعه دولت مردان رفتار صحیحی از اسلام به‌جا نگذاشتن. درست اینکه به‌دنبال این هستیم که دختران قوی و انقلابی و نسل ظهور تربیت بشه؛ اما غلطش می‌تونه این باشه که دولت مردان ما به اسم اسلام خرابه‌کاری زیاد کردن (کد ۳).

مطابق صحبت نوجوانان، مهم‌ترین شبهه‌های نوجوانان در باب موضوع قیامت و مسئله حجاب و چرایی رعایت پوشش برای زنان است؛ به‌عنوان مثال کد (۱۱) با اشاره به برخی کشورهایی که رعایت پوشش در آنها به‌عنوان یک اصل دینی قانونی نیست، گفته است: «دغدغه‌های ذهنی، مثلاً همکلاسی من، دوست صمیمیم دغدغه‌اش این بود که مثلاً دارم می‌گویم، یکی از سؤال‌ها درباره همین بحث دین و اینها این بود که یعنی مثلاً فقط ایرانی‌ها نماز و حجاب دارند، سؤال برایش شده بود، که مثلاً تلویزیون اینقدر تأکید دارد حجاب خوب است، یک برنامه‌هایی هم برایش ساختند فکر می‌کنم که این‌طور و آن‌طور است، برایش سؤال شده بود که واقعاً یعنی چی؟ اگر مثلاً دنیای بعد از اینها، مثلاً حجاب داشتیم، یک کشوری مثل فرانسه که حجاب دارند همه از دم جهنم، این طرف همه از دم بهشت. برایش سؤال شده بود و این خیلی برایش زور داشت، این حرف واقعاً در ذهنش هیچ تعادلی ایجاد نمی‌کرد (کد ۱۱)».

رهبر انقلاب در باب اهمیت هویت دینی در دیدار با معلمان (اردیبهشت ۱۴۰۱) فرمودند: «این نسل را شما می‌خواهید امروز بسازید. نسلی که خودساخته است، دارای هویت است؛ هویت ایرانی - اسلامی محکم و عمیقی دارد، دلباخته و فریفته این و آن و بازمانده‌های تمدن منسوخ‌شده‌ی شرق و غرب نیست؛ نسلی است دانا، دانشمند، کارآمد، ماهر، آشنا با سبک زندگی اسلامی و سنت‌های ایرانی؛ یک چنین نسلی لازم است تا بتواند آن تمدن را بسازد» (بیانات در دیدار با معلمان).

ناتوانی دختران نوجوان در تفکیک اصل دین از رفتار دینی افراد متدین یکی از مهم‌ترین آسیب‌هایی است که این قشر را در معرض آسیب قرار داده است. این قشر

برخی رفتارهای نادرست را نوعی نقص در اصل دین تلقی کرده و علت بسیاری از مشکلات و ضعف‌ها را از همین‌جهت به اصل دین نسبت داده و راه‌رهایی از مشکلات را دوی جستن از دین و آموزه‌های دینی می‌دانند؛ بنابراین باید گفت که تمام نهادهای اجتماعی که به نوعی مسئولیت تربیت نوجوانان را بر عهده دارند، نباید از تربیت دینی که زمینه‌ساز شکل‌گیری هویت دینی نوجوانان است، غافل شوند.

در پاسخ به سؤال چهارم که تعریف دختران نوجوان از تعارض هویتی

پرسیده شده است. بررسی نتایج حاصله از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که نگرش کلی نسبت به تعارض هویتی را می‌توان امری مثبت تلقی می‌کند و آن هم به این دلیل است که در صورت فراهم بودن شرایط و امکان پاسخگویی به تعارض‌های نوجوان، می‌تواند این تعارض‌ها نه تنها منفی نبوده بلکه زمینه را برای شناخت بهتر و عمیق‌تر نسبت به خود فراهم آورد. کد (۷) در مصاحبه خود این‌طور گفته است که: «آدم سرگردان می‌شود چون نمی‌داند این کار را انجام بدهد یا آن کار را. این سردرگمی برای خودت است، خانواده‌ات دچار چه مشکلی می‌شوند وقتی این‌طوری می‌شوی؟ ما مانم می‌گویند بنشین درست فکر کن ببینی چه کار باید بکنی بعد آن کار را انجام بده، کاری هم نکن که بعداً برایت دردسر بشود. یعنی خانواده هم باهات درگیر می‌شوند؟ بله خوب به نظرت اینکه آدم این حالت‌ها برایش پیش می‌آید خوب است یا بد است؟ خوبه، چون آدم می‌نشیند فکر می‌کند ببیند کدام کار را بکند (کد ۷)».

در پاسخ به سؤال پنجم، در بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت و

تعارض هویتی دختران نوجوان، عوامل مختلفی نقش دارند؛ اما آنچه که در بین اغلب از مصاحبه‌ها به آن اشاره شده، نقش خانواده در شکل‌گیری هویت به‌عنوان اولین نهاد اجتماعی است که فرد در آن جامعه‌پذیر شده و نسبت به خود و هویت خود شناخت پیدا می‌کند؛ بنابراین اگر خانواده‌ای دچار اختلال و نابسامانی باشد، نمی‌تواند کارکرد و وظیفه خودش را در تربیت و پرورش فرزندان انجام دهد. چراکه خانواده اولین جایی است که هنجارها و ارزش‌ها و رفتارهای اجتماعی را یاد می‌گیرد و به همین دلیل خانواده نقش خیلی مهمی در شکل‌گیری درست هویت دارد؛ بنابراین می‌توان گفت یکی از نهادهایی که باید برای آن برنامه‌ریزی کرد، نهاد خانواده است. در این رابطه کد (۷) گفته است: «آره دیگه مثلاً هرکسی در یک خانواده‌ای زندگی می‌کند، یکی خانواده‌شان با اعتقاد و چادری هستند، بچه‌هایشان

هم مثل همان‌ها بار می‌آیند، مثلاً ترکیه‌ای‌ها وقتی بچه‌شان به دنیا می‌آید همان زبان را یاد می‌گیرند؛ مثلاً ایرانی‌ها با زبان مادریشان را یاد می‌گیرند. آخه من دقیقاً با این دوستم که گفتم اعتقاد به هیچی ندارد با آن دوستم که اعتقاد دارد و چادر سرش می‌کند، ما سه‌تایی دقیقاً یک کلاس عربی می‌رویم، جدای از کلاس خودمان یک کلاس عربی می‌روم، از آن کلاس عربی خانمان خواهش کرد که نماز بخوانیم، بعد از آنجا با اینکه باهاشون حرف می‌زنیم، این باز اعتقاد ندارد همه‌چی را مسخره می‌کند اما آن یکی می‌نشیند گوش می‌دهد - فکر می‌کنی چه عاملی باعث شده او مسخره کند؟ نمی‌دانم، شاید دوست‌هایش یا دوست‌هایی که در مدرسه دارد یا دوست‌های مجازیش یا خانواده‌اش (کد۷)».

علاوه بر خانواده به عنوان مهم‌ترین عوامل اثرگذار در شکل‌گیری هویت، فضای مجازی و رسانه‌های جمعی، ساختارهای اجتماعی مثل قوانین، گروه همسالان و... هستند که در شکل‌گیری هویت فرد نقش داشته و ضعف در هر کدام از این عوامل زمینه را برای عدم شکل‌گیری صحیح هویت نوجوان فراهم می‌آورد. در رابطه با برخی ساختارهای اجتماعی غلط در سطوح مختلف، کد (۵) گفته است: «به نظر من به خاطر امنیت نیست، بیشتر به خاطر تعصب است که این تعصب نسبت به زن هم در خانواده‌هایی که کرد هستند بیشتر می‌شود پیدا کرد (کد۵)».

دقیقاً همان‌طور که عوامل مختلفی مثل خانواده، ساختارها، گروه همسالان، فضای مجازی و... در شکل‌گیری هویت نقش دارند، همین عوامل در صورتی که به درستی ایفای نقش نکنند و ضعف و کاستی‌ها اصلاح نگردد، زمینه را برای تعارض هویتی فراهم می‌کند و در شرایط حادث‌تر فرد دچار بحران هویتی می‌گردد.

در جدول ذیل به‌طور خلاصه محورهای و مقولات اصلی و فرعی استخراج شده که در طی سؤال‌های پژوهش به آن پاسخ داده شد، بیان شده است. هویت فردی به‌طور کلی به دو بُعد هویت شخصی و اجتماعی تقسیم گردید. هویت جنسی، هویت ملی و هویت دینی به‌عنوان مهم‌ترین ابعاد هویت فرد مورد بررسی قرار گرفت. همچنین مسئله تعارض هویتی به‌عنوان یکی از مسائل مهم در حوزه هویت نوجوانان و عوامل مؤثر پرسش شده است.

جدول (۲): ابعاد هویت

مقولات فرعی ۳	مقولات فرعی ۲	مقولات فرعی ۱	مقوله اصلی	محور
-	عدم شناخت	هویت جنسی		هویت فردی
-	نارضایتی از هویت جنسی			
-	شناخت خود			
-	شناخت ظاهری			
-	قیاس نگرش جنسیتی	قیاس هویت جنسیتی		
-	قیاس جایگاه جنسیتی			
-	قیاس آزادی‌های جنسیتی			
-	ساختار جامعه (مسائل فرهنگی)	عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت جنسی		
-	خانواده			
-	رسانه			
-	گروه همسالان			
-	عدم استدلال عقلانی مسائل برای نوجوان			
-	توجه به تفاوت و توانمندی خاص دختران			
-	نگرش به تعارض هویتی	تعارض هویتی	هویت اجتماعی	
-	عوامل مؤثر بر تعارض هویتی			
-	تعلق به هویت ملی	هویت ملی		
-	عدم تعلق به هویت ملی			
باور به توحید و یگانگی خدا	نگاه به دین	هویت دینی		
ضعف در انجام مناسک				

مقولات فرعی ۳	مقولات فرعی ۲	مقولات فرعی ۱	مقوله اصلی	محور
دینی				
دین‌گریز شدن نوجوانان				
تغییر دین و گرایش به دین مسیحیت				
عدم تبیین صحیح و عقلانی از دین	عوامل مؤثر بر دین‌گریزی نوجوانان			
سلیقه‌ای عمل کردن (انتخاب گزینشی از دین)				
خانواده				
رسانه				
رفتارهای متناقض برخی مسئولان و برخی افراد مذهبی (عدم تناسب ظاهر و باطن)				
قیامت	شباهت			
امام زمان				
حجاب				
آرایش‌های نوپدید مثل کاشت ناخن				

نتیجه‌گیری

با شروع دوران نوین و گسترش روزافزون فناوری‌های نوین و فناوری‌های ارتباطی که در ادامه فرایند جهانی شدن اتفاق افتاده است، مسائل مختلفی را برای زندگی انسان‌ها پدید آورده است. در این میان برخی موضوع‌ها با توجه به اهمیت و آسیب‌پذیر بودن آن اولویت بیشتری دارد.

مسئله هویت یکی از موضوع‌های بحث‌برانگیز در حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و... است. مسئله و موضوع هویت در دوران نوین پدیده‌ای

سیال و پیوسته در حال عوض شدن در نظر گرفته می‌شود که این موضوع با توجه به مبانی فکری و دینی ما به‌عنوان یک کشور اسلامی دارای تمدن کهن جای تأمل دارد. اینکه آیا اساساً هویت را باید یک پدیده سیال باید در نظر گرفت و با توجه به ویژگی دوران نوین نمی‌توان به یک هویت ثابت در ابعاد مختلف دست یافت؟

شکل‌گیری درست هویت در دختران نوجوان که اجزای سازنده تمدن نسل‌های آینده هستند نقش تعیین‌کننده‌ای در معادلات جهان معاصر دارد. در گذشته مسئله هویت همانند امروز درگیر چالش‌های نوپدید نبود؛ اما امروزه تعارض هویتی و مسائل مربوط به این حوزه از مهم‌ترین چالش‌های دختران نوجوان است. شکل‌گیری درست هویت نقش مستقیم در شکل‌گیری شخصیت فردی و اجتماعی افراد دارد. با نگاهی گذرا به بحران‌های جوامع و جهان معاصر می‌توان ریشه بسیاری از مصائب را در مسئله پُراهمیت هویت یافت.

با توجه به داده‌های حاصل از مصاحبه می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که به‌رحال دختران نوجوان ما از تأثیرهای دنیای نوین بی‌نصیب نبوده و به‌خوبی می‌توان آثار این تغییرها را در موضوع هویت‌یابی نوجوانان یافت. از مهم‌ترین موضوع‌ها در بحث هویت‌یابی نوجوانان این است که در درجه نخست، دختران نوجوان ما از جنسیت خود به‌عنوان یک زن راضی باشند چراکه رضایت از جنسیت می‌تواند به‌عنوان مبنای شکل‌گیری درست هویت در نوجوانان گردد. بررسی مصاحبه‌ها نشان داد که برخی نوجوانان نسبت به هویت جنسی خود آگاهی و رضایت دارند و عدم رضایت برخی از هویت جنسی به دلیل تفاوت‌گذاری‌های جنسیتی است که خصوصاً در برخی فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های بومی و محلی و منطقه‌ای نسبت به دختران وجود دارد. این تفاوت‌گذاری‌ها هم در سطح نگرش جنسیتی، هم در آزادی‌ها و جایگاه‌های جنسیتی است. برخی از نوجوانان نیز هویت خود را محدود به هویت ظاهری می‌دانند؛ بنابراین با توجه به شرایط اقتصادی اجتماعی ایران و اعتراض‌هایی که در راستای دفاع از حقوق زنان در جامعه صورت می‌گیرد، نیازمند این است که در ابتدا فهم درستی از جایگاه زنان و میزان اثرگذاری او در جامعه ایران صورت گیرد و این مسئله مهم برای عموم مردم و خصوصاً دختران نوجوان تبیین گردد. هم‌چنین می‌بایست نسبت به اصلاح برخی قوانین حوزه مسائل زن و خانواده اصلاحات لازم صورت گیرد. تا از بروز آسیب‌ها و مشکلات احتمالی در آینده جلوگیری به عمل آید. علاوه بر هویت جنسی، نیاز است که به ابعاد دیگر هویت دختران نوجوان از جمله هویت ملی و هویت دینی به‌عنوان کسانی که در

ساختن آینده این کشور سهمی خواهند داشت، توجه گردد.

در مقایسه هویت ملی و هویت دینی می‌توان گفت که دختران نوجوان ما نسبت به هویت ملی احساس تعلق و تعهد بیشتری داشته و هویت دینی در طی زمان به‌خصوص در چند سال اخیر با توجه به گسترش رسانه و شبکه‌های اجتماعی و جنگ ترکیبی جاری در بستر فضای مجازی که عمدتاً شاخصه‌های مهم در شکل‌گیری هویت دینی و ملی را هدف قرار گرفته است دچار خدشه گردید. این مسئله معلول عوامل مختلف درونی و بیرونی است. طراحان این نبرد به‌خوبی به اهمیت دین و آموزه‌های اعتقادی در شکل‌گیری درست هویت در دختران نوجوان آگاه بوده و متناسب با این موضوع به طرح ریزی گستره در این عرصه پرداخته‌اند. مقایسه رشد و پیشرفت قابل ملاحظه زنان در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و علمی بعد از انقلاب اسلامی نسبت به قبل از انقلاب نشان‌دهنده این مهم است که رویکرد انقلاب اسلامی در مسائل زنان و اهمیت به مسیر رشد زنان از جایگاه خوبی برخوردار است.

امروزه با گذشت چهار دهه از انقلاب، دشمنان که به‌طور خاص سرمایه‌گذاری ویژه‌ای در مسائل زن و خانواده کرده‌اند این مهم را می‌طلبند که نظام اسلامی به تدوین تاکتیک‌های راهبردی در این عرصه پرداخته و با آگاه‌سازی و رشد عقلانیت اصیل و تفکر منطقی در نسل کودک و نوجوان و همچنین ترمیم و بازسازی خلاءهای موجود در این عرصه مانع از انحلال و تعارض در مسئله هویت در قشر خصوصاً دختران نوجوان گردد. مبانی نظری دینی و ملی ما از ظرفیت خوبی در این زمینه برخوردار است. نکته مهمی که در تحلیل مصاحبه‌ها باید بدان توجه کرد عدم آشنایی برخی دختران نوجوان با تفکر منطقی و حل مسئله است برخی دختران نوجوان در ارائه و بیان دیدگاه خود به مغالطه همه یا هیچ دچار هستند؛ مثلاً بیان می‌کند که همه می‌گویند یک دختر نمی‌تواند مکانیک بخواند (کد ۹) درحالی‌که با نیم‌نگاهی به آمار دختران در حال تحصیل و یا فارغ‌التحصیل در این رشته و یا رشته‌های مشابه ناقض این ادعا است یا اینکه برخی دختران نوجوان قادر به تفکیک رفتار دینی پیروان دین از اصل دین نیستند. اینها مسائل مهمی است که اگر فردی از قدرت تفکر منطقی لازم برخوردار باشد به این مغالطات در بیان دچار نخواهد شد و توانایی تفکیک مسائل را در حل مسئله را خواهند یافت.

به‌نظر می‌رسد دستیابی به یک هویت ثابت که همان دستیابی به یک چهارچوب درابعد فردی، ملی و مذهبی است در کشورهای درحال توسعه دشوارتر است چراکه

در تضاد بین معیارهای سنتی و معیارها و ارزش‌های عصر جدید و دهکده جهانی که در تلاش برای غالب کردن معیارهای خود بر سایر معیارها است قرار دارند و همین مسئله منجر به بروز نوعی تعارض هویتی بین افراد جامعه به‌خصوص نوجوانان و جوانان می‌گردد. امروزه مسئله هویت دختران با مسائل و چالش‌های متعددی روبه‌رو است که به‌واسطه رواج الگوها و سبک‌های زندگی جدید، دختران را دچار نوعی از خودبیگانگی نموده و موجب فاصله گرفتن از خود و جامعه خود شده است.

مسئله مهم هویت و شکل‌گیری درست آن در دختران نوجوان در درجه اول نیازمند احصا نظام مسائل و بررسی آسیب‌های این عرصه است. پس از آن نیازمند برنامه‌ریزی جامع راهبردی مبتنی بر نظام مسائل در عرصه سیاست‌گذاری در سطوح مختلف در گسترده کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت است و عزم ملی همه متولیان مرتبط با این مسئله را طلب می‌نماید.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۸۰). *قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۶۴). *الشفاء*. تهران: ناصر خسرو.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۲). *روش‌های کاربردی تحقیق*. تهران: کیهان.
- ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمودرضا (۱۳۹۰). *تحلیل محتوای کیفی*. فصلنامه پژوهش، سال سوم، (۲).
- پیشگامی‌فرد، زهرا؛ انصاری‌زاده، سلمان؛ کرمی، افشین و پرهیز، فریاد (۱۳۸۹). *تعامل در فضای سایبر و تأثیر آن بر هویت زنان در ایران*. فصلنامه زن در توسعه پژوهش زنان، ۸(۲)، ۱۸۹-۲۰۹.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۱). *جهانی شدن و هویت*. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، بهار، (۳)، ۸۰-۹۴.
- تنهاوی، محمدعلی الفاروقی (۱۹۶۳). *کشاف اصطلاحات الفنون*. تحقیق عبدالبدیع، القاهرة: المؤسسة المصرية.
- جرجانی، علی بن محمد (۱۹۷۸). *التعريفات*. بیروت: بی‌نا.

- جهان تیغ، سکینه (۱۳۹۰). *دانش‌های دنیای مشاوره*. سایت مشاوره.
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۷۹). تحلیل جامعه‌شناسی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه. *فصلنامه مطالعات ملی*، (۵)، ۲۲۸-۱۹۳.
- خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات: KHAMENEI.IR
- خزایی، سارا و ریاحی، محمداسماعیل (۱۴۰۰). مطالعه کیفی برساخت هویت بدنی نوجوانان؛ دختران دبیرستانی شهرستان بروجرد. *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال سی و دوم، (۸۱)، ۱۳۴-۱۰۷.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). *لغت‌نامه دهخدا* (ج ۱۴)، تهران: دانشگاه تهران.
- ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۳). جوانان و فراغت مجاز. *فصلنامه مطالعات جوانان*، (۶).
- ربیعی، علی؛ عبداللهی، عظیم‌سادات و شیروی، یاسر (۱۳۹۴). بررسی رابطه تماشای تلویزیون‌های ماهواره‌ای با هویت جنسیتی دختران نوجوان شهر اصفهان. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، پاییز، (۴۴).
- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۲). *مشکلات هویت ایرانیان*. تهران: نشر نی.
- رزمی، محمدرضا (۱۳۸۵). بررسی تأثیر انسجام و انعطاف خانواده بر شکل‌گیری هویت در جوانان و نوجوانان شهر شیراز. *فصلنامه مطالعات جوانان*، (۷)، ۱۱۴-۱۳۰.
- رستمی درزیان، حسن و منصوری سده، منصوره (۱۳۹۲). نقش تکنولوژی‌های نوین در هویت فرهنگی جوانان. *نشریه فرهنگ و ارتباطات*، ۳(۹)، ۷۷-۱۰۲.
- رضائیان، حمید و توتونچی، بهاره (۱۳۹۸). پیش‌بینی هویت دینی فرزندان براساس الگوهای تعاملی خانواده، دینداری والدین و تفکر انتقادی نوجوان. *مطالعات زن و خانواده*، (۳)۷.
- ساروخانی، باقر و رفعت‌جاء، مریم (۱۳۸۳). عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در بازتعریف هویت اجتماعی زنان. *پژوهش زنان*، (۱)، ۷۱-۹۱.
- سلطان محمدی، عطیه و پور سیدآقای، زهراسادات (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی پدیدارشناسانه هویت جنسیتی دختران نوجوان در فضای مجازی. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۴(۵۴)، ۶۱-۸۴.
- شرقی، محمدرضا (۱۳۸۹). *جوان و بحران هویت*. تهران: سروش.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۹۸۱). *الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه* (ج ۱ و ۲). بیروت: دار احیا التراث العربی.
- صلاحی، محمود؛ تیموپور، بهزاد؛ ناصری‌پور، حسن و فاضل فکور، مهدی (۱۳۸۴). *طرح تحقیقاتی شهر اسوه (گامی به سوی مدینه سعادت)*. تهران: مهر محبوب.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

عامری، فریده و عمویی، ناهید (۱۳۹۵). نقش عملکرد خانواده در میزان تجربه بحران هویت و تمایز یافتگی نوجوانان. *فصلنامه علمی پژوهشی خانواده و پژوهش*، ۱۳(۱)، ۷۷-۹۲.

عباس‌زاده، اکبر و عباسی، مهدی (۱۳۸۵). *مجموعه مقالات هویت ملی و جهانی شدن*. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

عبدالحسینی، اشرف و حقیقتیان، منصور (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت اجتماعی، مطالعه موردی جوانان ۱۵-۲۹ ساله شهر اصفهان. *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، سال ششم، (۱۸)، تابستان، ۳۳-۵۲.

علیرضائزاد، سهیلا؛ آذرnia، عقیق و نیکوگفتار، منصوره (۱۳۹۵). برزخ تن، تناقض در هویت جنسیتی، مطالعه‌ای در سازگاری اجتماعی ناراضیان جنسی. *فصلنامه علوم اجتماعی*، سال بیست و پنجم، (۷۲)، ۱۵۰-۱۹۱.

فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۷۶). آموزش، تحقیق و ترویج (تحلیل محتوای نامه علوم اجتماعی). *نمایه پژوهش*، سال اول، تابستان، (۲).

کاپلستون، فردریک چارلز (۱۳۷۵). *تاریخ فلسفه (از ولف تا کانت)*. ترجمه اسماعیل سعادت و منوچهر بزرگمهر، تهران: سروش.

کامرانی فکور، شهربانو (۱۳۸۳). *بررسی مقایسه‌ای خصوصیات روان‌شناختی زنان ویژه با زنان عادی*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

کرپندورف، کلوس (۱۳۸۷). *تحلیل محتوا*. ترجمه هوشنگ نایب، تهران: انتشارات روش. کشاورز، علیرضا و عاشوری، علی (۱۴۰۱). عوامل اجتماعی اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر بحران هویت در بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر جم و ارائه راهکارهای مؤثر. *مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی (مرکز توسعه آموزش‌های نوین ایران)*، بهار، ۸(۱)، ۲۱۵-۲۴۲.

کنعانی، محمدامین؛ حمیدی‌فر، مهدی و قربانی، ابودر (۱۳۹۶). بررسی تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر هویت جنسیتی مادران و دختران: مطالعه‌ای در شهر رشت. *توسعه اجتماعی*، بهار، ۱۱(۳).

کنیکی، آنجلو (۱۳۸۴). *مدیریت رفتار سازمانی (مفاهیم، مهارت‌ها و کاربردها)*. ترجمه علی‌اکبر فرهنگی و حسین صفرزاده، تهران: نشر پویا.

گال، مردیت و دیگران (۱۳۸۲). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی. ترجمه احمد رضا نصر و دیگران، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی و سمت.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳). تجدد و تشخیص. ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
لطف‌آبادی، حسین (۱۳۷۹). روان‌شناسی رشد ۲؛ نوجوانی، جوانی و بزرگسالی. تهران: سمت.

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱). جغرافیا و سیاست در فرایند نوین. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳ (۸)، ۶۱-۱۴۷.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). خدمات متقابل ایران و اسلام. تهران: انتشارات صدرا.
معمار، رحمت (۱۳۷۸). سنجش گرایش به هویت تاریخی. تهران: صدا و سیما.
مقدس، علی اصغر و خواجه‌نوری، بیژن (۱۳۸۴). جهانی شدن و تغییر هویت اجتماعی زنان. مطالعات زنان، ۷ (۷)، ۵-۳۲.

منادی، مرتضی و فرشی صبح‌خیز، فاطمه (۱۳۸۹). بررسی نقش هویت مادران در شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران نوجوان شهر تهران. پژوهش‌های اجتماعی، زمستان، سال چهارم، ۴ (۴).

منطقی، مرتضی (۱۳۸۳). بحران هویت دختران. پروژه مرکز امور مشارکت زنان، پژوهشگاه علوم انسانی جهاد دانشگاهی.

جی دان، رابرت (۱۳۸۵). نقد اجتماعی پست‌مدرنیته: بحران‌های هویت. ترجمه صالح نجفی، تهران: نشر پردیس.

جهان تیغ (۱۳۹۰). دانش مشاوره جهان، کارشناسی ارشد مشاوره، وبسایت مشاوره. صنیع اجلال، مریم (۱۳۸۴). درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی. تهران: انتشارات تمدن ایرانی.

طاعتی، لیلا (۱۳۸۸). افکار عمومی رسانه‌ها و تبلیغات. تهران: انتشارات فریش.
کاپلان، هرولد و سادوک بنجامین، جیمز (۱۳۷۵). چکیده روانشناسی بالینی. ترجمه نصرت‌الله پورافکاری، تهران: انتشارات آزاده (راهیان ارشد).

کرپیندورف، کلوس (۱۳۸۳). مبانی روش‌شناسی تحلیل محتوا. ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران: نشر نی.

سفیری، خدیجه و معروف‌پور، مینا (۱۳۹۷). تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر تعارض هویتی زنان شهر نقده. فصلنامه مطالعات زن و خانواده، ۶ (۲)، ۲۲۵-۲۵۵.

معین، محمد (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی معین. تهران: مؤسسه فرهنگی راه اهل بیت. نوابی‌نژاد، شکوه (۱۳۸۶). نظریه‌های مشاوره و روان درمانی گروهی. تهران: انتشارات سمت.

ابوالحسنی، سید رحیم (۱۳۸۸). سازگاری هویت‌ها در فرهنگ ایرانی (مطالعه موردی: شهروندان تهرانی). مجله سیاست، (۱۰)، ۲۳-۵۰.

گودرزی (۱۳۸۷). تکوین جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران با تأکید بر دوره صفویه. تهران: تمدن ایرانی.

صدیق سروستانی، رحمت‌اله (۱۳۷۵). کاربرد تحلیل محتوا در علوم اجتماعی. نامه علوم اجتماعی، ۸(۸).

محمدی، بیوک (۱۳۸۷). درآمدی بر روش تحقیق کیفی. تهران: انتشارات دادگستر.

Berzonsky, M. D. (2005). Ego identity: A personal standpoint in a postmodern world. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 5(2), 125-136.

Burke, P. (1991). Identity Processes and Social Stress. *American Sociological Review*, 56(6), 836-849.

Erikson (1980). *Identity routhand crisis*. NewYork: Norton.

López, M. J. G. (2006). Towards decentralized and goal-oriented models of institutional resource allocation: The Spanish case. *Higher Education*, 51(4), 589-617.

Oyserman, Daphna (2004), *Self-concept and identity in self and social identity*. Perspectives on socialpsychology, Brewer, M.B. & Hewstone. M. Malden. MA: BlackwellPub.

Tajfel, H. (1982). *Social Identify and Inter group Relations*. Cambridge: Cambridge University Press.

References

Abbaszadeh, Akbar and Abbasi, Mahdi (2015). A collection of essays on national identity and globalization. Tehran: Humanities Research and Development Institute. (In Persian)

Abdelhosseini, Ashraf and Mansour Hekhedian (2014). investigation of social factors affecting social identity, a case study of 15-29-year-old youth in Isfahan city. *Youth Sociological Studies Quarterly*, 6th year, (18), summer 2014, 33-52. (In Persian)

Abolhasani, Seyyed Rahim (2008). Compatibility of Identities in Iranian Culture (Case Study: Citizens of Tehran), *Politics Magazine*, (10), 23-50. (In Persian)

Alireza Nejad, Soheila; Azarnia Aqiq and Niko Gofar, Mansoura (2015). Body Purgatory, Contradiction in Gender Identity, A Study in Social

- Adaptation of Sexual Dissatisfiers. Social Science Quarterly, 25(72), 150-191. (In Persian)
- Ameri, Farida and Amoui Nahid (2015). The role of family function in the extent of experiencing identity crisis and differentiation of adolescents, Family and Research Scientific Quarterly, 13(1), 77-92. (In Persian)
- Azkiya, Mustaghi (2012), applied research methods, Tehran: Kayhan. (In Persian)
- Berzonsky, M. D. (2005). Ego identity: A personal standpoint in a postmodern world. Identity: An International Journal of Theory and Research, 5(2), 125-136.
- Capleston, Frederick Charles (1375). History of philosophy (from Wolff to Kant). Translated by Esmail Saadat and Manouchehr Bozormehr, Tehran: Soroush. (In Persian)
- Dehkhoda, Ali Akbar (1373). Dehkhoda dictionary, volume 14, Tehran, University of Tehran. (In Persian)
- Ebrahimi Dinani, Allamhossein (1380). General philosophical rules in Islamic philosophy. Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies. (In Persian)
- Fazeli, N.A. (2016). "Education, Research and Promotion (Content Analysis of Social Sciences Letter)", Research Profile, First Year, Summer. (In Persian)
- Gal, Meredith and others (2012). Quantitative and qualitative research methods in educational sciences and psychology. Ahmadrza Nasr and others, Tehran: Shahid Beheshti University Press, first edition, vol.1.
- Giddens. A. (1991); Modernity and Self-Identity; Self and Society in the Late Modern Age. Cambridge: Polity.
- Guderzi (2007) Sociological development of national identity in Iran with emphasis on the Safavid period, Tehran: Iranian Civilization. (In Persian)
- Hajiani, Ibrahim (1379). Sociological analysis of national identity in Iran and several hypotheses, National Studies Quarterly, (5), 228-193. (In Persian)
- Holy Quran, translated by Mohammad Mehdi Foladvand. (In Persian)
- Ibn Sina, Hussein bin Abdullah (1364). Al-Shafa, Tehran: Nasser Khosrow. (In Persian)
- Iman, M.T. Noshadi, M.R. (2018). "Qualitative content analysis", research quarterly, third year, second issue, autumn and winter. (In Persian)
- Jahan Tigh, S. (1390). World Counseling Knowledge, Master of Counseling, Counseling Website. (In Persian)
- Jay Dunn, Robert (2015). Social critique of postmodernity: crises of identity. Translation: Saleh Najafi. Campus publication. (In Persian)
- Kanani, Mohammad Amin; Hamidi Far, Mehdi; Ghorbani, Abuzar (2016). Investigating the impact of social media on the gender identity of mothers and daughters: a study in Rasht city, social development, spring 2016, period 11. (In Persian)
- Kamrani Fekur, Shahrbanu (2013). Comparative study of psychological

- characteristics of special women with normal women. (Master's thesis). Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. (In Persian)
- Kaplan Harold, Sadok Benjamin James (1375), Abstract of Clinical Psychology, translator: Nusratullah Pourafkari, Azadeh Publications (Rahian Arshad). (In Persian)
- Keniki, Angelo (2004). Management of organizational behavior (concepts, skills and applications). Translated by Ali Akbar Farhangi and Hossein Safarzadeh, Pooya Publishing House. (In Persian)
- Keshavarz, Alireza; Ashuri, Ali (1401). Socio-economic and cultural factors on the identity crisis among middle school students of Jam city and providing effective solutions, psychology studies and educational sciences (Iran Modern Education Development Center) spring 1401, eighth period, (1), 215-242. (In Persian)
- KHAMENEI.IR
- Khazaei, Sara and Riahi Mohammad Ismail (1400). A qualitative study on the body identity construction of teenagers, high school girls of Borujerd city. Applied Sociology, 32(81), 107-134. (In Persian)
- Krippendorff, Kloss (2007), Content Analysis, translated by Hoshang Naib, Tehran, Rosh Publications. (In Persian)
- Krippendorff Kloss (2004). The Basics of Content Analysis Methodology, Translator: Hoshang Naibi, Ney Publishing. (In Persian)
- López, M. J. G. (2006). Towards decentralized and goal-oriented models of institutional resource allocation: The Spanish case. Higher Education, 51(4), 589-617.
- Lotfabadi, Hossein (1380). psychology of growth 2; Adolescence, youth and adulthood, Tehran, Samt, p. 13. (In Persian)
- Manteghi, Morteza (2013). Girls' identity crisis. Women's Participation Center Project, University Jihad Humanities Research Institute. (In Persian)
- Marufpour, Mina; Safiri, Khadijah (2017). Sociological explanation of the factors affecting the identity conflict of women in the city of Naqdeh, Women and Family Studies Quarterly, 6(2), September 2017, 225-255. (In Persian)
- Memar, Rahmat (1387). Measuring tendency to historical identity. Tehran: Radio and Television. (In Persian)
- Mohammadi Buyuk (2007). An introduction to qualitative research method, Justice Publications. (In Persian)
- Moin, Mohammad (1387). Farhang Farsi Moin, Ahl al-Bayt Cultural Institute, Tehran. (In Persian)
- Mojtahedzadeh, Pirouz (1381). Geography and politics in the modern process, Journal of Faculty of Law and Political Sciences, 13(8), 147-61. (In Persian)
- Monadi, Morteza; Farshi Sobhkhiz, Fatemeh (2009). Investigating the role of mothers' identity in the formation of gender identity of teenage girls in Tehran, Social Research, Winter 89, Year 4, (4). (In Persian)
- Motahari, Morteza (1371). Mutual services of Iran and Islam, Tehran,

- Sadra Publications. (In Persian)
- Najafi Elmi, Mahmoud (2010) Information Technology, Teenagers and Identity Crisis, Rahevard Noor Publications, (32). (In Persian)
- Navabinejad, Shekoweh (2006). Theories of counseling and group psychotherapy. Tehran, Samt Publications, p. 225. (In Persian)
- Pishgami Fard, Zahra; Ansarizadeh, Salman; Kerami, Afshin and Farid Parhiz (2009). Interaction in cyberspace and its impact on women's identity in Iran. Women's Quarterly in the Development of Women's Research, 8(2), Summer 2009, 189-209. (In Persian)
- Rabiei, Ali; Abdullahi, Azim Sadat; Shirovi, Yaser (2014). Investigating the relationship between watching satellite TV and the gender identity of adolescent girls in Isfahan city, Women's Social and Psychological Studies, Autumn (44). (In Persian)
- Rajaei, Farhang (2012). Identity problems of Iranians. Tehran. Ni publication. (In Persian)
- Razmi, Mohammad Reza (2005). Investigating the impact of family cohesion and flexibility on the formation of identity in the youth of Shiraz. Youth Studies Quarterly (7). 114-130. (In Persian)
- Rezaian, Hamid and Totunchi, spring (2018). Predicting children's religious identity based on family interaction patterns, parents' religiosity and adolescent critical thinking, Women and Family Studies, 7th semester, winter 2018, (3), (consecutive 15). (In Persian)
- Rostami Darzian, Hassan and Mansouri Sadeh, Mansoura (2012). The role of new technologies in the cultural identity of youth, Culture and Communication Journal, 3(9), 102-77. (In Persian)
- Sadr al-Din Shirazi, Muhammad ibn Ibrahim (1981). Al-Hikma al-Muttaaliyyah fi al-Isfar al-Uqliyyah al-Arbaeh (Vol. 1 and 2). Beirut, home to the revival of Arab heritage. (In Persian)
- Sharfi, Mohammad Reza (2009): Youth and identity crisis, second edition, Tehran, Soroush. (In Persian)
- Sani Ejlal Maryam (2004), an introduction to Iranian culture and identity, Iranian Civilization Publications. (In Persian)
- Salahi, Mahmoud; Timopour, Behzad; Naseripour, Hassan and Mehdi Fazel Fakur (2004). The research plan of the city of Asoeh (a step towards Medina Saadat), Tehran, Mehr Mehboob. (In Persian)
- Saroukhani, Baqrorofat Jah, Maryam (2013), sociological factors effective in redefining women's social identity, Women's Research, (1), 71-91. (In Persian)
- Sediq Sarostani, R.A. (1375). Application of content analysis in social sciences. Social Science Journal. (In Persian)
- Sultan Mohammadi, Atiyeh and Pour Seyyed Aghaei, Zahra Sadat (1402). Phenomenological pathology of gender identity of adolescent girls in cyberspace. Quarterly Journal of Counseling and Psychotherapy Culture, 4(54), 84-61. (In Persian)
- Taati, Leila (2008) Public opinion of the media and advertising. Tehran: Farish Publications. (In Persian)

- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein (1417 AH). Al-Mizan in the interpretation of the Qur'an. Beirut: Al-Alami Press Institute. (In Persian)
- Tajik, Mohammad Reza (2001). Globalization and identity. Political and International Approaches, Spring(3), 80-94. (In Persian)
- Tanhawi, Mohammad Ali Al-Farooqi (1963). The discoverer of Al-Funun terminology. Research by Abdul Badi, Cairo, Al-Massiah Al-Masriya. (In Persian)
- Tavasoli, Gholam Abbas and Ghasemi, Yar Mohammad (2013), Collective Identities and Globalization, Social Science Journal, (24), 1-26. (In Persian)
- World Health Organization. Health for the world's adolescents: a second chance in the second decade: Summary. Geneva: World Health Organization; 2014. <https://apps.who.int/iris/handle/10665/112750>. (In Persian)
- Zokai, Mohammad Saeed (1383). Youth and free time. Youth Studies Quarterly. (In Persian)

ازدواج ناهمساز؛ زمینه‌ها، پیامدها و راهکارها

اسماعیل جهانی دولت‌آباد

دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول).
sml.jahani@gmail.com ID 0000-0001-8983-448X

طاها عشایری

استادیار جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.
t.ashayeri@gmail.com ID 0000-0001-8210-8899

حسین حیدری

استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران، ایران.
heidari@acecr.ac.ir ID 0000-0002-3763-2429

چکیده

دگرگونی‌های عمیق اجتماعی - فرهنگی در دهه‌های اخیر تغییرهایی اساسی در نوع نگاه افراد به خانواده و زناشویی پدید آورده و امروز، در مقایسه با وضعیت نسبتاً همگون پیشین، با طیف بسیار متنوعی از نگرش‌های زناشویی مواجه‌ایم. بر همین اساس، بررسی حاضر با تمرکز بر مفهوم «ازدواج ناهمساز»، بر این فرض اساسی تکیه دارد که ترکیب‌های نگرشی ناهمساز در ازدواج به مانند ترکیب‌های خونی ناسازگار عمل کرده و به همان اندازه می‌تواند برای رابطه زناشویی مخرب، چالش‌زا و فرساینده باشد. فرض فوق در مطالعه حاضر با استناد به تحلیل ثانویه داده‌های دو پیمایش زوجی (زن و شوهری) در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۴۰۰ در معرض آزمون قرار گرفته و نتایج هر دو پیمایش همبستگی مثبت معنی‌داری را بین شکاف نگرشی میان زوجین و کیفیت زناشویی آنها و نیز میان شکاف نگرشی و میزان گرایش به طلاق نشان می‌دهد. این نتایج به‌طور خلاصه حاکی از فراوانی تعارض‌های زناشویی و شدت گرایش به طلاق در ازدواج‌های ناهمساز بوده و خطر وقوع طلاق و زناشویی‌های پُر تنش و خالی از کیفیت را به‌عنوان مهم‌ترین پیامدهای ازدواج ناهمساز معرفی می‌کند. این در حالی است که چه در مطالعه‌ها و پژوهش‌ها و چه در سیاست‌گذاری‌های حوزه خانواده به‌جای تمرکز بر ریشه اصلی مسئله (وقوع ازدواج‌های ناهمساز) بر نحوه مدیریت و کنار آمدن زوجین با مشکلات و چالش‌هایی تأکید می‌شود که به‌نوعی پیامد همان مسئله یاد شده محسوب می‌شوند. بر همین اساس، بررسی حاضر بر لزوم یک تغییر رویکرد اساسی از زناشویی به ازدواج و تمرکز بر پیشگیری از ازدواج‌های ناهمساز در سیاست‌گذاری‌های این حوزه تأکید دارد و در راستای تحقق این هدف برنامه‌های اجرایی مشخصی را در قالب سه راهبرد «سنجش و پایش مستمر»، «آموزش و فرهنگ‌سازی» و «تقویت خدمات مشاوره‌ای» ارائه می‌کند.

کلیدواژه‌ها: ازدواج، زناشویی، ازدواج ناهمساز، طلاق، سیاست‌گذاری خانواده.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵X-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

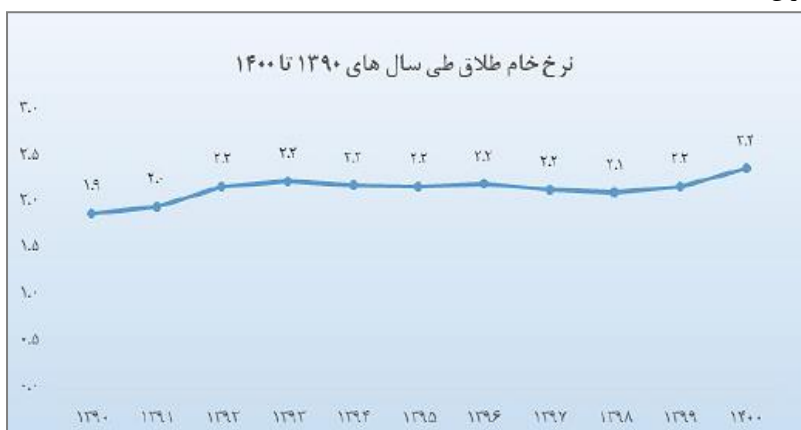
CC BY 4.0



10.22034/SCS.2023.418393.1502

مقدمه و بیان مسئله

تقریباً همه اسناد و آمارها از وقوع تحولات اساسی در حوزه خانواده در چند دهه اخیر حکایت دارند (Trask, 2010). تحولاتی که یکی از مهم‌ترین آثار آن را در افزایش آمارهای مربوط به طلاق می‌توان مشاهده نمود؛ برای مثال، داده‌های مرکز آمار ایران حاکی از آن است که نرخ خام طلاق طی یک دهه اخیر (بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۴۰۰) از ۱,۹ در سال ۱۳۹۰ به ۳,۲ در ۱۴۰۰ رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱).



نمودار (۱): نرخ خام طلاق طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۴۰۰

نقطه آغاز این تحولات را شاید بتوان در تغییر شکل خانواده از گسترده به هسته‌ای جستجو نمود (روزن‌باوم، ۱۳۶۷). وظایف و نقش‌های اعضای خانواده، به‌ویژه زن و شوهر، تحت تأثیر دگرگونی‌های ایجاد شده در شکل و کارکردهای خانواده دچار تغییرهای قابل‌توجهی شده است. درواقع، نقش‌های ثابت (مرد نان‌آور - زن خانه‌دار) که اساس پیوند میان زن و مرد در ازدواج سنتی بود، با تغییرهای زیادی در طول دهه‌های اخیر روبه‌رو بوده و امروزه نقش‌های زوجین عموماً بر اساس گفت‌وگو و توافق میان آنها تعریف می‌شود. به عبارت بهتر، «مرد» و یا «زن» بودن از نظر هویت و وظایفی که ایجاب می‌کند از معنای روشن و مشخصی در جامعه نوین برخوردار نیست بلکه این شناخت در یک فرایند بازاندیشانه ساخته می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۶). در چنین وضعیتی، انتظارات زوجین نسبت به یکدیگر از حالت از قبل تعریف شده پیشین خارج شده و زن و مرد در برآوردن خواسته‌ها و انتظارات یکدیگر با

ابهام‌های اساسی مواجه شده‌اند. به عبارت دیگر، انسان امروزی برخلاف اسلاف خود که انتظارات و نگرش‌هایشان غالباً از منابع اطلاعاتی محدود و مشترکی (اغلب خانواده) تغذیه می‌شد، در معرض انواع متنوعی از منابع اطلاعاتی قرار گرفته و نظام‌های نگرشی متفاوت، متنوع و حتی متضاد در حوزه‌های مختلف، از جمله ازدواج و زناشویی، را تجربه می‌کند (جهانی دولت‌آباد، ۱۳۹۶).

در چنین شرایطی، ازدواج و زناشویی یکی از مهم‌ترین نقاطی است که امکان برخورد این نظام‌های نگرشی متضاد و شکل‌گیری ترکیب‌های نگرشی ناهمساز را فراهم می‌سازد؛ وضعیتی که در مطالعه حاضر تحت عنوان «ازدواج ناهمساز» به آن اشاره شده است. به عبارت ساده‌تر، ازدواج ناهمساز به ازدواجی اطلاق می‌شود که در آن ترکیبی از نگرش‌های زناشویی متضاد در کنار هم قرار گرفته و همین امر موجبات شکل‌گیری نوعی ناهمسازی و ناسازگاری زناشویی را فراهم می‌آورد. به جرئت می‌توان گفت که ریشه بسیاری از تعارض‌های میان زوجین در خانواده‌های امروزی در همین تفاوت‌های نگرشی و به تعبیری ترکیب‌های نگرشی متفاوت و متضاد زوج‌ها قابل ردیابی است (Willoughby & et al., 2015). به تعبیری، شاید بتوان علل برخی از چالش‌ها و مسائل خانواده امروزی، از جمله ناپایداری روابط زناشویی و افزایش نرخ طلاق‌های قانونی و عاطفی در کشور را در همین نقطه جستجو نمود؛ بنابراین، می‌توان ادعان نمود که در شرایط این‌چنینی، انتخاب زوج و وقوع ازدواج به عنوان نقطه آغاز خانواده و زناشویی از اهمیت دوچندانی برخوردار است. چون زوجین با وارد شدن در یک ازدواج ناهمساز (از منظر نگرشی) به صورت طبیعی و پیش‌فرض با چالش‌هایی مواجه می‌شوند که معلوم نیست قادر به مدیریت آن خواهند بود یا خیر. به عبارت ساده‌تر، در ازدواج‌های ناهمساز شانس برخورداری از یک تجربه زناشویی موفق از همان ابتدا کمتر و احتمال تجربه یک زناشویی بی‌کیفیت و حتی گسست و جدایی به مراتب بیشتر است. این فرضیه با توجه به این واقعیت که «نگرش‌ها در طول سالیان متمادی شکل گرفته و تغییر دادن و نزدیک کردن نگرش‌های متضاد به هم فرایندی بسیار دشوار و زمان‌بر است» (Bohner & Dickel, 2011) حتی بیشتر تقویت می‌شود.

این در حالی است که چه در مطالعات و پژوهش‌ها و چه در سیاست‌گذاری‌های حوزه خانواده به جای تمرکز بر ریشه اصلی مسئله (وقوع ازدواج‌های ناهمساز) بر نحوه مدیریت و کنار آمدن زوجین با مشکلات و چالش‌هایی تأکید می‌شود که به نوعی پیامد همان مسئله یاد شده محسوب می‌شوند. همسازی نگرشی میان زوجین

موضوعی است که در آیات و روایات اسلامی نیز می‌توان آن را ردیابی نمود. در آموزه‌های دین اسلام درباره هم‌فکری و هم‌مرامی در ازدواج بسیار توصیه شده، خصوصاً در بحث ایمان و شرک و در احکام الهی (رجب‌زاده، ۱۳۸۰). به عبارت بهتر، اسلام مسلمانان را به همتایی یا همسازی ایمانی، به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های همسازی نگرشی در ازدواج، توصیه می‌کند. در این خصوص، به آیه ۲۶ سوره نور می‌توان اشاره نمود که می‌فرماید: «زنان پلید، سزاوار مردان پلیدند، و مردان پلید، سزاوار زنان پلید. زنان پاک، برای مردان پاکند و مردان پاک، برای زنان پاک». در روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز همین خط قرآنی دنبال می‌شود؛ برای مثال، در حدیثی از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده که در خصوص ازدواج فرموده‌اند: «دقت کنید خود را کجا قرار می‌دهید، چه کسی را شریک زندگی و اموال خود قرار می‌دهید، رازها و امور زندگی را در اختیار چه کسی قرار می‌دهید و او را مطلع و مشرف بر دین خود و اسرار خود می‌کنید» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۵، ص. ۳۲۳)؛ بنابراین لزوم همسازی نگرشی در ازدواج، به‌ویژه از منظر ایمانی، موضوعی است که به‌صراحت در آموزه‌های اسلامی نیز به آن اشاره شده است.

بنابراین، مسئله پژوهش حاضر را این‌گونه می‌توان خلاصه نمود که دگرگونی‌های عمیق اجتماعی - فرهنگی در دهه‌های اخیر تغییرهایی اساسی در نوع نگاه افراد به خانواده و زناشویی پدید آورده و امروز، در مقایسه با وضعیت نسبتاً همگون پیشین، با طیف بسیار متنوعی از نگرش‌های زناشویی مواجه هستیم که این وضعیت نهاد خانواده و زناشویی را با تعارض‌ها و چالش‌های متفاوت و مضاعفی در مقایسه با وضعیت نسبتاً همگون پیشین دست به گریبان کرده است (جهانی دولت‌آباد، ۱۳۹۳). موضوعی که در بحث‌ها و پژوهش‌های مربوط به آسیب‌شناسی خانواده و زناشویی کمتر مورد توجه بوده است. بر همین اساس، بررسی حاضر با تمرکز بر مفهوم ازدواج ناهمساز، به عنوان ازدواجی که از ترکیب‌های نگرشی متعارض شکل گرفته است، بر این فرض اساسی تکیه دارد که ترکیب‌های نگرشی ناهمساز در ازدواج به مانند ترکیب‌های خونی ناسازگار عمل کرده و به همان اندازه می‌تواند برای رابطه زناشویی مخرب، چالش‌زا و فرساینده باشد. در همین راستا، در این مطالعه پس از معرفی ابزارهای نظری و روشی مربوطه، فرضیه فوق در قالب این ابزارها در معرض آزمون قرار گرفته و بر اساس نتایج به‌دست‌آمده پیشنهادهایی در قالب راهبردهای عملی ارائه شده است.

وجه راهبردی پژوهش حاضر به‌ویژه در بحث سیاست‌گذاری در جهت کاهش

آمارهای طلاق حائز اهمیت است. با توجه به اهمیت نهاد خانواده و استواری روابط خانوادگی در نظام عرفی، هنجاری و قوانین بالادستی کشور شاید بتوان سیاست جمهوری اسلامی ایران در این حوزه را در مقولات «خانواده‌گرایی» و «سیاست طلاق حداقلی» خلاصه نمود. این در حالی است که ارزیابی قوانین وضع شده در زمینه کاهش طلاق نشان می‌دهد که ماهیت سیاست‌گذاری طلاق در ایران پسینی و ترمیمی بوده و قانون‌گذار تنها پس از بروز مخاطره‌ها و آسیب‌های اجتماعی به فکر چاره افتاده است. همچنین، فرایند مشاوره‌ای که در دادگاه‌ها یا مراکز مشاوره‌ای بهزیستی به مرحله اجرا درمی‌آید و زوجین در حین مراحل طلاق باید به آنها مراجعه کنند، به‌تنهایی مؤثر در کاهش طلاق نیست؛ زیرا زوجین زمانی مجبور به انجام این مشاوره می‌شوند که در آستانه جدایی هستند و چالش آنها به بالاترین سطح خود رسیده است؛ درنتیجه به‌نظر می‌رسد که این مشاوره پسینی نتواند در حل مشکلات زوجین چندان کارآمد باشد» (باجلان و ارحامی، ۱۳۹۸). بر همین‌اساس، در پژوهش حاضر سعی شده است با تکیه بر مفهوم ازدواج ناهمساز توجه سیاست‌گذار را به مرحله شکل‌گیری زناشویی (ازدواج) معطوف نموده و با ارائه راهکارهایی در جهت کاهش زمینه‌های شکل‌گیری این نوع ازدواج رویکردی پیشینی و پیشگیرانه در امر کاهش طلاق اتخاذ شود.

۱. اهداف و سؤال‌های پژوهش

پژوهش حاضر مشخصاً با هدف بررسی توزیع ازدواج‌های ناهمساز در جامعه ایرانی، شناسایی پیامدهای این نوع ازدواج و ارائه پیشنهادها راهبردی جهت کاهش آسیب‌های ناشی از مسئله یاد شده تدوین شده است؛ بنابراین، می‌توان گفت که این مقاله قصد پاسخگویی به سؤال‌های زیر را دارد:

- توزیع ازدواج‌های همساز و ناهمساز در جامعه ایرانی به چه صورت است؟
- مهم‌ترین پیامدهای شکل‌گیری ازدواج ناهمساز کدام‌اند؟
- نقاط ضعف و قوت مداخل‌ها و سیاست‌گذاری‌های حوزه خانواده و زناشویی در ایران از منظر همخوانی با مسائل واقعی این حوزه به چه صورت است؟
- برای مقابله بهینه با مسائل یاد شده چه راهکارهایی را باید در پیش گرفت؟

۲. پیشینه پژوهش

همان‌طور که در بخش مقدمه اشاره شد، پژوهش حاضر به بررسی زمینه‌ها و

پيامدهای شکل‌گیری نگرش‌های زناشویی ناهم‌ساز می‌پردازد. در زمینه پژوهش‌های داخلی انجام شده در حیطه نگرش‌های زناشویی، فکوری و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی به پیش‌بینی رضایت زناشویی بر مبنای نگرش‌های زناشویی زوجین پرداخته‌اند. این مطالعه بر روی ۲۵۲ نفر از افراد متأهل شهر تهران و کرج انجام شده و نتایج حاکی از آن است که بین نگرش‌های زوجین و رضایت زناشویی رابطه آماری معناداری وجود دارد و این متغیر قدرت پیش‌بینی رضایت زناشویی را دارد. مقدار ضریب همبستگی رضایت زناشویی زوجین با نگرش‌های زوجین برابر ۰٫۷۱ بوده و متغیر مورد نظر ۵۰ درصد از رضایت زناشویی زوجین را پیش‌بینی کرده است؛ نتایج این مطالعه نشان داده است که نگرش‌های زوجین نقش پررنگی را در رضایت زناشویی زوج‌ها ایفا می‌کند. عدلی و روحی‌فرد (۱۳۹۴) نیز در مطالعه‌ای به بررسی نقش نگرش‌های زناشویی در پیش‌بینی رضایت زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه فردوسی مشهد پرداخته‌اند. نمونه مورد بررسی در این مطالعه شامل ۱۰۰ (۶۰ زن و ۴۰ مرد) بوده و برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های نگرش ناکارآمد و رضایت زناشویی استفاده شده است. برای تحلیل داده‌ها از آزمون آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره بهره گرفته شده است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که بین نگرش‌های زناشویی ناکارآمد و رضایت زناشویی رابطه آماری معنی‌داری وجود دارد و متغیر نگرش‌های زناشویی هم قابل‌توجهی در پیش‌بینی متغیر رضایت زناشویی دارد. امیدوار و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه دیگری به «بررسی تأثیر آموزش پیش از ازدواج بر نگرش‌های زناشویی دانشجویان در آستانه ازدواج در شهر شیراز» پرداخته‌اند. روش این پژوهش نیمه‌تجربی بوده و از طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه گواه استفاده شده است. جامعه آماری در این پژوهش کلیه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز بودند که در دوران آشنایی یا در دوران نامزدی قرار داشتند. متغیر وابسته در این پژوهش نگرش‌های زناشویی بود که در هفت جلسه به گروه آزمایش، آموزش داده شد. نتایج نشان داد که آموزش پیش از ازدواج در دانشجویان در آستانه ازدواج ابعاد نگرش‌های زناشویی شامل: ایدئال‌سازی زندگی زناشویی به‌عنوان یک رابطه بدون مشکل، نگرش‌های نقش جنسیتی و آرمانی، نگرش به زندگی زناشویی به‌عنوان یک رابطه در معرض خطر، را به‌طور معناداری بهبود بخشیده است. نوایی‌نژاد (۱۳۸۰) به بررسی رابطه بین الگوهای ارتباط زناشویی با نگرش‌های زناشویی دبیران دبیرستان‌های ملایر پرداخت. در این پژوهش دو پرسشنامه الگوهای زناشویی و نگرش‌های زناشویی، توسط ۱۷۱

نفر از دبیران دبیرستان، که به‌صورت تصادفی انتخاب شده بودند، تکمیل و بررسی شد. نتایج نشان داد که بین الگوی ارتباط سازنده متقابل و نگرش‌های غیرمنطقی دبیران رابطه منفی معناداری وجود دارد.

همچنین، در زمینه پژوهش‌های خارجی انجام شده در حیطه نگرش‌های زناشویی، نتایج پژوهش فریش^۱ (۲۰۰۹) در قالب یک مدل ساختاری عوامل شناختی، رضایت جنسی و کیفیت زندگی نشان داد که نگرش‌های زناشویی به‌عنوان عوامل شناختی هم برای مردان و هم برای زنان نشان‌دهنده یک رابطه علی و متوالی با رضایت جنسی، کیفیت روابط زناشویی و استحکام ازدواج است؛ اما در زمینه شکل‌گیری نگرش‌های زناشویی و عوامل دخیل در آن، دیلون، چای، دیکسون و الیس^۲ (۲۰۰۵) به بررسی تأثیر طلاق و خشونت خانوادگی بر نگرش‌های زناشویی دانشجویان دانشگاه پرداختند. یافته‌ها نشان داد تجربه‌های مبتنی بر خشونت خانوادگی و طلاق تأثیر معناداری بر نگرش‌های زناشویی دانشجویان برخاسته از این خانواده‌ها نداشت؛ اما دختران و پسران در نگرش‌های زناشویی، به‌ویژه در مقوله انتظارهای رمانتیک، تفاوت معناداری نسبت به یکدیگر داشتند. همچنین، هیتز^۳ (۲۰۰۵) در پژوهشی به بررسی ویژگی‌های والدینی دانشجویان (وضعیت زناشویی، سبک‌های والدینی، هماهنگی سبک‌های والدینی) بر نگرش‌های زناشویی دانشجویان و ترس از صمیمیت پرداخت. نتایج نشان داد، افرادی که در خانواده‌های دو والدی با روابط نسبتاً نزدیک زندگی می‌کردند نسبت به فرزندان طلاق نگرش‌های زناشویی مثبت‌تری داشتند. شارپ و گانینگ^۴ (۲۰۰۰) نیز به بررسی تأثیر آموزش نظام‌دار بر نگرش‌های زناشویی غیرواقع‌بینانه و رمانتیک دانشجویان کالج در مورد ازدواج پرداختند. دانشجویان در گروه‌های آموزش نظام‌دار نسبت به گروه گواه به‌طور معناداری انتظارات رمانتیک خود را از ازدواج پایین آوردند. همچنین، اولسون و گراوات^۵ (۱۹۶۸) با بررسی تأثیر دوره آموزش ازدواج بر نگرش زناشویی دانشجویانی که در این دوره‌ها شرکت کرده بودند مشاهده کردند که این آموزش بر تغییر نگرش زناشویی آزمودنی تأثیر دارد.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که گرچه تعداد پژوهش‌هایی که به مقوله

1. Frish

2. Dillon, Chai, Dixon & Ellis

3. Heater

4. Sharp & Ganeng

5. Olson & Gravatt

نگرش‌های زناشویی پرداخته‌اند اندک است؛ اما در همین موارد محدود نیز نتایج از نقش نگرش‌های زناشویی در کیفیت و پایداری ازدواج‌ها حکایت دارد؛ اما نکته مهمی که در این پژوهش‌ها مورد غفلت قرار گرفته و به‌نوعی نکته تمایز مطالعه حاضر با پژوهش‌های یاد شده محسوب می‌شود، این است که در این پژوهش‌ها نه به ناهمسازی نگرشی بلکه عموماً به نگرش‌های ناکارآمد پرداخته شده است. به عبارت بهتر، در اغلب این پژوهش‌ها محققان بر اساس دیدگاه‌های نظری خود تعریفی از نگرش‌های ناکارآمد ارائه نموده و در ادامه به بررسی ارتباط میان این نوع نگرش با متغیرهایی از قبیل رضایت زناشویی پرداخته‌اند. حتی در اغلب این مطالعات پاسخگوها به صورت تکی (و نه زوجی) و یک‌سویه مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ اما مطالعه حاضر نه بر نگرش‌های ناکارآمد بلکه بر ناهمسازی نگرشی (به عنوان مقوله‌ای دو سویه و کنش متقابل) تمرکز دارد که بررسی آن مستلزم بهره‌گیری از نمونه‌های زوجی (زن و شوهری)، اندازه‌گیری نگرش‌های زناشویی زوجین و محاسبه شکاف نگرشی بین آنها است که نتایج این بررسی امکان اندازه‌گیری میزان ناهمسازی نگرشی میان زوجین و تأثیر این ناهمسازی بر کیفیت زناشویی آنان را فراهم می‌آورد.

۳. چهارچوب نظری

از جمله رویکردهای مهمی که در جامعه‌شناسی به بررسی خانواده و مسائل آن پرداخته‌اند مشخصاً می‌توان به چهار دیدگاه عمده، شامل کنش متقابل اجتماعی^۱، کارکردگرایی ساختاری^۲، مبادله اجتماعی^۳ و تضاد^۴ اشاره نمود. هر چهار نظریه یاد شده تبیین‌هایی را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در مورد زناشویی و خانواده ارائه کرده‌اند؛ برای مثال پارسونز^۵، به عنوان نماینده نظریه کارکردگرایی ساختاری، بخش زیادی از چالش‌ها و مسائل خانواده را ناشی از تغییر و تداخل در نظم سنتی مبتنی بر تقسیم نقش‌های ابزاری و بیانگر میان زن و شوهر می‌داند و موضوع‌هایی از قبیل اشتغال بیرون از خانه زن جزء عوامل این تغییر قلمداد می‌کند. ازسوی دیگر، نظریه پردازان رویکرد تضاد، از جمله اسکائزونی^۶ (۱۹۶۵)، نیز هر نوع تغییر و اخلال در نقش‌های کلیدی همسران را به عنوان عامل بروز تعارض و اختلاف بین زوجین را

-
1. Symbolic Interactionism
 2. Structural functionalism
 3. Social Exchange
 4. Conflict
 5. Parsons
 6. Scanzoni

قلمداد می‌کنند (Scanzoni, 1965). همچنین، نظریه‌پردازان نظریه مبادله اجتماعی به زناشویی به مثابه یک فراگرد مبادله نگاه کرده و بر این باورند که افراد با مجموعه‌ای از انتظارات یا نیازها (سود) وارد زناشویی می‌شوند و هنگامی که این انتظارات در رابطه برآورده نشود یا نسبت هزینه به فایده بالا باشد بروز اختلاف میان زوجین محتمل خواهد بود.

به‌طور کلی، بررسی پیشینه نظری و تجربی موضوع، اعم از نظریه‌های مربوط به خانواده و نیز پژوهش‌هایی که با استناد به این نظریه‌ها به آسیب‌شناسی خانواده و زناشویی پرداخته‌اند، نشان‌دهنده یک خلأ نظری و منطقی در اکثر مطالعات یاد شده است. خلأیی که می‌توان آن را نتیجه نگاه یک‌سویه و مطلق‌گرایانه به زناشویی و ازدواج قلمداد نمود. نگاه مطلق‌گرایانه در اینجا به این معنی است که در اغلب این تحقیقات پژوهشگران نخست بر اساس سوگیری‌های نظری‌شان برخی از عناصر را به‌عنوان «عنصری ذاتاً منفی» در زناشویی تعریف کرده‌اند و بر همین اساس در ادامه سعی کرده‌اند میان عناصر منفی یاد شده و چالش‌ها و مسائل زناشویی روابط علی برقرار نمایند. در چنین تحلیل‌هایی این نکته نادیده گرفته شده است که نقش هر عنصری در رابطه زناشویی بر حسب نگرش زوجین نسبت به آن عنصر تعیین می‌شود؛ لذا، در اغلب پژوهش‌های یاد شده به عباراتی از این دست بر می‌خوریم که «عنصر A بیشترین تأثیر را در وقوع طلاق دارد». البته این عنصر می‌تواند بر حسب رویکرد نظری اتخاذ شده متفاوت باشد؛ مثلاً، چنانچه پژوهشگر از دیدگاه پارسونز در مورد زناشویی و خانواده را بهره گرفته باشد، عنصر A احتمالاً به مقوله‌هایی مانند «اشتغال بیرون از خانه زن، تضاد بین نقش‌ها و یا اخلاص در نظم سنتی مبتنی بر تقسیم نقش» (روزن‌باوم، ۱۳۶۷) در خانواده مرتبط خواهد بود. یا چنانچه، پژوهش مبتنی بر رویکردی فمینیستی باشد، عنصر یاد شده احتمالاً مربوط به «تقسیم کار جنسیتی، نابرابری جنسیتی، خشونت خانگی علیه زن» (Pamela & Claire, 1997) و... خواهد بود؛ لذا، به نظر می‌رسد در اغلب پژوهش‌های انجام گرفته در این حوزه حلقه مفقوده‌ای وجود دارد که ریشه آن تا حد زیادی به ضعف نظری این پژوهش‌ها در تبیین فرایندهای زناشویی، به‌عنوان امری دوسویه، نسبی و کنش متقابل مربوط است؛ بنابراین، لزوم ارائه مدل تبیینی کارآمد در زمینه مسائل زناشویی ضرورتی است که در عرصه مطالعات مربوط به خانواده کاملاً احساس می‌شود.

بر همین اساس، در مطالعه حاضر سعی شده است با تکیه بر دیدگاه‌های مختلف نظری در تبیین موضوع زناشویی و مخصوصاً نظریه کنش متقابل نمادین، به‌عنوان

چهارچوب نظری و بهره‌گیری از مفهوم «نگرش‌های زناشویی»، به‌مثابه حلقه گمشده در پژوهش‌های پیشین، مدلی کارآمد و درعین‌حال متمایز را برای توضیح و تبیین فرایندهای زناشویی ترسیم نماییم. این مدل مسائل زناشویی را بر اساس تضاد نگرشی بین زوجین تبیین می‌کند و بر این ایده اصلی متکی است که مسائل زناشویی، اعم از طلاق، نه پیامد یک یا چند علت مشخص و ثابت بلکه حاصل برخورد نگرش‌های زناشویی متضاد (یا متفاوت) با هم است. در مطالعه حاضر، برای اشاره به ازدواج‌هایی که از ترکیب نگرش‌های زناشویی ناسازگار شکل گرفته‌اند، از عنوان «ازدواج ناهمساز» استفاده شده است.

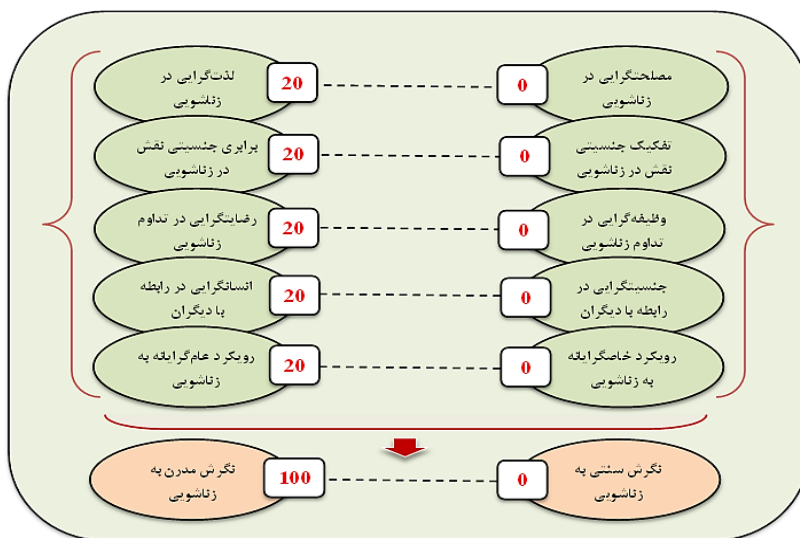
ازدواج ناهمساز به ازدواجی اطلاق می‌شود که در آن ترکیبی از نگرش‌های زناشویی متضاد در کنار هم قرار گرفته و همین امر موجبات شکل‌گیری نوعی ناهمسازی و ناسازگاری زناشویی را فراهم می‌آورد؛ اما نکته مهم در اینجا یافتن ابزاری است که امکان سنجش نگرش‌های زناشویی زوجین و نیز اندازه‌گیری «شکاف نگرشی» میان آنها را فراهم سازد. این جستجو ما را به شاخه‌ای از مطالعات خانواده هدایت می‌کند که با رویکرد کنش متقابل به مقوله ایده‌ها، نگرش‌ها و معانی زناشویی می‌پردازد. در این حوزه از مفاهیمی مانند پارادایم زناشویی (Hall, 2006)، افق زناشویی (Willoughby, Olson & et al., 2012; Belt, 2016; Willoughby & Carroll, 2016; Carroll, 2020)، معنی زناشویی (Willoughby & Dworkin, 2009) و افق ازدواج (Willoughby 2010; Willoughby & Carroll, 2016)، برای اشاره به نگرش‌های زناشویی استفاده شده است. این مفاهیم، عموماً برای اشاره به تمامی باورها، ایده‌ها، نگرش‌ها و انتظارات مرتبط با زناشویی استفاده می‌شود که فرد در مراحل مختلف جامعه‌پذیری آن را اخذ کرده و درواقع، همین نگرش‌ها و باورها عامل تمایز او از سایرین در زمینه زناشویی است (Willoughby, 2015).

در این مطالعه سعی شده است با ترکیب مدل‌های مورد نظر کارول و هال و ایجاد تغییرهایی در این مدل‌ها و نیز با استناد به نظریه برایان ویلاوی در این زمینه، مدلی جامع و درعین‌حال بومی شده از نگرش‌های زناشویی ارائه دهیم.

جدول (۱): ابعاد نگرش‌های زناشویی در این مطالعه

مفهوم	واژگان مورد استفاده
اعتقاد به تفکیک جنسیتی نقش در مقابل اعتقاد به تساوی نقش	نقش‌های زناشویی
اعتقاد به بسته بودن رابطه زوجین با نامحرم‌ها در مقابل اعتقاد به باز بودن رابطه	محدوده زناشویی
جایگاه خاص زناشویی برای فرد در مقابل جایگاه خنثی و هم وزن با سایر روابط ممکن	اهمیت زناشویی
نگاه مبتنی بر عقل و مصلحت به زناشویی در مقابل نگاه رمانتیک (تقابل عقل و احساس)	منطق زناشویی
اعتقاد به تداوم زناشویی به عنوان وظیفه در مقابل اعتقاد به تداوم زناشویی تا جایی که رضایت فردی تأمین می‌شود	دوام زناشویی

بنابراین، آنچه تا اینجا ذکر شد به‌طور خلاصه این است که نگرش‌های زناشویی هر فرد مشتمل بر یک نظام نگرشی گسترده‌ای است که انتظاراتی او از ازدواج و زناشویی را شکل می‌دهد. این نظام نگرشی را می‌توان در قالب ۵ مقوله کلی شامل نگرش به نقش‌های زناشویی، نگرش به محدوده زناشویی، نگرش به اهمیت زناشویی، نگرش به منطق زناشویی و نگرش به دوام زناشویی مفهوم‌سازی نمود.



منبع: (نگارندگان)

شکل (۱): مقیاس اندازه‌گیری نگرش‌های زناشویی

این مدل در یک بیان ساده گویای آن است که برخلاف گذشته که معمولاً افراد

در معرض منابع اطلاعاتی محدود (غالباً خانواده) و بنابراین، تعالیم نسبتاً مشابهی در خصوص زناشویی قرار می‌گرفتند، انسان‌های جامعه امروز تحت تأثیر طیف وسیع و متنوعی از منابع اطلاعاتی قرار می‌گیرند و بنابراین، احتمال فراگیری نگرش‌های متفاوت و گاه متضاد در خصوص زناشویی بسیار نسبت به گذشته افزایش یافته است، و زمانی که این نگرش‌های متفاوت و متضاد در قالب ازدواج در کنار هم قرار می‌گیرند، ترکیب‌های نگرشی ناهمسازی را تشکیل می‌دهند که احتمال پایداری و مطلوبیت زناشویی را شدیداً کاهش می‌دهد. همان‌طور که در شکل فوق مشاهده می‌شود مقیاس‌های پنجگانه فوق به‌نحوی طراحی شده‌اند که نقاط ابتدایی آنها نشان‌دهنده رویکرد سنتی و نقاط انتهایی بیانگر رویکرد نوین به زناشویی است. هر کدام از این مقیاس‌ها در قالب یک طیف ۰ الی ۲۰ نمره‌ای قابل اندازه‌گیری بوده و این ۵ مقیاس در ترکیب باهم مقیاس بزرگتری تحت عنوان نگرش زناشویی را شکل می‌دهند که ما را قادر می‌سازد نگرش‌های زناشویی افراد را روی پیوستاری از ۰ تا ۱۰۰ اندازه‌گیری کنیم.

همچنین، سنجش نگرش‌های زناشویی زن و مرد به‌صورت توأمان با این مقیاس امکان اندازه‌گیری «شکاف نگرشی»^۱ میان زن و شوهر را فراهم می‌سازد و این متغیر نیز در مقیاس ۰ تا ۱۰۰ قابل تفسیر است. مقیاسی که در یک سمت آن سازگاری کامل نگرشی و در سمت دیگر ناهمسازی کامل نگرشی قرار گرفته است. به‌عبارت‌بهرتر، بر اساس نمرات به‌دست‌آمده از این مقیاس می‌توان ازدواج‌ها را در مقولاتی مانند ازدواج‌های همساز، نیمه همساز و ناهم‌ساز دسته‌بندی نمود. برای این منظور مقیاس مربوط به ناهم‌سازی نگرشی به سه قسمت تقسیم شده است. زوج‌هایی که از نظر نمره شکاف نگرشی در یک سوم بالای طیف قرار می‌گیرند به‌عنوان ازدواج ناهم‌ساز تعریف شده‌اند، ازدواج‌هایی که در یک‌سوم میانی طیف واقع شده‌اند به‌عنوان ازدواج نیمه‌همساز و ازدواج‌های واقع در یک‌سوم پایین طیف ازدواج همساز نامیده شده‌اند.

۴. روش پژوهش

در مطالعه حاضر از روش تحلیل ثانویه استفاده شده و در آن از داده‌های دو مطالعه

۱. این نمره از تفاضل نمره نگرش زناشویی زن و شوهر حاصل می‌شود.

پیمایشی بهره گرفته شده است.^۱ مطالعه اول، پژوهشی با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی تعارض‌های زناشویی؛ علل و زمینه‌های بروز و تداوم» است که در قالب تز دکتری در سال ۱۳۹۳ در دانشگاه تهران به انجام رسیده (جهانی دولت‌آباد، ۱۳۹۳) و مطالعه دوم مربوط به پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین سبک‌های حل تعارض و میزان گرایش به طلاق در بین زوج‌های اردبیلی» در قالب یک طرح پژوهشی درون دانشگاهی در دانشگاه محقق اردبیلی به مرحله اجرا درآمده است (جهانی دولت‌آباد، ۱۴۰۰). مشخصات روشی پژوهش‌های فوق به شرح زیر بوده است:

جدول ۲. مشخصات روشی پیمایش‌های مورد استناد در مطالعه حاضر

پیمایش سال ۱۳۹۳	پیمایش سال ۱۴۰۰
– روش و تکنیک: روش مورد استفاده در این مطالعه «پیمایش» بوده و از پرسشنامه تکنیک گردآوری داده‌ها بهره گرفته شده است. – جمعیت آماری: کلیه افراد متأهل ساکن در شهر تهران در سال ۱۳۹۳ که طبق سرشماری ۱۳۹۰، ۴۳۱۱۳۶۴ نفر می‌باشد. – حجم نمونه: طبق فرمول ۳۸۲ نفر محاسبه شده و به منظور افزایش دقت و کاهش خطا به ۵۰۰ نفر افزایش یافت. – روش نمونه‌گیری: روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای مرحله اول) انتخاب ۵۰ بلوک از بین از بلوک‌های هر یک از مناطق شهر تهران با استفاده از روش تصادفی ساده) مرحله دوم) انتخاب نمونه‌ها در داخل هر کدام از بلوک‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری سیستماتیک و رعایت عدد فاصله) روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: با استفاده از نرم افزار spss داده‌ها منظم شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.	– روش و تکنیک: روش مورد استفاده در این مطالعه «پیمایش» بوده و از پرسشنامه به عنوان تکنیک گردآوری داده‌ها بهره گرفته شده است. – جمعیت آماری: کلیه افراد متأهل ساکن در شهر اردبیل در سال ۱۴۰۰ جامعه آماری مطالعه را تشکیل می‌دهد. – حجم نمونه: تعداد نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۴۲ نفر محاسبه شده که به منظور افزایش دقت و کاهش خطا به ۵۰۰ نفر افزایش یافت. – روش نمونه‌گیری: نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای ابتدا مناطق شهر اردبیل به بلوک‌هایی تقسیم شده و بر اساس نمونه‌گیری تصادفی ساده از بین این بلوک‌ها ۵۰ بلوک انتخاب شد. و در مرحله دوم، انتخاب نمونه مورد نظر از درون بلوک‌های منتخب با استفاده از روش نمونه‌گیری سیستماتیک انجام شد.

همچنین، بخش دیگری از اطلاعات لازم برای انجام پژوهش حاضر، به‌ویژه در

۱. علت انتخاب پژوهش‌های یاد شده این است که مدل یاد شده در مطالعه حاضر در این دو پژوهش مورد سنجش قرار گرفته و داده‌های لازم جهت بررسی و آزمون فرضیه‌های این پژوهش را در دو مقطع زمانی و مکانی متفاوت در اختیار محقق قرار می‌دهد.

حوزه نقد و بررسی سیاست‌گذاری‌های حوزه خانواده، از اسناد و مدارک موجود در این حوزه گرفته شده است که جزئیات دقیق آن در بخش یافته‌ها ارائه شده است.

۴-۱. تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

متغیرهای اصلی مورد بررسی در مطالعه حاضر عبارت‌اند از: نگرش زناشویی، شکاف نگرشی، تعارض‌های زناشویی و گزایش به طلاق. تعاریف مربوط به این متغیرها در ادامه ارائه شده است:

۱- **نگرش زناشویی:** این مفهوم به تمامی ایده‌ها، انتظارات، باورها و نگرش‌هایی اشاره دارد که فرد در مراحل مختلف زندگی‌اش در خصوص زناشویی کسب کرده و در ذهن خود می‌پرورد. این متغیر مطابق با مدل مفهومی پژوهش از ترکیب ۵ شاخص شامل نگرش به نقش‌های زناشویی، نگرش به محدوده زناشویی، نگرش به اهمیت زناشویی، نگرش به منطق زناشویی و نگرش به دوام زناشویی ساخته شده و بر روی پیوستاری از سنتی تا نوین اندازه‌گیری شده است.

• نقش‌های زناشویی: برای سنجش این بعد از یک مقیاس ترتیبی متشکل از ۴ گویه استفاده شده است که اعتقاد کامل به «تفکیک جنسی نقش» در یک سمت و اعتقاد کامل به «تساوی نقش» در زندگی زناشویی در سمت دیگر آن واقع شده است.

• اهمیت زناشویی: برای سنجش این بعد از پارادایم زناشویی از یک مقیاس ترتیبی متشکل از ۴ گویه استفاده شده است که اعتقاد کامل به «جایگاه خاص» زناشویی در یک سمت مقیاس و اعتقاد کامل به «جایگاه خنثی» در سمت دیگر آن قرار دارد.

• دوام زناشویی: برای سنجش این مولفه نیز از یک مقیاس ترتیبی متشکل از ۴ گویه استفاده شده است که اعتقاد کامل به «احساس وظیفه» در یک سمت و اعتقاد کامل به «رضایت فردی» در زندگی زناشویی در سمت دیگر مقیاس واقع شده است.

• محدوده زناشویی: این بعد نیز بر روی یک پیوستار ترتیبی متشکل از ۴ گویه اندازه‌گیری شده است که اعتقاد کامل به «بسته بودن روابط» با نامحرم‌ها در یک سمت و اعتقاد کامل به «آزادی روابط» در سمت دیگر آن واقع شده است.

• منطق زناشویی: این مؤلفه از طریق یک مقیاس ترتیبی متشکل از ۴ گویه سنجیده شده است که «مصلحت‌گرایی» در یک سمت و در سمت دیگر آن «رمانتیک بودن» واقع شده است.

مقدار ضریب آلفای مقیاس نگرش زناشویی در جدول زیر ارائه شده است:

جدول (۳): ضرایب آلفای کرونباخ گزارش شده برای مقیاس نگرش زناشویی

ردیف	متغیرهای مورد بررسی	مقدار آلفا در بررسی سال ۱۳۹۳	مقدار آلفا در بررسی سال ۱۴۰۰
۱	نقش‌های زناشویی	۰/۶۹	۰/۷۱
۲	اهمیت زناشویی	۰/۸۹	۰/۸۷
۳	دوام زناشویی	۰/۷۵	۰/۷۷
۴	محدوده زناشویی	۰/۶۸	۰/۷۱
۵	منطق زناشویی	۰/۷۰	۰/۷۳

۲- شکاف نگرشی بین زوجین: در این مطالعه سعی شده است با استفاده از مدل مفهومی نگرش زناشویی، نگرش‌های زناشویی زن و مرد در قالب یک پرسشنامه زوجی به صورت توأمان اندازه‌گیری شده و سپس بر اساس نمره‌های به‌دست‌آمده، نمره «شکاف نگرشی» میان زن و شوهر محاسبه شود. این متغیر (شکاف نگرشی) نیز در مقیاس ۰ تا ۱۰۰ اندازه‌گیری شده و مقیاسی را شکل می‌دهد که در یک سمت آن سازگاری کامل نگرشی و در سمت دیگر ناهمسازی کامل نگرشی قرار گرفته است.

۳- تعارض‌های زناشویی: تعارض زناشویی در مطالعه حاضر به «هرگونه کنش متقابل بین زن و شوهر تعریف می‌شود که شامل اختلاف عقیده، خواه از نوع مثبت و خواه منفی می‌باشد» (Cummings & Wilson, 1998; Cummings; Goeke-morey & Papp, 2003).

این متغیر با استفاده از یک مقیاس محقق ساخته متشکل از ۵ شاخص اصلی شامل «تعارض عاطفی» (سنجش با استفاده از ۶ گویه)، «تعارض اخلاقی» (سنجش با استفاده از ۷ گویه)، «تعارض ارتباطی» (سنجش با استفاده از ۶ گویه)، «تعارض اقتصادی» (سنجش با استفاده از ۶ گویه) و «تعارض فرهنگی» (سنجش با استفاده از ۵ گویه) اندازه‌گیری شده است. به لحاظ سطوح سنجش این گویه‌ها ترتیبی هستند و از طریق گزینه‌های (۱)، اصلاً (۲)، به ندرت (۳)، تا حدی (۴)، زیاد (۵)، خیلی زیاد، اندازه‌گیری شده‌اند، به نحوی که عدد ۱ نشان‌دهنده کمترین و عدد ۵ نشان‌دهنده بیشترین تعارض است؛ بنابراین، سنجش شاخص کلی تعارض زناشویی در مقیاسی متشکل از ۳۰ گویه با حداقل نمره ۳۰ و حداکثر نمره ۱۵۰ انجام شده است. مقدار ضریب آلفای این مقیاس در جدول زیر ارائه شده است:

جدول (۴): ضرایب آلفای کرونباخ گزارش شده برای مقیاس تعارض‌های زناشویی

ردیف	متغیرهای مورد بررسی	مقدار آلفا در بررسی سال ۱۳۹۳	مقدار آلفا در بررسی سال ۱۴۰۰
۱	تعارض‌های عاطفی	۰/۸۱	۰/۷۷
۲	تعارض‌های ارتباطی	۰/۷۲	۰/۷۴
۳	تعارض‌های اخلاقی	۰/۸۷	۰/۸۸
۴	تعارض‌های اقتصادی	۰/۷۶	۰/۷۹
۵	تعارض‌های فرهنگی	۰/۸۹	۰/۸۹

۴. **گرایش به طلاق:** برای اندازه‌گیری این متغیر از مقیاس میزان گرایش به طلاق (Rusbult; Johnson & Morrow, 1986) استفاده شده است. پرسشنامه مربوط به این مقیاس دارای ۲۸ سوال است که برای ارزیابی میزان گرایش زوج‌ها به طلاق مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مقیاس از ۴ بُعد اصلی تشکیل شده است و هر کدام از ابعاد با استفاده از ۷ سؤال در پرسشنامه سنجیده می‌شود: ابعاد یاد شده عبارت‌اند از: «تمایل به طلاق»، «تمایل به مسامحه»، «ابراز احساسات» و «وفاداری». هر کدام از سؤالات نیز در قالب یک طیف ۷ تایی نمره‌گذاری شده است؛ بنابراین نمره‌های این پرسشنامه از تجمع نمره‌های آیتم‌های یاد شده به دست می‌آید که نمره بالا نشان‌دهنده میزان بالای گرایش به طلاق در افراد است (Rusbult & Buunk, 1993). پرسشنامه یاد شده همچنین توسط داوودی، اعتمادی و بهرامی (۱۳۹۰) در ایران هنجاریابی شد و بر روی ۴۰ زوج به مرحله اجرا درآمد. مقدار ضریب آلفای این مقیاس در جدول زیر ارائه شده است:

جدول (۵): ضرایب آلفای کرونباخ گزارش شده برای مقیاس گرایش به طلاق روزلت

ردیف	متغیرهای مورد بررسی	مقدار آلفا در بررسی روزبالت و بونک (۱۹۹۳)	مقدار آلفا در بررسی داودی، اعتمادی و بهرامی (۱۳۹۰)
۱	تمایل به طلاق	۰/۹۱	۰/۸۹
۲	تمایل به مسامحه	۰/۷۶	۰/۸۲
۳	ابراز احساسات	۰/۶۳	۰/۹۰
۴	وفاداری	۰/۸۶	۰/۸۶
۵	مقیاس کل	۰/۸۸	۰/۹۱

منبع: (Rusbult and Buunk, 1993) و داودی، اعتمادی و بهرامی، (۱۳۹۰)

۵. سیمای پاسخگویان

متغیرهایی که مشترکاً در هر دو پیمایش انجام شده در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۴۰۰ برای توصیف سیمای پاسخگویان مدنظر بوده است عبارت‌اند از: جنسیت، سن، عمر ازدواج، میزان تحصیلات و وضعیت تأهل. در جدول زیر توصیف خلاصه‌ای از سیمای پاسخگویان از نظر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی ارائه شده است.

جدول (۶): توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس متغیرهای جمعیت‌شناختی

سیمای پاسخگویان در پیمایش سال ۱۳۹۳	سیمای پاسخگویان در پیمایش سال ۱۴۰۰
- توزیع پاسخگویان بر اساس جنسیت: از آنجاکه در مطالعه حاضر از پرسشنامه زوجی استفاده شده است؛ لذا فراوانی پاسخگویان از نظر جنسیت یکسان بوده و شامل ۵۰ درصد از پاسخگویان معادل ۱۹۱ نفر می‌باشد.	- توزیع پاسخگویان بر اساس جنسیت: از آنجاکه در مطالعه حاضر از پرسشنامه زوجی استفاده شده است؛ لذا فراوانی پاسخگویان از نظر جنسیت یکسان بوده و شامل ۵۰ درصد از پاسخگویان معادل ۱۷۱ نفر می‌باشد.
- توزیع پاسخگویان از نظر وضعیت تأهل: تمام پاسخگوها در مطالعه حاضر متأهل می‌باشند.	- توزیع پاسخگویان از نظر وضعیت تأهل: تمام پاسخگوها در مطالعه حاضر متأهل می‌باشند.
- توزیع پاسخگویان بر اساس سن: پاسخگویان این پیمایش در دامنه سنی ۲۰ تا ۸۴ سال قرار دارند و میانگین سنی پاسخگویان عدد ۳۸,۴۸ را نشان می‌دهد که ۴۳,۵ درصد در گروه سنی ۳۰ سال و کمتر، ۴۴ درصد در گروه سنی ۳۱ تا ۶۰ سال و ۱۲,۵ درصد در گروه سنی بالای ۶۰ سال واقع شده‌اند.	- توزیع پاسخگویان بر اساس سن: پاسخگویان این پیمایش در دامنه سنی ۲۲ تا ۸۱ سال قرار دارند و میانگین سنی پاسخگویان عدد ۳۵,۵۶ را نشان می‌دهد که ۴۱,۳ درصد در گروه سنی ۳۰ سال و کمتر، ۴۵,۷ درصد در گروه سنی ۳۱ تا ۶۰ سال و ۱۳ درصد در گروه سنی بالای ۶۰ سال واقع شده‌اند.
- توزیع پاسخگویان بر اساس عمر ازدواج: کمترین میزان از نظر عمر ازدواج در نمونه مورد بررسی ۱ سال و بیشترین میزان آن ۵۸ سال می‌باشد. میانگین این متغیر عدد ۱۶,۲ سال را نشان می‌دهد. از این منظر، بیشترین فراوانی (۴۸ درصد) مربوط به پاسخگویانی است که کمتر از ۱۰ سال از ازدواجشان می‌گذرد، در رتبه بعدی پاسخگویانی قرار دارند که سابقه ازدواجشان بین ۱۰ تا ۲۰ سال می‌باشد (۳۱ درصد) و کمترین تعداد نیز مربوط به پاسخگویانی است که بیش از ۲۰ سال از	- توزیع پاسخگویان بر اساس عمر ازدواج: کمترین میزان از نظر عمر ازدواج در نمونه مورد بررسی ۱ سال و بیشترین میزان آن ۵۸ سال می‌باشد. میانگین این متغیر عدد ۱۳,۵۶ سال را نشان می‌دهد. از این منظر، بیشترین فراوانی (۴۸ درصد) مربوط به پاسخگویانی است که کمتر از ۱۰ سال از ازدواجشان می‌گذرد، در رتبه بعدی پاسخگویانی قرار دارند که سابقه ازدواجشان بین ۱۰ تا ۲۰ سال می‌باشد (۳۴,۵ درصد) و کمترین تعداد نیز مربوط به پاسخگویانی است که بیش از ۲۰ سال از

سیمای پاسخگویان در پیمایش سال ۱۳۹۳	سیمای پاسخگویان در پیمایش سال ۱۴۰۰
ازدواجشان سپری می‌شود (۲۱ درصد). - توزیع پاسخگویان بر اساس میزان تحصیلات: بخش قابل توجهی از پاسخگویان (۴۱,۵ درصد) دارای تحصیلات سطح دیپلم هستند. پاسخگویان دارای تحصیلات سطح کارشناسی با فراوانی بیش از ۲۵ درصد در رتبه دوم و سطح کارشناسی ارشد و بالاتر با فراوانی ۱۲ درصد در رتبه سوم از نظر تعداد قرار دارند. سایر پاسخگویان از تحصیلات کمتر از دیپلم برخوردارند.	سال از ازدواجشان سپری می‌شود (۱۹ درصد). - توزیع پاسخگویان بر اساس میزان تحصیلات: بیشترین فراوانی (۳۷,۵ درصد) مربوط به پاسخگویان دارای تحصیلات سطح دیپلم است. پاسخگویان دارای تحصیلات سطح کاردانی و کارشناسی با فراوانی ۲۹,۴ درصد در رتبه دوم و سطح کارشناسی ارشد و بالاتر با فراوانی ۱۰,۸ درصد در رتبه سوم از نظر تعداد قرار دارند. سایر پاسخگویان از تحصیلات کمتر از دیپلم برخوردارند.

۶. یافته‌های پژوهش

همان‌طور که اشاره شد، مدل مفهومی مربوط به همسازی / ناهمسازی نگرشی، که در بخش نظری ارائه شد، در دو مورد مطالعه پیمایشی زوجی (زن و شوهری) در معرض آزمون قرار گرفته و داده‌های به‌دست آمده از این سنجش در این مطالعه مورد تحلیل و بررسی شده است. در این بخش از مقاله به ارائه یافته‌های این بررسی می‌پردازیم. به‌طور کلی یافته‌های مطالعه حاضر را در سه بخش، شامل یافته‌های توصیفی، بررسی روابط میان متغیرها و نقد و بررسی مداخله‌ها و سیاست‌گذاری‌های حوزه خانواده، می‌توان خلاصه نمود.

۶-۱. یافته‌های توصیفی

بخش اول، به یافته‌های توصیفی اختصاص دارد که در این قالب سعی شده است زوج‌های مورد بررسی بر اساس نمره شکاف نگرشی در سه مقوله ازدواج همساز، ازدواج نیمه‌همساز و ازدواج ناهمساز دسته‌بندی شده و وضعیت نمونه از منظر توزیع پاسخگویان در این مقولات مورد بررسی قرار گیرد.

جدول (۷): توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس نوع ازدواج

نوع ازدواج	نتایج مطالعه اول (۱۳۹۳)		نتایج مطالعه دوم (۱۴۰۰)	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
همساز	۱۶۷	۳۵	۱۴۹	۳۱
نیمه‌همساز	۱۷۶	۳۷	۱۸۸	۳۹

نوع ازدواج	نتایج مطالعه اول (۱۳۹۳)		نتایج مطالعه دوم (۱۴۰۰)	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
ناهمساز	۱۳۴	۲۸	۱۴۴	۳۰
مجموع	۴۷۷	۱۰۰/۰	۴۸۲	۱۰۰/۰

داده‌های جدول ۷ حاکی از آن است که ازدواج‌های نیمه‌همساز، یا به تعبیری ازدواج‌هایی که در آن شکاف نگرشی میان زوجین در حد متوسط است، در هر دو مطالعه بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است؛ اما از آنجاکه طبق آمارهای موجود، بخش بزرگی از طلاق‌ها به ازدواج‌های دارای عمر کم (کمتر از ۵ سال) تعلق دارد (محمدی و نوابخش، ۱۳۹۵) و این دسته از ازدواج‌ها در مطالعه حاضر نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، در ادامه سعی شده است به بررسی وضعیت در بین زوجین دارای عمر ازدواج ۵ سال و کمتر بپردازیم.

جدول (۸): توزیع فراوانی ازدواج‌های با عمر ۵ سال و کمتر

نوع ازدواج	نتایج مطالعه اول (۱۳۹۳)		نتایج مطالعه دوم (۱۴۰۰)	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
همساز	۴۷	۲۸	۴۱	۲۲
نیمه‌همساز	۶۴	۳۸	۷۴	۴۰
ناهمساز	۵۷	۳۴	۷۰	۳۸
مجموع	۱۶۸	۱۰۰/۰	۱۸۵	۱۰۰/۰

طبق نتایج پیمایش اول، ۳۸ درصد از ازدواج‌های با عمر پنج سال و کمتر در مقوله نیمه‌همساز، ۳۴ درصد از مقوله ناهمساز و نهایتاً ۲۸ درصد نیز در مقوله همساز قرار گرفته‌اند. همچنین، وضعیت نسبتاً مشابهی را در نتایج پیمایش دوم نیز می‌توان مشاهده نمود. طبق نتایج این پیمایش، ۴۰ درصد از ازدواج‌های با عمر پنج سال و کمتر از نوع نیمه‌همساز، ۳۸ درصد از نوع ناهمساز و تنها ۲۲ درصد از نوع همساز بوده است.

به‌طور کلی چند نکته قابل تأمل در یافته‌های توصیفی مستتر است: اول اینکه، بخش قابل توجهی از ازدواج‌های جدید از نوع ازدواج‌های ناهمساز هستند، یعنی ازدواج‌هایی که در آن زوجین از بیشترین شکاف نگرشی در خصوص موضوع‌های زناشویی برخوردارند. نکته دوم اینکه، از مقایسه داده‌های جدول ۸ با جدول ۷ می‌توان

دریافت که فراوانی مقوله ناهمساز در ازدواج‌های جدید (با عمر ۵ سال و کمتر) به مراتب بالاتر از ازدواج‌های دارای عمر بیشتر است. به عبارتی، می‌توان اذعان نمود که ناهمسازی نگرشی در ازدواج‌های جدید رو به افزایش است. نکته مهم دیگر اینکه، این وضعیت در پیمایش دوم به مراتب شدیدتر از پیمایش اول است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، فراوانی ازدواج‌های ناهمساز از ۳۴ درصد در پیمایش سال اول به ۳۸ درصد در پیمایش دوم رسیده و فراوانی ازدواج‌های همساز از ۲۸ درصد در پیمایش اول به ۲۲ درصد در پیمایش دوم تقلیل یافته است. گرچه در پیمایش‌های یاد شده از نمونه واحدی استفاده نشده است، ولی با توجه به اینکه هر دو نمونه در معنای وسیع‌تر متعلق به یک جامعه واحد (جامعه ایرانی) هستند، این نتایج نیز می‌تواند نشان‌دهنده افزایش ازدواج‌های ناهمساز در فاصله زمانی بین دو پیمایش باشد.

۲-۶. روابط میان متغیرها

اما بخش دوم یافته‌ها به بررسی روابط بین متغیرها اختصاص دارد. در این بخش رابطه میان متغیر شکاف نگرشی با متغیرهای تعارض‌های زناشویی^۱ و گرایش به طلاق در قالب آزمون‌های دومتغیری (همبستگی پیرسون) و چند متغیری (تحلیل رگرسیون) بررسی شده است.

جدول (۹): همبستگی شکاف نگرشی با تعارضات زناشویی و گرایش به طلاق

شکاف نگرشی				متغیرها
نتایج مطالعه اول (۱۳۹۳)		نتایج مطالعه دوم (۱۴۰۰)		
مقدار R	معنی‌داری	مقدار R	معنی‌داری	
۰,۳۹۲	۰,۰۰	۰,۴۲۳	۰,۰۰	تعارض‌های زناشویی
۰,۴۱۲	۰,۰۰	۰,۳۴۱	۰,۰۰	گرایش به طلاق

نتایج هر دو مطالعه همبستگی مثبت معنی‌داری را میان شکاف نگرشی بین زوجین و شدت تعارض‌های زناشویی آنها (۰,۳۹۲ درصد در مطالعه اول و ۰,۴۲۳ درصد در مطالعه دوم) و نیز میان شکاف نگرشی و میزان گرایش به طلاق در بین پاسخگوها (۰,۴۱۲ درصد در مطالعه اول و ۰,۳۴۱ درصد در مطالعه دوم) نشان می‌دهد. این نتایج به‌طور خلاصه حاکی از فراوانی تعارض‌های زناشویی و شدت گرایش به طلاق در

۱. در این مطالعه میزان و شدت تعارض‌های بین زوجین به‌عنوان معرف کیفیت زناشویی در نظر گرفته شده است.

ازدواج‌های ناهمساز بوده و خطر وقوع طلاق و زناشویی‌های پرتنش و خالی از کیفیت را به‌عنوان پیامدهای ازدواج ناهمساز معرفی می‌کند.

همچنین در ادامه به‌منظور بررسی دقیق‌تر تأثیر و تأثرهای میان متغیرها از تحلیل رگرسیونی نیز استفاده شده است. در این بررسی سعی شده است، تأثیر انواع شکاف‌های نگرشی میان زوجین (۵ نوع شکاف نگرشی بر اساس مدل مفهومی پژوهش) بر میزان گرایش آنها به طلاق مورد سنجش قرار گیرد.

جدول (۱۰): متغیرهای مستقل بر حسب ضریب بتا و معنی‌داری

متغیرهای مستقل	نتایج مطالعه اول (۱۳۹۳)		نتایج مطالعه دوم (۱۴۰۰)	
	ضرایب استاندارد شده	معنی‌داری	ضرایب استاندارد شده	معنی‌داری
	(B)		(B)	
شکاف نگرشی از بعد دوام زناشویی	۰,۰۸۹	۰,۰۵۴	۰,۱۶۴	۰,۰۰۸
شکاف نگرشی از بعد اهمیت زناشویی	۰,۲۱۱	۰,۰۰۰	۰,۰۷۵	۰,۰۶۶
شکاف نگرشی از بعد نقش‌های زناشویی	۰,۳۲۴	۰,۰۰۰	۰,۳۷۶	۰,۰۰۰
شکاف نگرشی از بعد منطق زناشویی	۰,۲۱۵	۰,۰۰۰	۰,۲۷۳	۰,۰۰۰
شکاف نگرشی از بعد روابط با دیگران	۰,۴۰۷	۰,۰۰۰	۰,۴۴۳	۰,۰۰۰

همان‌طور که مشاهده می‌شود، شکاف‌های نگرشی مورد بررسی، به‌جز در یک مورد، تأثیر مثبت معنی‌داری را بر میزان گرایش به طلاق نشان می‌دهند. از منظر شدت تأثیرهای مشاهده شده نیز مقایسه ضرایب بتا حاکی از آن است که شکاف نگرشی از بعد روابط با دیگران نامحرم و شکاف نگرشی از بعد نقش‌های زناشویی در هر دو پیمایش مورد بررسی به ترتیب از بیشترین تأثیر مثبت بر متغیر گرایش به طلاق برخوردار است. به عبارت بهتر، این نتایج بیانگر آن است که نگرش‌های متفاوت (یا متضاد) زوجین در خصوص مرز و محدوده روابط با دیگران نامحرم و نیز در خصوص نقش‌های زن و مرد در فرایند زندگی زناشویی بیشترین نقش را در افزایش گرایش آنها به طلاق ایفا می‌کند.

نکته مهم دیگر در نتایج این بررسی‌ها آن است که اکثر زوج‌هایی که از نمره شکاف نگرشی بالایی برخوردار بوده و ازدواج آنها در مقوله ازدواج‌های ناهمساز دسته‌بندی شده است، در پاسخ به این سؤال که: «تا چه حد به حل اختلاف‌های نگرشی میان خود و همسران امیدوار هستید؟» گزینه‌های «اصلاً» و «خیلی کم» را

انتخاب نموده‌اند (۵۹ درصد در مطالعه اول؛ و ۶۸ درصد در مطالعه دوم). این نتایج حکایت از آن دارد که نگرش‌های زناشویی در یک فرایند طولانی‌مدت و در طول عمر سپری شده فرد شکل گرفته و بدیهی است که تغییر این نگرش‌ها نیز دست‌کم به همان اندازه زمان‌بر و دشوار خواهد بود. به عبارت ساده‌تر، تلاش در جهت تغییر نظام نگرشی دو فرد و نزدیک کردن آنها به هم گاهی ممکن است نیازمند زمانی به درازای عمر زناشویی آنها باشد. این بدان معناست که چنین زناشویی‌هایی حتی در صورت تداوم نیز معمولاً با واژگانی مانند «تحمل»، «سوختن و ساختن» و... توصیف شده و نمایی از یک رابطه تهی از لذت و کیفیت را به نمایش می‌گذارد؛ بنابراین، با استناد به این نتایج می‌توان اذعان نمود که شکل‌گیری ازدواج ناهمساز ذاتاً مخرب است. این نوع ازدواج در صورت تداوم با مشکلاتی اعم از تنش‌ها و تضادهای زناشویی مضاعف و کیفیت پایین زناشویی مواجه خواهد بود و در صورت عدم تداوم نیز تمام پیامدهای مخرب روانی و اجتماعی ناشی از طلاق را می‌توان برای آن متصور بود.

۳-۶. نقد و بررسی سیاست‌گذاری و مداخله در حوزه ازدواج و زناشویی

یافته‌های دو بخش قبلی به‌طور خلاصه نشان داد که اولاً، فراوانی ازدواج‌های ناهمساز در نسل‌های جدید رو به افزایش است؛ ثانیاً، در این شکل از ازدواج احتمال بروز پیامدهایی همچون زناشویی بی‌کیفیت و افزایش گرایش به طلاق به شدت بالاست؛ ثالثاً، تلاش‌ها در جهت حفظ و نگهداشت ازدواج‌های ناهمساز از طریق تغییر نگرش‌های زناشویی زوجین و نزدیک کردن این نگرش‌ها به هم غالباً به حل مسئله ختم نشده و حتی در صورت تداوم، «تحمل کردن» همواره جزء لاینفک این زناشویی‌ها خواهد بود. در این معنا، کمکی که مشاوره‌ها یا آموزش‌ها و... به این نوع ازدواج‌ها می‌توانند ارائه کنند تنها آگاه کردن زوجین از مسائلی است که در زندگی زناشویی‌شان باید تحمل کنند. چون، همان‌طور که در بخش‌های قبلی مقاله اشاره شد، نگرش‌های زناشویی در طول دوران جامعه‌پذیری و در طی فرایندی طولانی‌مدت شکل گرفته و تغییر آن نیز طبیعتاً بسیار دشوار و زمان‌بر خواهد بود. همه این نتایج به‌وضوح بر ضرورت تمرکز بر فرایند شکل‌گیری و وقوع ازدواج‌ها، چه در حوزه پژوهش و چه در حوزه سیاست‌گذاری، تأکید دارد. حال سؤال این است که ضرورت یاد شده تا چه حد در مداخله‌ها و سیاست‌گذاری‌های حوزه خانواده و زناشویی مورد توجه قرار گرفته است؟

مروری بر اقدام‌های مداخله‌ای طراحی شده در حوزه ازدواج و زناشویی و

به‌طور کلی خانواده نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری رسمی و مداخله‌های فرهنگی در این حوزه را در سه دسته کلی می‌توان تقسیم‌بندی نمود: مداخله‌های مربوط به ازدواج، مداخله‌های مربوط به زناشویی و مداخله‌های مربوط به طلاق.

با نگاهی اجمالی به حجم سیاست‌ها، طرح‌ها و به‌طور کلی مداخله‌های طراحی شده در دوران بعد از انقلاب می‌توان به این نتیجه رسید که بخش اعظم تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌ها معطوف به دسته سوم بوده است که از آن جمله می‌توان به مداخله‌های قانون‌گذاری در حوزه طلاق^۱، ایجاد مراکز مشاوره در کنار دادگاه خانواده، برنامه ملی کنترل و کاهش طلاق و راه‌اندازی سامانه تصمیم اشاره نمود که بخش اعظم این اقدام‌ها در راستای «تخصصی کردن رسیدگی به دعاوی خانوادگی و طلاق از طریق ایجاد دادگاه خانواده، ضابطه‌مند کردن نحوه اجرای حق طلاق، تسهیل درخواست طلاق برای زنان و تلاش در جهت ایجاد سازش و مصالحه بین زوجین متقاضی طلاق از طریق دو سازوکار داوری و نظام مشاوره» (باجلان و ارحامی، ۱۳۹۸) بوده است؛ اما در خصوص مداخلات مربوط به زناشویی وضعیت چندان شفاف نیست و برنامه مشخص و مدونی در این حوزه قابل شناسایی نیست. بخش اعظم اقدام‌های مداخله‌ای این حوزه، اعم از قانون‌گذاری و فرهنگی و...، در دل همان مداخله‌های مربوط به کاهش طلاق تعریف شده است. به عبارت بهتر، در سیاست‌گذاری‌های حوزه خانواده مورد قابل ملاحظه‌ای در جهت افزایش کیفیت زناشویی زوجین به چشم نمی‌خورد و مداخله‌های محدود و پراکنده از جنس آموزش، مشاوره، ترویج و فرهنگ‌سازی، سلامت و... در خصوص زناشویی نیز عموماً در راستای تحقق همان سیاست طلاق حداقلی و به تعبیری، باز معطوف به مقوله طلاق است (مرادی، ۱۴۰۰)؛ اما در حوزه ازدواج نیز برخی اقدام‌های مداخله‌ای در قالب قانون‌گذاری رسمی و مداخله‌های فرهنگی قابل ردیابی است. بررسی اقدام‌های مربوط به این حوزه حاکی از آن است که در راستای گسترش ازدواج، علاوه بر تبلیغ و فعالیت

۱. در این زمینه می‌توان به لایحه قانونی تشکیل دادگاه مدنی خاص (مصوب ۱۳۵۸/۷/۱)، قانون اصلاح موادی از قانون مدنی (ماده ۲) ۱۳۳۰ به مدت پنج سال آزمایشی (مصوب ۱۳۶۱/۱۰/۸)، قانونی شدن تغییر ماده ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰ قانون مدنی (مصوب ۱۳۷۰/۸/۲۱)، قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق (ماده واحده مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۸)، قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (مصوب ۱۳۷۳/۴/۲۲)، قانون اختصاص تعدادی از دادگاه‌های عمومی به دادگاه‌های خانواده براساس اصل بیست‌ویکم قانون اساسی (ماده واحده مصوب ۱۳۷۶/۵/۸)، قانون الحاق یک تبصره به ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی (۱۳۷۹/۷/۳)، قانون اصلاح موادی از قانون مدنی (اصلاح ماده ۱۱۳۳، مصوب ۱۳۸۱/۸/۱۹)، قانون حمایت از خانواده (مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱) و قانون برنامه ششم توسعه (۱۳۹۵/۴/۱۲) اشاره کرد.

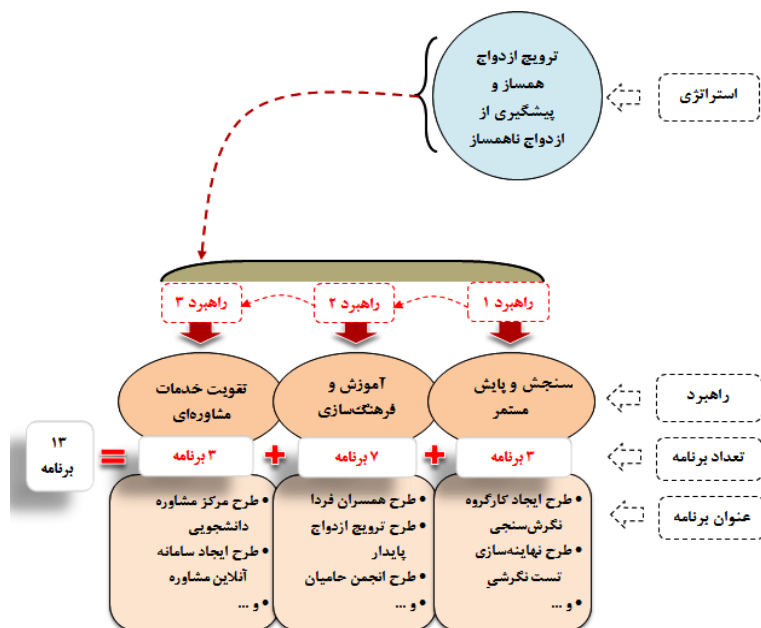
رسانه‌ای، در چند دهه گذشته برنامه‌هایی شامل موارد نیز در دستور کار قرار گرفته که هدف آن ترویج ازدواج بین جوانان است:

- حمایت از پیوندهای دانشجویی؛
- ارائه تسهیلات بانکی مانند وام ازدواج؛
- طرح‌های کاهش سن ازدواج دختران؛
- کسری خدمت سربازی متأهلین؛
- انتقال سربازان متأهل به محل زندگی؛
- در اولویت قرار دادن افراد متأهل در استخدام‌های دولتی؛
- ترغیب به ازدواج در برنامه‌های روزانه صدا و سیما؛
- پخش سریال‌ها و برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی ازدواج محور بودن اکثر؛
- تأمین جهیزیه زوجین کم بضاعت توسط نهادهای حمایتی (مرادی، ۱۴۰۰).

همان‌طور که مشاهده می‌شود در سیاست‌گذاری‌های موجود حوزه ازدواج و زناشویی تلاش چندانی در جهت افزایش احتمال شکل‌گیری ازدواج‌های همساز و یا کاهش احتمال شکل‌گیری ازدواج‌های ناهم‌ساز مشاهده نمی‌شود. بخش اعظم سیاست‌گذاری‌ها معطوف به مقوله طلاق، آن هم غالباً به‌گونه‌ای پسینی و ترمیمی و بخش دیگر معطوف به ترغیب ازدواج، فارغ از کیفیت و محتوای آن، است. حتی ایجاد مراکز مشاوره نیز به‌جای اینکه دوره‌های قبل از ازدواج و یا حتی بعد از ازدواج را پوشش دهد، بعد از بروز اختلاف و درخواست طلاق را شامل می‌شود که افراد ملزم به حضور در دوره‌های مشاوره هستند. به عبارت بهتر، در مداخله‌های یاد شده اولویت‌ها به شکل وارونه مورد توجه قرار گرفته است. کیفیت ازدواج به‌عنوان نقطه کلیدی مسئله تقریباً از معادلات حذف شده و تمام تمرکز سیاست‌گذار بر ترمیم زناشویی‌های در خطر آسیب یا آسیب‌های ناشی از طلاق معطوف است، فارغ از اینکه بخش بزرگی از این رخدادها درواقع پیامد غفلت از فرایندهای انتخاب زوج و رشد روزافزون ازدواج‌های ناهم‌ساز است؛ بنابراین، به‌طور خلاصه می‌توان اذعان نمود که سیاست‌گذار در تدوین سیاست‌های مربوط به ازدواج و زناشویی در ایران راهبرد پرهزینه و کم‌اثر را در پیش گرفته است.

نتیجه‌گیری

بررسی حاضر با تمرکز بر مفهوم «ازدواج ناهمساز»، بر این فرض اساسی تکیه دارد که ترکیب‌های نگرشی ناهمساز در ازدواج به مانند ترکیب‌های خونی ناسازگار عمل کرده و به همان اندازه می‌تواند برای رابطه زناشویی مخرب، چالش‌زا و فرساینده باشد. فرض فوق در دو مورد مطالعه پیمایشی زوجی (زن و شوهری) در معرض آزمون قرار گرفته و نتایج هر دو مطالعه همبستگی مثبت معنی‌داری را بین شکاف نگرشی میان زوجین و کیفیت زناشویی آنها و نیز میان شکاف نگرشی و میزان گرایش به طلاق نشان می‌دهد. این نتایج به‌طور خلاصه حاکی از فراوانی تعارض‌های زناشویی و شدت گرایش به طلاق در ازدواج‌های ناهمساز بوده و خطر وقوع طلاق و زناشویی‌های پُر تنش و خالی از کیفیت را به‌عنوان پیامدهای ازدواج ناهمساز معرفی می‌کند. این در حالی است که چه در مطالعات و پژوهش‌ها و چه در سیاست‌گذاری‌های حوزه خانواده به‌جای تمرکز بر ریشه اصلی مسئله (وقوع ازدواج‌های ناهمساز) بر نحوه مدیریت و کنار آمدن زوجین با مشکلات و چالش‌هایی تأکید می‌شود که به‌نوعی پیامد همان مسئله یاد شده محسوب می‌شوند؛ بنابراین، نتایج بررسی حاضر نشان می‌دهد که در حوزه سیاست‌گذاری خانواده نیازمند یک تغییر رویکرد اساسی از طلاق به ازدواج هستیم. به عبارت دیگر، تمرکز اصلی باید به شکل‌گیری یا نقطه شروع زناشویی (ازدواج) معطوف گردد. راهبرد اصلی این رویکرد می‌بایست بر پیشگیری از ازدواج‌های ناهمساز از نظر نگرشی استوار باشد. در راستای تحقق این هدف، برنامه‌های پیشنهادی مطالعه حاضر در قالب سه راهبرد سنجش و پایش مستمر، آموزش و فرهنگ‌سازی و تقویت خدمات مشاوره‌ای طراحی و در ادامه ارائه شده است.



منبع: (نگارندگان)

شکل (۲): فرایند تدوین راهبرد پژوهش

اما قبل از پرداختن به راهکارها لازم است به این نکته اشاره کنم که راهبردها و برنامه‌های پیشنهادی این مقاله در ارتباط با مدل تبیینی ارائه شده در بخش‌های پیش طراحی شده و متکی به آن است. به عبارت بهتر، از آنجاکه محقق علت مسئله را از جنس نگرشی می‌داند، راهکارهای پیشنهادی‌اش نیز از همین جنس خواهد بود. بدیهی است که همه مسائل زناشویی از مقوله‌های نگرشی ناشی نمی‌شود و قطعاً عوامل بسیار دیگری نیز در وقوع آن مؤثرند. این تکثر علت‌ها درواقع ویژگی تمام پدیده‌های اجتماعی است و کار محقق آن است که از بین طیف گسترده‌ای از عوامل آن عاملی که بیشترین ظرفیت را در تبیین مسئله دارا می‌باشد شناسایی کرده و راهکارهایی در جهت رفع و رجوع آن عامل ارائه نماید. این درواقع، به‌صرفه‌ترین و مفیدترین روش در انتخاب راهبردهای اصلی در تدوین نظام کاربست است؛ بنابراین، آنچه در این مطالعه عنوان شد به‌معنای انکار تأثیر سایر عوامل نیست بلکه حرف اصلی مطالعه حاضر این است که با توجه به شواهد و قرائن موجود (اعم از رشد شتابان میزان‌های طلاق، فراوانی ترکیب‌های نگرشی ناهمساز در ازدواج‌های جدید، زودرس بودن طلاق‌ها، فراوانی طلاق‌ها در دوران اِبهام در انتظارات و...) بخش

قابل توجهی از طلاق‌ها ریشه‌های نگرشی داشته و از ترکیب‌های نگرشی متفاوت یا متضاد زوجین ناشی می‌شود. به عبارت بهتر، تضادهای نگرشی تبیین‌کننده بخش قابل توجهی از طلاق‌ها، به‌ویژه طلاق‌های مربوط به سال‌های ابتدایی زندگی زوجین، است؛ بنابراین، منطقی‌ترین کار آن است که راهکارها با اتکا به همین مقوله تعیین شده و سعی شود این راهکارها در راستای علل مسئله و به‌نوعی برگرفته از آن باشد.

جدول (۱۱): مختصات راهبردها و برنامه‌های پیشنهادی برای ترویج ازدواج همساز

و پیشگیری از ازدواج ناهمساز

راهبرد	عنوان برنامه	توضیح برنامه
سنجش و پایش مستمر	طرح ایجاد کارگروه نگرش‌سنجی ازدواج	در این طرح کارگروهی متشکل از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان دارای تخصص در حوزه ازدواج و زناشویی در مرکز مطالعات راهبردی و آموزش وزارت کشور ایجاد می‌شود که وظیفه این کارگروه شناسایی شاخصه‌های اصلی و تأثیرگذار نگرش‌های زناشویی در جامعه ایرانی است. این کار با هدف دستیابی به یک ابزار سنجش استاندارد انجام می‌شود که با استفاده از آن بتوان نگرش‌های دو نفر را اندازه گرفته و شکاف نگرشی میان آنها را سنجش نمود. کارکرد دیگر این کارگروه بازبینی‌های دوره‌ای و به‌روزرسانی ابزار یاد شده می‌باشد. خروجی این طرح درواقع، پایه و اساس اجرای بسیاری از طرح‌های دیگر در زمینه ترویج ازدواج همساز و به‌ویژه پیشگیری از ازدواج‌های ناهمساز قرار خواهد گرفت.
	طرح نهایی‌سازی آزمون نگرشی قبل از ازدواج	ایده اصلی این طرح نهادینه کردن تست نگرشی قبل از ازدواج در مرحله پایلوت و حرکت به سمت فراهم ساختن ساز و کار قانونی برای این موضوع در صورت موفقیت‌آمیز بودن نتایج پایلوت است که می‌تواند از طرف وزارت کشور پیگیری شده و در دستور کار قرار گیرد. در مرحله پایلوت در گام اول پس از برگزاری یک جلسه توجیهی در خصوص فواید برنامه برای زوج‌های متقاضی ازدواج از آنها دعوت می‌شود تا به‌صورت داوطلبانه در این طرح شرکت کنند. در گام دوم، آزمون نگرشی زوجی بین زوج‌های متقاضی ازدواج اجرا شده و ترکیب نگرشی آنان شناسایی می‌شود و در گام سوم، بر اساس نتیجه آزمون نگرشی به‌صورت زیر عمل می‌شود: ترکیب‌های ناهمساز: آگاهی‌بخشی + مشاوره اجتماعی مبتنی بر اجتناب و جبران ترکیب‌های نیمه همساز: آگاهی‌بخشی + مشاوره اجتماعی مبتنی بر تعدیل در انتهای مرحله پایلوت (یک الی ۵ سال) با استفاده از مقایسه درصد متقاضیان طلاق در بین زوج‌های شرکت‌کننده در طرح (به‌عنوان گروه

راهنبرد	عنوان برنامه	توضیح برنامه
آموزش و فرهنگ‌سازی		آزمایش و سایر ازدواج‌های شکل گرفته در همان دوره (به‌عنوان گروه کنترل) میزان موفقیت طرح مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در صورت موفقیت‌آمیز بودن طرح پایلوت لازم است ساز و کار قانونی جهت الزامی کردن آزمون‌های نگرشی قبل از ازدواج (با الگوبرداری از آزمایش‌های اجباری قبل از ازدواج) فراهم گردد.
	طرح راه‌اندازی سامانه جامع همسرگزینی	این طرح بر هوشمندسازی تست سنجش نگرش زناشویی متکی است. همچنین، با توجه به قرار گرفتن قشر دانشجو در سن ازدواج و اهمیت بحث همسرگزینی برای این قشر، در این طرح که با همکاری دانشگاه‌ها اجرا می‌شود، سامانه‌ای تحت عنوان سامانه جامع همسرگزینی ایجاد می‌شود که این سامانه بر اساس احتمال همسازی نگرشی میان متقاضیان دختر و پسر عمل نموده و از این طریق به شکل‌گیری ازدواج‌های همساز در محیط‌های دانشجویی کمک می‌کند.
	طرح همسران فردا	در این طرح دانش‌آموزان مدارس به‌عنوان همسران فردا در نظر گرفته می‌شوند که خانواده‌های نسل آینده را تشکیل خواهند داد؛ بنابراین در قالب یک برنامه درسی پنهان که توسط متخصصان جامعه‌شناس و روان‌شناس تهیه می‌شود سعی می‌شود در فرهنگ مدارس مداخله نموده و نوعی برنامه زندگی را در آن گنجانند. این برنامه درسی پنهان از طریق مداخله در سه حوزه مشخص در مدارس قابل‌اجرا است: ۱- تدریس کلاسی، ۲- فعالیت‌های فوق برنامه، ۳- تفریح‌های دانش‌آموزی. به‌عبارت‌بهرتر، در قالب این برنامه: محتوایی در اختیار مدرسان قرار داده می‌شود که به‌طور غیرمستقیم در لایه‌لای بحث‌های کلاسی به دانش‌آموزان منتقل کنند؛ مفاهیم مربوط به زندگی زناشویی، انتظارات و نگرش‌های زن و مرد نسبت به همدیگر در قالب فعالیت‌های فوق‌برنامه به دانش‌آموزان آموخته می‌شود و درنهایت، برنامه‌هایی تفریحی مانند تئاتر دانش‌آموزی، نمایش فیلم، دعوت از زوج‌های موفق و استفاده از تجربه‌های آنها و... در مدارس به مرحله اجرا درمی‌آید.
	طرح ترویج ازدواج پایدار	در این برنامه، متولی اصلی طرح در مرحله اول با عقد تفاهم‌نامه‌هایی با کارشناسان دانشگاهی به تولید محتوی در خصوص نگرش‌های زناشویی، فرایند شکل‌گیری تعارض‌های نگرشی و نقش این تعارض‌ها در وقوع طلاق می‌پردازد. در مرحله دوم، محتواهای تولید شده در قالب‌های مختلف شامل صوت، تصویر، بیل‌بورد، نقاشی دیواری و... بارگذاری می‌شود. در مرحله سوم، با تعامل‌هایی که بین متولی اصلی و مجاری انتقال محتوی به مخاطبان شامل تلویزیون، رادیو، شهرداری، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان تبلیغات اسلامی، انجام می‌شود محتوی‌های تولید شده

راهبرد	عنوان برنامه	توضیح برنامه
		در قالب فیلم، مستند، میزگرد، نقاشی دیواری، بیلبرد و... توسط دستگاه‌های یاد شده در معرض چشم و گوش شهروندان قرار می‌گیرد.
	طرح ایجاد انجمن حامیان خانواده	در این برنامه در هر کدام از دانشگاه‌های کشور با پیشنهاد و پیگیری رؤسای دانشگاه‌ها تشکلی دانشجویی با عنوان «انجمن حامیان خانواده» راه‌اندازی می‌شود که این انجمن طبق اساسنامه‌ای که برای خود تعریف می‌کند در قالب برنامه‌ها و فعالیت‌های دانشجویی به فرهنگ‌سازی برای ترویج ازدواج همساز از طریق مشاوره در امر ازدواج، توسعه روابط سالم بین دختران و پسران در دانشگاه‌ها، راهنمایی و ارائه مشاوره قبل از ازدواج با همکاری اساتید دانشگاه و اطلاع‌رسانی در ارتباط با طرح‌های کاهش طلاق می‌پردازد.

راهبرد	عنوان برنامه	توضیح برنامه
آموزش و فرهنگ‌سازی	طرح برگزاری مجموعه کارگاه‌های آموزشی	در این برنامه مجموعه کارگاه‌های آموزشی به‌منظور آشنایی مخاطبان با نگرش‌های زناشویی و نقش تضادهای نگرشی در بروز طلاق تعریف شده و محتواهای این کارگاه‌ها در قالب ابزارهای آموزشی شامل متن، اسلاید و... در اختیار دستگاه‌های اجرایی و ان‌جی‌وها قرار می‌گیرد و این دستگاه‌ها کارگاه‌های یاد شده را برای گروه‌های اجتماعی که با آنها در ارتباط‌اند برگزار می‌کنند. این مجموعه شامل ۵ کارگاه چهار ساعته به شرح زیر خواهد بود: ۱- کارگاه آشنایی با نگرش‌های مربوط به تقسیم نقش‌ها و وظایف در زناشویی، ۲- کارگاه آشنایی با نگرش‌های مربوط به جایگاه عشق و مصلحت در زناشویی، ۳- کارگاه آشنایی با نگرش‌های مربوط به مرز روابط زوجین با بیرون از خانواده، ۴- کارگاه آشنایی با نگرش‌های مربوط به زمانبندی زناشویی (نامزدی، ازدواج، فرزندآوری)، ۵- کارگاه آشنایی با نگرش‌های مربوط به طلاق و اتمام رابطه زناشویی.
	طرح بهره‌مندی از ظرفیت‌های مبلغان دینی	در قالب این طرح، موضوعات مربوط به تضادهای نگرشی به‌عنوان عوامل تأثیرگذار در بروز طلاق در شرح وظایف مبلغان دینی شاغل در تمام دستگاه‌ها و سازمان‌های سطح کشور گنجانده می‌شود و از طریق بخشی از ظرفیت‌های این افراد در جهت پیشگیری از ازدواج‌های ناهمساز و استحکام خانواده به کار گرفته می‌شود.
	طرح ارتقای سطح آگاهی مردم در حوزه تعارض‌های	در قالب این طرح، صدا و سیما برنامه‌هایی را با محوریت تضادهای نگرشی و نقش آنها در فروپاشی خانواده در قالب‌های مختلف اعم از میزگرد، مستند (ازجمله ساخت مستندهایی در ارتباط با پرونده‌های طلاق و تحلیل موارد واقعی در قالب مدل نگرش زوجی)، دعوت از نمونه‌های واقعی از سطح

توضیح برنامه	عنوان برنامه	راهبرد
جامعه، گفتگو با کارشناسان و... تدوین نموده و با هدف ارتقای سطح آگاهی مردم در حوزه تعارض‌های نگرشی در معرض پخش عمومی قرار می‌دهد.	نگرشی	تقویت خدمات مشاوره‌ای
با توجه به نقش غیرقابل‌انکاری که فضای مجازی در شکل‌گیری نگرش جوانان نسبت به ازدواج و زناشویی و به‌طور کلی روابط و زن و مرد ایفا می‌کند، در این برنامه سازمان مجری با عقد تفاهم‌نامه‌هایی با اساتید دانشگاهی نسبت تولید محتواهای مناسب جهت عرضه در فضای مجازی اقدام کرده و محتواهای تولید شده در شبکه‌های مختلف مجازی بارگذاری می‌شود.	تولید محتوای مناسب جهت عرضه در فضای مجازی	
با توجه به اینکه قشر دانشجو یکی از مهم‌ترین اقشار در معرض ازدواج محسوب می‌شود، در قالب این برنامه در هر کدام از دانشگاه‌های سطح کشور با پیشنهاد و پیگیری رؤسای دانشگاه‌ها مرکزی با عنوان «مرکز مشاوره دانشجویی» راه‌اندازی می‌شود که این مرکز با استفاده از ابزارهای مختلف تبلیغات محیطی دانشجویانی که نیازمند خدمات مشاوره‌ای در خصوص ازدواج، روابط با جنس مخالف، مشکلات ناشی از این روابط و... می‌باشند را جذب نموده و با ارائه خدمات یاد شده به آنها در جهت شکل‌گیری ازدواج‌های همساز و جلوگیری از ازدواج‌های ناهم‌ساز فعالیت می‌کند.	ایجاد و تقویت مرکز مشاوره دانشجویی	
این برنامه در جهت کاهش مشکلات ناشی از طلاق و به‌ویژه ترویج ازدواج همساز در بین زنان طلاق گرفته به مرحله اجرا درمی‌آید. در قالب این طرح یک مرکز مشاوره به‌صورت اختصاصی برای زنان مطلقه ایجاد می‌شود و از زنانی که پرونده طلاقشان تکمیل شده درخواست می‌شود که به‌صورت داوطلبانه در این طرح شرکت کنند. خدمات مشاوره‌ای مرکز یاد شده مشخصاً در راستای دو هدف فعالیت خواهد کرد: اول، کاستن از فشارها و مشکلات ناشی از طلاق و دوم، حفاظت از زنان مطلقه به‌عنوان قشر آسیب‌پذیر و آماده‌سازی و تشویق آنان به سمت ازدواج مجدد.	ارائه خدمات مشاوره‌ای به زنان مطلقه	ایجاد سامانه برخط مشاوره
با توجه به کم‌رنگ‌بودن فرهنگ مشاوره در کشور و نقش بسیار ناچیز این فاکتور در زناشویی‌ها و با توجه به این واقعیت که بسیاری از زوجها به‌دلیل ترس از مصاحبه حضوری و بیان مشکلات زناشویی در حضور فرد مشاور از این امر صرف نظر نموده و این امکان را از خود سلب می‌نمایند، در این طرح سامانه‌ای ایجاد می‌شود که شهروندان بدون مراجعه حضوری و به‌صورت برخط مسائل و مشکلات مربوط به روابطشان را مطرح نموده و مشاوره‌های لازم در جهت رفع مسائل یاد شده را دریافت کنند.		

فهرست منابع

- امیدوار، بنفشه؛ فاتحی‌زاده، مریم‌السادت و احمدی، سید احمد (۱۳۹۰). بررسی تأثیر آموزش پیش از ازدواج بر نگرش‌های زناشویی دانشجویان در آستانه ازدواج در شهر شیراز. *پژوهش‌های مشاوره (تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره)*، ۱۰(۳۸)، ۸۱-۱۰۱.
- باجلان، اکرم و ارحامی، آسیه (۱۳۹۸). سیاست‌های کاهش طلاق در کشور؛ تحولات قوانین طلاق. معاونت پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگی دفتر مطالعات آموزش و فرهنگ. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- جهانی دولت‌آباد، اسماعیل (۱۳۹۳). *مطالعه جامعه‌شناختی تعارضات زناشویی؛ علل و زمینه‌های بروز و تداوم (مورد مطالعه شهر تهران)*. (رساله دکتری)، جامعه‌شناسی. دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- جهانی دولت‌آباد، اسماعیل (۱۳۹۶). تبیین نظری تعارضات زناشویی با رویکرد پارادایمی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۴۹(۱۳)، ۱۰۹-۱۳۱.
- جهانی دولت‌آباد، اسماعیل (۱۴۰۰). *بررسی رابطه بین سبک‌های حل تعارض و میزان گرایش به طلاق در بین زوج‌های اردبیلی*. اردبیل: دانشگاه محقق اردبیلی.
- داودی، زهرا؛ اعتمادی، عذرا و بهرامی، فاطمه (۱۳۹۰). رویکرد کوتاه‌مدت راه‌حل‌محور برای کاهش گرایش به طلاق در زنان و مردان مستعد طلاق. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۴۳(۱۱)، ۱۲۱-۱۳۴.
- رجب‌زاده، احمد (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی فرهنگ*. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- روزن‌باوم، هایدی (۱۳۶۷). *خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه، نقد مبانی نظری جامعه‌شناسی خانواده در آلمان*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- عدلی، وحید و روحی‌فرد، اعظم (۱۳۹۴). بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و نگرش‌های ناکارآمد در پیش‌بینی رضایت زناشویی دانشجویان متأهل. اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم تربیتی، ساری، ایران.
- فکوری، مینا؛ جان‌بزرگی، مسعود و خرمیان، فاطمه (۱۴۰۲). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر مبنای «هماهنگی نگرش‌ها»، «آشنایی با نگرش‌های همسر» و «هماهنگی ارزش‌های زوجین». *خانواده پژوهی*، ۱۹(۱)، ۲۹-۴۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۹). *اصول کافی (جلد ۵)*. ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه. انتشارات اسوه.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). *راه سوم، بازتولید سوسیال دموکراسی*. تهران: نشر شیرازه.
محمدی، حامد و نوابخش، مهرداد (۱۳۹۵). شناسایی مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی
تحکیم خانواده در راستای پیش‌گیری از طلاق با تأکید بر پایگاه اجتماعی
(مطالعه موردی خانواده‌های زیر ۵ سال تشکیل شهر تهران). *فصلنامه پژوهش
اجتماعی*. ۸(۳۱)، ۳۹-۵۹.

مرادی، رامین (۱۴۰۰). تحلیل سیاست‌های فرهنگی خانواده در ایران پس از انقلاب.
فصلنامه مطالعات فرهنگ ارتباطات، ۲۲(۵۳)، ۲۲۳-۲۴۶.
مرکز آمار ایران (۱۴۰۱). *ازدواج و طلاق*. تهران: مرکز آمار ایران.
نوابی‌نژاد، شکوه (۱۳۸۰)، *مشاوره و ازدواج و خانواده درمانی*. تهران: نشر. انجمن
اولیاء و مربیان.

- Belt, D. A. (2016). *Looking at the Marital Horizons of Emerging Adults through the Lens of Identity Formation*, Brigham Young University.
- Bohner, G. & N. Dickel (2011). Attitudes and attitude change. *Annual review of psychology*, (62), 391-417.
- Carroll, M. C. Y. (2020). *When marriage is too much: Reviving the registered partnership in a diverse society*. Yale LJ 130: 478.
- Cummings, E. M. & A. Wilson (1998). *Contexts of marital conflict and children's emotional security: Exploring the distinction between constructive and destructive conflict from the children's perspective*. *Conflict and cohesion in families*, Routledge: 119-144.
- Cummings, E. M., & et al. (2003). Children's responses to everyday marital conflict tactics in the home. *Child development*, 74(6), 1918-1929.
- Dillon, H. N.; Chair, P. C.; dixon, W. & Ellis, J. (2005). Family violence and divorce. *Family & Marriage*, 19(6), 750-768.
- Frish, M.B. (2009). *Quality of life therapy: applying a life satisfaction approach to positive psychology and cognitive therapy*. Hoboken, NJ: Wiley.
- Hall, S. S. (2006). Marital meaning: Exploring young adults' belief systems about marriage. *Journal of family issues*, 27(10), 1437-1458.
- Heater, K. K. (2005). *Investigation of Variable Influencing Colledge Students Marital Attitudes and Fear of Intimacy*. Ball State University
- Olson, D. H. & Gravatt. E. (1968). Attitude Chnage in a functional marriage course. *The family coordinator*, 17(2), 99-104.
- Pamela, A. & W. Claire (1997). *An Introduction to Sociology Feminist perspectives* SECOND EDITION, Routledge 11 New Fetter Lane, London EC4P 4EE.
- Rusbult, C. E. & B. P. Buunk (1993). Commitment processes in close relationships: An interdependence analysis. *Journal of Social and Personal Relationships*, 10(2), 175-204.

- Rusbult, C. E.; Johnson, D. J. & Morrow, G. D. (1986). Impact of couple patterns of problem solving on distress and nondistress in dating relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 50(4).
- Scanzoni, J. (1965). A reinquiry into marital disorganization. *Journal of Marriage and the Family*: 483-491.
- Sharp, E. A. & Ganeng, L. H. (2000). *Rasing awareness about marital expectation are unrealistic beliefs changed by integrative teaching?*, <http://www.blackwesynergy.com>
- Trask, B. S. (2010). *Globalization and families: Accelerated systemic social change*. New York City: Springer Publishing.
- Willoughby, B. J. & et al. (2012). Sooner or later? The marital horizons of parents and their emerging adult children. *Journal of Social and Personal Relationships*, 29(7), 967-981.
- Willoughby, B. J. & et al. (2015). Marital paradigms: A conceptual framework for marital attitudes, values, and beliefs. *Journal of family issues* 36(2), 188-211.
- Willoughby, B. J. & J. Dworkin (2009). The relationships between emerging adults' expressed desire to marry and frequency of participation in risk-taking behaviors. *Youth & Society*, 40(3), 426-450.
- Willoughby, B. J. & J. S. Carroll (2016). 18 On the Horizon: Marriage Timing, Beliefs, and Consequences in Emerging Adulthood. *The Oxford handbook of emerging adulthood*, 280.
- Willoughby, B. J. (2010). Marital attitude trajectories across adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, (39), 1305-1317.
- Willoughby, B. J. (2015). The role of marital beliefs as a component of positive relationship functioning. *Journal of adult development*, (22), 76-89.

References

- Adli, V., Rouhi Fard, A. (2015), investigating the relationship between religious orientation and dysfunctional attitudes in predicting marital satisfaction of married students, the first international conference on management, economics, accounting and educational sciences, Sari, Iran. (In Persian)
- Bajlan, A., Rahami, A. (2019). Divorce reduction policies in the country; Changes in divorce laws. Vice President of Social-Cultural Research, Office of Education and Culture Studies. Tehran: Parliament Research Center. In Persian)
- Belt, D. A. (2016). Looking at the Marital Horizons of Emerging Adults through the Lens of Identity Formation, Brigham Young University.
- Bohner, G. and N. Dickel (2011). Attitudes and attitude change. *Annual review of psychology* 62: 391-417.
- Carroll, M. C. Y. (2020). When marriage is too much: Reviving the registered partnership in a diverse society. *Yale LJ* 130: 478.

- Clini, Y. (1379), *Osoule Kafi* (Volume 5), translated by Mohammad Baqer Kamreai, 4th edition, Tehran, Awqaf and Charitable Affairs Organization. Osveh Publications. In Persian)
- Coyne, J. C. and G. Downey (1991). Social factors and psychopathology: Stress, social support, and coping processes. *Annual review of psychology* 42(1): 401-425.
- Cummings, E. M., et al. (2003). Children's responses to everyday marital conflict tactics in the home. *Child development* 74(6): 1918-1929.
- Cummings, E. M. and A. Wilson (1998). Contexts of marital conflict and children's emotional security: Exploring the distinction between constructive and destructive conflict from the children's perspective. *Conflict and cohesion in families*, Routledge: 119-144.
- Davodi, Z., Etemidi, A., Bahrami, F. (2011). A short-term, solution-oriented approach to reduce the tendency to divorce in women and men prone to divorce. *Social Welfare Quarterly*. 43(11): 121-134. (In Persian)
- Dillon, H. N, Chair, P. C., dixon, W. & Ellis, J. (2005). Family violence and divorce. *Family & Marriage*. 19 (6): 750-768.
- Fakuri, M., Jan-Bozorgi, M., Khoramian, F. (2022). Prediction of marital satisfaction based on "harmony of attitudes", "familiarity with spouse's attitudes" and "harmony of couple's values". *Family Research*, 19(1): 29-44. (In Persian)
- Frish, M.B. (2009), *Quality of life therapy: applying a life satisfaction approach to positive psychology and cognitive therapy*. Hoboken, NJ: Wiley.
- Giddens, A. (1997). *The Third Way: the Renewal of Social Democracy*. Tehran: Shirazeh Publishing. (In Persian)
- Hall, S. S. (2006). Marital meaning: Exploring young adults' belief systems about marriage. *Journal of family issues* 27(10): 1437-1458.
- Heater, K. K.(2005). *Investigation of Variable Influencing Colledge Students Marital Attitudes and Fear of Intimacy*. Ball State University
- Jahani Dolatabad, E. (2014). *Sociological study of marital conflicts; Causes and contexts of occurrence and continuity (case study of Tehran city)*. Sociology. Tehran, University of Tehran. P.H.D. (In Persian)
- Jahani Dolatabad, E. (2017). *Theoretical explanation of marital conflicts with a paradigmatic approach*. *Family Research Quarterly*. 49(13): 109-131. (In Persian)
- Jahani Dolatabad, A. (2021). *Investigating the relationship between conflict resolution styles and the degree of tendency to divorce among couples of Ardabil*. Ardabil, University of Mohaghegh Ardabili. (In Persian)
- Mohammadi, H., Navabakhsh, M. (2016). Identifying cultural and social components of family consolidation in order to prevent divorce with emphasis on social base (case study of families under 5 years old in Tehran). *Social Research Quarterly*. 8(31): 39-59. (In Persian)

- Moradi, R. (2021). Analysis of family cultural policies in Iran after the revolution. *Quarterly Journal of Communication Culture Studies*. 22(53): 223-246. (In Persian)
- Nawabi-Nejad, S. (2001), counseling and marriage and family therapy, Tehran: Published by Association of parents and teachers. (In Persian)
- O'Leary, K. D. and D. A. Smith (1991). Marital interactions. *Annual review of psychology* 42(1): 191-212.
- Olson ,D. H. Gravatt. E. (1968). Attitude Chnage in a functional marriage course. *The family coordinator*, 17 (2): 99-104.
- Omidvar, B., Fatehizadeh, M., Ahmadi, S. (2011). Investigating the effect of premarital education on the marital attitudes of college students about to get married in Shiraz. *Counseling Research (News and Counseling Research)*, 10(38): 81-101. (In Persian)
- Rosenbaum, H. (1978). Family as a structure versus society, a critique of the theoretical foundations of the sociology of the family in Germany. Tehran, Academic Publishing Center. (In Persian)
- Rajabzadeh, A. (2001). *Sociology of Culture*, Tehran, Iran Textbook Publishing Company. (In Persian)
- Pamela, A. and W. Claire (1997). *An Introduction to Sociology Feminist perspectives* SECOND EDITION, Routledge 11 New Fetter Lane, London EC4P 4EE.
- Rusbult, C. E. and B. P. Buunk (1993). Commitment processes in close relationships: An interdependence analysis. *Journal of Social and Personal Relationships* 10(2): 175-204.
- Rusbult, C. E., Johnson, D. J., & Morrow, G. D. (1986). Impact of couple patterns of problem solving on distress and nondistress in dating relationships. *Journal of Personality and Social Psychology* 50(4): 744.
- Scanzoni, J. (1965). A reinquiry into marital disorganization. *Journal of Marriage and the Family*: 483-491.
- Sharp, E. A., & Ganeng , L. H. (2000) Rasing awareness about marital expectation are unrealistic beliefs changed by integrative teaching?, <http://www.blackwe;synergy.com>
- Statistics Center of Iran. (1401). *Marriage and divorce. Statistical yearbook of country for 2021*, Tehran: Iran. (In Persian)
- Trask, B. S. (2010), *Globalization and families: Accelerated systemic social change*, ; New York City, Springer Publishing.
- Willoughby, B. J. (2010). Marital attitude trajectories across adolescence. *Journal of Youth and Adolescence* 39: 1305-1317.
- Willoughby, B. J. (2015). The role of marital beliefs as a component of positive relationship functioning. *Journal of adult development* (22): 76-89.
- Willoughby, B. J. and J. S. Carroll (2016). 18 On the Horizon: Marriage Timing, Beliefs, and Consequences in Emerging Adulthood. *The Oxford handbook of emerging adulthood*: 280.

- Willoughby, B. J. and J. Dworkin (2009). The relationships between emerging adults' expressed desire to marry and frequency of participation in risk-taking behaviors. *Youth & Society* 40(3): 426-450.
- Willoughby, B. J., et al. (2015). Marital paradigms: A conceptual framework for marital attitudes, values, and beliefs. *Journal of family issues* 36(2): 188-211.
- Willoughby, B. J., et al. (2012). Sooner or later? The marital horizons of parents and their emerging adult children. *Journal of Social and Personal Relationships* 29(7): 967-981.

بررسی شاخص‌های اجتماعی و فردی موفقیت کارآفرینان حوزه صنایع فرهنگی و خلاق با تأکید بر بند ۱ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی (شرکت‌های دانش‌بنیان)

پرستو کنی

دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
(نویسنده مسئول).

kaniparastoo@gmail.com

id 0009-0005-3963-2077

مریم فخری

دکتری جامعه‌شناسی - گرایش فرهنگی، تهران، ایران.

maryamfakhri@gmail.com

id 0009-0007-4144-2920

چکیده

مسئله پیشرفت و توسعه کشور در محیط رقابتی، امروز سمت‌وسو و نوع حرکت کشور به سمت ایجاد اقتصاد دانش‌بنیان است. به عبارتی مابازاء خام‌فروشی و در اختیار قرار دادن مواد اولیه به سایر کشورها، بتوان با بهره‌مندی از اقتصاد دانش‌محور، مواد اولیه را تبدیل به کالاهای خلاق و متناسب با فرهنگ ملی و اسلامی نمود. پژوهش حاضر به بررسی شاخص‌های اجتماعی و فردی موفقیت کارآفرینان در حوزه صنایع فرهنگی و خلاق پرداخته است. در این پژوهش با استفاده از روش کیفی تحلیل مضمون، با هشت مدیر و صاحب‌نظر در حوزه شرکت‌های دانش‌بنیان مصاحبه و پاسخ‌ها تجزیه و تحلیل شده است (هشت مصاحبه کارآفرینانه خاص شهر تهران). یافته‌ها حاکی از آن است که حوزه ارتباطات اجتماعی که شامل (پیشینه خانوادگی، کمک هم‌تایان، مؤسسه‌های آموزشی، رفتار کارآفرینانه، دسترسی به منابع و رسانه‌های جمعی می‌شود و همچنین زمینه‌های فردی و در نظر داشتن ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و شخصیتی میزان موفقیت کارآفرینان متفاوت است. نتایج برآمده از این پژوهش نشان می‌دهد یک کارآفرین با وجود دارا بودن کنش اقتصادی (داشتن سرمایه مالی)، خارج از چهارچوب روابط اجتماعی عمل ننموده و یکی از مسئله‌های مهم در این بخش، مربوط به میزان شبکه ارتباطات اجتماعی است که کارآفرین در جامعه دارد.

کلیدواژه‌ها: موفقیت کارآفرینان، صنایع فرهنگی و خلاق، شبکه ارتباطات اجتماعی، اقتصاد مقاومتی.

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۵X / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

مقدمه و بیان مسئله

امروزه کشورهای توسعه‌یافته‌ای که با مدیریت کارآمد یادگیری، پژوهش و نوآوری طی نگرشی نظام‌مند به اقتصادهای دانش‌محور دست یافته‌اند، عملاً با استفاده از توسعه فناوری‌ها و افزایش بهره‌وری توانسته‌اند تولید کالا و خدمات را بهبود و ارزش افزوده اقتصادی خود را فزونی بخشند. از این‌رو بسیاری از کشورهای در حال توسعه برای دستیابی به این‌گونه اقتصادهای نوین مبتنی بر دانایی در قرن بیست‌ویکم به تکاپو افتاده و تلاش دارند تا بسترها و زیرساخت‌های لازم را برای طراحی و استقرار این‌گونه نظام‌ها پدید آورند (Rao, 1975).

اقتصاد دانش‌بنیان، اقتصادی است که در آن تولید، توزیع و استفاده از دانش، منبع اصلی رشد و ایجاد ثروت است. موتور محرک اقتصاد دانش‌بنیان شرکت‌های دانش‌بنیان هستند. شرکت‌های دانش‌بنیان نقش کلیدی در توسعه اقتصاد دانش‌محور دارند. این شرکت‌ها به‌منظور هم‌افزایی علم و ثروت، توسعه اقتصاد دانش‌محور، تحقق اهداف علمی، اقتصادی و تجاری‌سازی نتایج تحقیق و توسعه در حوزه فناوری‌های برتر نقش دارند. در جهان امروز یکی از مهم‌ترین عوامل رقابتی بنگاه‌های اقتصادی، میزان استفاده از فناوری و نوآوری بر پایه دانش است. از سوی دیگر، واحدهای اقتصادی که بر پایه دانش شکل می‌گیرند از پایداری و ثبات ویژه‌ای برخوردارند. امروزه کسب‌وکارهای حوزه صنایع فرهنگی و خلاق در پیشرفت و توسعه کشورها نقش حیاتی و مهم است. از دیدگاه دولت‌ها، شرکت‌های دانش‌بنیان به‌عنوان منابع مهم درآمد و اشتغال و درنهایت نیروی مهم تأثیرگذار در توسعه اقتصادی شناخته می‌شوند.

اسناد بالادستی کشور از جمله سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی، برنامه چهارم و پنجم توسعه و همچنین سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور، همگی حوزه اقتصاد دانش‌بنیان را جزء صنایع مهم و تأثیرگذار در صنعت کشور دانسته و توسعه این بخش را در اولویت برنامه‌های توسعه‌ای کشور قرار داده است. تحقق این اهداف، ایجاد و تأسیس شرکت‌های دانش‌بنیانی است که به‌طور عمده با حضور کارآفرینانی که دارای ایده‌های محوری هستند هدایت می‌شود. درواقع موتور محرک پیشرفت‌های فناوری، ایده‌های خلاقانه‌ای است که در ذهن مبتکران و مخترعان شکل می‌گیرد و با پیگیری جدی کارآفرینان در قالب کسب‌وکاری جدید به‌بار نشیند. در این راستا این شرکت‌ها و رشد علمی و توسعه فناوری یکی از کانون‌های

توجه سیاست‌گذاران ایران در سال‌های اخیر بوده‌اند؛ اما عمده تمرکز این سیاست‌گذاران بر ورودی‌های چرخه تولید علم، توسعه فناوری و تجاری‌سازی آنها در شرکت‌های دانش‌بنیان و سرمایه‌گذاری مجدد آن بر تولید علم و فناوری بوده و درک و شناخت عمیقی از نحوه عملکرد شرکت‌های دانش‌بنیان داخلی و شاخص‌های مؤثر بر موفقیت آنها وجود ندارد. در این راستا مطالعات گوناگونی در کشورهای مختلف برای واکاوی شاخص‌های اثرگذار بر رشد شرکت‌های دانش‌بنیان انجام شده است. با این وجود پژوهش‌ها نشان می‌دهد توضیح اینکه چه شاخص‌هایی بر موفقیت کارآفرینان شرکت‌های دانش‌بنیان اثرگذار هستند، مقوله‌ای پیچیده است که موارد بسیاری را در خود جای می‌دهد (Barringer, 2005).

در گام اول انقلاب دارای ضعف عمده بودیم؛ اما در گام دوم، ان‌شاءالله که اهتمامی، به فناوری‌های نرم و صنایع خلاق انجام خواهد شد و به‌نظر می‌رسد که بتوانیم گام‌های مؤثری در حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی که دو ضعف عمده ما، در گام اول انقلاب اسلامی بود برداریم؛ لذا برای تحقق سریع‌تر بیانیه گام دوم که یک بیانیه راهبردی است یعنی نظام‌های ارزشی کشور را مشاهده می‌کنید که به‌خوبی تبیین و توصیف شده‌اند و پس از آن چشم‌انداز آینده، حداقل چهل سال آینده ترسیم شده است و بلافاصله پس از سیستم‌های ارزشی، بیانیه مأموریت روشن، شفاف و مشخص و دارای پارامترهای مشخص درج شده است، پس از آن نیز راهبردهای کلان، برای تحقق مأموریت‌ها و چشم‌اندازها بر مبنای آن نظام ارزشی، اشاره‌های فراوانی شده است. در این راستا پژوهش‌های بسیاری تحت عنوان اقتصاد مقاومتی و کمک به دانش‌بنیان‌ها در جهت‌های مختلف واکاوی شده است؛ اما تا به امروز هیچ پژوهشی که به موفقیت کارآفرینان حوزه صنایع فرهنگی و خلاق توجه داشته باشد، انجام نشده است. در نتیجه این پژوهش در صدد است به بررسی شاخص‌های فردی و اجتماعی موفقیت کارآفرینان شرکت‌های دانش‌بنیان بپردازد.

۱. هدف و پرسش‌های پژوهش

هدف از این پژوهش این است زمینه‌های موفقیت کارآفرینان شرکت‌های دانش‌بنیان را که در حوزه صنایع فرهنگی و خلاق فعالیت دارند بررسی نماید. برای رسیدن به این هدف پرسش‌هایی به شرح ذیل مطرح است:

- ۱- زمینه‌های اجتماعی موفقیت کارآفرینان شرکت‌های دانش‌بنیان حوزه صنایع فرهنگی و خلاق کدام است؟

۲- زمینه‌های فردی (غیراجتماعی) شرکت‌های صنایع فرهنگی و خلاق که منجر به موفقیت می‌شود چیست؟

۲. پیشینه پژوهش

درخصوص شاخص‌های موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرینی، پژوهش‌های گوناگونی با روش‌های مختلف صورت گرفته است. از میان مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته بر اساس بررسی‌های به‌عمل‌آمده و شاخص‌های نزدیک به این پژوهش انتخاب و به شرح ذیل ارائه می‌شود.

بهرامی حسن‌آبادی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی تحت عنوان «تولید، دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین» با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با مراجعه به سیاست‌های کلی نظام سعی شده است تا سیاست‌های مربوط با حوزه اشتغال‌آفرین و دانش‌بنیان را دسته‌بندی کرده و مورد ارزیابی قرار دهد. در این نوشتار، هدف آن است که به ظرفیت‌ها و راهبردها، زمینه‌ها، جایگاه و اهمیت برای تولید دانش‌بنیان از منظر سیاست‌های کلی نظام جهت پیشرفت شرکت‌های دانش‌بنیان و کارآفرینان مشغول در آن، بیان خواهند شد. همچنین زمینه‌هایی در دانش‌بنیان مورد حمایت قرار می‌گیرد شامل: فناوری و ارتباطات (حوزه صنایع خلاق)، پزشکی، نفت و گاز، کشاورزی و غذایی و... می‌باشد و برای راهبردها نیز به دو دسته عام و خاص با زیرمجموعه‌های خاص خود تقسیم می‌شوند و همه این اقدام‌ها انجام می‌شود تا درنهایت بتوان به موفقیت و ارتقاء سطح دانش‌بنیان‌ها و بهبود اشتغال کمک شود.

در پژوهش دیگر در سال ۱۳۹۲، پژوهشی با عنوان بررسی نقش زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی مدیران SMEها بر کارآفرینی شرکتی، توسط میری و همکاران صورت گرفت. نتایج به‌دست آمده در این پژوهش نشان داد ازجمله بسترهای اصلی کارآفرینی، توجه به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی خاص آن می‌باشد. سرمایه‌گذاری در این زمینه‌ها علاوه به آثار مثبت، نتایج بلندمدت و ماندگاری به همراه دارد. این پژوهش به شیوه توصیفی - پیمایشی اجرا شده است. نتایج این تحلیل علاوه بر تأیید ارتباط «تجربه‌گرایی» با «گرایش کارآفرینانه» افراد، میزان آن را در جامعه آماری قوی ارزیابی نمود. همچنین میزان ارتباط بین «آموزش» و «گرایش کارآفرینانه» افراد ضعیف قلمداد شد که این نتایج ناشی از ضعف در نوع آموزش‌های افراد (عدم توجه به آموزش منجر به ریسک‌پذیری)، می‌باشد. درنهایت نیز راهکارهای لازم در خصوص بهره‌گیری از این زیرساخت‌های اجتماعی در توسعه و ارتقاء «گرایش

کارآفرینانه» افراد ارائه شده است (میری و دیگران، ۱۳۹۲، ص. ۲۹).

ملک‌آرا (۱۴۰۰) در پژوهشی از نوع مروری تحت عنوان عوامل مؤثر بر رشد و موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان که این عوامل می‌تواند در موفقیت شرکت‌ها اثربخش باشد؛ اما تعداد اندکی از آن، اهمیت حیاتی دارند، که در این پژوهش شامل مواردی چون بازاریابی، منابع مالی، انسانی و تحقیق و توسعه است.

در مقاله جعفرزاده (۱۳۹۹) با عنوان شناسایی جایگاه صنایع فرهنگی و خلاق در گسترش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، هدف آن شناخت جایگاه صنایع فرهنگی و خلاق در گسترش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و دراین‌راستا به شناسایی مصادیقی از این صنایع که می‌تواند در توسعه قدرت نرم مؤثر باشد با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه با خبرگان می‌پردازد که درنهایت مصادیق شناسایی شده را در سه دسته از صنایع خلاق یعنی میراث فرهنگی، رسانه و فرهنگ و هنر دسته‌بندی می‌کند.

بر اساس یافته‌های پژوهش فرهنگ صنعتی به‌عنوان عامل نوآوری اجتماعی: بازتابی از ولنج، اسلوونی به قلم جرنج تیران و منتشر شده در سال ۲۰۲۲ آمده است که، شهرک‌های صنعتی در مقایسه با توده‌های شهری خدمت‌گرا، اغلب به‌عنوان حاشیه‌نشین و کمتر نوآورانه در نظر گرفته می‌شوند. مسیرهای خاص آنها هم فرصت‌ها و هم محدودیت‌هایی را برای مفاهیم جدید مانند نوآوری اجتماعی ایجاد می‌کند. با این حال اطلاعات کمی در مورد ظرفیت نوآورانه آنها در رابطه با هنجارهای اجتماعی و فرهنگی و سرمایه اجتماعی وجود دارد. بنابراین هدف این مقاله تجزیه و تحلیل ظرفیت یک شهر صنعتی برای ایجاد نوآوری اجتماعی در مطالعه موردی ولنج، اسلوونی است. با به‌کارگیری مفهوم فرهنگ صنعتی و یک فرایند تعاملی تحقیق و اقدام با جامعه محلی، ما سعی می‌کنیم هنجارها، ارزش‌ها و سرمایه اجتماعی را که در قلمرو تعبیه شده‌اند را به تولید نوآوری‌های اجتماعی گذشته، امروز و احتمالی آینده پیوند دهیم (Tiran, 2022).

در مقاله دیگری با عنوان «تأثیر صنایع فرهنگی و خلاق بر ثروت کشورها، مناطق و شهرداری اثری از رافائل دومنش^۱ (۲۰۲۱)»، تأثیر کل صنایع فرهنگی و خلاق را بر درآمد سرانه کشورها، مناطق و شهرداری‌ها مقایسه می‌کند. کل اثرهای صنایع فرهنگی و خلاق را در ۷۸ کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه در ۵ قاره، در

1. Rafael Boix Domenech

۲۷۵ منطقه اروپایی و در ۵۱۸ شهرداری در منطقه اروپایی والنسیا، با استفاده از داده حاصل شده از پایگاه‌های اطلاعاتی متعدد و حداقل مراعات خطی محلی ناپارامتریک برآورد می‌کنیم. میانگین اثرهای آنها در سه مقیاس سرزمینی، در هر دو مکان کم‌درآمد و با درآمد بالا مثبت است. در ارتباط با افزایش توسعه، با اماکن توسعه‌یافته بالا و بسیار بالا که تأثیرهای بیشتری را نشان می‌دهند، افزایش می‌یابد؛ بنابراین صنایع فرهنگی و خلاق منبع قدرتمندی برای بهبود رفاه اماکن غنی و فقیر در تمام مقیاس‌های جغرافیایی هستند. باین‌حال، آنها همچنین به‌عنوان یک شمشیر دولبه عمل می‌کنند؛ زیرا نابرابری بین مکان‌ها را افزایش می‌دهند.

پیشینه مقاله‌هایی که پیرامون موضوع این پژوهش توسط محقق در سطوح فوق آورده شده است را می‌توان در زمینه اجتماعی، فرهنگی و نوآوری طبقه‌بندی نمود. شاخص‌های مطرح و مورد توجه در این پیشینه در دو بعد می‌توان طبقه‌بندی نمود: یک بُعد، ابعاد تجهیزاتی و امکاناتی (سرمایه‌ای) با رویکرد توسعه‌ای و دوم، بُعد تحقیق و توسعه و پژوهش شرکت کارآفرین در حوزه صنایع خلاق و فرهنگی می‌باشد. در این میان به‌ندرت می‌توان به پژوهشی اشاره کرد که در آن به شاخص‌های فردی و یا شبکه ارتباطی کارآفرین در بازار کاری صنایع فوق پرداخته باشد. با توجه به خلأ پژوهشی در زمینه شاخص‌های فردی و زمینه اجتماعی می‌توان مجدد به اهمیت این پژوهش تأکید نمود.

۳. چهارچوب مفهومی

کارآفرینی عامل اصلی تفاوت رشد اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته با کشورهای در حال توسعه است (تربتی، ۱۳۹۶، ص. ۱۵) و به‌عنوان پدیده‌ای نوین، نقش مؤثری در تولید و پیشرفت کشورها دارد؛ به‌طوری‌که در اقتصاد رقابتی و مبتنی بر بازار عامل کلیدی است. از این‌رو کارآفرینی برای حفظ عملکرد و زنده ماندن در محیط‌های بسیار پویا و رقابتی؛ نیازمند نوآوری، ابداع؛ خلق محصولات و خدمات جدید است (رحمان‌نیا، ۱۳۹۵، ص. ۱)؛ بنابراین مفهومی چندبعدی دارد که فعالیت‌ها را به سوی نوآوری در محصول و فناوری، سوق می‌دهد (انوری، ۱۳۹۹، ص. ۱۲۹). در دنیای امروز تنها با واژه کارآفرینی روبه‌رو نیستیم بلکه کارآفرینی دارای پیوندهای جدیدی در حوزه‌های گوناگون از جمله کارآفرینی سازمانی، کارآفرینی اجتماعی، کارآفرینی سیاسی، کارآفرینی پایدار و... است که در این میان، کارآفرینی فرهنگی به‌عنوان یکی از پیشران‌های کارآفرینی محسوب می‌شود (فرش‌باف حقرو و دیگران، ۱۳۹۹، ص.

۳۶). صنایع فرهنگی با ظرفیت بالای اشتغال‌زایی و درآمدزایی، زمینه مناسبی برای کارآفرینی فراهم کرده است. طبق نتایج به‌دست آمده از پژوهش‌های گسترده، بخش فرهنگ در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی با سرعت بیشتری رشد کرده و اشتغال بیشتری را ایجاد کرده است. بعلاوه این صنایع موجب حرکت سایر بخش‌های اقتصادی از جمله ابتکار و فناوری ارتباطات نیز شده است. فرهنگ و اقتصاد دارای خاستگاهی مشترک هستند. خاستگاه هر دو جامعه است (حضرتی و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۵۲).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی با ابلاغ سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی» تأکید کردند: پیروی از الگوی علمی و بومی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی، عامل شکست و عقب‌نشینی دشمن در جنگ تحمیلی اقتصادی علیه ملت ایران خواهد شد. همچنین اقتصاد مقاومتی خواهد توانست در بحران‌های رو به افزایش جهانی، الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد و زمینه و فرصت مناسبی را برای نقش‌آفرینی مردم و فعالان اقتصادی در تحقق حماسه اقتصادی فراهم کند. از این جهت بند یک اقتصاد مقاومتی اشاره دارد به تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به‌منظور توسعه کارآفرینی و به‌حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط. از آنجایی که خاستگاه صنایع فرهنگی در جامعه است و از سویی شخص کارآفرین در جامعه دارای پیوندهای متفاوت تسهیلاتی، سرمایه‌ای و مهم‌تر از همه ارتباطی می‌باشد، می‌توان گفت چند رکن و مفهوم مهم در این پژوهش هدف محقق می‌باشد که در ذیل این بخش به مفاهیمی می‌پردازیم که بدنه فکری و نظری پژوهش را تشکیل می‌دهد.

۳-۱. زمینه اجتماعی

مؤلفه‌ها و ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی سازمان به علت گستردگی و جامعیتشان، سایر ابعاد و بخش‌های دیگر سازمان را تحت تأثیر قرار داده و به‌عنوان بستر و زیربنای سایر عوامل سازمانی شناخته می‌شوند. با مشخص شدن نقش حیاتی‌ای که ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی در تعیین رفتار کارآفرینانه بازی می‌کند، برخی پژوهشگران مطالعات خود را به سمت‌وسوی بررسی تأثیرهای فرهنگی فرد کارآفرین بر روی کارآفرینی سطح شرکتی سوق داده‌اند (میری و دیگران، ۱۳۹۲، ص. ۳۱).

تجربه کاری، دسترسی به افراد، اطلاعات و مهارت‌هایی را که موجب شکل‌گیری راهبرد کارآفرینانه، کسب منابع و فرایند سازمان‌دهی می‌شود را توسعه می‌دهد؛ بنابراین افرادی که از تجربه کاری بیشتری بهره می‌برند احتمالاً بیشتر از فرصت‌های کارآفرینان خواهند کرد (طالبی و دیگران، ۱۳۸۸).

۳-۲. کارآفرینی

کلمه کارآفرین از کلمه فرانسوی مشتق شده است که به معنی برعهده‌گرفتن (تعهد کردن) کاری است یعنی فردی که ریسک و خطر راه‌اندازی یک کسب‌وکار جدید را می‌پذیرد. درواقع کلمه کارآفرین ابتدا در زبان فرانسوی در اوایل قرن شانزدهم مطرح شد (Mohanty, 2006, p. 1). در قرن شانزدهم میلادی واژه «کارآفرین»، اولین بار برای افرادی به کار برده شد که در مأموریت‌های نظامی، خود را به خطر می‌انداختند (احمدپور داریانی، ۱۳۷۹، ص. ۴)؛ اما ریچارد کانتیلن ایرلندی مقیم فرانسه برای اولین بار واژه کارآفرینی را برای فعالیت‌های اقتصادی به کار گرفت. به نظر کانتیلن، کارآفرین فردی است که خدمات را در قیمت‌های مطمئن می‌خرد به این‌منظور که محصولش را در قیمت‌های نامطمئن بفروشد؛ بنابراین از نظر کانتیلن یک کارآفرین فردی است که متحمل ریسکی می‌شود که غیرقابل بیمه شدن است (Mohanty, 2006, p. 1).

۳-۳. صنایع فرهنگی

صنعت فرهنگی مجموعه‌ای پیچیده از تمام صنایع است که برای تقاضای زندگی معنوی، تفریح‌ها و سرگرمی به ارائه خدمات می‌پردازد (Song Jian, 1994). صنایع فرهنگی صناعی هستند که برای ایجاد فرهنگ ساخته می‌شوند که شامل ایجاد یک فرهنگ خاص، فروش این فرهنگ و نمادهای آن است (Kusaka, 1978). بحث‌های مربوط به صنایع فرهنگی معمولاً از تئودور آدورنو شروع می‌شود که به همراه هورکهایمر، برای اولین بار این اصطلاح را در سال ۱۹۴۷، ابداع کردند (Adorno & Horkheimer, 1979). نوشته‌های بعدی آدورنو در مورد فیلم، رادیو، روزنامه‌ها و جاز و موسیقی عامه پسند، همگی این پیام را تأیید کردند که تحت سرمایه‌داری انحصاری، هنر و فرهنگ اکنون کاملاً جذب اقتصاد شده‌اند (Adorno, 1991). صنعت فرهنگی دارای رقابت متفاوتی با سایر صنایع است. رقابت‌پذیری صنعت فرهنگی به‌دست‌آوردن خروجی و سود عالی با ورودی اندک است. گسترش مستمر

سهم بازار ضروری است و همچنین تخصیص ساختار محصول معقول با منابع محدود مهم است (Feng, 2020).

صنایع فرهنگی دامنه‌ای از فعالیت‌ها هستند که محصولات و خدمات فرهنگی را فناوری محوری خود تلقی می‌کند. در نتیجه، از فناوری فرهنگی برای بهره‌مندی از ارزش‌ها و منابع فرهنگی استفاده می‌کند تا قادر به تولید محصولات و خدمات قابل مصرف برای مشتریان باشد. منابع فرهنگی شامل آموزش، علم، ادبیات و هنر، اخلاقیات، قوانین، سنت‌ها، باورها، محیط طبیعی و میراث تاریخی است.

۳-۴. اقتصاد مقاومتی

یکی از مهم‌ترین سیاست‌هایی که در ایران برای اولین بار و در دیدار کارآفرینان توسط رهبر انقلاب مطرح گردید، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است. از جمله نکات مهمی که در زمینه ارتباط بین کارآفرینی و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در این دیدار باید در نظر گرفت، مفهوم اقتصاد مقاومتی است که برای اولین بار در سال ۱۳۸۹، در دیدار جمع کارآفرینان کشور مطرح شده است. ثانیاً، در بند اول این سیاست‌ها، «توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی» ذکر گردیده است که نشانگر توجه سیاست‌گذاران کلان کشور به مقوله مهم توسعه کارآفرینی در کشور است (پاداش، ۱۳۹۵). همچنین در بند دوم، ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه تأکید شده است که نشانه اهمیت توسعه کارآفرینی در شرکت‌های دانش‌بنیان است. درواقع، کارآفرینی به‌عنوان عاملی مهم و تأثیرگذار در اقتصاد مقاومتی، باید مورد توجه قرار گیرد (اسفندیاری و دهقان، ۱۳۹۵). درنهایت، هدف اصلی شکل‌گیری اقدامات مرتبط با اقتصاد مقاومتی، رشد و توسعه در ابعاد ملی، منطقه‌ای و جهانی است (ترک‌زاده و عبد شریفی، ۱۳۹۷).

۴. روش پژوهش

این مطالعه کیفی است با روش تحلیل مضمون و محقق درصدد است تا با استفاده از داده‌هایی که از طریق مصاحبه با هشت نفر از کارآفرینان شرکت‌های دانش‌بنیان صنایع خلاق و فرهنگی واقع در استان تهران که به‌دلیل سهولت در دسترسی از جانب معاونت علمی ریاست جمهوری معرفی شدند و معیار انتخاب آنها، میزان بالای

فعالیت آنها بوده است. همچنین با استفاده از کتاب‌ها، مقاله‌ها و نظرهای مرتبط با موضوع بتوان موضوع خود را کامل و سازگارتر نماییم و کوشش کنیم تا کار خود را به نحو کامل و جامعی گسترش دهیم. برای دستیابی به این مهم، متن مصاحبه‌های انجام شده مورد کدگذاری باز با تجزیه و تحلیل سطر به سطر متن مصاحبه‌ها، مفاهیم اولیه استخراج شد و با مقایسه و دسته‌بندی مفاهیم، مقوله‌ها حاصل شدند. بدین‌منظور ابتدا مفاهیم معنادار در قالب مقوله‌های فرعی و سپس از تجميع مقوله‌های فرعی مرتبط و مقوله‌های اصلی شبکه‌های اجتماعی شناسایی شدند.

۵. یافته‌های مصاحبه‌ها

در این بخش ابتدا به اولین سؤال ذیل شاخص شبکه ارتباطات اجتماعی موفقیت کارآفرینان با توجه به مصاحبه‌های صورت گرفته و استخراج مقوله‌های اصلی و فرعی پاسخ داده می‌شود.

در جدول زیر مقول‌های اصلی و فرعی نشان داده شده است.

جدول (۱): مقوله‌های اصلی و فرعی مستخرج از مصاحبه‌ها

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
زمینه‌های اجتماعی ۱- شبکه ارتباطات اجتماعی	پیشینه خانوادگی کمک همتایان مؤسسه‌های آموزشی رفتار کارآفرینانه دسترسی به منابع رسانه‌های جمعی
شاخص زمینه‌ای (فردی) ۱- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی ۲- ویژگی‌های شخصیتی	سن کارآفرین جنسیت کارآفرینان نیاز به موفقیت مکان کنترل تمایل به ریسک نیاز به خودمختاری عزت نفس تحمل ابهام اشتیاق فعال بودن سرسختی

۵-۱. زمینه‌های اجتماعی

براساس تحقیق صورت گرفته، زمینه‌های اجتماعی اولین دلیل برای موفقیت کارآفرینان شرکت‌های دانش‌بنیان به حساب می‌آید که ذیل آن به شبکه‌های اجتماعی و جزئیات آن اعم از: پیشینه خانوادگی، کمک همتایان، مؤسسه‌های آموزشی، پشتیبان‌گیری سازمانی و رسانه‌های جمعی پرداخته شده است. درجایی که محققان کارآفرینی زمینه‌های «غیرتجاری» را مطالعه کرده‌اند، این عمدتاً به زمینه‌های ارتباطی اجتماعی اشاره دارد.

رویکردهای شبکه‌های اجتماعی که مبتنی بر درک گرانووتر از تعبیه اجتماعی است، روندی محبوب در تحقیق‌های کارآفرینی جریان اصلی است که دیدگاه فردی را با تجزیه و تحلیل محیط خرد افراد ترکیب می‌کند که شامل ماهیت، عمق و میزان پیوندهای یک فرد با محیط است.

اغلب کاربرد اصلی زمینه در مطالعات کارآفرینی در سطح اجتماعی به توانایی کارآفرینان برای استفاده از مخاطبان شبکه به عنوان دسته‌ای از منابع، یعنی سرمایه اجتماعی مورد نیاز برای راه‌اندازی یک تجارت اشاره دارد. پشتیبانی شبکه می‌تواند سرمایه مالی، اطلاعات، کارکنان بالقوه یا دسترسی به مشتریان را فراهم کند؛ اما همچنین درک عاطفی، تشویق و حمایتی را که خانواده و دوستان می‌توانند ارائه دهند که خود به ارزش‌های اجتماعی در رابطه با کارآفرینی بستگی دارد و در نتیجه بر اهمیت فرهنگی تأکید دارد. تحقیق‌ها نشان داده است که شبکه‌ها منبع مهمی برای شروع و توسعه یک کسب و کار به‌طور کلی هستند.

۵-۱-۱. چگونه پیشینه خانوادگی منبعی برای شبکه‌های اجتماعی

موفقیت کارآفرینان است؟

به‌طور ضمنی، بسیاری از مطالعات با استفاده از دیدگاه شبکه‌های اجتماعی، زمینه‌های دیگر کارآفرینی را فراتر از زمینه اجتماعی تأیید می‌کنند؛ بنابراین توجه را به پیوندهای بین محیط‌های اجتماعی یا نهادی جلب می‌کنند. این امر در پژوهش‌هایی که کارآفرینی را در یک محیط پرتلاطم مطالعه می‌کند، که در آن شبکه‌ها می‌توانند جایگزین یک محیط نهادی ناقص شوند، یا در پژوهش در مورد زمینه‌های موفقیت کارآفرینان شرکت‌های دانش‌بنیان به‌ویژه بخش علوم اجتماعی و صنایع فرهنگی و خلاق که توجه کمتری به آنها شده است، ارتباطات شبکه‌ای

ضروری است. در روند پژوهش مشاهده شد که بسیاری از افراد محصولات خانگی صنایع فرهنگی مانند: صنایع دستی، اسباب بازی و... را با همکاری اعضای خانواده به فروش می‌رسانند؛ اما نه تحت عنوان شرکت دانش‌بنیان بلکه به‌صورت کاملاً آزاد و بدون هیچ‌گونه حمایت و ضمانتی؛ همچنین طی مصاحبه انجام شده با افراد مصاحبه‌شونده، خانواده در دسته‌ای قرار داشت که کاملاً توسط افراد کنار گذاشته شده و ظاهراً هیچ‌گونه نقش سودمندی در این مسیر نداشته‌اند؛ اما خارج از چهارچوب شرکت‌ها کارآفرینی در این زمینه کاملاً برعکس بود. بسیاری از محققان کارآفرینی با گنجانیدن خانواده به‌عنوان زمینه‌ای برای فعالیت‌های کارآفرینانه، «مفهوم‌سازی مجدد» رویکرد شبکه‌های اجتماعی را آغاز کرده‌اند. این درک جدید نیست؛ اما به‌طور ضمنی از مفهوم سیستم‌های ترکیبی اقتصادی - اجتماعی از اقتصاد کشاورزی، به اصطلاح سیستم خانگی شرکتی نشئت می‌گیرد و در تمامی این شرکت‌های موفق که بررسی کردیم با وجود اینکه در زمینه صنایع فرهنگی و خلاق برعکس سایر علوم که نیازمند یک سازوکار پیچیده و ابزار خاص و ایده‌های فنی می‌باشد، در این صنعت تشویق و ایجاد شبکه‌های خانگی و ارتباط آن به‌صورت زنجیره و در قالب شرکت دانش‌بنیان که دارای نوآوری و بومی کشور ایران باشد، بسیار نیازمندیم و با مطالعه‌ای که انجام شد، مشخص گردید که فاقد چنین شرکت‌هایی هستیم؛ به‌طورمثال، اندرسون و همکاران که نقش اعضای خانواده را در شبکه‌های کارآفرینی بررسی می‌کردند، توجه را به یک «وسط گمشده» بین مشاغل خانودگی و اعضای خانواده جلب می‌کنند (Andersson & et al., 2013).

متیوز و موزر^۱ (۱۹۹۶)، بیان می‌کنند که «بارزترین عامل برای ورود به حرفه کارآفرینی، الگوی نقش والدین است». افراد دارای الگوی نقش، احتمال بیشتری برای مشارکت در فعالیت‌های کارآفرینانه دارند (کارسرود و اولم و ادی^۲، ۱۹۸۷). از میان الگوهایی که آنها دارند، اعضای خانواده غالب هستند (کوپر و دانکلبرگ^۳، ۱۹۸۷). مشخص شده است که مادر و پدر الگوهای نقش کلیدی هستند (بروکهاوس و هورویتز، ۱۹۸۶). به‌طور تجربی ثابت شده است که افراد با پیشینه کسب‌وکار خانوادگی بیشتر احتمال دارد که سرمایه‌گذاری خود را شروع کنند (کروگر^۴، ۱۹۹۳). این بدان معناست که کارآفرینی به‌شدت پیشینه خانوادگی مرتبط است

1. Matthews, C. H., & Moser, S. B.

2. Carsrud, A. L., Olm, K., & Eddy, G.

3. Cooper, A. C., & Dunkelberg, W. C.

4. Krueger

(آلدريش و کلیف^۱، ۲۰۰۳).

پژوهش‌ها نشان داده است که فرزندان خانواده‌هایی با زمینه‌های کارآفرینی بیشتر، احتمال دارد که کسب‌وکار خود را راه‌اندازی کنند یا به کسب‌وکار خانوادگی بپیوندند. همچنین سرمایه مالی و اجتماعی خانواده می‌تواند توضیح دهد که چرا برخی از کارآفرینان موفق‌تر هستند (امیلیا هرمن، ۲۰۲۰).

محققانی مانند براش^۲ (۱۹۸۷) استدلال کردند که پیشینه خانوادگی برای کارآفرینان مهم است. والدین تحصیل کرده، اغلب فرزند خود را تشویق می‌کنند که مستقل و متکی به خود باشد که به موجب آن به فرزندان خود مزیتی زود هنگام می‌دهند. درحالی‌که والدین ثروتمند همیشه وارد عمل می‌شوند و با سرمایه اولیه کمک می‌کنند. علاوه بر این، فردی که در یک محیط خانوادگی با فعالیت تجاری خانوادگی متولد شود، موفقیت خاص فرد را بهبود می‌بخشد، این را می‌توان توسط یافته‌های مک‌کلین و همکارانش ثابت کرد که اشاره می‌کنند به جوانی که در محیطی زندگی می‌کند که اعتماد به نفس را در موفقیت کارآفرینی القا می‌کند و در مقایسه با جوانانی که چنین نیستند، احتمال بیشتری دارد که قدم به جلو بگذارند (McClelland, 2000).

م ۵، سابقه کارآفرینی خانوادگی قوی‌تری دارد؛ زیرا پدرش کسب‌وکار خودش را دارد. او می‌گوید که: «پدرم تصمیم گرفت که کارآفرین شود. من نیز از کسب‌وکار خانوادگی خود حمایت‌های مالی و معنوی زیادی کسب کردم. اداره این تجارت برای من آسان‌تر بود؛ بنابراین در شبکه‌های اجتماعی با مشکلی مواجه نشدم».

م ۸، «من معتقد هستم که خانواده بهترین نقش را برای شبکه‌های اجتماعی و همچنین حمایت کامل معنوی و مالی برای من داشته است. از آنجاکه پدر و برادرم نیز به شغل اسباب‌بازی فروشی مشغول هستند، در تجارت با مشکلی مواجه نشدند. در شبکه‌های اجتماعی به من کمک کردند و برای من ارتباط برقرار کردند؛ زیرا قبلاً پیوندهای زیادی با کارآفرینان دیگر داشتند».

م ۴، «خانواده منبع شبکه‌های اجتماعی در رفتار کارآفرینانه است. پدر من تاجر است و از طریق پدرم توانستم اطلاعات زیادی کسب کنم. خانواده من در کسب‌وکارم ازم حمایت کردند و پدرم در فرازونشیب‌های تجارت من را راهنمایی کرد».

م ۲، «پدرم در زمینه تجارت شرکت داشت و من برای راه‌اندازی شرکتیم از پدرم

1. Aldrich, H. E., & Cliff, J. E.

2. Brush

تأثیر زیادی گرفتم و خانواده‌ام پشتوانه مالی و معنوی به من دادند تا بتوانم کسب‌وکارم را با موفقیت راه‌اندازی کنم».

۵-۲. آیا گروه همسالان منبع اصلی شبکه‌های اجتماعی در میان کارآفرینان است؟

افراد برای جنبه‌های مطلوب کارآفرینی، از جمله استقلال در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی، جذب کارآفرین شدن می‌شوند (Brockhaus, 1975; Sexton & Bowman, 1985). تصمیم آگاهانه برای تبدیل شدن به یک کارآفرین موفق، بدون تأثیر دیگران انجام نمی‌شود (Davidsson, 2015). تأثیر قابل‌توجهی در محیط اجتماعی افراد توسط همسالان اعمال می‌شود، افرادی که شباهت درک شده با فرد قانونی در «جنبه‌هایی که آنها مرتبط می‌دانند»، اعم از پیش‌زمینه، رتبه یا ویژگی‌ها هستند (Fox & et al., 1989, p. 781). پویایی‌های اجتماعی درون‌زا که منجر به کسب نگرش‌ها و الگوهای رفتاری در میان افراد مشابه و مرتبط در گروه‌ها می‌شود، به‌عنوان تأثیرهای همسالان نامیده می‌شوند (Manski, 1993, p. 531). افزوده‌های اخیر به ادبیات علمی و کسب‌وکار تأثیر قابل‌توجهی از نفوذ هم‌تایان بر رفتارهای عمدی افراد و نتایج در فرایندهای مختلف مرتبط با مدیریت و موفقیت کارآفرینی را برجسته می‌کند (McDonald & Eisenhardt, 2020).

م ۱، از دوستانش کمک‌های معنوی و مالی زیادی دریافت کرد. او در این‌باره می‌گوید: «دوستانم منبعی برای حمایت اخلاقی و روانی برای من در تجارت می‌شوند. آنها در شبکه ارتباطات اجتماعی به من کمک کردند». او دارای دوستان قوی و واجد شرایط و همچنین وابستگی خوبی به شرکت‌های چندملیتی بود. دوستانش به او ایده‌های جدید و همچنین نظرهایی درمورد مسائل تجاری دادند. آنان همچنین ایده‌های نوآورانه را با او در میان گذاشتند.

گروه هم‌تایان در مورد م ۶، به دلیل تحصیل کرده بودن و همراهی قوی دوستان، کمک‌هایی را انجام داده است. او می‌گوید: «همیشه دوستانم در راه‌اندازی کسب‌وکار از من حمایت مالی و معنوی می‌کردند. آنها به من پیشنهادهایی دادند که چگونه باید تجارت خود را شروع کنم». او ابتدا در حوزه صنعت فرش که زیرمجموعه مشاغل صنایع فرهنگی است، کارش را آغاز نمود و سپس در زمینه صادرات و تأسیس شعبه‌های آن به سایر کشورها به تجارت خود ادامه داد.

گروه هم‌تایان منبع بزرگی برای توسعه نیت کارآفرینی در مورد مصاحبه‌شونده ۴

است او می‌گوید: «تحصیلات دانشگاهی و دوستان خوبی دارم، بسیاری از آنها در خارج از کشورند؛ مثلاً چند نفر از آنها برای تجارت به فرانسه رفتند. من تأثیر زیادی از آنها در زمینه تجارت گرفته و تصمیم گرفتم در زمینه طراحی لباس و مدلینگ با برند خاصی شروع به راه‌اندازی کسب‌وکارم کنم». دوست او درحالی‌که در فرانسه نشسته بود به ایجاد یک شبکه ارتباطی اجتماعی قوی در زمینه طراحی و مدلینگ کمک کرد.

۵-۳. آیا مؤسسه‌های آموزشی قصد کارآفرینی را در بین کارآفرینان ایجاد می‌کنند؟

مؤسسه‌های آموزشی کارآفرینی با این فرض اجرا می‌شوند که توسعه مهارت‌های کارآفرینی می‌تواند به غلبه بر موانع غالباً ناشی از فقدان پیش‌زمینه آموزشی مورد نیاز برای دسترسی به مشاغل سنتی کمک کند. در زمینه تلاش‌های آموزشی، این فرض وجود دارد که مهارت‌های کارآفرینی مهمی که بخشی از استعدادهای ذاتی فرد نیستند را می‌توان توسعه داد. ویژگی‌های برنامه‌های کارآفرینی بسته به نیازها و انتظارات آموزشی، زمینه کاربرد و جمعیت مورد استفاده متفاوت است (O'Conner & et al., 2010).

برای م ۶، مؤسسه آموزشی او نقش حیاتی در توسعه قصد او برای شروع کار تجاری خود داشت. نظرش این است که: «ایده‌های نوآورانه مختلفی را در دوران دانشجویی انتخاب کردم و زمانی که کسب‌وکار خود را راه‌اندازی کردم، آنها را امتحان کردم».

برای م ۳، با تحصیلات دانشگاهی، مؤسسه آموزشی منبع الهام است. «در دوران تحصیل تصمیم گرفتم کارآفرین شوم، دیپلم کارآفرینی را برای کسب مهارت‌های کارآفرینی دریافت کردم». او بهترین راهبردهای کارآفرینی، تعامل با مشتری، نحوه جلب رضایت مشتری و چگونگی جلب اعتماد مشتری را آموخته است.

مؤسسه آموزشی تأثیر زیادی در زندگی م ۲ گذاشت. «تصمیم گرفتم در دوران تحصیل، کسب‌وکار خود را کنم. اگرچه آموزش‌های لازم را در زمینه کارآفرینی ندیده بودم؛ اما با استفاده از تحصیلات خود تمام تلاش خود را در کسب‌وکار خود انجام دادم و اعتماد مشتریان خود را جلب کردم».

در مورد م ۱، مؤسسه آموزشی نقش خوبی در جستجوی نیت کارآفرینی ایشان داشت. «من فارغ‌التحصیل هستم؛ اما بیشتر از تحصیلات خودم یاد گرفتم و به این

ترتیب تصمیم گرفتیم کسبوکار خودم را راهاندازی کنم. وام از بانک گرفتم و کارم را شروع کردم». او از تمام آن ایده‌ها بهترین استفاده را کرد، او تمام زندگی تحصیلی خود را تصور کرد.

مؤسسه آموزشی در مورد م ۷، تأثیر زیادی گذاشت. «من یک مهندس هستم و از این مؤسسه الهام گرفته‌ام. کمترین علاقه به کار را داشتم و می‌خواستم با استفاده از صلاحیت و مهارت‌های خودم، کسبوکار خودم را راهاندازی کنم». درنهایت او از طریق آن نیت به موفقیت فوق‌العاده‌ای دست یافت.

۵-۱-۴. چگونه شبکه ارتباطات اجتماعی منبعی برای رفتار کارآفرینانه است؟

رفتار کارآفرینانه یک سازه کلیدی در درک چگونگی ایجاد سازمان جدید توسط کارآفرینان است. رفتار کارآفرینانه به عنوان یک سازه قابل مشاهده و متفاوت از سایر مفاهیم مرتبط در نظر گرفته شده است. علاقه‌مندان به پژوهش در خصوص رفتار کارآفرینانه در چهارچوب شبکه اجتماعی، به بهره‌برداری از فرصت ایجاد، توسعه و رشد اولیه یک کسبوکار جدید متمرکز شده‌اند. تمرکز بر این سازه، از لحاظ نظری بر اقدامات قابل مشاهده افراد در راهاندازی یا مراحل اولیه ایجاد کسبوکار است. این رفتارها پیامدهای بلافاصله از ویژگی‌ها، دانش، مهارت‌ها، توانایی‌ها، شناخت، انگیزه‌ها و احساسات است. یکی از اهداف اساسی برای رفتار کارآفرینانه، پیش‌بینی و کنترل رفتار در سطح فردی و تیمی است (رجبی‌پور میبیدی و دیگران، ۲۰۱۸). طبق نظر شاپیرو و بررسی تأثیر محیط معلوم شد که رفتار کارآفرینانه برنامه‌ریزی شده و ارادی است؛ لذا رفتارهای کارآفرینی شامل تعاملات کارآفرین و زمینه‌هایی است که آنها را احاطه کرده است (Awotoye & Singh, 2018).

شبکه ارتباطات اجتماعی نقش مهمی برای م ۳ در توسعه رفتار کارآفرینانه داشت. تماس‌های او به شدت بر به‌اشتراک‌گذاری و تصور ایده‌های جدید تأثیر می‌گذارد. «همسالانم در شبکه ارتباطات اجتماعی نقش خوبی برای من ایفا کردند. کمک‌های معنوی و مالی خانواده‌ام به شبکه‌سازی من کمک کرد». او که با کارآفرینان دیگر در ارتباط بود، تصمیم گرفت کارآفرین شود.

به دلیل وابستگی خوب با دوستان م ۶، با سایر کارآفرینان ارتباط قوی دارد و پیوندهای زیادی با افراد دیگر پیدا کرد که به او در تجارت کمک کردند. «این پیوندها من را تشویق کرد تا تصمیمی برای ارتقای تجارت خود بگیرم».

شبکه ارتباطات اجتماعی خوب منجر به کسب‌وکار موفق می‌شود. همین امر در مورد م ۸، نیز مشاهده شد؛ زیرا او ارتباطات زیادی با کارآفرینان دیگر ایجاد کرد. «پدر و برادرم سهم بزرگی در ساخت شبکه‌های من برای کسب کار داشتند. بستگانم نیز برای من پیوندهایی ایجاد کردند تا بتوانم بهترین تلاش خود را برای کسب‌وکارم ارائه دهم».

دوستان و خانواده منبع شبکه ارتباطات اجتماعی در تجارت بودند. م ۱، به دلیل عدم آگاهی وی از تارنم‌های شبکه استفاده نکرد. او شبکه خود را با کمک دوستان و خانواده خود تقویت کرد.

م ۴، «شبکه ارتباطات اجتماعی منبع الهام برای شروع یک کسب‌وکار هستند. از آنجایی که تماس‌های زیادی برای من وجود داشت، به این فکر افتادم که یک کارآفرین شوم. دوستانم منبع تماس من در تجارت‌م شده‌اند؛ بنابراین ارتباطات اجتماعی من را به سمت تجارت سوق داد».

۵-۱-۵. آیا شبکه ارتباطات اجتماعی در دسترسی به منابع مفید کمک می‌کند؟

شبکه ارتباطات اجتماعی به‌شدت برای دسترسی به منابع مفید در مورد م ۶، کار بزرگی انجام داد. «شبکه ارتباطات اجتماعی دسترسی من را به منابع برای راه‌اندازی کسب‌وکارم آسان‌تر کرد. پیوندهای ارزشمند به‌طور کامل از من برای استفاده از منابع موجود در آن زمان حمایت می‌کردند. همسالان من نیز به‌ویژه در این فعالیت کمک کردند».

شبکه ارتباطات اجتماعی کمک زیادی به پرونده م ۲، کرد؛ زیرا او بازدیدهای زیادی از شرکت در مصر، آلمان، سنگاپور و چین داشت. با توجه به این بازدیدها، او شبکه خود را با دیگر کارآفرینان و حمایت پدر تاجرش تقویت کرد. وابستگی خوب به شرکت‌های چندملیتی نیز از او در کسب‌وکارش حمایت کرد؛ زیرا به‌واسطه شبکه‌ها می‌توان به منابع مفید دسترسی داشت.

به دلیل شبکه ارتباطات اجتماعی، م ۷، به منابع راه‌اندازی کسب‌وکار خود دسترسی دارد. به گفته او: «به آن منابعی دست یافتم که دور از دسترس من بودن. با استفاده از این منابع، در تجارت خود سرمایه‌گذاری کردم».

در مورد م ۱، شبکه ارتباطات اجتماعی نقش بیشتری را در تجارت ایفا کردند. «دوستانم تماس‌ها را برای من آسان‌تر کردند و از دسترسی به منابع پشتیبانی کردند. من از طریق این منابع اطلاعات و مسیرهای جدیدی را برای ارتقای تجارت

به دست آوردم».

شبکه ارتباطات اجتماعی دسترسی به منابع را در مورد م ۴، آسان تر کرد. «به دلیل دوستان و خانواده‌ام، دانستن چیزهایی که اخیراً در بازار عرضه شده است برای من آسان است». در دسترس بودن اطلاعات برای او و برای راه‌اندازی یک تجارت ضروری بود.

۵-۱-۶. آیا قرار گرفتن در معرض رسانه‌ها منبعی برای رفتار کارآفرینانه در بین کارآفرینان است؟

قرار گرفتن در معرض رسانه‌ها منبعی برای رفتار کارآفرینانه در مورد م ۸، است؛ زیرا او از بهترین تارنماهای شبکه برای تجارت خود استفاده می‌کرد. «من از طریق رسانه‌ها در مورد کارآفرینی و نوآوری‌های جدید در مورد دنیای تجارت اطلاعات کسب کردم».

برای م ۵، رسانه بهترین منبع الهام برای شروع کسب‌وکار او بود. او از بهترین تارنماهای شبکه و برنامه‌های کارآفرینی استفاده می‌کرد و به همین دلیل نوآوری‌های زیادی از رسانه‌ها در مورد تجارت خود آموخت.

در مورد م ۶، رسانه‌ها برای توسعه رفتار کارآفرینانه خوب عمل کردند. او از طریق رسانه‌ها با خدمات بیشتر صنعت فرش آشنا شد؛ بنابراین از طریق بهترین تارنماهای شبکه‌ای مانند توئیتر، فیس‌بوک و بسیاری دیگر، او به تعامل با کارآفرینان دیگر به‌ویژه در زمینه صنعت فرش ادامه داد.

۵-۲. زمینه‌های فردی

بیشتر پژوهش‌های کارآفرینی بر این فرض استوار است که کارآفرینی رویدادی فردی است. طبق مطالعات اولیه به پیشینه و تجربه‌های افرادی که در این پژوهش ارزیابی شدند، توجه به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی (سن، جنسیت، تحصیلات، شغل و...)، ویژگی‌های شخصیتی (نیاز به خودمختاری، عزت نفس، فعال بودن، اشتیاق، تحمل ابهام، سرسختی و...)، حتی انگیزه‌های فردی آنان در راه‌اندازی یک کسب‌وکار است. علاوه بر موارد ذکر شده متوجه شدیم که آنچه در بسیاری از تحقیق‌ها و آنچه در سطح فردی مغفول مانده، بهره‌برداری از فرصت‌ها و یادگیری کارآفرینی در بخش فردی است. به این منظور که باید سبک‌های شناختی و تصمیم‌گیری را مطالعه نمود. شایستگی‌های روندهای اخیر در تأکید بر فرایندهای زیربنایی کارآفرینی و ایجاد

سرمایه‌گذاری نهفته است، علاوه بر تحقیق در مورد شخصیت و ویژگی جمعیت‌شناختی و... ویژگی شناختی کارآفرینان که بر کشف و بهره‌برداری از یک ایده تجاری، توسعه سرمایه‌گذاری و بقا استوار است، توجه شود. با کمال تعجب، زمینه چنین فرایندهای شناختی مانند یک جعبه سیاه باقی می‌ماند، اگرچه گیت‌وود و همکاران در این زمینه نشان داده‌اند که ادراک از خود و جاه‌طلبی‌ها بر تمایل کارآفرینان برای انتخاب از بین احتمالات مختلف به‌منظور پیگیری یک ایده یا رشد یک کسب‌وکار می‌تواند مؤثر باشد (Gartner, 1988). این نشان می‌دهد که شناخت فرصت همراه با یادگیری کارآفرینانه احتمالاً با زمینه فردی مرتبط است.

۵-۲-۱. سن به‌عنوان معیار جمعیت‌شناختی چگونه به موفقیت کارآفرینان کمک می‌کند؟

در منابع مختلفی اثبات شده است که سن کارآفرین می‌تواند بر موفقیت کسب‌وکار تأثیر بگذارد. طبق آن در اوایل دهه ۱۹۸۴، همبریک و منسون دلیل آوردند که سن به‌طور کلی با رفتار محافظه‌کارانه مرتبط است؛ بنابراین به سه دلیل در زمینه تجاری می‌تواند ناموفق عمل نماید: اولاً، یک کارآفرین مسن‌تر تمایل کمتری به اتخاذ رفتارهای نوآورانه یا پذیرش ایده‌های جدید دارد؛ ثانیاً، کارآفرین مسن بیشتر به وضعیت موجود سازمانی خاص وابسته است؛ درنهایت، اهداف مربوط به دستمزد و امنیت حرفه‌ای، رفتار محتاطانه ایجاد می‌کند؛ بنابراین از مطالعات گذشته پیشنهاد شده است که کارآفرینان جوان‌تر تمایل بیشتری برای تبدیل شدن به فرد ریسک‌پذیر و مبتکر برای رشد کسب‌وکار خود خواهند داشت (Hambrick & Mason, 1984)؛ اما این نکته را نیز در نظر داشته باشیم که درست است که ارائه ایده‌های نوین که پُریسک و همراه با خطرهای زیادی است و اکثریت افراد جوان هستند که انجام چنین کارهایی را بر عهده می‌گیرند؛ اما این موضوع نیز در هر کشور متفاوت می‌باشد و امکان دارد مثلاً در کشوری توسعه‌یافته که برای افراد مسن برنامه‌های انگیزشی و ارزش بیشتری قائل هستند، درنتیجه یک فرد مسن فکری مانند فرد جوان فعال را داشته باشد. پس قطع یقین این مؤلفه جای تأمل و قائل شدن استثنا می‌باشد.

۳م، «زمانی که کسب‌وکارم را شروع کردم خیلی کم سن‌وسال بودم، تجارت این محصول برام فرازونشیب زیاد داشت؛ اما درنهایت موفقیت‌های زیادی هم به‌دست آوردم».

۷م، «تجارت‌های مختلف رو تجربه کردم، فکر می‌کنم تو این سن و سال پختگی بیشتر دارم تا بیست سال پیش که تازه استارت زده بودم، الان از تجارب گذشته استفاده می‌کنم».

۶م، او در سن ۲۴ سالگی کسب‌وکار خود را راه‌اندازی کرد و با توجه به اینکه تجربه از قبل نداشته در اولین کار خود با مشکلات فراوانی مواجه شده است، او چنین می‌گوید: «نتونستم محصولاتی که آوردم بفروشم، سرمایه اولیه که براش هزینه کردم نه تنها سودی نشد بلکه ضرر دیدم، الان که تونستم بعد از سال‌ها شرکت خودم با برند خودم تأسیس کنم، با اطلاعات بیشتر و روابط بهتر و شبکه‌های کامل‌تری به موفقیت رسیدم».

۵-۲-۲. آیا جنسیت کارآفرینان در موفقیت آنها یکسان عمل می‌کند؟

از قرن‌ها پیش مطالعات زیادی در مورد تفاوت‌های جنسیتی که می‌تواند در موفقیت و عدم موفقیت کسب‌وکار نقش مؤثری داشته باشد انجام شده است؛ اما نتایج متفاوتی وجود دارد.

همان‌طور که استوری توضیح داد، در اکثر تحقیقات انجام شده در کشورهای توسعه‌یافته هیچ یافته‌ای وجود ندارد که ثابت کند جنسیت می‌تواند در زمینه تجاری موفق عمل نماید. با این وجود، در کشورهای در حال توسعه، چالش‌های متعدد مرتبط با جنسیت برای عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط (شرکت‌های دانش‌بنیان) وجود دارد که اغلب در این مطالعات شناسایی می‌شوند (Storey, 1994). به گفته دانیلز و داوینینگ، زنان معمولاً با حقوق و تعهدات نامتقارن مواجه هستند که تحرک نیروی کار را محدود می‌کند و مسئولیت‌های نامتناسب خانگی را بر آنها تحمیل می‌کند. در عین حال، مطالعه راجدی به این نتیجه رسید که زنان کارآفرین اغلب از تخصص فنی و مدیریت دانش ناکافی رنج می‌برند که منجر به بهره‌وری اندک و رقابت‌پذیری آنها در بازار می‌شود؛ علاوه بر این محدودیت‌های فرهنگی نیز مانع دیگری است که مانع موفقیت زنان در اداره امور می‌شود (Rachdi, 2006).

۲م، یکی از بانوان بسیار توانمند که دارای تحصیلات عالی بوده و حتی تجارب زیادی در سفر به کشورهای اروپایی را دارد. او می‌گوید: «در این زمینه شاگردان زیادی را تربیت کردم که بسیاری از آنها بعد از یادگیری مهارت‌های کافی به عنوان مدیران برجسته در حال فعالیت هستند و هر کدام توانستند برند معتبری ثبت نمایند». این خانم یکی از مدیران موفق و برجسته در حوزه دیجیتال که یکی از

شاخه‌های صنایع خلاق است، می‌باشند. ایشان علاوه بر اینکه مدیرعامل و مشاور عالی به سطح مقام‌های بالای کشورند، در دانشگاه نیز به‌عنوان استاد برجسته فعالیت دارند و این نشان‌دهنده آن است که بسیاری از بانوان عقیف و پاکدامن کشورمان اگر بستر را به نحو احسن برایشان مهیا نماییم، قدرت و نفوذ بیشتری دارند.

۵-۲-۳. ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان که در موفقیت آنها مفید بوده‌اند کدام هستند؟

ثابت شده است که ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان در زمینه موفقیت کارآفرینان تأثیر زیادی دارد (Begley & et al., 1987).

الف) نیاز به موفقیت

در اوایل دهه ۱۹۶۱، مک‌کلند انگیزه پیشرفت را وارد ادبیات کارآفرینی کرد. او فرض می‌کند که نیاز زیاد به موفقیت را می‌توان با میل برای دستیابی به احساس موفقیت مشخص کرد. در اواخر دهه ۱۹۸۷، مک‌کلند ثابت کرد که نیاز به موفقیت به‌عنوان یکی از ویژگی‌های شخصیتی اصلی کارآفرین موفق است. این مورد بعداً توسط برخام^۱ (۱۹۹۴)، جعفر و همکاران^۲ (۲۰۰۴) تأیید شد.

نیاز به موفقیت می‌تواند منجر به جاه‌طلبی و خودرانی بالا شود که برای تحقق اهداف بزرگ‌تر یک کارآفرین در برابر مشکلات بسیار ضروری است (Stewart & et al., 2003; Wickham, 2001).

م، انگیزه زیادی برای کسب‌وکاری که راه‌اندازی کرده دارد، آن هم به خاطر این است که او فردی است تحصیل کرده و با مطالعه در حوزه کسب‌وکارش این نیاز را حس کرده است.

ب) مکان کنترل

در اواخر دهه ۱۹۶۶، راتر نظریه‌های کنترلی را تعریف کرد که بر ادراک افراد نسبت به نتیجه یک رویداد به‌عنوان درون یا خارج از کنترل و درک او تأکید می‌کرد (Morris & Zahra, 2000)، افراد دارای منبع کنترل درونی کسانی هستند که نتیجه و رویداد را هر دو در کنترل آنها درک می‌کنند، به‌شدت به خود معتقدند که کنترل دارند. افراد دارای منبع کنترل بیرونی همیشه بر این باورند که رویدادها خارج از کنترل آنها است و فرض کنید تحت کنترل افراد اطراف هستند (Rauch, A. & et al., 2003).

1. Barkham

2. Jaafar & et al.

(Frese, 2000).

م ۴، درست است که فردی بسیار مقتدر و توانمند است؛ اما وی اظهار می‌دارد که: «به‌خاطر وابستگی زیاد به پدرم خیلی وقت‌ها احساس کردم که کنترل کار از دستم خارج شده و فقط مسیری که بابا در مقابلم قرار دادند را می‌دیدم بدون کوچک‌ترین انتقاد و حتی ایرادی که واقعاً به‌جا و جایز بود و این حسن عدم استقلال شاید تو مسائل دیگر تصمیم‌گیری نیز اذیتم کرده».

پ) تمایل به ریسک

تمایل به ریسک به‌عنوان توانایی فرد برای انجام یا اجتناب از ریسک در هر شرایطی درک شده است (Petrakis, 2005). طبق گفته کومار و سیهاد، ویژگی‌های ریسک‌پذیر به کارآفرین کمک می‌کند تا در مواجهه با ریسک مؤثرتر شود (Kumar & Sihag, 2012)، ویژگی‌های ریسک‌پذیر به کارآفرین کمک می‌کند تا در مواجهه با ریسک مؤثرتر شود. قابل توجه است، مطالعات مختلف در مورد کارآفرین نشان می‌دهد که اهمیت نگرش ریسک‌پذیری موردنیاز است؛ اما سطح ریسک‌پذیری در بین کارآفرینان متفاوت است، به‌ویژه زمانی که در صنایع تفاوت وجود داشته باشد. م ۵، فردی است که با توجه به اینکه خانوادگی در آنها کارآفرینی امری رایج است و او تابه‌حال با مشکل مواجه نشده است، خیلی راحت در بسیاری از مسائل ریسک‌پذیر ورود کرده و اتفاقاً موفق هم شده.

ت) نیاز به خودمختاری/استقلال

کارآفرینان موفق پیشگامانی هستند که خلاقیت خود را ابراز می‌کنند و ایده‌های خود را بدون تأیید دیگران کشف می‌کنند، در نتیجه همیشه از پذیرش وضعیت موجود خودداری می‌کنند (Sirec & Mocnik, 2000). در اواخر دهه ۱۹۷۷ کتس ثابت کرد که استقلال یا رفتار مستقل یکی از موفقیت کارآفرینی است. این به این دلیل است که نیاز به استقلال برای فرایند شروع سرمایه‌گذاری که با یک تصمیم‌گیری قاطع مرتبط است، حیاتی است (Lumpkin, 1996). نیاز به خودمختاری یک ویژگی است که عاری از نفوذ قدرت و کنترل دیگران است، بدون توجه به ساختارهای مقتدر، وابستگی شخصی، یا محدودیت‌های رویه‌ای.

م ۲، پدرش در تجارت شرکت داشت و تو این زمینه خیلی بهش کمک کرد، او می‌گوید: «خیلی خوشحالم که پدرم در این زمینه از همه لحاظ حمایت کرده؛ اما این قضیه یه جور تنبلی و عادت بد شده برام، بابا هم واقعاً پیگیره و نمی‌تونم بگم که شاید بهتر باشه کم‌کم رها بشم اما می‌ترسم ناراحت بشه».

ث) عزت نفس

عزت نفس اغلب تمایل افراد را نسبت به اینکه در مواجهه با هرگونه عدم اطمینان، تا چه حد خود را در معرض هرگونه ضرر یا آسیب شخصی یا مالی بالقوه قرار می‌دهند، نشان می‌دهد (سیرس و موکنیک، ۲۰۰۰).

ح) تحمل ابهام

تحمل ابهام یکی از ویژگی‌های اصلی کارآفرینی است و فرض بر این است که یک کارآفرین در هر شرایطی نسبت به غیرکارآفرینان تحمل بیشتری نسبت به ابهام دارد (Sarachek, 1978; Schere, 1982).

ج) اشتیاق

اشتیاق همیشه به‌عنوان یکی از پدیده‌های مشاهده شده در مطالعات کارآفرینی شناخته می‌شود؛ زیرا اکثر محققان معتقدند که اشتیاق یکی از ویژگی اصلی است که در ذات یک کارآفرین موفق و همچنین یک رهبر عالی برای مردم است (Sirec, 2000).
م ۴، در این باره می‌گوید: «همیشه دوست داشتم مدلینگ شم؛ اما ابتدا از طراحی شروع کردم. با حمایت پدرم دوره‌هایی رو در اروپا گذروندم و شوق یادگیری و نوآوری همیشه همراه داشتم».

چ) فعال بودن

شخصیت فعال را می‌توان به‌عنوان یک گرایش رفتاری برای شناسایی فرصت برای انجام اقدام‌هایی که بر تغییرهای محیطی تأثیر می‌گذارد، توصیف کرد. کارآفرین با رفتار فعالانه همیشه به‌طور فعال فرصت‌ها را جستجو کند، ابتکار عمل قوی نشان می‌دهد و تا زمانی که با ایجاد تغییرها به هدف خود برسند، حفظ می‌کند (Crant, 2000).

خ) سرسختی

سرسختی، که به‌عنوان پشتکار نیز شناخته می‌شود، شخصیتی است که قادر است با هرگونه مانع غیرمنتظره، اقدام هدفمند و سخت را حفظ کند (Bass & Stogdill, 1990; House & Shamir; Locke, 2000). اهمیت گنجاندن سرسختی به‌عنوان یکی از موفقیت‌ها، شناسایی تمایل کارآفرینان برای مقابله با موانع بزرگ هنگام ورود به بازار است.

م ۱، «برای اینکه بتوانم کسب‌وکار خودمو داشته باشم، خیلی تو سختی افتادم. از وام گرفتن تا کمک گرفتن از دوستان و ارتباط با شبکه‌های بزرگ‌تر، خیلی مواقع ناامید شدم اما هرگز تسلیم نشدم».

نتیجه‌گیری

کشور ایران در چند دهه اخیر با مشکلات، مصائب و دشمنی‌های زیادی از سوی معاندان و مخالفان خود روبرو بوده است و در هریک از چالش‌های پیش‌رو، تدابیری برای مدیریت و رفع تهدیدها اندیشیده شده است که زمینه‌های استحکام ساخت درونی قدرت ملی ایران را فراهم آورده است. یکی از چالش‌های مهمی که در دو دهه اخیر برای جامعه ایرانی مطرح بوده است، مسئله اقتصاد است که در دو سطح داخلی و خارجی قابل رویت است. در بُعد داخلی، مصرف‌گرایی و رواج سبک زندگی غربی از تهدیدهای مهم اقتصادی است و در بُعد خارجی، تحریم‌ها و فشار اقتصادی یک یا چندجانبه غرب، زمینه‌های ناامنی را برای جمهوری اسلامی ایران به‌وجود آورده است. بر همین اساس، راهبرد اقتصاد مقاومتی برای جمهوری اسلامی ایران اتخاذ گردید و در این راستا شاهد تأسیس شرکت‌های دانش‌بنیان حوزه فرهنگی می‌باشیم که توسط معاونت علمی ریاست جمهوری مورد تشویق قرار گرفته‌اند. در این پژوهش به دنبال شاخص‌های اجتماعی موفقیت کارآفرینان در شرکت‌های دانش‌بنیان حوزه صنایع فرهنگی و خلاق بودیم و آنچه به‌دست آوریم در زمینه اجتماعی، بخش شبکه ارتباطات اجتماعی بود که از طریق مصاحبه با کارآفرینان متوجه شدیم که در این شبکه، عواملی مانند خانواده و پیشینه خانوادگی و در کنار آن، گروه دوستان و هم‌تایان از طریق کمک‌های مالی و معنوی توانستند موفقیت‌های زیادی به‌دست آورند. برای بسیاری از آنها مؤسسه‌های آموزشی به یادگیری و تکمیل اطلاعات آنها کمک شایانی نمود. دسترسی به منابعی چون: پست الکترونیک و ارتباط با شرکت‌های مختلف، اینترنت و استفاده از تارنماهای مرتبط با صنعت آنها همچنین کسب اطلاعات درباره نوآوری از طریق رسانه بسیار مفید عمل کردند؛ اما تمامی مصاحبه‌شونده‌ها حائز تمام این شرایط نبودند و موقعیت آنها نیز یکسان نبود، متعاقباً این سیستم شبکه ارتباطات اجتماعی مشکلاتی نیز برای بسیاری از آنها به همراه داشته است که نیاز است این شبکه تقویت گردد. در زمینه فردی نیز شامل ویژگی‌های جمعیت‌شناختی (سن و جنسیت) و ویژگی‌های شخصیتی (نیاز به موفقیت، مکان کنترل، تمایل به ریسک، نیاز به خودمختاری، عزت نفس، تحمل ابهام، اشتیاق، فعال بودن و سرسختی) می‌باشد که هر کدام را توضیح دادیم.

با توجه به اینکه شرکت‌های دانش‌بنیان حوزه صنایع فرهنگی و خلاق بسیار نوپا هستند و بسیار تأثیرپذیر از شرایط جهانی، امکانات و تسهیلاتی را ارگان‌ها لازم است که در اختیار آنها قرار دهند تا با انگیزه بیشتر در کارشان به موفقیت دست یابند.

فهرست منابع

- احمدپور داریانی، محمود (۱۳۷۹). کارآفرینی: تعاریف، نظریات، الگوها. تهران: انتشارات شرکت پردیس ۵۷.
- اسفندیاری صفا، خسرو و دهقان، حبیب‌الله (۱۳۹۵). مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری. فصلنامه مدیریت نظامی، ۱۶(۶۱)، ۸۴-۶۰.
- انوری، شاپور (۱۳۹۹). شناسایی الگوی رفتاری کارآفرینان مستقل در ایران. فصلنامه علمی پژوهش‌های مدیریت راهبردی، ۲۶(۷۷)، ۱۲۷-۱۴۸.
- بهرامی حسن‌آبادی، مهدی و دیگران (۱۴۰۱). تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- پاداش، حمید (۱۳۹۵). مکانیسم‌های توسعه کارآفرینی نوپا در ایران در چارچوب گفتمان اقتصاد مقاومتی. پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ۱۶(ویژه نامه اقتصاد مقاومتی)، ۱-۲۷.
- تربتی، سروناز (۱۳۹۶). تحلیل نشانه‌شناختی موانع تحقق اقتصاد مقاومتی و ارائه راهکارها. فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، ۱۲(۳۲)، ۹-۳۴.
- ترکزاده جعفر و عبدشریفی، فاطمه (۱۳۹۷). بافت‌نگاری اقتصاد مقاومتی به‌مثابه یک نظام رفتاری. دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، سال یازدهم، (۱) ۱۱۳-۱۴۰.
- جعفرزاده، مجتبی (۱۳۹۹). شناسایی جایگاه صنایع فرهنگی و خلاق در گسترش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران. ششمین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران.
- حضرتی صومعه، زهرا و قاسمعلی، مژگان (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی عناصر فرهنگی مؤثر بر توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران و کره جنوبی با تأکید بر ادیان رایج در این دو کشور. فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، ۱۱(۲۹)، ۴۱-۸۰.
- رجبی‌پور میبدی، علیرضا و دیگران (۱۳۹۷). تأثیر رفتار کارآفرینانه بر رقابت‌پذیری کسب‌وکارهای کوچک گردشگری؛ مطالعه موردی: شیراز. مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه، ۳(۲)، ۵۹-۶۸.
- رحمان‌نیا، مریم و فکور ثقیه، امیرمحمد (۱۳۹۵). دلایل شکست کسب‌وکارهای کارآفرین و نوپا و ارائه راهکارها برای توسعه کارآفرینی. اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و کارآفرینی، تهران.

طالبی، کامبیز؛ عسگری، آرین؛ تاج‌الدین، مهران؛ کارآمد، بابک و آقایی، شیما (۱۳۸۸). *تئوری عمومی کارآفرینی*. تهران: انتشارات دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران.

فرشاد حقرو، الهه؛ صالحی امیری، سیدرضا؛ رضایی، علی‌اکبر و طبیبی، سید جمال‌الدین (۱۳۹۹). طراحی الگوی توسعه کارآفرینی در حوزه صنایع فرهنگی بومی ایران. *مجله مطالعات میان فرهنگی*، ۱۵ (۴۳)، ۳۵-۶۰.

ملک آرا، ملیکا (۱۴۰۰). عوامل مؤثر بر رشد و موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان. *نشریه علمی تخصصی شباک*، سال هفتم، (۲).

میری، عبدالرضا؛ داورزنی، محمد و سبزیکاران، اسماعیل (۱۳۹۲). بررسی نقش زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی مدیران SMEها بر کارآفرینی شرکتی. *فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)*، سال بیست‌وسوم، (۷۶)، ۵۷-۲۹.

Adorno, T. (1991). *The Culture Industry: Selected Essays on Mass Culture*. London: Routledge.

Adorno, T. & Horkheimer, M. (1979). *The Dialectic of Enlightenment*. Trans. John Cumming. London: Verso.

Ahmadpour Dariani, Mohammad (1379). *Entrepreneurship: definitions, theories, models*, publications of Pardis 57 Company, Tehran.

Aldrich, H. E. & Cliff, J. E. (2003). The pervasive effects of family on entrepreneurship: toward a family embeddedness perspective. *Journal of Business Venturing*, (18), 573-596.

Andersson, S.; Evers, N. & Griot, C. (2013). Local and international networks in small firm inter-nationalization: cases from the Rhône-Alpes medical technology regional cluster. *Entrepreneurship & Regional Development*, (25), 867-888.

Awotoye, Y. F. & Singh, R. P. (2018). Immigrant entrepreneurs in the USA: A conceptual discussion of the demands of immigration and entrepreneurial intentions. *New England Journal of Entrepreneurship*, 21(2), 123-139.

Barringer, B.R.; Jones, F.F. & Neubaum, D.O. (2005). A quantitative content analysis of the characteristics of rapid-growth firms and their founders. *Journal of Business Venturing*, 20(5), 663-687.

Barkham, R. (1994). Entrepreneurial characteristics and the size of the new firm: a model and an econometric test. *Small Business Economics*, 6(2), 117-125.

Bass, B. & Stogdill, R. (1990). *Bass & Stogdill's handbook of leadership: Theory, research, and managerial implications*. New York: Free Press.

Begley, T. & Boyd, D. (1987). Psychological characteristics associated

- with performance in entrepreneurial firms and small businesses. *Journal of Business Venturing*, (2), 79–93.
- Brandstaetter, H. (1997). Becoming an entrepreneur: A question of personality structure? *Journal of Economic Psychology*, (18), 157-177.
- Brockhaus, R. H. & Horwitz, P. S. (1986). *The art and science of entrepreneurship*. The Psychology of the Entrepreneur.
- Brockhaus, R.H. (1975). I-E locus of control scores as predictors of entrepreneurial intentions. *Academy of Management Proceedings*, 1975(1), 433-435.
- Brush, C. G. (1992). Research on women business owners: past trends, a new perspective and future directions. *Entrepreneurship: Theory and Practice*, 16(4), 5-30.
- Carsrud, A. L.; Olm, K. & Eddy, G. (1987). Entrepreneurs-mentors, networks, and successful new venture development: An exploratory study. *American Journal of Small Business*, (12), 13-18.
- Cooper, A. C. & Dunkelberg, W. C. (1987). Entrepreneurial research: Old questions, new answers and methodological issues. *American Journal of Small Business*, (11), 11-24.
- Crant, J. (2000). Proactive behavior in organizations. *Journal of Management*, (26), 435-462.
- Davidsson, P. (2015). Entrepreneurial opportunities and the entrepreneurship nexus: a re-conceptualization. *Journal of Business Venturing*, 30(5), 674-695.
- Esfandiari Safa, Khosrow, Dehghan, Habibullah (2015). The components of the resistance economy from the perspective of the Supreme Leader. *Military Management Quarterly*, (61)16. 84-60.
- Feng, Y. (2020). Evaluation and analysis of competitiveness of chinese cultural industry based on fuzzy clustering algorithm. *Solid State Technol*, (63), 8333–8341.
- Fox, S.; Ben-Nahum, Z. & Yinon, Y. (1989). Perceived similarity and accuracy of peer ratings. *Journal of Applied Psychology*, 74(5), 781-786.
- Gartner, W. (1988). Who is entrepreneur? Is the wrong question. *American Journal of Small Business*, 12(4), 11-32.
- Hambrick, D. & Mason, P.A. (1984). Upper echelons: the organization as a reflection of its top managers. *Academy of Management Review*, 9(2), 193-206.
- Hewison, R. (1997). *Culture and Consensus*. London: Methuen.
- House, J. & Shamir, B. (1993). Toward the integration of transformational, charismatic, and visionary theories of leadership. Academic Press, 81-107.
- Jaafar, M.; Ramayah, T. & Mohammed, O. (2004). *Owner/manager characteristics and business performance: A study among Malaysian contractors*. 18th Annual Conference of Australian and New Zealand Academy of Management.
- Jernej Tiran (2022). *Industrial Culture as an agent of Social*

- innovation: reflections from Velenje-Slovenia.*
- Krueger, N. F. (1993). *Growing up 'entrepreneurial?'* Developmental consequences of early exposure to entrepreneurship. *Academy of Management Best Paper Proceedings.*
- Kumar, A. & Sihag, S. (2012). Traits of Entrepreneurs of Small-Scale Sector. *IUP Journal of Entrepreneurship Development*, 9(2), 61-71.
- Kusaka, Kimindo (1978). *The New Culture Industry Tokyo: Tokyo Keizai Shinposha.*
- Locke, E. (2000). *The Prime Movers.* New York: Amacom.
- Lumpkin, G.T. & Dess, G. (1996). Clarifying the entrepreneurial orientation construct and linking it to performance. *Academy of Management Review*, 21(1), 135-172.
- Manski, C.F. (1993). Identification of social endogenous effects: the reflection problem. *The Review of Economic Studies*, 60(3), 531-542.
- Matthews, C. H. & Moser, S. B. (1996). longitudinal investigation of the impact of family background and gender on interest in small firm ownership. *Journal of Small Business Management*, (34), 24-43.
- McClelland, D. (1987). Characteristics of successful entrepreneurs. *Journal of Creative Behaviour*, 21(3), 219-233.
- McDonald, R.M. & Eisenhardt, K.M. (2020). Parallel play: startups, nascent markets, and effective business-model design. *Administrative Science Quarterly*, 65(2), 483-523.
- McClelland, D. (1987). Characteristics of successful entrepreneurs. *Journal of Creative Behavior*, 21(3), 219-233.
- Mohanty S.K. (2006). *Fundamental of entrepreneurship-Prentice-Hall of India.*
- Morris, M. & Zahra, S. (2000). Adaptation of the business concept over time: The case of historically disadvantaged South Africa owner / managers. *Journal of Small Business Management*, 38(1), 92-100.
- O'Conner, N.; Hammack, F. M. & Scott, M. A. (2010). Social capital, financial knowledge, and Hispanic college choices. *Research of Higher Education*, 51(3), 195-219.
- Petrakis, P. (2005). Risk perception, risk propensity, and entrepreneurial behavior: the Greek Case. *Journal of American Academy of Business*, 7(1), 233-242.
- Rachdi, F. (2006). *L'entrepreneuriat féminin au Maroc: une étude exploratoire.* Congrès International Francophone en Entrepreneuriat et PME (pp. 1-19). Fribourg: Association Internationale de Recherche Entrepreneuriat et PME .
- Rafael Boix Domenech (2021). *The impact of Cultural and Creative industries on the wealth of countries-regions and municipalities.*
- Rao, R.V. (1979). *Small Industries and the Developing Economy in India.* New Delhi: Concept Pub.
- Rauch, A. & Frese, M. (2000). Psychological approaches to entrepreneurial success: A general model and an overview of findings. *International Review of Industrial and Organizational Psychology*,

- (15), 101-142.
- Robinson, P. & Sexton, E. (1994). The effect of education and experience on self-employment success. *Journal of Business Venturing*, 9(2), 141-156.
- Sarachek, B. (1978). American entrepreneurs and the Horatio Alger Myth. *Journal of Economic History*, 38(2), 439-456.
- Schere, J. (1982). Tolerance of ambiguity as a discriminating variable between entrepreneurs and managers. *Academy of Management Conference*, 404-448.
- Sexton, D.L. & Bowman, N. (1985). The entrepreneur: a capable executive and more. *Journal of Business Venturing*, 1(1), 129-140.
- Sirec, K. & Mocnik, D. (2000). How Entrepreneurs' Personal Characteristics Affect SMES' Growth. *Izvirni Znanstveni Članki*, (1-2), 3-12.
- Song Jian(ed). (1994). *Essentials of Modern Sciences*. Beijing: Science Press.
- Stewart, W. & et al. (2003). Entrepreneurial dispositions and goal orientations: A comparative exploration of United States and Russian entrepreneurs. *Journal of Small Business Management*, 41(1), 27-47.
- Storey, D. J. (1994). *Understanding small firms*. London: Routledge.
- Verso, Adorno, T. & Horkheimer, M. (1979). *The Dialectic of Enlightenment*. Trans. John Cumming. London: Verso.
- Wickham, P.A. (2001). *Strategic Entrepreneurship*. A decision-making approach to new venture creation and management. London: Pearson Education Limited.

References

- Adorno, T. (1991) *The Culture Industry: Selected Essays on Mass Culture*. London: Routledge.
- Adorno, T. and Horkheimer, M. (1979). *The Dialectic of Enlightenment*. Trans. John Cumming. London: Verso.
- Ahmadpour Dariani, Mohammad (1379). *Entrepreneurship: definitions, theories, models, publications of Pardis 57 Company*, Tehran. (In Persian)
- Aldrich, H. E., & Cliff, J. E. (2003). The pervasive effects of family on entrepreneurship: toward a family embeddedness perspective. *Journal of Business Venturing*, (18), 573-596.
- Andersson, S., Evers, N., Griot, C. (2013). Local and international networks in small firm inter-nationalization: cases from the Rhône-Alpes medical technology regional cluster. *Entrepreneurship & Regional Development* (25), 867-888.
- Anvari, Shapur (2019). Swimming behavior patterns of independent entrepreneurs in Iran, *Strategic Management Research Quarterly*, Tehran, 127-148 (In Persian)

- Awotoye, Y. F., & Singh, R. P. (2018). Immigrant entrepreneurs in the USA: A conceptual discussion of the demands of immigration and entrepreneurial intentions. *New England Journal of Entrepreneurship*, 21(2), 123-139.
- Bahrani Hassanabadi, Mehdi and colleagues (1401). "Production; knowledge-based and job-creating", *Majlis Research Center*. (In Persian)
- Barringer, B.R, Jones, F.F, Neubaum, D.O, (2005) , Aquantitative content analysis of the characteristics of rapid-growth firms and their founders , *Journal of Business Venturing* , 20(5), 663-687.
- Barkham, R. (1994). Entrepreneurial characteristics and the size of the new firm: a model and an econometric test. *Small Business Economics*, 6(2), 117-125.
- Bass, B.. & Stogdrill, R. (1990). *Bass & Stogdrill's handbook of leadership: Theory, research, and managerial implications*. New York: Free Press.
- Begley, T.. & Boyd, D. (1987). Psychological characteristics associated with performance in entrepreneurial firms and small businesses. *Journal of Business Venturing*, (2), 79-93.
- Brandstaetter, H. (1997). Becoming an entrepreneur: A question of personality structure? *Journal of Economic Psychology*, (18), 157-177.
- Brockhaus, R. H. & Horwitz, P. S. (1986). The art and science of entrepreneurship. *The Psychology of the Entrepreneur* , 25-48.
- Brockhaus, R.H. (1975). I-E locus of control scores as predictors of entrepreneurial intentions. *Academy of Management Proceedings*, 1975(1), 433-435.
- Brush, C. G. (1992). Research on women business owners: past trends, a new perspective and future directions. *Entrepreneurship: Theory and Practice*, 16(4), 5-30.
- Carsrud, A. L., Olm, K., & Eddy, G. (1987). Entrepreneurs-mentors, networks, and successful new venture development: An exploratory study. *American Journal of Small Business*, (12), 13-18.
- Cooper, A. C., & Dunkelberg, W. C. (1987). Entrepreneurial research: Old questions, new answers and methodological issues. *American Journal of Small Business*, (11), 11-24.
- Crant, J. (2000). Proactive behavior in organizations. *Journal of Management*, (26), 435-462.
- Davidsson, P. (2015). Entrepreneurial opportunities and the entrepreneurship nexus: a re-conceptualization. *Journal of Business Venturing*, 30(5), 674-695.
- Esfandiari Safa, Khosrow, Dehghan, Habibullah (2015). The components of the resistance economy from the perspective of the Supreme Leader, *Military Management Quarterly*. (61) 16. 84-60. (In Persian)
- Farshbaf Hakrou, Elaha, Salehi Amiri, Syed Reza, Rezaei, Ali Akbar and Tabibi, Seyed Jamaldin (2019). Designing an entrepreneurial development model in the area of native cultural industries of Iran,

- Journal of Intercultural Studies, pages 35-60. (In Pershian)
- Feng, Y. (2020). Evaluation and analysis of competitiveness of chinese cultural industry based on fuzzy clustering algorithm. *Solid State Technol.* (63), 8333–8341.
- Fox, S., Ben-Nahum, Z. & Yinon, Y. (1989). Perceived similarity and accuracy of peer ratings. *Journal of Applied Psychology*, 74(5), 781–786.
- Gartner, W. 1988. Who is entrepreneur? Is the wrong question. *American Journal of Small Business*, 12(4), 11–32.
- Hambrick, D. & Mason, P.A. (1984). Upper echelons: the organization as a reflection of its top managers. *Academy of Management Review*, 9(2), 193–206.
- Hazrati Soumea, Zahra and Qasim Ali, Mozghan (2015). Comparative study of cultural elements affecting social-economic development of Iran and South Korea with emphasis on common religions in these two countries, *Intercultural Studies Quarterly*, Tehran (41-80). (In Pershian)
- Hewison, R. (1997) *Culture and Consensus*. London: Methuen.
- House, J. & Shamir, B. (1993). Toward the integration of transformational, charismatic, and visionary theories of leadership. *Academic Press*, 81– 107.
- Jaafar, M., Ramayah, T. & Mohammed, O. (2004). Owner/manager characteristics and business performance: A study among Malaysian contractors. 18th Annual Conference of Australian and New Zealand Academy of Management.
- Jafarzadeh, Mojtabi (2019). Identifying the place of cultural and creative industries in the expansion of the soft power of the Islamic Republic of Iran, the sixth national conference of modern researches in the field of humanities and social studies of Iran. (In Pershian)
- Jernej Tiran (2022). *Industrial Culture as an agent of Social innovation: reflections from Velenje-Slovenia*.
- Krueger, N. F. (1993). Growing up 'entrepreneurial?' Developmental consequences of early exposure to entrepreneurship. *Academy of Management Best Paper Proceedings*.
- Kumar, A. & Sihag, S. (2012). Traits of Entrepreneurs of Small-Scale Sector. *IUP Journal of Entrepreneurship Development*, 9(2), 61–71.
- Kusaka, Kimindo (1978). *The New Culture Industry Tokyo*: Tokyo Keizai Shinposha.
- Locke, E. (2000). *The Prime Movers*. New York: Amacom.
- Lumpkin, G.T. & Dess, G. (1996). Clarifying the entrepreneurial orientation construcy and linking it to performance. *Academy of Management Review*, 21(1), 135–172.
- Padash, Hamid (2015). Development mechanisms of nascent entrepreneurship in Iran within the framework of resistance economy discourse. *Critical Research Journal of Humanities Texts and Programs*, 16 (Special Journal of Resistance Economy), 1-27. (In Pershian)
- Malek Ara, Melika (1400). Factors affecting the growth and success of knowledge-based companies, specialized scientific journal *Shabak*, 7th

- year, number 2 (series: 59) July 1400. (In Pershian)
- Manski, C.F. (1993). Identification of social endogenous effects: the reflection problem. *The Review of Economic Studies*, 60(3), 531–542.
- Matthews, C. H., & Moser, S. B. (1996). longitudinal investigation of the impact of family background and gender on interest in small firm ownership. . *Journal of Small Business Management*, (34), 24-43.
- McClelland, D. (1987). Characteristics of successful entrepreneurs. *Journal of Creative Behaviour*, 21(3), 219-233.
- McDonald, R.M. & Eisenhardt, K.M. (2020). Parallel play: startups, nascent markets, and effective business-model design. *Administrative Science Quarterly*, 65(2), 483–523.
- McClelland, D. 1987. Characteristics of successful entrepreneurs. *Journal of Creative Behavior*, 21(3), 219–233.
- Miri Abdolreza, Davarzani Mohammad, Sabzikaran Ismail, (2013), examining the role of social-cultural contexts of SME managers on corporate entrepreneurship, *Scientific-Research Quarterly of Management Studies (Improvement and Transformation)*, 23rd Year, (76), Winter 2013, Pages 29-57. (In Pershian)
- Mohanty S.K. (2006). *Fundamental of entrepreneurship*-Prentice-Hall of India.
- Morris, M.. & Zahra, S. (2000). Adaptation of the business concept over time: The case of historically disadvantaged South Africa owner/managers. *Journal of Small Business Management*, 38(1), 92–100.
- O’Conner, N., Hammack, F. M., Scott, M. A. (2010). Social capital, financial knowledge, and Hispanic college choices. *Research of Higher Education*, 51(3), 195-219.
- Petrakis, P. (2005). Risk perception, risk propensity, and entrepreneurial behavior: the Greek Case. *Journal of American Academy of Business*, 7(1), 233– 242.
- Rachdi, F. (2006). *L’entrepreneuriat féminin au Maroc : une étude exploratoire*. Congrès International Francophone en Entrepreneuriat et PME (1-19). Fribourg: Association Internationale de Recherche Entrepreneuriat et PME.
- Rafael Boix Domenech (2021).The impact of Cultural and Creative industries on the wealth of countries-regions and municipalities.
- Rajabipour Meybodi, A., Hosseini, A., Abdi Jamiraan, A., and Amiri, Z (2017). The impact of entrepreneurial behavior on the competitiveness of small tourism businesses; Case study: Shiraz. *Applied Studies in Management and Development Sciences*, 3(2), 59-68. (In Pershian)
- Rahman Nia, Maryam and Fakour Thaghieh, Amir Mohammad (2015), the reasons for the failure of entrepreneurial and start-up businesses and providing solutions for the development of entrepreneurship, the first international conference on management and entrepreneurship, Tehran. (In Pershian)
- Rao, R.V, *Small Industries and the Developing Economy in India*, New Delhi: Concept Pub,1979.

- Rauch, A. & Frese, M. (2000). Psychological approaches to entrepreneurial success: A general model and an overview of findings. *International Review of Industrial and Organizational Psychology*, (15), 101-142.
- Robinson, P. & Sexton, E. (1994). The effect of education and experience on selfemployment success. *Journal of Business Venturing*, 9(2), 141-156.
- Sarachek, B. (1978). American entrepreneurs and the Horatio Alger Myth. *Journal of Economic History*, 38(2), 439-456.
- Schere, J. (1982). Tolerance of ambiguity as a discriminating variable between entrepreneurs and managers. *Academy of Management Conference*, 404-448.
- Sexton, D.L. & Bowman, N. (1985). The entrepreneur: a capable executive and more. *Journal of Business Venturing*, 1(1), 129-140.
- Sirec, K. & Mocnik, D. (2000). How Entrepreneurs' Personal Characteristics Affect SMES' Growth. *Izvirni Znanstveni Članki*, (1-2), 3-12.
- Song Jian(ed). (1994). *Essentials of Modern Sciences*. Beijing: Science Press.
- Stewart, W. & et al. (2003). Entrepreneurial dispositions and goal orientations: A comparative exploration of United States and Russian entrepreneurs. *Journal of Small Business Management*, 41(1), 27-47.
- Storey, D. J. (1994). *Understanding small firms*. London: Routledge.
- Talebi, Cambyz, Asgari, Arin, Tajuddin, Mehran, Karazhan, Babak, Aghaei, Shima, (2008), *general theory of entrepreneurship*. Tehran. Tehran University School of Entrepreneurship Publications. (In Persian)
- Torbati, Saronaz (2016). Semiotic analysis of obstacles to the realization of resistance economy and providing solutions, *Intercultural Studies Quarterly*; Tehran; Pages 9-34. (In Persian)
- Turkzadeh Jafar, Fatemeh Abd Sharifi (2017). Contextualization of resistance economy as a behavioral system, two quarterly scientific research journals of Islamic economic studies, year 11, number 1, number 21, autumn and winter 2017, 113-140. (In Persian)
- Verso. Adorno, T., and Horkheimer, M. (1979) *The Dialectic of Enlightenment*. Trans. John Cumming. London: Verso.
- Wickham, P.A. (2001). *Strategic Entrepreneurship. A decision-making approach to new venture creation and management*. London: Pearson Education Limited.

Investigating the social success indicators of entrepreneurs in the field of cultural and creative industries with emphasis on paragraph 1 of resistance economy policies (knowledge-based companies)

Parastoo Kani

PhD student of Social Welfare, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding author).
kaniparastoo@gmail.com

 0009-0005-3963-2077

Maryam Fakhri

Ph.D in cultural sociology, Tehran, Iran.
maryamfakhri@gmail.com

 0009-0007-4144-2920

Abstract

In today's competitive environment, our main problem is the economy, and for the economic development of the country, we must move towards a knowledge-based economy. That is, instead of selling raw materials and providing raw materials to other countries, raw materials can be transformed into creative goods through knowledge. The purpose of this research is to investigate the indicators of social success of entrepreneurs in the field of cultural and creative industries, which was obtained using qualitative and thematic analysis methods, interviews and answers from eight managers and experts of successful companies in this field. did they do. (Eight entrepreneurial interviews are specific to the city of Tehran). The findings are attention to social contexts that include social networks (family background, peer support, educational institutions, entrepreneurial behavior, access to resources and mass media). It is also an individual context and considering identity and personality characteristics. The result of this research is that, despite having a behavior, entrepreneurship cannot be understood from economic relations outside of social relations, and it is one of the basic problems in social networks. To seek to fix and strengthen them by using the guidelines of resistance economy.

Keywords: Entrepreneurs' Success, Cultural and Creative Industries, Social Communication Network, Contexts Resistance Economics.

E-ISSN: 2588-655X / Center for Strategic Research / The Socio-cultural Strategy Journal of Rahbord

Journal of "Rahbord -E- Ejtemaei Farhangi" © 11 years by Center for Strategic research is licensed under [CC BY 4.0](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)



 10.22034/SCS.2024.415763.1497

Incompatible marriage; Contexts, consequences and solutions

Esmail Jahani Dolatabad

Associate professor, Department of History and Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran (Corresponding author).
sml.jahani@gmail.com  0000-0001-8983-448X

Taha Ashayeri

Assistant Professor, Department of History and Sociology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.
t.ashayeri@gmail.com  0000-0001-8210-8899

Hossein Heydari

Assistant Professor, Institute for Humanities and Social Studies. ACECR, Tehran, Iran.
heidari@acecr.ac.ir  0000-0002-3763-2429

Abstract

Deep socio-cultural changes in recent decades have brought about fundamental changes in the way people look at family and marriage, and today, compared to the relatively homogeneous situation of the past, we are faced with a very diverse range of marital attitudes. Based on this, the current study, focusing on the concept of "Incompatible Marriage", is based on the basic assumption that incompatible attitude combinations in marriage act like incompatible blood combinations and can equally be destructive, challenging and harmful to the marital relationship. be corrosive In the present study, the above hypothesis was tested based on the secondary analysis of the data of two couple surveys (husband and wife) in 2013 and 2014, and the results of both surveys showed a significant positive correlation between the attitudinal gap between couples and their marital quality. And it also shows between the attitude gap and the degree of tendency to divorce. In short, these results indicate the frequency of marital conflicts and the severity of the tendency to divorce in discordant marriages and introduce the risk of divorce and tense marriages devoid of quality as the most important consequences of discordant marriages. This is despite the fact that both in studies and researches and in family policies, instead of focusing on the main root of the problem (occurrence of discordant marriages), the emphasis is on how couples manage and cope with problems and challenges that somehow they are considered the result of the mentioned issue. Based on this, the current review emphasizes the need for a fundamental change in approach from marriage to marriage, and focusing on the prevention of discordant marriages in the policies of this field, and in order to achieve this goal, specific implementation plans in the form of three strategies provides continuous assessment and monitoring", "training and culture building" and "strengthening of consulting services".

Keywords: Marriage, Marital, Disharmonious marriage, Divorce, Family policy.

Qualitative study of the issue of identity, identity conflict and factors affecting it in teenage girls (first and second high school)

Maryam Solgi

Member of the academic staff of Islamic Studies Department. Theology faculty. Alzahra University, Tehran, Iran (Corresponding author).

m.solgi@alzahra.ac.ir

 0000-0003-1972-3084

Zeynab Shahbazi

Master's degree in social sciences, Faculty of Social and Economic Sciences, Alzahra University Tehran, Iran.

shahbazi.zeynab@yahoo.com

 0000-0003-85909-7786

Abstract

Identity has different dimensions and the most important one is individual and social identity. Meanwhile, the identity of girls and women as people who educate the future generations in the hands of teenage girls is more important. This research is aimed at the statistical system of the problems of teenage girls in the issue of identity from all over the country. In fact, in this research, we have defined identity, identity conflict and its effective factors, and the level of satisfaction with sexual identity from the point of view of adolescent girls. This research was done with qualitative method and qualitative content analysis technique. The target population of the current research is all the female students of the first and second secondary level from all over the country, and 18 people have been selected as a sample in this research. Examining the interviews and data analysis showed that in general, some teenage girls have knowledge about their identity in different dimensions, but some not only do not have knowledge, but are also dissatisfied with their identity. Dissatisfaction with identity is very evident, especially in the aspect of sexual identity. From the point of view of the interviewees, various factors such as family, social structures, media, peer group play a role in teenage girls' dissatisfaction with their identity. In examining the religious identity of teenage girls, regarding the principle of religion, there is a belief in the monotheism and oneness of God among many teenagers. Criticizing the teachings of Islam and the attitude towards Islam, some teenagers seek to convert to Christianity, and some have pointed out their weakness in performing religious rituals. The most important doubts of teenagers are related to the topic of resurrection, Imam of the time, hijab and trend towards new hairstyles.

Keywords: Identity, Individual identity, Social identity, Identity conflict, Adolescent girls.

E-ISSN: 2588-655X / Center for Strategic Research / The Socio-cultural Strategy Journal of Rahbord

Journal of "Rahbord -E- Ejtemaei Farhangi" © 11 years by Center for Strategic research is licensed under [CC BY 4.0](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)



10.22034/SCS.2023.395980.1436

Japan's policies in the face of population aging: Lessons for Iran

Nahid Pourrostami

Department of East, South Asia and Pacific, Faculty of World Studies, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding author).

prostami@ut.ac.ir

 0000-0003-0859-4985

Roghayeh Rahbari Fard

Master of Japanese Studies, Tehran, Iran.

roghayerahbari@yahoo.com

 0009-0000-4959-0150

Mojan Lor Kalantari

Master of Japanese Studies, Tehran, Iran.

mojan.kalantari@gmail.com

 0009-0009-5060-7322

Fatemeh Torabi

Associate Professor, Department of Demography, School of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

fatemeh_torabi@ut.ac.ir

 0000-0002-7520-1689

Abstract

The experience of population aging in Japan and the effectiveness of various policies implemented in this country have important lessons for population aging in the next two decades in Iran. This experience shows that firstly, the implementation of the policy of increasing the fertility rate after reaching a minimum level is more complicated than expected and probably ineffective. Such an issue led to the reform of Japan's policy and the adoption of approaches for a society independent of people's age. This means that people of any age can play an active role in society with their maximum ability. The second lesson is the influence of the nation's historical memory on their future policies and how governments deal with past experiences in making future decisions. Applying mixed and multifaceted policies is also one of the lessons that can be learned from Japan's experience. The last lesson is how Japan approaches in identifying cultural barriers and using social programs along with financial and economic incentives. Numerous examples and experiences have been discussed in detail in this research.

Using the demographic data available in the United Nations data banks, Statistical Center of Iran and the first-hand documents published by the Japanese government in the databases of the relevant institutions, the demographic indicators of Iran and Japan, a country which turned into a super-aged society at the fastest speed, and according to many analysts in this field, it has used a variety of effective policies to deal with this phenomenon were compare.

Keywords: population aging, Japan, Iran, age-friendly communities.

The spiritual value of work and earning money in the Qur'anic culture with a jurisprudential, moral and educational approach

Ehsan Khalili

Ph.D in jurisprudence and principles Graduated from Qom Seminary, Qom, Iran.
Ehkh14@gmail.com

 0000-0002-2840-8417

Abstract

This article deals with the topic of business in the culture of the Quran, explaining the special view of the Quran on earning money and the spiritual Quran clarified work in the culture. The purpose of writing this article was to help promote and strengthen the culture of work as an Islamic value, which is stated in Clause 1 of General Employment Policies, Imam Khamenei's Communiqué. The most important issue in this writing was to correct the belief in the separation between work and spirituality. Some people believe that earning money is a kind of pollution to the world that is in conflict with spirituality, and to earn spirituality, separate times should be set aside. While by explaining the culture of the Qur'an, we found that it is possible to take a spiritual view of earning money and use it to develop spirituality in oneself. This article, with a qualitative research method in the descriptive-analytical branch, based on the disciplined methods of jurisprudential inference, by using the rules of understanding the text in jurisprudence and principles, went to verses and traditions to explain the spiritual value of business in the culture of the Qur'an. Therefore, first the lexical meaning of work in Farsi and Arabic was clarified, then by referring to jurisprudential traditions, the interpretations of Islam for business were obtained. To refer to business, the Holy Quran has used the special expression "Al-Ibatghaa min Fazlullah" which was carefully used in the subtleties used in this definition, the spiritual and special view of the Quran towards earning money was obtained and the spiritual value of work in the culture of the Quran is clear. became.

Keywords: Work, Business, earning money, Spirituality, Growth of spirituality, Spirituality in business, Quranic culture.

E-ISSN: 2588-655X / Center for Strategic Research / The Socio-cultural Strategy Journal of Rahbord

Journal of "Rahbord -E- Ejtemaei Farhangi" © 11 years by Center for Strategic research is licensed under [CC BY 4.0](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)



 10.22034/SCS.2023.398924.1448

Sociological investigation of the opportunities and limitations of ethnic diversity affecting the sense of belonging to the national community (case study of Ahvaz metropolis)

Bahram Sarvestan

Ph.D student in Economic Sociology and Development, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran.

sarvestan_b@yahoo.com

 0009-0007-8471-8608

Ahmad Azin

Associate Professor, Department of Political Science, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran (Corresponding author).

a.azin@khuisf.ac.ir

 0000-0002-7944-6173

Naser Hejazi

Assistant Professor, Department of Sociology, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran.

hejazinaser@yahoo.com

 0000-0003-1994-1436

Abstract

The feeling of belonging to the national community is one of the most important issues faced by countries with ethnic diversity. For the formation of national solidarity, unity and attachment, in any society, there needs to be a feeling of belonging to the national community and common values among the members of that society. The main goal of this research was to sociologically investigate the opportunities and limitations of ethnic diversity affecting the sense of belonging to the national community. Research method: The descriptive research method was a survey and the statistical population was all heads of households living in Ahvaz metropolis. Stratified random sampling method was used and 500 people were selected as the sample size using Sample Power software. The data collection tool was a researcher-made questionnaire with 62 questions, the construct validity of which was confirmed through confirmatory factor analysis, and its reliability coefficient was also confirmed through Cronbach's alpha ($\alpha=0.75$). Data analysis was done by using spss and amos software and by structural equation model analysis at two descriptive and inferential levels. Data analysis was done using spss and amos software and structural equation model analysis at two descriptive and inferential levels. The results of the research showed that the opportunities of ethnic diversity with the path coefficient (0.874) and the limitations of ethnic diversity with the path coefficient (-0.561) at the level of (0.001) have a significant effect on the feeling of belonging to the national community.

Keywords: Sense of Belonging to the National Community, Ethnic Diversity, Opportunities and Limitations, Ahvaz Metropolis.

Comparative study of science promotion categories and topics in cyberspace; A case study of Iranian, American and Malaysian websites

Majid Soleimani Sasani

Assistant Professor of Communication, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

msoleimani@ut.ac.ir

 0000-0001-6443-4236

Abstract

The present study seeks to know the approaches of science promotion in virtual media. The main question of this research is what are the approaches used in promoting scientific content in virtual space? The purpose of research is to show the system of new topics in new media. In this research, 15 selected sites from America, Malaysia, and Iran have been studied and compared. The analysis method of this research is qualitative content analysis with a comparative approach. In the current research, the unit of analysis is "website". Websites that each have specific approaches in the field of popular science promotion. "Meaning" unit is also a set of images, words or sentences in which one can find a connection of similar and identical meanings and categorize them based on the meaning.

The results of this study show that the promotion of science in the media, based on categories such as; The topics are agriculture and environment, indigenous culture and knowledge, health, healthcare and treatment, tourism, entrepreneurship and self-employment, and media literacy. In the meantime, attention to local culture and knowledge has been more on Iranian sites and some Malaysian sites than on American sites. However, it can be said that the tendency to promote modern science in all categories is greater among American and Malaysian sites.

Keywords: Science communication, science promotion, Cyberspace, qualitative content analysis, categorization.

Identifying the mental model of experts regarding the influence of ethnic factors in the process of national branding

Sajad Kordani

Ph.D Student of Department of Communication Sciences & Knowledge Studies, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Sajadkordani@gmail.com

 0000-0002-9286-5778

Zahra Kharazi Mohamadvandi Azar

Assistant Professor of Department of Communication Sciences & Knowledge Studies, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding author).

cyber.diplomacy@gmail.com

 0000-0003-0912-3536

Mohamad Soltanifar

Associate Professor of Department of Communication Sciences & Knowledge Studies, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

m-soltanifar@srbiau.ac.ir

 0000-0003-1006-8298

Abstract

Identification of ethnic components is one of the influential issues that become important in the process of national branding. One of the duties of the governments in the modern world is to use the capacity of national branding in order to achieve political, social and economic goals in order to differentiate, create power and attractiveness. For this reason, the aim of this article is to identify and rank the ethnic factors affecting the national brand, which leads to the discovery of the mental model of national branding experts. Using library studies and reviewing written sources, the following article tries to answer the question, what is the impact of Iranian ethnic groups on the national brand? The research method of this article is the "Q" test, which identifies the relationship between Iranian ethnic groups and the national brand, and by using exploratory factor analysis, it identifies the mental model of experts in the field of national brand. The findings of the article show that eight components have been discovered for the variable of Iranian ethnic groups and six components for the variable of the national brand. There is a negative and significant relationship.

Keywords: Brand, National Branding, Ethnic Elements, National Image Management, Factor Analysis.

Population Forecasting and Dynamic Analysis of Population Structure Changes in Iran: (1355 to 1455)

Amran Gheisar

Ph.D student, department of economics, Miyaneh Branch, Islamic Azad University, Miyaneh, Iran.

am.gh79@yahoo.com

 0009-0003-1940-796x

Sima Eskandari Sabzi

Assistant Professor, Department of Economics, Miyaneh Branch, Islamic Azad University, Miyaneh, Iran (Corresponding author).

si.eskandari@iau.ac.ir

 0000-0002-8622-5192

Ali Salmanpour Zenoz

Assistant Professor, Department of Economics, Marand branch, Islamic Azad University, Marand, Iran.

ali_salmanpour@marandiau.ac.ir

 0000-0004-2470-7630

Seyed Yousef Hajiasghari

Assistant Professor, Department of management, Miyaneh Branch, Islamic Azad University, Miyaneh, Iran.

s.y.hajiasghari@gmail.com

 0000-0001-5619-8480

Abstract

Following the population control policy of international which was implemented in Iran in the last few decades, today has caused a huge change in the demographic age structure and has pushed the country's population towards an increase in the rate of old age. It has caused the dependency rate to be one of the basic challenges of policy makers in the future. Therefore, the current research has simulated the changes in the structure of the Iran's population during the years 1355 to 1455 by using dynamic systems modeling. The results of forecasting the structural changes of the population show that the country's population will reach 94132000 million people in 1426 with an average annual fertility rate of 1.6. After that, it started a downward trend and will reach 86416400 people in 1455. This is despite the fact that the elderly population will grow increasingly during this period; So that it will reach 29% of the total population. The results show that due to the unbalanced population growth of the country in three decades (60s, 50s and 70s) and the increase in life expectancy from 54 years to 76 years, in the coming decades the population structure of the country will be an aging structure and due to the increase in the rate of the dependence of the country's population will have harmful economic consequences.

Keywords: Dynamic Systems Approach, Population structure changes, Dependency rate.

E-ISSN: 2588-655X / Center for Strategic Research / The Socio-cultural Strategy Journal of Rahbord

Journal of "Rahbord -E- Ejtemaei Farhangi" © 11 years by Center for Strategic research is licensed under [CC BY 4.0](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)



 10.22034/SCS.2023.386882.1412

Pathology of policy making in Iran; with an emphasis on the social issue

MohammadTaghi Zargham Afshar

Resercher of Parliament Research Center, Tehran, Iran (Corresponding author).

zargham.mohammad@gmail.com

 0009-0007-4600-1972

Sina Sheikhi

Resercher of Parliament Research Center, Tehran, Iran.

sina.sheikhi@ut.ac.ir

 0000-0000-0000-0000

Komeil Gheidarlou

Assistant professor of Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

gheidarloo@isu.ac.ir

 0000-0000-0000-0000

Abstract

Since the formation of the quasi-modern state in Iran, the lack of a comprehensive approach to the issue of development and the gradual dominance of readings of governance that are defined as state-oriented and asocial have led to the prosperity of the social issue and the collapse of the bio-historical logic of the Iranian society. In this article, while using Parsons's four-level theoretical system and with a neo-functional approach, using the descriptive-analytical method and using documentary studies, the conceptual revision of the social issue and its separation from other areas have been discussed. It has been explained that the social issue, due to its centrality in the public and "informal" sphere, is different from the political issue, due to the emphasis on factors such as social justice, public satisfaction, and social trust, from the economic issue, and due to relying on relationships, links and objective roles that They are defined against mental patterns, it is distinguished from the cultural thing. Then, by criticizing theories such as "division of knowledge" and the approach of "methodological individualism", it deals with the most important theoretical causes and the approach that leads to the rejection of the social issue from the theoretical field and its marginalization from the policy-making position, and finally shows the mechanism that is defined. How can we witness the formation of social governance by considering social strains in policy making.

Keywords: Social issue, Social policy, Market system, Development.

The role of development indicators in demographic changes and policy-making: with an emphasis on Iran

Asghar Mirfardi

Associate Prof. of Sociology, Sociology and Social Planning Department, College of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran.
amirfardi@shirazu.ac.ir

 0000-0002-1219-4485

Abstract

Using documentary and library methods, secondary analysis, and resources in the field of historical, demographic and developmental changes, this article has analyzed the role of development indicators in demographic changes and policy-making in the world and Iran. The main question of the article was what is the connection between demographic changes and development, and what scenario can be proposed for the population policy of a country like Iran? The findings showed that demographic indicators have changed in line with developmental changes and developed and developing countries of the world - including Iran - have different demographic indicators. Countries with high population growth have lower rates of success and human development than developed countries with lower population growth. In line with the second demographic transition, a type of cultural transition has occurred in family values and having children in less developed countries which affects the behavior of having children. Finally, population policy scenarios are presented in relation to the rate of population growth and the level of development of countries. The trend of economic, social, and demographic changes shows the necessity of a kind of contingent-comparative population policy. For a society like Iran, a stabilization scenario for a "dynamic balance" is proposed.

Keywords: Demographic change, Development, Population policy, World, Iran.

E-ISSN: 2588-655X / Center for Strategic Research / The Socio-cultural Strategy Journal of Rahbord

Journal of "Rahbord -E- Ejtemaei Farhangi" © 11 years by Center for Strategic research is licensed under [CC BY 4.0](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) 

 10.22034/SCS.2023.393589.1428

Evolutionary strategies of the Islamic Revolution for the aim of new Islamic civilization

Mostafa Lotfijalalabadi

Assistant Professor, Faculty of Management, Shahid Sattari University of Aviation Sciences and Technology, Tehran, Iran (Corresponding author).

lotfi200988@yahoo.com

 0000-0003-0344-2536

Ali Farhadi

Assistant Professor, Faculty of Management, Shahid Sattari University of Aviation Sciences and Technology, Tehran, Iran.

ali_farhadi92@yahoo.com

 0000-0002-2136-7325

Abstract

According to the Supreme Leader, who said, "We had an Islamic revolution, then we formed the Islamic system, the next stage is the formation of the Islamic state, the next step is the formation of the Islamic State, and the next stage is the formation of the international Islamic civilization." Today, we are in the stage of the Islamic State and the Islamic Country; Therefore, it is necessary to determine its strategies to achieve the Islamic State and Islamic civilization. Accordingly, the purpose of the current study is to determine the evolutionary strategies of the Islamic Revolution for the aim of the new Islamic civilization. This research is developmental in terms of purpose and descriptive-analytical in terms of method, with exploratory approach which has been done by grounded theory method (Glaser emerging approach). In addition, the statistical population of the research are the guidelines and plans of Imam Khomeini (Modzaleh Al-Aali) and the Constitution of the Islamic Revolution. The qualitative method was employed to analyze the data using MAXQDA Software. Finally, the findings of the research were divided into seven main themes i.e., the use of jihadi management, development of Islamic lifestyle, scientific development, preservation of revolutionary ideals, repulsion of threats, central justice and fight against corruption, implementation of resistance economy. Besides, some suggestions were provided in this regard.

Keywords: Islamic Revolution, Supreme Leader, Imam Khomeini, Constitution.

E-ISSN: 2588-655X / Center for Strategic Research / The Socio-cultural Strategy Journal of Rahbord

Journal of "Rahbord -E- Ejtemaei Farhangi" © 11 years by Center for Strategic research is licensed under [CC BY 4.0](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)



10.22034/SCS.2023.315916.1214

Contents

Evolutionary strategies of the Islamic Revolution for the aim of new Islamic civilization / 1149

Mostafa Lotfijalalabadi and Ali Farhadi

The role of development indicators in demographic changes and policy-making; with an emphasis on Iran / 1181

Asghar Mirfardi

Pathology of policy making in Iran; with an emphasis on the social issue / 1221

MohammadTaghi Zargham Afshar, Sina Sheikhi and Komeil Gheidarlou

Population Forecasting and Dynamic Analysis of Population Structure Changes in Iran: (1355 to 1455) / 1251

Amran Gheisar, Sima Eskandari Sabzi, Ali Salmanpour Zenoz and Seyed Yousef Hajiasghari

Identifying the mental model of experts regarding the influence of ethnic factors in the process of national branding / 1283

Sajad Kordani, Zahra Kharazi Mohamadvandi Azar and Mohamad Soltanifar

Comparative study of science promotion categories and topics in cyberspace; A case study of Iranian, American and Malaysian websites / 1311

Majid Soleimani Sasani

Sociological investigation of the opportunities and limitations of ethnic diversity affecting the sense of belonging to the national community (case study of Ahvaz metropolis) / 1347

Bahram Sarvestan, Ahmad Azin and Naser Hejazi

The spiritual value of work and earning money in the Qur'anic culture with a jurisprudential, moral and educational approach / 1389

Ehsan Khalili

Japan's policies in the face of population aging: Lessons for Iran / 1411

Nahid Pourrostami, Roghaye Rahbari Fard, Mojan Lor Kalantari and Fatemeh Torabi

Qualitative study of the issue of identity, identity conflict and factors affecting it in teenage girls (first and second high school) / 1451

Maryam Solgi and Zeynab Shahbazi

Incompatible marriage; Contexts, consequences and solutions / 1497

Esmaeil Jahani Dolatabad, Taha Ashayeri and Hossein Heydari

Investigating the social success indicators of entrepreneurs in the field of cultural and creative industries with emphasis on paragraph 1 of resistance economy policies (knowledge-based companies) / 1533

Parastoo Kani and Maryam Fakhri



**Institute for Strategic
Research**

Publisher
**Institute for Strategic
Research
Expediency Council**

Managing Director
**Dr. Mohammadreza
Majidi**

Editor-in-Chief
**Dr. Gholamreza
Jamshidiha**

Deputy editor
Dr. Iman Irfan Mensh

Internal Director
Dr. Maryam Fakhri

Layout and Graphics
Reza Abdollahi Bejandi

Editor
Reza Diba

ISSN: **2251-7081**
Electronic ISSN
2588-655X

Publication
**Information for
Strategic Research**

Quarterly of The Socio-cultural Strategy Journal 49

Vol. 12 - No. 4 - Issue. 49- Winter 2024

Editorial Board

Dr. Gholamreza Jamshidiha

Dr. Mohammad Bagher Khorramshad

Dr. Seyyed Mohammad Hosseini

Dr. Bahram Bayat

Dr. Ibrahim Fayaz

Dr. Hamid Parsania

Dr. Seyed Saeed Zahid Zahedani

Dr. Hossein Bostan (Najafi)

Dr. Abdulhossein Kalantari

Dr. Gholamreza Tajbakhsh

This journal is printed according to letter No. 90/25595, dated 12 December 2011

According to letter No 2/18/3511, dated 2 June 2013 of the Ministry of Science, Research and Technology, The Socio-cultural Strategy Journal has been accredited as a scientific-research Journal since spring 2012.

Address: No. 10, between 4th and 65th alley, North Mossadegh St, Mirdamad, Tehran, Iran

Postcode: 1591816911

Tel: +98 21 22258921

Fax: +98 21 22258921

Website: rahbordfarhangi.csr.ir **Email:** rahmagiran@gmail.com

Price: 200000 Rials